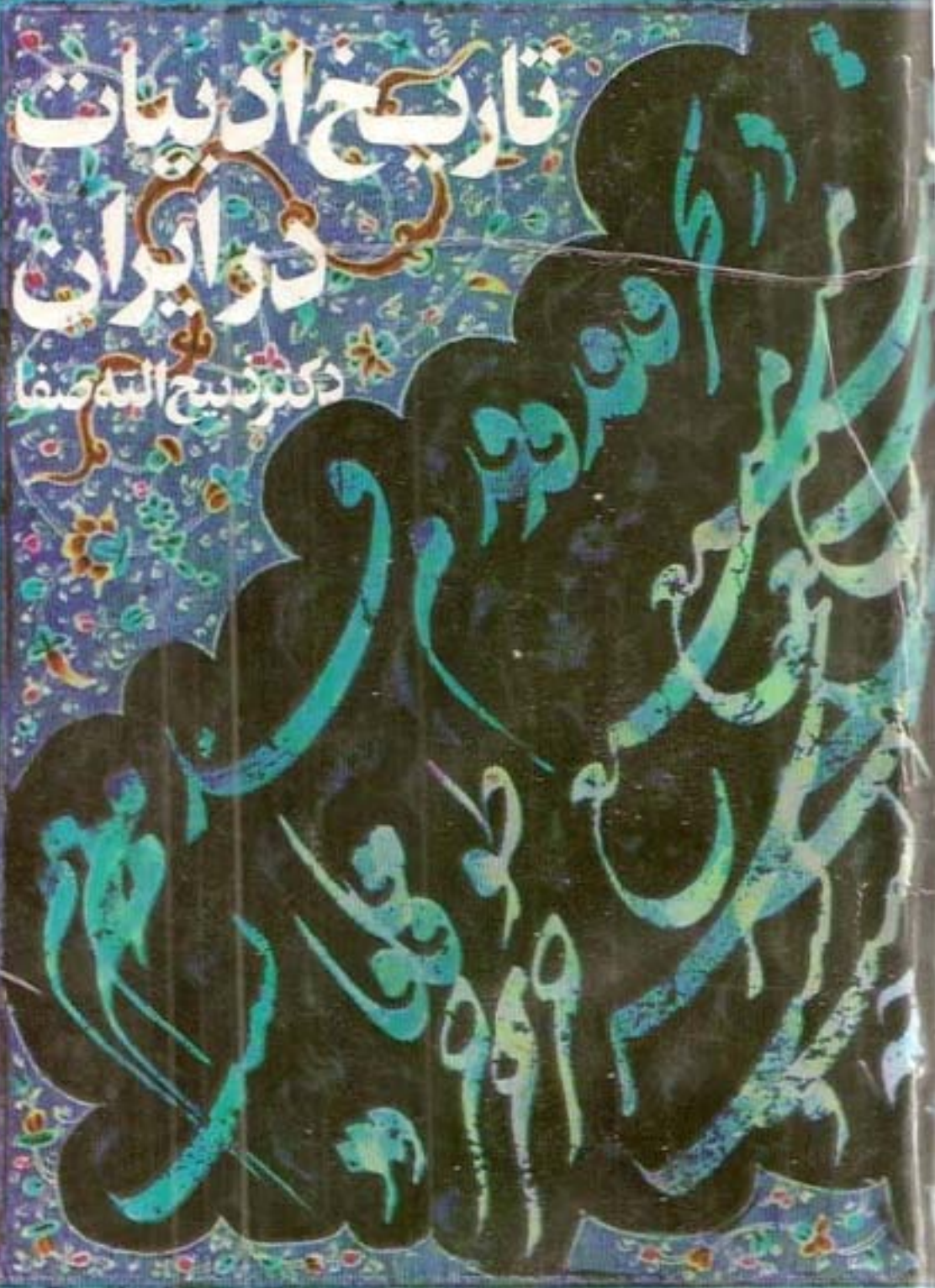




تاریخ ادبیات

دروازان

دکتر سید اله صفی



تاریخ ادبیات در ایران

تاریخ ادبیات در ایران

و در قلمرو زبان پارسی

جلد پنجم

از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری

بخش سوم

شریاری و پارسی نویسان

تألیف :

دکتر ذیح الله صفی



با همکاری



انتشارات فردوس: خیابان مجاهدین اسلام - شماره ۲۶۲ - تلفن ۳۰۲۵۳۳

تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی (جلد پنجم - بخش سوم)

تألیف: دکتر ذبیح‌الله صفا

چاپ اول: ۱۳۷۰ - تهران

حروفچینی و صفحه‌آرایی: سبا (فانسی) ۶۴۰۲۹۵۵

چاپ: چاپخانه تابش - تهران

لینوگرافی لادن

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه

ص ۱۴۳۹ - ۱۴۴۰

بهره چهارم

نثر فارسی از نخستین سالهای سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری

ص ۱۴۴۱ - ۱۶۰۲

وضع عمومی نثر و ویژگیهای آن

ص ۱۴۴۱ - ۱۴۵۹

زیر عنوان فوق اختصاصات نثر و وضع عمومی آن ذیل بیست شماره که هر یک حکم فصلی کوتاه دارد، مورد بحث قرار گرفته است.

انواع آثار منشور و موضوعات آنها

ص ۱۴۶۰ - ۱۶۰۲

۱۴۶۰	تنبيه
۱۴۶۰ - ۱۴۶۲	نثر صوفیانه و عارفانه
۱۴۶۲ - ۱۴۸۳	اثرهای مذهبی
۱۴۸۳ - ۱۴۹۸	جستارهای اخلاقی
۱۴۹۹ - ۱۵۰۲	موضوعهای علمی
۱۵۰۲ - ۱۵۴۷	قصه‌ها و داستانها
۱۵۴۸ - ۱۵۵۰	کتابهای قصص و حکایات
۱۵۵۰ - ۱۵۸۲	تاریخ نویسی ^۱
۱۵۸۲ - ۱۵۸۶	تراجم احوال صوفیان
۱۵۸۶ - ۱۵۸۷	سرگذشت حکیمان و عالمان
۱۵۸۷ - ۱۵۸۸	تاریخ وزیران و امیران
۱۵۸۸ - ۱۵۹۴	تذکره‌های فارسی
۱۵۹۴ - ۱۶۰۰	ترسل
۱۶۰۰ - ۱۶۰۱	نثرهای ادبی

۱- ذیل عنوان فوق از صفحه ۱۵۵۰ تا ۱۵۸۲ عنوانهای زیرین مورد بحث قرار گرفته است: تواریخ عمومی عالم (ص ۱۵۵۲)، تواریخ ایران و اسلام تا عهد صفویان (ص ۱۵۶۰)، تاریخهای ویژه دوره صفویان و نادرشاه (ص ۱۵۶۲)، تواریخ سلاطین هند (ص ۱۵۷۰)، تواریخ محلی (ص ۱۵۷۵)، تواریخ دینی (ص ۱۵۷۸).

۱۶۰۱

انواع دیگر نثر

۱۶۰۲

نکته قابل ذکر

بهره پنجم

پارسی نویسان

از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری

ص ۱۶۰۳ - ۱۸۱۰

۱۶۰۳ - ۱۶۰۵

۱- حکیم الدین ادریس

۱۶۰۶

۲- میر جمال حسینی

۱۶۰۷ - ۱۶۰۸

۳- حسن بن روزبهان

۱۶۰۸ - ۱۶۱۱

۴- قاضی اختیار

۱۶۱۱ - ۱۶۱۲

۵- قطب بن محیی

۱۶۱۲ - ۱۶۱۶

۶- قاضی احمد غفاری

۱۶۱۶ - ۱۶۱۷

۷- فاضل ابهری

۱۶۱۷ - ۱۶۱۹

۸- ابن کمال پاشا

۱۶۱۹ - ۱۶۲۰

۹- جمالی دهلوی

۱۶۲۱ - ۱۶۲۳

۱۰- واصفی هروی

۱۶۲۳ - ۱۶۲۶

۱۱- زواری

- ۱۲- ابوالفضل منشی شیرازی
 ۱۳- عبدالوهاب همدانی
 ۱۴- شاه طاهر دکنی
 ۱۵- امیر محمود
 ۱۶- میر یحیی و فرزندانش

۱۶۲۶ - ۱۶۲۷
 ۱۶۲۷ - ۱۶۲۸
 ۱۶۲۹ - ۱۶۳۳
 ۱۶۳۳
 ۱۶۳۴ - ۱۶۳۹

- میر عبداللطیف ۱۶۳۶.
 میر غیاث الدین علی ۱۶۳۶.
 میر علاءالدوله کامی ۱۶۳۷.
 تتمه احوال میر یحیی ۱۶۳۸.

- ۱۷- مظفر بن محمد شفایی
 ۱۸- حکیم شاه محمد قزوینی
 ۱۹- فخری هروی
 ۲۰- خورشاه
 ۲۱- سامی
 ۲۲- مصلح الدین لاری
 ۲۳- حسن بیگ روملو
 ۲۴- ملا فتح الله کاشانی
 ۲۵- قاضی میر احمد قمی
 ۲۶- وقوعی نیشابوری
 ۲۷- نظام الدین هروی
 ۲۸- امین بن احمد رازی

۱۶۳۹ - ۱۶۴۱
 ۱۶۴۱ - ۱۶۴۵
 ۱۶۴۵ - ۱۶۵۴
 ۱۶۵۴ - ۱۶۵۹
 ۱۶۵۹ - ۱۶۶۳
 ۱۶۶۳ - ۱۶۶۹
 ۱۶۶۹ - ۱۶۷۵
 ۱۶۷۵ - ۱۶۷۷
 ۱۶۷۷ - ۱۶۸۱
 ۱۶۸۱ - ۱۶۸۴
 ۱۶۸۴ - ۱۶۸۷
 ۱۶۸۷ - ۱۶۹۱

۱۶۹۵ - ۱۶۹۱	۲۹- شرفخان بدلیسی
۱۶۹۷ - ۱۶۹۶	۳۰- نمکین هروی
۱۶۹۷	۳۱- محمود نطنزی
۱۷۰۱ - ۱۶۹۷	۳۲- ابوالفضل علامی
۱۷۰۳ - ۱۷۰۲	۳۳- محمد طاهر سبزواری
۱۷۰۴ - ۱۷۰۳	۳۴- عبدالحق حقی
۱۷۰۸ - ۱۷۰۵	۳۵- قاضی نورالله
۱۷۰۹ - ۱۷۰۸	۳۶- عبدالفتاح فومنی
۱۷۱۱ - ۱۷۰۹	۳۷- محمد قاسم فرشته
۱۷۱۳ - ۱۷۱۲	۳۸- خواجه نعمه الله هروی
۱۷۱۵ - ۱۷۱۳	۳۹- میر تقی الدین ذکری
۱۷۱۷ - ۱۷۱۶	۴۰- حسن بیگ خاکسار
۱۷۱۸ - ۱۷۱۷	۴۱- ظهوری ترشیزی
۱۷۲۲ - ۱۷۱۸	۴۲- طرزی
۱۷۲۵ - ۱۷۲۲	۴۳- ملک شاه حسین سیستانی
۱۷۲۶ - ۱۷۲۵	۴۴- میر حیدر حسینی
۱۷۲۷ - ۱۷۲۶	۴۵- معتمد خان
۱۷۲۹ - ۱۷۲۷	۴۶- مجدی
۱۷۳۳ - ۱۷۳۰	۴۷- میر تقی اوحدی
۱۷۳۳	۴۸- محمد باقر افصح
۱۷۳۴ - ۱۷۳۳	۴۹- قبچاق خان
۱۷۳۹ - ۱۷۳۵	۵۰- عبدالنبی فخر الزمانی
۱۷۴۲ - ۱۷۳۹	۵۱- عبدالباقی نهاوندی

۱۷۴۵ - ۱۷۴۲	۵۲- اسکندربیک منشی
۱۷۴۶ - ۱۷۴۵	۵۳- محمدصادق همدانی
۱۷۴۷ - ۱۷۴۶	۵۴- علی اکبر حسینی اردستانی
۱۷۵۰ - ۱۷۴۷	۵۵- منیر لاهوری
۱۷۵۰	۵۶- محمدیوسف اتکی
۱۷۵۶ - ۱۷۵۰	۵۷- میرزا صادق مینا
۱۷۵۸ - ۱۷۵۶	۵۸- عنایت‌الله کنبو
۱۷۶۲ - ۱۷۵۹	۵۹- جلالای طباطبایی
۱۷۶۵ - ۱۷۶۲	۶۰- کاشف
۱۷۶۶ - ۱۷۶۵	۶۱- محمد صالح کنبو
۱۷۷۰ - ۱۷۶۶	۶۲- دارا شکوه
۱۷۷۴ - ۱۷۷۰	۶۳- طغرا
۱۷۷۶ - ۱۷۷۴	۶۴- میرزا محمدیوسف قزوینی
۱۷۷۷ - ۱۷۷۶	۶۵- برهمن
۱۷۷۹ - ۱۷۷۷	۶۶- ولی‌قلی شاملو
۱۷۷۹	۶۷- عرشی
۱۷۸۴ - ۱۷۷۹	۶۸- محمد مفید مستوفی
۱۷۸۷ - ۱۷۸۴	۶۹- نصر آبادی
۱۷۸۸ - ۱۷۸۷	۷۰- محمد ابراهیم نصیری
۱۷۸۹	۷۱- سید حسن استرآبادی
۱۷۹۱ - ۱۷۸۹	۷۲- نعمت خان عالی
۱۷۹۳ - ۱۷۹۱	۷۳- شاه محمد دارابی
۱۷۹۴	۷۴- بیدل

۱۷۹۷ - ۱۷۹۵

۱۸۰۲ - ۱۷۹۷

۱۸۰۵ - ۱۸۰۲

۱۸۱۰ - ۱۸۰۵

۷۵- ابوالفتح بن مظفر

۷۶- واله داغستانی

۷۷- ممتاز فراهی

۷۸- میرزا مهدیخان منشی

مقدمه

بنام و بیاری خداوند یکتا اینک سومین بخش جلد پنجم تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی ۱، که در باره نشر فارسی و پارسی نویسان سده‌های دهم و یازدهم تا میانه سده دوازدهم هجریست، تقدیم خواننده ارجمند می‌شود.

بدنبال این بخش فهرست عام جلد پنجم، که براهنمایی دوست و همکار فاضلم آقای دکتر سیدمحمد ترابی فراهم آمده است، بطبع خواهد رسید. از ایشان برای سرپرستیها و دلمودگیهایی که از هر جهت در راه نشر این جلد کرده‌اند تشکر می‌کنم و توفیقات روزافزونشان را در خدمات ادبی و فرهنگی خواستارم.

از آقای یاسینیان، ناشر این کتاب، و از خواننده گرامی،
که سستی و تهاون مرا در اتمام کار این جلد بدیده بخشایش
نگریسته‌اند، ممنونم و می‌دانم که با همه سختیها که در راه تألیف
این جلد تحمل کرده‌ام کاری که شایسته تقدیم به پیشگاه اهل
فضل باشد انجام نداده‌ام و بدین سبب از همه آنان امید چشم
پوشی و اغماض دارم.

دبیح‌الله صفا

۱- در باره تکمیل کردن نام کتاب رجوع شود به توضیحی که
در صفحه ۱۴۵۸ و ۱۴۵۹ از همین بخش داده شده است.

بهره چهارم

نثر فارسی

از نخستین سالهای سده دهم
تا میانه سده دوازدهم هجری

وضع عمومی نثر و ویژگیهای آن

۱) اگر خواننده این کتاب ببحث کوتاهی که درباره «اختصاصات نثر و سبک آن در سده نهم و آغاز سده دهم» داشتیم^۱ مراجعه کرده باشد، می‌تواند در اینجا دنباله همان بحث را بگیرد و بی‌آنکه در آغاز این عهد تغییر محسوسی در آن مطلبها احساس نماید، کار تحقیق را دنبال کند. علت روشنست: نشانه دولت صفوی هنگامی بر پیشانی سده دهم نقش می‌یست که هنوز نگارندگان عهد تیموری بر کار و سرگرم نشر آثار خود بودند، خواه آن گروه که از بیم کشتار قزلباش بروم و فرارود و هند گریختند و خواه آنانکه رضا بقضا دادند و در زادگاه خود ماندند. همه این گروه که برخی از آنان مانند صفی و خواندمیر و فاضل خنجی را در همان مجلد پیشین شناختیم، همان تربیت و

همان سلیقه را که از استادان خود گرفته بودند، داشتند و طبعاً تعبیر حکومت اثری در شیوه آنان نمی‌توانست کرد. همه فرهیختگان پایان سده نهم و آغاز سده دهم نیز که در عهد شاه اسمعیل (م ۹۳۰) و شاه تهماسب (م ۹۸۴) چه در ایران و چه در دیگر جایها سرگرم کار شدند، شیوه استادان خود را فراموش نکردند و الگویی را که از کارگاهشان برداشته بودند از دست فرو نهند.

۲) اما این نکته هم روشنست که چه زبان و چه محتوای آن، یعنی مطلب و اندیشه که برای نثر و نظم بایسته است، درین دوره در حال تحول و تغیر بود. دگرگونی اندیشه را می‌توان از آنچه در فصلهای دوم و سوم و چهارم از همین جلد گفتم دریافت، و از تغیر تدریجی زبان نیز در همین فصل، آنجا که از «وضع عمومی زبان فارسی» سخن گفتم، می‌توان اطلاعی باجمال حاصل نمود و در نتیجه با یک ترسیم کلی نثر فارسی را در جریان این تحول و تغیر روزافزون لفظی و فکری دارای دو ویژگی عمده دانست و معرفی کرد: ۱) سستی لفظ، ۲) سخافت نسبی فکر که در بعضی از انواع آثار منشور بسیار لایح و آشکار و در انواع دیگری کمتر مشهود و بر ملاست.

۳) مراد ما از سستی لفظ همانست که عالمان معانی و بیان از آن به «ضعف تألیف» تعبیر می‌کنند یعنی آنکه گوینده در سخن خود فرندهای لغوی و دستوری را رعایت نکند. اگر بخواهیم ازین حیث بنوشته‌های عهد صفوی نگاه کنیم شاهد‌های بسیار برای اثبات گفتار خود، حتی در اثرهای منشیانی که از میان دیگر اهل قلم بیشتر نام بر آورده‌اند، می‌توانیم داشت مثل: بکار بردن فعلهای وصفی یعنی بکنوع ماضی نقلی بدون فعل معین. حذف فعل بی وجود قرینه لفظی و حتی گاه معنوی. معقد ساختن جمله‌ها که گاه بعمد و بقصد سخن آرایی انجام می‌گرفت، و گاه هم دیریابی معنی انگیزه چنین کاری بود زیرا ظاهراً کلامی را که باسانی دریافت شود مبتذل می‌شمردند، بهمان نحو که درباره شعر دیده‌ایم. بکار بردن واژه‌های مغولی و ترکی بی‌حد و

حساب-توسل بتعبیرهای ترکیبی طولانی بجای مصدرهای متداول فارسی مانند «علم ملک ستانی ارتفاع دادن» یعنی جهانگشایی کردن، کشورگرفتن؛ و «روی بوادی فرار آوردن» یعنی گریختن؛ و «مرقوم قلم بیان گردیدن» یعنی نوشته شدن، و مانند اینها که اگر قرار شود از کتابهای گوناگون این عهد نقل کنند توانند که لغتنامه‌یی از آنها بسازند.

سبب اساسی این وضع آن بود که بیشتر اهل قلم اگر تحصیلی کرده بودند بزبان عربی بود نه فارسی؛ و با اصلاً نه عربی درستی آموخته بودند و نه در پارسی‌گویی تمرینی کرده و استادی دیده.

۴) نکته دیگر وسعت میدان و زمان پارسی‌نویسی درین عهدست یعنی آنکه نثر فارسی این دوران مانند شعر، نه بزمان کوتاهی باز بسته بود و نه تنها بسرزمین اصلی خود یعنی بایران. در دو قرن و نیم زمان و در سرزمینهایی وسیع از کرانه‌های داردانل و بوسفور تا میانه آسیا و کناره‌های گنگ و تا شبه‌جزیره پهن‌اور دکن میدان نثر پارسی درین عهد بود. در چنین سرزمین وسیع و زمان موسع، و نیز در رشته‌های گوناگون از نویسندگی، نمی‌توان یک سبک و یک شیوه تشخیص داد و آن را توصیف کرد و با یک حکم کلی از کناره موضوع گذشت، بلکه درست بشیوه‌یی که درباره شعر این عهد سخن گفتم در اینجا نیز باید سخن گفت و همه سویه‌ها و رویه‌های منشور را نگریم و سپس دعوی شناخت آن نمود. پس بهتر آنست که باین موضوع کلی از راه شناخت اجزاء آن بنگریم.

۵) نخستین موضوعی که درین تجزیه بخاطر می‌آید فراوانی واژه‌های عربی در نثر این دوره است که درباره آنها پیش ازین بتفصیل سخن گفتم و درینجا این نکته را می‌افزایم که در انشاء دورانهای گذشته بکار بردن جمله و عبارت تازی بیشتر یا در راه استشهاد نویسنده بآنها بود و یا بقصد اظهار اطلاع از ادب عربی؛ و همچنین بکار بردن واژه‌ها و ترکیبهای عربی که عاده نتیجه عدم اطلاع از معادلهای فارسی آنها یا نقص زبان دری در آن موردها بود، و بیشتر

برای اظهار فضل، و قسمتی هم برای آرایش کلام، چنانکه در جای خود بتفصیل باز نموده‌ام^۱. اما درین عهد، گذشته ازین موردها که خواه و ناخواه بر قرار سابق بود، مطلب دیگری را باید در نظر داشت و آن نفوذ قطعی و عمقی آن واژه‌ها و ترکیبها در زبان فارسی و حتی پیوند یافتن^۲ آنها با الفاظ دری و گرفتن جای واژه‌ها و ترکیبهایی ازین زبان و بیرون راندن صاحب‌خانه از خانه بود. میزان نفوذ واژه‌ها و ترکیبهای عبری و صورتهای مختلف آن را در نثر فارسی این دوره از نمونههایی که پیش ازین داده‌ام^۳ می‌توان دریافت و اعاده ذکر آن درینجا بایسته نیست.

(۶) بکار بردن واژه‌ها و ترکیبهای ترکی و مغولی در نثر این دوره نیز همان حال را دارد که درباره واژه‌های تازی گفته شده است. غالب این دسته از واژه‌ها از دیرباز و بویژه از عهد تسلط مغولان در زبان فارسی راه جسته و مانده و در پاره‌یی از آثار عهد صفوی بصورت واژه‌های متداول بکار رفتنند^۴. پیداست که بر کار بودن دسته‌های متعدد ترکمانان نیز وسیله موثری برای نشر زبان ترکی درین دوره و اثر آن در زبان فارسی بوده است که با توضیحاتی که پیش ازین داده‌ام نیازی بیازگویی ندارد.

(۷) در مورد نفوذ زبان عبری در این دوره مطلبی را که تا آن عهد در زبان فارسی و بویژه در نثر سابقه یافته بود، نباید فراموش کرد و آن تأثیر دستوری زبان عبری است در زبان فارسی. البته همچنانکه بتصریح گفته‌ام این

۱- همین کتاب ج ۱ چاپ هفتم ص ۱۵۱ ببعد و نیز در مجلدات دیگر در مبحث مربوط بزبان فارسی در هر یک از عهدها.

۲- درین مورد واژه «جوش خوردن» هم قابل استفاده است.

۳- همین جلد ص ۴۳۲-۴۳۶

۴- برای نمونه تنها در صحایف ۶۴-۶۸ احسن التواریخ روملو این واژه‌ها را یک بار با بیشتر می‌بینیم غیر از نامهای خاص که بسیار است: پورت، ابلقار کردن، اغروق، فشلاق نمودن، ابلجی، اردو، بورش، متغلی، قورچی‌باشی.

تأثیر پیشینه‌ی دراز در زبان فارسی، بویژه از راه نثر، پیدا کرده بود، ولی از سده نهم و دهم بعد این نفوذ چنان ریشه‌دار و مستقر شد که ریشه‌کن ساختن آن شاید هنوز هم نیازمند زمان باشد. این نفوذ بصورت‌های گوناگونست که در اینجا بعضی از آنها اشاره می‌شود:

• جمع بستن واژه‌های عربی بعربی (جبل جبال - نقطه نقاط و موردهای فراوان دیگر).

• مطابقت صفت با موصوف مؤنث (روضه مقدسه حبیب‌السير ج ۴ ص ۴۲۲ - عتبه علیه ايضاً همان صفحه - روياء صالحه ايضاً همان صفحه - درجه عليه اقتدا ايضاً ص ۴۲۷ - حادثه هائله ايضاً ص ۴۳۰ - بلده فاخره عالم آرای عباسی ص ۵۴۹ - وساده لازم السعادة عباسنامه ص ۲۹۳ - بلده طيبه ايضاً ص ۲۷۷)، و مؤنث آوردن صفت برای موصوفی که جمع، از هر نوع آن، باشد (ممالک محروسه، روملو ۱۷۷، نصر آبادی ۱۴ - سلاطين اوزبکيه، عالم آرا ۵۴۹ - امرای اوزبکيه، ايضاً همان صفحه - قبور محفوره، ايضاً ص ۵۲۶) و شگفتست که اگر موصوف علامت جمع فارسی هم داشت با آن همین معامله را می‌کرده‌اند (غلامان خاصه شريفه، عباسنامه ۳۲۰ - تفنگچيان خاصه شريفه، ايضاً ص ۱۰۷)

• بکار بردن عبارت یا ترکیب عربی بی‌آنکه تغییری در آن داده شود (کرده ایشان را نسیاً منسیاً انگاشتند، عباسنامه ۲۷۷ - امید که ذات مقدس علی مرت‌الدهور والاعوام از اصابه عين الكمال در امان... باد، ايضاً ص ۱۰۸ - از طهرانست من اعمال ری، نصر آبادی ۲۲۷ - فهو المرام، حبیب‌السير ج ۴ ص ۴۲۲ - مافی‌الضمير، ايضاً همان صفحه - بين الجانبين، ايضاً همان صفحه - صادق‌العقیده، ايضاً همان صفحه - بلاشبهه، ايضاً همان صفحه - فی‌الحال، میخانه (۳۸)

• جاری ساختن حکمهای دستوری یا لغوی عربی بر فارسی (نبایر بجای نبیرگان، عباسنامه ۳۴۸ - نزاكت مصدر مجعول از نازک که پیش ازین

چند نمونه از آن دیده‌ایم- فرامین جمع فرمان و جز آنها). برای دولتخانه و آستانه، چون بهاء حرکت که تلفظ آن شبیه بتاء تأنیث عربی در نزد فارسی‌زبانانست، ختم شده، صفت مؤنث آوردند (آستانه مقدسه، عباسنامه ۱۰۵- دولتخانه مبارکه، عالم آرا ۳۶۵ و جز آنها).

• مطابقت صفت و موصوف جمع (امراء عظام، عباسنامه ۱۰۷).

۸) از ویژگیهای زبان نشر در این دوره، چنانکه در پایان بند سوم اشاره‌ی کوتاه بدان شده، بکار بردن ترکیبهای جمله مانندست بجای یک واژه مثل: «رقم زده قلم بدایع نگار شدن» یعنی نوشته شدن (وقایع آندرام مخلص منقول در اورینتل کالج میگزین)، «رخت اقامت بر راحله فنا بستن» یعنی مردن (عالم آرای عباسی ص ۳۶۴)- «در مقام متابعت در آمدن» یعنی اطاعت کردن (ایضاً ص ۳۶۵)، «پا از جاده سداد بیرون نهادن» یعنی کار نارواکردن (روملو ص ۴۴۱)، «قدم از طریق رشاد بیرون نهادن» یعنی خامی و نادانی کردن، «سر از ربقه طاعت و روی از قبله مطاوعت برتافتن» یعنی نافرمانی کردن (روملو ۴۴۵)، و بسیار از اینگونه ترکیبهای جمله‌نما که فرصت نقل همه آنها نیست.

۹) از ویژگیهای نشر در این دوره درازگفتن (اطناب، اسهاب) است که گویی در نظر اکثر صاحب‌قلمان امری ناگزیران بود، و این بیشتر در نثرهای تاریخی و توصیفی و یا در منشآت بویژه در سلطانیات ملاحظه می‌شود. در بیشتر کتابهای تاریخ مؤلف در دیباچه و همه سرفصلها و یا در مقدمه‌چینی تصمیم‌ها و فرمانهای شاهی و اینگونه موردها سخن را تا آنجا که در توانایی او بود بدرازا می‌کشانید، ولی هرگاه منظور تنها ذکر واقعه‌ی بود کلامش صورتی دیگر دارد و بیشتر ساده و یا نثری میان ساده و مصنوع است و این شیوه را حتی در آثار تاریخ‌نویسان هند هم می‌بینیم.

بر روی هم نثر عهد صفوی، اگر در کتابهای تاریخ که، خواه در ایران و خواه در هند، منشیان درباری مأمور تنظیم آنها می‌شدند، و یا در نامنگاریهای

منشیان، بنگریم، با حفظ شیوه‌ی بی که در آخرهای عهد تیموری رائج بود، نگارش یافته است، و بدین سبب کمتر مصنوع و بیشتر ساده متماثل بتصنع است مگر در دیباچه‌ها و سرفصلها و بعضی توصیفها؛ و اگر در داستان نگاریها ملاحظه کنیم ساده و خالی از صنعتگریهاست مگر در داستانهای ادبی مثل محبوب‌القلوب برخوردارین محمود تر کمان.

۱۰. وقتی سخن از نثر مصنوع درین عهد بگوییم نباید اثرهای استادانمی را چنانکه در قرن ششم و هفتم و هشتم دیده‌ایم بخاطر آوریم، زیرا نه زمانه اقتضای ایجاد آنها را می‌کرد و نه نویسندگان و نه خوانندگان مایه پیشینیان را در خلق و درک آن داشتند. اما سرمشقهای متصنعان، خواه نویسندگان کتابهای ادب و تاریخ و خواه منشیان، استادان بزرگی از سده هفتم ببعد بوده‌اند که می‌توان بزرگانی از قبیل و صاف‌الحضره صاحب‌کتاب تجزیة‌الامصار^۱ و معین‌الدین یزدی نویسنده مواهب‌الهی^۲ و شرف‌الدین علی یزدی مؤلف ظفرنامه^۳ را در رأس آنان ذکر کرد، و آنچه بیشتر از همه در شیوه‌اشان وجود دارد اطناب و افزودن شاخ و برگها بر یک مطلب کوچک است که از راه آوردن واژه‌های مسجع و مترادف و مضاف بر یکدیگر در جمله‌ها و عبارتهای دراز که بیکدیگر عطف می‌شوند، و حتی گاه بی‌آنکه واژه عطف آنها را پیوند دهد، با وصفهای بی‌فعل [که آنها را فعل وصفی نامیده‌اند]، ادا می‌گردد. این گونه عبارت‌سازیهایی بی‌مزه در آن روزگار نمونه استادی و مهارت منشیانه بود و بسی از اهل قلم مدتها از دوران آموزندگی را در فراگرفتن آن صرف می‌کردند اما حاصل کارشان این بود که خواننده مقصودشان را از آنچه نوشته‌اند بزحمت درک کند.

۱۱. با همه این احوال درین عهد غلبه با نوشته‌هاییست که شیوه مذکور را

۱- همین کتاب، ج ۳ ص ۱۲۵۹-۱۲۶۲.

۲- ایضاً همان جلد ص ۱۲۹۷-۱۳۰۰.

۳- ایضاً ج ۴ ص ۴۸۳-۴۸۶ و ۲۹۹-۳۰۹.

بنحو ساده‌تر و معقول‌تری در آنها بکار برده‌اند یعنی مقدمه چینی‌ها بسیار کوتاه‌تر شده و از واژه‌ها و جمله‌های مترادف و مضاف و معطوف پیاپی که همگی یک معنی داشته و غالباً با سجعهای متوازن و متوازی دنبال می‌شده‌اند، کاسته شده است. درین دسته از نوشته‌ها هم مطلب آسان‌تر بیان شده و هم جانب صنعت بکلی مهمل نمانده است، نویسنده عادهً مطلب خود را بسادگی بیان می‌کند و در گیرودار واقع‌نگاری خود گاهی هم سری بچند جمله مترادف مسجع می‌زند یا جناسی بهم می‌رساند یا مثلی و شعری را، بفارسی یا عبری، چاشنی‌وار بر مطلب می‌افزاید و می‌گذرد، و مثلاً می‌نویسد: «امرا و ارکان دولت و عساکر مرّیخ صولت قلعه را مرکزوار در میان گرفتند. استاد شیخی توبچی با فوجی از تفنگچیان روملو بر درخت چناری که مشرف بود بر حصار سیه^۱ ساخته مخالفان را بتفنگ گرفتند. هر لحظه مهره تفنگ مرگ آهنگ اخبار قل ان الموت الذی تقرون منه فانه ملا قیکم بدل ایشان می‌رسانید و هر دم خطیب نیز زبان حسام شدیدالانتقام خطبه بلیغ یدر ککم الموت ولو کنتم فی بروج مشیده بگوش ایشان می‌خواند. هر چند از بکان بهر هزیمت بر عزیمت سفر مفر می‌جستند جز سفر مفر نمی‌دیدند و بهر طرف که گوش می‌کشیدند فمن یجیر الکافرین من عذاب الیم می‌شنیدند.»^۲

بسیار اتفاق می‌افتاد که همین دسته از مؤلفان و نویسندگان خیلی کمتر بسراغ صنایع می‌رفتند و این بیشتر در جاهایی بود که پی‌گیری موضوع سادگی سخن را ایجاب می‌کرد: «... و در مشهد مقدس نزول فرمودند. بعد از زیارت امام هشتم روانه جام شدند. آیات خورشید طلعت چون سایه دولت بر خرگرد انداخت در آن مقام قراولان عساکر ظفر فرجام آمده معروض گردانیدند که خانان اوزبک درین حوالی نزول کرده‌اند، آن حضرت چهارده کس را از قورچیان بزبان گیری فرستاد و از آن جانب چهار صد سوار

۱- سیه، سیا: ترکیب بمعنی «هر جا که محاط از دیوار باشد» (فرنودسار).

۲- احسن التواریخ روملو ص ۲۱۲.

بهمین کار آمده بودند، غازیان بایشان دوچار شده چند نفر دستگیر شدند...»^۱.

۱۲) شیوه صنعتگرایی که نمونه‌یی از آن را در بند یازدهم دیده‌ایم و مربوط با آغاز عهد صفویست، هرچه بیابان آن عهد نزدیک شویم بیشتر مطبوع اهل زمان می‌گردد. در ترسل و تاریخ‌نگاری هند هم همین وضع را می‌بینیم و بر رویهم انشاء ساده متمایل بصنعت یا نثر مصنوع متمایل بمرسل در آنجا شایع‌ترست و علت آنست که مؤلفان و منشیان آنجا نیز دنباله همان شیوه پایان عهد تیموری را دارند. البته ابوالفضل علامی را که شیوه‌یی خاص خود دارد، از میان این دسته از اهل قلم بیرون می‌آوریم و بدیگر مؤلفان خاصه مؤلفان تاریخ عهد شاهجهان مثل محمد صالح کنبوی لاهوری مؤلف شاهجهان‌نامه و ملا عبدالحمید لاهوری نویسنده پادشاه‌نامه می‌پردازیم. اینان اگرچه انشاء آراسته‌تر و پاکیزه‌تری از همزمانان خود در ایران دارند ولی تقریباً بر همان منوال کار می‌کنند که روملو در احسن‌التواریخ. نثرهایشان گاه در عین سادگی مصنوع و گاه مخلوط از هر دو است و هر جا پای توصیفها و مقدمه‌چینی‌ها بمیان آمد اطناب و صنعتگریهای معهود را از یاد نبردند مانند این عبارت از شاهجهان‌نامه: «چون صدرنشین طارم چارم آهنگ شبستان مغرب نمود و شاهد زمانه برقع مشکفام ظلام بر رو فروهشت نواب مهدعلیا با سایر حجاب‌گزینان نقاب عصمت مسندنشین عماریه‌های زرکار و محفهای گوهرنگار گشتند و بدولت سرای خلافت معاودت فرموده برقرار معهود بانوی مشکوی دولت و شمع شب‌افروز شبستان سلطنت شدند...».

درین عبارت هم با اطناب مواجهیم و هم با آزاد بودن جمله‌ها از صنعتهای ملال‌انگیز و هم هر جا سوق کلام اجازه داد سجمی بکار رفته است، اما اختصاص قابل توجه درین نوشته‌ها آنست که در آنها مبالغه چندانی در استعمال واژه‌های تازی، بویژه اگر مهجور باشد، نگر دیده و یقینست که ازین

باب بیشتر متأثر از محیط ایرانی دربار هند و نیز از شیوه فارسی‌نویسی پیشرو خود ابوالفضل علامی هستند که بانی نوعی تجدد است در نثر فارسی در راه بازگشت بشیوه نگارش منشیان قدیم و در همان حال استفاده استادانه از واژه‌ها و ترکیبهای فارسی دری و احتراز از استعمال بی‌دویه واژه‌ها و ترکیبهای تازی در نوشته‌هایش.

(۱۳) بجز ترسل و تاریخ، این نثر ساده متمایل بصنعت و یا نثر مصنوع متمایل بسادگی در بعضی از اثرهای دیگر زمان هم، خواه در ایران و خواه در هند دیده می‌شود. از آنجمله در تراجم احوال و در معرفی سخنوران که بیشتر همان شیوه قدیم را که در لب‌الالباب عوفی و دنباله‌روان آن مشاهده می‌کنیم، دارند. مثلاً محمد امین رازی درباره عرفی چنین می‌نویسد: «نظمش عذوبت سلسبیل و نثرش خاصیت فرات و نیل دارد، جزالت با سلاست آمیخته و لطافت با متانت انگیخته، نظمش اندر هر عبارت جنتی آراسته، نثرش اندر هر اشارت عالمی پیراسته...» اما همینکه از چنین مرحله یعنی معرفی و توصیف صاحب ترجمه بگذریم سخن این دسته را همه جا روان و ساده می‌یابیم.

(۱۴) داستانها و کتابهای ادب و مجموعه حکایتها و داستانها و مانند گان آنها که بجای خود معرفی خواهند شد، و همچنین بیشتر تذکره‌ها و سرگذشت‌نامه‌ها و کتابهای اخلاقی و دینی و علمی عاده نثر ساده و روان دارند. بعضی ازین گونه کتابها بویژه کتابهای دینی و برخی از داستانها و آنها که از اصل هندی ترجمه شده سادگی و بی‌پیرایگی خود را مرهون عدم اطلاع مؤلفان و مترجمان خود از ادب فارسی و حتی کم‌مایگی درین زبان هستند نه کوشش آنها در داشتن نثری مرسل و خالی از پیرایه‌های لفظی.

(۱۵) اما آنچه درباره سادگی عبارت در کتابهای داستانی و اخلاقی و نظایر آنها گفتم نباید بصورت قاعده‌یی عمومی تلقی شود، زیرا در این موردها هم سلیقه مؤلفان و نویسندگان کتابها دخیل بوده است. برای نمونه کتاب

محبوب‌القلوب ممتاز فراهی^۱ را برمی‌گزینیم. این کتاب که بیشتر بخاطر حکایت‌های شیرینش شهرت یافته در حقیقت یک کتاب اخلاقت که خواه در مقدمه و خواه در متن آن مسائل گوناگون تربیتی و اجتماعی و اخلاقی مطرح گردیده و نظر مؤلف با بحث نسبتاً کافی و با ایراد دلیل و گاه استناد بخبر و حدیث و سخنان بزرگان باصطلاح ثابت گردیده و سپس حکایت با حکایت‌هایی هم برای مسجل کردن موضوع مورد بحث نقل شده است. اما ممتاز فراهی (میرزا برخوردارین محمود ترکمان) در بیشتر این موردها نثری مصنوع و معقد دارد و حتی در حکایت‌هایی که نقل کرده و کوشیده است که در آنها نثر ساده‌تری داشته باشد گاه عنان اختیار قلم از کف اندیشماش رها شده و خامه صنعتگرایی او خود را در پیچ و خم تکلف درافکنده و عبارتهای دراز برای معنی‌های کم بکار برده و مثلاً برای بیان مفهومی چون «داستان‌گزاران چنین گفتنند» چنین نوشته است: «جواهرسنجان بساط رنگین عذب‌البیانی و ناظمان سلسله غور سخن و نکته‌دانی که عقد لآلی گرانبهای تحقیق اخبار لطیفه را سرمایه آرایش دستگاه بضاعت خود ساختنند، مضمون این داستان را چنین در رشته عبارات نطق و بیان منتظم گردانیده‌اند»^۲. و یا پدری بیسران در بیان این معنی که چگونه بر اثر سعی و برهنمایی عقل و صبر بر شداید بضاعتی حاصل کرده است، چنین داد سخن می‌دهد: «... شاید این معنی بسمع شما رسیده باشد که من اوایل حال ملازم یکی از جواهریان این ولایت بودم و نظر بر داد و ستد لآلی تلاش و تردد و فروغ گوهر عقل و انتظام عقد جواهر حسن سعی چون رشته راهی بر دل یاقوت کار آگاهی و کفایت بهم رسانیده چون لعل بسی شکتجه سختی‌ها کشیده و خونابه انواع محنتها چشیده‌ام تا چهره گهر استطاعت را از آب و تاب بضاعت چنین آرایش داده‌ام...»^۳

۱- این کتاب چنانکه بجای خود خواهیم دید چند بار بهمین نام یا بنام شمه و فقهه چاپ شده است و از آنجمله است در تهران سال ۱۳۳۶.

۲- محبوب‌القلوب، چاپ مذکور، ص ۴۱۲.

۳- همانجا، ص ۴۱۳.

۱۶) یک صفت و ویژگی رایج در بیشتر اثرهای منشور عهد صفوی کم‌مایگی فکر و اطلاع و ذوق است که در قسمت نسبتاً بزرگی از آنها ملاحظه می‌شود و این معلول علت‌هایی چند است در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی که پیش ازینها بتفاریق شرح داده شده است و درینجا همان را که یک بار درباره عهد تیموری گفتم تکرار می‌کنم که «درین دوران گویی ذوق لطیف و اندیشه بلند ایرانی، که راه افول می‌پیمود، جای خود را از مغزها بسرانگشتان آورده و در آثار هنرمندان از نقاشان و خطاطان و معماران و کاشی‌سازان و مانند گان آنان جلوه گر شده بود»^۱.

۱۷) موضوعی که در تاریخ نشر این دوره اهمیت بسیار دارد و لازمست که از ذکر آن غافل نمانیم، ترجمه کتابهایی از سانسکریت است بفارسی در سرزمین هند بتشویق پادشاهان آن دیار. ازین راه اثرهای تازه و پرارچی برگنجینه ادب فارسی افزوده شد و خوشبختانه این کار بیشتر بدست یا سرپرستی کسانی انجام گرفت که از ادب پارسی مایه بسیار داشتند و کتابهایی که از زیر دست آنان گذشت توانست بشایستگی بر سرمایه ادب فارسی بیفزاید. اگرچه این نهضت از زمانهای خیلی پیش آغاز شده بود ولی آنچه درین دوره انجام گرفت حاصل توجه و عنایت جلال‌الدین اکبر پادشاه (م ۱۰۱۴ هـ) و نبیره‌اش محمد داراشکوه (م ۱۰۶۹) است. درباره جلال‌الدین اکبر می‌گویند آموزش ادبی و علمی چنداتی نداشت (خلاف پدرش همایون)، بعوض مردی بود بسیار روشن‌بین و بهمان اندازه که در کار کشورگشایی و کشورداری استعداد و لیاقت داشت در کارهای فرهنگی نیز سرآمد بود. دگر تشویقها و نیکوداشتهای او نسبت بشاعران و نویسندگان پارسی زبان پیش ازین چندین بار در این جلد آمده است، و بر سر همه این کوششها سعی او در نقل اثرهای متعدد از زبان سانسکریت بزبان پارسی در اینجا قابل ذکر است.

نیت اصلی اکبر در ایجاد نهضت عظیم نقل آثار هندی بفارسی تقارب

فکری و فرهنگی میان رعایای هندو و مسلمان او بود و او درین راه حتی از ایجاد کیش میانینی بین مسلمانان و هندوان بنام آیین الهی باز نایستاد و برای آن تقویم و تاریخی جدید با صوابدید و راهنمایی عسددالدوله امیر فتح الله شیرازی ترتیب داد تا اختلاف تقویمهای هندو و مسلمان که از قضا هر دو قمری و مبتنی بر حسابهای نجومی متفاوت است، از میان برخیزد «و مدار حساب بر ماه و سال شمسی حقیقی نهادند و... این تاریخ گرامی را تاریخ الهی موسوم ساختند... و اسامی ماههای این تاریخ را همان اسامی شهر مشهوره فارسی معتبر داشتند بلقب [فروردین ماه] الهی و اردیبهشت ماه الهی. نامهای ایام نیز همان سی نام متعارف فارسی گذاشتند بدین ترتیب: اورمزد، بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسفندارمذ، خرداد، امرداد، دیبازر، آذر، آبان، خور، ماه، تیر، گوش، دیبمهر، مهر، سروش، رشن، فروردین، بهرام، رام، باد، دیبادین، دین، ارد، اشتاد، آسمان، زامیاد، ماراسفند، انیران. و چون در بعضی ماهها دو روز از سی زیاده بود آن را بروز و شب منسوب نامزد کرد... دور سنوات این تاریخ مقدس نیز دوازده باشد^۱، لاجرم هر سال مسمی باسم ماهی از ماههای الهی ساختند چنانچه^۲ سال اول سال فروردین الهی و سال دوم سال اردیبهشت الهی... و عمده مؤسسان این تاریخ قدسی علامتالزمانی افلاطون الاوانی امیر فتح الله شیرازی المخاطب بعسددالدوله بود...»^۳

جلال الدین اکبر درین نهضت فرهنگی که براه انداخته بود، نقل بعضی از اثرهای مهم هندویی را بفارسی لازم دانست تا وسیله آشنا کردن رعایای پارسی گوی و پارسی خوان مسلمان بکیش هندوان و بفلسفه و عرفان هندویی و دانشهای هندوان گردد. مهمترین اثرهایی که بدنبال این تصمیم شاهانه بفارسی درآمدند مهابهاراتا و رامایانا بودند که بجای خود درباره آنها سخن

۱- طباً پس از هر دوازده سال دور تجدید می شود.

۲- چنانکه درست است.

۳- اکبرنامه چاپ «مطبع منشی نول کشور»، ج ۲ ص ۷-۸.

خواهم گفت. کار ترجمه آثار سانسکریت بفارسی در تمام دوره پادشاهی اکبر و جهانگیر و شاه جهان و پویزه بوسیله پسر شاه جهان یعنی محمد داراشکوه، که بتمام معنی اندیشه نیای خود را دنبال می نمود، ادامه یافت و حتی در عهد اورنگ زیب عالمگیر نیز که سیاست مذهبی متقنی داشت مؤلفانی را می شناسیم که چه از راه ترجمه از هندی بفارسی و چه از راه تألیف کتابهایی درباره عقاید و آداب و اخلاق هندوان دنباله سیاست جلال الدین اکبر را در ایجاد تقارب فرهنگی فریقین می گرفتند و درین میان بسیاری از داستانهای هندی چه در دهلی و چه در دکن از اصل هندی بنثر و نظم فارسی درآمد و در این کار حتی بعضی از مترجمان و مؤلفان پارسی گوی هندی نیز شرکت داشتند.

۱۸) درباره شیوه نویسندگی پارسی گویان هند، در بند دوازدهم اشارتی مجمل داشتیم و آن بیشتر ناظر بتاریخ نویسی و ترسل بوده، اما بطور کلی باید دانست که روش انشاء پارسی گویان مذکور در تألیفاتی که از آنان داریم ساده نویسی و توجه بنثر مرسل بوده است، مثلاً در اثرهای داراشکوه که یکی از پارسی نویسان پرکار هندست همه جا با نثری بی پیرایه برابریم و حتی در بیان او کمتر از لهجه فارسی هند اثر می بینیم و این نشانه آموختگی او با آثار فارسی و با زبان فارسی است. او شعری بسیار متوسط دارد و نثرش در عین سادگی و روانی خالی از غلط است و علت اصلی آن مسلماً آشنایی درستش با زبانی است که از مادر ایرانی و معلمان فارسی دان و فارسی گوی خود بمیراث برد. وی این صحت و استقامت انشاء را حتی در ترجمه اوپانیشادها از دست نداده است. در بیان دقایق عرفان هم همین حال را دارد مثل این نمونه از رساله حق نما: «ای یار، آنکه ذات بحت و آفتاب حقیقت و مرتبه بی رنگی که کنت کنزاً مخفیاً از آن خبر می دهد، چون بدوستی فاحببت ظاهر شد و نقاب اختفا برافگند، تمامی ذات مقید گشت بلذت وصل و مشاهده دیدار خویش. اکنون اگر طلب مطلق کنی نیابی مگر در مقید، چنانچه (= چنانکه) پیش از

ظهور گنج مخفی اگر مقید را جستی نمی‌یافتی مگر در مطلق، همیشه مطلق در مقید است و مقید با مطلق، و بتحقیق بدان که قید حجاب اطلاق نیست و تعینات مانع ذات نه. پس بهره چه دست نهاده شود بر عین ذات بی حجاب دست نهاده شده است، و بر هر چه نظر افتاده حسن مطلق بی حجاب بنظر درآمده است...»

در تاریخهایی که منشیان هند نوشته‌اند دنباله شیوه تاریخ نویسان قرن نهم، با اصرار کمتری در ایراد صنایع مشهود است. نثرهای مورخان غالباً بینابین است، گاه ساده و گاه در عین سادگی مصنوع و گاه مخلوط از هر دو. مثلاً این عبارت از شاهجهان‌نامه محمد صالح کنبوی لاهوری را ملاحظه کنید: «... و خاصه شاهزاده بخت بلند سعادت‌مند، دانش‌پژوه سلطان داراشکوه، که از جمله برادران والا گهر بمزیت کبر سن و مزید قدر و شأن سرافراز است...». درین عبارت قسمتی مسجع ولی فاقد سایر صنایع و قسمتی دیگر باجناس ناقص و با توازن نسبی است.

اسهاب و اطناب از همین مؤلف هر جا که ممکن باشد بچشم می‌آید و پیش ازین در بند دوازدهم نمونه کوتاهی از آن را آورده‌ام و آن بخش محدود و مجملی است از شرح مفصل محمد صالح لاهوری درباره فرستاده شدن پسران شاهزاده خرم (یعنی شاه جهان پسر جهانگیر) برسم گروگان نزد جهانگیر و رسیدن آنان بنزد نیای خویش. محمد صالح فقط درباره رسیدن شاهزادگان و استقبال از آنان شرحی مفصل آورده است که تنها قسمتی از آن یعنی بازگشت زنان استقبال کننده بخانه خود را در عبارت منقول در بند یاد شده دیده‌اید و گرنه با نقل همه مطلب کار بدر از می‌کشید، در حالی که همه واقعه را صاحب منتخب‌اللباب ضمن رویدادهای سال ۱۰۳۷ در این عبارت کوتاه بیان کرده است: «هر سه پادشاه زاده که در لاهور بودند بموجب حکم با یمین الدوله بحضور رسیدند و محمد مراد بخشر مع بیگمان و پردگیان حرم با استقبال رفته بخدمت حضرت اعلی آوردند...».

باین صورت در یک عصر و زمان و برای وقایع عهد یک پادشاه این دو کتاب یعنی شاه جهان نامه و منتخب اللباب دو نمونه اطناب و مساوات و تصنع و ارسال می‌توانند بود.

اما کتاب دیگر از دوره شاه جهان بالادست شاه جهان نامه می‌رود و در اطناب با مبالغه همراه می‌شود و آن پادشاه نامه اثر ملا عبدالحمید لاهوری (م ۱۰۶۵ هـ) است. این کتاب از اسناد معتبر مربوط بدوره پادشاهی شاه جهانست و نمونه‌یی از عبارات آن را در سطرهای زیرین می‌بینید: «غرّة رجب سال هزار و سی و هفتم هلالی مطابق نوزدهم اسفندارمذ ماه، دراری فلک اقبال، لآئی صدف جلال، انوار حدقه دولت، اثمار حدیقه سلطنت پادشاهزاده محمد داراشکوه و محمد شاه شجاع و محمد اورنگ زیب و قدوه امرای والامکان، اسوه نوینان عالی‌شان، رکن رکن فرمانروایی، ساعد مساعد جهان گشایی، یمین الدوله آصف خان و دیگر خوانین و حشم و سایر غبید و خدام از دارالسلطنه لاهور بحوالی دارالخلافت اکبر آباد رسیده بحکم جهان مطاع در ظاهر بهشت آباد معروف به سکندره نزول نمودند...». در این کتاب، هر جا که بنگریم، همینکه بهانه‌یی بدست مؤلف آمد از مبالغه در اطناب خودداری نشد ولی برای کوتاه کردن مقال از نقل بیشتری از آن و همانندهای آن صرف نظر می‌کنم.

از ویژگیهای قابل توجه نویسندگان این انشاءها آنست که زیاده روی چندانی در آوردن واژه‌های تازی دیریاب نمی‌کردند و حتی در پاره‌یی موارد سعی داشتند عبارتهای پارسی روان و رسا و خالی از لغت‌های مهجور عربی بنویسند. مثلاً باین واژه‌ها و ترکیبها در شاه جهان نامه بنگرید که تا چه حد روان و ساده است: «پادشاهزاده‌های کامکار بآهنگ دریافت سعادت بساط بوس... از لاهور روان شده...». «خدایگان عالم و خدیو روزگار مانند آفتاب جهان تاب بدستور هر روز طلوع فرخنده فرموده بتازگی عالم آرا و جهان افروز گشتند». در پادشاه نامه اینگونه عبارتها کمتر است و در برابر آن

ترکیبهای عربی بیشتری بکاررفته است. با این حال در آن کتاب هم بترکیبهای خوبی از فارسی متداون زمان باز می‌خوریم مثل: سرو جویبار شوکت- گلبن گلزار حشمت- از گزارش بیگانه است و با نگارش آشنا ند. مفارقت دراز- مهناجرت دیریاز- شاهزاده‌ و الاجاه سراپا خرد... اما در همین پادشاه‌نامه ترکیبهای عربی با تمام صنعتهای لفظی چنان وافرست که گویی شیوه مورخان قرن هشتم و نهم در آن تجدید شده است. جمله‌های مسجع متوازن و مقرون باطناب و جناسهای گوناگون در آن بسیار دیده می‌شود خاصه در وصف مجلسها یا بیان نعوت اشخاص. لیکن هنگامی که کار به بیان واقعه‌ها می‌کشد انشاء پادشاه‌نامه ساده و درست و عبارتها غالباً مرسل و وافی بمقصودست و در این موردهاست که بیشتر از هر جا به پارسی راه راست باز می‌خوریم مثل این قطعه کوتاه که درباره مجلس حنابندان داراشکوه ذکر شده: «... از بسیاری شمع مرصع لگن، که گویی آفتابی هر سو طالع گشته بود، زمین را بر آسمان پایه افزود. شهنشاه فلک بارگاه بمشکوی اقبال تشریف فرموده بخشیان عظام را امر فرمودند که امرا و اعیان سلطنت را موافق قدر و مرتبه بنشانند و... حکم شد که نغمه‌سرایان باربد دم و بربط نوازان نکیسا دست بدستیاری ساز و آواز زنگ غم از مرآت خاطر جهانیان بزدایند. صدای دلکش مطربان و آوای خوش خنیاگران فلک را برقص آورد و ناهید را برشک و کدبانوان قاعده‌دان مطابق رسم و آیین حنا بر انگشتان مجلسیان بسته، رومالهای زرنگار بر آن پیچیدند و فوطهای زرتار قسمت نمودند. خدمتگزاران بارگاه جلال گل و پان با انواع تنقلات و فواکه و مشومات خوان در خوان چیدند...»

اما هنر‌نماییهای این مؤلفان بزرگ، که جانشینان شایسته‌یی برای ملا عبدالقادر بداونتی و ابوالفضل علامی اکبرآبادی و همانندگان آنها بوده‌اند، همیشه بهمان تیره‌یی که بود باقی نماند و بتدریج هم در زبانشان از نظر لغوی و دستوری و هم در شیوه نگارششان از حیث سلاست یا تعقید خللهایی راه یافت که اهل تحقیق را بتأمل وامی‌دارد.

۱۹) از روزگار آشنایی عالمان و ادیبان پارسی‌نویس با متنهای عربی و ترجمه آنها بنثر فارسی شاهد نوعی از نوشتههای فارسی هستیم که بیشتر بترکیبات زبان عربی می‌ماند تا بفارسی و این نوع نثر بیش از همه میان عالمان مذهبی متداول بود و چون عهد صفوی دوره تدوین نهایی دانشهای شرعی شیعیان است، این گونه نوشتههای ترجمه‌مانند را بیشتر و تقریباً بحد انحصار در اثرهای عالمان مذهبی ملاحظه می‌کنیم. در این دسته از نوشتهها با ترجمههایی که از متنهای عربی شده ترکیب جملهها و جای فعل و فاعل و مفعول و متعلقات آنها بصورتیست که در زبان ادبی عربی و در نثر آن مشهود است مانند «... پس خدا توبه شما را قبول فرمود قبل از آنکه همه کشته شوید، و مهلت داد شما را برای توبه، و باقی گذاشت شما را برای طاعت، بدرستی که اوست بسیار قبول کننده توبه و مهربان...»^۱ - «فرمودند بدرستی که خدا را کرامتی هست در بندگان مؤمن خود در هر روز جمعه...»^۲ و عبارتهای فراوان دیگری ازین قبیل.

۲۰) در نخستین مروری که خواننده در این کتاب بکند متوجه خواهد شد که نام گروهی از شاعران و منشیان و مؤلفان پارسی‌گوی که از ایران برنخاسته ولی در ادب پارسی حائز مقامی بلند گردیده‌اند، در آن آمده است و طبعاً بهمین مناسبت هم در مسائل مختلفی از جریانهای اجتماعی و اعتقادی و ادبی اشاراتی بدان سرزمینها شده است. سبب آنست که از زمان لشکرکشی‌های غزنویان و غوریان و سلجوقیان و سلسلههای بعد از آنها بسرزمینهای روم و هند زبان پارسی بعنوان یک زبان رسمی در آن کشورها رواج یافت و روز بروز بر دامنه توسعه آن افزوده شد تا بجایی که در میان مردم غیر درباری و غیر دیوانی هم نفوذ کرد^۳ و از میان آنها منشیان و مؤلفانی پارسی‌گوی

۱- حبه القلوب، تهران، چاپ انتشارات جاویدان، بی‌تاریخ، ج ۱ ص ۲۵۶.

۲- حق‌الیقین، تهران، چاپ انتشارات جاویدان، بی‌تاریخ، ص ۴۹۶.

۳- با وجود شواهد بسیار در این زمینه [که همین ظهور پارسی‌سرایان و پارسی‌نویسان بومی

ظهور کردند که از کثرت شهرت و اهمیت در شمار شاعران و نویسندگان ایران درآمده و در کتابهای ادب بتکرار جزو این گروه یاد شده‌اند و من نیز پیروی از آنان در این کتاب همچنین کرده و عذر این درازدستی را هم بارها خواستهام. اینک که کتاب حاضر در حال اختتام است، از باب جبران مافات، بخوانندگان گرامی پیشنهاد می‌کنم که ازین پس آن را «تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان فارسی» بنامند.

→
یکی از آنهاست]، در مجله ایران‌نامه چاپ ممالک متحده امریکای شمالی (سال ۸ ش ۲ ص ۲۳۱) این معنی، با حذف مقدمات و مؤخرات عبارت بنده، زاده «گزافگویی‌های ناشی از عرف ملی» شمرده شده است (!) آقای سعید میرمطهری در شماره پنجم سال پنجم مجله پر که در امریکای شمالی منتشر می‌شود جواب مشروحی بنویسنده مقاله مذکور داده‌اند.

انواع آثار منشور و موضوعات آنها

تنبیه
پیش از آغاز کار خود درین جستار، باید بگویم که این مبحث از مجلد حاضر خلاف همین مبحث در جلدهای پیشین بسیار مشروحست و آن بسبب وفور آثار در بعضی از انواع نثرست درین دوره. همین امر هم مرا ناگزیر ساخت تا ضمن معرفی آثار منشور (در هر یک از انواع آنها) بذکر مختصر احوال بعضی از مؤلفان و نویسندگان هم پردازم و بعضی دیگر را جداگانه جزو نویسندگان این دوره بشناسانم و اگر جز این می‌کردم این بخش بسیار مفصل می‌گردید. پس خواننده می‌تواند نام و نشان برخی از اهل قلم را که در عهد صفویان می‌زیستند درین جستار بهمراه آثارشان بیابد و گروهی دیگر را که در همین مبحث اشاره مختصری بدانان شده است در شمار نویسندگان زمان بجوید و بشناسد.

...

نثر صوفیانه و عارفانه
بهنگام تحقیق در وضع تصوف و عرفان درین دوره اشاره‌ی طولانی درباره‌ی اثرهایی درین باب داشته‌ام و دیده‌ایم که بخش مهمی از آنها در شرح مثنوی مولویست، پاره‌ی بفارسی و پاره‌ی بترکی. از میان دیگر اثرها آنچه بفارسی و شایسته‌نگرش است می‌توان چند کتاب زیرین را که پیش ازین معرفی نکرده‌ام نام برد:

خلاصه‌المعارف کتابیست در تصوف بطریقه‌ی نقشبندیان تألیف آدم‌بن سید اسمعیل موسوی که در ۱۰۳۵ هـ بتألیف آن در سرهند آغاز کرد و درین راه

از چند کتاب استفاده نمود و آن را بدو «قسم» و هر قسم را بچند باب و هر باب را بچند فصل منقسم ساخت.^۱

مکاتیب در علم سلوک شامل چهل مکتوب کوتاه درباره اصول تصوف، که گویا بتقلید از لویح جامی فراهم آمده است. نویسنده رساله عبدالحق بن سیف‌الدین ترک دهلوی بخاری است که جز این آثار دیگری نیز دارد و وفاتش بسال ۱۰۵۲ هـ یا بنا بر آنچه در مآثرالکرام بلگرامی آمده است در سال ۱۰۵۳ اتفاق افتاد.^۲

زادالسالک از تألیفات عرفانی ملا محسن فیض است که پیش ازین^۳ چند رساله از اثرهای او را در تصوف ذکر کرده‌ام. درین رساله از راه و رسم سلوک سخن می‌رود.^۴ وی کتابی دیگر بنام آداب‌السالکین دارد.

لوامع درباره اصول تصوف در فصلهای متعدد کوتاهی که هر یک از آنها «لامعه» نام دارد، تألیف شاه‌علی اکبر بن محمد که در کشمیر بسال ۱۱۰۷ نوشت.^۵

نفائس الانفاس رساله‌یست در عرفان و اصول عقاید صوفیه که بعبارتی خوش تدوین شده، تألیف محمدقاسم بن عبدالقادر که بسال ۱۱۸۰ آنرا در دوازده فصل بیابان برد بدین شرح: (۱) در مدح اهل توحید و قدح اهل تقلید (۲) در بوبه توبه گداختن و مس وجود رازر ده‌دهی ساختن (۳) در اعتصام بحبل متین دین مبین و ستایش اهل یقین (۴) در ستایش تواضع و نکوهش ترفع (۵) در مثالب دنیا و مناقب عقبی (۶) در شکر و توکل و تسلیم و تحمل

۱- H. Ethé : Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of the India Office, Oxford 1903, tome I, 1051.

۲- ایضاً همان جلد ستون ۱۰۵۲.

۳- همین کتاب و همین جلد ص ۲۲۷.

۴- فهرست نسخ خطی فارسی دیوان هند ج ۱ ستون ۱۰۵۴.

۵- ایضاً ص ۱۰۵۵.

(۷) در اختلاص از خداع خداع (۸) در تقرب با نیکی و نیکان و نفرت از بدی و بدان (۹) در عبرت از بی‌اعتباری زمان و تنبیه بحال اخوان (۱۰) در احوال و احوال موت و استعداد آن قبل حلول الاجل والفوت (۱۱) در تحبیب باولی و تجنب از غیر اولی (۱۲) بیان سودای عشق در سویدای دل: نام اینگونه کتابهای صوفیان را بسبب اشتغال بر مطلبیهای اخلاقی در ذیل عنوان اخلاق نیز می‌توان آورد.

بدایع‌الدهور از آثار منشور میرزا عبدالقادر بیدل که آن را بشیوه گلستان و بهارستان با حکایات در آمیخته است.

از میان مؤلفان تصوف و عرفان این دوره ذکر مشروحتری از دو تن درینجا بایسته است یکی خواجه محمد دهدار شیرازی (م ۱۰۱۶ هـ) و دیگر شاهزاده محمد دارا شکوه (م ۱۰۶۹ هـ) که هر دو تألیفات متعدد و مهسی در تصوف و عرفان و ترجمه حال بزرگان طریقت دارند، ولی پیش ازین بهر دو تن و بعضی از اثرهایشان در همین جلد اشاره کرده‌ام و اگر فرصتی دست دهد باز هم درباره آن دو سخن خواهم گفت.

همه اثرهایی که درباره تصوف و عرفان در عهد مورد مطالعه ما فراهم آمده بشیوه اثرهای عرفانی و صوفیانه پاریسی نثری ساده و روان دارد و در تحریر آنها بیان مقصود اکتفا شده است.

...

اثرهای مذهبی در عهد صفوی بانگیزه‌هایی که پیش ازین بدانها اشاره کرده‌ام، تألیف کتابهایی بفارسی در رشته‌های مختلف علوم دینی رواج یافت بنحوی که ازین راه مجموعه‌هایی بسیار بزرگ بوجود آمد. این اثرها عاده و غالباً با نثری ساده و بشیوه خاصی که بترجمه از

تازی شباهت دارد نگارش یافته و اکثر آنها مطلقاً فاقد ارزش ادبی است ولی بعضی که در اوایل این دوره خاصه سده دهم تألیف شده‌اند قابل ذکرند.

مهمترین بخش از دانشهای دینی که درین عهد سبب تألیف کتابهایی بفارسی شده مطلبهای مربوط بقرآن است خواه قراءت و خواه تفسیر و یا بیان اسرار آن... و کتابهای زیرین را می‌توان بر آنچه پیش ازین^۱ درین باب ذکر شده است، افزود:

خزانه الاسرار از مظهرالدین محمد فرزند بهاءالدین علی قاری که در سال ۹۶۲ در بیست باب در خواص آیها بترتیب موضوع نگارش یافته (و نسخهدینی از آن بشماره ۲۲۶/۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجودست). درین کتاب بسیاری حدیث از پیغامبر (ص) درباره سوده‌های تلاوت هر یک از سوره‌ها [از باب آمرزش گناهان و محفوظ ماندن از حادثهای دوران و کسب ثوابهای بی‌شمار اخروی و جز آنها] ذکر شده است. نثر کتاب مغشوش و کم‌ارزشست.

اسرارالقرآن کتابیست درباره تجوید و شناخت فرندهای آن در سیزده فصل با مقدمه‌یی بنثر مصنوع که آمیغی از چند واژه پارسی و بسیاری واژه و ترکیبهای تازیست. مؤلف کتاب ملامیرقاری گیلانیست از عالمان سده دهم و آغاز سده یازدهم. کتاب انیس العاقلین که در سال ۱۰۰۵ تألیف شده ازوست. هدیه (یا: هادیه) قطبشاهی تألیف محمدعلی کربلانی یک فهرست الفبائی است از آیها با مقدمه‌یی بفارسی که بنام سلطان عبدالله قطبشاه (۱۰۳۵-۱۰۸۸) نوشته شده است.

اما از تفسیرهایی که بدست عالمان شیعی نوشته شده، بعضی تفسیرهای صوفیانه است که بشیوه اهل تصوف و عرفان در تأویل آیها نگاشتماند.

تفسیرهای دیگر، بجز مطلبهای عادی و جاری، جستارهایی را درباره «احکام قرآن» یا «مشکلات قرآن» و مانندگان آنها در بر دارند و بیشتر همراه با حدیثها و خبرها درباره منقبتها و فضیلتهای اهل بیت و ایراد برهانهایی در اثبات مذهب تشیع دوازده امامی یا ذکر دلیلهایی در ابطال مذهب مخالفان آنست، چنانکه در تفسیرهای ملافتح الله کاشانی می‌بینیم.

پیش ازین بچند تفسیر معتبر فارسی که در عهد صفویان تألیف شده است اشاره کرده‌ام^۱ و درینجا از میان کتابهای دیگر لطائف غیبی و عوطف لاریبی را مذکور می‌دارم. مؤلف این کتاب احمدبن زین‌العابدین جبل عاملی از شاگردان میرداماد و شیخ بهائی است و در یکی از سالهای میان ۱۰۵۴-۱۰۶۰ وفات یافت. کتاب لطائف غیبی که بسال ۱۰۴۴ تألیف و بشاه صفی تقدیم شده است بشیوه متکلمان فراهم آمده یعنی آیههایی که محل استناد درباره ذات واجب و صفات او، نبوت، معاد و همانند آنهاست، تأویل و از هر یک در ذیل «لطیفه» بی‌یاد شده است. این احمدبن زین‌العابدین کتابهای دیگر کلامی نیز دارد مانند حظیره الاتس که شرحی است بر حاشیه جدید تجرید الکلام خواجه نصیر از شمس‌الدین محمد خفری، و نیز کتابهایی که در رد نصرانیت نوشته^۲.

خواجه محمدبن محمود دهمدار که پیش ازین^۳ درباره چند اثر عرفانی او سخن رفته است، در سال ۱۰۱۳ هـ رساله‌ی در تفسیر عرفانی و حکمی دو سوره «الضحی» و «الاتسراح» بفارسی نوشته است. این رساله اصلاً در ذکر مقامهای عرفانی پیامبر تهیه شده است و چون مؤلف می‌پنداشت که دو سوره یاد شده در حق پیامبر نازل شده آن را بشیوه عارفان گزارش کرده است.

تفسیر دیگر بحرالمواج است تألیف بهاء‌الدین محمد اصفهانی مشهور به

۱- همین جلد ص ۲۵۲.

۲- درباره او بنگرید بالذریعه ج ۱ ص ۱۵۹ و ۲۲۷ و بفرست کتابخانه مرکزی دانشگاه

تهران، ج ۱ ص ۱۸۹.

۳- همین جلد ص ۲۲۵-۲۲۷.

«فاضل هندی» (م ۱۱۳۷ هـ) صاحب تألیفاتی در فقه و کلام. بحرالمواج بترتیب منظم سوره‌ها و آینها و ترجمه دقیق آنها با بهره‌مندی از کتابهای اخبار شیعه و تفسیرهای عامه و خاصه و حتی بعضی از گفتارهای حکیمانی چون ابن‌سینا و خواجه طوسی فراهم آمده است.^۱

پیش ازین^۲ اشارتی بوجود نیایشنامه‌ها درین عهد شده بود و اینک ذکر فهرست‌وار زیرین در این باب خالی از فایده بنظر نمی‌رسد. نیایشنامه‌های فارسی در عهد صفویان از راههای مختلف شرح و ترجمه و تلخیص پدید آمده‌اند و از جمله قدیمترین آنها کتاب مفتاح النجاة است و آن ترجمه‌یست از «عده‌الداعی» ابوالعباس احمد معروف به ابن فهد حلی (۷۵۷-۸۴۱) بدست علی‌بن حسن زواری مفسر نامبردار سده دهم هجری. این کتاب حاوی دعاهای گوناگونست و زواری هم خود چند دعا بر اصل کتاب افزود. دیگر جمال‌الصالحین از حسن‌بن عبدالرزاق لاهیجی. وی کتابی بفارسی در کلام نوشته است بنام شمع‌البیقین که بطبع رسیده. جمال‌الصالحین در ۱۳۲ فصل است درباره اعمال بایسته (واجب) و شایسته (مستحب) و عبادتهایی در هر یک از دوازده ماه سال و روزهای متبرک و نیایشهای ویژه هر یک از آنها و آیینهای زیارت پیامبر (ص) و امامان شیعه. مطلبهای کتاب همه جا بر پایه خبرها و ترجمه آنها استوارست^۳. سفینه النجاة معروف به «مقالات خمس» تألیف اصغرین محمدیوسف قزوینی^۴ از عالمان قرن یازدهم نیز کتابی ازین قبیل است. مقدمه‌ی دارد درباره ثواب خواندن نیایشها و پنج مقال درباره دعاهای روزانه، دعاهای هفتگی، دعاهای سالانه، دعاهای دیگر و زیارتنامه‌ها^۵.

۱- فهرست کتابخانه مجلس شوری، ج ۲ ص ۵-۶.

۲- همین جلد ص ۲۵۲-۲۵۳.

۳- فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، ج ۱ ص ۲۰.

۴- درباره لو بنگرید بروضات الجنات، ج ۳، قم ۱۳۹۱، ص ۲۷۲.

۵- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱ ص ۱۲۸.

نحفة الابرار ترجمه بیست از خلاصة الاذکار ملامحسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱) در دوازده فصل دربردارنده نیایشهایی که بایسته هر کاری در هر شب و روز از حضر و سفر است. این ترجمه در تهران بطبع رسیده و غیر ازین چند بار دیگر هم بیپارسی در آمده است. همین ملامحسن فیض خود تألیفاتی بزبان فارسی در «دعاهای و ذکرها» دارد مانند زادالعقبی دربردارنده نیایشها و وردهایی که از «اهل بیت» ویژه ماههای رجب و شعبان و رمضان روایت شده است. این کتاب را فیض بنام شاه عباس دوم تألیف کرد. و باز از همین مؤلف است کتاب لب الحنات بفارسی که آن را نیز بنام شاه عباس دوم در سه باب: ۱) دعاهای روزها ۲) دعاهای هفته‌ها ۳) دعاهای ماههای هر سال تألیف کرد.^۱

ملا محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ هـ) میان اثرهای متعدد مذهبی خود بفارسی چند کتاب هم در نیایشها و وردها و کارهای دینی مؤمنان دارد. از آن جمله است مقیاس المصابیح و آن مجموعه بیست از نیایشها در ده فصل که متن آنها بتازیبست و مجلسی آن را بنام شاه سلیمان جمع آوری و تألیف کرده است.^۲ دیگر از اثرهای مجلسی درباره نیایشها کتاب ربیع الاسابیح است دربردارنده نیایشها و وردهای شباروزی خاصه آنها که ویژه روزهای آدینه است. این کتاب بطبع رسیده است. - کتاب مشهور دیگر او درین باره کتاب زاد المعاد است که بارها چاپ شده و نسخه‌های خطی بسیار از آن در دستست. مجلسی آن را بدستور شاه سلطان حسین با یک مقدمه و چهارده باب و خاتمه تألیف کرده است. از باب نخستین تا باب نهم این کتاب همه کارهای دوازده ماهه قمری مؤمنان معلوم شده و باب دهم درباره کارهای دینی مشترک در همه ماههاست. باب یازدهم در زیارت تربت پیامبر و امامان، باب دوازدهم در بیان نمازهای بایسته و شایسته، باب سیزدهم در حکمهای مردگان، باب چهاردهم حاوی حکمهای خمس و زکات و اعتکاف، و خاتمه درباره کفاره گناهانست. دعاهای و زیارتنامه‌های این کتاب را عالمان دینی بعد از مجلسی چندبار بیپارسی

۱- ایضاً همان جلد ص ۱۲۲ و ۱۸۴.

۲- ریاض العلماء، ج ۵، قم ۱۴۰۳ هـ، ق، ص ۴۰.

در آورده‌اند. نسخه‌های چاپی این کتاب در بیشتر خاندهای شیعی مذهب‌ان ایران و هند یافته می‌شود. - کتاب دیگری هم از مجلسی داریم که آنهم مکرر بطبع رسیده و موسومست به *تحفة الزائر* و مشتمل است بر دیباچه‌یی در سبب تألیف کتاب و مقدمه‌یی در آداب سفر و دوازده باب در راه و رسم زیارت تربیت پیامبر و امامان و فرزندان‌شان. در خاتمه این کتاب آیینهای بازدید کسانی که از زیارت بازگشته‌اند نوشته شده است.

آقا جمال خوانساری (م ۱۱۲۵ هـ) که از معاصران ملا محمدباقر مجلسی و از فقیهان نامبردار زمان بود، کتاب *مفتاح الفلاح* شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ هـ) را بیارسی ترجمه کرد و حاشیه‌هایی بر آن افزود و آن چند بار بطبع رسید.^۱ *مفتاح الفلاح* کتابیست بتازی درباره کارهای دینی بایسته (واجب) و شایسته (مستحب) شباروزی و نیایشها که بسال ۱۰۱۵ تألیف شده است. در این کتاب کارهای دینی که باید (۱) در سپیده دم (۲) از برآمدن آفتاب تا نینروز (۳) از نیمروز تا نماز دیگر (۴) از نماز دیگر تا هنگام خواب (۵) از هنگام خواب تا نیمشب (۶) از نیمشب تا سپیده دم انجام شود، و نیایشهایی که درخور هر گاهست یاد شده است. *مفتاح الفلاح* را چند بار چاپ کرده‌اند و بجز آقا جمال خوانساری صدرا نامی هم آن را بیارسی درآورد و آن را آداب عباسی نامید. معلوم نیست که این گزارنده^۲ همان ملا صدرای مشهور باشد اگرچه معاصر شیخ بهایی و در شمار شاگردان او بود.

یکی از اسلاف همین شیخ بهایی یعنی برادر نیای او بنام تقی‌الدین ابراهیم عاملی (م ۹۰۵ هـ) کتابی شامل نیایشها بتازی فراهم آورد و آن را *البلدالامین والقرع‌الحصین* نامید. داودبن شیخ محمد کربلایی آن را در سال ۱۱۳۵ هـ بنام

۱- و بنگرید بضمیمه فهرست ریو ص ۴ درباره نسخه Or.2812 ازین کتاب.

۲- گزارنده بمعنی مترجم:

گزارنده را پیش بشانند همه نامه بر رودکی خواندند (فردوسی)

و بمعنی تفسیرکننده و بیان‌کننده نیز هست.

شاهسلطان حسین در دو جلد با ترجمه سطر بسطر دعاها بیپارسی در آورد. از بلدالامین ترجمه‌های دیگری نیز بیپارسی ترتیب یافت.

دخترزاده مجلسی، محمدحسین خاتون آبادی اصفهانی کتابی دارد بنام خزائن الجواهر درباره دعاها و ذکرها و وردها و کارهای دینی و وظیفه‌هایی که وابسته بهر روز و هر شبست. وی در مقدمه این کتاب گفته است که چون بیشتر اینگونه کتابها بتازیبست عامه خلق از سود آنها بی بهره‌اند و او برای بهره‌مندی آنان کتاب خود را بیپارسی نوشته است.

اگرچه کتابهای اساسی حدیث در عهد صفویان بعربی تألیف و تدوین شده است لیکن در میان این دسته از اثرهای دینی هم چند کتاب قابل ذکر بفارسی داریم که از آنجمله است:

ترجمة المناقب که عالم معروف آغاز عهد صفوی ابوالحسن علی بن حسن زواری آن را از راه ترجمه «کشف الغمة فی معرفت الائمة» پدید آورد. کتاب اخیر تألیف بهاءالدین ابوالحسن علی بن عیسی بن فخرالدین ابی‌الفتح اربلی معروف بابین فخر (م ۶۹۲ هـ) از محدثان بزرگ شیعه است که در آن سرگذشت پیامبر و امامان را یکجا گرد آورد. این زواری کتاب الاحتجاج علی اهل اللجاج ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (تفرشی) از عالمان سده ششم هجری را هم بنام کشف الاحتجاج بامر شاه تهماسب صفوی بیپارسی در آورد. احتجاج حاوی استدلالهای است که از پیامبر و امامان درباره اصول و فروع دین روایت شده است.

زین‌الدین علی نقی پسر محمد هاشم کمره‌یی اصفهانی (م ۱۰۶۰ هـ) معاصر شاه صفی و شاه عباس دوم که چند گاهی بکار قضا در شیراز سرگرم بود، در فقه و حکمت و کلام و حدیث چند کتاب دارد که از آن جمله است دو کتاب فارسی

۱- درباره او بنگرید به روضات الجنات چاپ قم سال ۱۳۹۱ هـ. ق، ج ۴ ص ۲۴۱-

او: نخست بنام مسارالشیعه در یک «افتتاح» و دوازده فصل و «اختتام». در هر فصل دوازده حدیث از کتابهای معتبر پیشین شیعه نقل و ترجمه و شرح شده و کتاب بنام شاه صفی در آمده است. دوم کتاب هم‌الثواب که آن هم در دوازده فصل است دارای حدیثهایی در موضوعهای گوناگون دینی و دنیاوی مؤمنان شیعه.

ملا محمد تقی بن مقصود علی (م ۱۰۷۰ هـ) معروف به مجلسی [اول] کتاب من لایحضره الفقیه ابن بابویه قمی (م ۳۸۱ هـ) را که از کتابهای چهارگانه حدیث شیعه است، با امر شاه عباس دوم، بفارسی ترجمه کرد و در آن هر حدیث را واژه‌بواژه بیارسی در آورد و آنگاه گفتار عالمان شیعه را در معنی آنها و سپس نظر خود را درباره هر یک بیان نمود و مقدمه‌یی نیز بر کتاب افزود و کتابی را که ازین راه فراهم آورد لوامع صاحبقرانی نامید. این کتاب تا پایان کتاب حج بسال ۱۳۲۴ هـ. ق در تهران چاپ شد و از آن نسخه‌های خطی موجود است. ملا محمد تقی در آغاز کتاب لوامع صاحبقرانی چند جستار سودمند بنام «فایده» آورده است. فایده اول در فضیلت علم و علماست و فایده دوم در وجوب طلب علم و فایده سیم در علومست که تعلم آن لازمست و فایده چهارم در بیان اهل بیت حضرت سید المرسلین و فایده پنجم در وجوب رجوع در همه علوم بانضمام معصومین و فایده ششم در اوصاف علمای دینی و فایده هفتم در اختلاف اخبار و جمع میان آنها و فایده هشتم در «اجازه حدیث» و فایده نهم در تعلیم و تعلم و آداب و ثواب آن و فایده دهم در مذمت اجتهاد و آراء باطله و فایده یازدهم در اصطلاحات حدیث و فایده دوازدهم در اینکه [کسب] علم بهترین عبادتهاست.

محمد صالح بن محمد باقر قزوینی روغنی^۱ از عالمان دینی سده یازدهم چند کتاب بفارسی تألیف یا ترجمه کرده است مانند ترجمه عبون اخبار الرضا که

۱- درباره او رجوع شود به: امل الآمل ج ۲ ص ۲۷۷، فهرست کتابخانه مدرسه عالی

آن را بسبب اقامت در مشهد برکات المشهد المقدس نام داده. -- دیگر رساله اوست درباره «خوردن آدم از شجره منبیه» که اشارتیست به خلقت آدم و سرگذشت او و حوا با اتکاء بر حدیثهای روایت شده. -- دیگر ترجمه نهج البلاغه. -- دیگر ترجمه صحیفه سجادیه. -- دیگر ترجمه توحید مفضل، مجموعه خبرهایی که مفضل بن عمر جعفی از یاران امام جعفر صادق و امام موسی کاظم (ع) در ذکر چگونگی خلقت و حکمت بعضی از مخلوقها روایت کرده است. روغنی ضمن ترجمه حدیثها سعی داشت تا از تصرف در آنها پرهیز کند.

یکی از اربعینیات، چنانکه پیش ازین دیدیم^۱ از بهاءالدین عاملی (شیخ بهائی م ۱۰۳۰ هـ) است که بین عالمان شیعی سدههای واپسین ارزش بسیار دارد. از شاگردان شیخ بهایی عالمی معروف به ابن خاتون و موسوم به شمس الدین محمد عاملی (سده یازدهم)^۲ این اربعین را بفرمان سلطان محمد قطبشاه بفارسی ترجمه کرد. وی کتابهایی هم بیارسی فراهم آورد^۳. در ترجمه قطبشاهی علاوه بر نقل کتاب اربعین شیخ بهائی بیارسی شرحی نیز بر حدیث افزوده شده است و این کتاب را بسال ۱۳۰۹ هـ. ق در بمبئی چاپ کردند.

ملاخلیل بن غازی قزوینی (م ۱۰۸۹ هـ)^۴ از شاگردان میرداماد و شیخ بهائی دارای چندین تألیف و شرح و حاشیه در موضوعهای مختلف مذهبی بیارسی است. از جمله آنهاست کتاب صافی یعنی ترجمه و شرح کتاب کافی محمد بن یعقوب کلینی^۵ که بسال ۱۳۰۸ هـ. ق در هند بطبع رسید.

۱- همین کتاب و همین جلد ص ۲۵۵.

۲- درباره او بنگرید به امل الآمل ج ۱ ص ۱۶۱.

۳- درباره ترجمه قطبشاهی رجوع کنید به فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ج ۱ ص

۲۲۶-۲۲۷.

۴- درباره او بنگرید به روضات الجنات ج ۳ ص ۲۶۹-۲۷۴.

۵- درباره او بنگرید به روضات الجنات ج ۶ ص ۱۰۸-۱۱۹.

میرمحمدبن محمد لوحی ملقب به «مطهر» و متخلص به نقیبی که از معاصران و معارضان مجلسی اول و دوم بود، کتابی بفارسی دارد بنام کفایةالمبتدی فی معرفةالمهدی که از جمله اربعینیات و مشتمل است بر حدیثهایی که از روایت فضل بن شاذان نیشابوری (سده سوم ه) گرفته شده و همه آن حدیثهای چهل گانه ترجمه و شرح و تفسیر شده و آن را در سال ۱۰۸۳ بپایان رسانیده. ازین کتاب نسخههایی در دست است^۱.

سیحای کاشانی (م در حدود ۱۱۲۱ ه) کتاب الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد شیخ مفید ابن المعلم البغدادی (م ۴۱۳ ه) را [در سرگذشت پیشوایان شیعه و نصی که بر امامت آنان شده و معجزه‌های هر یک و تولد و مرگ و قبر و شماره فرزندان آنان] بنام شاه سلیمان بفارسی در آورد و به نحفه سلیمانی موسوم ساخت. این کتاب بسال ۱۳۰۳ ه. ق در تهران چاپ شد.

ملا محمدباقر مجلسی در جزو کتابهای متعدد فارسی که در موضوعهای مذهبی شیعه نوشته چند کتاب هم در حدیث بفارسی دارد مانند: جلال‌العیون در سرگذشت پیشوایان شیعه در یک مقدمه و چهارده باب که بنام شاه سلیمان صفوی (م ۱۱۰۵ ه) تألیف کرده و چندبار چاپ شده و سید عبدالله بن محمد رضای کاظمی (م ۱۲۴۲ ه) آن را بعربی ترجمه کرده است. - رساله رجعت که در آن دوازده حدیث درباره امام دوازدهم (ع) با ترجمه و تفسیر آنها آمده است. گذشته ازینها دو حدیث دیگر هم در آغاز این کتاب نقل شده است مبنی بر پیشگویی درباره ظهور صفویان. در سیزدهمین حدیث ازین حدیثهای چهارده گانه از «رجعت» سخن رفته و بدین مناسبت رساله یاد شده «رساله الرجعة» نامیده شده است. این کتاب را در هند چاپ کرده‌اند. - ترجمه نامه امیرالمؤمنین علی (ع) بمالک اشتر که به همراه آن سه حدیث درباره کشورداری نقل شده است. - حلیة المتقین متضمن حدیثهایی در آیین

۱- فهرست کتابخانه مجلس شوری، ج ۳، ابن یوسف ص ۶۱؛ فهرست کتابخانه مرکزی

زندگانی که چهارده باب و یک خاتمه دارد. درباره این کتاب باز هم سخن خواهم گفت. -- عین الحیات ترجمه بیست که مجلسی از وصایت پیامبر به ابوذر غفاری کرد و آن بصورت حدیثی در اثرهای عالمان پیشین شیعه تکرار شده است. این کتاب بسال ۱۲۴۰ ه. ق در تهران بطبع رسید.

در تألیف کتابهایی بفارسی در فقه شیعه هم درین عهد کوششهایی شده است:

از جمله عالمان قدیم فارسی نویس در شرعیات کمال الدین حسین بن خواجه شرف الدین عبدالحق اردبیلی معروف به الهی است که مردی فاضل و شاعر و متمایل بتصوف و از شاگردان جلال الدین دوانی و میرغیاث الدین منصور دشتکی شیرازی بود و در اوان قیام شاه اسمعیل صفوی شهرت یافت. وی شرحی بر نهج البلاغه بفارسی بنام شاه اسمعیل نوشت موسوم به نهج الفصاحه، کتابی هم در شرح گلشن راز شیخ محمود شبستری دارد و کتابهایی دیگر در موضوعهای کلامی و علمی و حکمی و تفسیر؛ درباره او نوشتناند اولین کسی است که در شرعیات بنا بر مذهب شیعه بفارسی کتاب نوشت. از جمله اثرهای او، غیر از آنچه ذکر کرده ام، کتاب تاج المناقب فی فضائل الائمه است بفارسی و دیگر تفسیر فارسی قرآن در چند مجلد. وی در شعر فارسی نیز دست داشته و الهی تخلص می کرده است. وفاتش در اردبیل بسال ۹۵۰ اتفاق افتاد و همانجا بخاک سپرده شد.

کتابهای فقهی شیعه بفارسی در آغاز بیشتر برای آگاه ساختن مردم از تکلیفهای شرعی آنان در سطح ابتدایی تألیف می شده است. رساله های فارسی زیرین از مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ ه) که در شمار نخستین دفترهای فقهی این

۱- درباره احوال و آثارش بنگرید به: ریاض العلماء میرزا عبدالله افندی، ج ۲، قم ۱۴۰۱

ه. ق، ص ۹۸-۱۰۸؛ روضات الجنات، ج ۲، ص ۳۱۹-۳۲۰؛ تاریخ نظم و نشر در ایران ص

عهدست، یعنی رساله در صلوة و صوم (یا: رساله عملی) و رساله حج و رساله ارشاد همه ازین مقوله است.

جامعترین و مهمترین کتابی که بعد ازین مرحله در فقه شیعه اثنی عشری بزبان فارسی تدوین شد کتاب جامع عباسی است که شیخ بهاءالدین عاملی آن را بامر شاه عباس بزرگ تألیف کرده و در مقدمه گفته است که کتاب در بیست بابست که از طهارت آغاز می شود و بدیات پایان می پذیرد ولی خود توانست پنج باب نخستین آن (طهارت، نماز، زکات، روزه، حج) را تدوین کند. در آغاز باب ششم مقدمه دیگری آمده که در آن گفته شده است مؤلف (یعنی شیخ بهاءالدین) در دوازدهم شوال ۱۰۳۱ (نه ۱۰۳۰ که قول مشهورست) بعد از اتمام پنج باب اول در گذشت و نویسنده دومین مقدمه محمدنظام بن حسین ساوجی قریشی مأمور اتمام کتاب گردید. این کتاب در سال ۱۲۶۴ ه. ق در لکنهو و در ۱۲۷۷ ه. ق در تهران و بعد از آن چاپ شده و از آن نسخه های خطی بسیار در دستست.

ملا محمد حسن فیض (م ۱۰۹۱ ه) در میان کارهای متنوع و متعددش رساله ای از همین سنخ دارد که نگارش آن برای آگاهی عامه است از معنی آنچه هنگام نماز بر زبان می آورند همراه با اندکی توجیه و تفسیر و تمثیل بفارسی. این رساله همان ترجمه الصلوة اوست که رساله بیست نسخه کوتاه که جنبه بلاغی و انشائی آن قابل توجهست و بسال ۱۳۴۰ در تهران بخط نستعلیق خوش همراه با تصویرهایی در حواشی صفحه ها طبع شد. وی کتاب دیگری بفارسی دارد در هشت باب بنام ابواب الجنان در بایستگی (وجوب) نماز آدینه و همین موضوع را فیض در کتاب دیگر خود موسوم به شهاب ناقب که بتازیبست اعاده کرده است.

موضوع بایستگی نماز آدینه در غیبت امام یا نابایستگی آن مورد بحث فقیهان روزگار بوده و کتابها درین باب نوشته اند و از آن جمله محقق سبزواری (محمد باقر بن محمد مؤمن م ۱۰۹۰ ه) رساله ای بفارسی در همین باب دارد و

محمدطاهر قمی (م ۱۰۹۸ هـ) هم کتاب رجاء الحق را درین باره نوشته است. رساله‌های متعدد دیگری هم درین موضوع بتازی فراهم آمده است که ذکر آنها درینجا زائد بنظر می‌رسد.

ملا محمد تقی بن مقصود علی مجلسی (م ۱۰۷۰ هـ) کتابی در احکام عبادات و قسمتی از احکام غیر عبادات بفارسی روان نوشته است که در هند بطبع رسیده. از جمله دیگر کتابهای او در فقه بفارسی کتاب حدیقه المتقین است در پنج باب و یک مقدمه و خاتمه که شامل یک دوره از فقه است. پسرش ملا محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ هـ) هم چند رساله مانند الشک فی الصلوة و حدود و تعزیرات و الدیات والقصاص در جستارهای فقهی نوشته است.

از جمله کتابهایی که بزبان فارسی در جستارهای گونه‌گون کلام و اعتقادات درین دوره تألیف شده بذکر این چند نمونه بسنده می‌شود:

رساله حسنیه از عزالدین بن جعفر آملی از عالمان سده دهم هجری معاصر شاه تهماسب صفوی و ملازم تاج الدین حسن وزیر مازندران. وی کتاب خود را با دیباچه و دو باب «در بیان اعتقادات قلبیه و ذکر عبادات شرعیه» بنام تاج الدین حسن یاد شده نوشته و گذشته ازین کتاب نهج البلاغه را هم بسال ۹۴۴ هـ بنام آن وزیر پیارسی در آورده است.^۱

رساله حسینیه در اثبات امامت علی بن ابی طالب (ع) و جانشینانش تألیف ابراهیم بن ولی الله حسینی استرآبادی که آن را از اصل عربی که نسخه آن را هنگام بازگشت از سفر حج در دمشق یافته بوده، بسال ۹۵۸ هـ بنام شاه تهماسب ترجمه کرد. رساله یاد شده بسال ۱۲۸۴ هـ ق در ایران چاپ شد.^۲

۱- نسخی از حسنیه در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است، فهرست آن کتابخانه ج ۳

چند سالی دنبال تر احمد بن محمد مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ هـ) کتاب اصول دین یا اثبات واجب را به پارسی نوشت و علاوه بر این، کتاب پارسی دیگر منسوب به او بنام حدیقة الشیعة در اثبات امامت خاصه مشهورست که بسال ۱۳۰۳ هـ ق بطبع رسیده و گویا همین کتاب باشد که میرمیران محمد حسینی اردستانی آن را اساس تألیف خود در کتاب کلامی فارسی دیگری بنام کاشف الحق قرار داد و آن را بسال ۱۰۵۸ در حیدرآباد پایان رسانید.^۱

زیدة التصانیف در کلام و احکام شیعه تألیف حیدر بن محمد خوانساری است که بنام شاه عباس بزرگ تألیف کرده و در فراهم آوردن آن از مأخذهایی که نام بعضی را ذکر کرده بهره مند بوده است مانند کتاب کشف زمخشری، کتاب مجمع البیان شیخ طبرسی، تفسیر ابوالفتوح رازی و جز آنها. این کتاب مشروح در یک مقدمه و دوازده باب و خاتمه است و هر باب آن بچند فصل تقسیم می شود: در باب اول در ارکان ایمان و صفات واجب الوجود و نبوت و امامت و معاد و توبه و انابت و احوال روح سخن می گوید و در باب دوم و سوم بتفصیل درباره نماز و در باب چهارم درباره روزه و در باب پنجم درباره صدقه و در باب ششم درباره حج و در باب هفتم از احوال پیامبر و امامان و معجزه های آنان و در باب هشتم از تاریخ پیامبران از آدم و نوح تا عیسی و در باب نهم از وظیفه های مؤمنان مثل عبادت، توکل، اخلاص، رضا، صبر و جز آنها، و در باب دهم از آنچه مؤمنان باید از آنها پرهیزند، و در باب یازدهم از علم و عالمان و علم قرآن و آداب عالمان دین و در باب دوازدهم از موضوعهای پراگنده یی مانند خلقت عالم و آسمان و زمین و فرشتگان و ابلیس و روز رستاخیز و میزان یاد می کند. خاتمه در بعضی حدیثها و حکایتهای متفرق است.^۲ باتوجه باین بابها و فصلها معلوم می شود که

۱- روضات الجنات ج ۱ ص ۷۹-۸۵.

۲- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ج ۳ ص ۶۰۳-۶۰۵.

۳- فهرست نسخهای خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، ج ۱ ص ۴۵-۴۶؛ فهرست

نسخهای خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا ج ۱ ص ۲۱.

زبدةالتصانیف اگرچه اصلاً بقصد بحث در علم کلام فراهم آمده ولی بزودی از حد آن گذشته و مؤلف بجستارهای دیگری مثل فقه و سرگذشت پیامبران و امامان و بویژه قسمتی از مبحثهای اخلاقی که صبغه دینی دارد توجه نموده است. کتاب تجریدالکلام خواجه نصیرالدین طوسی راه که از کتابهای اساسی کلام شیعه دوازده امامیست، زین الدین علی بدخشی بنام سلطان محمد قطبشاه (۹۸۹-۱۰۲۰) بپارسی در آورده و بر آن شرحی نوشته و آن را تحفه شاهی و عطیه الهی نامیده است.^۱ شرح فارسی دیگری از همین کتاب با نام علاقه التجرید نوشته سید امیرمحمد اشرف عاملی (م ۱۱۴۵ هـ) در دست است.^۲

کتاب شجره الهیه در کلام شیعه تألیف رفیع الدین حیدر حسینی طباطبائی از عالمان سده یازدهم هجریست. وی این کتاب را در عهد پادشاهی شاه صفی و بنام او نوشته و برسم متکلمان شیعه گذشته از اثبات وجود خالق و نبوت و معاد در اثبات امامت نیز سخن گفته و کتاب را در یک مقدمه و هشت «مطلب» تنظیم نموده است. در کتاب قصص الخاقانی از مؤلف کتاب یعنی میرزا رفیعی طباطبائی نایینی سخن رفته است.^۳

از مؤلفان معروف کلام شیعه بفارسی که اثرهایش در شمار کتابهای درسی متعلمان دانشهای دینی شیعه است، ملا عبدالرزاق بن علی بن حسین لاهیجی قمی متخلص بفیاض (م ۱۰۷۲ هـ) متکلم معروف دوران صفویست.^۴ وی دو کتاب مشهور در کلام شیعه بفارسی دارد: نخست گوهر مراد در یک مقدمه و سه مقاله و خاتمه که حاوی یک دوره کامل از علم کلام است بشیوه متکلمان شیعه و حتی نقل بسیاری از معتقدات آنان که ربطی بمباحث علمی ندارد و اگر از بعضی زوائد آن بگذریم ماحصل کلام تحقیق مؤلف است در موضوع توحید و نبوت

۱- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۳ ص ۵۶۱؛ الذریعه، ج ۳ ص ۴۴۳.

۲- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه ج ۱۳ ص ۵۹۶.

۳- و بنگرید بفهرست ربوا ج ۱ ص ۳۱.

۴- همین کتاب و همین جلد ص ۳۲۶-۳۲۸ و ۱۲۳۰-۱۲۳۳.

و امامت و معاد. فیاض این کتاب را بسال ۱۰۵۸ بنام شاه عباس دوم نوشت و بعد از آن کتاب کوتاه‌تری که در واقع تلخیصی است از گوهر مراد، بنام سرمایه ایمان در یک مقدمه (منطق) و پنج «اصل» تألیف کرد. این هر دو کتاب بسبب سادگی انشاء و مطلبها در میان مبتدیان علم کلام شیعه بصورت کتابهای درسی رایجست.

فصول مختاره (کتاب الفصول) که سید مرتضی (م ۴۳۶ هـ) از دو کتاب استاد خود شیخ مفید (م ۴۱۳) بنامهای «المجالس المحفوظة» و «العیون والمحاسن»^۱ انتخاب و تنظیم کرده بود، درین عهد بدست آقا جمال خوانساری (م ۱۱۲۵ هـ)^۲ با افزایشهایی در دو جلد بفارسی درآمد. جلد نخستین هفتاد، و جلد دوم پنجاه و یک فصل دارد.^۳

کتاب تذکرة لائمه تألیف ملا محمد تقی بن مقصود علی مجلسی (م ۱۰۷۰ هـ) درباره ظهور پیامبر اسلام (ص) و اثبات نبوت او و امامت ائمه معصومین (ع) در یک مقدمه و چهارده باب باضافه خاتمه است. این کتاب بشماره Or.3641 در کتابخانه موزه بریتانیا ملاحظه شد. مؤلف ادعا کرده است که مطالب کتابش بر کتابهای متعدد از نصارا و براهمه و یونانیان و مجوس و کتاب جاودان خرد تصنیف هوشنگ دومین پادشاه دنیا و کتاب زمزم از تصنیفات زردشت و یسنا و ابستاغ (اوستا) متکی است^۴ ... و بهتر آن خواهد بود که خواننده محقق برای آشنایی بیشتر با دعاوی او بکتاب یاد شده مراجعه کند.

والله الهادی.

۱- این هر دو کتاب مجموعه مشاجرات و خرده‌گیریهای شیخ مفید در رد بر مذهبهای غیر شیعی است.

۲- درباره او بتگرید به: روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۱۴-۲۱۵.

۳- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۳، ص ۵۶۴-۵۶۵.

۴- توضیح: آنچه در متن آورده‌ام کوتاه شده فهرست مشروحیست که مؤلف تذکرة لائمه ذکر کرده است و از محرر این مطور نیست. ضمناً بدانیم که مقصود از کتاب زمزم گاناهای زردشت

پسر مؤلف یاد شده، ملا محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ هـ) کتاب حق‌الیقین را بنام شاه‌سلطان حسین نوشته و در آخر شعبان سال ۱۱۰۹ بیابان رسانیده است. این کتاب آخرین تألیف از تألیفات چهل و نه‌گانه مجلسی بزبان فارسی در مسائل مذهبی شیعه و در همان حال از جمله کتابهای معتبر اعتقادی شیعه بفارسی در دوره‌های اخیر تشیع اثنی‌عشریست. مجلسی در جستارهای مختلف کتاب یاد شده غالباً بدلیلهای نقلی استناد کرده و اتکاء او بدلیل عقلی بسیار کمتر است و در حقیقت باید این کتاب او را هم از جنس دیگر اثرهای او و تحت تأثیر اطلاعات وسیعش از احادیث شیعه و استناد بآنها دانست. حق‌الیقین در شش باب و هر باب منقسم باجزاء مختلف از قبیل مقصد و فصل و مباحث گونه‌گونه‌یست که در آنها گنج‌انیده شده است بدین شرح: باب (۱) اثبات وجود حق تعالی و صفات کمالیه او در ده فصل. (۲) در بیان صفات سلویه در هشت مبحث. (۳) در بیان صفاتی که متعلق بافعال خالقست در سه مبحث. در مبحث سوم ازین باب مجلسی مسأله جبر را به پنج وجه، رد کرده و اختیار را بنا بر مذهب اکثر امامیه و معتزله برگزیده است. (۴) در نبوت و اثبات نبوت محمد (ص). (۵) در امامت. (۶) اثبات معاد و دفع شبهه‌های معاد جسمانی و احوال عالم برزخ و شرایط و علامات قیامت و آنچه از مطالب دیگر که مربوطست بمعاد. در فصل نوزدهم ازین باب ایمان و اسلام و کفر و ارتداد و در فصل بیستم انواع گناه‌ها و ثوبه از آنها و بایستگی توبه مورد بحث قرار گرفته است. خاتمه حق‌الیقین در بیان احوال عالم بعد از انقضای امر قیامتست. این کتاب بسال ۱۲۴۱ هـ.ق در تهران چاپ شده و بعد از آن باز هم بطبع رسیده است.

پسر ملا عبدالرزاق لاهیجی قمی بنام میرزا حسن قمی (م ۱۱۲۱ هـ) که از بهترین شاگردان پدر خود بوده و بعد از پدر در قم مجلس درس داشته و همانجا در گذشته است، چند کتاب معروف در کلام و حکمت دارد که از آن جمله است شمع‌الیقین بفارسی که در تهران بسال ۱۳۰۳ چاپ شده و از کتابهای

مراجعه در علم کلام میان عالمان امامی است. کتاب دیگر او «رساله فارسی در مسائل مختلف فیه حکمت» و کتاب دیگری بنام جمال الصالحین است که بسال ۱۱۲۱ نوشته و بعد ازین درباره آن سخن خواهم گفت. وی کتابهایی هم عبری دارد که از آنجمله است زواهرالحکم در یک مقدمه و سه باب که در آن مبحثهای طبیعی و الهی و نبوت و امامت و معاد بروش عالمان شیعی مورد گفت و گو قرار گرفته است. کتاب مهم دیگرش مصابیح الهدی و مفاتیح المنی است^۱.

دیگر ازینگونه کتابهاست ضیاءالقلوب درباره امامت و اثبات مذهب حق در میان فرقه‌های اسلامی از محمدبن عبدالفتاح تنکابنی مشهور به سراب (م ۱۱۲۴ هـ).

شایسته می‌بود که از مجالس المؤمنین قاضی نورالله در شمار کتابهای مربوط به اعتقادات سخنی بمیان آید، ولی چون ذیل نام قاضی یاد شده باین کتاب نیز اشاره کرده‌ام، در اینجا بهمین تذکار بسنده می‌کنم.

الملل والنحل محمدبن عبدالکریم شهرستانی (م ۵۴۸ یا ۵۴۹ هـ) که بسال ۸۴۲ بوسیله افضل الدین صدر ترکه اصفهانی بفارسی دیریاب مغلط و منشیانه‌یی درآمده بود، بفرمان نورالدین جهانگیر بر دست مصطفی بن خالقداد در سال ۱۰۲۱ بفارسی ساده‌تری تبدیل و تحریر گردید که بقول خود او «ترجمة من الترجمة الاولى» است^۲.

دبستان مذاهب کتاب قابل توجهیست بفارسی در دینها و مذهبهای مختلف بویژه باورداشتهای پارسیان و هندوان. کتاب در دوازده «تعلیم»

۱- بنگرید به: روضات الجنات ج ۴ ص ۱۹۷؛ ریاض الملماج ۱، قم ۱۴۰۱ هـ. ق، ص ۲۰۷-۲۰۸؛ الذریعه ج ۱ ص ۵۲؛ فهرست کتابخانه مجلس شوری ج ۳ ص ۴۷-۴۹؛ فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه ج ۳ ص ۵۸۰.

۲- این کتاب با مقدمه مشروح و مقابله ترجمه فارسی با متن عربی الملل والنحل شهرستانی بکوشش آقای دکتر محمدرضا جلالی نایینی در تهران بطبع رسیده است. تاریخ چاپ سوم آن (هم در تهران) سال ۱۳۶۱ شمسی است.

نوشته شده و هر تعلیم مشتمل بر چند «نظر» است: تعلیم نخست) در معرفت عقاید پارسیان. ۲) در باز نمودن عقاید هندوان. ۳) در عقیده بتیان. ۴) در عقاید یهود. ۵) در عقاید ترسا. ۶) در عقاید مسلمان. ۷) در عقاید صادقیه. ۸) در عقاید واحدیه. ۹) در اعتقادات روشنیان. ۱۰) در عقاید الهیه. ۱۱) در عقیده حکما. ۱۲) در عقیده صوفیه. نظری به «نظر»های تعلیم نخست این کتاب بستگی مؤلف را به تعلیمات آذر کیوان ثابت می‌کند ولی بقطع و یقین معلوم نیست که او که بود زیرا از خود در کتاب نامی نیاورد و بهمین سبب از چندتن هر یک بمناسبتی بعنوان مؤلف این کتاب یاد شده است مثل محسن فانی کشمیری (م ۱۰۸۱) و سید ذوالفقار علی حسینی اردستانی متخلص به «موبد» و معروف به «موبد شاه» و سرانجام کیخسرو اسفندیار پسر آذر کیوان. از دبستان مذاهب برمی‌آید که مؤلف آن در پتنا از شهرهای معروف هند زاده شده و در همان شهر برآمده و با آذر کیوانیان محشور بوده و به‌مراه چندتن از آنان از پتنا با کبر آباد رفته و بعدها برای تهیهٔ مطلبهای کتاب خود بسفرهای گوناگون پرداخته و از آنجمله چندی در مشهد بسر برده است. وی تألیف کتاب خود را بسال ۱۰۵۵ آغاز نموده و بعد از مدت‌ها کار و تجدید نظر آن را میان سالهای ۱۰۶۴-۱۰۶۷ پایان رسانیده است. متن اصلی این کتاب نخستین بار بسال ۱۲۲۴ ه.ق در کلکته و بسال ۱۲۶۰ ه.ق در تهران و بسالهای ۱۲۶۴ و ۱۲۶۷ در بمبئی چاپ شد. ترجمه‌هایی از آن بانگلیسی ترتیب یافت که بهترین آن بدست Shea و Troyer انجام شده و بسال ۱۸۴۳ در پاریس بطبع رسیده است. آخرین طبع متن فارسی آن با تصحیح انتقادی و تعلیقات بسال ۱۳۶۲ ش در تهران بوده است.^۲ مؤلف در پایان کتاب قابل توجه

۱- دربارهٔ او بنگرید بتذکرهٔ نتایج الافکار ص ۵۴۱-۵۴۲ و بفرست نسخه‌های فارسی کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا ج ۳ ص ۱۰۸۱ و مأخذهایی که آنجا ذکر شده است.

۲- دربارهٔ دبستان مذاهب رجوع شود به:

خود می‌نویسد^۱: «پس از انجامیدن نامه باز نموده می‌آید که بعضی از اعزّه می‌فرمودند که ملل و نحل^۲ و تبصرة العوام^۳ که در آنها عقاید و مذاهب باز نموده شده خالی از جانب روی نیست، لاجرم حقیقت دین پوشیده می‌ماند. دیگر آنکه بعد از ایشان بسی گروه بهم رسیده‌اند. بدین خواست بنوشتن این نامه پرداخت و در این کردارستان عقیده آباد از اعتقادات فرق مختلفه آنچه نگاشته آمد از زبان صاحبان آن عقیده و کتاب ایشانست و در گزارش اشخاص و رجال هر فرقه چنانکه مطیعان و مخلصان بتعظیم نام برند، ثبت نمود تا بوی تعصب و جانب روی نیاید».

با نهضتی که بهمت جلال‌الدین اکبر و نبیره او داراشکوه در ترجمه آثار هندی بفارسی پدید آمده بود، چند کتاب اساسی در جستارهای اعتقادی هندوان برگنجینه اثرهای پارسی افزوده شد مثل بهگود گیتا^۴ و اوپانیشادهاد^۵ و جوگ باششت^۶.

بهگود گیتا بخشی است از مهابهارت^۷ و هندوان آن را جوهر مذهب و فلسفه هندو می‌شناسند و آن را ابوالفضل علامی (م ۱۰۱۱ هـ) بامر جلال‌الدین

۱ فرهنگ ایران باستان، مرحوم ابراهیم پورداود، ج ۱ ص ۳۳۳.
 ۲ تعلیقات کتاب دبستان مذاهب چاپ تهران ۱۳۶۲ ش، باهتمام آقای رحیم رضاراده منک.
 ۳ فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، چارلز ریو، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۲ و ج ۳ ص ۱۰۸۱.

۴ فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، بلوش، ج ۱ ص ۲۴۱.

۱- دبستان مذاهب، تهران ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۶۷.

۲- ملل و نحل شهرستانی.

۳- تبصرة العوام سیدمرتضی علم‌الهدی.

۴- Bhagavad Gita

۵- Upanishad

۶- Jog- Bashishth

۷- Mhabharata

اکبر پادشاه جدا از مهابهارت بزبان فارسی در آورد و چنین آغاز می‌شود: «این نسخه گیتا که در انکشاف سرائر قدرت ذوالجلال و استکشاف حقیقت معرفت لایزالست، آن را باجاست سلطان عادل و برهان کامل... جلال‌الدین محمد اکبر پادشاه غازی... بنده شیخ ابوالفضل از زبان سهنسکریت... بعبارت فرس و عربی در آورده...»

اوپانیشادها قسمت خاتمه وداها و اساس مکتب فلسفی آیین ودایی است و شماره آنها تا دویست می‌رسد و محمد داراشکوه از آن میان در حدود پنجاه اوپانیشاد را جمع آوری و بسال ۱۰۶۷ بیاری چندتن از عالمان هندو بیارسی ترجمه کرد و سزاکبر (در بعضی از نسخه‌ها سزاسرار) نامید و آن را آنکتیل دوپرون^۱ بلاتین و بفرانسوی ترجمه کرد و ترجمه لاتین او بسال ۱۸۰۱ در استرازبورگ بطبع رسید. یک ترجمه آلمانی هم از آن شد که بسال ۱۸۸۲ چاپ کردند.^۲

و اما جوگ باشنت (جوگ باشنت) محتوی شرحیست درباره عرفان هندی و اندیشه‌های فلسفی مبتنی بر آیین هندوان که آنندان^۳ کشمیری آن را تلخیص و تفسیر کرد و نظام‌الدین پانی پتی بفارسی در آورد. در مقدمه این ترجمه آمده است که اکبر پادشاه بسال ۱۰۰۶ دستور نقل آن را داد^۴. میرفندرسکی (م ۱۰۵۰ هـ) ازین ترجمه منتخبی ترتیب داد و بر آن شرحی نوشت.^۵

در دنبال این نهضت ترجمه کتابهایی درباره باورداشتها و کیشهای هندی

۱- Anquetil Duperron

۲- ترجمه اوپانیشادها (سزاکبر) بسمی و اهتمام مرحوم دکتر ناراجند سفیرکبیر هند در ایران و آقای دکتر سیدمحمد رضا جلالی نایینی بسال ۱۳۴۰ شمسی (۱۹۶۱ میلادی) در تهران بطبع رسید.

۳- Anandan

۴- فهرست ریو، ج ۱ ص ۶۰-۶۱.

۵- همین جلد ص ۳۱۱.

بفارسی در هندوستان تألیف شد و کار این تصنیف و تألیف چندی بعد از عهد مورد مطالعه ما هم ادامه داشت و ازین راه کتابهای قابل توجه تازه‌یی پدید آمد مانند ریاض‌المذاهب^۱ و هفت نماشا^۲ و تشریح‌الاقوام^۳ و جز آنها.

درباره مقالات نقطویان (پسیخانیان، واحدیه، تناسخیه) پیروان محمود پسیخانی (م ۸۳۱ هـ)، که بدنبال سختگیرها و آزارهای شاه‌تهماسب و شاه‌عباس گروهی از آنان کشته و عده‌یی بهند متواری شده‌اند، در اینجا فرصت گفتار نیست. درین باب بمآخذهای مربوط مراجعه شود^۴.

• • •

در اوایل عهدی که مورد مطالعه ماست، یا بهتر جتارهای اخلاقی بگوییم، در فاصله زمانی میان سقوط دولتهای تیموری و ترکمان و تشکیل و تثبیت دولت صفوی و دولت تیموریان هند، در ایران و هند و آسیای صغیر بهمرآه کتابهای متعدد ادبی چند کتاب در مبحثهای اخلاقی یا باصطلاح بعضی از مؤلفان در «مکارم اخلاق» و یا باصطلاح اهل علوم عقلی در «حکمت عملی» تدوین شد که روش و شیوه آنها همان بود که پیش ازین دوره در اینگونه کتابها می‌دیدیم. اما بعد ازین دوره، یعنی وقتی که می‌رسیم بعهد رواج تعلیمات مذهبی شیعه، اینگونه کتابها، اگر در ایران تألیف می‌شد

۱- فهرست ریو، ج ۱ ص ۶۴.

۲- ایضاً ص ۶۴-۶۵.

۳- ایضاً ص ۶۵.

۴- عالم‌آرای عباسی ص ۴۷۳-۴۷۷؛ نقطویان یا پسیخانیان، دکتر محمدصادق کیا،

ایران‌کوده شماره ۱۳ تهران ۱۳۳۰؛ زندگانی شاه‌عباس اول، نصرالله فلسفی ج ۲ ص ۳۳۸-۳۴۴

و ج ۳ ص ۴۰-۵۱؛ دبستان مذاهب نهران ۱۳۶۲، ج ۱ ص ۲۷۳-۲۷۸ و ج ۲ ص ۲۳۱-

عاده لحن مذهبی شیعه داشت و ازین راه کتابهایی بوسیله محدثان و فقیهان شیعی بزبان فارسی در ذکر مکارم اخلاق، همراه با تعلیمات دینی و مزوج با حدیثها و سنتها و خبرها که از پیامبر اسلام (ص) و امامان شیعه (ع) نقل شده است، بوجود آمد. ازین زمان بعد «اخلاق» تنها بآن معنی نیست که در سه مبحث از حکمت عملی (ایثیقون) یعنی تهذیب نفس، تدبیر منزل و سیاست‌المدنیه ملاحظه می‌کنیم بلکه بحثی است عام درباره اینکه چگونه انسان خود را از راه اجرای اوامر شرع و عقل بسعادت دنیوی و اخروی برساند، و پیداست که در چنین بحثی همواره نمونه‌های کمال از میان پیشروان دین و مشایخ و اولیاء و حکیمان و شاعرانی که بزبور ایمان و اخلاق آراسته بودند انتخاب می‌گردیدند و کردار و گفتار آنان بعنوان شاهد و سرمشق ذکر می‌شد.

نوشتن کتابهای اخلاق بدین شیوه در ایران سابقه تاریخی دارد و کهن‌ترین آنها را بصورت اندرزننامه‌ها و کتابهایی از قبیل کلیله و دمنه و جاویدان خرد و سندبادنامه و مرزبان‌نامه و قابوسنامه و سیاستنامه و کیمیای سعادت و نصیحة‌الملوک و گلستان می‌بینیم و در عهد تیموری و آغاز عهد صفوی در میان اثرهای ملاحسین کاشفی و ملاجلال دوانی مشاهده می‌کنیم.

پیداست که در هر دوره‌یی نحوه برخورد با شرع و سنت و حکمت و تعلیمات پیامبران و پیشوایان دین و پیران طریقت و رفتار پادشاهان با عدل و داد و وزیران باتدبیر و سداد تفاوتی می‌یابد، چنانکه در عهد مورد مطالعه ما این برخورد، اگر در ایران باشد، بیشتر رنگ مذهبی شیعی دارد و سرمشقها از گفتار و کردار پیشوایان دین اسلام و مذهب شیعه و کیفیت زندگانی و زهد و عبادت و عدم تعلق آنان بزخارف دنیاوی و ظواهر فریبنده حیات اخذ می‌شود.

ازین دو نوع کتابهای اخلاقی نمونه‌هایی در عهد صفوی داریم که برخی ضمناً دارای جنبه ادبی هستند، یعنی در بسیاری موارد نثر آنها بشیوه مترسلان نزدیک می‌شود و در بعضی دیگر، بویژه آنها که بوسیله عالمان شرع تألیف شده

غالباً از حیث ادبی ضعیف است و عبارتهای سست همانند ترجمه از تازی در آنها بسیار دیده می‌شود.

بعضی از کتابهای اخلاقی این عهد ضمن اشتمال بر مباحث عادی اخلاق دارای جنبه‌های اندرزی بیادشاهان و کارداران آنان، یا درباره کیفیت عمل درست و دور از جور و اعتساف و اشتباه هر دسته از صاحب‌قدرتان مذهبی و سیاسی و نظامی هم هست که طبعاً می‌توان مطالب آنها را در یکی از سه باب اساسی اخلاق (تهذیب نفس - تدبیر منزل - سیاست مدن) گنجانید و معلومست که مؤلف می‌تواند آن دسته از این کتابها را هم در ذیل همین مبحث اخلاق بیاورد.

از جمله نخستین کتابهایی که درین زمینه از آغاز این دوره داریم کتاب سلوک الملوک است از امین‌الدین ابوالخیر فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی شیرازی معروف به «خواجه ملا» که نامش پیش ازین در همین جلد و در مجلد چهارم از همین کتاب آمده است. وی بعد از تسلط شاه اسمعیل صفوی بر عراق و فارس بفرارود (ماوراءالنهر) گریخت و بعد از سال ۹۲۱ در آنجا درگذشت. خواجه ملا کتاب سلوک الملوک را بسال ۹۱۸ هـ بنام ابوالغازی عبیدالله خان ازبک آغاز کرد و در یک مقدمه و پانزده باب در سال ۹۲۰ هـ پایان برد و در آن بشرح وظیفه‌های حکمرانان و متصدیان امور قضا و احتساب و مانده آنها باتوجه بشیوه حنفیان و شافعیان پرداخته است.^۱

در همین زمینه کتابی داریم از قاضی اختیارالدین تربتی بنام اخلاق همایون که درباره آن و مؤلفش در ذیل احوال نویسندگان و مؤلفان این عهد سخن خواهیم گفت.

کتاب دیگر اخلاق شمسیه یا اخلاق شمسی از حسن بن روزبهان شیرازیست که آن را باتوجه باخلاق محسنی ملاحسین کاشفی در اوایل سده دهم هجری نوشته و در آن گفته است که بسال ۹۲۴ رساله فراست امام فخر

رازی را بیماری در آورده و با افزودن مطلبهایی آن را مرآت‌الانسان نامیده است. درباره او پس ازین گفتاری خواهید داشت.

کتاب اخلاق شغایی تألیف مظفر بن محمد حسینی شغایی کاشانی اصفهانی (م ۹۶۳ هـ) که بشاه‌تھاسب صفوی تقدیم گردیده در زمره کتابهایی است که بشیوه متداول زمان نوشته شده است و درباره آن ضمن بیان حال مؤلف آن سخن خواهد رفت.

یوسف بن محمد بن یوسف طبیب هروی متخلص به «یوسفی» کتاب نصایح یوسفی را بسال ۹۱۹ هـ تألیف کرده است. پدرش محمد بن یوسف^۱ صاحب بحر الجواهر است که قسمت اخیر حیات خود را در هندوستان گذرانده و پسرش یوسف نیز با او بوده و در دربار ظهیرالدین بابر و همایون پادشاه میزیسته و شعر می‌گفته و یوسفی تخلص می‌کرده است و چند کتاب دیگر بفارسی در فن خود دارد مانند فوائد‌الاخیار که در ۹۱۳ هـ تألیف کرده و «طب یوسفی» و علاج الامراض و جز آنها^۲. از نصایح یوسفی نسخی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی^۳ حکیم معروف و وزیر شاه‌تھاسب صفوی کتابی در اخلاق دارد که بنام او اخلاق منصور خوانده می‌شود و آن خود یکی از سه «وجه» جام جهان‌نماست که می‌بایست بصورت یک دانشنامه (دائرة‌المعارف) فلسفی فراهم آید و ظاهراً صورت کمال نیافت و این قسمت که حلیه تألیف پوشید خود بدو «مجله» منقسم می‌گردد که نخستین از آن دو چهار «تجلیه» و دومین سه تجلیه دارد.^۴

۱- همین کتاب و همین جلد ص ۳۶۱.

۲- تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۲۸۲.

۳- درباره او بنگرید به همین کتاب و همین جلد ص ۲۹۹-۳۰۴.

۴- ایضاح المکنون، اسمعیل پاشا، ج ۱، ستون ۵۰؛ فهرست ربو ص ۸۲۶ و ضمیمه

فهرست ربو ص ۱۰۸؛ فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ج ۳ ص ۲۱۸.

از معاصران دیگر شاه‌تھماسب مجدالدین حسینی متخلص به «مجدی» کتابی بنام تحفة‌المجالس دارد که متضمن حکایتها و سرگذشتها و تاریخ شاهان و ضمناً حاوی نکته‌ها و فصلهاییست مبتنی بر مبانی اخلاقی خاصه جزوهای چهارم تا هفتم آن که دربارهٔ مطلبهای مختلفی از مسائل اخلاقی در آنها بتفصیل تمام سخن رفته است. باز هم دربارهٔ این کتاب و مؤلف آن سخن خواهم گفت. از عهد همین پادشاه باز هم یک کتاب اخلاق داریم بنام اخلاق طھماسبی که سید ماجد حسینی با اسم آن پادشاه نوشته است.^۱

از معاصران دیگر شاه‌تھماسب که در خارج از ایران یعنی در بلاد روم بسر می‌برده و منشی سلطان سلیمان اول (م ۹۷۴ هـ) بوده، ابوالفضل منشی شیرازی، کتابی در آیین‌کشورداری بنام دستورالسلطنة دارد و در مقدمهٔ همین کتاب که ازو بازمانده بتالیفهای دیگر خود در اخلاق مثل نهج‌المتقین فی اخلاق سیدالمرسلین و دستورالوزارة اشاره می‌کند. از او جداگانه یاد خواهد شد.

یکی دیگر از معاصران شاه‌تھماسب بنام نصیرالدین محمد بن عبدالکریم انصاری استرآبادی^۲ کتاب مکارم‌الاخلاق تألیف رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل‌الطبرسی^۳ را که از کتابهای مشهور درین فنست بپارسی در آورد و محاسن‌الاداب نامید. مکارم‌الاخلاق در شرح رفتار پیامبر اسلام و امامان شیعه است که باید سرمشق همهٔ مسلمانان گردد. محمد بن عبدالکریم کار ترجمهٔ این کتاب را در عهد سلطنت شاه‌تھماسب (۹۳۰-۹۸۴ هـ) بدستور محمدخان شرف‌الدین اوغلی تکلو [که در سال ۹۴۳ بفرمان شاه‌تھماسب حاکم هرات و امیرالامراء خراسان گردید]^۴ انجام داد. کتاب دوازده باب دارد که هر باب

۱- نسخی ازین کتاب در کتابخانهٔ امیرالمؤمنین نجف بشمارهٔ ۱۷۱۴ موجودست، مستفاد از یادداشت‌های آقای دکتر سیدمحمد ترابی منقول از یادداشت‌های سیدعبدالمزیز طباطبائی.

۲- دربارهٔ او بنگرید بتاریخ نظم و نثر در ایران ص ۳۷۳.

۳- دربارهٔ او بنگرید به: ریاض‌الملماء میرزا عبداللہ افندی ج ۱، قم ۱۴۰۱ هـ.ق، ص ۲۹۷-۲۹۹؛ امل‌الآمل حرعاملی، نجف ۱۳۸۵ هـ.ق، ج ۲، ص ۷۵.

۴- عالم‌آرای عباسی، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۰، ص ۶۵.

بچند فصل تقسیم می‌شود و فهرست آن در پایان مقدمه کتاب آمده است.^۱
کتاب هفت کشور از فخری هروی که آمیزه‌بسیست از مطلبهای تاریخی و حکایتها و نیز مطلبهای مبسوط اخلاقی که در سدهٔ دهم نوشته شده، درینجا قابل ذکرست، ولی بهتر آن دیده شد که در ذیل نام فخری هروی معرفی شود. بآنجا مراجعه کنید.

حسن بن علی بن اشرف منشی خاقانی کتاب اخلاق حکیمی را بسال ۹۸۷-
۹۸۸ در مدتی که شاه محمد حکیم بن همایون پادشاه کابل را تصرف و در آن اقامت کرده بود، بنام او در چهارده مقاله تألیف کرده است بدینگونه: (۱) در حسن خلق (۲) در علوهمت (۳) در توکل (۴) در صبر (۵) در عدالت (۶) در شجاعت (۷) در سخاوت (۸) در فراست و محاوره (۹) در سیاست (۱۰) در عفو (۱۱) در حزم (۱۲) در وفا به عهد (۱۳) در مشورت (۱۴) در فوائد متفرقه.^۲

ملا میرقاری گیلانی (سدهٔ دهم و آغاز سدهٔ یازدهم) کتابی دارد بنام انیس الغافلین که بسال ۱۰۰۵ تألیف کرده و در دیباچهٔ آن گفته است که «رساله‌ایست... مشعر بعدم وفای ایام شباب بسیار شتاب و مخبر از غایت ستمکاری و نهایت مردم آراری جهان خراب» و بدین مناسبت مقداری شعر و حکایت و داستانی که وسیلهٔ تنبه آدمیان باشد آورده و کتاب را بدانها آراسته و نوشته است «این محرر مزوجست بروایتهای زیبا و حکایتهای دلگشا از کلام هدایت انجام خجسته فرجام انبیای عظام و اولیای کرام و ابرار نیکو کردار و احرار همایون اطوار و حکمای نامدار و سایر اکابر شیرین گفتار بطریق ایجاز و اختصار» و بدین منوال کتاب جنبهٔ اخلاقی یافته و شایستهٔ نامی شده است که دارد. نثر کتاب مسجع است چنانکه از همین دو موردی که از آن نقل کرده‌ام مشهودست، اما در همان حال دور از صعوبت و دشواریهای لفظی است.

۴- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا، چارلز ریو، ص ۱۵-۱۶.

۱- بنگرید بفرهست کتابخانهٔ دیوان هند (ابندیا آفیس) ج ۱، شمارهٔ فرهست ۲۲۰۳.

ازین کتاب نسخی بشماره ۱۴۱۰۱ در کتابخانه مجلس شوری موجودست. از ملا میر کتابهای دیگری نیز در دستست مثل مطالب العشاق، و کتاب اسرار القرآن در علم تجوید که نسخه آن در کتابخانه مجلس شوری محفوظست.

محمد باقر نجم ثانی مخاطب به باقر خان کتاب موعظه جهانگیری را که در اخلاق و سیاست مدنست، بسال ۱۰۲۱ هـ در یک مقدمه و دو باب بنام جهانگیر پادشاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ) تألیف کرد. باب اول در نصیحت پادشاهان، در شش فصل: (۱) در عدالت (۲) در سخاوت و شجاعت (۳) در مشورت و تدبیر (۴) در احتراز نمودن از دشمنان (۵) در عمل نکردن بسخن صاحب غرض و ساعی بنام را در مجلس راه ندادن (۶) در تربیت ملازمان، باب دوم در نصیحت زیردستان و اخوان زمان در چهار فصل: (۱) در مصاحبت و مخالفت یاران (۲) در مذمت بی خبری و سعی در طلب دوست نمودن (۳) در رضا بقضای الهی دادن و قناعت و عزلت (۴) در تحصیل کمالات و استرضای الهی. این کتاب بشماره فهرست ۲۲۰۵ در کتابخانه دیوان هند (اینندیا آفیس) موجودست.^۱

نورالدین محمد قاضی خاقانی پسر شیخ معین الدین کتابی مشروح در اخلاق و سیاست دارد بنام اخلاق جهانگیری. هرمان اته^۲ این مؤلف را همان نورالدین محمد پسر عین الملک شیرازی پزشک می داند که دختر ابوالفضل علامی را بزنی اداشت. او کتاب خود را با اسم جهانگیر پادشاه نوشته و در پایان آن گفته است که کتاب را در ذوالقعدة سال ۱۰۲۹ هـ بپایان برده لیکن مقدمه کتاب را دو سال بعد از آن بقلم آورده است. اخلاق جهانگیری یک مقدمه و بیست و دو مقاله دارد بدین شرح: (۱) در محبت و عشق و سخنان اولیاء الله تعالی (۲) در فضیلت علم و علما رحمهم الله (۳) در بیان خوف از

۱- ایضاً همان جلد س ۱۱۹۸-۱۱۹۹ و نیز رجوع شود بترجمه تاریخ ادبیات اته، ص

۲- ایضاً فهرست کتابخانه دیوان هند، س ۱۲۰۰.

عذاب و رجا از رحمت حق (۴) در حسن خلق و مذمت بدخلقی (۵) در تواضع و شفقت و مذمت تکبر و خشونت (۶) در بیان علو همت (۷) در توکل (۸) در صبر و شکر (۹) در سخاوت و مذمت بخل و حسد (۱۰) در عدالت و احوال امرا و اولیاء امر و تأنی در حکم (۱۱) در حزم (۱۲) در فراست و محاورت (۱۳) در فوائد مشورت (۱۴) در میامن توبه (۱۵) در عفو الهی مر بندگان را و بندگان مر یکدیگر را (۱۶) در معارج شجاعت (۱۷) در سیاسات (۱۸) در محمدمت وفا و عهد^۱ و مذمت بدعهدی و بیوفایی (۱۹) در مدح راست گفتاری و مذمت دروغگویی (۲۰) در فضیلت تقوی و قناعت و مذمت طمع و حرص و حکایات اهل تقوی (۲۱) در مطایبات (۲۲) در متفرقات^۲.

یکی از مؤلفان هندی موسوم به مبارک فیض الله کتابی دارد بنام *راحة القلوب* که تاریخ استنساخ بعضی از نسخه‌های آن بنیمة اول سده یازدهم هجری می‌رسد و بنابراین تاریخ تألیف آن دیرتر از آن روزگار نیست^۳. این کتاب با توجه بتعلیم‌ها و روایتهای دینی نگارش یافته و بیشتر دستورهای آن جنبه مذهبی دارد. *راحة القلوب* در بیست باب تنظیم شده است بدین شرح: (۱) در بیان روز قیامت (۲) در خوف عذاب قیامت (۳) در صفت دوزخ (۴) در صفت بهشت (۵) در صفت خدمت پدر و مادر (۶) در بیان خوردن و دادن ربا (۷) در فضیلت نماز و روزه و زکوة (۸) منع کردن خوردن خمر و مناهی (۹) در فضیلت نمازها (۱۰) در فضیلت خواندن قرآن (۱۱) در فضیلت روزه ماه رمضان (۱۲) در حق شوهر بر زن (۱۳) در منع کردن از دروغ (۱۴) در منع کردن از غیبت (۱۵) در منع کردن از حسد و عجب و کبر (۱۶) در

۱- مقصود «حسن عهد» است با شاید وفا به عهد.

۲- فهرست کتابخانه دیوان هند، ج ۱، س ۱۲۰۰.

۳- نگاه کنید بفهرست ایندیا آفیس (دیوان هند) ج ۱ س ۱۲۰۱ (نسخه شماره فهرست

فصیلت نیکویی کردن با خلق (۱۷) در فصیلت خلق نیکو و خشم فرو خوردن (۱۸) در نصیحت و حکایت (۱۹) در قضیه ابوشحمه [در متن: تعزیر کردن پدر بر پسر] (۲۰) در عقوبت نوحه کردن.

کتاب شاهد صادق از میرزا محمد صادق صادقی اصفهانی که در پنج باب و یک خاتمه است و در حدود سال ۱۰۵۶ در هند تألیف شده، ضمن مطلبهای گوناگون دیگر فصلهایی در جستارهای اخلاقی و اجتماعی دارد و طبعاً در فصلهایی که سخن از آداب شریعت و طریقت می‌رود باز هم به مباحثهای اخلاق درین کتاب نفیس باز می‌خوریم و همچنین است هنگام مطالعه درباره نوشته‌های علمی عهد مورد مطالعه ما.

حافظ محمد سعید بن حافظ کرم‌الله بن حافظ سلمان بسال ۱۱۰۲ هـ رساله‌یی که بنام وی رساله محمد سعید خوانده می‌شود، برای عالمگیر اورنگ زیب (۱۰۶۹-۱۱۱۸ هـ) ترتیب داد. این کتاب در اخلاق و حکمت عملی با اقتباسات بسیار از کتابهای معروف و از گفتارهای پیشروان شریعت و طریقت و از حکما و بویژه از علی بن ابی طالب (ع) است و یک مقدمه و پنج باب دارد بدینگونه: مقدمه در بیان شمه‌یی از حقیقت و کیفیت آدمی‌زاد و وضع اهل زمانه. باب اول در اجناس فضائل انسان که مکارم اخلاق باشد. باب دوم در تهدید اهل جرم و خطا و لطائف و نکات بر اهل کرم و خداوندان فضل و عطا. باب سیوم در بیان دوست و دشمن و مناسب آن. باب چهارم در تدبیرات امور و مواعظ حکما و عقلا و فواید سکوت و کم گفتن. باب پنجم در کلمات و نکات و لطائف متفرقه و کلام سعادت انجام ختم خلافت امیرالمؤمنین حضرت مرتضی علی. ازین کتاب نسخه‌یی در کتابخانه دیوان هند موجود است که بشماره فهرست ۲۲۱۱ در فهرست آن کتابخانه توصیف شده است. تاریخ استنساخ نسخه یاد شده بسال ۱۱۵۸ هـ است^۱.

درباره دست‌نویس کسروی یا «توقیعات مطول» و مؤلف آن

میرزا محمد جلال‌الدین طباطبائی ذیل عنوان مؤلفان و نویسندگان این عهد سخن خواهم گفت. این کتاب «بموجب اظهار خود مؤلف احکام و مقررات خسرو انوشیروان است در باب سیاست عالی که در مقابل درخواستهای وزرا و رجال دربار از ناحیه این پادشاه اتخاذ شده. این مطالب بدو بزبان پهلوی نوشته شد، بعد بعربی ترجمه سپس بفارسی نقل گشت»^۱.

علی بن طیفور بسطامی کتاب اخلاق حسنی یا اخلاق قطبشاهی را در سال ۱۰۸۳ بنام ابوالحسن قطبشاه (۱۰۸۳-۱۰۹۸ هـ) از پادشاهان قطبشاهی گلکنده، تألیف نمود. این کتاب پس از دیباچه در سه بخش بنام «اصل» و خاتمه تنظیم شده است، بدین شرح: (۱) تهذیب اخلاق شامل نه فصل (۲) تدبیر منزل شامل هفت فصل (۳) سیاست مدن شامل هفت فصل. خاتمه کتاب در «ذکر بعضی مواعظ و نصایح» است. نسخیمی ازین کتاب بشماره ۳۸۰۵ خطی در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است. این علی بن طیفور همانست که رسایل خواجه عبدالله انصاری را در سه «مقاله» تلخیص کرده و انوارالتحقیق نامیده است: مقاله اول مکالمات، مقاله دوم مخاطبات و مقاله سوم مواعظ؛ و آن در سال ۱۲۷۰ هـ.ق بطبع رسیده و بعد از آن نیز چند بار چاپ شده است و نسخهای خطی بسیار از آن باقیست.

دو ترجمه که در عهد مورد مطالعه ما، برای پادشاهان تیموری هند از کتاب جاویدان خرد شده بسیار قابل توجهست. جاویدان خرد (الحکمة الخالدة) کتابیست در اخلاق مشتمل بر پندها و اندرزها (بیشتر بصورت کلمات قصار)، که بروایتی ناستوار بهوشنگ پیشداد نسبت داده شده است. در مأخذهای موجود از عهد مقدم بر دوران اسلامی اسم این کتاب نیامده و در قدیمترین کتاب از مأخذهای اسلامی که سخن ازین کتاب و انتساب آن بهوشنگ رفته و قسمتهایی از آن نقل شده کتاب السعادة والاسعاد ابوالحسن محمد بن

یوسف عامری نیشابوری (م ۳۸۱ هـ) است^۱ و ابوعلی الخازن احمد بن محمد معروف به ابن مسکویه (م ۴۲۱ هـ)^۲ دومین استادیست که درباره آن سخن گفته و آن را از هوشنگ پیشداد دانسته و درباره کیفیت بدست آمدن آن در دوران خلافت مأمون عباسی نیز شرحی نوشته است^۳. متن عربی این کتاب یعنی الحکمة الخالدة بسال ۱۹۵۲ میلادی در مصر بطبع رسیده است. در این متن عربی اندرزهای حکیمانۀ بزرگان ایران باستان با حکمت اهل هند و عرب و روم و مسلمانان نقل شده است. این کتاب را نخستین بار تقی الدین محمد بن شیخ محمد الارجانی التستری (= تقی شوشتری) معاصر جهانگیر پادشاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ) بنام جاویدان خرد پیاری در آورد؛ و بار دیگر ابن حاجی شمس الدین محمد حسین حکیم معاصر عالمگیر اورنگ زیب پادشاه (۱۰۶۹-۱۱۱۸ هـ) بنام انتخاب شایسته خانی ترجمه کرد.

تقی شوشتری، نخستین گزارنده این کتاب، از شاعران و ادیبان دربار جلال الدین محمد اکبر پادشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) بود و از آن پادشاه دستور یافته بود تا شاهنامه استاد ابوالقاسم فردوسی را بنثر بنویسد. و بعد از اکبر قسمتی از دوران جهانگیری را در ک کرده و بخدمات دیوانی گماشته شده بود و در عهد همان پادشاه بدرود حیات گفت. او خود را در مقدمۀ جاویدان خرد از خدمتگزاران جهانگیر معرفی نموده و گفته است که بفرمان آن پادشاه بترجمۀ کتاب یاد شده پرداخته است^۴. مطالب کتاب جاویدان خرد بدینگونه

۱- کتاب السعادة والامعاد بکوشش مرحوم مجتبی مینوی بسال ۱۳۳۶ شمسی در تهران چاپ شد.

۲- درباره او و اثرهایش بنگرید بتاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، دکتر صفاء چاپ سوم، تهران ۱۳۴۶ ص ۲۰۰-۲۰۲.

۳- خلاصۀ این شرح در حاشیۀ ص ۲۶۰ بیعد ترجمۀ تاریخ ادبیات فارسی انه بقلم آقای دکتر غلامحسین صدیقی آمده است.

۴- درباره او بنگرید بتاریخ بداوئی، ج ۳ ص ۲۵۶؛ ریاض الشعراء واله داغستانی نسخه

است: مقدمه مترجم، مقدمه ابن مسکویه، و صایای هوشنگ، چگونگی دست یافتن مأمون عباسی بر کتاب جاویدان خرد، نصیحت‌های بزرگمهر، قباد، انوشیروان، بهمن پسر اسفندیار، پندهای حکیمان هند، کلمات علی بن ابی طالب (ع)، نصایح لقمان حکیم و حسن بصری و اکثم بن صیفی، امثال و حکم عرب، هرمس و حکیمان یونان.

ترجمه دوم حکمت‌الخالده که به انتخاب شایسته خانی شهرت دارد، از ابن حاجی شمس‌الدین محمد حسین حکیم است. وی کار خود را بسال ۱۰۶۵ انجام داد و بنام شایسته‌خان از رجال دربار اورنگ زیب عالمگیر (م ۱۱۰۵ هـ) در آورد و بدین مناسبت آن را انتخاب شایسته‌خانی نامید. این کتاب مقدمه‌ای از مترجم دارد و بعد از آن شرحی در «پیدا شدن کتاب جاویدان خرد» آمده و سپس و صایا و تعلیمات هوشنگ، بزرگمهر، آذرباد، کیقباد، نوشیروان، جمشید، بهمن پسر اسفندیار، برزویه نقل گردید و بعد از آن رساله یا مبحثی اخلاقی با عنوان آداب و شرایط پادشاهان نقل شده که مصدرست بشرح کوتاهی درباره پادشاهان ایران باستان و پس از آن نصایح حکیمان و شاهان عرب و گفتارها و معجزه‌های پیامبر و امامان، اقوال صوفیان، لقمان حکیم، فیثاغورث، اندرزه‌های سقراط و پندهای افلاطون بارسطو و ارسطو باسکندر، اندرزه‌های پیشوایان دینی هند^۱. این کتاب بسال ۱۲۹۴ هـ ق بوسیله هوشنگ هاتریا معروف بدرویش فانی در تهران بچاپ سنگی طبع شده است.

میرزارفیع واعظ قزوینی (م ۱۰۸۹ هـ) که شرح حالش گذشته است^۲ کتابی در اخلاق دارد بنام ابواب‌الجنان. وی می‌خواست کتاب خود را در هشت باب (برسم هشت باب بهشت) بنویسد و هر باب را در یک جلد جای دهد،

خطی؛ فهرست چارلز ریو، ج ۲ ص ۴۴؛ تاریخ نظم و نثر در ایران ص ۴۲۸ و ۸۲۲؛ ترجمه تاریخ ادبیات فارسی اته، ص ۲۵۹-۲۶۰.

۱- فهرست کتابخانه دیوان هند، ص ۱۲۰۳.

۲- همین کتاب و همین جلد ص ۱۳۰۱-۱۳۰۶.

نخستین را بروزگار شاه عباس دوم و دومین را بروزگار شاه سلیمان در سال ۱۰۷۹ نگاشت. سومین را بعد از و پسرش محمد شفیع نوشت. این کتاب چندبار چاپ شده و نسخه‌های خطی زیاد از آن موجود است.

میرزا حسن قمی (پسر عبدالرزاق لاهیجی)، که نام وی و کتابهایش را در علم کلام پیش ازین دیده‌اید، کتابی بفارسی دارد موسوم به جمال الصالحین. این کتاب متضمن مطلبهاییست که پاره‌یی از آنها را می‌توان اخلاقی دانست و در یک مقدمه و دوازده باب باضافه خاتمه است و از آن نسخه‌های متعدد در دست است. جمال الصالحین بر مبنای تعلیمات دینی نوشته شده و مطلبهای آن غالباً ترجمه عین خبرهاییست که از اهل بیت روایت کرده‌اند.^۱

خویشاوند این میرزا حسن، ملا محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ هـ) به‌مراه تألیفهای متعدد دیگرش چند کتاب در مباحثهای اخلاقی بفارسی دارد که مهمتر از همه آنها کتاب آئینه شاهی است بنام شاه عباس دوم در دوازده باب. فیض درین کتاب موضوع را بیشتر از جنبه حکمی آن نگریسته نخست در شناخت خرد و شرع و طبع و عادت و عرف و سپس شناخت خود که فرمانبر این پنجست پرداخته و آنگاه باین بحث توجه کرده است که چرا این پنج بر آدمی چیره‌اند و اگر با یکدیگر نسازند کدامیک برتر است و اگر با هم بیامیزند چگونه می‌توان از هم جدا ساخت؟ و در باب یازدهم بمواهب الهی و سپس بکیفیت یاری جستن از خداوند اشاره کرده و ازین راه اثر ابتکاری قابل توجهی پدید آورده است که بسال ۱۳۲۰ همراه ترجمه الصلوة فیض و الفت‌نامه او در شیراز بطبع رسیده و خود کتاب ترجمه‌یست از ضیاءالقلب مؤلف^۲. کتاب شرائط الایمان فیض را هم که در آن سعی بشناساندن ایمان درست و استوار کرده و بسال ۱۰۶۲ بپایان رسانیده است، می‌توان در شمار کتابهای اخلاقی دینی

۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای ج ۱۳ ص ۴۷-۴۹؛ فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ج ۱ ص ۲۰-۲۱.

۲- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۳ ص ۶۴۱.

ذکر کرد^۱.

علم‌الهدی پسر فیض کتابی بنام تحفة‌الابرار در عقاید و اخلاق نوشته است
مشمول بر سه باب: (۱) اصول پنجگانه در پنج گفتار (۲) اعمال نیک و بد در
سه گفتار (۳) طاعت قلب و گناهان در سه گفتار^۲.

شیخ‌الاسلام ملا محمدباقر مجلسی ضمن تألیفات متعدد خود چند اثر
اخلاقی بروش مشرعان شیعی نوشته است. وی بغیر از ترجمه عهدنامه مالک
اشتر و سلوک و لالة‌العدل که در آیین کشورداریست^۳، کتاب حلیة‌المتقین را در
تعیین تکلیف مؤمنان در همه کارهای زندگانی اجتماعی و خصوصی همراه با
نقل حدیثهای فراوان از پیامبر و امامان تألیف کرد در چهارده باب و خاتمه که
هر باب شامل چندین فصل است و در سال ۱۰۷۹ بانجام رسیده. این کتاب
چندبار چاپ شده است. وی کتاب دیگری در همین زمینه دارد بنام عین‌الحیوة
که آن نیز در تهران بطبع سنگی چاپ شد و موضوع آن ترجمه و شرح
وصیت پیامبر بآبوزرغفاری است و شامل دوره‌یی از حکمت عملی و پندها و
اندرزهاست.

از کتابهای دیگر قابل ذکر در اخلاق اینها هستند:

توضیح‌الاخلاق، کوتاه شده اخلاق ناصری خواجه نصیر بدست
علاءالدوله حسین بن میرزا رفیع‌الدین محمد معروف به خلیفه سلطان (م ۱۰۶۴
ه)^۴ وزیر شاه عباس بزرگ و شاه صفی و شاه عباس ثانی.

ابواب‌البیان از ملاحسن سبزواری واعظ قاری معاصر شاه سلیمان صفوی
واعظ مسجد گوهرشاد. وی کتاب یاد شده را بنام شاه سلیمان در سال ۱۰۸۶

۱- ایضاً ج ۳ ص ۶۶۶.

۲- الذریعه ج ۳ ص ۴۰۷.

۳- الذریعه ج ۴ ص ۱۱۹ و ج ۱۳ ص ۳۷۳.

۴- درباره او بنگرید به روضات‌الجنات ج ۲ ص ۳۴۶-۳۴۹ و تذکره نصرآبادی ص

تمام کرد^۱.

کتاب اربعین، بسال ۱۰۳۶ بدست ادهم واعظ خلخالی در چهل فصل تألیف، و در آغاز هر فصل آیهی از قرآن و سپس سخنانی از پیامبر و امامان نقل شده است^۲.

مفتاح الاخلاق در شرح مشکلات اخلاق ناصری و واژه‌ها و جمله‌های عربی آنست بدست عبدالرحمن بن عبدالکریم عباسی برهانپوری که کار خود را بسال ۱۰۸۵ هـ در دو «قسم» تمام کرد^۳.

کتابهایی از قبیل عیار دانش ابوالفضل علامی و سراج المنیر میرمحمد شریف و بهار دانش عنایت‌الله کنبوه و نگارستان کمال پاشازاده و معدن الجواهر طرزی و محبوب القلوب ممتاز فراهی همگی فصلهایی از مسایل اخلاقی دارند ولی شیوه نویسندگان آنها چنین است که حکایتهایی آورده و هر دسته از آنها را در ذیل یکی از نکته‌های اخلاقی فصل بندی نموده‌اند و بنابراین بهتر آن خواهد بود که آنها را در ذیل کتابهای قصص و حکایات ذکر کنیم.

کتابهای مربوط بامثال و حکم را می‌توان در ذیل کتابهای اخلاقی آورد زیرا مثلها در حقیقت حاوی نکته‌های اخلاقی و اجتماعی و دستورهای زندگانی هستند و نیز پیدا شدن آنها در زبانها نتیجه برخورد با آیین‌ها و خوگرهای گونه‌گونست چه از راه خرق آنها و چه بقصد تأیید و تثبیت آنها. از میان این کتابها باید جامع‌التمثیل محمدعلی حبله رودی را ذکر کرد که در سال ۱۰۵۴ بفرمان سلطان عبدالله قطبشاه (۱۰۲۰-۱۰۸۳) و به پیشنهاد وزیرش شیخ محمدالخاتون فراهم آمد، و درحالی که شاه‌عباس در ایران بجمع آوری مثلهای ترکی فرمان داده بود، قطبشاه گلکنده جمع آوری مثلهای فارسی را

۱- فهرست آستانه قدس رضوی، ج ۷ ص ۱۹۱ (از یادداشت‌های آقای دکتر سیدمحمد

نرایی).

۲- نسخی از آن بشماره (۳: ۴۱۰) در کتابخانه حضرت عبدالعظیم در ری موجودست.

۳- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، فهرست ریو ج ۳ ص ۸۲۶-۸۲۷.

وجهه همت قرار داد. مثلها درین کتاب بنظم الفبایی نقل شده و شماره فصلها بشماره حرفهای الفباست. حبله رودی می گوید که درین اثر خود «... بعد از سعی بسیار آنچه ممکن و مقدور بود از مثل و کنایه و اصطلاح که از هر جا و هر کس شنید و پرسید بقید کتابت در آورد... بعد از جمع و تألیف این امثال ترتیب آن را بحروف تهجی به بیست و هشت فصل قرار داد و این کتاب را جامع التمثیل نام نهاد...». وی مثلهای رایج میان مردم و در اثرهای ادبی و مصراعها و بیتهایی را که در عهد او حکم مثل سایر یافته بود، بترتیب حرف اول آن آورده است، مثلاً: «خدا که می دهد تو برو پشت بخوابد خدا دیر گیرست اما سخت گیرست. خوش آن زمان که بر آید بیک کرشمه دو کار. خانه درویش را شمعی به از مهتاب نیست...» همه در فصل هفتم (حرف خاء) آمده است و بر همینگونه است دیگر مثلها. هنگام نقل مثلها اگر عبارت آنها ساده باشد بی آنکه توضیحی درباره واژه ها دهد از آن می گذرد و اگر کلمه دشواری در آن باشد معنی آن را با شاهد بیان می کند و گاه هم سبب و سابقه متداول شدن یک مثل را شرح می دهد مثل: «در خانه هر چه باشد و مهمان هر که باشد» که آن را بیکی از پیشروان صوفیه نسبت می دهد که «سلمان عراقی بدیدنش رفت و آن شیخ ماحضر پیش او نهاد و بخنده بر سبیل طیبیت گفت در خانه هر چه باشد مهمان هر که باشد...» و باز در همین زمینه داستانهای باعنوان «حکایت» نقل می کند و ازین راه هم مقداری حکایت در کتاب درج شده است. جامع التمثیل بسال ۱۲۷۸ ه. ق در تهران چاپ شد و از آن نسخهای کافی در دستست. این نکته را هم درباره حبله رودی و اثرش بیفزاییم که او پنج سال پیش از تألیف جامع التمثیل کتابی در همین زمینه فراهم آورده بود بنام جامع الامثال که از آن کوتاه تر و بمنزله پیش آهنگ و سرآغازی برای تألیف آن بوده است. جامع الامثال بسال ۱۰۴۹ تدوین شد^۱.

•••

موضوعهای علمی درباره موضوعهای علمی کتابهای متعدد درین عهد تألیف شد که پیش ازین^۱ بشماری از آنها اشاره کرده‌ام و در اینجا بر آنچه بود بعضی دیگر را می‌افزایم:

ترجمه کتاب عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات زکریابن محمدبن محمود قزوینی (م ۶۸۲ هـ)^۲، بخشی از آن بسال ۹۵۴ بفرمان ابراهیم عادلشاه (۹۴۱-۹۶۵ هـ) انجام گرفته و در لکنهو بسال ۱۲۸۳ هـ ق بطبع رسیده است، و ترجمه قسمت جغرافیا یا جهانشناسی آن (باسم تحفة العجائب) پیش از تاریخ مذکور یعنی بسال ۹۴۸ هـ بدست علی طائری (یا: طاهری) در هفت «اقلیم» و «خاتمه» صورت گرفته بود^۳.

جواهرنامه همایونی تألیف محمدبن اشرف حسینی رستم‌داری در بیان سنگهای بهادر (احجار کریمه) است که بنام ظهیرالدین بابر و پسر و جانشینش همایون موشح است. این کتاب در یک «مقدمه» و بیست و دو باب تدوین شده و هر باب بچند فصل منقسم گردیده است. باب اول از لؤلؤ (مروارید) آغاز شده و باب بیست و دوم بفلزات ختم گردیده است^۴.

حیوة الانسان، ترجمه بیست از حیوة الحیوان تألیف کمال‌الدین محمدالمیری (م ۸۰۸ هـ) که کتاب مفصل معتبری در تاریخ طبیعی است. این ترجمه بدست حکیم شاه محمد قزوینی (م ۹۶۶ هـ) و بنام سلطان سلیمان خان بن سلطان سلیم (۹۲۶-۹۷۴ هـ) صورت گرفت و بخواست مترجم نام آن بحیوة الانسان مبدل گردید. درباره متن اصلی و ترجمه فارسی این کتاب ذیل

۱- همین جلد ص ۳۴۳-۳۶۶.

۲- درباره او بنگرید بهین کتاب ج ۳/ چاپ پنجم، تهران ۱۳۶۶ ص ۲۷۹-۲۸۱.

۳- فهرست نسخهای فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، چارلز ریو، ص ۹۹۵ و ۱۰۵۹؛ و

فهرست مخطوطات کتابخانه دیوان هند ج ۱، ص ۳۷۵ شماره فهرست ۷۱۶.

۴- فهرست ریو، ج ۳ ص ۹۹۶.

احوال حکیم شاه محمدقزوینی سخن گفته خواهد شد^۱.

در دوره مورد مطالعه ما بتألیف یا بترجمه کتابهایی در علم جغرافیا توجه شده و از آن جمله است:

کتاب هفت اقلیم تألیف محمدامین رازی که چون متضمن شرح حال بسیاری از رجال علم و ادب در هر یک از اقلیمهای هفتگانه است، آن را در شمار کتابهای تذکره هم قرار می‌دهند. تألیف این کتاب، که در شمار تذکره‌ها و نیز ضمن ترجمه حال مؤلف درباره آن سخن خواهم گفت، در سال ۱۰۰۲ هـ انجام گرفت. ویژگی جغرافیایی آن از آن روست که مؤلف «ربع مسکون» را بنا بر شیوه جغرافیانویسان بهفت اقلیم منقسم ساخت و بعد از بیان مرزها و درازا و پهنا و کوهها و رودها و شماره شهرهای آن بذکر یکایک شهرها و توصیف و تاریخ آنها و یاد کردن بزرگان منسوب بآنها پرداخته و ازین راه کتابی فراهم کرده است که هم ارزش جغرافیایی و تاریخی دارد و هم اهمیت ادبی.

دیگر مجمع‌الفرانج است از سلطان محمد بن درویش محمد مفتی بلخی که بنام پیرمحمدخان حاکم اوزبک بلخ تألیف شد. مؤلف که کتابهایی در تاریخ و درباره مخلوقات خواننده و اطلاعاتی فراهم آورده بود، خواست آنها را در معرض قبول پیرمحمدخان که بتازگی بر تخت فرمانروایی بلخ نشسته بود، در آورد. وی می‌گوید که زادگاه و باشیدنگاهش بلخ بود و از آنجا بشهرهای پیرامون سفرهایی کرد و از شگفتیهای آن شهرها داستانها بیاد دارد. کتاب بیانزده باب تقسیم می‌شود و مضمون مطالبهایش که خالی از پراکندگی نیست چنینست^۲: (۱) مطالبهایی درباره کرات آسمانی، سیارات، شکل‌های

۱- فعلاً بنگرید یکشف‌الظنون، استانبول، ج ۱ ستونهای ۶۹۶-۶۹۷؛ فهرست نسخه‌های

خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس، ج ۱ ص ۸۰-۸۱.

۲- نقل بهمة الفاظ نیست.

منطقه البروج، آسمان و دوزخ و فرشتگان (۲) پیامبران و چهار خلیفه نخستین (۳) اقلیم و شهرها بنظم الفبایی (۴) انسان (۵) حیوانات (۶) گیاهان (۷) کوهها (۸) دریاها و رودها (۹) بیابانها (۱۰) کنایس و مزارات (۱۱) ابعاد بعضی از دریاها و رودها (۱۲) فاصله میان شهرها (۱۳) علم قیافه (۱۴) پندها و حکایتها (۱۵) تاریخ رویدادهای بزرگ. خاتمه درباره حیات طبیعی انسان و حیوان^۱.

مختصر مفید تألیف محمد مفید مستوفی یزدی درباره جغرافیای ایران با توضیحات و فوائد تاریخیست که تألیف و تدوین آن بسال ۱۰۸۷ هـ در دکن آغاز شده و بسال ۱۰۹۱ هـ در لاهور پایان یافته است. در کتاب ذیل نام هر یک از استانها و شهرستانهای ایران نام شهرها و دیارهای مربوط بآنها بنظم الفبایی ذکر شده است. در ترجمه حال «محمد مفید مستوفی» ازین کتاب با توضیح بیشتری یاد خواهیم کرد.

حدیقه الاقالیم در توصیف اقلیمهای هفتگانه تألیف مرتضی حسین مخاطب به الله یار عثمانی بلگرامیست. این کتاب که در آخرهای سده دوازدهم هجری تألیف شده از بسیاری جهات تحت تأثیر هفت اقلیم محمد امین بن احمد رازی و از بعضی جهات بویژه در توصیف هند متضمن تاز گیهایست^۲.

بهجة العالم که جلد دوم آن روضة الافراح نام دارد تألیف حکیم مهارنخان اصفهانی (م ۱۱۲۴ هـ) و متضمن مطالبهای مشروح جغرافیاییست که بیشتر آنها از کتابهای متقدم عربی استخراج گردیده^۳. چارلز ریو^۴ درباره این کتاب و

۱- درباره این کتاب بنگرید ب فهرست ریو ص ۴۲۶-۴۲۷ و فهرست بلوش ج ۲ ص ۸۱-۸۲. توضیح آنکه بلوش بنا بر نسخی از کتاب مذکور که در دست داشته نوشته است که کتاب بنام عبدالله خان بن اسکندر خان شیانی نوشته شده است.

۲- فهرست ریو، ج ۳ ص ۹۹۲-۹۹۳؛ فهرست بلوش ج ۱ ص ۳۸۹.

۳- فهرست کتابخانه دیوان هند، ج ۱ ص ۵۰۰-۵۰۱.

۴- فهرست ریو، ج ۳ ص ۹۹۲.

مؤلف آن گوید: مهارتخان اصفهانی در دهلی اقامت داشت و مدتی نیز (خاصه در عهد شاه عالم بهادر، سلطنت از ۱۱۱۹ تا ۱۱۲۴) در لاهور بسر می‌برد. این کتاب مطلبهای جالبی دارد دربارهٔ بیابان کرمان، خوزستان، اهواز، شوشتر، عسکر مکرّم، دزفول، سیستان، فراه، قندهار، غزنین، هندوستان، سوریه، اورشلیم و جز آنها.

در اینجا نباید از ذکر ترجمهٔ کتاب آثارالبلاد و اخبارالعباد زکریابن محمدبن محمود قزوینی غافل بود که بنام سیرالبلاد بدست محمد مرادبن عبدالرحمن معاصر شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ هـ) انجام گرفت^۱. نسخهدی از یک کتاب جغرافیا بشمارهٔ Suppl.1304 در کتابخانهٔ ملی پاریس است بنام عجائبالبلدان که بلوشه مؤلف فهرست آن کتابخانه می‌گوید باید همان باشد که در نسخهٔ موزهٔ بریتانیا سیرالبلاد نامیده شده است^۲.

ترجمهٔ دیگری از کتابهای جغرافیایی قدیم درین دوره داریم که از کتاب تقویمالبلدان ابوالفدا (م ۷۳۲ هـ) بانتخاب نه بتمامی صورت گرفته است. این ترجمه بدست گنجعلی فراهانی در محرم سال ۱۰۴۷ هـ انجام شد^۳.

•••

داستان نویسی در فاصلهٔ میان نخستین سالهای سدهٔ
 قصه‌ها و داستانها
 دهم و میانهٔ قرن دوازدهم بیشتر از آنچه در سدهٔ نهم
 دیده‌ایم، رواج داشت و درین راه تشویقهای پادشاهان و فرمانروایان هند و
 دکن مایهٔ اصلی پیشرفت بود خواه دربارهٔ نقل مجدد داستانهای قدیم یا ترجمهٔ
 داستانهای هندی یا تألیف و تدوین داستانهایی نو در آن سرزمین و یا نگارش

۱- فهرست ریو، ج ۳ ص ۹۹۱.

۲- فهرست بلوشه، ج ۱ ص ۳۸۷.

۳- ایضاً ج ۱ ص ۳۸۸.

مجموعه‌های داستانی جدید...

موضوعی که پیش از پرداختن بداستانها باید درینجا مطرح کرد، ادامه سنت «قصه‌خوانی» است درین عهد. توضیح آنکه دستگاههای سلطنت و امارت و خاندانهای اشراف و متمکنان این دوره وابستگی داشتند که شغلشان حکایت کردن داستانها در مجلسهای انس روزانه و شبانه و یا جمع آوردن و نگهداشتن داستانهای مکتوب پیشین و خواندن آنها در همان مجلسها بوده است. بچنین کسانی عنوان «قصه‌خوان» و گاه دفتر خوان داده می‌شد.^۱ میرزا غیاث‌الدین علی ملقب به نقیب خان از مقربان جلال‌الدین اکبر پادشاه برای او «تواریخ و قصص و حکایات و افسانه‌های فارسی و هندی» را می‌خواند^۲ و میرزا غازی ترخان والی تته (سند) و حاکم قندهار (م ۱۰۲۱ هـ) که پیش ازین چند بار بنام او اشاره شده در خدمت خود کسانی مثل ملاسد قصه‌خوان و میرعبدالباقی قصه‌خوان را نگهداری می‌کرد^۳؛ و نیز کسان دیگری از قبیل ملا عبدالرشید قصه‌خوان و مولانا حیدر قصه‌خوان و مولانا محمد خورشید اصفهانی قصه‌خوان و برادرش مولانا فتحی شاهنامه‌خوان^۴ در همین دوره در شمار مشاهیر اهل ادب و منتسب بدربارها و درگاههای رجال عهد بوده‌اند.

این کسان که نام برده‌ام مردمی فاضل و شاعر و آگاه از ادب و دانش بوده‌اند و گاه در یک خاندان چندتن این شغل قصه‌خوانی و شاهنامه‌خوانی را برعهده داشتند مثلاً مولانا محمد خورشید قصه‌خوان برادر مولانا فتحی بیک شاهنامه‌خوان و مولانا حیدر قصه‌خوان بود و این مولانا حیدر قصه‌خوان پدر اسد

۱- بنگرید بمقدمه ج ۲ دارابنامه طرسوسی صفحه بیست و نیز بمقدمه دارابنامه بیخمی و

تعلیقات نگارنده این سطرها بر آن در پایان جلد دوم.

۲- تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، ص ۳۹۰.

۳- تذکره میخانه، تهران ۱۳۴۰، ص ۵۹۸ و ۶۰۵.

۴- در مقالات‌الشمرا ص ۹۲۸ مرحوم حسام‌الدین راشدی رحمه‌الله نام او را همراه شرحی

آورده بآنجا بنگرید.

۵- عالم‌آرای عباسی ص ۱۹۱.

قصه خوانست و اسد قصه خوان که به تته مرکز حکومت ارغونیان سنه رفته بود در تربیت ادبی میرزا غازی بیگ و قاری موثر بوده است^۱. وی بعد از مسموم شدن غازی خان در قندهار از آنجا بخدمت جهانگیر رفته و به «حفیظ خان» مخاطب گردید و همین خطاب خود نشان ازین نکته می دهد که او بسائقه شغل قصه خوانی داستانها را از حفظ داشت. اسد قصه خوان شعر می سرود و ازوست:

آن دل که سود او همگی در زیان اوست	جنس کساد مهر و وفا در دکان اوست
نازک دل مرا که بزلف تو خو گرفت	زنهار نشکنی که غمت در میان اوست
برگردن وجود ازو طوق آتشست	عین عدم که حلقه میم دهان اوست

در شاهنامه خوانی و قصه گوئی غیر از خوش آهنگی صدای خواننده و گوینده آشنایی آنان بشعر و ادب و بداستانهای مختلف، و قوت بیان و توانایی در ایراد مثلهای جالب و بیتهایی مناسب با موقع و مقام لازم بود. گاه ممکن بود که شاهنامه خوانی و داستانگزارى با هم در یک تن جمع آید، چنانکه هنوز هم، با همه سستی که درین سنت راه یافته، نزد داستانگزاران و نقالان دیده می شود. پیداست که این داستانگزاران و شهنامه خوانان از روزگاران قدیم در ایران فعالیت داشته اند و من درباره اینگونه کسان چه در کتاب خود بنام حماسه سرایی در ایران، و چه در جلد های پیشین از همین کتاب و چه در مقدمه ها و تعلیقات کتابهایی از قبیل دارابنامه طرسوسی و دارابنامه بیغمی (= قصه فیروز شاه بن ملک داراب) و بختیارنامه بدین موضوع اشارات مشروح دارم.

اما نکته قابل توجه درین دوره آنست که این داستانگزاران (قصه خوانان، دفتر خوانان) و شهنامه خوانان عهد صفوی ادامه دهندگان سنت و شیوه پیشینیان خود در عهد تیموریان بودند و گویا از «مرشدان کامل» و

۱- تذکره میخانه ص ۵۱۸-۵۱۹ و عرقات العاشقین خطی.

اطرافیانشان برخورداری درازی نداشتند و بهمین سبب است که سراغ این دسته از نگهبانان ادب فارسی را هم همچون دیگر دسته‌های همانند، بیشتر باید در درگاه‌های شاهان و امیران وابسته بدانان در هند گرفت، چنانکه سراغ مؤلفان و مترجمان و یا حافظان نسخه‌های پیشین از داستانهای ملی و غیرملی را.

عبدالنبی فخرالزمانی صاحب تذکره میخانه در شرح حال خود^۱ می‌گوید که در زمان رشد در قزوین بقصه‌دانی تمایل یافت و چون حافظه‌ی قوی داشت قصه‌ها را خوب حفظ می‌کرد چنانکه داستان امیر حمزه را با یک بار شنیدن بیاد سپرد و بعد از نوزده سالگی که بهند سفر کرد چند ماهی در لاهور بماند و بسال ۱۰۱۸ هـ از آن شهر به آگره نزد میرزاانظامی قزوینی واقع‌نگار دربار جهانگیر که خویشاوند او بود رفت و میرزا بعلت میل و علاقیمی که بقصه امیر حمزه داشت او را بقصه‌دانی و قصه‌گویی تشویق کرد و عبدالنبی بمدتی کوتاه درین فن مهارت یافت. اندکی بعد در سال ۱۰۲۲ بوساطت همین خویشاوند ملازمت میرزا امان‌الله پسر مهابتخان^۲ یافت «و چون ساعتی در بندگی ایشان بسر برد حسب‌الامر فصلی قصه در خدمت آن نتیجتاً خوانین گذرانیده، بعد از استماع سخن آن صاحب سخن بمرتبه‌ی خواهان فقیر [یعنی صاحب میخانه] شد که دیگر نگذاشت که» بمنزل خود رود^۳. عبدالنبی که سمت قصه‌خوانی و کتابداری میرزا امان‌الله نصیبش شده بود طرح تألیف کتابهایی را ریخت که یکی از آنها دستورالفصحاست «بجهت خواندن قصه امیر حمزه و آداب آن تا قصه‌خوانان را دستوری باشد»^۴. مرحوم پرفسور محمد شفیع استاد فقید دانشگاه لاهور ضمن ترجمه حال ملا عبدالنبی فخرالزمانی مذکور می‌نویسد که «این معلومت که اکبرشاه شائق داستان امیر

۱- میخانه، چاپ تهران ۱۳۴۰، ص ۷۵۸-۷۸۳.

۲- درباره میرزا امان‌الله و پدرش بنگرید بهمین جلد ص ۴۷۵-۴۷۸.

۳- میخانه، ص ۷۶۲-۷۶۳.

۴- ایضاً میخانه ص ۷۶۹.

حمزه بود لهذا برای تکمیل این ذوق و شوق بفرمان او داستان امیر حمزه را بطرزی جالب و زیبا با تصاویر ساخته و پرداخته بودند. از بیان عبدالنبی معلوم می‌شود که در عهد جهانگیری هم امرا باین داستان علاقه‌مند بودند»^۱.

برگردیم بموضوع داستانها و تدوین و تألیف آنها در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری: داستانهای منشور که درین عهد نوشته شده گاه تحریری جدید از داستانهای قدیم است و گاه روایتی تازه از آنها.. درین میان داستانهایی که بصرافت طبع نویسندگان عهد فراهم آمده باشند متعدد و قابل ذکرند.. بعضی از داستانها جنبه دینی و مذهبی دارند اما داستانهایی که صرفاً منشاء ملی داشته باشند باین آنها دیده نمی‌شود مگر آنکه تحریر جدید از قصه فیروز شاه بن ملک داراب^۲ و از داستان ابومسلم مروزی را که درین اوان فراهم آمده ازین دسته بشماریم.. دستهایی از کتابهای این دوره که بعضی از آنها خالی از ارزش ادبی نیستند، مجموعه‌هایی هستند از قصه‌ها و حکایتها که یا برگرد یک محور اصلی جمع شده‌اند و یا تحت عنوانهای مختلف اخلاقی و اجتماعی، و بدین سبب بعضی از آنها را ذیل عنوانهایی غیر از «قصه‌ها و داستانها» معرفی باید کرد.

همه این داستانها را که از دسته‌های مختلفند نمی‌توان دارای ارزش ادبی کافی دانست بلکه ازین حیث در مراتب متفاوتی قرار دارند و حتی بعضی از آنها با انشائی نزدیک بزبان مخاوره بتحریر در آمده یا ترجمه شده‌اند و بعضی با انشاء ساده درست نوشته شده و برخی بکلی فاقد ارزش ادبی هستند.

در میان نویسندگان و مؤلفان داستانهایی که درین عهد نوشته یا نقل شده چندتن هندی را می‌بینیم که هنگام ذکر فهرست داستانها بنام آنان باز خواهید خورد. بعضی از داستانها هم اگرچه اصل هندی دارند بانشاء ایرانیانی که در

۱- مقدمه میخانه، چاپ تهران ص چهارده.

۲- مقصود تلخیص مقرون بفسادبست که مصطفی قزوینی از جلد سوم داستان مذکور در

متن کرده و نسخه را بسال ۱۲۰۱ تمام نموده است (کتابخانه اوسالا شماره ۵۵۵ نسخ شرقی).

هند می‌زیستماند بی‌پارسی در آمده‌اند. اما محل اصلی تجمع این داستانهای خرد و کلان بیشتر سرزمین هند بود تا ایرانزمین و بهمین سبب است که می‌بینیم کتابخانه‌هایی که مجموعهٔ نسخ فارسی آنها بیشتر از آن سرزمین استغنا حاصل کرده است، مثل کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا و کتابخانهٔ دیوان هند و تاحدی کتابخانهٔ ملی پاریس، مجموعه‌های قابل توجهی ازین داستانها را گرد آورده‌اند و فهرست کتابخانه‌های هند و پاکستان خود پر است از نام آنها.

بیشتر مترجمان و مؤلفان داستانها یا جمع‌کنندگان آنها هم، خواه ایرانی و خواه هندی، کار خود را در دستگاههای مختلف دولتی و امارتی هند و بتشویق پادشاهان کل و جزء و صاحب‌مقامان و کارگزاران حکومتی انجام داده‌اند و باسوادان ساکن ایران بسبب فقدان مشوق و اشتغال بتالیفات دینی و یا شاید بعلت آنکه غالب این «اسمار و قصص» را خالی از فایده می‌شمرده‌اند، کمتر بدانها توجه داشتند.

مهمترین انگیزهٔ این بی‌توجهی تحریم قصه‌گویی و قصه‌ها و طعن و لعن قصه‌گویان است در ایران آن روزگار. منشاء این طعن و لعن و تحریم حدیثی است که بامام صادق (ع) نسبت داده شده است. محقق کرکی^۱ عالم معروف و متنفذ شیعه، معاصر شاه تهماسب صفوی، که پیش ازین بارها بنامش بلز خورده‌اید، در کتابش بنام «مطاعن المجرمیه» آورده است که^۲: «سنل الصادق عن القصاص ایحل السماع لهم؟ فقال لا، و قال: من اصغى الی ناطق فقد عبده، فان کان الناطق عن الله فقد عبدالله، وان کان الناطق عن ابلیس فقد عبد ابلیس».

این حدیث را محمدبن اسحق حموی ابهری معروف بفاضل ابهری که نامش را بعد ازین هم خواهید دید، از استاد خود محقق کرکی عاملی روایت کرده و ضمن نقل آن چنین اظهار نظر نموده است^۳: «و چون از اول

۱- یعنی نورالدین ابوالحسن علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی عاملی م ۹۴۰. دربارهٔ او

بنگرید بهروضات الجنات ج ۴ قم ۱۳۹۱ هـ ق ص ۳۶۰ ببید.

۲- نقل از ایس المؤمنین محمدبن اسحق حموی ابهری، نهران ۱۳۶۳ ص ۱۴۲.

۳- ایضاً همان کتاب ص ۱۴۳.

این حدیث مفهوم گردید که هر کس گوش بقصه‌خوان دروغگوی بدارد آن قصه‌خوان را پرستیده و از آخر این حدیث بوضوح رسید که هر کس گوش بآنطور ناکسی کند بندگی شیطان بجای آورده، پس ازین حدیث مستفاد گشت که اگر کسی استماع نماید قصه‌ی را که بر حمزه، که عم پیغمبر آخرالزمان و سید شهادت بستماند، هم قصه‌خوان را پرستیده و هم شیطان را عبادت نموده، و هر گاه چنین باشد پس ملاحظه نمای حال کسی را که قصه‌ی را شنود و افسانه‌ی را گوش کند که در تعریف ابومسلم خارجی پر کین ساختمانند!...» و باز هم در توضیح و تفسیر این حدیث مردم را به پنج گروه بخش کرده و درباره‌ی گروه پنجم گفته است که آنان مردمی شیریند و «بدی را دوست دارند و نیکی را دشمن، مانند حیوانات موزیه، چون سگ دیوانه و گرگ و خوک و مانند آن، و این طایفه را نیز اقسام است که بعضی را بزجر از بدی باز می‌توان داشت و بعضی را بقطع اعضا و زندان مؤید، و گفته‌اند که قصه‌خوانان دروغگوی و افسانه‌خوانان سخت‌روی از این طایفانند! چه مضرت می‌رسانند بحکایات کاذبه و فریب خاطر مردمان می‌دهند و تفسیح قابلیت ایشان می‌نمایند!»^۱

گویا انگیزه بنیادی در گفتن و باز گفتن این سخنان بازداشتن مؤمنان از توجه بدایستان بسیار رائج ابومسلم مروزی در آن روز گار بوده باشد زیرا راوی حدیث یاد شده تنها بنقل آن اکتفا نکرده و در کتاب مطاعن المجرمیه نوشته است که «اعلم ان ابعداقصاص من الصدق و اقربهم بالعذاب والعقاب الذین هم بکذبون و یفترون علی الباقرو آبانه علیهم السلام فی شأن ابی مسلم المروزی و هو رجل فاجر ملعون لم یکن من شیعة ائمتنا ولم یعترف بحقوقهم و کان من اشدّ مخالفیهم، والقاصون الخارصون یدّلون احواله و اخباره و بحرّضون و یرغبون الجهال بمحبته و هم غافلون عن قوله تعالی: الا لعنة الله علی الکاذبین» و بعد ازین مقدماتست که ابهری فتوای استاد خود را درباره‌ی جواز لعن بر ابومسلم

مروزی و تحریم داستان او نقل کرده است^۱ و شاید بر اثر همین فتوی بوده است که چه در دوره شاه اسمعیل صفوی و چه در عهد جانشین او شاه تهماسب، که نسبت به محقق کرکی ارادت تام داشت^۲، قصه خوانان را از روایت قصه ابومسلم منع کردند و فرمان دادند که مقبره منسوب باو را که در نزدیکی نیشابور بنا شده بود ویران کنند.

درستست که ابومسلم مروزی را بفرمان منصور دوانیقی بسال ۱۳۷ هـ در شهر رومیة مداین (= سلوکیه) کشتند، سرش را با هزار کیسه پر از درهم و دینار بمیان نگهبانان ابومسلم انداختند و تنش را در آب دجله غرق کردند، لیکن ایرانیان مشرق یعنی خراسانیان هم داستان قهرمانی مشهور (= ابومسلم نامه) را درباره او بر بنیاد واقعات حقیقی بوجود آورده و سینه بسینه، تا بعهد صفویان، کشانیده بودند، و هم گوری برای او در نزدیکی نیشابور ساخته و بنایی بر آن ترتیب داده بودند^۳.

چون شاه اسمعیل بر خراسان استیلا یافت فرمان داد تا فسه گویان را از بیان داستان ابومسلم باز دارند و گوری را که باو نسبت داده بودند ویران کنند، ولی پس از مرگ او (۹۳۰ هـ) باز داستانگزاران فرصتی یافته گزاردن سرگذشت او را از سر گرفتند و دوستان ابومسلم بتعمیر گور ویران شده او پرداختند تا آنکه شاه تهماسب صفوی (م ۹۸۴ هـ) باز بویران کردن آن گور و بازداشتن قصه خوانان از بیان داستان ابومسلم امر کرد، و فرمان داد تا هر کسی آن داستان را باز گوید زبانش را ببرند^۴. با همه این احوال داستان ابومسلم در تمام سده های دهم و یازدهم هجری بر سر زبانها بوده و بعضی از نسخه های آن که دیده ام تا

۱- متن این فتوی در ص ۱۸۹ کتاب انیس المؤمنین نقل شده است.

۲- همین کتاب و همین جلد ص ۱۷۶.

۳- انیس المؤمنین ص ۱۸۲.

۴- ایضاً ص ۱۴۰-۱۴۲ و ۱۸۲.

۵- بنگرید بمقاله «ماجرای تحریم ابومسلم نامه» از نویسنده این سطرها، مجله ایران نامه شماره

میانه سده دوازدهم تاریخ دارد.

نکته مهم درین ماجرا آنست که برخی از عالمان شیعی عهد صفوی علاوه بر ابومسلم نامه داستانگزاران را از ذکر داستانهای دیگر مانند رموز حمزه [چنانکه دیده ایم] و مختارنامه در شرح دلاوریهای مختار بن ابوعبیده ثقفی [که در سال ۶۶ هـ بخونخواهی شهیدان کربلا بر بنی امیه خروج کرده و بعد از پیشرفتها و دلاوریهای بسیار در ۶۷ هـ کشته شد] و هفتاد و دو خروج [در بیان جنگهای ابراهیم بن مالک اشتر نخعی بیاری مختار] هم منع کرده اند. فاضل ابهری در همین باب بعد از واقعه خروج عده بی از سران عرب کوفه بسال ۶۵ هـ بر بنی امیه و قتل و انهزام آنان از عبیداللہ بن زیاد در همان سال، و پیوند دادن این رویدادها با واقعه مختار که سال بعد رخ داده بود، گوید: «قصه خوانان فریبنده دروغ بسیار اضافه احوال ایشان کرده اند، و بر مختار بن ابی عبیده و ابراهیم بن مالک اشتر نیز افسانه بسیار بسته اند و آن را مختار نامه و هفتاد و دو خروج نام کرده و عوام از آن مختارنامه نسخه ها گرفتند و آن را بمثابه کتاب آسمانی و نص فرقانی از کذب و افترا مبرا و معرا پنداشتند»^۳.

باین ترتیب می بینیم که بعضی از عالمان شیعه، و نه همه آنان، بر رویهم با همه داستانها و داستانگزاریهها مخالفت داشته اند و این امر اگرچه تا حدی از شیوع داستانها و روایت آنها پیش گیری نمود لیکن باتوجه بنسخه های فراوان از داستانهای مذهبی و قهرمانی و نیمه تاریخی و عشقی که ازین عهد در دست داریم معلوم می شود که نفوذ عالمان شرع نتوانست یکباره این نوع دلپذیر از انواع ادبی فارسی را از میان ببرد. هم قصه های کهن پیش و کم رائج بود، هم قصه های نو نوشته می شد و هم داستانهایی از هندی بفارسی در می آمد. با توجه باین نکته که بازار داستانهای فارسی در هند بسیار گرمتر از ایران بود و

۱- الکامل فی التاریخ، ابن الاثیر، حوادث سالهای ۶۶ و ۶۷ هـ و مأخذهای متداول دیگر.

۲- ایضاً همان کتاب و همان سالها و سال ۶۸ هـ.

۳- انیس المؤمنین، ص ۱۱۷.

نسخه‌های بازمانده داستانهای آن دوره بیشتر در هندوستان کتابت شده است تا در ایران^۱.

پیداست که با وجود سیاست دینی در ایران عهد صفوی، داستانهای دینی و آنها که ریشه مذهبی داشته باشد، درین عهد کم نبود و حتی بعضی از آنها مانند حمزه‌نامه (رموز حمزه)، و داستان شاه‌مردان علی، و مختارنامه، و هفتاد و دو خروج و ابومسلم‌نامه درین عهد رواج بسیار داشتند. بعضی ازین داستانها مانند ابومسلم‌نامه و داستان امیر حمزه (رموز حمزه، حمزه‌نامه، داستان امیرالمؤمنین حمزه...) بیقین از دورانهای پیش بدین عهد انتقال یافته‌اند و بعید نیست که آنهاى دیگر نیز همین حال را داشته باشند لیکن نسخه‌هایی که امروز از آنها داریم عادةً بازمانده از عهد صفوی و بیشتر آنها تحریر منشیان یا داستانگزاران همان دوره‌اند. دنباله این روایتها، تحریرها، استنساخها، دخل و تصرف‌ها تا بعهد قاجاری کشیده شد و اثر این هر دو دوره در نسخه‌هایی که امروز از داستانهای مذکور داریم مشهودست.

معرفی این داستانها را با ذکر داستان سیاحت آدم آغاز می‌کنیم که بسال ۱۳۰۵ هـ.ق در بمبئی بطبع رسید. این داستان را، اگرچه قهرمان آن آدم صفی‌الله است، نمی‌توان کاملاً دینی شمرد و بهتر آنست که در آن بیشتر بجنبه اساطیری تکیه کنیم. از نکته‌های گفتنی درباره این داستان آنکه گیومرث، نخستین بشر اوستایی و نخستین پادشاه قسمت اساطیری از روایتهای کهن تاریخی ما، درین داستان چون ساحر و افسونگری معرفی شده است. ایران‌شناس نام‌آور فقید آرتور کریستن سن رحمة‌الله علیه خلاصه این داستان را

۱- آقای رسول جعفریان در مقاله «متع خود زیر عنوان» «نقش فسه‌پردازان در تاریخ اسلام» (کیهان اندیشه، شماره ۳۰، خرداد و تیر ۱۳۶۶، ص ۱۲۱-۱۴۴) موضع منفی ائمه شیهه (ع) را در برابر قصاص بتفصیل مورد بحث قرار داده است. خواننده برای در دست داشتن اطلاعات موثق درباره سوابق مخالفت عالمان شیهه با داستانگزاران بمقاله مذکور مراجعه فرماید.

در کتاب مشهور خود بنام «نمونهای نخستین بشر و نخستین شاه در تاریخ داستانی ایرانیان»^۱ (ج ۱، ص ۹۹-۱۰۰) نقل کرده است.

نسخه‌هایی از داستان حمزه در دست است که بنامهایی از قبیل: اسرار حمزه، قصه امیر حمزه، رموز حمزه، قصه حضرت امیرالمؤمنین حمزه، جنگنامه امیرالمؤمنین حمزه، داستان حمزه صاحبقران خوانده می‌شود و انشاءهای متفاوت از دوره‌های مختلف دارد و بعضی از تحریرهای آن بدرجه‌ی از فساد لفظی هستند که اصلاً نمی‌توان برایشان ارزش ادبی قائل شد. نظم این داستان در عهد صفوی (سال ۱۰۷۳ هـ) انجام شد^۲ و نسخه‌های موجود آن معمولاً از همین عهد صفوی و یا از دوره بعد یعنی دوران زندید قاجاریه، و بیشتر از هندوستان^۳ و چند بار در ایران و هند بطبع رسیده^۴ و ترجمه‌هایی از آن بتازی و بهندی و بمالایایی و جاوه‌یی موجود است^۵.

قصه شاهمردان علی در کتابخانه دیوان هند (این‌دیا آفیس) بشماره فهرست ۷۸۶ مضبوط^۶ و داستانی مفصل است شبیه بقصه امیر حمزه و با مطلبهایی نظیر همان داستان. هرمان اته مؤلف فهرست کتابخانه دیوان هند داستان یاد شده را

۱- Les Types Du Premier Homme Et Premier Roi Dans L'Histoire
Légendaire Des Iraniens, Stockholm Et Leide, 1917- 1934, 1^{er}
Vol. pp. 99- 100.

۲- همین کتاب و همین جلد ص ۵۸۴-۵۸۶.

۳- بنگرید بفهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا نسخه‌های معرفی شده در ص ۷۶۰-۷۶۲؛ و بفهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس، ج ۴ ص ۶۷-۷۰؛ و بفهرست کتابخانه دیوان هند (این‌دیا آفیس) ج ۱ ص ۵۱۹ و ترجمه تاریخ ادبیات فارسی هرمان اته ص ۲۱۵-۲۱۶.

۴- و نیز بنگرید به همین جلد ص ۵۸۴-۵۸۶ و ترجمه تاریخ ادبیات اته ص ۲۵۷.

۵- ترجمه تاریخ ادبیات اته ص ۲۱۵.

۶- فهرست این‌دیا آفیس ج ۱، ص ۵۳۰.

روایت مشابه دیگری از داستان امیر حمزه می‌داند.^۱

درباره علی بن ابی طالب (ع) داستان دیگری بنام داستان کوه قاف داریم از فخرالدین ترکستانی که موضوع آن رفتن امامست با یارانش بکوه قاف و سد سکندر و شگفتیهایی که رخ داد. نسخدهایی ازین کتاب که بسال ۱۰۶۸ نوشته شده در نجف موجود است.^۲

باز در مجموعه‌یی از داستانها که در کاشغر بازنویسی شده (بسال ۱۲۳۷ ه.ق) چند داستان مربوط بدلاوریهای علی (ع) در مشرق جای داده شده که از آن جمله است: فتح قلعه بربر و کشتن قهرمان آن- داستان لشکر کشی محمد بن حنفیه و کشته شدن غضنفر بر دست علی- داستان فتح قلعه مغرب و کشته شدن اردر دیو بر دست علی- فتح قلعه منیر- داستان لشکر کشی علی برای فتح قلعه سلاسل و کشتن قتال و عنکاء مردستی- داستان جنگ میان حمزه بن سعد و قهقهه کافر که بشمشیر علی (ع) کشته شد و چند داستان دیگر ازین دست.^۳

دیگر از داستانهایی که درباره دلاوریهای شاه مردان داریم جنگنامه امیرالمؤمنین یا غزوة المجاهدین است که محمد قاسم نامی آن را از اصل عربی تألیف محمد صالح بحرانی پیاری در آورد.

درین میان نباید داستان محمد بن عبدالله (ص) و زقوم شاه پادشاه خیبر و هفت اقلیم زمین را که نامدهی پیامبر نوشته بود فراموش کرد؛ و همچنین باید از «قصه امیرالمؤمنین حسن» و «قصه امیرالمؤمنین حسن و حسین» و «حکایت محمد حنفیه» یاد نمود که نسخه‌های موجود آنها در عهد مورد مطالعه ما در بنگال

۱- ایضاً همان صفحه.

۲- فهرست سید احمد اشکوری ج ۱ ص ۱۷. از یادداشت‌های آقای دکتر سید محمد ترابی.

۳- مجموعه شماره 1680 Suppl. از نسخه‌های فارسی کتابخانه ملی پاریس، فهرست بلوئه،

ج ۱ ص ۷۶-۷۸.

۴- ایضاً همان جلد ص ۸۷.

۵- فهرست بلوئه، ج ۱ ص ۸۱.

استنساخ شده است.^۱

اگرچه قصه ابومسلم مروزی را باید در شمار داستانهای مذهبی رایج عهد صفوی آورد ولی مطلب مهم آنست که این داستان از دورانهای پیش بعهد صفوی رسید، منتهی در این عهد با تصرفاتی که در نسخه برداریهای پیاپی از آن شده متنهایی بوجود آمده است که حکم تحریرهای تازه بی دارند و در همگی آنها سستی و فساد در عبارتها و نحوه بیان مطلب آشکارست. این نکته هم شایسته نگرش است که غالب نسخه های باقی مانده ازین داستان آنهاست که در هندوستان و پاکستان امروزی استنساخ شده^۲ و ازینجا روشن می شود که اگرچه تحریم قصه ابومسلم بوسیله عالمان شیعی در ایران خالی از تأثیر نبوده است، ولی بهر حال از رواج آن در ایران پیش گیری ممکن نگردید^۳ و حتی روایتهایی از آن در کتابهای دیگر بمناسبت از نو تحریر شد چنانکه در انیس المؤمنین^۴ و نیز در رساله انسابیه^۵ می بینیم. درین رساله اخیر داستان نهضت ابومسلم مروزی با خردک آهنگر و احمد زمجی (یا: زنجی) آمده که «تخم بنی مروان را از زمین برانداختند ولی ابومسلم با بنی عباس نجنگید تا او را شهید کردند»^۶.

در این رساله انسابیه که در ذکر نسب سادات طبرستان یا کیهانهای

۱- فهرست ریو ص ۸۱۹.

۲- بنگرید بنسخه های موجود در کتابخانه ملی پاریس و محل استنساخ آنها، فهرست بلوشه، ج ۴ ص ۳۷-۳۹ و بمقاله آقای دکتر محمدجعفر محبوب در ایران نامه شماره ۳ سال چهارم حواشی ص ۴۱۰-۴۱۲.

۳- همین جلد و همین بخش ص ۱۵۱۱.

۴- چاپ تهران ۱۳۶۳ شمسی ص ۱۴۰-۱۸۰.

۵- نسخه این کتاب ظاهراً تاریخی و واقعاً داستانی با مخلوط و مشوب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران همراه چند رساله دیگر موجودست. بنگرید بفهرست آن کتابخانه، ج ۲ ص ۶۶۹-۶۷۰ ذیل منشور یا نسنامه پادشاهان طبرستان؛ و نیز همان مأخذ ص ۶۵۵.

۶- نقل از همان مأخذ ص ۶۷۰.

مازندرانست^۱ داستان گسیل شدن عمار بن یاسر از جانب علی بن ابی طالب (ع) بنزد یزدگرد شهریار و اسلام آوردن یزدگرد و زناشویی شهربانو با حسین بن علی و همکاری سپاهیان ایران با علی در جنگ صفین و سپس کشته شدن حسین (ع) بفرمان مروان بن مروان و بازگشتن شهربانو بری و پنهان شدن در کوه بی بی شهربانو و سپس شورش مصیب خزاعی و کشتن بنی امیه و دادن خلافت بامام زین العابدین آمده است^۲ و پیداست که بجز بخشی از مطالبهای این کتاب مابقی اصلاً مبنای تاریخی ندارد.

اشتغال بموضوع ابومسلم نامه مانع معرفی قصه مختار گردید. این داستان مربوطست بسرگذشت مختار بن ابوعبیده الثقفی گیرنده انتقام خون حسین بن علی (ع) که راوی آن سخنان خود را مبتنی کرده است برگفتار ابومحنف لوط بن یحیی الازدی که او خود مدعی روایت این سرگذشت از محمد بن اسحق (م ۱۵۰ هـ) بوده است. عنوان این داستان در آغاز آن «مختارنامه» است^۳. یک مختارنامه از ملامحمد حسین نایینی در ایران بسال ۱۲۸۱ هـ ق بطبع رسیده است و این هر دو غیر از دلگشا نامه یعنی مختارنامه منظوم از میرزا ارجمند آزاد بن عبدالغنی بیک^۴ است که بسال ۱۱۳۱ هـ بنظم در آورده. مختارنامه منظوم دیگر از عبدالرزاق بیک بن نجفقلی خان دنبلی

- ۱- در مبارک آباد مازندران، نزدیک آبعلی گورستانی از گیاهای طبرستان دیده ام. نمی دانم آن گورستان با سنگ نشته های قابل توجهش اکنون در چه حالت.
- ۲- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ج ۲ ص ۶۶۹.
- ۳- فهرست نسخه های فارسی کتابخانه موزه بریتانیا ص ۱۵۶.
- ۴- عبدالغنی بیک قبول از شاعران محمداعظم شاه بن اورنگ زیب (سلطنت از ۱۱۱۸ تا ۱۱۱۹ هـ) بنگرید بتاريخ ادبیات فارسی هرمان اته ترجمه استاد فقید دکتر رضازاده شفیق، تهران ۱۳۲۷ ص ۶۰.
- ۵- ایضاً همان مأخذ ص ۶۱.

متخلص به «مفتون»^۱ است که مجموع ابیات آن از پنج هزار تجاوز می‌کند.^۲

داستان مذهبی مشهوری ازین عهد داریم که بصورت سفرنامه و بچند روایت تنگ شده است و در همه آنها سخن از جزیره‌یی می‌رود بنام الجزيرة الحنرا یا جزیره صاحب‌الزمان یا جزیره اخضر که باشیدنگاه «صاحب‌الامر» یعنی امام دوازدهم اثنی عشریان (ع) و محل فرمانروایی چهارفرزند او بر شهرهای آنست. این داستان اگرچه در عهد صفوی بچند روایت تحریر شده و رواج داشته ولی از مبادی کهن‌تری بآن عهد رسیده و طبعاً در روایتهای جدید تفصیل بیشتری یافته و یکبار نسخه‌یی از آن بنام ترجمه کتاب جزیره الخضر که بنام شاه‌تھاسب صفویست در هند بطبع رسیده که منسوبست به محقق کرکی (نورالدین علی‌بن حسین بن عبدالعال م ۹۴۰) و روایتهای دیگری نیز از آن داریم از میرشمس‌الدین شوشتری و محمدهادی بن محمد صالح فراهانی و سیدشیرین محمد حویزی مشعشی؛ و تا پایان عهد صفوی مؤلفانی مانند قاضی نورالله شوشتری (مجالس المؤمنین، مجلس اول) و ملا محمدباقر مجلسی (بحار الانوار، ج ۱۳، باب مخصوص بذكر کسانی که امام غایب را دیده‌اند) و میرزا محمد اخباری نیشابوری از عالمان مذهبی سده دوازدهم هجری صاحب کتاب تحفة الامین (منقول از آن در روضات الجنات ج ۷ ص ۱۳۶-۱۳۷) در این باب سخن گفته‌اند.^۳ محل اقامت امام در روایتهای این

۱- درباره او بنگرید بمقاله مرحوم حسین نجوانی در شماره اول سال دوم نشریه دانشکده

ادبیات تبریز.

۲- حماسه‌سرایی در ایران، دکتر صفاء، چاپ چهارم، تهران ۱۳۶۳، ص ۲۸۳.

۳- درباره این داستان و روایتهای مختلف آن بنگرید بفهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه

تهران، ج ۲ مقاله آقای علینقی منزوی ص ۵۵۷-۵۶۳ ذیل عنوان جزیره صاحب‌الزمان؛ و باز

بهمان فهرست ج ۵ مقاله اقبال‌نامه بقلم آقای محمدتقی دانش‌پژوه آملی تبرستانی ص ۱۰۹۸-۱۱۰۴

؛ و به الذریعه تألیف شیخ آغابزرگ نهرانی ج ۵ ص ۱۰۶ و ج ۴ ص ۳۹۳ و فهرست کتابخانه ملی

ملک.

داستان جایست بنام جزیره الخضر که دارای چند شهر است و بر هر یک از آن شهرها یکی از فرزندان صاحب‌الامر ریاست و حکومت دارد. این جزیره الخضر که در رساله‌ها و کتابهای عالمان مذهبی از آن یاد شده بدعوی آنان از «جزایر مغرب» است و اما بنا بر آنچه با اطلاعات جغرافیایی کنونی همسازست نام شهر است در مدخل تنگه جبل الطارق که امروزه آن را آلژیراس (Algésiras) نامند، و گویا صورت عربی شده جزیره الخضر مأخوذ باشد از جزیره سبز (L'île Verte) که در برابر آن واقعست و تازیان آن را جزیره ام حکیم نامیده‌اند. در مأخذهای قدیم مسیحی از دو «آلژیراس» سخن می‌رود یکی آنکه در جزیره کوچک باد شده بود و متروک ماند و دیگری شهری که در برابر آن جزیره یعنی در خشکی قرار دارد و بهمین مناسبت نام جزیره مذکور بر آن نهاده شده و باقی مانده است و رودی بنام «وادی العسل» از آن می‌گذرد. مسلمانان این شهر و جزیره برابر آن (یعنی جزیره ام حکیم) را از زمان فتح اندلس بدست طارق بن زیاد شناخته‌اند و در کتابهای جغرافیایشان نام آن آمده است. درباره جزیره الخضر از قرن

۱- از آنجمله در معجم البلدان باقوت حموی که از دو جزیره الخضر نام برده شده یکی

شهری در اندلس و دیگری جزیره‌یی در دریای هند. معجم البلدان چاپ بیروت ج ۲ ص ۱۳۶.
درباره شهر جزیره الخضر و تاریخ آن رجوع کنید بمقاله:

Al- Djazira Al-Khadra' (esp. Algésiras)

بقلم A. Huici Miranda در:

Encyclopédie de L'Islam, Nouvelle édition, tome II. pp. 537 - 538

و مأخذهای مهمی که در پایان آن مقاله قابل توجه نشان داده شده است.

با آنکه شهر و جزیره کوچک برابر آن یعنی آلژیراس و ام حکیم یا جزیره سبز روزگاری در تملک مسلمانان بود اطلاع آنان از آن دو محل بصورت آگاهی مبهم افسانه‌یی درآمده بود. میوزامحمد اخباری که نامش در متن آمده، هنگامی که خواست از جزیره الخضر کسب اطلاعی کند ذکر آنرا «اجمالاً در کتاب فاموس و کتاب الانساب سمانی» دید و از «پادری یوسف مسیحی انگریزی که اهل نصاری بود نظر بقرب ولایت فرنگ بآنجا» تحقیق نمود و آن پدر مسیحی

هفتم هجری بعد در چند کتاب از عالمان مذهبی شیعه سخن رفته است. در عهد صفوی محقق کرکی علی بن حسین بن عبدالعال (م ۹۴۰) «ترجمه کتاب جزیره الخضر» را برای ملاحظه شاه تهماسب فراهم آورد و این ترجمه در هند بطبع رسیده است. و در زمان همان پادشاه و بدستور وی میرشمس الدین محمد بن اسدالله شوشتری داستان مذکور را در رساله‌ی بنام «اثبات وجود صاحب الزمان و غیبت و مصالح الغیبه» آورد و قاضی نورالله شوشتری از همین رساله در مجلس اول از کتاب مجالس المؤمنین سخن گفته و درباره جزیره الخضر چنین آورده است که: «جزیره خضر جزیره بیست در سرزمین ولایت بربر میان دریای اندلس که حضرت صاحب الزمان و اولاد او در آنجا می‌باشند» و بعد ازین در غالب کتابها و رساله‌هایی که درباره امام دوازدهم و رویت و محل اقامت او سخن رفته نام جزیره الخضر دیده می‌شود.^۱

داستان یوسف و زلیخا که از دیرباز موضوع سرودن منظومهای مختلف و نیز در تفسیرهای قرآن دارای قسمتی خاص و مشروح بوده و هست، در آغاز این دوره موضوع تألیف کتابی با اسم احسن القصص گردیده است. مؤلف آن معین الدین محمد امین بن حاجی محمد فراهی هراتی (م ۹۰۷ ه) درست درگیراگیر تشکیل دولت صفوی در گذشت. کتاب احسن القصص با حدیث و تصوف و تحقیق و آیتهای قرآنی و آرایشهای ادبی همراه است. هرمان اته نسخه‌ی ازین داستان را در کتابخانه بودلن نشان داده است.^۲ از معین الدین فراهی داستان دینی دیگری داریم بنام قصه موسی (= معجزات موسی یا

بدوگفت: «سکنه آنجا مسلمانند و پادشاه آنجا را داعی می‌گویند.» [تحفة الامین، نقل از روایات الجنات، ج ۷، ص ۱۲۶-۱۲۷].

۱- خواننده‌ی که طالب اطلاعات مشروحتر در این باب باشد، گذشته از «ترجمه کتاب جزیره الخضر» که در متن بآن اشاره کرده‌ام، بمآخذهایی که در حاشیه صفحه‌های پیش ذکر شده مراجعه خواهد کرد.

۲- ترجمه تاریخ ادبیات اته، ص ۲۱۷.

تاریخ موسوی)^۱.

یک تحریر دیگر از داستان یوسف و زلیخا از همین سده دهم در دست است که مطلب تازه‌یی در آن دیده نمی‌شود و بهر حال درینجا قابل ذکر است^۲.

تمام قصص انبیا که درین عهد بتفاریق، خواه در کتب تاریخ و خواه در تفسیرهای قرآن و یا جداگانه گرد آمده باشد از قبیل همین داستانهای دینیست و پیداست که نوشتن اینگونه «قصص» درین عهد اصلاً تازگی نداشته و مأخوذ و منقول از کتابهای عربی و فارسیست که پیش ازینها فراهم آمده بود.

از رمانهای تاریخی در این دوره کمتر اثری داریم مگر آنچه از قدیم فراهم آمده و درین عهد رائج بوده است، و یا نقلهایی که از شاهنامه و داستانهای منظوم حماسی دیگر بنثر برای برخورداری قصه‌خوانان ترتیب یافته باشد، و از آنجمله است کتاب هفت لشکر که گویا در آخرهای عهد صفوی از شاهنامه اقتباس شده و بنثر در آمده و حاوی بخشی است از شاهنامه از داستان گیومرث تا سرگذشت بهمن پسر اسفندیار. نسخی از کتاب یاد شده در کتابخانه مجلس شورای ملی بشماره ۲۹۸۳ موجود است.

داستان دیگری که می‌توان در این ردیف آورد داستان بوستان خیال است که بعضی از قسمتهای آن بر مبنای تاریخی نهاده شده و با خیالپروریهای نویسنده آن در آمیخته. مؤلف این کتاب میرمحمدنقی جعفری حسینی احمدآبادی متخلص به خیال است که آن را بنام رشیدخان بهادر پسر جعفرخان ناظم بنگاله در پانزده جلد میان سالهای ۱۱۵۵-۱۱۶۹ هـ نوشت^۳.

۱- ایضاً همان مأخذ و همان صفحه.

۲- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، بلوژ، ج ۴، ص ۸۰-۸۱.

۳- درباره این کتاب مشروح پرماجرا و داستانهای نو در نثر آن و شرح حال مؤلفش

بنگرید به ترجمه تاریخ ادبیات فارسی هرمان اته ص ۲۱۷-۲۱۸؛ فهرست ریو، ص ۷۷۰-۷۷۱.

از داستانهایی که درین عهد نوشته شده غلبه با داستانهای عاشقانه است. نویسندگان بعضی ازین داستانها بندرت معلوم و بیشتر ناشناخته‌اند ولی تاریخ بیشتر تحریرها و استنساخهای آنها عهد صفوی و دوره پادشاهی تیموریان هندست. از آن جمله است:

بهجت افزا از محمدمهدی جرفادقانی (گلپایگانی) با نثری روان و گاه مزین درباره سرگذشت بدیع الزمان تاجرزاده نیشابوری و پری زاد دختر پادشاه چین «و سایر داستانهای شیرین که در بین اتفاق افتاده»^۱.

همانندی نام قهرمان این داستان با قهرمان داستان منظوم دیگری با اسم بدیع الزمان نامیده باعث شده است که بعضی موضوع این دو کتاب را یکی بدانند اما چنین نیست. بدیع الزمان نامده مثنوی است عاشقانه ببحر متقارب مثنی مقصور و محذوف که کسی آن را بسال ۱۰۰۷ هـ بنظم در آورده و موضوع آن جنگ شاهزاده بدیع الزمانست با تیمور پادشاه اورگنج و رسیدن شاهزاده بچین و ماچین و هنرنماییهایش در آن دو سرزمین و عشق او بقمرچهر دختر خاقان و عروسی کردن با او. در این منظومه پادشاه چین عنوان خاقان و پادشاه ماچین عنوان فغفور دارد و شاهزاده بدیع الزمان را در هنرنماییهایش عبارانی مانند نسیم و جهانسوز، و پهلوانانی چون بهزاد یاری می‌کنند، و او فرزندی بنام بهرام و سام و فیروز دارد و کار مهمش مسلمان کردن تیمور پادشاه اورگنج و رسیدن بجزیره زنگیان و مسلمان کردن آنان و باز خوردن با اشکبوس در شکارگاه و مسلمان کردن وی و نیز خراب کردن بتخانها و بنا کردن مسجدهاست. شعر شاعر درین منظومه گاهی بسیار متوسط است و ضمناً ساقی نامهای کوتاهی هم با روایتهای داستانی خود همراه می‌کند. ازین داستان نسخه‌یی بشماره ۵۱۳۵ در کتابخانه ملک موجودست.

مقاله آقای دکتر محمدجفر محبوب در مجله ایران‌نامه، سال دوم شماره ۱ و سال سوم شماره‌های ۲

داستان عشق بلبل از ابراهیم صغیری بنظم و نثر، مؤلف این داستان از شاعران عهد صفوی بود و نصرآبادی^۱ سه معما بنامهای صدر، خان، ایوب از او نقل کرده است.^۲

کارستان یا کارنامه بنثر مسجع و بنظم درباره عشق امیر والاختر حکمران هرموز. مؤلف آن ابوالبرکات منیر لاهوری فرزند ملا عبدالمجید مولتانی (م ۱۰۵۴ هـ) کتاب را بسال ۱۰۵۰ در جونپور بنام شاهجهان نوشته است.^۳ درباره منیر لاهوری و کارستان باز هم سخن خواهیم داشت.

گلشن خیالات یا خواب و خیال از میرزا طاهر نصرآبادی داستانیست عشقی و وصفی از یک رویا که نثری منشیانه همراه با نظم دارد و باز درباره آن سخن خواهیم گفت.

داستان شاهزاده سیف الملوک و بدیع الجمال دختر شاه پریان از جمله قصه‌هاییست که از نحوه داستان‌گزاری الف لیلة و لیلة (هزار و یک شب) در آن استفاده شد. نسخه‌های متعدد از آن در دستست، بعضی کامل و بعضی ملخص، و برخی از تحریرهای آن بدینگونه آغاز می‌شود که در ایام محمود غازی یعنی سلطان محمود غزنوی بکوشش وزیرش حسن میمندی کتاب روح افزا که حاوی این داستان بود از خزانه پادشاه دمشق فراچنگ آمد.^۴ یکی از تحریرهای این داستان با عنوان «حکایت سیف الملوک و دختر پادشاه یمن و رفتن سیف الملوک بزجر تمام به گلستان ارم و دختر گرفتن» در مجموعه‌یی از داستانها که مصحح آنرا «آورده‌اند که...» نام داده (از ص ۱۸۷ ببعده) و بعد ازین بتفصیل معرفی خواهم کرد، چاپ شده است. در آغاز این تحریر اشاره‌یی

۱- تذکره نصرآبادی ص ۵۲۰.

۲- ذریعه ج ۱ ص ۶۰۸؛ فرهنگ سخنوران ص ۳۳۶؛ فهرست کتابخانه ملی ملک تهران؛ ص ۲۴۰.

۳- فهرست بلوچه، ج ۴ ص ۶۳؛ ترجمه تاریخ ادبیات اته ص ۲۲۰. نسخه‌هایی از آن در لاهور و آصفیه موجودست.

بدوره سلطان محمود و جستجوی داستان بوسیله وزیر او و یافتن آن در خزانه پادشاه دمشق نشده است. نثر داستان که روان و سلیس است با شعرهای فراوان از گفتار شاعران پیشین آمیخته است و همین هم نشانه‌یست از قدمت آن، و گذشته ازین نثر منسجم این داستان، با آنکه داستانگزاران متأخر در آن دست برده‌اند، نشان می‌دهد که خیلی پیش‌تر از عهد صفوی بنگارش در آمده بود. بهر حال قهرمان داستان یعنی سیف‌الملوک پسر عاصم بن صفوان پادشاه مصر، گرفتار عشق بدیع‌الجمال دختر ملک شهبال پادشاه پریان شد که صورت او را بر پرده‌ی نقش کرده بودند و بهزار جهد تا بگلستان ارم که مقام بدیع‌الجمال بود رفت و او را از پدر بخواست و بهمراه او و ساعد پسر وزیر مصر که مصاحبش بود و ملک خاتون همسر ساعد بمصر بازگشت.

قصه هزارگیسو ماجرای عشق فیروزبخت پادشاه مصر است بدختری جوان با اسم هزارگیسو که بفرمان پادشاه وزیرش بیفداد رفت و او را خرید، و سرگذشت پسرش آزادبخت. در این قصه حوادثی هم که برای یک بازرگان بغدادی رخ داده بود، نقل شده است.^۱

داستان عشق نوروز پسر زرگر دمشقی بدختری بنام گل^۲، غیر از داستان نوروز شاه تألیف اودتچند کایات است که شاید بعد ازین معرفی کنم.

عجیب القصص که مانند داستان سیف‌الملوک عروس آن بدیع‌الجمال نام دارد، بنام شاه عالم بهادر (۱۱۷۳-۱۲۲۱) تألیف شده است. عاشق بدیع‌الجمال در این داستان شاهزاده‌یست هندی بنام یوسف جمال و اگرچه این داستان غیر از قصه سیف‌الملوک و بدیع‌الجمالست ولی ظاهراً بتقلید از آن

۴- بنگرید بفرست موزه بریتانیا، ریو، ص ۷۶۴ و ۷۶۵؛ فهرست بلوشه، ج ۴ ص ۴۱؛

فهرست کتابخانه دیوان هند بشماره‌های فهرست ۷۸۸ تا ۷۹۲.

۱- فهرست کتابخانه موزه بریتانیا ص ۷۶۴، فهرست کتابخانه ملی پاریس، بلوشه، ج ۴ ص

۱۸ و ص ۴۱؛ ترجمه تاریخ ادبیات آنه ص ۲۲۱.

۲- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی پاریس، بلوشه، ج ۴ ص ۴۱.

ساخته شده است.^۱

مهر و ماه داستان عشق مهر پسر خاورشاه با ماه دختر پادشاه مشرق است. نسخه‌هایی از آن در کتابخانه دیوان هند (بشماره فهرست ۸۰۵)^۲ و کتابخانه ملی پاریس^۳ و کتابخانه موزه بریتانیا و کتابخانه بودلیان و جز آنها موجود است.^۴ درین داستان مهرشاه یا شاهزاده مهر با یاران خود که در میانشان ارمیا نام پزشکی که شاگرد لقمان بود دیده می‌شود، در سیر و سیاحتند تا به جزیره دوال پایان و از آنجا بسراندیب می‌رسند و در آن جزیره برکوه برشته گور آدم صفی را زیارت می‌کنند. درین کتاب از سرگذشت چند عاشق و معشوق سخن می‌رود: مهر با ماه، عندلیب با گل‌عذار، نیک اختر با زهره، مشتری با عذرا؛ و نام عیارانی هم برسم داستانهای قدیم در آن دیده می‌شود. مثل نسیم عیار و ظلمت عیار؛ و ضمناً در آن از پادشاهی بنام ابرفرنگی یاد می‌شود و قصه چنین پایان می‌یابد که خاورشاه پادشاهی بفرزندش مهر واگذار کرد و خود بعبادت مشغول گشت. نسخه‌ی ازین داستان در مجموعه شماره ۱۴۹۰ Suppl. کتابخانه ملی پاریس ملاحظه شد، نثری روان دارد و تاریخ تقریباً آن ۱۱۶۷ ه است و بعید نیست که اندکی پیش از آن تاریخ در سرزمین هند نگاشته شده باشد.

نوش آفرین‌نامه داستان نیست در شرح پادشاهی جهانگیر شاه که در نود سالگی بدعای یکی از پارسایان صاحب دختری شد بنام نوش آفرین گهرتاج و موضوع اصلی رمان ماجراهای شگفت‌انگیز این دختر و دلاوریهای او در

۱- نسخه آن در کتابخانه دیوان هند (ابتدیا آفیس) موجود است بشماره فهرست ۸۴۷ (ج)

۱ ص ۵۱۲).

۲- ایضاً ج ۱ ص ۵۲۱.

۳- در مجموعه شماره ۱۴۹۰ Suppl.

۴- و نیز بنگرید بترجمه تاریخ ادبیات فارسی هرمان اته ص ۲۱۹-۲۲۰ و فهرست بلوش

ج ۴ ص ۴۱-۴۲.

جهانست^۱. شاید قصه سلطان ابراهیم شاه پسر سلطان عادل شاه پادشاه ختن و داستان عشق او با نوش آفرین دختر جهانگیر شاه پادشاه دمشق با توجه بهمین قصه تحریر شده باشد. بعد از خواندن نسخه شماره Suppl.1126 کتابخانه ملی پاریس این حدس تأیید شد^۲.

در نسخه یاد شده کتابخانه ملی پاریس داستانهای کوتاه دیگری هم ملاحظه شد مانند داستان عشق هارون بدختری از خاندان برمکیان و تزویج او؛ داستان منصور پسر خالد جوهری و عشق وی بدختر جعفرالعباسی و رقابتی که درین مورد با حجام بهم رساند و جز آنها. حکایات این مجموعه همه منتخب و خوبند و انشاء آنها هم نسبتاً قدیم بنظر می آید و ببعضی قرائن ممکن است در حدود سده دهم بنگارش در آمده باشند.

قصه فیروزشاه داستانی مشروح و مطبوعست که ریشهیی کهن دارد و بهمت علی نوروزخان یا نوروزعلی بیگ شاملو برشته تحریر در آمد. وی در سده یازدهم در دستگاه پادشاهان تیموری هند بسر می برد^۳. درین داستان که نسخه آن بشماره Suppl.1520 در کتابخانه ملی پاریس مطالعه شد، آمده است که پادشاه بدخشان پسری بنام فیروزشاه داشت و پس از او صاحب دو پسر دیگر شد بنامهای نوروزشاه و بهرامشاه ولی پس از آن مادر فیروزشاه را رها کرد و او با پسرش از حرم پادشاهی بیرون رفت و نزدیک کاخ شاهی در محلی باعاشه پرداخت و پسرش علم دین و سلاحشوری آموخت و بزودی در هر دو فن استاد شد. درین میان پادشاه بدخشان بیمار گردید و پزشکان در مداوایش عاجز ماندند تا آنکه پزشکی که از «شهر یونان» بیدخشان آمده بود دریافت که علاجش با «گل دیوکنده» است یعنی گلی که دیوش کنده باشد و چنان گلی

۱- فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس، بلوشه، ج ۴ ص ۴۲-۴۳.

۲- ایضاً همان جلد ص ۷۶-۸۰.

۳- درباره او بنگرید به صحف ابراهیم علی ابراهیم خان خلیل خطی؛ مخزن الغرائب احمدعلی

در قلمرو پادشاهیش یافته نمی‌شد. فیروزشاه ازین ماجرا خبر یافت و از مادر رخصت طلبید تا بجست و جوی آن گل برود. ازین پس سرگذشت فیروزشاه و عشق او با همایون دختر پادشاه فاریاب و جنگهایش با دیوان و بدست آوردن آن گل که یاد کرده‌ایم موضوع اصلی کتاب می‌گردد^۱.

چند قصه عاشقانه و قهرمانانه با اسم ملک محمد داریم که از آن جمله است: ملک محمد و شاه کشمیر و ملک محمد و گیتی افروز، و این داستان اخیر در یک مجموعه که در فهرست کتابخانه دیوان هند بشماره ۸۳۰ معرفی شده^۲، موجود است و بدینگونه شروع می‌شود: «چنین آورده‌اند که در زمان حضرت شیخ صنعان در طرف زمین مغرب شهری بود که آن را ابیض^۳ می‌گفتند...». نسخه دیگری از همین داستان در همان کتابخانه بشماره فهرست ۸۳۱ معرفی شده است^۴ و نسخه دیگر در کتابخانه ملی پاریس دیده شده^۵ با عنوان قصه ملک محمد. خلاصه داستان چنین است که آذرشاه پادشاه شهر ابیض شاهزاده‌یی «زلاله» نام را بزنی گرفت و ازو فرزندی نیاورد. پس بهدایت اخترشماران سمرخ دختر پادشاه مشرق را بزنی خواست تا بدعای شیخ صنعان (که درین داستان محل اقامتش بغداد است) ازو صاحب فرزند شد. ازینجا در پیچ و خم داستانگری نام ملک محمد وارد کتاب می‌شود و داستان آذرشاه با قصه او درمی‌آمیزد.

۱- نسخه‌یی از کتاب یاد شده در کتابخانه ملی پاریس بشماره (Suppl.1520) ملاحظه شد. بنگرند به فهرست آن کتابخانه ج ۴ ص ۶۲؛ و از آن نسخه جداگانه‌یی در کتابخانه دیوان هند، بشماره فهرست ۸۰۴ موجود است (فهرست، ج ۱ ص ۵۲۹) و نیز در مجموعه‌یی از آن کتابخانه بشماره فهرست ۸۰۳ که نخستین قصه مندرج در آنست.

۲- فهرست کتابخانه دیوان هند، انه، ج ۱ ص ۵۳۶.

۳- قابل مقایسه با بلدة الیضاء = Casablanca

۴- فهرست کتابخانه دیوان هند، ج ۱ ص ۵۳۶.

۵- فهرست بلوچه، ج ۴ ص ۸۲.

ازین دسته قصه‌هاست داستان ملک محمد و شهربانو^۱ که بفرمان شاه عالم بهادر (۱۱۱۹-۱۱۲۴ هـ) از اصل هندی بدست منشی غیوری بفارسی در آمده و اختصاصاً شعله آه نام یافته است.^۲

داستان مسعود شاه و گیتی آرا که یکی از نسخه‌های موجود آن^۳ در آخرهای سده یازدهم هجری تحریر شده، داستان نسبتاً مشروحیست از غصه فرزندجویی عزیزشاه پادشاه اصفهان. حدیث فرزند خواهی چنانکه می‌دانیم اساس بسیاری از داستانهای ایرانیست و درین مورد عزیزشاه پس از سالیان از یکی از بانوان حرم خویش بنام معصومه دارای پسری شد با اسم مسعود شاه و این پسر پس از رشد بادیدن تصویر شاهدختی زیبا بنام گیتی آرا عاشق او شد و برای وصال او خویشتن را بماجرایی درافگند.

نسخه مشروحتری از همین داستان مسعودشاه وجود دارد بنام قصة الجواهر و قصة محمد مسعودشاه پادشاه که در سده دوازدهم در هند نویسانده شده و دارای چند مینیاتور هندی نیز هست.^۴ درین روایت مشروح محمد مسعودشاه پسر عزیزشاه پادشاه اصفهانست که دلباخته «نیک اقبال» دختر فرخ فال وزیر، و نیز «گیتی آرا» گردید. درین نسخه نویسنده داستان را از زبان جوانی بنام سلطان علی که بخانه خود دعوتش کرده بود، روایت می‌کند. این داستان را نباید با داستان دیگری بنام حکایت شاهزاده ایران و جوهر اشتباه کرد. متن این داستان در مجموعه‌یی از افسانه‌ها، [که مصحح و ناشرش آن را «آورده‌اند که...» نامیده و بعد ازین بتفصیل معرفی خواهم کرد]، آمده است (از ص ۱۱۵ ببعد) و موضوع آن عشق شاهزاده ایرانست بکنیزکی

۱- ترجمه تاریخ ادبیات فارسی انه، ص ۲۲۰.

۲- نسخه‌یی از آن در کتابخانه دیوان هند موجودست. بشماره فهرست ۸۴۸ (ج ۱ ص

۳- فهرست بلوش، ج ۴ ص ۶۱-۶۵ بشماره Suppl.931

۴- ضمیمه فهرست ریو، ص ۲۴۳.

جوهر نام که بخوایش دیده و دلباخته وی شده بود. آن کنیزک دختر قیصر روم بود که اسلام آورده و از دیار خود گریخته و خواجه‌یی از شهر فارقلیا او را نزد خود نگاه داشته و پیداشاهزاده ایران فروخته و هموزنش گوهر ستانده بود. داستان سر دراز دارد و بخواندن می‌ارزد. نثرش روان و همراه با واژه‌هایی است که گاه کهنه بنظر می‌آید، و معلومست که تحریری تازه از داستانی نسبتاً کهنه است.

و باز این قصه غیر از قصه دیگریست بنام گیتی‌آرا که نسخه آن بشماره فهرست ۸۳۲ در کتابخانه دیوان هند موجودست^۱ و چنین آغاز می‌شود: «راویان اخبار و ناقلان آثار چنین روایت می‌فرمایند که در ولایت چین پادشاهی بود عالی‌جاه انجم سپاه و پسری داشت بحسن و کمال آراسته... الخ».

کتاب گل و هرمز افسانه‌یست آمیخته از ماجراهای قهرمانی و عشقی. درین کتاب ضمن بیان جهانگشاییهای هرمز از عشق او بشاهزاده خانم «گل» سخن می‌رود و مؤلف می‌گوید که ابراهیم شاه پادشاه استانبول تا هفتاد سالگی پسری نداشت تا جانشین او شود و چون اخترشماران او را بفرزند نوید ندادند همه را ببند افکند و در دژی بازداشت تا آنکه درویشی او را علاج کرد و بدو یشارت داد که صاحب پسری جهانگشا خواهد گشت. پس او دختر وزیر خود را بزنی گرفت و ازو هرمزشاه بزاد و چون سالی چند برآمد بجنگ پادشاه مصر و مغرب و قبایل فرنگ رفت و...^۲

قصه گل و صنوبر یا قصه گل با صنوبر با سرگذشت «سمن‌شاه» از دیار خاور آغاز می‌شود و از آن نسخه‌های مشروح و مختصر وجود دارد چنانکه نسخه مندرج در یک مجموعه از کتابخانه موزه بریتانیا بشماره^۳ Egerton 1018

۱- فهرست آن کتابخانه، ج ۱ ص ۵۳۶.

۲- نسخه‌یی ازین داستان در مجموعه^۳ Suppl.1931 کتابخانه ملی پاریس مندرجست.

بنگرید بفرست آن کتابخانه، ج ۱، ص ۷۹.

۳- ج ۱۲ ص ۷۶۴.

کوتاه و نسخه موجود در کتابخانه دیوان هند^۱ بشماره فهرست ۸۱۹ مشروحترست. ترجمه هندوستانی این داستان را هدایت علی اسلام آبادی در ۱۸۴۷ در کلکته چاپ کرد و همین داستان بدست گارسن دو تاسی^۲ بفرانسوی ترجمه شد و بسال ۱۸۶۲ در جلد هفتم مجله شرقی و امریکایی^۳ منتشر گردید. ترجمه دیگری هم از آن بهندوستانی شد و نیز بهندوستانی منظوم گردید. از آن نسخه‌هایی دیگر بغیر از آنچه پیش ازین گفتم با بعضی تفاوتها وجود دارد. مؤلف فهرست کتابخانه عمومی پنجاب لاهور این داستان را نوشته اندرجیت دهیر از صاحب قلمان آغاز سده دوازدهم هجری در هند دانسته و موضوع آن را مأخوذ از اصل هندی شمرده است.^۴

قصه طالب پادشاهزاده و مطلوب حکایتی است از عشق طالب شاهزاده یمن بمطلوب دختر پادشاه بدخشان.^۵

قصه ارشد و رشید در بیان سرگذشت ارشد و رشید و اشرف پادشاهزادگان چین و فیروز وزیرزاده است. پادشاه چین فرزندی نداشت تا آنکه میوهی بسه تن از زنان خود داد و از آنان سه فرزند زاده شدند...^۶

قصه‌های عاشقانه دیگری را درینجا فهرستوار نام می‌برم که نسخ آنها بتفاریق در کتابخانه‌های هند و ایران و فرنگستان یافته می‌شود مانند قصه بهرام گور و بانوی حسن- قصه شاهزاده جوانبخت- قصه خاقان شاه- قصه حسن آرا- قصه ملک علی پسر شاه بخارا و مهربانو دختر خوارزمشاه- قصه بهروز بازرگان و دختر شاه کشمیر- قصه فرخ‌شاه امیرختا- قصه مظفرشاه پادشاه چین و شاهزاده ملک

۱- فهرست آن کتابخانه ج ۱ س ۵۳۲.

۲- Garcin De Tassy خاورشناس فرانسوی.

۳- Revue Orientale et Americaine, tome VII, 1862 pp. 69- 130.

۴- لاهور، پنجاب پابلیک لایبرری، ۱۸۷۳، ۱۹.

۵- فهرست بلوشه، ج ۴ ص ۱۸.

۶- ایضاً ص ۱۸.

جمشید و ماه - قصه شاه‌همایون فال و دل‌آرام - قصه آزادسرو شاه مرو^۱ و پسرش شاهزاده ملک احمد^۲ - داستان عشق بهرام گور بدختر شاه‌پریان و جز آنها^۳.

داستانهای متنوعی داریم که اگرچه بنحوی با حوادث عشقی در آمیخته‌اند اما بعضی حکایت از تردستی و طراری و عیاری می‌کنند و برخی حاوی پرسشهایی بشکل چیستان و معما و پاسخهای آنها هستند، و دسته‌بی دیگری تاحدی جنبه تعریفی دارند یا متضمن نصیحت‌های حکیمانه‌یی در هیأت قصه‌اند، و پاره‌یی بویژه این نوع اخیر که نوشته‌ام، تحریرهای جدیدی از داستانهای سابق مانند حکایات طوطی‌نامه و بختیارنامه و داستانهای بلند و کوتاه دیگر هستند، و از جمله آنهاست:

قصه ملکه روم که بجای پدر بر تخت سلطنت نشست و روزی سران قوم را گرد آورد و گفت با مردی همسری خواهد کرد و پادشاهی را بدو خواهد بخشید که بصد پرسش او پاسخ درست دهد، خواه از نسل شاهان باشد یا در زمره گدایان. این خبر بزودی در همه جا پراگند، و گروهی آمدند و جان بر سر مدعای خود گذاردند تا بعد از چهل سال فقیهی از ترکستان بنام عبدالعلیم (در بعضی از نسخه‌ها عبدالعلی) که ازین ماجرا آگهی یافته بود بجانب قسطنطنیه شتافت و پس از سفری چهل روزه بدانجا رسید و بهمه پرسشها پاسخ گفت و از ملکه مراد یافت. در کتابخانه ملی پاریس ازین داستان دو نسخه موجودست، یکی بشماره Suppl.909 و دیگری در مجموعه‌یی از داستانها بشماره Suppl.912 که هر دو در میانهای سده دوازدهم استنساخ شده‌اند^۴.

۱- تصادفی است شگفت‌انگیز در شباهت میان این اسم و نام آزادسرو راوی داستانهای

پنجم.

۲- باز هم شباهت تصادفی با اسم احمدین سهل مروزی که آزادسرو در خدمت او می‌بود.

۳- درباره این چند داستان که برشمرده‌ام بنگرید بفسرست کتابخانه دیوان هند، ج ۱

متونهای ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۴۲، ۵۴۳؛ و ترجمه تاریخ ادبیات فارسی هرمان انه ص ۲۲۰-۲۲۲.

۴- فهرست بلوشه، ج ۴ ص ۸۴ و ۸۷؛ ترجمه تاریخ ادبیات انه، ص ۲۲۲.

نظیر همین داستانست قصه دختر فغفور جین که پرسشهایی از عاشقان خود می‌کرد و هر که را که پاسخ نادرست می‌داد می‌کشت.^۱

درینجا قصه‌هایی را بنام: قصه دختر شاه یمن و وزیران او آصف و کامکار و آثار عصمت، و قصه فرخ‌شاه امیر شیراز و فرخزاد پسر وزیر، و قصه دزد و قاضی، و قصه تمیم انصاری می‌افزایم.^۲

در مجموعه‌یی از داستانها که با عنوان «آورده‌اند که...» چاپ شده و مصحح آن همه را از عهد صفوی دانسته^۳، چند داستان دیده می‌شود که غالباً تحریرهای نسبتاً تازه از متنهای کهن‌تری هستند و در بیشتر آنها عامل عشق، اگرچه وجود دارد، ولی محرک اصلی ماجراها نیست، مانند:

«حکایت خواجه بهاء‌الدین که سنائی وزیر ازو نزد پادشاه سعایت کرد و آخر او را کشتند». جریان قصه بعهد معتصم عباسی در بغداد ارتباط می‌یابد و خواجه بهاء‌الدین بازرگانی بود مورد لطف و محبت تام خلیفه و سنائی وزیر بر اثر عشقی که بزوجه او داشت او را نزد خلیفه متهم ساخت ولی زن که بزبور پارسایی آراسته بود خواجه سنائی را پیش خلیفه رسوا و بقتل محکوم ساخت و شوی خود را از مهلکه بیرون کشید.^۴

«حکایت میمرغ که خواست قضا و قدر را بگرداند و نتوانست»^۵ که نسخه‌های دیگر هم از آن دیده‌ام، بروایت «شیخ بزرگوار سلطان‌المحققین و

۱- نسخه‌های موجود در ایندیا آفیس بشماره فهرست ۱۲۳۹، و بودلیان؛ ترجمه تاریخ

ادبیات اته ص ۲۲۲.

۲- ترجمه تاریخ ادبیات اته ص ۲۲۱ و فهرست ایندیا آفیس، ج ۱ ص ۵۱۴ و ۵۱۵.

۳- این مجموعه را آقای دکتر ابوالفضل قاضی زیر عنوان «آورده‌اند که...» بسال ۲۵۳۵

شاهنشاهی (= ۱۳۵۵ شمسی) در شمار انتشارات دانشگاه ملی چاپ کرده‌اند. کیفیت نسخ داستانها و تاریخ و شرح آنها را در مقدمه مصحح بخوانید.

۴- مجموعه مذکور ص ۱-۱۲.

۵- ایضاً همان مجموعه ص ۱۳-۳۳.

قدوه المدققین حسن بصری» نسبت یافته که «از معتمدان سرور عالم و عالمیان محمد مصطفی صلی الله علیه و آله روایت کرده» است. موضوع اصلی این داستان آنست که قضای مبرم الهی را «بهیچ چیز دفع نمی توان کرد» اما سیمرغ در محضر سلیمان اظهار داشت که باین مطلب اعتقاد ندارد و خداوند برای شرمسار ساختن او مقدر ساخت که پسر ملک مشرق و دختر ملک مغرب را بیکدیگر برساند و باینکاح پسری ازیشان بوجود آورد و سرگذشت این پسر و دختر از همینجا آغاز می شود و تا پایان داستان ادامه می یابد، و سرانجام پسر و دختر مسلمان شدند و سلیمان باد را فرمان داد که شاهزاده را با دختر بمغرب برد و پادشاه مغرب دختر را با جهاز بسیار روانه مشرق کرد. از آن تاریخ سیمرغ از شرم در پس کوه قاف پنهان شد و دیگر کسی او را نخواهد دید.

«حکایت دورافتادن بهرام گور از لشکر و آمدن بدهی و دختر مهرجو را گرفتن»^۱ که روایت و تحریری نسبتاً جدید از ماجراهای مشهور بهرام گور ساسانیست که در ادب پهلوی و فارسی سابقه دارد. در این داستان بهرام گور که در لشکرگاه از لشکر خود جدا مانده بود بدیهی رسید و بدهقان آن دیه پناه برد لیکن مددی از او نیافت مگر آنکه وی را بخانه مهرجو که در کنار آن دیه بود راهنمایی کرد. مهرجو شرط میزبانی بجای آورد و بهرام بدختر او، مهرخواه، که ساقی مجلس شده بود دل باخت و فردا که لشکریان بر در سرای مهرجو جمع شدند بهرام را شناختند. مهرجو پاداش نیک یافت، مهرخواه همسر بهرام شد و خداوند آن دیه از مال و نعمت خود محروم و آواره گردید تا در تهی دستی مرد. همچنانکه گفتم این داستان تحریری نسبتاً جدید از یک متن کهن تر است که آثار کهنگی گاه گاه در ضمن واژه ها و ترکیبها ظاهر می گردد.

حکایت بهرام گور که درین مجموعه بعد از داستان مذکور آمده^۱ همان داستان بهرام و وزیر او راست روشن و چوپانست که در سیاستنامه^۲ خواجه نظام الملک^۳ می بینیم و حتی در عبارات چندان تغییری راه داده نشد مگر از طریق حذف و تلخیص و این تشابه دو متن حدس مرا که پیش ازین درباره کهن بودن داستانهای این مجموعه زده ام تأیید می کند.

«حکایت زن زرگر با فقیه و والی و شحنه و قاضی و محتسب و در صندوق کردن زن زرگر ایشان را» در این مجموعه^۴ هم ازین قبیل داستانهای کهنه است که با تغییراتی دوباره تحریر شده، و نیز بر این منوالست «حکایت جولاه و درودگر و حبلت درودگر با جولاه و حبلت جولاه با ملک عمان و سرگذشت ایشان»^۵ و «حکایت زن بنا و وزیران پادشاه کرمان و بم که چه کرده اند با آن زن بنا و ادب کردن زن بنا وزیران را»^۶.

از همین مجموعه حکایت شاهزاده ایران و جوهر^۷ را که یک داستان عشقی همراه با بعضی ماجراهای دیگرست که پیش ازین، معرفی کرده و گفتم که آثار قدمت از آن آشکارست.

داستان شاهنشاه و فخرالنساء دختر شاه یمن در این مجموعه با عنوانی دیگر آمده است یعنی «حکایت کل باغبان که بر دختر پادشاه یمن عاشق شده بود و در سفر او را یافت»^۸. این قصه کاملاً عشقی است با تحریری نسبتاً جدید، گویا

۱- ایضاً ص ۴۲-۴۷.

۲- سیاستنامه خواجه نظام الملک، تهران ۱۳۲۰ چاپ مرحوم عباس اقبال آشتیانی، ص ۲۳-

-۳۴

۳- ص ۴۸-۵۹.

۴- ایضاً ص ۶۰-۷۱.

۵- ایضاً ص ۷۵-۱۱۴.

۶- ایضاً ص ۱۱۵-۱۵۹.

۷- ایضاً ص ۱۶۰-۱۸۶.

از عهد صفوی؛ و بعد از آن داستان سیف‌الملوک است^۱ که آن هم در شمار داستانهای عاشقانه مذکور افتاده و نسخه‌های دیگر نیز از آن موجود است. در آخر مجموعه یاد شده تحریری از تحریرهای متعدد و متأخر بختیارنامه را می‌بینیم^۲ که پیش ازین بنام آن اشاره شده است^۳.

از میان مجموعه‌های حکایات دو مجموعه بنام جامع‌الحکایات داریم. پیداست که خواننده این عنوان را با عنوان کتاب عوفی با اسم جوامع‌الحکایات اشتباه نخواهد کرد. در یکی ازین دو جامع‌الحکایات که کوچکتر از جامع‌الحکایات دیگرست نامی از مؤلف یا گردآورنده قصه‌ها نیامده است. نسخه آن بشماره 941 Suppl. در کتابخانه ملی پاریس موجود و شامل قصه‌های زیرینست: داستان قباد و دلارام - داستان بزرجمهر و بخت‌جمال - سلیم واسطی و حجاج - سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال [که پیش ازین معرفی کرده‌ام] - سرگذشت مانی - مقتبساتی از کتاب بهار دانش - مقداری امثال و حکم که بنظم القیابی نقل شده است^۴.

اما جامع‌الحکایات ثانوی بواقع جامع حکایت‌های متعدد و شایسته نامی است که دارد و از آن چند نسخه موجود است، یکی در کتابخانه آستانه رضوی بشماره ۱۹۱ فهرست آن کتابخانه شامل چهل و شش داستان. مؤلف فهرست کتابخانه یاد شده آقای گلچین معانی معتقد است که شاید این مجموعه برای جلال‌الدین اکبر پادشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) در هندوستان گرد آمده باشد. نسخه آستانه رضوی در آغاز و انجام افتادگی دارد و علت نقص چند داستان در آن بهمین سبب است. نسخه دیگر ازین مجموعه در کتابخانه ملی پاریس بشماره 907 Suppl. موجود است^۵ و دو داستان بیشتر از نسخه آستانه رضوی

۱- ایضاً ص ۱۸۷-۲۳۶.

۲- ایضاً ص ۲۳۷ پیوسته.

۳- همین کتاب ج ۳ ص ۱۱۴۸ و ج ۴ ص ۴۷۰.

۴- فهرست بلوچه، ج ۴ ص ۸۸-۸۹.

۵- فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانه ملی پاریس، بلوچه، ج ۴ ص ۸۴-۸۵.

دارد (یعنی پنجاه حکایت) و کاملترین نسخه در کتابخانه دیوان هنداست بشماره فهرست ۷۹۷ که ۵۲ داستان را شاملست^۱. جامع این مجموعه بزرگ شیخ محمدعظیم نام داشته که بتصریح خود از مردم ولایت سند بوده است. نسخه کتابخانه ملی پاریس از روی نسخه دیگری استنساخ گردیده که بتاریخ شعبان سال ۱۰۲۵ تحریر شده بود و بعید نیست که آن همان تاریخ تألیف مجموعه مذکور بوده باشد و نسخه ایندیا آفیس هم تازه نیست و چنانکه از تاریخهای مرقوم در آخر بعضی از حکایات آن برمی آید در حدود سالهای ۱۰۲۸ تا ۱۰۴۶ استنساخ شده است. از داستانهایی که درین مجموعه بزرگ گردآمده هیچیک با دیگری ارتباط ندارد و قصه‌های پراکنده‌یی هستند که در کنار هم گذارده شده‌اند. شیخ محمدعظیم در مقدمه کوتاهی که بر مجموعه خود نوشته گوید که خواست داستانها و سرگذشتهای عجیبی را در این مجموعه فراهم آورد. اسم او فقط در آخر نسخه کتابخانه ملی پاریس ذکر شده و فهرست داستانها، چنانکه در مجموعه ایندیا آفیس که از همه کاملترست می‌بینیم چنین است: ۱- حکایت پادشاه که در تلاش مرد بی‌غم سعی کرد. ۲- حکایت شاهزاده که در حیات پدر سفر اختیار کرد. ۳- حکایت مردی منعم از شهر حلب. ۴- حکایت حجاج بن یوسف ثقفی [یا] حکایت مسعود دمشقی و حجاج. ۵- حکایت خشت‌زن شهر کازرون. ۶- حکایت ملک فارس عزالملک و پسر او مجدالملک. ۷- حکایت عزیز و زن. ۸- حکایت بازرگان که در کاروان سرای نیشاپور فرود آمده. ۹- حکایت هشام‌بن عبدالملک [که از ترجمه فارسی کتاب فتوح احمدبن اعثم کوفی برداشته شده]. ۱۰- حکایت هارون الرشید و جوان سگ پرست. ۱۱- حکایت شیخ صنعان و مریدان. ۱۲- حکایت شهر بی‌جانان [که در فهرست چنین است و در متن حکایت چهار مرد نام دارد]. ۱۳- حکایت پری و شاهزاده. ۱۴- حکایت شاهزاده جوان و جوانبخت. ۱۵- حکایت بهرام‌گور و کنیزک دلارام. ۱۶-

حکایت شاهزاده نوجوان و دختر شاه یمن. [در فهرست حکایت پادشاه ولایت
خطا]. ۱۷- حکایت دختر شاه کشمیر و شاهزاده قنوج. ۱۸- حکایت
رفسوان شاه و پری و چشمه و آهو. ۱۹- حکایت هارون الرشید و اسحق
موصلی. ۲۰- حکایت آن شاهزاده که مادر و پدر بفروخت و با دختر ملک
چین مناظره کرد. ۲۱- حکایت پادشاه شمشیربند. ۲۲- حکایت مرد و زن.
۲۳- حکایت مرد و زن جمیل. ۲۴- حکایت مرد مطرب و زن صاحب جمال.
۲۵- حکایت ابوبکر ربانی. ۲۶- حکایت پادشاه و دختر سپهسالار. ۲۷-
حکایت مرد بنا و مهندسی و زن مستوره. ۲۸- حکایت آن پادشاه که در
خواب بر دختری عاشق شد که سه خال بر روی داشت. ۲۹- حکایت خالد
جوهری و پسرش منصور و یوسف حجام. ۳۰- حکایت آن پادشاه که زن
پریزاد خواست و قصه مار سیاه و سفید. ۳۱- داستان سعد و سعید و شمعون
جهود و مرغ سعادت. ۳۲- حکایت پادشاه دربابار و صد پسر. ۳۳- داستان
شاهزاده و حصیرباف. ۳۴- داستان ماهی گیر و پسر. ۳۵- حکایت پادشاه
شهر بغداد. ۳۶- داستان بازرگان بصره [این داستان و هشت داستان که بعد
از آن نقل شده در موضوع با بختیارنامه مشابهت دارد]. ۳۷- حکایت پادشاه
بخلب. ۳۸- داستان مرد صابر. ۳۹- حکایت پادشاه یمن. ۴۰- حکایت
پادشاه بلاد طبرستان. ۴۱- حکایت پادشاه حبشه. ۴۲- حکایت مرد
جوهرشناس بغداد. ۴۳- حکایت ابوتمام. ۴۴- حکایت پادشاه حجاز. ۴۵-
حکایت منصور دمشقی و گنج یافتن. ۴۶- حکایت پادشاه و پسر عاقل.
۴۷- حکایت قاضی که از خرمن گل بزیر افتاد. ۴۸- حکایت خشت زن و
خلیفه بغداد. ۴۹- حکایت مرد بطلال در شهر کوفه. ۵۰- حکایت مردی در
عهد عضدالدوله در شهر بغداد. ۵۱- یک حکایت بی عنوان که متن آن در
بعضی قسمتها محو شده مربوط بواقعیبی در عهد خلافت علی (ع). ۵۲-
حکایت تاجر مصری.

ازین مجموعه ذیقیمت نسخه های کامل و ناقص دیگر هم وجود دارد

مثل نسخه شماره فهرست ۷۹۸ کتابخانه دیوان هند (فهرست، ج ۱، س ۵۲۶) و در بعضی از نسخهها نام آن باشتباه «جامع الحکایات» نوشته شده و چنانکه پیش ازین گفته‌ایم این نامگذاری نادرستست. نکته قابل ذکر درباره این مجموعه آنکه از بعض حکایتهای مندرج در آن با استقلال نسخه‌های جداگانه موجودست و بعضی را هم می‌توان در مجموعه‌های دیگر یافت. مثلاً حکایت شماره ۲۸ را در مجموعه «آورده‌اند که...» که پیش ازین معرفی شده است می‌توان یافت و نه داستان از شماره ۳۶ ببعدهمانند داستانهایست که در بختیارنامه آورده‌اند.

عین این وضع را در مجموعه بزرگ دیگری از قصص و حکایات می‌بینیم که نام عجیبی هم دارد و بعضی از داستانهای مندرج در آن همانست که در جامع الحکایات می‌بینیم. این مجموعه مقدمه و خاتمی برسم معمول ندارد و عنوانش که در آغاز کتاب ثبت شده افسانت‌الفرانب و مؤلف آن نیمنی رومی است. پیداست که نیمنی هاء آخر کلمه افسانه (= هاء حرکت یا بقول معاصران ما هاء غیر ملفوظ) را با هاء بدل از تاء مدور که در پایان بعضی از واژه‌های فارسی شده عربیست (مثل صفحه، دفعه و جز آنها) اشتباه کرده و آن تاء مدور تصویری خود را به تاء مدود بدل نموده و ازین راه واژه «افسانت»، و با آن ترکیب عجیب یاد شده را، بر ساخته است. بهر حال درین مجموعه گاه همان داستانهای جامع الحکایات تکرار شده و از آن جمله است حکایتهای شماره ۲۱ و ۲۲ که با شماره ۱۵ و ۱۴ جامع الحکایات یکسانست. از بعض داستانهای آن نسخه‌های مستقل در دستست و بعضی قصه‌های آن از کتابهای مشهور پیشین برداشته شده. فهرست داستانهای این مجموعه چنین است: ۱- قصه اسکندر ذوالقرنین. ۲- قصه منظرشاه. ۳- حکایت برهمن ۴- حکایت پادشاه کشمیر ۵- حکایت دهقان فارس ۶- حکایت روباه گرسنه ۷- حکایت مرد مسافر ۸- حکایت دمنه ۹- قصه بوزینه ۱۰- حکایت سه جوان ۱۱- حکایت موش و گربه ۱۲- حکایت عادلخان ۱۳- حکایت پادشاه

سمرقند ۱۴- حکایت قاسم دیوانه ۱۵- حکایت گل ترک ۱۶- حکایت
عبدالله ۱۷- حکایت مرد پیر همیشه کش ۱۸- حکایت عظیم‌الملک ۱۹-
حکایت پادشاه بصره ۲۰- حکایت رئیس موصل ۲۱- قصه حجاج ۲۲-
حکایت شهزاده بهرام و گل اندام ۲۳- حکایت مرد نیشابوری در بلاد عراق
۲۴- حکایت خاورشاه پادشاه. شرح این مجموعه در فهرست کتابخانه دیوان
هند ذیل شماره ۷۹۹ ملاحظه می‌شود.^۱

مجموعه دیگری بشماره فهرست ۸۰۳ در کتابخانه یاد شده موجود است^۲
حاوی سه داستان مشهور که نخستین آنها قصه فیروز شاه پسر پادشاه بدخشان
است که از آن نسخه‌های مستقل در دست است و پیش ازین بدان اشاره کرده‌ام.
دوم قصه حسن آرا و سوم قصه مدهمالت (= مدهومالت) که درباره آن سخن
خواهم گفت..

از مجموعه‌های قابل ذکر دیگر نحفة الحکایات است که در
فهرست کتابخانه دیوان هند بشماره ۸۲۷ معرفی شده^۳ و مجموعه بیست از هفت
حکایت تألیف برهمن حصارى در سال ۱۱۲۳ بعهد پادشاهی شاه‌عالم بهادرشاه
(۱۱۱۹-۱۱۲۴ هـ) در شاهجهان آباد.

یکی دیگر از اینگونه مجموعه قصصها که در عهد صفوی فراهم آمده و
نسخه‌ی از آن بشماره Or.237 در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است،
آنست که محمد کاظم بن میرک حسین مظفری سجاوندی متخلص به حبیبی گرد
آورده است. حبیبی در مقدمه کوتاهی که بر این مجموعه نوشته گفته است که این
«حکایات عجیب و غریب» را در هفتاد سالگی فراهم آورده و آنها را که در
مجالس بزرگان شنیده بانشاء صحیح و فصیح تحریر نموده است. پس این
افسانها از جمله قصصهای رایج زمان بود که بنا بر رسم قدیم تحریر ادبی یافته

۱- بنگرید به فهرست کتابخانه دیوان هند، تألیف هرمان انه، ج ۱، ص ۵۲۷.

۲- ایضاً ص ۵۲۸-۵۲۹.

۳- ایضاً ص ۵۳۵.

است و بیشتر آنها را در مجموعه‌های دیگر و یا در نسخه‌های جداگانه نیز می‌بینیم. از جمله این قصه‌هاست دقیانوس و اصحاب کهف - منصور جوهری و یوسف سلمانی - مهر و ماه - سعد بن مسعود گوهر فروش اصفهان - قصه عرب و همسرش عوریه و برادرش - داستان شاهزاده و والدینش و دختر پادشاه چین - قصه سلیمان و سیمرغ - سلیم جوهری و حجاج بن یوسف - هارون الرشید و فضل بن ربیع و ابوالقاسم بصری و جز آنها...^۱

این معنی پیش گفته را درینجا تکرار می‌کنم که هندوستان، در عهد مورد مطالعه ما، بازاری گرم برای رواج داستانهای فارسی بود، خواه داستانهای اصیل ایرانی که بدفعات استنساخ می‌شد، و خواه داستانهایی که از اصل هندی بفارسی در می‌آمد، و خواه آنها که صاحب قلمان ایرانی بتشویق پادشاهان کل و جزو هندوستان برشته تحریر می‌کشیدند و از آنهاست:

قصه بکاولی^۲، سرگذشت شاهزاده تاج الملوک و گل که شیخ عزت‌الله بنگالی از هندی به فارسی ترجمه کرد و کار خود را پیرامون سال ۱۱۳۴ هـ بخواش دوستش محمد نام آغازید و اندکی بعد، پس از مرگ آن دوست و باصرار یاران، در ذی‌الحجه همان سال پایان برد. این قصه را «گل بکاولی» و «تحفه مجلس سلاطین» نیز نامیده‌اند و مؤلفش را بجای عزت‌الله بنگالی عنایت‌الله بنگالی هم نوشته‌اند. داستان بکاولی با عنوان «مذهب عشق» بدست نیهال چند^۳ به هندوستانی ترجمه شد و بچاپ رسید، ترجمه‌هایی هم از آن بفرانسوی و بانگلیسی کرده‌اند. تحریر دیگر هندوستانی آن گلزار نسیم است بشعر که بسال ۱۲۵۴ بوسیله شاعری «نسیم» تخلص سروده شد.^۴

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر بنگرید بفرست ریو، ص ۷۵۹-۷۶۰. و ضمناً خواننده بداند که عنوانهای مذکور در متن برای قصه‌های این مجموعه اصلی نیستند.

۲- Bakawali

۳- Nihal Cand

۴- بنگرید بفرست بلوشه، ج ۴، ص ۷۳-۷۴؛ ترجمه تاریخ ادبیات هرمان انه ص ۲۲۱؛ فهرست کتابخانه دیوان هند، هرمان انه، ج ۱، ص ۵۳۵.

سنگهاسن بتیسی^۱ مجموعه‌ییست از داستانها درباره سرگذشت «رای ویکراما دی تی»^۲ و چنین شروع می‌شود که پارواتی^۳ از مهادوا^۴ خواست تا سرگذشت رایان ایام گذشته را برایش حکایت کند و او چنین کرد. در مقدمه آمده است که این مجموعه اصلاً از زبان سانسکریت بزبان هندوستانی درآمد و سپس از هندی بدست دو گزارشگر بفارسی ترجمه شد، نخست در عهد اکبرپادشاه بدست چتوربهوج^۵ و دوم در دوران پادشاهی جهانگیر بدست بهاریمل^۶ ولی در دوره شاهجهان هندوی دیگری بنام بیس برای^۷ از اهالی قنوج که کار دو مترجم یاد شده را ناقص یافت در آن اصلاحاتی کرد و کتابی تازه ترتیب داد و نام «سنگهاسن بتیسی» را بر آن نهاد. پیش ازینها از همین کتاب در عهد اکبرپادشاه و بامر او ترجمه فارسی دیگری بوسیله عبدالقادر بداونی و یک برهن که او را همراهی می‌کرد بسال ۹۸۲ انجام گرفت بنام خرد افزا. عبدالقادر در سال ۱۰۰۳ تحریر دیگری ازین داستان ترتیب داد که در جلد اول منتخب‌التواریخ از آن نام برده است. ترجمه‌ها و تحریرهای دیگری هم ازین مجموعه داستانها ترتیب یافته که ریو از آنها ذیل اسم سنگهاسن بتیسی نام برده است و یکی از آنها موسومست به کشن بلاس^۸ که بامر امیرالامرا جارالله در عهد پادشاهی اورنگ زیب بدست کشنداس باسدیو^۹ لاهوری انجام یافت^{۱۰}.

۱- Singhasen Battisi

۲- Radja Vikramaditya

۳- Parvati

۴- Mahadeva

۵- Tchaturbhouj

۶- Bharimal

۷- Bisbarai

۸- Kishenbalas

۹- Kishandas Basdev

۱۰- بنگرید به فهرست ریو، ص ۷۶۳؛ فهرست بلوش، ج ۱، ص ۷۰؛ ترجمه تاریخ ادبیات

فارسی، هرمان اته ص ۲۷۷-۲۷۸.

قصه کامروپ^۱ و کام لتا^۲ از داستانهای عاشقانه و قهرمانی هند است که بنثر و نظم هر دو در دستست^۳. موضوع آن شرح دلدادگی کامروپ پسر راج پتی^۴ پادشاه اود با کام لتا دختر پادشاه سراندیب است. کام روپ در سانسکریت بمعنی زیبا و کام لتا بمعنی رعنای عشق انگیزست. این داستان ترجمه بیست بنثر از اصل هندی [تألیف تحسین الدین] که بدست میرمحمد کاظم حسینی متخلص به کریم^۵ یکی از شاعران دربار عبدالله قطب شاه (۱۰۳۵-۱۰۸۳ هـ) در گلکنده انجام شده است. نسخه‌یی از این داستان در کتابخانه ملی پاریس دیده شد، نثری خوش و روان دارد. درین داستان نخست شرح سلطنت پادشاه شهر اود آمده که فرزندى نداشت «تا آنکه وقتی یکی از درویشان حق پرست را، که آینه دل از نقش ماسوی الله پرداخته و زر وجود خویش در بوته مجاهدت و ریاضت تمام عیار ساخته، بآیین آزادگان و بخردمنشان بسیاحت و جهانگردی تماشای انجمن عالم و عزت درگاه هستی می نمود، و کیانی چارج نام داشت، بدان شهر عشرت بهر گذر افتاد. راجه از قدوم او آگهی یافته بصدق نیت و صفای طوبیت آهنگ خدمتش نمود و بصحبت آن آزاده مرد حق آگاه رسید. پس از تقدیم لوازم خضوع و نیازمندی درددل

۱- Kamaroupa

۲- Kamalata

۳- درباره قصه کامروپ و کام لتا بنگرید به:

ترجمه تاریخ ادبیات فارسی هرمان اته، ص ۹۱-۹۳.

فهرست بلوشه، ج ۳ ص ۳۹۷-۳۹۸ و ج ۴ ص ۶۳-۶۴.

فهرست ریو، ج ۲ ص ۶۹۷ و ۷۶۳-۷۶۴ و ج ۲ ص ۸۰۳ و نیز ج ۲ ص

۰۷۱۱

فهرست کتابخانه دیوان هند ج ۱ ص ۵۳۳ شماره فهرست ۰۸۲۱.

۴- این نام در منظومه‌یی که ازین داستان تنظیم شده «راجپت» شده که طبعاً کوتاه شده

صورت اصلی آنست.

۵- درباره او بنگرید بفهرست ریو، ج ۰۲ ص ۶۸۳.

خویش و صورت آرزوی خاطر غم‌اندیش عرضه داشت...». داستان زادک و بالیدن و عشق ورزیدن کامروپ ازین پس آغاز می‌شود. این داستان بسبب شهرتی که یافت چندبار بشعر فارسی درآمد. نخستین نظم آن دستور همت نام دارد و ناظم آن محمدمراد کار خود را بتشویق همت‌خان از مقربان عالمگیر پادشاه (۱۰۶۹-۱۱۱۸ هـ) آغاز نمود و چهار سال بعد از مرگ او یعنی بسال ۱۰۹۲ بپایان برد و ازین راه منظومه‌یی عاشقانه ببحر هزج مسدس مقصور یا محذوف فراهم آورد. همت‌خان مذکور یکی از تحریرهای قصه کامروپ و کام‌لتا را نوشته و محمدمراد یاد شده را بنظم آن واداشته بود.

نظم دیگر قصه کامروپ و کام‌لتا بفارسی از شاعری هندوست بنام «تک چندچند» که آن را گلشن عشق نامید. دیگر نظم حاجی ربیع مغربی دهلوی متخلص به انجب است که خمسه و دیوان و نیز منظومه مه‌بهارانه ازوست و صد سال زیست و منظومه‌یی که ازین داستان ترتیب داد فلک اعظم نام دارد و آن را بسال ۱۱۵۷ هـ باتمام رسانید؛ و آخرین بار میرعلیشیر قانع تتوی شاعر و مورخ و تذکره‌نویس (م ۱۲۰۳ هـ) صاحب مقالات‌الشعرا در شرح حال شاعران پارسی‌گوی هند بنظم آن همت‌گماشت^۱، و فرانکلین^۲ ترجمه‌یی ازین کتاب بانگلیسی کرده است که بسال ۱۷۹۳ در لندن انتشار یافت. از تحریرها و نظمهای مختلف قصه کام‌روپ و کام‌لتا نسخه‌های متعدد در بیشتر کتابخانه‌های هند و اروپا موجودست و نسخه‌یی از آن بنام دستور همت که پیش ازین معرفی کرده‌ام بشماره Suppl. 929 در کتابخانه ملی پاریس ملاحظه شد و این همانست که در کتابخانه موزه بریتانیا بشماره Add, 19, 624 موجود است.

۱- درباره لو بنگرید بفرست ریو، ص ۷۱۱ و به تذکره روز روشن، تهران ۱۳۴۳، ص

۲- درباره لو بنگرید بتاریخ تذکره‌های فارسی، احمد گلچین معانی، ج ۲ ص ۲۸۳.

بیت‌های زیرین از نسخه کتابخانه ملی پاریس نقل می‌شود:

چنین کرد آن فسون پرداز استاد
 که شاهی بود دولت پرور هند
 سپه کش خصم سوزی تاجداری
 نشاط اندوز چون عید دل افروز
 ز عدلش مور با آن ناتوانی
 گرامی صورت معنی سرانجام
 زمهرش سیندها گنجینه راز
 ... درین رنگین سرای مهر پیوند
 نبستی نخل دولت بار امید
 بتان ناز پرور داشت بسیار
 ولیکن ابر نیسان کم اثر بود
 چمن آباد رنگ و بو نگشتی
 ز چندین شمع در کاشانه او
 ز بی مهری چرخ بیهده گرد
 تمنای پسر از حد فزون داشت
 دلش از خار خار غم بصد چاک
 ... طلب کردی بصد جا چون گدایان
 مگر صاحب دلی غیبی نیابت
 درین سودا چه شبها روز می‌کرد
 که تا قدسی سرشتی سر بسر نور
 زسوز عشق این افسانه بنیاد
 سریر آرای اود از کشور هند
 شهی دریا دلی گردون مداری
 طرب سامان تر از ایام نوروز
 زدی با پیل بانگ پهلوانی
 بهار کامرانی راجپت نام
 درش چون باب رحمت بر همه باز
 نبودش آرزویی غیر فرزند
 اثر در مه نکردی نور خورشید
 همه مشکوی شاهی را سزاوار
 صدف لب تشنه آب گهر بود
 صدف آبستن لؤلؤ نگشتی
 نشد روشن چراغ خانه او
 همیشه دست بر دل بود زین درد
 شکایتها ز چرخ واژگون داشت
 بحق روی نیازش بود بر خاک
 دعایی از لب حاجت روایان
 دعا را زنده سازد از اجابت
 هوس را مرغ دست آموز می‌کرد
 بشهرش گشت وارد از ره دور... الخ

۱- در موقعی که منظومه را برای مطالعه زبردست خود داشتم بیت‌های آن را بچهار هزار

نخمن زدم.

رنگین بهار داستانیست که از یک اصل کهن هندی بیارسی درآمده و نام قهرمانان آن نیز فارسی شده است. اقتباس کننده داستان رای کربادایال^۱ پسر رای منسارام^۲ ساکن سیالکوت است که کار خود را بسال ۱۱۵۵ هـ بانجام رسانید. موضوع رنگین بهار عشق شاهزاده بهرام با دختر داراب شاه است.^۳

قصه نوروزشاه چند داستانیست که نیکدخت برای او بتقلید از الف لیلة و لیلة در هفت شب پیایی روایت می کند. این کتاب را اودینچندکایتبه^۴ متخلص به عزیز بسال ۱۱۵۷ هـ نوشت.^۵

قصه هیرورانجهه داستانیست بنثر و نظم آمیخته که از اصل هندی بدست معسازام مذکور بسال ۱۱۵۷ بیارسی در آمد.

هنگامه عشق تألیف رای آنندرام است که نسخی از آن در کتابخانه عمومی پنجاب (لاهور) موجودست و آنندرام آن را بسال ۱۱۶۴ هـ بیارسی تحریر کرد. اصل آن از افسانههای هندیست و پیش از آنکه بنثر درآید دوبار بیظلم درآمده است، نخست بوسیله ملا عبدالشکور و بار دیگر بوسیله عاقل خان رازی.^۶

قصه مدهومالت^۷ (مدهمالت) داستانیست عاشقانه که گویا مأخوذ باشد از متن منظوم همین قصه که عاقل خان رازی بسال ۱۰۶۵ بنام مهر و ماه ساخته

۱ - Kirpadayal

۲ - Mansaram

۳ - فهرست نسخهای فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، چارلز ریو، ص ۷۷۰؛ ترجمه تاریخ

ادبیات فارسی، هرمان اته، ص ۲۲۰.

۴ - Uditchand Kayath

۵ - فهرست ریو، ص ۷۷۰.

۶ - میرعسکر خوانی مخاطب به عاقل خان (م ۱۱۰۸ هـ) از امرای مقرب عالمگیر اورنگ

زیب، دارای دیوان اشعار و چند مثنوی، و مؤلف ظفرنامه عالمگیری. درباره او بنگرید به آثار الامرا و ریاض الشعرا و فهرست ریو، ص ۶۹۹ و غیره.

۷ - Madhumalat

است^۱، و یا شاید از قصه منوهر و مدهومالت که روایتی است فارسی مأخوذ از یک منظومه هندی سروده شیخ منجهن^۲ بسال ۱۰۵۹ هـ اقتباس شده باشد. قصه میکا و منوهر داستان عشق میکاست به راجه منوهر^۳ که مادهوراس در سال ۱۰۹۸ بنثر فارسی آمیخته با نظم نوشته است و از آن نسخه‌هایی در دستست^۴.

گشایش نامه حاوی شش حکایتست با انشائی مزین که بدست خواجه راجکرن^۵ بسال ۱۱۰۰ تألیف شد^۶.

مهابهارت^۷ منظومه بزرگ حماسی هندی بزبان سانسکریت است که ضمناً بزرگترین اثر اساطیری و دارای جنبه بسیار مهم دینی و ادبی است. سراینده آن «ویاس» شاعر افسانمیی هند را دانستماند که بتصور هندوان چند هزار سال زیسته و کرامات بسیار داشته، در تألیف و تنظیم وداها کوشیده و علاوه بر مهابهارت منظومه‌های پوران را نیز بنظم در آورده است، ولی بنا بر تحقیقاتی که شده دوره نظم این منظومه بزرگ از چند قرن پیش از میلاد مسیح تا سده سوم میلادی بطول انجامیده و بنابراین اثر طبع چند گوینده است و مجموع اشعار آن از صد هزار بیت درمی‌گذرد. موضوع آن جنگ و ستیز دو شعبه از خاندان هستیناپورا^۸ است بنام کورو^۹ و پاندو^{۱۰} و آخر کار

۱- فهرست ریو، ص ۶۹۹.

۲- Manjhan

۳- فهرست ریو، ص ۷۰۰ و ۸۰۳.

۴- Raja Manuhar

۵- فهرست کتابخانه دیوان هند، ج ۱، ص ۵۳۴.

۶- Rajkarn

۷- فهرست ریو، ص ۷۶۷؛ و فهرست ایندیآفیس ج ۱ ص ۵۳۴.

۸- Mahabharata

۹- Hastina- Pura

۱۰- Kourava

۱۱- Pandava

بنابودی کوروها و چیرگی پاندوها و عروج دسته‌اخیر به سورگ^۱ یعنی بهشت ایندرا^۲ انجامید^۳.

در عهد پادشاهی جلال‌الدین اکبر، که از روشن‌دلان روزگار بود و می‌خواست بین رعایای هندو و مسلمان خود تقاربی از راه شناخت فرهنگی بوجود آورد، عده‌یی از آثار مهم هندوان بفارسی که زبان رسمی هند در آن روزگار بود ترجمه‌گردید. ترجمه‌مه‌بهارت نخستین قدمی بود که درین راه برداشته شد و بقول ابوالفضل علامی (م ۱۰۱۱ هـ) جلال‌الدین اکبر پادشاه (م ۱۰۱۴) پس از تحقیق و مطالعه در راه ایجاد هم‌اندیشگی هندوان و مسلمانان انتخاب این اثر عظیم را برای نقل پیارسی مقدم بر آثار دیگر دانست و بنا بر اشاره‌ عبدالقادر بدائونی در منتخب‌التواریخ فرمان ترجمه آن را بسال ۹۹۰ هـ صادر نمود و این کار را بر عهده‌ عبدالقادر بدائونی و نقیب‌خان بن عبداللطیف حسینی و محمدسلطان تھانیسری و ملانیری که هر چهار از ادیبان و شاعران و مورخان دربار او بودند گذارد، و آنان ضمن مشاوره با برهمنان بزرگ آن را تحت‌اللفظ پیارسی در آوردند و گویا ترجمه بخشی از آن تا ۹۹۲ و بخشی دیگر تا ۹۹۴ بدرازاکشید و بعد از آن فیضی فیاضی برادر ابوالفضل قسمتی از آن را با نثر فصیح تحریر نمود و این انشاء با اسم رزمنامه زیانزد گردید و سپس ابوالفضل علامی در سال ۹۹۵ مقدمه‌یی بر آن نگاشت و تحریر ادیبانه قسمتی دیگر برای داراشکوه (م ۱۰۶۹ هـ) پسر شاه‌جهان باقی ماند.^۴ در پایان یکی از نسخه‌های محفوظ در کتابخانه موزه بریتانیا بشماره Add. 5642 نقیب‌خان که خود را ابن

۱ - Svarga

۲ - Indra

۳ - این شرح مأخوذست از دائرة‌المعارف بزرگ لاروس.

۴ - درباره ترجمه فارسی مه‌بهارت رجوع کنید بتوضیحات ریو در فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا و توضیحات هرمان اته در فهرست کتابخانه دیوان هند و در ترجمه تاریخ ادبیات فارسی ص ۲۷۴ بعد و بمقدمه مه‌بهارت، نهران، تصحیح آقای دکتر جلالی نائینی

عبد اللطیف الحسینی معرفی می‌کند، مدعیست که این اثر را از سانسکریت بامر اکبر در یک سال و نیم به پارسی گرداند و آن را در شعبان سال ۹۹۲ هـ. پایان برد و پنج تن از برهمنان در این کار بدو یاری می‌کردند. پدر این نقیب خان، میر عبد اللطیف پسر میریحیی قزوینی بعلمت سنی‌گری از ایران بیرون رفت و بدربار همایون پادشاه (م ۹۶۳ هـ) پیوست و پس از او در دربار اکبر پذیرفته شد و پسرش میرغیاث‌الدین علی در خدمت آن پادشاه تقرب بسیار یافته بلقب «نقیب خان» مفتخر گردید (۹۸۸ هـ) و پس از اکبر در دربار جهانگیر پادشاه بسر می‌برد تا بسال ۱۰۲۳ در اجمیر در گذشت. نبای نقیب خان، یعنی میریحیی قزوینی مؤلف کتاب لب التواریخ است و درباره او گفتاری خواهیم داشت.

و اما «رامایانا» قدیمترین حماسه منظوم بزبان سانسکریت است که در ادبیات سانسکریت آدی کاویه یعنی نخستین منظومه خوانده می‌شود و موضوع آن ماجراهایی است که برای رامایا قهرمان این داستان رخ داده است. این کتاب همانقدر که جنبه حماسی و داستانی دارد بهمان اندازه از ارزش دینی در نزد هندوان برخوردار است. اصل سانسکریت آن دارای بیست و چهار هزار بیت است که بهفت دفتر تقسیم می‌شود و هر دفتر نامی خاص دارد. در متنهای موجود آن اختلافهاییست که بر رویهم بدو دسته متنهای شمالی و متنهای جنوبی منقسم می‌گردد. در زمان سروده شدن رامایانا اختلاف نظر است و محققان در پی جویی تاریخ آن تا پیرامون سده پنجم پیش از میلاد مسیح واپس رفته‌اند. ترجمه این منظومه عظیم در عهد جلال‌الدین اکبر پادشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) انجام گرفت. وی در سال ۹۹۵ بملا عبدالقادر بدائونی (م ۱۰۰۴ هـ) فرمان داد تا رزمنامه رامایانا را بفارسی درآورد و بدائونی، چنانکه خود در منتخب‌التواریخ گفته است، چهار سال در اجرای این دستور کار کرد و آن را در جمادی‌الاولی سال ۹۹۹ هـ. پایان رسانید. در دوران پادشاهی جهانگیر (۱۰۱۴-

(۱۰۳۷) ملامسیح پانی پتی آن را ببحر هزج مسدس مقصور در ۵۳۰۷ بیت بنظم در آورد و آن منظومه در هند بطبع رسیده است. بعد از اقدام ملامسیح چند نظم دیگر از رامایانا بهمان وزن ترتیب یافت.

ترجمه‌های منشور فارسی این شاهکار ادبیات هندی نیز متعددست و چنانکه دیدیم نخستین بار در عهد جلال‌الدین اکبر و بامر او و بدست ملا عبدالقادر بداوئی انجام گرفت و آن از رامایانا بروایت منظوم «والمیکی» شاعر سانسکریت زبانست بفارسی پاکیزه روان که از آن نسخه‌هایی در کتابخانه‌های دیوان هند، موزه بریتانیا، پنجاب لاهور وجود دارد. ترجمه دیگری هم از همین اثر والمیکی بنثر فارسی موجود است که در لکهنو بسال ۱۸۷۲ چاپ شده و ترجمه‌یست بنثر ساده و روان ولی نام گزارنده در این متن معلوم نیست.

روایت منظوم تول سی داس^۱ از رامایانا هم بدست دیبی داس کایتیه^۲ بنثر فارسی در آمد.

اما کامل‌ترین متن فارسی رامایانا از امرسینگ است که نسخه‌های متعدد آن را تلفیق نمود و آن را در هفت بخش که هر یک را «بیان» نام داده بسال ۱۱۱۷ هـ بانجام رسانید و این ترجمه در دو جلد بسال ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ هجری شمسی در تهران بطبع رسید. خلاصه‌ی از رامایانا بشعر فارسی داریم که گودهر داس^۳ در سال ۱۰۳۶ سرود^۴.

۱- Tulsi- Das

۲- Devi- Dasa Kayath

۳- Girdhar- Das

۴- برای کسب اطلاعات بیشتر درباره رامایانا و ترجمه‌های منظوم و منشور آن رجوع شود به فهرست به، ج ۱ ص ۵۵-۵۷؛ مقدمه کتاب رامایانا، ج ۱، تهران ۱۳۵۰ شمسی بقلم آقای دکتر عبدالودود اظهري دملوی.

مقصودم از «کتابهای قصص و حکایات» کتابهای قصص و حکایات یا چند محور داستانی یا اخلاقی یا تاریخی گرد آمده‌اند تا مقصود مؤلف را درباره‌ی مطلبی که در پیش داشت روشن سازند و در ضمن باو فرصت دهند تا اثر ادبی بدیع و تازه‌یی ایجاد کند. البته این نوع کتابهای قصص و حکایات در ادب فارسی تازگی ندارند، خواه مأخوذ از ادب هندی باشند (مثل کلیله و دمنه، و طوطی‌نامه) یا از عربی (مانند کتاب فرج بعد از شدت)؛ و خواه مؤلفان بصرافت طبع آنها را ابداع کرده باشند (مرزبان‌نامه، سیاست‌نامه، جوامع‌الحکایات، تحفة‌الملوک...). در این دوره دامنه‌ی تألیف کتاب بر این منوال توسعه یافت و عده‌یی از نویسندگان ایرانی و هندی در این امر شرکت جستند و اثرهای سودمندی ازین راه بوجود آوردند و پیداست که همگی آنان در کار خود از پیشینیان متأثر بوده‌اند.

عده‌یی از مؤلفان اینگونه کتابها در شمار نویسندگان عهد معرفی خواهند شد و درینجا با اثرهایشان اشاره‌یی مجمل خواهم کرد و بعضی دیگر را که بتجدید ذکر نمی‌ارزند در همین مقال با توضیح مشروحتری می‌شناسیم و می‌گذریم:

زینة‌المجالس از جمله مهم‌ترین اثرهاییست که درین عهد بشیوه جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات تألیف شده است. مؤلف کتاب سیدمجدالدین محمدبن ابی طالب حسینی متخلص به مجدی از معاصران شاه‌عباس است و زینة‌المجالس را بسال ۱۰۰۴ در نه جزو هر جزو را در ده فصل تألیف کرد. نام او و کتابش را باز هم خواهیم دید.

«سراج‌النمیر» و «خزان و بهار» محمدشریف کاشف (سده یازدهم هجری) هر دو مجموعه حکایاتی از همین سنخند و هر دو ارزش ادبی دارند. باز هم درباره‌ی آنها سخن خواهم گفت.

بهار دانش تألیف عنایت‌الله کنبو (سده یازدهم) و عیار دانش از ابوالفضل

علامی [تحریر تازه‌یی از کتاب کلیده و دمنه] در شمار همینگونه آثارند که بموقع معرفی خواهیم کرد.

اگرچه تألیف قصه چهار درویش را بامیر خسرو دهلوی (م ۷۲۵ هـ) نسبت می‌دهند ولی بعضی آن را اثر محمدعلی معصوم دانستماند و حاجی ربیع انجب که نامش را پیش ازین دیده‌ایم آن را بشعر درآورد^۱ و این قصه چند بار بشعر و نثر هندوستانی ترجمه شد^۲.

قصه‌یی دیگر نظیر چهار درویش بنام حکایت افشارخان و سه درویش است؛ و قصه دیگر قصه نوروزشاه است که در حقیقت تقلیدیست از هزار و یک شب و قصه‌هاییست که نیکدخت معشوقه یک سلطان هندی در هفت شب پیاپی برای او بیان کند و پیش ازین درباره آن سخن گفتم.

دیگر نوادرالحکایات است از عبدالنسی فخرالزمانی مؤلف کتاب مشهور میخانه که مجموعیست از داستانهای شگفت پیامبران و امامان و فرمانروایان و شاهزادگان که در ترجمه حال فخرالزمانی بدان اشاره خواهد شد.

کتاب شاهد صادق که از آن در آینده بتفصیل سخن خواهیم گفت تألیف میرزا محمدصادق صادقی اصفهانی شامل پنج باب و یک خاتمه دارای حکایات و نوادر اخلاقی و ادبی و جغرافیایی و تاریخی و یکی از کتابهای معتبر در ضبط تاریخ وقایع مهم و متوفیاتست بحدی که نمی‌توان آن را فقط بهمراه کتابهای قصص و حکایات آورد.

محبوبالقلوب اثر میرزا برخوردارخان بن محمود ترکمان از مؤلفان سده دوازدهم است که حاوی چند داستان بازمانده از حکایات کتابیست که او بنام محفل آرا تألیف کرده بود ولی در گیرودار حوادثی که بعد از آن بر او گذشته بود از میان رفت.

کتاب دبستان خرد بدست محمداسماعیل خان سامی ملقب به نعمانخان در

۱- روز روشن، ص ۸۷.

۲- ترجمه تاریخ ادبیات اته ص ۲۲۴.

سال ۱۱۳۵ بتقلید از گلستان سعدی نوشته شده و نظر بآنکه بشیوه آن استاد
مطلبهای اخلاقی و حکمی را همراه حکایات مطرح می‌کند می‌تواند در شمار
همین کتابهای قصص و حکایات ذکر شود.

و همچنین است کتاب نگارستان اثر کمال پاشا زاده یا «ابن کمال پاشا» که
چندین سال مقدم بر دبستان خرد، آن هم بتقلید از گلستان تألیف شده است.
ابن کمال پاشا تألیفات دیگری نیز دارد و درباره او بجای خود سخن
خواهم گفت. خواننده باید بداند که این نگارستان بجز از نگارستان قاضی احمد
غفاری و نیز بغیر از نگارستان معینی جوینی است که پیش ازین معرفی شده
است.

در کتاب معدن الجواهر ملا طرزی شاعر و نثرنویس و مؤلف سده یازدهم
هم حکایت‌هایی در هر باب بمناسبت نقل شده است. این کتاب و مؤلف آن را
در شمار نویسندگان و مؤلفان عهد معرفی خواهم کرد.

کتاب شکرستان را میرمحمد مؤمن عرشی بتقلید از گلستان نوشت و
نوادرا نقول را ابوالفتح بن مظفر بر منوال لطائف الطوائف فخرالدین علی صفی
ترتیب داد. هر یک ازین اثرهای متعدد را که بر شمرده‌ام بجای خود با
شرح کافی معرفی خواهم کرد.

تاریخ نویسی
کمتر دوره‌یی را توان یافت که در ادب فارسی مانند
این عهد بنوشتن کتاب در تاریخ توجه شده باشد.
شماره این گونه کتابها بسیار و در میان کتابهای تاریخ آنها که جنبه تفصیل داشته
باشند زیادست. در حقیقت باید گفت نهضت تاریخ نویسی عهد تیموری بویژه
آخرهای آن عهد در ایران، حرکت فزاینده خود را در عهد صفوی، چه در
ایران و چه در آسیای مرکزی و هند و روم از دست نداد؛ و حتی باید دانست
آنچه در هند، خواه در دربار تیموریان و خواه در دستگاه‌های متعدد سلاطین

دکن انجام گرفت بتنهایی قابل سنجش با همه کارهاییست که در قلمرو پادشاهان فرارود و دولت عثمانی و دولت صفوی انجام شد بلکه از آن حد نیز در گذشت، و این حکم چنانکه تاکنون چند بار دیده‌اید و خوب می‌دانید، منحصر بتاریخ نیست بلکه چند نوع دیگر از انواع ادبی فارسی را بنظم و نثر نیز شامل می‌شود.

تقریباً همه مؤلفان تواریخ عمومی این عهد کار مورخان عهد تیموری بویژه امیرخواندمحمد صاحب روضه‌الصفاء و غیاث‌الدین خواندمیر مؤلف حبیب‌السیر را سرمشق خود قرار می‌دادند و بعضی حتی ازین هم فراتر رفته سبک نویسندگی خواندمیر را، گاه با موفقیت، و غالباً با نقصها و نارساییها، دنبال می‌نمودند. پاره‌یی از مؤلفان در هند از شیوه ابوالفضل علامی، چه در تألیف و چه در نگارش فاضلانماش، پیروی نمودند.

درین میان طبعاً مؤلفان تواریخ سلسله‌های معین و محلی و دینی هم سبکها و شیوه‌هایی داشتند که با زمان تعلم و تألیفشان سازگار بود مثل حسن بیگ روملو صاحب احسن‌التواریخ و اسکندربیک منشی که سبک بینابین را می‌پسندیدند و میرزامهدی منشی که بیشتر بانشاء مزین و مصنوع توجه داشت و برخی دیگر که بنثر مرسل و سبکهای ساده متمایل بودند چنانکه هنگام شرح ویزگیهای هر یک ازین دسته کتابها خواهیم دید.

تاریخهای فارسی را که درین عهد تألیف شده برحسب موضوع می‌توان بدینگونه تقسیم کرد: (۱) تواریخ عمومی عالم. (۲) ایران پیش از اسلام، اسلام و ایران تا عهد صفوی. (۳) تاریخهای ویژه صفویان، افغانان و نادرشاه. (۴) تواریخ سلاطین هند. (۵) تاریخهای محلی. (۶) تاریخهای دینی. بدنبال این دسته از کتابها بدسته‌های دیگری که در تراجم احوال مشایخ صوفیه، حکیمان و وزیران و امیران و جز آنها نوشته شده ذیل عنوانهای مربوط اشاره خواهم کرد. درینجا یادآوری می‌شود که درین مبحث نام عده‌یی از نویسندگان و مؤلفان بمناسبت کتابهای تاریخشان بمیان می‌آید که حقاً باید ذیل عنوان

پارسی‌نویسان عهد درباره آنان سخن گفت و چنین نیز کرده‌ام مگر در مورد بعضی از مؤلفان که بدو باره گفتن حاجت نیفتاد.

پیش از شروع بمعرفی این دسته از کتابها که تاریخ عمومی عالم
 اساسی‌ترین تألیفات تاریخی این دوره‌اند، باید دانست که عالم در نظر مورخان عهد بیشتر عالم ایرانی و اسلامی با عالمیست که روایتهای ایرانی و اسلامی بدانها توجه دارد. مثلاً در این عالم یونان و روم و چین و ماچین و هند پیش از هجوم مسلمان و ماندگان آنها محلی چندان معتبر ندارند و شناختها درباره آنها بسیار محدود و گاه هیچست. معمولاً مورخان موضوع را از خلقت عالم، آنهم بروایتهای دینی که داشتند آغاز می‌کردند و سپس بنا بر حدیثها و خبرهایی که بدانان رسیده بود بموضوع خلقت آدم صلی‌الله و ذکر سرگذشت پیامبران (قصص انبیا) می‌پرداختند و آنگاه جداگانه تاریخ داستانی ایران را از گیومرث (بعنوان نخستین شاه نه نخستین نمونه بشر) آغاز می‌نمودند و تا پایان عهد ساسانی به پیش می‌آمدند و طبعاً سلسله روایات آنها درین زمینه بخداینامها و دیگر مأخذهای ایرانی منتهی می‌شد که در کتابهای مورخان اسلامی از طبری ببعده نقل شده و بویژه از شاهنامه استاد طوس متأثر بوده است. در بعضی از این کتابهای تاریخ عمومی جهان بیادشاهان کشورها و اقوام دیگری هم توجه می‌شد مثلاً به تبع یمن، بنی لحم، عمالقه، کلدانیان، بنی اسرائیل، حکمرانان روم و فرنگ و جز آنها، اما همه این اشارتها عادةً مجمل و دور از توضیحات کافی بود. بعد ازین مقدماتست که تاریخ اسلام با شرح زندگانی پیامبر آغاز می‌شود و به پیش می‌رود و بزودی با تاریخ سلسله‌های ایرانی که از عهد بنی‌العباس در ایران ظهور کردند درمی‌آمیزد و بجانب قرنهای متأخر سیر می‌نماید و اندک‌اندک باقتضای بانیان کار [یعنی آنانکه تاریخ برایشان یا به امرشان نگاشته می‌شد] شعب مختلفی پیدا می‌کند و بناحیتهای تازه‌یی از ایران و انیران کشانیده می‌شود. همانطور که پیش ازین گفته‌ام تاریخهای عمومی این عهد درحقیقت

دنباله‌هایست از تألیفات گرانبهای میرخواند و خواندمیر. این مؤلف بزرگ ثانوی قسمتی از دوران صفوی را درک کرد و چنانکه در بیان حالش گفته شد مدتی در هرات در ظل حمایت والیان دولت صفوی بسر برد و در سال ۹۳۴ هجری بقصد هند سفر کرد و در سال ۹۳۵ بخدمت بابر رسید و بعد از خدمت همایون پادشاه را اختیار کرد و بسال ۹۴۲ بدرود حیات گفت و چون ذکر او پیش ازین گذشت^۱ خواننده فهرست آثارش را ملاحظه خواهد کرد^۲.

اندکی بعد از خواندمیر و کتاب مشروحش در تاریخ عمومی، کتابی در همین زمینه داریم بنام: تاریخ همایونی و معروف به تاریخ ابراهیمی از آغاز خلقت تا سال ۹۵۶ هـ و بنا بر بعضی از نسخه‌های آن تا سال ۹۵۷ هـ، که بنام ناصرالدین همایون پادشاه (۹۳۷-۹۶۳ هـ) تألیف شده است. اسم مؤلف آن باختلاف ابراهیم و محمد ذکر شده و نظر بآنکه کتاب بنام تاریخ ابراهیمی شهرت دارد باید وجه نخستین درست‌تر باشد. مؤلف مطالب خود را باختصار نسبی بیان کرده و علاوه بر تاریخ پیامبران و خاندان رسالت و خلفای راشدین بذکر سلسله‌های ایرانی تا سلسله‌های چنگیزی و تیموری پرداخته و از تیموریان تا ظهیرالدین بابر و ناصرالدین همایون رسیده و باتوجه بعهد هر یک از سلسله‌ها از بزرگان علم و ادب و عرفان نیز نام برده است. همچنانکه گفتم

۱- همین کتاب، ج ۴، ص ۵۴۱-۵۴۵.

۲- درباره او بجز مراجعی که پیش ازین یاد شده باز هم رجوع شود به:

• تاریخ تذکره‌های فارسی، آقای گلچین معانی، ج ۲ ص ۵۸۸-۵۹۰ و ص ۶۰۲.

• مقدمه قانون همایونی بانگلیسی بقلم محمد هدایت حسین چاپ جمعیت آسیایی بنگال در

۱۳۱۹ هـ.

• مقدمه یک فصل از خلاصه‌الخبار مربوط بذکر دارالسلطنه هرات و تراجم نود و هشت تن

از مشایخ و سادات و عالمان و شاعران و خوشنویسان عهد سلطان‌حسین بایقرا، از مرحوم سرورگویا

احتمادی، کابل ۱۳۱۹.

• مقاله «خواندمیر مورخ هروی» از مرحوم عبدالحمی حبیبی در مجله آریانا، شماره ۷ و ۸

از دوره بیست و چهارم، سال ۱۳۴۵ شمسی.

این کتاب در کمال اختصار تألیف شده است، چنانکه شرح هر سلسله‌ای از چند صحیفه معدود در نمی‌گذرد و در آنها بذکر واقعه‌ها و حادثه‌های مهم اکتفا شده است.^۱

مقارن تألیف کتابهای یاد شده کتابی دیگر در فرارود تألیف شده است بنام تاریخ ابوالخیرخانی، در تاریخ عمومی از خلقت تا سده دهم هجری، تألیف مسعودی بن عثمان کوهستانی، و بنام ابوالغازی سلطان عبداللطیف بهادرخان. وی برادر عبدالله‌خان پادشاه مقتدر اوزبک است که بعد از برادر از سال ۹۴۷ پادشاهی آغاز کرد و بسال ۹۵۹ درگذشت. کتاب بنام بنیان‌گذار سلسله شاهان اوزبک ابوالخیرخان نامگذاری شده و طبعاً نظر اصلی در تألیف آن بیان تاریخ سلاطین اوزبک بوده است. نثرش مزین و آمیخته با نظمست، و مطلبهای آن با داستان خلقت عالم و تاریخ پیامبران آغاز شده و بعد از آن مؤلف پرداخته است بیان سرگذشت: خلفای راشدین، ائمه اثنی‌عشر، بنی‌امیه، بنی‌عباس، شاهان ایران از گیومرث تا یزدگرد (از شاهنامه)، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، چنگیزخان و جانشینانش تا بسلاطنت تیمور قآن در سال ۶۹۴ هـ، هلاکوخان و جانشینانش، جلایریان و گفتار در انجام کار سلطان احمد جلایر و کشته شدنش بدست فرایوسف ترکمان، سرگذشت ابوالخیرخان و سلسله اوزبکان فرارود (ماوراءالنهر) بتفصیل زیاد. این تاریخ از باب شناخت اوزبکان و اعمال آنان و روابط خصمانه‌یی که در عهد صفویه با ایران داشته‌اند قابل توجهست.^۲

۱- درباره این کتاب بنگرید به:

• فهرست کتابخانه دیوان هند، اته، ج ۱، ص ۳۳ و ۳۴.

• فهرست کتابخانه ملی پاریس، بلوشه، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۹.

• فهرست ریو، ج ۳، ص ۱۰۱۳.

• تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، ص ۴۹۴-۴۹۶.

۲- بنگرید به فهرست نسخه‌های فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، چارلز ریو، ج ۱، ص

نگارستان تألیف قاضی احمد غفاری (م ۱۷۵ هـ) که مجموعیست از داستانها و روایتها و منقولات جالب که از کتابهای تاریخ فراهم آمده، و کتاب مشهور «نسخ جهان آرا» که تاریخی است عمومی و مشروح و بسیار قابل توجه از خلقت تا سال ۹۷۲ هـ در دو در اینجا قابل ذکرند ولی درباره آنها و قاضی احمد در جزو مؤلفان و پارسی‌نویسان عهد سخن گفته خواهد شد.

تاریخ ابلجی نظام شاهی تاریخی است عمومی از ابتدای آفرینش تا سال ۹۷۰ هجری تألیف خورشاه بن قبادالحسینی (م ۹۷۲ هـ) که مؤلف در تدوین آن از کتابهای معتبر پیشین استفاده کرده است. درباره وی نیز بعد ازین سخن خواهیم گفت.

مرآت‌الادوار و مرقات‌الآخبار تاریخ عمومی از خلقت آدمست تا سال ۹۷۴ هـ تألیف محمد مصلح‌الدین لاری انصاری که بسال ۹۷۹ در شهر آمد در گذشت. قسمت اخیر این کتاب در شرح تاریخ آل عثمانست از آغاز تا سلطنت سلطان سلیم (۹۱۸-۹۲۶ هـ). مصلح‌الدین لاری که نامش پیش ازین آمده، اثرهای دیگری داشت که بعد ازین ضمن بیان حالش بدانها اشاره خواهد شد.

تاریخ الفی نوعی خاص ازین کتابهاست در تاریخ عمومی مشرق از نخستین سال بعد از رحلت پیغامبر تا سال هزار هـ. تألیف آن بسال ۹۹۳ بامر جلال‌الدین اکبر پادشاه آغاز شد و بسال ۱۰۰۰ (= الف) آخرین بازبینی آن انجام گرفت و بهمین سبب به «الفی» معروف شد. مقدمه کتاب بقلم ابوالفضل علامی است و از اولین مؤلفان آن نقیب‌خان (از مترجمان مهابهارت) است که حوادث سی و پنج سال نخستین را با همکاری چندتن دیگر از مؤلفان و از آنجمله ملا عبدالقادر بداوتی در مدتی کوتاه نوشت و بعد از آن ملا احمد بن نصرالله تنوی مأمور تدوین آن گردید و چون بزرگترین قسمت کتاب زیر دست او تنظیم شد او را معمولاً مؤلف آن می‌دانند. وی بشهر تته نسبت دارد، و پدرش نصرالله قاضی آن دیار بود، احمد در بیست و دو سالگی بایران رفت و

بتحصیل پزشکی و دانشهای شرعی در مشهد و یزد و شیراز و قزوین پرداخت و درین شهر اخیر چند گاهی بدربار شاه نهماسب صفوی تعلق داشت و بعد از مرگ آن پادشاه (۹۸۴ هـ) بزیارت کعبه رفت و در بازگشت بهند چند گاهی نزد قطبشاهیان گلکنده گذراند تا آنکه بسال ۹۸۹ بدربار جلالالدین اکبر رفت و بگرمی پذیرفته شد و اتمام کتاب تاریخ الفی برعهده او نهاده شد لیکن کشته شدنش بسال ۹۹۶ کار را اندکی معوق نهاد تا آنکه میرزا قوامالدین جعفر بیگ مخاطب به آصف خان مأمور پی گیری کار ملاحمد تتوی شد و بعد از اتمام کتاب، نقیب خان و او ببازبینی و تصحیح نهایی کتاب گمارده شدند و این کار بسال یک هزار هجری انجام شد. تاریخ الفی کتابیست جامع که بسیار خوب فراهم آمده و نثری خوش دارد با عبارات یکدست و خیلی متمایل بنثر مورخان پیشین که شاید بعلت استکتاب بخش بزرگی از آن از متنهای اصیل تاریخی پیشین چنین باشد^۲.

احسن التواریخ تاریخی است عمومی، بغیر از احسن التواریخ روملو، از آغاز تا بسال ۱۰۲۱ هـ، تألیف حسن بن محمد الخاکی، که نامش را با توضیح بیشتری درباره کتاب وی بعد ازین خواهیم دید. این کتاب هم مانند تاریخ الفی و بسیاری کتابهای دیگر بخواست اکبر پادشاه تألیف شد چنانکه کتاب روضه الطاهرین تألیف محمد طاهر بن عمادالدین سبزواری که او هم از معاصران جلالالدین اکبر بوده است و کتابش تاریخ عمومی است از آغاز خلقت تا سال ۱۰۱۴ هـ یعنی سال وفات اکبر پادشاه.

زبدة التواریخ تاریخ مفصل مشروحیست که در تألیف آن از منابع مختلفی مثل جامع التواریخ رشیدی، تاریخ حافظ ابرو، روضه الصفا،

۱- همین جلد، ص ۹۱۹ - ۹۲۸.

۲- و بنگرید بفهرست ربو، ص ۱۱۷ - ۱۱۸؛ فهرست بلوشه، ج ۱ ص ۲۳۳ - ۲۳۴؛

فهرست نسخهای فارسی کتابخانه دیوان هند، ج ۱ ص ۴۰؛ فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران،

ج ۲ ص ۵۲۰ و ج ۳ ص ۲۴۴۲.

حبیب‌السیر و تاریخ الفی استفاده و اقتباس شده است. مؤلف این کتاب حیدر بن علی حسینی رازی کار خود را بسال ۱۰۲۰ آغاز کرد و جلد اول را که شامل تاریخ انبیا و خلفا و شاهانست در سال ۱۰۲۶ به پایان برد و درین سال بسی و پنج سالگی رسیده بود^۱.

معدن اخبار احمدی تاریخ عمومی است که در عهد جهانگیر پادشاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷) بدست احمد بن بهیل بن جمال کم گو مشهور به کنبو^۲ تدوین شد^۳.

از کتابهای دیگر در تاریخ عمومی کتاب تاریخ قبیاق خانی است که تا حوادث سال ۱۰۳۸ هجری را شامل است و تألیف آن بدست قبیاق خان خواجهمعلی بیگ بلخی انجام گرفت؛ و کتاب منتخب التواریخ تألیف محمد یوسف بن شیخ رحمة الله از آغاز خلقت تا سال جلوس شاه جهان (۱۰۳۷ هـ)؛ و کتاب افصح الاخبار تألیف محمد باقر بن عنایت الله تبریزی متخلص به افصح که آن هم شامل حوادث عمومی از آغاز تا سال جلوس شاه جهانست.

کتاب تحفة الاخیار تاریخ عمومی دیگر است که از آغاز تا حوادث سال ۱۰۷۶ هـ را شامل است و تألیف آن بدست میرزا محمد بن میرزا بدیع مشهدی صورت گرفت. وی از رجال عهد شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ هـ) و اورنگ زیب (۱۰۶۹-۱۱۱۸ هـ) بود و در عهد پادشاه اخیر بلقب اصالت خان مخاطب گردید و بسال ۱۰۷۶ در گذشت. در تحفة الاخیار نیز مانند کتابهای پیشادیدان بعد سخن رفته است^۵.

مرآت العالم تألیف محمد بختاور خان تاریخ عمومی مشروحیست از اواخر

۱- فهرست ریو، ج ۳ ص ۸۸۷ - ۸۸۸.

۲- BAHBAL

۳- Kanbu

۴- فهرست ریو، ج ۳ ص ۸۸۸.

۵- اطلاع مشروحتری را درباره این کتاب از فهرست ریو، ص ۱۲۵ کسب کنید.

این عهد؛ و همچنین است کتاب برهان‌الفتوح تألیف محمدعلی حسینی نیشابوری که تاریخ عمومی کاملی است.

تاریخ مفصلی تألیف سیدمفضل‌خان تاریخی است در هفت مقاله از آغاز تا پادشاهی فرخ‌سیر (۱۱۲۴-۱۱۳۱ هـ) بدین شرح: (۱) خلقت (۲) آدم و انبیا (۳) محمد (ص) (۴) پادشاهان قدیم ایران (۵) خلفا (۶) سلطان محمود و غزنویان و غوریان و توابع آنان (۷) تیمور و جانشینانش. در این کتاب تاریخ هند و پادشاهان و سلسله‌های اسلامی آن سرزمین بنا بر معمول اینگونه کتابها مفصل و قابل استفاده است.^۱

بخشی از کتاب شاهد صادق را که در تاریخست باید در اینجا از یاد نبریم. در بابهای پنجگانه کتاب مذکور اشارتهای تاریخی مختلف ملاحظه می‌شود ولی آنچه اختصاصاً مربوط بتاریخست فصل هفتاد و نهم از باب سوم در علم اخبار و سیر است که در آن رخدادهای عمده جهان و سال درگذشت گروهی بزرگ از دانشمندان و ادیبان و شاعران از سال اول هجرت تا تاریخ ۱۰۴۲ سال بسال ضبط شده است. این بخش را شادروان استاد عباس اقبال آشتیانی از شماره چهارم ببعد سال دوم مجله یادگار، که خود نشر می‌داد، چاپ کرده است. رحمه‌الله.

تاریخ محمدشاهی که معمولاً نادرالزمانی هم خوانده می‌شود، یک تاریخ عمومیست که با توجه بیشتر بتاریخ هند نوشته شده و بذکر رخ داده‌های دوران محمدشاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱ هـ) یعنی درست سالهای آخر دورانی که درباره آن مطالعه می‌کنیم، خاتمه یافته است. مؤلف هندی این کتاب، خوشحال چند، کار خود را بسال ۱۱۵۴ تمام کرد^۲. این کتاب بدو مقاله و هر مقاله بجزوهای تقسیم شده است. مقاله اول مجمع‌الخبار و مقاله دوم زبده‌الخبار نام دارد. مقاله اول

۱- بنگرید بپهرست ریو، ج ۳، ص ۸۹۲ - ۸۹۳.

۲- در بعضی نسخ بر بخش مربوط به پادشاهی محمدشاه خلاصه‌ی حلوی تمام دوره پادشاهی وی تا مرگش بسال ۱۱۶۱ هـ افزوده شده است و آن از مؤلف اصلی کتاب نیست.

جزء تاریخ عمومی این کتابست زیرا در مقاله دوم مؤلف بهند و پادشاهان و راجگان و نیز مطلبهایی مربوط بفرهنگ آن پرداخته است.^۱

مقارن تألیف کتاب یادشده در هند، کتابی هم در تاریخ عمومی ایران تألیف شده بنام زبدةالتواریخ، مؤلف این کتاب محمدحسن (یا: محمدمحسن) بن محمد کریم مستوفی نادرشاه افشار در آغاز اثر خود از نادرشاه و پسرش رضاقلی میرزا نام برده و گفته که همیشه ملازم رکاب او بود، ولی در حقیقت کتاب را بنام رضاقلی میرزا تألیف نموده و بسال ۱۱۵۴ یعنی دو سال پیش از کور کردن آن شاهزاده شوربخت بانجام رسانیده است و چنانکه باز در مقدمه نوشته «بنای طرح این نسخه بر ضابطه دفتری و سیاقست». نسخه‌ی ازین کتاب بشماره Or.3498 در کتابخانه موزه بریتانیا ملاحظه شد. متنی مغشوش و نامنظم است که در آن حساب سلسله‌ها و سلطنت‌ها بسیاق نشان داده شده، عبارات ساده و نازل است و بر رویهم هیچگونه اهمیت ادبی ندارد. مانند همه تاریخهای عمومی مطلبهای این کتاب از خلقت و گزارش حال آدم صغی‌الله و پیامبران آغاز شده است، و بعد از ختم سرگذشت پیامبر اسلام (ص) بیان احوال خلفای راشدین، امام حسن (ع) و باقی امامان - پادشاهان ایران قدیم - بنی‌امیه بنی‌عباس و سلسله‌های معاصر آنان از طاهریان تا قراختانیان کرمان - مغولان و پنج سلسله متعاقب آنان (یعنی چوپانیان، ایلکانیان، شاه شیخ ابواسحق اینجو و آل مظفر، آل کرت، سربداران) - تیمور و تیموریان - قراقویونلو - آق‌قویونلو و صفویه در آن آمده است. اهمیت این کتاب در اینست که مؤلف آن شاهد و ناظر سقوط سلطنت صفوی و دوران پادشاهی شاه سلطان حسین و شاه‌تیماسب دوم و شاه‌عباس سوم و میرویس افغان و محمود افغان و اشرف افغان و ظهور نادرشاه افشار و پیروزیها و رسیدن پادشاهی و بیان قسمتی از دوران فرمانروایی او بود. بعد ازین ناگهان شاهد بی‌نظمی‌هایی در

۱- درباره این کتاب بنگرید بفرست نسخه‌ی خطی فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، تألیف

موضوعهای کتاب می‌شویم و مؤلف می‌پردازد به «بیان احوال پادشاهان نصاری و افرنج که پادشاهان فرنگ باشند و قیصره که پادشاهان روم باشند» و به «ذکر ولایت ارمن و افرنج» و بمسائل مختلفی مثل بحث درباره ربع مسکون و اقلیمهای هفت‌گانه و تاریخ بنی‌اسرائیل و هند و جز آنها.

تاریخهای عمومی که در ایران عهد صفوی تألیف شده همه مانند زبدة‌التواریخ بقصد گزارش احوال ایران از گیومرث تا پادشاهان معاصر مؤلفند. مثلاً

تواریخ ایران و اسلام
تا عهد صفویان

لب‌التواریخ از امیرحیی بن عبداللطیف (م ۱۶۶۲) اگرچه تاریخ عمومی عالمست ولی بیشتر بذکر تاریخ ایران تا عهد شاه‌تیماسب صفوی اختصاص دارد. درباره این کتاب و مؤلف آن در شمار پارسی‌نویسان عهد سخن خواهم گفت. چندین سال بعد حاجی محمدقلیخان قاجار گنجینه کتاب «لب‌الباب» را در تاریخ اسلام و ایران در بیست و سه فصل بسال ۱۰۹۷ هـ تألیف کرد. این کتاب مشتمل است بر سرگذشت امامان دوازده‌گانه و خلیفگان عرب و پادشاهان ایران از صفاریان تا رویدادهای سال ۱۰۳۷ هـ. آخرین فصل کتاب از باب اشتمال بر شرح حال شاعران پارسی‌گوی از رودکی تا شاه‌اسمعیل و یمینی سمنانی، که مجموع عددشان به ۲۲۰ می‌رسد، بسیار قابل توجه است.^۱

کتاب خلد برین که میرزا محمدیوسف برادر میرزا طاهر وحید قزوینی بسال ۱۰۷۸ تألیف کرده کتابی مشروح در تاریخ عمومیست که ارزش ادبی نیز دارد. این کتاب در هشت «روضه» تنظیم شده است از پیامبران و شاهان پیش از اسلام و دوران اسلامی تا حوادث دوران شاه‌سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ هـ). تاریخهای عمومی که اختصاصاً درباره ایران نوشته شده باشد ازین عهد باقیست و از آن جمله است:

۱- درباره این کتاب بغضیل بیشتری در ضمیمه فهرست ریو، ص ۲۴، سخن رفته است.

۲- و بنگرید به ذریعه، ۱۸، ص ۲۸۹.

جامع مفیدی از محمد مفید مستوفی یزدی که تاریخی بسیار قیمتی درباره یزدست. در این کتاب بمناسبت ذکر تاریخ آن شهر، شرح پادشاهی اسکندر و ساسانیان و دولت اسلام و حکومت بنی امیه و بنی عباس و عده‌یی از سلسله‌های پادشاهان ایران تا عهد شاه سلیمان صفوی و قسمتی از حادثه‌های مربوط بزمان آنها، تاحدی که بیزد و آبادیهای آن و اطراف آن ارتباط داشته باشد، یاد شده است بنحوی که می‌توان این کتاب را هم در رده تاریخهای عمومی ایران و هم در رسته تاریخهای محلی جای داد. درباره این کتاب و مؤلف آن بجای خود سخن خواهم گفت. محمد مفید تاریخ عمومی مختصری دارد شامل خلاصه تاریخ سالشمار ایران بشیوه سیاق از پیشدادیان ببعده و در آغاز آن گفته است که این کتاب را درباره پادشاهان عجم از گیومرث «الی یومنا هذا» که ابتدای جلوس شاه عباس [ثانی] است، «بطریق سیاق» نوشته و به مجالس الملوک موسوم گردانیده است.

تاریخ سلطانی از سید حسن بن مرئضی که بسال ۱۱۱۵ برای شاه سلطان حسین در سه فصل نگاشته است: ۱) خلقت و گزارش احوال پیامبران و امامان. ۲) پادشاهان پیش از اسلام و دوران اسلامی تا عهد صفوی. ۳) تاریخ صفویان تا حوادث سال ۱۰۵۱ هـ. قسمتی ازین کتاب با عنوان «از شیخ صفی تا شاه صفی» در تهران چاپ شد. بعد ازین اشاره‌یی بدان خواهیم داشت.

خلاصه التواریخ پادشاهان عجم، که غیر از خلاصه التواریخ قاضی میراحمد ابراهیمی قمی است، کتابیست در تاریخ ایران از پیشدادیان تا صفویان و پادشاهی شاه عباس دوم، و مؤلف آن از مقربان همین پادشاه بوده است. نسخی از آن بشماره ۴۴۷۵۳ در کتابخانه اراکست.^۲

۱- نسخه شماره 167 Suppl. کتابخانه ملی پاریس، فهرست بلوше، ج ۱ ص ۲۳۹ -

۲۴۰ - چند نسخه در ایران از آن موجودست. بنگرید بمقدمه از شیخ صفی تا شاه صفی، تهران

از دوره همین پادشاه تاریخ دیگری درباره ایران داریم از محمدمعین اردوبادی معروف به معینا که فهرست شاهان از آغاز اسلام است تا عهد شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ هـ) و در ۱۰۷۵ تألیف گردیده و چون رقمها بسیاق نوشته شده به تاریخ سیاقی هم مشهورست.

تاریخهای ویژه دوره صفویان و نادرشاه
 اینگونه کتابهای کوتاه در برابر تاریخهای مشروح عمومی که پیش ازین یاد کرده‌ام بر رویهم ارزشی چندان ندارند و اغلب نوشتن تاریخ صفویان در آنها

مورد توجه بود، چندانکه تاریخ نویسی عهد صفویان را بیشتر باید در نگارش تاریخ این سلسله از پادشاهان دانست که گویا بنا بر عادت زمان باشاره خود ایشان بوده است تا بابتکار مؤلفان آنها و حتی پرداختن غیاث‌الدین خواندمیر بنگارش حال شاه اسمعیل صفوی بدستور و بنام حبیب‌الله ساوجی وزیر دورمش خان والی هرات انجام گرفته و او در پایان حبیب‌السير شرح نسب شاه اسمعیل را تا امام هفتم بیان کرده و گزارش حال یکایک نیاکانش را از شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی تا شاه اسمعیل و سپس سرگذشت شاه اسمعیل را از ابتدای احوال او بتفصیل تمام تا ربیع‌الاول سال ۹۳۰ مرقوم داشته و این بهترین و موثق‌ترین تاریخی است که بدست یکی از استادان بزرگ فن درباره دوران پادشاهی شاه اسمعیل تا اواخر ایام حیات او نوشته شده است. غیاث‌الدین خواندمیر چنانکه می‌دانیم در سال ۹۳۲ بهند رفت و در ۹۴۱ یا ۹۴۲ همانجا درگذشت و غیر از حبیب‌السير اثرهای مشهور دیگری دارد بنام اخبارالاخیار، تاریخ الوزرا، جواهرالاخبار، خاتمه روضه‌الصفاء، خلاصه‌الاخبار، دستورالوزرا، غرایب‌الاسرار، مآثرالملوک، منتخب تاریخ و صاف، مکارم‌الاخلاق، قانون همایونی^۱.

تاریخ پادشاهی شاه اسمعیل و شاه‌نهماسب دنباله کار خواندمیرست درباره

۱- این شرح را بعنوان ذیل یا تکمله برگزارش احوال و آثار خواندمیر در ج ۴ همین کتاب

نگارش تاریخ صفویان بر دست پسرش امیر محمود. این کتاب به «ذیل حبیب‌السیر» و به «تاریخ شاه‌تھماسب» نیز معروفست و نگارش آن بتشویق و رکن‌السلطنه محمدخان شرف‌الدین اوغلی حاکم هرات بسال ۹۵۳ آغاز شده و بسال ۹۵۷ انجام یافته است.

نام جهانگشای خاقان یا عالم‌آرای شاه‌اسمعیل با عالم‌آرای صفوی | اگرچه در زمان متأخرتری از تاریخهای دیگر صفویان نوشته یا تجدید تحریر شده است |، در اینجا آورده می‌شود زیرا موضوع آن سرگذشت بنیان‌گذار شاهنشاهی صفویست. نویسنده این کتاب پرارزش نامعلوم است و حتی اسم کتاب هم در بعضی از نسخه‌ها مذکور نیست^۱ و دو نسخه چاپ‌تهران هم بدو نام یعنی: (۱) عالم‌آرای شاه‌اسمعیل (تهران ۱۳۴۹ ش) و (۲) عالم‌آرای صفوی (تهران ۱۳۵۰ ش) منتشر شده‌اند. تاریخ تألیف کتاب هم روشن نیست و گویا آغاز کار آن در عهد شاه‌تھماسب بوده باشد زیرا در پایان آن^۲ اسم شاه‌تھماسب با دعای خلدالله ملکه آمده است. چارلز ریو^۳ معتقد است که شروع بتألیف این کتاب باید اندکی بعد از جلوس شاه‌تھماسب (۹۳۰ هـ) بوده باشد، ولی از جانبی دیگر در کتاب چندبار از شاه‌تھماسب و شاه‌عباس چون مردگان سخن رفته و یکبار هم آمده است که: «... و حال که مسوده این اوراق تألیف شده که سنه ست و ثمانین بعد الف است». باتوجه باین نکات تصور می‌رود که با استنساخهایی که ازین کتاب می‌شده در آن تصرفاتی انجام می‌گرفته و یا حتی شاید مطالبی بر آن افزوده می‌شده و این کار تا دوره پادشاهی شاه‌سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۶ هـ) بطول انجامیده است.^۴ موضوع اصلی کتاب کارنامه

۱- چاپ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. اسلام‌آباد، بی‌تاریخ.

۲- از آنجمله در نسخه 3248 Or. ، ضمیمه فهرست ریو، ص ۳۴ - ۳۵ رجوع شود.

۳- عالم‌آرای صفوی، تهران ۱۳۵۰، ص ۶۰۰.

۴- ضمیمه فهرست نسخ فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، ص ۳۴.

۵- و نیز بنگرید بمقدمه عالم‌آرای صفوی، ص ۲۰ - ۲۲ که تاریخ تألیف کتاب در آن بمهد شاه‌سلیمان دانسته شده است.

پادشاهی شاه اسمعیل یکم است که مؤلف آن را با بیانی بسیار ساده و بزبان محاوره و گاه بشیوه قصه‌گویان نوشته است چنانکه روایتش رنگ افسانه و داستان جالب و سرگرم‌کننده بخود می‌گیرد اما وقتی مطالبهای اصلی کتاب، یعنی رخ داده‌های مربوط بخروج و پادشاهی شاه اسمعیل تا مرگ او و جلوس شاه تهماسب، را با کتابهای دیگر تاریخ صفوی مقابله کنیم، خواهیم دید که آن مطالبها جز در بعضی موارد که ساختگی و مولود اعتقادات تعصب‌آمیز سرخ کلاهانست، در موردهای متعدد دیگر در اساس و بنیاد درست و بمنزله قهرمان‌نامه‌ییست که در آن از دوران کودکی و بالیدگی و سلحشوری و کشورگیری و کشورداری مرشد کامل و جانبازیهای مریدان قزلباش او سخن رفته است. ضمناً قسمتی از احوال نیاکان شاه اسمعیل، که بخشی از آن هم بکلی افسانه‌آمیزست، در مقدمه این کارنامه نقل شده و نیز برخی حادثه‌های مربوط بخانان ترکستان و فرارود و فرمانروایان تیموری و عثمانی که مقارن تشکیل شاهنشاهی صفوی می‌زیستمانند مذکور افتاده است، و با آنکه جنبه تاریخ‌نویسی کلاسیک فارسی درین کتاب ضعیف است و مطالب شباهت بروایات قصاصان و داستانگزاران دارد، نثر ساده آن و ذکر بسیاری از رسها و آیین‌های درویشان سرخ کلاه و آنچه در جامعه ایرانی سده دهم (و شاید بعد از آن) مرسوم بود، این کتاب را در شمار یکی از اثرهای قابل توجه درمی‌آورد.

در اینجا ذکری از تاریخ بسیار مهمی لازمست که بقلم شاه تهماسب فراهم آمده و نام تذکره بر آن نهاده شده و به تذکره شاه تهماسب اشتهار یافته است. این کتاب شمعی از سرگذشت شاه تهماسب است که بقلم خود او بنگارش درآمده و مشتمل است بر رویدادهای دوران سلطنتش از سال ۹۳۰ که تاریخ جلوس اوست بر سریر پادشاهی ایران تا واقعه بایزید پسر سلطان سلیمان (۹۲۶-۹۷۴) که بسال ۹۶۶ هـ بر پدر شورید و بایران پناهنده شد، و تا مقدمات تسلیم او بپدر در سال ۹۶۸. درین تذکره شاه تهماسب فقط بذکر قسمتی از

رویداده‌های عهد خود توجه داشته است نه بذکر همه آنها، و بعید نیست که پادشاه در آغاز قصد نگارش تاریخی از پادشاهی خود داشت ولی در عمل بذکر قسمتی از وقایع اکتفا کرد. شیوه نگارش ساده است ولی نویسنده در بیان توانایی چندان ندارد، در حالی که استشادهای او به بیتهای متناسب که در ضمن گزارشها می‌آورد لطفی بگفتارش می‌بخشد. این کتاب یک بار در کلکته و بار دیگر در سال ۱۳۰۸ ه. ق در لایپزیگ (آلمان) و باز بسال ۱۳۴۳ ه. ق در برلین و نیز در تهران بطبع رسید.

احسن‌التواریخ، که بعد ازین درباره آن و مؤلفش امیرحسن روملو سخن خواهم گفت، بنا بر نسخه موجود در کتابخانه ملی پاریس شامل دو بخش و مجموعاً متضمن حوادث مابین ۸۰۷ و ۹۸۵ است و اهمیت آن بیشتر در شرح مفصلی پادشاهی دوران شاه‌تهماسب و شاه‌اسمعیل دوم و آغاز پادشاهی شاه‌سلطان محمد خدابنده است و مؤلف بیشتر وقایع دوران شاه‌تهماسب و بعد از آن را از مشاهدات و اطلاعات مستقیم یادداشت کرده است.

خلاصه‌التواریخ تألیف قاضی میراحمد قمی‌ابراهیمی که آنچه از آن در دستت مربوطست بپادشاهان صفوی از آغاز تا رویدادهای سال ۱۰۰۱ ه. درباره این کتاب و مؤلف آن در شمار پارسی‌نویسان عهد سخن خواهم گفت.

نقاوة‌الآثار فی ذکرا‌لاخیر تألیف محمودبن هدایة‌الله افوشمی نطنزی شاعر و ادیب سده دهم و یازدهم هجریست، حاوی حوادث سالهای ۹۹۸ تا ۱۰۰۷، که بسال ۱۳۵۰ ش در تهران بطبع رسیده است و بدان باز هم اشارتی خواهیم داشت.

افضل‌التواریخ در تاریخ صفویانست در سه جلد: اول از عهد شیخ صفی‌الدین اردبیلی تا مرگ شاه‌اسمعیل (۹۳۰ ه)، دوم تا رویدادهای سال ۹۹۵ یعنی عهد شاه‌تهماسب و شاه‌اسمعیل دوم و سلطان محمد خدابنده، سوم سلطنت شاه‌عباس اول (۹۹۶ ه بعد). مؤلف آن میرزا‌افضلی پسر زین‌العابدین پسر روح‌الله حسینی اصفهانی در مقدمه کتاب گوید که منظور از تألیف

این کتاب بیان حال «شاه عباس پادشاه الصفوی الموسوی الحسینی» است «که مطلب ازین مقدمات و غرض از تألیف این تاریخات ذکر حال آن مظفر خواقین روزگار است»^۱.

تاریخ عباسی، تألیف مولانا جلال‌الدین محمد بن کمال‌الدین منجم شاه‌عباس اول و از مقربان اوست که در شرح حال و کمالات و تاریخ پادشاهی او نوشته و گزارش خود را از بیان نسب شاه‌عباس از جانب پدر و مادر، و مطالب دیگری درباره او آغاز کرده و آنگاه تاریخ صفویان را از مرگ شاه‌تهماسب در سال ۹۸۴ هـ و پادشاهی شاه‌اسمعیل دوم و مرگش در ۹۸۵ و سلطنت سلطان محمد و حوادث زمان شاه‌عباس از سال ۹۹۶ تا بیست و پنجمین سال پادشاهی او شرح داده است^۲. پسر جلال‌الدین محمد یعنی کمال‌الدین کتابی بنام زبدة التواریخ دارد که غیر از دو زبدة التواریخست که پیش ازین یاد کرده‌ام، و آن تاریخ مختصریست از خلقت تا سال ۱۰۶۳ که بنامهای دیگری (= لب‌التاریخ، مجمل التواریخ) یاد شده و گویا این پراکندگی نامها بدان علت باشد که مؤلف خود در دیباچه اسمی برای کتاب ذکر نکرده است.

تاریخ عالم‌آرای عباسی یکی دیگر از چند کتاب درباره پادشاهی شاه‌عباس اول و مهمترین آنهاست که از آغاز عهد سلاله صفوی تا مرگ شاه‌عباس بسال ۱۰۳۸ و جانشینی شاه‌صفی در آن نوشته شده است. درباره این کتاب و مؤلف آن اسکندریگ منشی ترکمان بعد ازین سخن خواهم گفت.

درباره شاه‌عباس کتاب دیگری با اسم فتوحات همایونی داریم از نظام سیاقی که بسال ۱۰۰۷ بنام آن پادشاه تألیف شده و تاریخ دوازده سال اول پادشاهی اوست. این کتاب مقدمه‌یی بنام «کرامت» دارد و دوازده فصل بنام «فتح» که دوازدهمین آن درباره تسخیر خراسانست و حوادث مذکور در آن از نیمه

۱- بنگرید به ضمیمه فهرست ریو، ص ۳۷ - ۳۸ و نیز بفهرست منزوی.

۲- ریو، ضمیمه فهرست ص ۱۳۸ این کتاب را بدون اسم ذکر کرده ولی نوشته است که

مؤلف آن جلال‌الدین منجم یزدی است.

ماه شعبان سال ۱۰۰۶ هـ آغاز می‌شود. نسخ‌هایی عکسی ازین کتاب بسال ۱۳۵۲ ش در مجله بررسی‌های تاریخی چاپ شده است.^۱

و باز درباره آن پادشاه کتاب تجلیات عباسیه از محمدامین یزدی؛ و خلاصه عباسی از محمد پسر عبدالله را هم می‌توان ذکر کرد.

دیگر کتاب روضة‌الصفویه است از میرزاییگ بن حسن حسینی جناب‌دی که بنام شاه‌عباس یکم بسال ۱۰۲۳ تألیف آن آغاز شد و چون مؤلف بعد از مرگ شاه‌عباس زنده بود کار تألیف خود را ادامه داد و بشرح سلطنت شاه‌صفی پرداخت. کتاب با ذکر اوصاف شاه‌اسمعیل شروع شده و در همین قسمت مؤلف گوید «الحال که ثلاث و عشرين و الفست» و این همچنانکه گفتم تاریخ شروع کتابست. - بعد از آن مؤلف بشرح سلسله نسب صفویان از شیخ صفی اردبیلی بی‌بعد پرداخته است.^۲

در تاریخ شاه‌صفی تألیف میرمحمدحسین حسینی تفرشی شرح مختصری از گزارش پادشاهی او (سال ۱۰۳۸) تا سال ۱۰۴۱ ذکر شده و معلومست که ناتمام مانده و پس از مرگ مؤلف از یادداشت‌هایش فراهم آمده است و چنین آغاز می‌شود: «مبادی تاریخ زمان نواب رضوان مکان که مرحوم مغفور میرمحمدحسین‌الحسینی تفرشی بعنوان نمونه نوشته‌اند» و چند نسخه از آن در دستست.

کتاب دیگر در شرح پادشاهی شاه‌صفی خلاصه‌السیر است از میرزاحمدمعصوم بن خواجگی اصفهانی^۳ معاصر شاه‌عباس و شاه‌صفی که در عهد آن هر دو پادشاه مناصبی داشت. ازین کتاب نسخه‌هایی در ایران (آستانه

۱- و نیز بنگرید به فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، ج ۱ ص ۳۰۰.

۲- برای کسب اطلاع مشروح درباره این کتاب بنگرید بضمیمه فهرست روی، ص ۲۸ -

۳- درباره او بنگرید بتذکره نصرآبادی، ص ۷۷؛ الذریعه شیخ آغا بزرگ تهرانی، ج ۱

قدس رضوی، کتابخانه ملی ملک) و خارج موجودست و سال شماری از وقایع عهد شاه صفی است و آن خود «مقصد سیم از مطلب چهارم در ذکر مناقب پادشاه جم جاه فلک بارگاه شاه صفی الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان» است و معلومست که جزئیست از طرح یک تاریخ بزرگ که چنانکه مؤلف گفته است می‌بایست از آغاز خلقت تا زمان او باشد ولی بخواست شاه صفی منحصر بشرح رویدادهای عهد وی شد. میرزا محمد طاهر نصرآبادی درباره مؤلف گوید: «میرزا معصوم ولد میرزا خواجگی اصفهانی، خویش میرزا عبدالله وزیر لاهیجان در زمان شاه گردون‌جاه شاه صفی مشرف اصطبل بود و نهایت قرب داشت، در نظم و نثر طبعش کمال قدرت داشت چنانچه حسب الامر بتألیف تاریخی مشتمل بر وقایع ایام پادشاه مأمور شد. بعد از اشراف اصطبل وزیر قراباغ شده در آنجا فوت شد». رباعی لطیف زیرین ازوست:

بس پرده‌شناسان که درین گنبد راز رفتند و زهیچکس نیامد آواز
 کس نیست که خوان عیشی آماده کند این نعمت نغمه ماند در کاسه ساز
 برای شاه عباس دوم بهترین تاریخ آنست که میرزا محمد طاهر و حیدر بنام
 عباسنامه فراهم آورد. این کتاب بتاریخ ۱۳۲۹ ش در اراک چاپ شده و بنام
 شاه عباس ثانی (سلطنت از ۱۰۵۲ تا ۱۰۷۷ هـ) و ستایش او و از شرح تولدش
 آغاز می‌شود و در غالب نسخ، از آنجمله در نسخه Or.2940 کتابخانه موزه
 بریتانیا^۱ و نیز نسخه چاپی تا حوادث سال ۱۰۷۴ و بازگشت شاه عباس ثانی از
 سفر مازندران بتهران و اصفهان را شامل است که مصادفت با بیست و دومین
 سال پادشاهی شاه عباس دوم. کتاب ریاض التواریخ (از شاه اسمعیل یکم تا اواخر
 عهد شاه عباس دوم) و خلاصه المقال هم در همین ردیفند.

تاریخ کامل پادشاهی شاه عباس ثانی کتاب قصص الخاقانی است از

۱- درباره او نگریه بهین کتاب و همین جلد، ص ۱۳۴۶ - ۱۳۵۱.

۲- صمیمه مهرست ریو، ص ۴۰ - ۴۱.

ولی قلی شاملو در یک مقدمه و سه باب و خاتمه. درباره این کتاب و مؤلف آن در شمار پارسی‌نویسان عهد سخن خواهم گفت.
از میان چند کتاب دیگر که در آخرهای عهد صفوی درباره این سلسله نگاشته شده و در کتابخانه‌های ایران و هند و اروپا پراکنده است می‌توان اینها را نام برد:

تحفة العالم تألیف میرزا ابوطالب پسر میرزا بیگ موسوی فندرسکی، در شرح پادشاهی شاه سلطان حسین که بسال ۱۱۰۷ هـ نگاشته شد.^۱
کتاب دستور شهریاران تألیف محمد ابراهیم بن زین العابدین مجلسی نویسنده شاه سلطان حسین در تاریخ سلطنت آن پادشاه که درباره آن باز اشارتی خواهیم داشت.

تاریخ طهماسبی از عبدالعلی وقایع‌نگار درباره رویدادهای میان تاجگذاری شاه سلطان حسین (۱۱۰۵ هـ) و کشته شدن نادرشاه افشار (۱۱۶۰ هـ) که نسخه‌ی از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهرانست.^۲

در کتاب «نامه عالم آرای نادری» تألیف محمد کاظم وزیر مرو شاهجهان، که در ذکر احوال نادرشاه افشارست. از باب مقدمه اطلاعاتی درباره غلبه افغان از آغاز ماجرا تا آخرین جنگ نادر با اشرف افغان و قلع و قمع آن طایفه آمده است.^۳ و اما باقی این کتاب یکی از مأخذهای سودمندست درباره سرگذشت نادر از کوچاندن دستمبی از طایفه افشار در عهد شاه عباس صفوی از آذربایجان به ابیورد و دره جز و ولادت نادر تا مرگ او.^۴

۱- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۹ ص ۱۲۱۳.

۲- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰ ص ۱۶۲۹.

۳- عالم آرای نادری، ص ۱۳ - ۹۱.

۴- این کتاب با طبع عکسی و با مقدمه بقلم N.D. Mikloxo Maklay جزو سلسله

انتشارات انستیتیوی خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی در مسکو بسالهای ۱۹۶۲ - ۱۹۶۴ چاپ شد.

اما وقایع‌نگار اصلی دوران نادری منشی معروف او میرزا محمد مهدی خان استرآبادی ابن محمد نصیر است. کتابهای او بنام جهانگشای نادری (تاریخ نادری) و درّه نادره که حاوی سرگذشت نادر از آغاز تا گذشته شدنش در ۱۱۶۰ هجریست، گذشته از جنبه تاریخی دارای ارزش ادبیست و پس ازین درباره او سخن گفته خواهد شد.

در ذیل عنوان «تواریخ عمومی عالم» با اسم چند کتاب تواریخ سلاطین هند معتبر که بیشتر بدست ایرانیان در هند و بنام پادشاهان هند فراهم آمده است اشاره کرده‌ام، اما اگر بخواهم به همه کتابهای فارسی تاریخ که در سرزمین هند بدست مؤلفان ایرانی یا هندی نژاد فراهم آمده است اشاره کنم کار بسیار بدرازا خواهد کشید. موضوع مهم قابل ذکر آنست که درین عهد پادشاهان تیموری نژاد هند و نیز پادشاهان محلی دکن علاوه بر توجه بشعر و ادب فارسی نظر خاصی بتدوین کتابهای فارسی در بیان تاریخ هند و با تاریخهای دوران شاهی هر یک از پادشاهان سلسله خود داشتند و درین راه از صرف مال و تشویق مؤلفان و دادن مأموریت خاص بدانان دریغ نمی‌کردند و بهمین سبب شماره کتابهای تاریخ و تذکره احوال عالمان و شاعران و امیران و مردان سیاست، و نیز تواریخ محلی هند مثل گجرات و سند و دکن و جز آنها، آنقدر متعددست که اگر بخواهم همه آنها را درینجا ذکر کنم کار خود را از آنچه هست دشوارتر و کتاب را از آنچه شده مفصل‌تر و مشروح‌تر خواهم ساخت، پس می‌پردازم بتوضیحات کوتاهی نخست درباره

۱- خوشبختانه یکی از پارسی‌دانان هند که دوره دکتری ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات نهران گذرانده، پایان‌نامه دکتری خود را بذکر این دسته از کتابهای تاریخ در بخشی از دوره مورد مطالعه ما اختصاص داده و او آقای دکتر آفتاب اصغر مؤلف کتاب «تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، تیموریان بزرگ از بابر تا اورنگ زیب، ۹۳۲ - ۱۱۱۸ ق.ه» است که سال ۱۳۶۴ ش (۱۹۸۵ میلادی) در لاهور بطبع رسید. علاوه بر این مؤلفان فهرستهای کتابخانهای از فیل کتابخانه ملی پاریس، کتابخانه موزه بریتانیا، کتابخانهای کمبریج، لاهور، ایندیا آفیس، وین و جز آنها هم حسب‌الوظیفه بمعرفی این کتابها و مؤلفان آنها پرداخته‌اند.

تاریخهای عمومی هند و سپس کتابهایی که در شرح سلطنت بعضی از شاهان یا دربارهٔ ناحیتهای آن سرزمین تألیف شده است:

از میان تاریخهای عمومی هند کتاب طبقات اکبرشاهی در تاریخ سلسلههای اسلامی هند از آغاز فتوحات مسلمانان (۳۶۷ هـ) در عهد سبکتکین تا سال ۱۰۰۱ هـ، شهرت بسیار دارد و از آن و مؤلفش نظامالدین احمد هروی در شمار پارسی‌نویسان یاد خواهد شد، و همچنین خواهد بود دربارهٔ منتخب‌التواریخ تألیف عبدالقادر بدائونی که آن هم از آغاز فتوحات مسلمانان تا سال ۱۰۰۴ هجری را شامل است؛ و بعد از این دو اثر مشهور می‌رسیم بکتاب تاریخ حقی در تاریخ سلسلههای مسلمان دهلی از سلاطین غوری تا سال ۱۰۰۵ هـ از عبدالحق محدث دهلوی^۱؛ و کتاب زبدة‌التواریخ تألیف نورالحق دهلوی فرزند عبدالحق مذکور که آن هم در تاریخ پادشاهان مسلمان هندست تا سال ۱۰۱۴ هـ^۲؛ و گلشن ابراهیمی معروف بتاریخ فرشته که از جمله منابع مهم تحقیق در تاریخ هند اسلامی است^۳.

از کتابهای دیگر دربارهٔ هند بذکر این چند اثر بسنده می‌شود:

خلاصه‌التواریخ از منشی سنجان رای که در بین سالهای ۱۱۰۵ تا ۱۱۰۷ فراهم آورده و در نگارش آن از مأخذهای مختلف از مهابهاراتا و رامایانا گرفته تا تواریخ عمومی و محلی هند که پیش از تاریخ مذکور تألیف گردیده استفاده کرده و حوادث را تا جلوس اورنگ زیب (سال ۱۰۶۹ هـ) ذکر نموده است^۴؛ و منتخب‌التواریخ که بسال ۱۱۲۰ بنام بهادرشاه اول (۱۱۱۹-۱۱۲۴)

۱- دربارهٔ آن بنگرید بفرهست ریوا، ص ۲۲۳؛ تاریخ نویسی در هند و پاکستان، ص

۱۶۳-۱۶۷.

۲- فرهست ریوا، ص ۲۲۴-۲۲۵؛ فرهست بلوشه، ج ۱ ص ۳۲۵؛ تاریخ نویسی در

هند و پاکستان، ص ۱۹۰-۱۹۲.

۳- دربارهٔ آن و مؤلفش محمدقاسم فرشته در جزو پارسی‌نویسان عهد بحث خواهد شد.

۴- فرهست بلوشه، ج ۱ ص ۳۲۹-۳۳۰؛ فرهست ریوا، ص ۲۳۰.

با استفاده از مأخذهای مختلف تألیف شده و تا عهد اورنگ زیب را (۱۰۶۹ - ۱۱۱۸ هـ) شامل است^۱؛ و منتخب اللباب تألیف محمدهاشم پسر خواجه میرخوافی مخاطب به خوافی خان نظام الملک از رجال عهد اورنگ زیب و فرخ سیر (۱۱۲۴ - ۱۱۳۱ هـ) و سلطان محمدشاه (۱۱۳۱ - ۱۱۶۱ هـ) که در سه جلد از آغاز عهد اسلامی هند تا ۱۱۴۴ تنظیم شده و بطبع رسیده است^۲، و جز آنها. کتابهای تاریخ فارسی دربارهٔ بعضی از شاهان هند و تاریخهای محلی و نظایر آنها که در هند بدست نویسندگان ایرانی نژاد یا نگارندگان هندی و گاه منشیان پارسی گوی هندویی کیش در این دوره تألیف شده باشد متعددست و حق آنست که بذکر مهمترین آنها در اینجا بتلخیص و فهرستوار اکتفا شود^۳. از آنجمله است:

تاریخ داودی در بارهٔ سلسله‌های لودی (۸۵۵ - ۹۳۰ هـ) و سوری (۹۴۶ - ۹۸۸ هـ).

واقعات بابری شرح وقایع مربوط بزندگی ظهیرالدین بابر که میرزا عبدالرحیم خانخانان آن را بسال ۹۹۸ هـ از اصل ترکی بیاری در آورد. احوال همایون پادشاه تألیف گلبدن بیگم دختر بابر و خواهر همایون پادشاه شامل اطلاعاتی دربارهٔ بابر و همایون که در اوایل سلطنت اکبر و بفرمان او با انشائی ساده نوشته شد و بیشتر مربوطست بزندگی خانوادگی و امور داخلی خاندان؛ اما تاریخ سلطنت همایون پادشاه را باختصاص باید در تاریخ همایون شاهی یا تذکره‌الواقعات یا تاریخ همایون تألیف مهتر جوهر آفتابه‌چی ملاحظه کرد که مشاغل مختلفی در عهد همایون و اکبر داشت و کتاب خود را بسال ۹۹۵ هـ، سی و دو سال بعد از مرگ همایون، نوشت.

۱- این غیر از منتخب التواریخ بدو نیست. بنگرید بفهرست ربو، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۲- فهرست بلوچه، ج ۱ ص ۳۳۱؛ فهرست ربو، ص ۲۳۲-۲۳۳.

۳- ذکر این کتابها در فهرستهای مشهور بتکرار آمده است و خواننده برای کسب اطلاعات

اکبرنامه در تاریخ پادشاهی جلال‌الدین اکبر پادشاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴ هـ) تألیف شیخ ابوالفضل علامی که بعد ازین درباره آن سخن خواهم گفت. توزوک جهانگیری یادداشتهای جهانگیرپادشاه است که بنظم تقویمی از تاریخ جلوس او بر تخت پادشاهی (۱۰۱۴ هـ) تا هفدهمین سال پادشاهیش بقلم خود او نگارش یافته و دنباله آن از هجدهمین سال سلطنت بوسیله معتمدخان تحت نظر پادشاه تحریر شد. این کتاب که حاوی اطلاعات دست اول درباره دوران پادشاهی و احوال جهانگیرست، با اضافاتی که تا پایان پادشاهیش شد با عنوان «توزوک جهانگیری» در علیگر سال ۱۸۶۴ بچاپ رسید.^۱ این معتمدخان که یک ایرانی بنام محمدشریف بن دوست محمد است بامتقلال کتابی درباره تیموریان از ابتدا تا جهانگیر دارد موسوم به اقبالنامه که پس ازین درباره آن سخن خواهم گفت.

درباره شاه جهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ هـ) چند تاریخ منشور و منظوم داریم مانند پادشاهنامه تألیف محمدامین بن ابوالحسین قزوینی معروف به میرزاامینا منشی و واقعه‌نویس دربار شاه جهان که تاریخ زندگانی آن پادشاه را از ولادت تا دهمین سال سلطنتش در سه قسمت نوشت. سومین قسمت این کتاب شامل تراجم احوال مشایخ و عالمان و شاعران عهد شاه جهانست.^۲

پادشاهنامه دیگری تألیف عبدالحمید لاهوری است. وی دو جلد اول کتاب را که شامل روی داده‌های سال ۱۰۳۷ (سال جلوس شاه جهان) تا

۱- فهرست ریو، ص ۲۵۳ - ۲۵۴ - بلوشه می‌نویسد (فهرست، ج ۱ ص ۳۴۱) که یادداشتهای جهانگیر از هژدهمین و نوزدهمین سال پادشاهیش توسط معتمدخان و محمدهادی تا آخر سلطنتش ادامه یافت، و محمدهادی یک مقدمه تاریخی بر آن افزود (ج ۱ ص ۳۴۱) و کتاب دیگری باسم جهانگیرنامه یادداشتهای برساخته کسی است که بجهانگیر نسبت داده شده و باسم تاریخ جهانگیرنامه سلیمی یا تاریخ سلیم شاهی در آغاز عهد شاه جهان نوشته شد و بجای توزوک واقعی جهانگیری معرفی گردید زیرا در یادداشتهای اصلی بعضی قسمتها بود که چندان بفتح شاه جهان نبود (ایضاً ص ۳۴۲).

۲- فهرست ریو، ص ۲۵۸؛ تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲ ص ۴۸۸ - ۴۹۰.

سال ۱۰۵۷ هـ است با تمام رساند و چون بسال ۱۰۶۵ هـ در گذشت جلد سوم کتاب را مؤلفان دیگری بانجام رساندند. در پایان این کتاب نیز ترجمه حال بزرگان عهد شاه جهان آمده است. پادشاهنامه عبدالحمید لاهوری را برای امتیاز از پادشاهنامه میرزا امینا معمولاً شاهجهاننامه نیز می‌نامند. این کتاب در سالهای ۱۸۶۷ - ۱۸۶۸ میلادی در کلکته بطبع رسید.^۱

تاریخ دیگر دوره شاه جهان را محمدصادق مخاطب بصادق خان تألیف نموده و تواریخ شاهجهانی نامیده است. در این کتاب رویدادهای دوره شاهجهان تا عصیان اورنگ زیب و گرفتاری شاهجهان سال بسال با انشائی ساده ذکر شده است و ضمناً باید دانست که تواریخ شاهجهانی، یا طبقات شاهجهانی مشتملست بر ذکر احوال سلاطین تیموری و رجال معروف زمان هر یک از ایشان، تا شاهجهان از سال ۱۰۳۷ تا سال ۱۰۴۵ که تاریخ تألیف کتابست.^۲

باز هم کتاب دیگری درباره پادشاهی شاهجهان داریم با اسم شاهجهاننامه یا «عمل صالح» از محمدصالح کنبوی لاهوری شاگرد و برادر کوچکتر شیخ عنایت‌الله لاهوری مصنف بهار دانش. محمدصالح صاحب مجموعه منشآت با اسم بهار سخن نیز هست و کتاب او مشتملست بر رویدادهای عهد شاهجهان از ولادت تا وفات در سه جلد که بسالهای ۱۹۲۳ و ۱۹۲۷ و ۱۹۳۹ میلادی در کلکته بطبع رسید.^۳

اگر بخواهیم بهمین گونه درباره تاریخهایی که در عهد هر یک از پادشاهان تیموری هند نوشته شده به پیش روم این مبحث را سخت طولانی

۱- فهرست بلوش، ج ۱ ص ۳۴۴ - ۳۴۵: تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲ ص ۴۹۰ -

۴۹۲: فهرست ریو، ص ۲۶۰.

۲- فهرست ریو، ص ۲۶۲: تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲ ص ۶۷۴ - ۶۷۵.

۳- فهرست ریو، ص ۲۶۳: تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲ ص ۶۸۲ - ۶۸۴.

خواهیم کرد، پس بهمین اشارات مجمل درین باب بسنده می‌کنم.^۱
 کتابهایی که در تاریخ بخشهای هند مانند بنگال
 تواریخ محلی و گجرات و سند و تته و کشمیر و سلسله‌های دکن
 بفارسی نوشته شده متعددست و ذکر آنها درینجا زائد بنظر می‌رسد.^۲ - درباره

۱- برای اطلاع بنگرید بشرحهایی که در فهارس مربوط درباره کتابهای مذکور آمده است و از آنجمله درباره: عالمگیرنامه از محمد کاظم منشی پسر میرزا امینا بفهرست ریو، ص ۲۶۶ - مآثر عالمگیری از محمد ساقی مستمدخان، ایضاً ص ۲۷۰ - عالمگیرنامه از حاتم خان، ایضاً ۲۶۸ - بیادشاهنامه یا شاهنامه شاه عالم بهادر تألیف میرزا محمد مخاطب بدانشمندخان ایضاً ص ۲۷۲ - فرخ سیرنامه تألیف میرمحمد احسن ایجاد منشی و شاعر مخاطب بمعانی خان، ایضاً ص ۲۷۳ - تذکره سلاطین جغتای درباره خاندان تیموری خاصه شعبه هندی آن تا هفتمین سال پادشاهی محمد شاه (۱۱۳۷ هـ) تألیف محمد هادی مخاطب بکامورخان، ایضاً ص ۲۷۴ - مرآت واردات درباره تیموریان تا شانزدهمین سال پادشاهی محمد شاه (۱۱۴۶ هـ) تألیف محمد شفیع بن سید محمد شریف تهرانی متخلص به «وارد» که انشائی مصنوع و مترسلاسه دارد، ایضاً ص ۲۷۵ - احوال الخوافین تاریخ جانشینان لورنگ زیب تألیف محمد قاسم که قسمت اول آن در سال ۱۱۴۷ هـ و قسمت دوم بسال ۱۱۵۱ خاتمه یافت، ایضاً ص ۲۷۶ - ۲۷۷، و جز آنها...

در فهرست کتابخانه ملی پاریس (ج ۱، ص ۳۳۵ - ۳۵۶) بنام عده‌یی ازین کتابها که ذکر کرده‌ایم و کتابهای دیگر باز می‌خوریم که خواننده خواستار بدان مراجعه خواهد کرد. در فهرستهای دیگری از کتابخانه‌های هند و اروپا خاصه کتابخانه دیوان هند و کتابخانه موقوفات اود نام عده‌یی دیگر ازینگونه کتابها یا همین کتابهای یاد شده آمده است؛ باز هم بنگرید بفهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان در چندین جلد تألیف آقای احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش در چند جلد از آقای احمد منزوی، فهرست نسخه‌های چاپ سنگی کتابخانه گنج بخش در دو جلد از آقای سید عارف نوشاهی و فهرست نسخه‌های کتابخانه پنجاب لاهور گنجینه آذر از آقای سید خضر عباسی نوشاهی که همگی بوسیله مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در سالهای اخیر چاپ شده است و نیز بفهرستهای کتابخانه‌های دیگر هندوستان، و جز آنها و جز آنها.

۲- مثل: مرآت سکندری و مرآت احمدی درباره گجرات؛ بهارستان و تهوورنامه درباره بنگال؛ تاریخ معصومی درباره سند؛ تاریخ طهری درباره تته؛ بهارستان شاهی و تاریخ کشمیر و نوادر الاخبار و واقعات کشمیر و گوهر عالم و حشمت کشمیر درباره کشمیر؛ و برهان مآثر درباره بهمینان

تاریخهای محلی ایران و افغانستان و فرارود [= ماوراءالنهر، که در عهد مورد مطالعه ما در قلمرو ترکستان و یا خود بنام ترکستان در آمده بود]، هم چند کتاب باقی مانده است، و مؤلفان پارسی‌نویس درین راه تا چین شمالی (= ختای) و روم نیز پیش رفتنند^۱.

درباره روم (یعنی آسیای صغیر) و سلاطین عثمانی آن کتابهای هشت بهشت و سلیم‌نامه از مولانا حکیم‌الدین ادریس بدلیسی قابل توجهست که در ذیل نام همین مؤلف دوباره از آنها یاد خواهد شد.

درباره کردستان کتاب معتبر و مشهوری داریم بنام شرفنامه که بطبع

و نظامشاهیان دکن؛ و تذکره‌الملوک و فتوحات عادلشاهی و بساین السلاطین درباره عادلشاهیان بجاپور؛ و وقایع دکن درباره حوادث آن دیار بعهد شاه‌جهان؛ و تاریخ سلطان محمد قطبشاهی درباره سلاطین گلکنده و جز آنها و جز آنها.

۱- درباره چین شمالی (= ختای) کتابی بفارسی درین عهد داریم از مؤلفی بنام سیدعلی‌اکبر ختایی که اصلاً بازرگانی مسلمان از اهل ترکستان بود و چون چندگاهی با اجازه دولت چین در یکن اقامت داشت به «ختایی» شهرت یافت. وی پس از چندگاه در عهد سلطان سلیم اول (۹۱۸ - ۹۲۶) باستانبول رفت و در آنجا بسال ۹۲۲ ه کتاب خود را با فارسی آشفته‌یی که بیشتر تحت تأثیر زبان ترکی شرقیت در بیست فصل با انکاء باطلاعات و مشاهدات شخصی خود نوشت تا سلطان سلیم تقدیم دارد ولی چون هنگام آمادگی کار سلطان درگذشته بود، وی آن را بنام پسر و جانشینش سلطان سلیمان‌خان اول (۹۲۶ - ۹۷۴ ه) تقدیم داشت. نسخه اصلی این کتاب در ترکیه است ولی شفر (Schefer) پارسی‌شناس معروف نسخه‌یی از آن نویساند و سه فصل از آن را در *Melange Orientaux* (تاریخ طبع سال ۱۸۸۳ میلادی) بطبع رسانید. ازین کتاب ترجمه‌یی بترکی باسم قانون‌نامه چین و خطا یاختای‌نامه ترتیب یافت که بسال ۱۲۷۰ ه ق چاپ شده است. بنگرید بفهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، ج ۱، ص ۳۱۸ - ۳۱۹، و نیز به کشف‌الظنون چاپ استانبول، ستون ۱۳۱۴، و مؤلف آن حاج خلیفه‌گوید: فارسی مرتب علی‌عشرین بابا کتبه بعض التجار للسلطان سلیم‌خان فی حدود سنه ۹۰۰ تسمانه ثم ترجمه بمضمون بالترکیه. و یقال ان المولی علی فوشچی ذهب الی خطای من طرف الوغ یک فکتب مارآه کما ذکر فیہ. و البتہ نیاید از اشتباه او در تاریخ تألیف کتاب غافل بود.

رسیده و نسخه‌های خطی هم از آن در دستست. شرح این کتاب و ترجمه‌ی حال مؤلف آن را بجای خود خواهید دید.

درباره پادشاهان اوزبک و جغتای چند کتاب فارسی قابل ذکرست مانند: شرفنامه شاهی تألیف حافظ نثر بن میرمحمد بخاری در بیان تاریخ عبداللہ خان پادشاه معروف اوزبک (از ۹۹۱ تا ۱۰۰۶) از ولادت او بسال ۹۴۰ تا سال ۹۹۷ هـ و بهمین سبب آن را عبداللہنامه هم نام داده‌اند^۱. - دیگر «تاریخ ترکستان» است از محمدامین بن میرزا زمان خان بخاری که در سال ۱۰۵۴ تألیف کرد و از باب شرح سلطنت شیبانیان و نیز ذکر امیران و وزیران و عالمان فرارود بویژه بخارا شایان توجهست^۲. - دیگر تاریخ جهانگیری است درباره پادشاهان جغتای و سلاطین اوزبک و افاضل عهد هر یک ازین دو دسته پادشاهان و نیز شاهانی که با آنان بیوستگی داشتند. مؤلف این کتاب، مطربی سمرقندی، تألیف آن را بسال ۱۰۳۴ در هندوستان آغاز کرد و پیش از ۱۰۳۷ ختم نمود. وی شاعر و از شاگردان خواجه حسن نثاری از شاعران سده یازدهم هجری بوده است^۳.

درباره بدایع الوقایع واصفی هروی که شامل وقایع خراسان و فرارود در نیمه دوم سده نهم هاست بعد ازین سخن خواهم گفت: و باز درباره همین دو ناحیه تاریخ راقم تألیف میرسیدشریف راقم سمرقندی که بسال ۱۱۱۳ تألیف کرد قابل ذکرست. این کتاب حاوی واقعه‌های مشهور و سالهای درگذشت بزرگان خراسان و فرارود و بویژه بخارا و سمرقند است از عهد تیمورگورکان تا جلوس عبدالعزیز ندرمحمدخان (سال ۱۰۵۵) باختصار و گاه فقط بضبط سال و ماه. این کتاب بنام تاریخ کثیره در حاشیه تحفة الاحباب واضح بخاری بسال ۱۳۳۲

۱- برای کسب اطلاع مشروح درباره آن بنگرید بضمیمه فهرست ربو، ص ۴۹ - ۵۱ و بفهرست کتابخانه دیوان هند از دکترانه، ج ۱ ستون ۲۲۹ و بمقاله «شرفنامه شاهی» از آقای سلطان حسین مستدجی در مجله ایران‌نامه شماره ۲ سال ششم ص ۲۵۹ - ۲۷۹.

۲- فهرست بلوشه، ج ۱، ص ۲۹۵ - ۲۹۶.

۳- نسخه Suppl. 1584 کتابخانه ملی پاریس، فهرست بلوشه، ج ۱ ص ۲۹۵ - ۲۹۶.

۵.ق در تاشکند چاپ شد^۱.

برای قبیله‌های افغان و باشیدنگاه و نسب و نژادشان کتابی بنام تاریخ خانجهانی مخزن افغانی از خواجه نعمه‌الله هروی داریم که ازو در شمار پارسی‌نویسان عهد یاد خواهد شد.

راجع بتاریخ سیستان کتاب احیاءالملوک از ملک شاه‌حسین سیستانی درین دوره قابل توجهست که کار تألیف آن در سال ۱۰۲۸ هـ بانجام رسید. درباره آن باز هم سخنی خواهیم داشت.

درباره تاریخ یزد باید از کتاب مشهور محمد مفید مستوفی (م ۱۰۱۹ هـ) بنام جامع مفیدی یاد کرد که بعد ازین هم اشاره‌یی بآن خواهیم داشت. کتاب تذکره شوشتریه از سید عبدالله بن سید نورالدین شوشتریست، و کتاب تاریخ گیلان از عبدالفتاح فومنی همراه نام مؤلف آن معرفی خواهد شد.

این دسته از کتابها بینابین کتابهای تاریخ و کتابهای تواریخ دینی تراجم رجال (تذکره‌ها) و معمولاً در بیان حال و سیرت پیامبر اسلام (ص) و یاران اوست، و اگر از مؤلفان شیعی مذهب باشد پس از بیان حال پیامبر بذكر سرگذشت علی (ع) و جانشینان او و رویدادهای روزگارشان در آنها بسنده می‌شود. از جمله این کتابهاست:

کتاب روضة الاحباب فی سیرة النبی والآل والاصحاب تألیف خواجه میرجمال‌الدین عطاءالله بن فضل‌الله حسینی دشتکی شیرازی معاصر سلطان حسین بایقرا و امیر علی شیرنوایی و شاه اسمعیل صفوی است و موضوع و محتوایش از اسم آن دریافته می‌شود و بعد ازین بآن و مؤلفش اشاره‌یی خواهیم داشت.

دیگر ازینگونه کتابهاست بنقل از گفتار هرمان اته در تاریخ ادبیات فارسی: «عجائب‌القصص تألیف عبدالواحد بن محمد مفتی (قرن دهم هجری، ایندیا آفیس شماره ۱۷۲۹) که در بیست فصل است. دیگر کتاب قصص

انبیای کریم، عبداللطیف فرزند علی الواعظ. البیرجندی (شماره ۵۴۲ فهرست برلین) که در ۸۳ فصل است، و تفسیر تذکرة الانبیاء والامم است (اینندیا آفیس شماره ۳۱۹). کتاب مجمع الهدی تألیف علی بن حسن الزواری (اینندیا آفیس شماره ۱۴۰۳) مطالب را تا امام دوازدهم می‌رساند. از طرف دیگر کتاب افصح الاحوال (فهرست برلین شماره ۵۳۹) بانبیای ماقبل اسلام منحصر است... کتاب مفصلتر دیگری بنام تاریخ انبیاء (اینندیا آفیس شماره ۲۰۲۸) محتوی روایات افسانه‌وار مشروحی است در باب کلیه انبیاء بنی‌سرائیل و ذوالقرنین و جرجیس و راهب برشیشا و غیرهم... کتابی دیگر بنام زبدة العلوم تألیف عوض حساری (حصاری؟) (الیوت ۴۲۰ در بودلیانا) حاوی روایات خالص اسلامی است و شش فصل دارد و احادیث و حکایات مشروحی در باب حضرت محمد (ص) و صحابه و خلفای چهارگانه و مشایخ معروف و علما و اعظام متصوفه آورده...»^۱

دیگر ازین کتابها انیس المؤمنین است از فاضل‌الدین محمد ابهری معروف به فاضل ابهری (سده دهم هجری) در بیان سرگذشت پیامبر و امامان و رویدادهای عهد هر یک از آنان. باین کتاب و آثار دیگر فاضل ابهری در بخش پارسی‌نویسان عهد اشاره خواهد شد.

کتاب بسیار مشهور دیگری که ذکر آن در اینجا لازمست مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری است که میانه سالهای ۹۹۳ و ۱۰۱۰ ه در هند تألیف شده و تاکنون بنا بر آنچه اطلاع دارم یکبار در تهران بسال ۱۲۶۸ ه. ق و بار دیگر در تبریز بی تاریخ چاپ شده است و هیچیک ازین دو چاپ متناسب با ارزش اعلای کتاب نیست. درباره قاضی نورالله و اثرهای او در شمار پارسی‌نویسان عهد سخن خواهم گفت و درینجا باختصار باید دانست که مجالس المؤمنین تألیف مشروحیست درباره شیعه بویژه شیعه امامیه اثنی عشریه

۱- تاریخ ادبیات فارسی هرمان اته ترجمه مرحوم دکتر رضازاده شفق. تهران ۱۳۲۷، ص

و سرگذشت پیشوایان و رجال بزرگ تشیع از آغاز اسلام تا عهد صفویان و نیز بحثهای گوناگون درباره تشیع و اثبات مقالات آن و رد مقالات و مدعیات اهل سنت. از این کتاب بسبب اشتغال بر شرح حال شاعران بزرگی که از میان شیعیان برخاستند، یا قاضی شعار شاعیان را بدانان بریست، غالباً در شمار تذکره‌های معتبر شاعران نیز نام برده می‌شود.

دیگر کتاب مطالع‌الانوار است از عقیف‌الدین بن نورالدین کاشانی که آن را «سیر عقیفی» نیز می‌نامند و تألیف آن بسال ۱۰۸۸ هـ انجام شد. موضوع آن ذکر احوال پیامبر اسلام (ص) و غزوه‌ها و بیان سرگذشت خلفای راشدین تا احوال آخرالزمان و قیام قیامت و جز آنهاست^۱.

حیوةالقلوب تألیف ملا محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ هـ) است که آن را بسال ۱۰۸۷ باسّم شاه سلیمان تألیف نموده است و آن کتابیست مشروح در شرح حال پیامبران و بزرگان دین و بعضی از بادشاهان تا بغثت پیامبر (ص) و شرح حال او و نیاکان و یاران و زنانش، و بحثی مستوفی درباره وجوب وجود امام و عصمت او و آیه‌هایی که در شأن امامان نازل شده است^۲. مجلسی کتاب دیگری بنام تذکره‌الائمہ دارد در یک مقدمه و چهارده باب و خاتمه. چهارده باب آن در شرح احوال چهارده معصوم و خاتمه آن درباره موضوع امامت است. از مجلسی در همین باب کتاب دیگری باسّم جلاءالمیون بازمانده است که بسال ۱۰۸۹ تألیف کرده و آن بسالهای ۱۲۴۰ هـ ق و ۱۲۶۶ هـ ق و بعد از آنها بچاپ رسیده است و در مقدمه آن بحیوةالقلوب اشاره شده. موضوع و فصلها و مقدمه و مؤخره این کتاب همانست که در تذکره‌الائمہ دیده می‌شود.

۱- نسخه کتابخانه دیوان هند بشماره فهرست ۱۶۳ (فهرست، ج ۱، ص ۷۲)؛ و موزۀ بریتانیا و جز آن؛ و نیز بنگرید بتاریخ نظم و نثر فارسی، ص ۳۷۳.

۲- سه حلد ازین کتاب مشروح که در نهران (سازمان انتشارات جلویان) چاپ شده است

در شمار اینگونه کتابها می‌توان اعجاز مصطفوی را ذکر کرد. این کتاب تألیف میرمحمد صالح کشفی از اعقاب شاه‌نعمه‌الله ولی است. درباره پدر و خاندان او پیش ازین^۱ بتفصیل سخن گفته و از همین میرمحمد صالح صاحب مناقب نامه مرتضوی نیز در آنجا یاد کرده‌ام^۲. وی تألیف کتاب اعجاز مصطفوی را بعد از مناقب نامه مرتضوی آغاز نمود ولی عمرش باتمام آن وفا نکرد تا آنکه یک قرن بعد بوسیله یکی از مؤلفان همین خاندان یعنی میرعبداللہ بن میرهاشم متخلص به واصفی بسال ۱۱۵۷ تکمیل شد. مطالب اعجاز مصطفوی بدین شرحست: مقدمه میرعبداللہ بشعر؛ خلقت پیامبر و زندگانش بشعر؛ تفسیر و توضیحی بنثر در باب نظریه توحید نزد صوفیان؛ تاریخ جنگهای پیامبر از بدر (سال دوم هجرت) تا حنین (سال هشتم هجرت) بشعر؛ معجزات پیامبر و علی (ع) بنثر؛ آخرین سفر حج و رحلت پیامبر؛ خلافت ابوبکر، عثمان و علی بنثر؛ ذکر منقبت فاطمه زهرا و علی و حسن و حسین (ع) و باقی دوازده امام بنثر و نظم^۳.

کتاب درالمجالس در ۳۳ فصل در ذکر فضائل و مکارم و بیان حال پیامبران تا خاتم النبیین و علی بن ابی طالب و بعضی دیگر از بزرگان اسلام و عده‌یی از مشایخ مانند حسن نصری و سفیان ثوری و ابراهیم ادهم تا ابوسعید ابوالخیر، از سیف‌الظفر نوبهاری (سیف‌الدین ظفر نوبهاری یا بیهاری). ازین کتاب نسخ‌هایی در کتابخانه‌ها پراکنده است^۴. این کتاب را سلم‌الانبیا هم نامیده‌اند^۵ و مقصود از تألیف آن بیشتر ارشاد سالکان راه تصوف بوده است.

پیش ازین^۶ درباره زروم گزایوبه و آثار او درباره مسیحیت، و نیز راجع

۱- همین کتاب ص ۱۳۱۰ - ۱۳۱۴.

۲- ایضاً ص ۱۳۱۲.

۳- بنگرید بفرست ریو، ص ۱۵۳ - ۱۵۴ (نسخه 7088 Add.)

۴- فهرست کتابخانه دیوان هند، ج ۱ ص ۱۰۴۵ - ۱۰۴۷.

۵- ایضاً همانجا.

۶- همین جلد، ص ۲۷۵ - ۲۷۶.

بکتابش مرآت‌القدس سخن گفتمام که در چهار باب و خاتمه نگارش یافته است بدین ترتیب: باب اول در طفولیت مسیح و ولادت و پرورش یافتن، باب دوم در معجزه‌ها و تعلیم، باب سوم در جفاها و محتتها و مرگ مسیح، باب چهارم در برخاستن مسیح از قبر و رفتن او بر آسمان. خاتمه ترجمه قصه حضرت عیسی. این کتاب چنانکه در جای خود دیده‌ایم ترجمه‌یست که مؤلف از اثر لاتینی خود بفارسی ترتیب داده و باآنکه خود نیز هفت سال فارسی می‌آموخت همکاری بنام عبدالستار پسر قاسم لاهوری در این راه برای خود برگزید^۱.

بدنبال این دسته از کتابها که ذکر کرده‌ایم، و بیشتر تراجم احوال صوفیان مشتملست بر ذکر حال پیامبران و بزرگان دین، نوبت می‌رسد بنام بردن از کتابهایی که انحصاراً در ترجمه حال پیشوایان صوفیه، درین عهد، نوشته شده است. باز هم درین مورد باید دست بدامان مؤلفان ساکن هند زنیم و از کوششهای آنان مدد جویم. از جمله این کتابهاست:

سیرالعارفین در بیان حال سیزده تن از مشایخ بزرگ طریقت چشتیه هند تألیف حامدبن فضل‌الله جمالی کنبوی دهلوی معروف به درویش جمالی (م ۹۴۲ هـ). درباره او و کتابش بنگرید به بخش پارسی‌نویسان عهد.

نواقب‌المناقب که تحریر جدیدیست از مناقب افلاکی که بسال ۹۴۷ هـ بدست عبدالوهاب بن جلال‌الدین محمد همدانی انجام گرفت، باز بنگرید بقسمت پارسی‌نویسان عهد.

اخبارالاکبار فی اسرارالابرار از عبدالحق بن سیف‌الدین ترک دهلوی بخاری، دانشمند و صوفی و مؤلف مشهور صاحب کتابهای متعدد که در ذیل ترجمه حالش بدانها اشاره خواهد شد. وفاتش در ۱۰۵۲ هـ اتفاق افتاد. در کتاب مذکور مؤلف بیان احوال عده زیادی از مشایخ طریقه‌های مختلف چشتی و قادری و جز آنها پرداخته و در خاتمه شرحی درباره خود و پدرش آورده و آن

۱- علاوه بر نسخه کتابخانه ملی پاریس که پیش ازین ذکر شده، یک نسخه ازین کتاب

در کتابخانه دیوان هند شماره فهرست ۶۱۹ (ج ۱، ص ۲۵۰ - ۲۵۱) معرفی شده است.

را محتملاً بسال ۱۰۲۸ بپایان رسانیده است.

اخبارالاصفیا تألیف عبدالصمد بن افضل الدین محمد بن یوسف انصاری از خویشاوندان ابوالفضل علامی، که در ۱۰۱۴ تألیف شد^۱.

روضه‌الریاحین شامل شرح حال مشایخ بزرگ که اصل آن عبری و موسومست به «روضه‌الریاحین فی حکایات الصالحین» تألیف عبدالله بن اسعد الیا فعی الیمنی (م ۷۶۸ هـ)^۲. ترجمه این کتاب بدست فضل الله بن اسدالله حسینی سمنانی متخلص به جهانی از معاصران پادشاهان قطبشاهی انجام گرفته و در آن پانصد حکایت در سرگذشت مشایخ نقل شده^۳ و تکمله همین کتاب بنام خلاصة‌المفاخر نیز پارسی در آمده است^۴.

درباره محفل‌الاصفیا و مجمع‌الاولیا از علی‌اکبر حسینی اردستانی (سده یازدهم) در ذیل عنوان پارسی‌نویسان سخن خواهم گفت و در اینجا همینقدر باید دانست که این کتاب از باب اشتمال بر اطلاعات وسیع درباره مشایخ بزرگ و پیروان آنها بسیار قابل توجهست.

مونس‌الارواح درباره معین‌الدین سجزی چشتی^۵ و بعضی از پیروانش، تألیف جهان‌آرا مخاطب به «بیگم صاحب» (ولادت ۱۰۲۲ - وفات ۱۰۹۲) بزرگترین فرزند شاه جهان است. وی در مقدمه کتاب درباره سلسله چشتیه بنا استفاده از سفینة‌الاولیا که برادرش داراشکوه نوشته بود شرحی نگاشته و کتاب

۱- ایضاً فهرست کتابخانه دیوان هند، بشماره فهرست ۶۴۱، ج ۱، ص ۲۶۶.

۲- درباره او بنگرید به «هدیه‌العارفین» تألیف اسمعیل پاشا بغدادی، استانبول ۱۹۵۱، ستون ۴۶۵ - ۴۶۶. این کتاب در مصر بطبع رسیده است و بافمی خود آن کتاب را تلخیص کرده و «نزهة‌العمیون‌النواظر و تحف‌القلوب‌والخواطر» نامیده است و نیز کتاب دیگری بنام «اطراف عجائب الآیات والبراهین وارداف غرائب حکایات روض‌الریاحین» درباره کتاب یاد شده دارد.

۳- فهرست کتابخانه دیوان هند، ج ۱، شماره فهرست ۶۴۲، ص ۲۶۶ - ۲۶۷.

۴- ایضاً شماره فهرست ۶۴۳، ص ۲۶۸.

۵- درباره او بنگرید بهمین کتاب ج ۳ چاپ چهارم، ۱۳۶۳، ص ۱۷۵.

را در سال ۱۰۴۹ تکمیل کرده است.^۱

سیرالاقطاب در شرح حال دستهبندی از مشایخ چشتیه تألیف شیخ‌الله دبه ابن شیخ عبدالرحیم است که بسال ۱۰۵۶ بپایان رسانید. کتاب در شرح حال عده‌یی از مشایخ چشتی هند است و مؤلف از آغاز کار آنان شروع کرده و بعد از قطب‌الدین بختیار اوشی^۲ بعده‌یی از مشایخ محلی پانی‌پتی و دنباله آنها تا عهد مؤلف اشاره نموده است.

مرآةالاسرار درباره زندگی مشایخ هند از آغاز حکومت‌های اسلامی تا عهد مؤلف آن یعنی عبدالرحمن بن عبدالرسول چشتی. وی از یک خاندان از مشایخ چشتی بود که در «اود» و رادولی^۳ بسر می‌بردند. درین کتاب هم شرح حال مشایخ چشتیه از آغاز کارشان شروع شده و علاوه بر این مؤلف توضیحاتی درباره دیگر سلسله‌های تصوف هم داده است مثل قادریه، صفویه، نقشبندیه، ادرسیه، انصاریه و جز آنها. کتاب در ۱۰۶۵ باتمام رسید و تشکیل می‌شود از یک مقدمه و بیست و سه طبقه و کتاب قابل توجهی است.^۴

سفینه‌الاولیا و سکینه‌الاولیا هر دو از تألیفات شاهزاده محمد داراشکوه (کشته در ۱۰۶۹ هـ) است که پیش ازین درباره آنها سخن گفتم و بعد ازین در ترجمه احوال داراشکوه بدانها اشاره خواهم کرد.

سفینه‌العارفین درباره مشایخ قدیم و آنانکه از هند برخاستند ناسده بازدهم هـ تألیف محمدامان بن محمدیوسف بن محمدرحیم که گویا نسبش بیزدگرد شهریار می‌رسید. وی بیسباری از ناحیتهای هند برای ملاقات مشایخ و کسب اطلاع از احوال آنان سفر کرد و گوید که ترجمه احوال مشایخ عهد

۱- فهرست ریو، ص ۳۵۷.

۲- همین کتاب، ج ۳ ص ۱۷۵.

۳- Radouli

۴- فهرست ریو، ص ۳۵۹ - ۳۶۰.

۵- همین جلد، ص ۲۲۷.

خود را بر آنچه از کتابهای ذیل فراز می آید افزوده است: کشف المحجوب، تذکرة الاولیا، نفحات الانس، فوائد الفوائد، راحة القلوب، خیر المجالس، سیر العارفين، روضة الاتقيا، اخبار الاخيار، سیر الاولیا، سفينة الاولیا، سکينة الاولیا، حسنات العارفين، مونس الارواح. مؤلف شرح حالها را با ترجمه خلفای راشدین، امامان دوازده گانه شیعیان، چهار فقیه اهل سنت آغاز کرده و تا مشایخ سده یازدهم هند و زنان عابد رسانیده است. آخرین سال مذکور در این کتاب ۱۱۰۳ یعنی سال مرگ سید حسن رسول نماست. در شرح حال زنان عابد بیشتر از حسنات العارفين داراشکوه استفاده شده است.^۱

مطلوب الطالبین شرح حال مفصل شیخ نظام الدین محمد اولیا (م ۷۲۵ هـ) از مشایخ بزرگ چشنیه هند که بدست یکی از اعقابش بنام محمد بولاق بن شیخ ابو محمد خالدی دهلوی بسال ۱۱۱۱ هـ تدوین شد. کتاب مشروح و قابل توجهت^۲.

مناقب الحضرات از شیخ محمد مراد نقشبندی (م ۱۱۳۴ هـ) در ذکر سرگذشت چند تن از مشایخ نقشبندی^۳.

سواطع الانوار کتاب بزرگ مشروح درباره مشایخ چشتیه تألیف محمد اکرم بن شیخ محمد علی که خود از مشایخ آن طریقت بوده و کار تدوین این کتاب را بسال ۱۱۳۵ هـ آغاز نموده و بسال ۱۱۴۲ به پایان برده و درین راه از مأخذهای مختلف استفاده کرده است.^۴

نحائف رشیدیه سرگذشت مشایخ قادریه است از آغاز شاه فتح محمد قادری مراد مؤلف، تألیف محمد عبدالرشید قادری مشتمل بر ۳۷ سرگذشت در سال ۱۱۴۳ هـ.^۵

۱- فهرست ریو، ص ۳۶۲.

۲- فهرست کتابخانه دیوان هند، ات، ج ۱، ص ۳۱۸ - ۳۲۶.

۳- ایضاً ص ۳۱۷ - ۳۱۸، بشماره فهرست ۶۵۲.

۴- ایضاً ص ۳۲۶ - ۳۲۹، شماره فهرست ۶۵۱.

۵- فهرست ریو، نسخه شماره Add. 16, 816.

روضه‌الاولیا کتاب مختصریست دربارهٔ مشایخ بزرگ هند بویژه دکن، تألیف غلامعلی آزاد بلگرامی مؤلف سرو آزاد و خزانهٔ عامره در سال ۱۱۶۱ هـ و شرح حال خود مؤلف در پایان آنست.^۱

درین باره هم کتابهایی بفارسی ازین دوره داریم. پیش سرگذشت حکیمان و عالمان ازین^۲ دربارهٔ کتابهای رجال که درین عهد نوشته شده باختصار اشارتی داشته‌ام و خواننده می‌تواند نام آن کتابها را درینجا یادداشت کند (البته آنها را که بفارسیست) و بویژه آنچه در بعضی از کتابهای تاریخ در ذکر بزرگان هر عهد آمده است در مورد سرگذشت بزرگان علم و حکمت نیز قابل استفاده است.

اما کتابی که درین دوره مستقیماً دربارهٔ سرگذشت حکیمان و عالمان فراهم آمده باشد کتاب تاریخ حکما ست. این کتاب ترجمه‌یست از کتاب نزهةالارواح و روضةالافراح فی تواریخ الحکماء المتقدمین والمتأخرین معروف به «تاریخ الحکما» تألیف شمس‌الدین محمد بن محمود شهرزوری^۳. مترجم آن مقصودعلی هروی تبریزی است که چون ساکن هند شد بمقصود علی هندی معروف گردید. وی کتاب یاد شده را بسال ۱۰۱۱ هـ با بعضی اضافات بدستور شاهزاده سلیم (= جهانگیر پادشاه) در دورهٔ سلطنت جلال‌الدین اکبر از عربی به پارسی در آورد و این ترجمه در تهران بطبع رسیده است.^۴

دیگر کتاب قول‌الحکما ست که «انتخاب تاریخ الحکما» نیز خوانده

۱- فهرست کتابخانهٔ دیوان هند، ج ۱ س ۳۳۹، شمارهٔ فهرست ۶۵۵.

۲- همین جلد، ص ۴۱۶ - ۴۱۸.

۳- بنگرید بکشف‌الظنون حاجی خلیفه، استنبول، ج ۲، س ۱۹۳۹.

۴- دربارهٔ تاریخ حکما و مقصودعلی بنگرید به:

• تاریخ نظم و نثر در ایران، سعید نفیسی، ص ۴۰۱ و ۸۰۸.

• ابضاح‌المکتون فی الذیل علی کشف‌الظنون، اسمعیل پاشا، ج ۱، س ۲۱۴.

• فهرست کتابخانهٔ دیوان هند، انه، س ۲۴۹، شمارهٔ فهرست ۶۱۴.

می‌شود و گزیده‌بسیست از تاریخ حکمای مقصود علی تبریزی بدست منشی میرسیدصدرالدین بن میرمحمدصادق بن میرمحمدامین. نسخه‌ی ازین کتاب در کتابخانه دیوان هند موجود است.^۱

چند کتاب هم از دوره مورد مطالعه ما بییان احوال تاریخ وزیران و امیران و دولتمردان رجال عهد اختصاص یافته است. از آنجمله است ارشادالوزرا تألیف صدرالدین محمدبن زبردستخان، درباره وزیران معروف از روزگاران کهن تا عهد مؤلف که در دوازده «مقاله» بذکر نامشان پرداخته است بدین شرح: ۱) حکمای قدیم: فیثاغورس، جاماسب، سقراط، افلاطون، ارسطو و غیره که بترتیب بعنوان وزیر گشتاسب، بهمن، همای، دارا و پادشاهان دیگر ایران معرفی شده‌اند. وزیران سلسله‌های ذیل: ۲) بنوامیه (۳ بنوعباس ۴) آل سامان (۵) غزنویان (۶) آل بویه (۷) سلجوقیان (۸) خوارزمشاهان (۹) چنگیزخان و جانشینانش (۱۰) آل مظفر و غوریان (۱۱) تیمور (۱۲) تیموریان هند. - این کتاب در عهد سلطنت محمدشاه (۱۱۳۱ - ۱۱۶۱ هـ) نوشته شده است. زبردستخان پدر مؤلف کتاب، پسر ابراهیم‌خان، در بیست و چهارمین سال اورنگ زیب (۱۰۹۵ هـ) بصوبه‌داری «اود» معلوم شد و متعاقباً بلاهور و اجمیر منتقل گردید و در عهد بهادرشاه (۱۱۱۹ - ۱۱۲۴ هـ) درگذشت.^۲

مآثر رحیمی تألیف میرعبدالباقی نهاوندی از مؤلفان معروف عهد جلال‌الدین اکبر و جهانگیر است که بسال ۱۰۴۲ هـ درگذشت. وی کتاب خود را بنام و در شرح حال میرزا عبدالرحیم خانخانان^۳ نوشته و بمناسبت اطلاعات ذیقیمتی درباره شاهان و امیران و سپاهیان و عالمان و شاعران و جز آنها در کتاب خود آورده است. درباره این کتاب ذیقیمت و مؤلف آن ضمن بیان

۱- فهرست کتابخانه دیوان هند، ج ۱، ص ۲۵۰، شماره فهرست ۶۱۸.

۲- فهرست چارلز ریو، ص ۳۳۸.

۳- درباره او بنگرید بهمین جلد، ص ۴۷۱ - ۴۷۵.

احوال پارسی‌نویسان عهد سخن خواهد رفت.
 مآثر الامرا کتاب بسیار پرارزش و مشروحیست از عهد گورکانیان هند که شرح حال ۷۳۰ تن از پادشاهان و وزیران و امیران و سپاهیان و رجال بزرگ دولتی آن دوران در آن آمده. مؤلف آن میرعبدالرزاق خوافی ملقب بصمصام‌الدوله و شهنوازخان (کشته در ۱۱۷۱ هـ) از سال ۱۱۵۰ تا پایان عمر سرگرم تألیف این کتاب بزرگ بود و آن از ۱۸۸۸ تا ۱۸۹۱ میلادی در کلکته بطبع رسید.

دوره مورد مطالعه ما از مهمترین دوره‌های تذکره‌های فارسی
 تذکره‌نویسی بدنبال نهضت آخرهای دوره تیموریان
 درین راهست. شور و شوقی که درین دوره در ایران و سپس در هند در تألیف تذکره‌های شاعران وجود داشت، در دوره بعد از آن با نیرویی بسیار ادامه یافت و کتابهای متعدد کوچک و بزرگ درین راه بزینت تصنیف و تألیف آراسته شد. گذشته از محیط مساعدی که تشویق و ترغیب امرا و پادشاهان برای ایجاد چنین کتابهایی بوجود آورده بود، رواج شعر بخودی خود هم انگیزه‌ی خاص درین امر بود. شعر فارسی درین عهد، بدنباله نهضت دوره تیموری و بعلمت‌های دیگری که پیش ازین در همین جلد آنها را شناخته‌اید، نه تنها در دربارها و دستگاه‌های امارت نشانه فضل و سرمایه تقریب بمرکزهای قدرت بود، بلکه بذات خویش یکی از مظاهر کمال انسانی و مایه برتری شاعر بر دیگر مردمان، حتی بر اهل علم بوده است و بهمین سبب هر کس اندک مایه‌ی از ذوق داشت سعی می‌کرد آن را دست موزه تفاخر سازد و بر اهل زمان عرضه کند. بهمین علت بود که در هر طبقه و هر دسته از طبقات اجتماعی آن زمان بنام عده کثیری از شاعران باز می‌خوریم و حتی کمتر فیلسوف و عالم و پزشک و ریاضی‌دانی را درین دوره می‌یابیم که کار اصلی خود را، ولو در زمانهایی کوتاه، از دست فرو نهاده و سمنند طبع را در میدان نظم بجولان در

نیاورده باشد تا چه رسد بمردم عادی کوی و برزن و بازار و اهل مسجد و خانقاه و جز آن.

این رواج عظیم شعر عده‌یی از صاحب ذوقان زمان را برمی‌انگیخت تا در هر شهر و ناحیه بجست و جوی طبع آزمایان و ثبت سرگذشت و فراهم آوردن نمونه‌هایی از شعرشان برخیزند و کتابهایی ازین راه فراهم آورند، و بعضی از آنان را وادار تا درین راه بشهر و دیار یا ناحیه محدود نزدیک بخود اکتفا نمایند و از شهری بشهری و از ناحیه‌یی بناحیه‌یی و از کشوری بکشوری سفر کنند و درین سفرها شاعرانی پارسی‌گوی بجویند، با آنان باب معاشرت بگشایند، از حال و کارشان خبر گیرند و دیوانهایشان را بخوانند و نامشان را در کتابهای خود ثبت کنند.

کسانی مانند میر تقی‌الدین کاشانی و فخرالزمانی و تقی اوحدی بلیانی و بعضی دیگر از اینگونه مردان را می‌شناسیم که شهرهای ایران و هند را زیر پای سیاحت در آورده و از طبقات مختلفی که شعر می‌سرودند در کتابهای خود یاد نموده‌اند و حاصل کار این طبقه بنوبه خود سرمایه دست‌یی دیگر شد تا از مجموع کارها و تحقیق‌ها و جست و جویهای آنان کتابهایی بسازند و ازین راه تذکره‌های مشروح بزرگی خواه در همین عهد و خواه در دوره بلافصل آن یعنی سده سیزدهم و اوایل سده چهاردهم مثل آتشکده، صحف ابراهیم، مخزن‌الغرائب، مجمع‌الفصحا و جز آن و جز آن ترتیب دهند که مجموع آنها بصورت سرمایه بزرگی برای ادب و ادب شناسان فارسی در آمده و بصورت گنجینه‌یی کم‌نظیر برای آیندگان باقی مانده است.

این گنجینه‌های شعر و ادب همانهایی هستند که اصطلاحاً آنها را تذکره می‌نامیم و گویا این اصطلاح از نام «تذکره الشعراء»ی دولت‌شاه نشأت کرده و باز مانده است، و شاید از تعبیر «تذکره احوال» در این نامگذاری استفاده شده باشد، و بهر حال نوعیست از «کتب تراجم رجال» و دنباله‌یست از آنها که درین مورد فقط بشاعران یا رجال دیگری که گذشته از کارهای عادی خود گاه

شعر هم می‌سروده‌اند، اختصاص یافته است.

از جمله کتابهایی که در آخرهای عهد تیموری در ذکر طبقات مختلفی از شاعران تألیف شده بود کتاب مجالس النفاثس میرعلی شیرنوازی (م ۹۰۶ هـ) بترکی جفتایی است^۱ که بسال ۸۹۶ تألیف نمود. ازین کتاب نفیس و پربها چند سال بعد از مرگ مؤلف آن ترجمه‌ها و تکمله‌هایی فراهم آمد که از جمله آنهاست:

لطائف نامه از سلطان محمد فخری هروی که پیرامون سالهای ۹۲۷ - ۹۲۸ با افزایشهایی بفارسی سلیس ترجمه شد، و این فخری هروی که شرح حال و اثرهایش را جداگانه خواهید دید کتاب دیگری با اسم جواهرالعجایب در بیان حال بیست و پنج تن از زنان شاعر و کتابی بنام روضه‌السلطین در ذکر پادشاهانی که شعر می‌سروده‌اند تألیف کرد، بشرح حالش مراجعه کنید.

ترجمه حکیم شاه‌محمد قزوینی که در سال ۹۲۷ بنام سلطان عثمانی (سلطان سلیمان اول) آغاز کرده و بسال ۹۲۹ پایان رسانیده است. وی نیز ترجمه خود را با نقصانها و افزایشهایی در مجالس النفاثس انجام داده است. بترجمه حالش بنگرید.

ترجمه دیگری از مجالس النفاثس با اسم بقیه نقیه از شیخ‌زاده فایض نیمردانی بسال ۹۶۱ هـ صورت گرفته است که بطبع نرسید و نسخه‌یی از آن نزد مرحوم سید محمد طاهری شهاب ساروی از شاعران معاصر ما موجود بود و آقای احمد گلچین معانی شرح آن را در کتاب خود بنام تاریخ تذکره‌های فارسی (ج ۲ ص ۱۲۳ - ۱۲۵) آورده است.

قاضی میراحمد قمی از نویسندگان مشهور اواخر سده دهم بجز کتاب خلاصه‌التواریخ خود سه کتاب معروف در ذکر سخنوران و هنروران فراهم آورده است بنامهای: مجمع‌الخیار، مجمع‌الشعراء، گلستان هنر. شرح حال او بعد

۱- بنگرید بهمین کتاب، ج ۴، چاپ چهارم، تهران ۱۳۶۶، ص ۳۸۵ و شرح حال

امیرعلی شیرنوازی (فدایی) را هم در آن جلد از ص ۳۸۲ بید می‌بینید.

ازین خواهد آمد.

از کتابهای معتبر دیگر در تذکره شاعران کتاب نهان‌المآثر است از میرعلاءالدوله حسنی سیفی قزوینی متخلص به «کامی» که شرح حالش بعد ازین گفته خواهد شد.

دیگر کتاب پرارزش نحفه سامی است از ابوالنصر سام میرزا متخلص به سامی پسر شاه اسمعیل اول که بسال ۹۵۷ در یک مقدمه و یک تنبیه و هفت صحیفه و خاتمه تألیف شده و ازین بابت که حاوی شرح احوال شاعرانی از طبقات مختلف در اواخر عهد تیموری و بایندری و آغاز دوران صفویست بسیار قابل استفاده است. شرح حال سامی بعد ازین خواهد آمد.

دیگر کتاب مشروح و پرارزش هفت اقلیم است از محمدامین بن احمد رازی که بسال ۱۰۰۲ در هند تألیف کرده و در آن ضمن بیان اطلاعات جغرافیایی و تاریخی هر یک از اقلیمهای هفتگانه بذکر احوال بزرگان آن اقلیمها و شاعران و دکر نمونههای اشعار آنان توجه نموده است. این کتاب در تهران (مغلوط) و هند (ناتمام) بطبع رسیده است.

چند سال بعد از تألیف هفت اقلیم یعنی بسال ۱۰۲۸، عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی متخلص به نبی کتاب مشهور خود میخانه را تألیف کرد. وی بنای خود را بر نوشتن ترجمه احوال شاعرانی نهاد که ساقی نامهبی ترتیب داده باشند و نقل ساقی نامهای آنان. این کتاب که از آن باز در ذیل نام مؤلف سخن خواهم گفت، دوبار (لاهور ۱۹۲۶ میلادی و تهران ۱۳۴۰ خورشیدی) چاپ شد و خوشبختی فخرالزمانی در آنست که کتابش هر دو بار بکوشش دو دانشمند مطلع یعنی مرحوم پرفسور محمدشفیع (پاکستان) و آقای احمد گلچین معانی (ایران) بزبور طبع آراسته گردید.

کتاب معتبر دیگر در ترجمه احوال شاعران کتاب تذکره نصرآبادی است درباره شاعران عهد صفوی که بنام شاه سلیمان میان سالهای ۱۰۸۳ - ۱۰۹۰ در یک مقدمه و پنج صف و خاتمه تألیف شده است. درباره این کتاب و مؤلف

آن میرزا محمد طاهر نصر آبادی بعد ازین سخن خواهم گفت. بر این کتاب ذیلی در سال ۱۱۳۴ هـ ترتیب یافته که در آن از ۱۴۱ شاعر یاد شده است^۱.

تذکره عظیم و بسیار سودمند خلاصه الاشعار و زبدة الافکار را باید از جمله بهترین آثار عهد صفوی در شناخت احوال شاعران متقدم و متأخر دانست. مؤلف این تذکره میر تقی الدین محمد بن شرف الدین علی حسینی کاشانی متخلص به ذکری و معروف به «میر تذکره» است که جز این هم اثرهایی دارد و شرح حال و آثارش را جداگانه خواهید دید. آخرین تاریخی که با تجدید نظرهای ذکری در تذکره او می بینیم سال ۱۰۱۶ هجریست.

شیخ ابوالقاسم انصاری کازرونی متخلص بقاسمی (پسر ابوحامد پسر نصرالبیان) از عالمان و شاعران سده یازدهم است. وی شاگرد وجیه الدین سلیمان بود که در خدمت غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی علم آموخته بود. قاسمی کتابی دارد بنام سلم السموات که آن را بسال ۱۰۱۴ هـ تألیف نمود. این کتاب در هفت بخش و هر بخش موسومست به «مرقوم» که در آنها بترتیب دربارۀ: (۱) توحید (۲) نبوت (۳) ولایت (۴) جمعی از حکمای جهان (۵) بعضی از شاعران (۶) مواعظ و حکم (۷) موت و معاد سخن رفته و مرقوم پنجم آن را می توان در حکم تذکره کم اهمیتی تلقی نمود که در تهران بطبع رسید. قاسمی شعر نیز می سرود و دیوانی دارد^۲.

جلد سوم کتاب جامع مفیدی تألیف محمد مفید مستوفی بافقی یزدی که شرح آن در بخش پارسی نویسان عهد خواهد آمد، از جهت اشتغال بر ذکر حال سادات و علما و وزراء و مستوفیان و شعرا و هنرمندان که از یزد برخاسته یا بنوعی با تاریخ آن ارتباط داشته اند، نیز می تواند در شمار تذکره ها یاد شود،

۱- درباره این ذیل رجوع شود ب فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۲۳۳۰ -

۲۳۳۸ و تاریخ تذکره فارسی، ج ۱ ص ۴۰۴ - ۴۰۶.

۲- تاریخ تذکره های فارسی، ج ۲، ص ۶۵۳ - ۶۶۰؛ فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه،

ج ۲، ص ۵۹۳ - ۵۹۴.

اگرچه دنباله مطالبی است که مؤلف در بیان تاریخ یزد آورده است. مفید مستوفی تألیف کتاب خود را بسال ۱۰۸۲ در بصره آغاز کرده و در سال ۱۰۹۰ در مولتان بانجام رسانیده است.

دو کتاب میرزا محمد صادق مینا پسر میرزا صالح اصفهانی آزادانی (م ۱۰۶۱ هـ) بنام شاهد صادق و صبح صادق، بویژه کتاب ثانوی، حاوی اطلاعات ارزنده‌یی در تراجم رجال هستند. درباره آنها باز هم سخنی خواهیم داشت. کتاب بسیار معتبر و مفصلی که باید در اینجا ذکر شود عرفات العاشقین و عرصات العارفین است از نقی الدین محمد اوحدی دقافی بلیانی اصفهانی که میان سالهای ۱۰۲۲ - ۱۰۲۴ هـ تألیف شد و مؤلف آن در سال ۱۰۳۰ انتخابی از آن بنام کعبه عرفان ترتیب داد. بترجمه حالش بنگرید.

تذکره لطائف الخیال تألیف ملا شاه محمد بن محمد عارف دارابی شیرازی تذکره عمومی شاعرانیست که نامشان در ذیل اعلام جغرافیایی ذکر شده. تألیف این کتاب بسال ۱۰۷۶ هـ آغاز گردید. بشرح حال مؤلف آن رجوع کنید.

کتاب مجالس المؤمنین قاضی نورالله نوشتری (م ۱۰۱۹ هـ) که بسال یکهزار و ده از تألیف آن فارغ شد، و پیش ازین بدان اشارتی داشتیم، بسبب اشتغال بر ترجمه حال گروه بزرگی از دانشمندان و شاعران، می‌تواند در شمار تذکره‌ها مذکور گردد. ذکر شاعران پارسی‌گوی در مجلس دوازدهم این کتاب آمده و در آن از بیست و دو شاعر از فردوسی تا لسانی شیرازی سخن رفته است.

تذکره‌هایی که از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم تألیف شده بهمین چند کتاب که اشاره کرده‌ام منحصر نیست و گذشته ازین در کتابهای تاریخ این دوره هم چنانکه دیده‌ایم در پایان عهد هر پادشاه یا هر سلسله‌یی احوال عالمان و حکیمان و شاعران آن عهد آمده است. خوشبختانه برای احصاء همه اینگونه تاریخها و تذکره‌ها دوست فاضلم آقای احمد گلچین در دو جلد کتاب تاریخ

تذکره‌های فارسی (تهران ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰) حق مطلب را ادا کرده است و اگر خواننده بآن کتاب مراجعه کند مرا از ادامه بحث در این مورد بی‌نیاز خواهد ساخت.

پیش ازین^۱ درباره ترسل و انشاء فارسی درین عهد،
 ترسل در دنباله دانشهای بلاغی، سخن گفته و نموداری را
 ببعضی کتابها که درباره دستور نامه‌نویسی یا بصورت مجموعه نامه‌های نمونه
 درین دوره تألیف شده‌اند، اشاره کرده‌ام^۲. درینجا دنباله همان مطلب را
 می‌گیرم، باتوجه باین نکته که بحث درباره عده‌یی از مترسلان که در شمار
 نویسندگان و مؤلفان این عهد هم هستند، ذیل عنوان فارسی‌نویسان عهد انجام
 خواهد گرفت و نسبت بباقی آنان، یا کسانی که پیش ازین شرح حالی از آنان
 دیده‌اید، در همین جستار بذکر و اشاره اجمالی بسنده خواهم کرد.

در عهد تشکیل شاهنشاهی صفوی، از بازماندگان عهد مقدم غیاث‌الدین
 خواندمیر^۳ مورخ و مؤلف بزرگ کتابی دارد بنام نامه‌نامی که تألیف آنرا بسال
 ۹۲۵ هـ آغاز کرده و بسال ۹۳۰ هـ بپایان برده است. این کتاب به نه (۹)
 «سطر» تقسیم شده و در آنها فرهنگ (قاعده) و بنیادکار در انشاء نموده شده و
 نمونه‌هایی از نامه‌ها مربوط بطبقات ذیل ارائه گردیده است یعنی نامه‌هایی به:
 شاهان، وزیران، امیران و دیگر دیوانیان، عالمان، مشایخ، قاضیان، دهقانان،
 بازرگانان، مستوفیان، صاحب حرفگان، خویشاوندان، دوستان، نامه‌های
 تبریک و تسلیت، فرمانها، حکمها و جزاینها؛ و در هر «سطر» توضیحات کافی
 همراه با مثالهایی برای راهنمایی فراگیرنده مذکور افتاده و نمونه‌هایی از
 نوشته‌های معاصران خواندمیر که ارزش تاریخی دارند داده شده و در

۱- همین جلد، ص ۴۰۵ - ۴۰۸.

۲- و در آنجا فراموش کردم که از ترسل عبدالواسع (سده یازدهم) نام ببرم.

۳- درباره او بنگرید بهمین کتاب، ج ۴، چاپ دوم تهران ۱۳۶۳، ص ۵۴۱ - ۵۴۵.

خاتمه کتاب بیتها و رباعیها و قطعها و لغزها و ماده تاریخیهایی که مناسبتی با بعضی از نامدهای گوناگون دارند از مؤلف نقل گردیده است.^۱

معاصر دیگر شاه اسمعیل، قطب‌الدین عبداللہ بن محیی، معروف به قطب بن محیی، مجموعه‌یی از منشآت دارد که با نثری روان و استوار نوشته شده است و پس ازین ضمن معرفی او از آنها نام خواهم برد.

یکی از مجموعه‌های بسیار مهم این دوره که از مأخذهای تاریخی نیز هست منشآت‌السلطین معروف به «منشآت فریدون بیگ» است. نشانجی احمد معروف بفریدون بیگ مجموعه مذکور را از یکهزار و هشتصد نامہ بسال ۹۸۲ هـ ترتیب داد و بسططان مراد سوم تقدیم کرد و آن بسال ۱۲۶۵-۱۲۶۴ هـ ق در استانبول بطبع رسید. درین مجموعه نامہ‌هایی فارسی و بندرت ترکی که سلطانان عثمانی از سال ۸۴۱ تا ۹۱۱ هـ بامیران ترک و بیادشاهان و بزرگان آن عهد در ایران (مثل شاهرخ، جهانشاه ترکمان، شروانشاهان، بایسنقر میرزا، سلطان حسین بایقرا، نورالدین عبدالرحمن جامی و جز آنان) نوشته‌اند گرد آمده است.^۲

درباره منشآت شاه‌طاهر دکنی (م ۹۵۳ هـ)^۳ شاعر و نویسنده و پیشوای مذهبی بزرگ که از آثار خوب این دورانت جداگانه سخن خواهم گفت. از بدایع‌الانشاء اثر یوسف بن محمد معروف به یوسفی هروی که در سال ۹۴۰ هـ در هند تألیف شده پیش ازین^۴ سخن رفته است. ازین مجموعه که حاوی نمونه‌های نامہ‌ها و توقیع‌ها و مجاوراتست نسخه‌هایی در کتابخانه دیوان هند

۱- درباره نامہ نامی رجوع شود بترجمه تاریخ ادبیات فارسی هرمان انه بدست مرحوم دکتر رضازاده شفق، تهران ۱۳۳۷، ص ۲۴۶ - ۲۴۷؛ تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، ص ۵۸۹ - ۵۹۰.

۲- برای مطالعه شرح مفصل در معرفی این مجموعه بنگرید بفهرست ریو، ص ۳۹۴.

۳- درباره او بنگرید بهمین جلد، ص ۶۶۲ پیما.

۴- همین جلد، ص ۴۰۶ - ۴۰۷.

و کتابخانه موزه بریتانیا و کتابخانه موزه ملی پاکستان و جز آنها موجود است. مؤلف پزشک و در همان حال شاعر و نویسنده و منشی همایون پادشاه بوده است.^۱

از حکیم مسیح‌الدین ابوالفتح گیلانی و برادرانش حکیم همادالدین و حکیم نورالدین قراری و لطف‌الله که فرزندان مولانا عبدالرزاق دانشمند وزیر خان احمد گیلانی و از معاصران جلال‌الدین اکبر بوده‌اند، قبل ازین یاد کرده‌ام.^۲ از میان این برادران حکیم ابوالفتح برقع‌ات فصیح خود که از سنخ اخوانیات و بهمین سبب ساده و گاه همراه با شعرهایی از شاعران بزرگ بود، معروفست. مجموعه‌ی ازین برقع‌ات بسال ۱۹۶۸ در لاهور با مقدمه مشروح آقای محمد بشیر حسین بطبع رسید.^۳ برقع‌ات حکیم ابوالفتح از جمله سرمشقهای نام‌نگاری بوده و بخشی از آنرا «چهارباغ» نیز نامیده‌اند.^۴

از معاصر مشهور دیگر جلال‌الدین اکبر، فیضی فیاضی (م ۱۰۰۴ هـ) منشآت داریم که در حال ذکر وقایع و حکایت مآقع بسیار ساده و در دیگر موردها مسجع ولی با اجتناب از سجع بارد و نابجا و بروانی و سادگی نگاشته شده است. مجموعه منشآت فیضی را یکی از خواهرزادگان او بنام نورالدین محمد پسر حکیم عین‌الملک شیرازی (م ۱۰۰۳ هـ) گرد آورده و لطیفه غیبی نام داده است که بنا بر عادت جاری به «لطیفه فیاضی» شهرت دارد.^۵ نورالدین در

۱- درباره احوالش رجوع شود بهین جلد، ص ۳۵۶ - ۳۵۸.

۲- همین جلد صحیفه‌های ۴۶۶ - ۴۶۹ و ۸۲۱ - ۸۲۷.

۳- بنگرید به: گنجینه سخن از نویسنده این سطرها، جلد اول چاپ ۱۳۵۳، دانشگاه تهران،

ص ۱۴۶.

۴- بنگرید بفرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان تألیف سید عارف نوشاهی،

ص ۳۹۰ که گفته است چهارباغ مجموعه رقعاتی از مسیح‌الدین است که میان سالهای ۹۹۷ - ۹۸۳ بدوستان نگاشته بود.

۵- همین کتاب و همین جلد، ص ۸۳۸ ببید.

۶- مانند نسخه Egerton 695 که در کتابخانه موزه بریتانیا ملاحظه شد و چارلز ریو آن را

در ص ۷۹۲ از فهرست خود معرفی کرده است.

مقدمهٔ این مجموعه اشاره‌ی بکوشش ابوالفضل علامی برادر فیضی در جمع‌آوری منظوم‌های تمام یا ناتمام فیضی که در برابر خمسهٔ نظامی ساخته بود، از قبیل مرکز ادوار و جز آن^۱ کرده و سپس گفته است که «متلفظات و منشآت» فیضی فیاضی را که پراکنده مانده بود بسال ۱۰۳۵ هـ فراهم آورده است. این مجموعه منقسم به پنج «لطیفه» و سه «منطوقه» و بخشی بنام «خاتمه» است که شامل نامه‌های فیضی بجلال‌الدین اکبر و مشایخ و عالمان و پزشکان و سادات و امیران و خویشاوندانست. مقدمهٔ فیضی بر دفتری از شعرهایش که پیرامون نه هزار بیت ترتیب داده و بایران فرستاده بود^۲، نیز درین مجموعه نقل شده است و عبدالنبی فخرالزمانی هم بخشی از آن را در ذکر حال «شیخ فیضی هندوستانی» آورده^۳ و خواننده می‌تواند بدین دو مأخذ مراجعه کند.

دربارهٔ مکاتبات علامی با رقعات ابوالفضل از ابوالفضل علامی (م ۱۰۱۱ هـ) برادر فیضی فیاضی، و دیگر اثرهایش جداگانه گفتاری خواهیم داشت. از معاصران این دو برادر در دربار جلال‌الدین اکبر ابوالقاسم خان نمکین است که شرح حالش را خواهیم آورد. کتاب منشآت نمکین که ازو بازمانده مرکبست از نامه‌های رسمی و خصوصی و دستور نامه‌نگاری، و بسال ۱۰۰۶ بنام اکبر تألیف شده است.

از منشیان معروف دیگر هند ابوالبرکات منیرلاهوری (م ۱۰۵۴ هـ) صاحب دو مجموعه از منشآت بنامهای نگارستان یا نگارستان منیر و نوباوه است و دربارهٔ آنها ضمن بیان حال بسیار کوتاه این منشی زبردست سخن خواهیم گفت.

معاصر و دوست منیر یعنی محمد صالح کنوی لاهوری مؤلف کتاب عمل

۱- بنگرید بهین جلد، ص ۸۵۱.

۲- ایضاً همین جلد، ص ۸۴۹ - ۸۵۰.

۳- تذکرهٔ میخانه، چاپ تهران ۱۳۴۰، ص ۲۴۷ - ۲۴۹.

صالح یا شاه جهان نامه مجموعی از منشآت بنام بهار سخن در یک مقدمه و چهار بخش دارد که شرح آن را بعد ازین خواهیم دید، و همچنین است شرحی که دربارهٔ مجموعهٔ منشآت برهن و دیگر اثرهای منشور او خواهم داد. میرزا امان‌الله (م ۱۰۴۷ هـ) پسر زمانه بیگ مهابتخان پسر غیور بیگ حسینی شیرازی کابلی که نام او و پدر و خاندانش را پیش ازین^۱ دیده‌اید، نیز شاعر و منشی زبردستی بود. وی نخست لقب خانزادخان فیروز جنگ داشت و سپس بخان زمان مخاطب گردید و در شعر امانی تخلص می‌کرد. از و کتابی دربارهٔ انشاء با ذکر نمونه‌ها داریم بنام رقصات امان‌الله یا رقصات امانی یا انشاء خانزادخان در چهار فصل: (۱) در عرائض مکاتیب (۲) در رقصات (۳) در حواشی (۴) در متفرقات^۲.

مجموعهٔ منشآت عبدالعلی نیریزی، ملقب به ناظر الممالک بشمارهٔ Add.66(X) در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا ملاحظه شد. نام‌هایست که حاجی عبدالعلی از طرف و بنام عبدالله قطب شاه (۱۰۳۵ - ۱۰۳۸ هـ) و ابوالحسن قطب شاه (۱۰۳۸ - ۱۰۹۸ هـ) و بعضی از امیران دربار حیدرآباد، و یا بنام و از جانب خویش نوشته است. مخاطبان این نامه‌ها رجال بزرگ سدهٔ یازدهم هند مانند شاه جهان، داراشکوه، اورنگ زیب، شاه شجاع و عادلشاه بیجاپور هستند و علاوه برین نامه‌هایی از طرف و بنام میرزا نظام‌الدین احمد و حکیم المنک و میر جمله و دیگر بزرگان دربار قطب شاهی هم درین مجموعه یافته می‌شود^۳.

اگر بخوایم بسراغ یکایک مجموعه‌های انشاء که بویژه از عهد اورنگ زیب بعد در هند فراهم آمده است بروم چنانست که بکاری تمامی ناپذیر دست

۱- همین جلد، ص ۴۷۵ - ۴۷۸.

۲- فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانهٔ دیوان هند، هرمان انه ج ۱ ص ۱۱۴۷ - ۱۱۴۸.

بشمارهٔ فهرست ۲۰۷۷: فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانهٔ موزهٔ ملی پاکستان، سید عارف نوشاهی.

لاهور ۱۳۶۲ ش، ص ۳۹۶.

۳- بنگرید به فهرست ریو، ص ۳۸۸ - ۳۹۱ نسخهٔ مذکور بشمارهٔ Add.7688 است.

زده باشم. این مجموعه‌ها یا منشی معینی که فرمانگزار پادشاهی و وزیری یا امیری بوده، دارد، و یا بقصد تعلیم فراهم آمده و یا مجموعه‌هاییست از نامه‌های مشهور و مهم که بتدریج شهرت یافته و گرد هم آورده شده‌اند. نام این مجموعه‌های گوناگون در فهرستهای نسخ فارسی اروپا و آسیا با بیان نامها و نشانها آمده و بهتر آنست که خواننده بدانها مراجعه کند.

ازین میان نمی‌توانم از ذکر نام یک مجموعه مهم که در ایران فراهم آمده است، بسبب ارزش والای تاریخی و ادبی آن خودداری کنم و آن «نسخه جامعه مراسلات اولوالالباب» است که مجموعه‌ییست از نامه‌های پادشاهان ایران و کشورهای مجاور و وزیران آنان و فتحنامه‌ها و منشورهای سلطنتی از عهد البارسلان سلجوقی تا سلطنت شاه‌عباس دوم، فراهم آورده ابوالقاسم ابوالغلی حیدر. وی از معاصران شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم بود، در عهد شاه‌صفی منصب درباری حرم سلطنتی دربار بدو واگذار شد. کتاب مذکور بعد از سال ۱۰۵۲ که سال جلوس شاه‌عباس دوم است تکمیل و بدو جزء و یک خاتمه تقسیم شد. جزء اول رسائل و منشورهای پیش از عهد صفوی، جزء دوم دارای هفت فصل است، مربوط به هفت پادشاه صفوی از شاه‌اسمعیل تا خود شاه‌عباس دوم. خاتمه متضمن منشآت برگزیده است، و کتاب از حیث اینکه حاوی اطلاعات تاریخی بسیار و نیز فوائد ادبی است اهمیت دارد^۱.

از میان منشیان معروف ایران در سده یازدهم ذکر نام عمادالدوله میرزا محمدظاهر قزوینی متخلص به وحید پسر میرزا حسین خان قزوینی درینجا لازم می‌بود ولیکن پیش ازین درباره او و اثرهایش سخن گفته‌ام^۲. مجموعه منشآتش که گردآورده خود اوست یک بار در کلکته بسال ۱۲۴۳ ه.ق و بار دیگر در لکنهو بسال ۱۱۶۰ ه.ق چاپ شد و از آن نسخه‌های خطی در دستست. کتاب عباسنامه او که بنشر مصنوع نگارش یافته بسال ۱۳۲۹

۱- مهرداد سج حطی فارسی در موزه بریتانیا، ص ۳۸۹.

۲- همین کتاب، ص ۱۳۴۶ - ۱۳۵۱.

خورشیدی در اراک بطبع رسید.

آخرین مترسل و منشی بزرگ این عهد در ایران میرزا مهدیخان منشی نادرشاهست که نامش را در شمار مؤلفان و فارسی‌نویسان عهد خواهید دید.

در پایان این مقال لازمست بنوعی دیگر از نثر که آن نثرهای ادبی را اثر ادبی می‌نامیم اشاره‌ی بشود. در این نوع از نثر نویسندۀ بیشتر می‌خواهد خود را بییان اوصاف و احوال از طریق بیانات بلاغی و ادبی سرگرم کند، و بییان دیگر قصدش شرح واقعه یا اثبات قضیه یا نفی مطلب یا توضیح موضوع معینی نیست بلکه مطلبی ولو کوچک برای او کافیت تا بر آن شاخ و برگ نهد و آن را بشعر و مثل و تشبیهات و استعارات و کنایات بیاراید و در مجموع اثری هنری بوجود آورد و خوانندۀ را مجذوب هنرنماییهای خود کند.

پیشوای نویسندگانی ازین گروه در عهد مورد مطالعه ما ظهوری ترشیزی است که به پنج قسمت از نثرهای آراسته و مصنوع خود معروف شده و آثارش بصورت سرمشقهای درسی میان فراگیرندگان پارسی و پارسی‌نویسی هند دست بدست گشته و می‌گردد. درباره آنها بنگرید به بخش پارسی‌نویسان عهد.

دومین کسی که نوشته‌های ادبی او رواج روزافزون یافت ملاطفرای منهدی (سده یازدهم هجری) است که نام و حالش را بهمراه نویسندگان این عهد خواهیم دید. پیرامون سی دفتر ازو برجای مانده است که در غالب آنها بشیوه شاعران ادبی بتوصیف جایها و منظره‌ها و افراد و نظیر اینها پرداخته و نثرهای لطیف همراه با نظم که هر دو از خود اوست در آنها آورده است.

نعمت‌خان عالی، یعنی میرزا محمد شیرازی (م ۱۱۲۱ هـ) متخلص به عالی

۱- همین جلد، ص ۹۷۷ - ۹۸۸.

۲- ایضاً، ص ۱۳۶۲ - ۱۳۶۶.

و مخاطب به نعمت‌خان و مقرب‌خان و دانشمندخان، یکی دیگر ازین نثرنویسان هنرمند است که پیش ازین او را در شمار شاعران معرفی کرده‌ام و باز هم درباره او سخنی خواهم داشت.

بیدل عظیم‌آبادی^۱ شاعر نوآور و توانای این عهد مجموعی از رقعات و منشآت دیگر دارد با نثر مزین مصنوع که آنها را ذیل نامش در شمار پارسی‌نویسان عهد خواهیم شناخت.

غیر از آنچه تاکنون نوشته شده، نثر فارسی این دوره انواع دیگر نثر برای نگاشتن مطالبها و موضوعهای دیگری نیز بکار برده شده است، ولی چون در بخش نخستین از همین جلد درباره بعضی از آن موضوعها سخن گفتم درینجا اعاده ذکر آنها را لازم نمی‌دانم. از جمله آنها هستند کتابهایی که کم و بیش در موضوعهای مربوط بشریعت و حکمت و کلام و تصوف و عرفان؛ و مباحثهای علمی (مانند ریاضیات و هینت و نجوم و پزشکی و داروشناسی)؛ و دانشهای ادبی و بلاغی (مانند فرهنگ‌نویسی و معما و عروض و قافیه و دستور زبان) نوشته شده است، و طبعاً هنگام بحث درباره انواع نثر در این عهد باید همه آنها را در نظر داشت.

نکته‌یی که یک بار دیگر بیاد می‌آورم آنست که درباره بعضی از مطالبهای سابق بسبب اهمیت بسیاری که درین دوره داشته (مثل ترسل و انشاء) بآنچه پیش ازین (ص ۴۰۵-۴۰۸) باختصار گفته بودم بسنده نکرده و در مبحث اخیر که به بیان انواع نثر اختصاص دارد، بذکر بعضی از منشیان و اثرهای آنان یا پاره‌یی از مجموعه‌های منشآت توجه نموده‌ام، بخصوص که آنچه در بخش اول درین باب آمده مربوط بمؤلفان دستور ترسل است و آنچه اینجا آورده‌ام مجموعه‌هایی از نویسندگان رسائل.

نکته قابل ذکر اکنون که مبحث انواع نثر و موضوعات آن را در این دوره بپایان می‌برم، ذکر این نکته را بایسته می‌دانم که آنچه از اثرهای مختلف که تاکنون در بابهای گوناگون نثر فارسی، خواه در بخش اول و خواه درین بخش [سوم] آورده‌ام، اعم از آنکه مستقیماً از اثرهای ایرانیان باشد، یا از نوشته‌های هندوان و ترکان، همه آثار این دوره نیست بلکه بخشی و نموداری از آنهاست.

و نیز این نکته را درینجا تکرار می‌کنم که اگر گاه اشاره‌ی بنوشته‌های پارسی‌گویان خارج درین مبحث شده بقصد تصاحب افتخارات ملت‌های دیگر نبود و نیست. مثلاً اگر از ابوالفضل علامی و اثرهایش درین مبحث سخن گفته باشم، یا پس ازین بشرح حالش اشاره مختصری کنم نه از آن بابست که او ایرانیست، بلکه بدان سبب است که او در مقام بلندی که کسب کرده بصورت مهره‌ی اصلی در استخوان‌بندی ادب فارسی درآمده و از ذکر نام او در شمار پارسی‌نویسان و مورخان این عهد چاره‌ی نیست. و گرنه او هندیست و متعلق بشبه‌قاره هند؛ و همین حکم درباره هر پارسی‌نویس و پارسی‌گوی هر سرزمینی که باشد و ما ناگزیر نامی از او در این کتاب برده باشیم، جاریست. یادشان بخیر و نامشان جاوید باد.

بهره پنجم

پارسی نویسان

از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری

۱- حکیم الدین ادریس^۱ مولانا حکیم الدین [یا کمال الدین] ادریس بن مولانا حسام الدین علی بدلیسی^۲ از فارسی نویسان و منشیان

۱- درباره او بنگرید به:

• کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، حاجی خلیفه، استانبول ۱۹۴۱ و ۱۹۴۳، ص

۲۰۴۳.

• ایضاح المکتون فی الذیل علی کشف الظنون، اسمعیل پاشا، استانبول ۱۹۴۵ و ۱۹۴۷، ج

۱، ص ۴۱۰.

• هدیه العارفین، اسمعیل پاشا، ج ۱، استانبول ۱۹۵۱، ص ۱۹۶.

• فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، بلوشه، ج ۱ ص ۳۱۹ - ۳۲۰ و

۳۲۱ - ۳۲۲.

• فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، چارلز رابو، ص ۲۱۸ - ۲۱۹.

• تاریخ نظم و نشر در ایران و در زبان فارسی، سمید نفیسی، تهران ۱۳۴۴ ص ۲۵۳ -

۲۵۴ و صفحه‌های ۱۶۹، ۷۴۲، ۷۷۵.

معروف در پایان سده نهم و اوایل سده دهم هجریست. وی نخست از منشیان دربار سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۸۴ - ۸۹۵ هـ) بود و در تبریز بسر می‌برد و در سال ۸۹۰ هـ نامیدی از جانب آن سلطان بخواندگار روم بایزید ثانی (۸۸۶ - ۹۱۸ هـ) نوشت و سلطان عثمانی انشاء او را پسندیده بود و او با داشتن چنین سابقه‌ی در اوان غلبه شاه اسمعیل صفوی بر آذربایجان از بیم بسط سلطان بایزید پناه برد و بشایستگی تمام در دربار او پذیرفته شد و در خدمت آن سلطان و بعد از وی در خدمت سلطان سلیم اول (۹۱۸ - ۹۲۶ هـ) مقام بلند یافت و بجز مراتب علمی در امور لشکری نیز درجاتی کسب کرد چنانکه در جنگ با شاه اسمعیل فرمانده سپاهیان کرد لشکر عثمانی بود و در جنگهای مصر نیز به‌مراه سلطان سلیم شرکت داشت. وفاتش بسال ۹۲۶ در استانبول اتفاق افتاد و او را در محله ابوب نزدیک مسجد زینب خاتون بخاک سپردند و قبرش اکنون بنام ادريس كوشكو معروفست. حاج خلیفه تاریخ مرگ او را ۹۳۰ نوشته است.

حکیم‌الدین در دانشهای عهد خود دست داشت و تألیفاتی از خود بیادگار گذاشت که از آنجمله است شرح گلشن راز شیخ محمود شبستری بفارسی، الحق المبین در شرح حق الیقین در کلام بفارسی، رسالت‌الاباء عن مواقع الوباء و جواز الفرار عنه، شرح فصوص الحکم ابن‌العربی در عرفان. مرآة الجمال بفارسی، هشت بهشت فی تاریخ آل عثمان بفارسی، سلیم‌نامه بفارسی. هشت بهشت و سلیم‌نامه هر دو بانشاء مزین استواری نگارش یافته‌اند و کتاب نخستین یعنی هشت بهشت مربوطست بتاریخ هشت تن از نخستین شاهان آل عثمان (از سال ۷۱۰ تا ۹۰۸ هـ) و منقسم بهشت کتیبه است که در



۲- بدلیس نام شهر و ناحیه‌ی میانه ارمنستان و ایران است که در انتساب آن یکی ازین دو ناحیه میان جغرافیایان قدیم اختلاف بوده است. بنگرید به ترجمه احسن التقاسیم، تهران ۱۳۶۱ ص ۵۵۵ - ۵۵۶ و ۵۷۱؛ و به معجم البلدان باقوت ذیل همین نام؛ و ناحیه ایران که حد جنوبی آن رود ارس بود امروزه جزویر سیاسی آذربایجان خوانده می‌شود!

آنها از منشاء خاندان عثمانیان و پادشاهی عثمان بیگ و اورخان و مراداول و بایزید ایلدرم و محمداول و مرادثانی و محمدثانی و بایزیدثانی سخن رفته و مؤلف در انشاء آن بسیار کوشیده است که سبک عظاملک جوینی را در تاریخ جهانگشا و شیوه و صاف را در تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار و روش معین الدین یزدی را در مواهب الهی و هنجار شرف الدین علی یزدی را در ظفرنامه پیروی کند. پسر حکیم الدین ادریس موسوم به ابوالفضل محمدالدفتری متوفی بسال ۹۸۷ هـ ذیلی بر این کتاب تا سلطنت سلطان سلیم ثانی نوشت^۲.

سلیم نامه را حکیم الدین ادریس ضمن همراهی سلطان سلیم در جنگهای او فراهم آورد تا ضمیمه‌یی بر هشت بهشت باشد، که چنانکه دیده‌ایم بسلطنت سلطان بایزید ثانی ختم شده است؛ و بدو بخش نشر و نظم فارسی منقسم می‌گردد و غیر از سلیم نامه‌های دیگر است که درباره پیروزیهای همین سلطان بنظم درآمده است. هر دو سلیم نامه بدلیسی را پسرش ابوالفضل محمدالدفتری متخلص بفضلی جمع آوری و مرتب کرده و به سلطان سلیم ثانی (۹۷۴ - ۹۸۲ هـ) تقدیم نموده است^۳.

۱- در کشف الظنون ۹۸۲ هـ و سال بادشده در متن منقولست از فهرست بلوش، ج ۱، ص ۳۲۲ که شرح نسبت جامعی درباره این ابوالفضل که تخلص فضلی داشته آورده است؛ و نیز بنگرید فهرست ریو، ص ۲۱۹.

۲- کشف الظنون، ستون ۲۰۴۳ و فهرست بلوش، ج ۱ ص ۳۱۹ - ۳۲۰ و فهرست ریو، ج ۱ ص ۲۱۶ - ۲۱۸.

۳- بنگرید فهرست بلوش، ج ۱ ص ۳۲۱ - ۳۲۲ و بکشف الظنون، ستون ۱۰۰۱ که از سلیم نامه فارسی ادابی فارسی و سلیم نامه ترکی اسحق بن ابراهیم اسکویی یاد می‌کند. حکیم الدین بدلیسی در مقدمه سلیم نامه خود از چند سلیم نامه یاد کرده است. و نیز بنگرید بشرح مفصل ریو در فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، ص ۲۱۸ - ۲۱۹.

۲- میر جمال حسینی^۱ خواجه جمال‌الدین عطاء‌الله‌بن فضل‌الله دشتکی شیرازی از خاندان معروف سادات دشتکی شیراز است که در پایان سده نهم و اوایل سده دهم هجری در هرات می‌زیسته و با سلطان‌حسین بایقرا همزمان و نخست از وزرای او بود و سپس منصب اشراف دیوان یافت و بعد از وفات آن پادشاه (۹۱۱ هـ) چه از فرزندان او و چه از اوزبکان و صفویان که بنوبت بر هرات استیلا یافتند شغلی نپذیرفت تا آنکه بتصریح خواندمیر در اوایل سال ۹۲۷ هـ در هرات درگذشت و اینکه بعضی تاریخ وفاتش را ۹۲۶ نوشته‌اند درست نیست. از تألیفات مهم او بفارسی کتاب روضة الاحباب فی سیره النبی والال و الاصحاب است که آن را بدرخواست امیر علی شیر نوایی و بصلاح‌دید عمش امیرسید اصیل‌الدین عبدالله حسینی^۲ تألیف نمود و آن در سه جلد و سه مقصد است: (۱) شرح حال پیامبر (ص) (۲) بیان حال یاران او از مردان و زنان (۳) ترجمه احوال تابعین و تابعین تابعین و مشاهیر ائمه حدیث. دیگر از آثار میرجمال کتاب تکمیل الصناعات است در علم قوافی.

۱- درباره او بنگرید به:

- ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ج ۳ قم ۱۴۰۳ هـ. ق، ص ۳۱۵ - ۳۱۷ و ص ۳۱۸.
- روضات الجنات فی احوال‌العلماء والسادات، میرزا محمدباقر موسوی خوانساری، ج ۲، قم بی تاریخ، ص ۲۱۳ و ج ۵ قم ۱۳۹۲ هـ. ق، ص ۱۸۹ - ۱۹۴.
- حبیب‌السیر، خواندمیر، چاپ تهران خیام، ج ۴ ص ۳۳۲ - ۳۳۳.
- کشف‌الظنون حاج خلیفه، ص ۹۲۲ - ۹۲۳.
- هدیه‌المارفین اسمعیل پاشا، ص ۶۶۴.
- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه، ج ۲ ص ۵۸۱ - ۵۸۴.

۲- این امیرسید اصیل‌الدین عبدالله دشتکی شیرازی ساکن هرات از عالمان تفسیر و حدیث و ادب بود. از تألیفات اوست درج‌الدرر و رساله مزارات هرات. وفاتش در سال ۸۸۳ در هرات اتفاق افتاد. حبیب‌السیر، ج ۴ ص ۳۳۴.

حسن بن روزبهان شیرازی از مؤلفان سده دهم
 ۳- حسن بن روزبهان
 هجریست که در اصفهان بسر می‌برده و برای یکی از
 وزیران آن شهر بنام شمس‌الدوله (یا شمس‌الدین؟) محمد که معاصر بوده است
 با شاه‌تھاسب (۹۳۰-۹۸۴ هـ) صفوی^۱ کتابی در اخلاق تألیف کرده و بوی
 تقدیم داشته و بنام او آن را اخلاق نسیه نامیده و نوشته است که: «این کتاب
 مشتمل است بر چهارده باب و خاتمه‌ی. باب اول در ذکر بعضی از مکارم اخلاق
 این صاحب دولت^۲ و نصب قواعد عدل و دادگستری و رعیت‌پروری، باب
 دوم در حسن خلق و مدارا با اهل عالم، باب سیم در اخلاص و اعتقاد باهل
 علم، باب چهارم در صفت کرم و شفقت با کافه خلائق، باب پنجم در بر آوردن
 مراد و حاجات مردم، باب ششم در مراعات تقوی و اجتناب از حرام، باب
 هفتم در شکر و صبر و رضا، باب هشتم در مذمت و حقارت دنیا، باب نهم در
 مدح قناعت و مذمت حرص و طمع، باب دهم در طریق ریاضت و کسر
 نفس، باب یازدهم در آداب محبت و حمایت محبان، باب دوازدهم در نگاه
 داشتن حقوق، باب سیزدهم در علم فراست، باب چهاردهم در عفو عندالقدره و
 موآنست با اختیار و احتراز از صحبت اشرار. خاتمه در ذکر آداب و نصایح و
 وصایای حکمای عالی‌مقدار. و بر این بابها و خاتمه باید مقدمه مشروح مؤلف
 را نیز افزود که در آن درباره علت و سبب دست یازیدن بتألیف این کتاب

۱- نام وزیر را مؤلف در مقدمه کتاب خود آورده و در باب اول کتاب ضمن ستایش از
 عدل و داد همین وزیر نوشته است که «دارالسلطنه اصفهان از اثر عدلی... ندای و من دخاله کان آننا
 در داده...» و باز در همین باب اول نوشته است که بر اثر عدل این وزیر «نه پریشانی در شهر و نه
 هوعغایی در دیهی بلکه ساعت ن ساعت جبهه خلود سلطنت بادشاه دین‌پناه و جهت استدامت و کالت و
 نیابت آن حضرت از هر زبان هزار دعا و ثنا بدرگاه صمدیت متوجه است» و چنانکه می‌دانیم «شاه
 دین‌پناه» عنوان شاه تھاسب اول بوده و در مأخذهای عهد تکرار شده است.

۲- مقصود همان شمس‌الدوله (یا شمس‌الدین؟) محمد است که کتاب برای او و بنامش

نوشته شده.

سخن گفته و از چند کتاب که پیش از او نوشته شده و مایه جاوید ماندن نام بعضی از بزرگان گذشته گردیده و نیز از بعضی کتابها که در باب علم اخلاق فراهم آمده است نام برده که آخرین آنها اخلاق محسنی از ملاحسین کاشفی (م ۹۱۰ هـ) است؛ و نیز وی در همین کتاب گوید که در سال ۹۲۴ رساله فرستاد امام فخر رازی را بفارسی ترجمه کرده و مطلبهایی بر آن افزوده و آن را مرآةالانسان نامیده است. با این امارات معلوم می‌شود که تألیف این کتاب بعد از سال ۹۲۴ و بظن غالب بعد از ۹۳۰ هـ و در عهد پادشاهی شاه تهماسب اول صفوی بنگارش درآمده است. نثر کتاب خوب و روان و منسجم و با همان زبان سالم آثار فارسی در آخرهای سده نهم و اولهای سده دهم هجریست و نویسندگان بیتهای بسیار به همراه نثر در آن آورده و چون خود شاعر بوده و در شعر «حسن» تخلص می‌کرده، ظاهراً بیشتر آن بیتها ازوست. ازین کتاب چند نسخه در ایران و انیران مانده است.^۱ حسن بن روزبهان، چنانکه گفته‌ام در مقدمه کتاب خود از چند کتاب اخلاقی نام برده است که بعید نیست از آنها در تألیف آن استفاده کرده باشد. این نکته هم شایان گفتن است که او برای ذکر شواهدی درباره دستوره‌های اخلاقی با آوردن حکایتهای تاریخی و مذهبی و آیتهای قرآنی در هر مورد پرداخته است.

۴- قاضی اختیار^۱
قاضی اختیارالدین حسن بن غیاث‌الدین حسینی
زاوه‌یی تربتی معروف به «قاضی اختیار» و به

۱- مثل نسخه کتابخانه موزه بریتانیا؛ فهرست ریو، ص ۸۱۶؛ و نسخه کتابخانه مجلس شوری در جزو مجموعه شماره ۴۲۱۸/۲.

و نیز درباره اخلاق شمس بنگرید به تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ص ۴۰۴؛ و اعیان‌الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۹۳؛ و الذریعه، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲- درباره او بنگرید به:

• تحفه سامی، سام میرزا صفوی، تهران ۱۳۱۴، ص ۳۰ - ۳۱.

• کشف‌الظنون حاج خلیفه، استانبول، سنون ۷۴.

«اختیار حسینی» از شاعران و مؤلفان مشهور پایان سده نهم و آغاز سده دهمست. پدرش و خود او و هر دو پسرش از قاضیان عهد بودند. وی در جوانی از زاره بهرات رفت و در آنجا دانشهای ادبی و دینی آموخت و با پیشرفتی که درین دانشها حاصل کرد در پایان عهد سلطانحسین بایقرا منصب قضای هرات بدو مفوض گشت و در شمار رجال متنفذ هرات در عهد آن پادشاه درآمد و بعد از وی چندی ملازم پسرش بدیع الزمان میرزا بود و در استیلای محمدخان شیبانی در مقام قضای هرات باقی ماند و پس از کشته شدن او بزادگاه خود باز گشت و در آنجا بود تا در سال ۹۲۸ ه در گذشت و در تربت بخاک سپرده شد. سام میرزا درباره او می نویسد «بزر جمع کردن و امساک شهرت تمام داشت فاما خالی از طبع نبود و در شعرگوی مسابقت از امثال ربوده و از تصانیف او مختارالانوارست» و نیز می نویسد که در آخر عمر مثنوییی باسم شاه اسمعیل در پنجهزار بیت باسم «عدل و جود» ساخت.

قاضی اختیار بسبب آنکه آموزگار ظهیرالدین بابر بود بسیار مورد ستایش و بست چنانکه از او در کتاب خود واقعات بابری بنیکی و باعجاب یاد می کند. از وی دو پسر مانند پدر و نیای خود منصب قضا داشتند و هر دو بعد از چیرگی صفویان بر خراسان بفرارود رفتند و در «شهر سبز» (در تاجیکستان امروزی) ماندند. پسر بزرگتر یعنی میرمحمد شفیع در شهر یاد شده منصب قضا داشت و چون در گذشت برادر خردتر بنام میربدیع قاضی هروی صاحب این مقام گردید. میربدیع در پزشکی و حکمت دست داشت، غزل می گفت و



- فهرست نسخهای خطی کتابخانه ملی پاریس، بلوشه، ج ۲، ص ۳۷ - ۳۸.
- تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۲۷۸، و درباره دو پسرش ص ۵۸۵.
- ترجمه تاریخ ادبیات اته، ص ۲۷۰.
- حبیب السیر، خواندمیر، تهران خیام، ج ۱، ص ۳۵۵ - ۳۵۶.
- هدیه العارفین، اسماعیل پاشاالبغدادی، ج ۱، استانبول ۱۹۵۱، ستون ۳۱۷.

در پایان حیات یک مثنوی بنام عدن و حور^۱ در پنجهزار بیت سرود. بقاضی اختیار چند کتاب فارسی نسبت داده شده که عبارتند از: مختارالاختیار^۲ و اساس الاقتباس و رساله‌ی در فقه و اخلاق همایون. وی اساس الاقتباس را در سال ۸۹۷ تألیف کرده و به «عنوان»، «کلمات»، «سطور» و «حروف» تقسیم نموده و آن مشتمل است بر امثال و حکم و آیات منتخب^۳. این کتاب را میرخواند «اقتباسات» نامیده است^۴. رساله فارسی او را در فقه ظهیرالدین بابر در کتاب خود بنام واقعات بابری ستوده است^۵.

و اما اخلاق همایون را قاضی نخست برای سلطان حسین میرزا بایقرا نوشته و بعد از آن بنام ظهیرالدین بابر (م ۹۳۷ هـ) در آورده و بسال ۹۱۲ تألیف آن را پایان برده است. اخلاق همایون در سه «قانون» تدوین شده و هر قانون بفصل‌هایی بنام «قاعده» منقسم گردیده است: قانون اول در تهذیب اخلاق، قانون دوم در کیفیت اداره کارهای مالی و دیوانی، قانون سوم در چگونگی رفتار پادشاهان با زیردستان خود^۶. در تألیف این کتاب از بعضی کتابهای پیشین در اخلاق مانند کتاب الطهاره ابوعلی مسکویه و اخلاق ناصری خواجه نصیر استفاده و بدانها مراجعه شده است.

ادگار بلوشه مؤلف فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانه ملی پاریس گوید که ازین کتاب دو تحریر در دستست: نخست همانکه با اسم اخلاق همایونست و دیده‌ایم، و دیگر تحریر مکرری از آن بنام دستورالوزاره (بشماره

۱- قابل مقایسه با «عدل و جود» که سامی پدرش نسبت داده است. مطلب مربوط بمیربدیع را از تاریخ نظم و نثر در ایران نقل کرده‌ام.

۲- ابضاح المکتون، ج ۲ ستون ۴۴۷؛ حبیب‌السیر، ج ۴ ص ۳۵۶. آیا همان نیست که سامی مختارالانوار نوشته است؟

۳- کشف الظنون، ستون ۷۴.

۴- حبیب‌السیر، ج ۴، ص ۳۵۶.

۵- فهرست بلوشه، ج ۲، ص ۳۷.

۶- عنوان قانونها نقل بمعنی است.

Suppl.1328) که بسط سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶ هـ) تقدیم شده و اسم مؤلف در مقدمه کتاب نیامده بلکه در متن آن ذکر شده و در محرم سال ۹۲۶ باتمام رسیده و در آن علاوه بر کتابهایی که پیش ازین گفته شده از میزان الحکم و قسطاس و اساس هم استفاده شده و این آخری شاید همان اساس الاقتباس قاضی اختیار باشد که ظهیرالدین بابر در کتاب خود واقعات بابری از آن یاد نموده است؛ و چون در شرح زندگانی قاضی سخن از رفتن او بروم نیست ناگزیر گفته است که شاید وی بهمراه بدیع الزمان میرزا بروم رفته و در آنجا کتاب خود را بنام سلطان سلیم نوشته باشد (؟) اما چنانکه خواننده پیش ازین در همین بخش از کتاب دیده است دستورالوزارة کتابیست در اخلاق که ابوالفضل منشی شیرازی منشی سلطان سلیمان اول (۹۲۶ - ۹۷۴) پسر سلطان سلیم مذکور نوشته و در کتاب دیگر خود، دستورالسلطنه، از آن یاد کرده است. فراموش نشود که اسم قاضی اختیار را اسماعیل پاشا چه در هدیه العارفین و چه در ایضاح المکنون «حسین» ضبط کرده است.

قطب الدین عبداللبن محیی بن محمود شیرازی از
 ۵- قطب بن محیی^۲
 معاصران شاه اسمعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ هـ) مجموعه
 بزرگی از نامها دارد که بیاران خود و بزرگان و فرمانروایان عهد نوشته که در بعضی از نسخها شماره آنها به ۷۸۳ می رسد و به «مکاتیب قطب بن محیی» معروفست. تاریخ فوت او را مرحوم سعید نفیسی در تاریخ نظم و نثر در ایران بسال ۹۱۰ نوشته است و این ظاهراً درست نیست زیرا در یکی از نامههاش که در طرائق الحقایق نقل و بدینگونه آغاز شده است: «من الفقیر الی الله قطب بن

۱- فهرست بلو، ج ۲، ص ۴۸.

۲- درباره او و مطالعه نمونههایی از مکتوبهایش بنگرید به: طرائق الحقایق، ج ۳، ص ۶۶ -

۷۰؛ و نیز درباره او رجوع کنید بتاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ص ۲۶۱ و ص

محبی الی الحضرة العلیة الصفویة...»، سخن از «شاه دین‌پناه» می‌رود که عنوان متعارف شاه‌تھاسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ هـ) بوده و ازینجا معلوم می‌شود که بیشتر از سال مذکور زنده بوده و بعد از سال ۹۳۰ هـ در گذشته است. نثر او روان و استوار و بر شیوهٔ مکتوبهای مشایخ صوفیه است.

۶- قاضی احمد غفاری^۱ قاضی احمد بن محمد غفاری از مؤلفان و نویسندگان مشهور سدهٔ دهم هجریست. علت اشتهارش بغفاری آنست که نسب او بامام نجم‌الدین عبدالغفار قزوینی از فقیهان مشهور شافعی (م

۱- دربارهٔ او بنگرید به:

* تحفة سامی، سام میرزا صفوی، تهران، ۱۳۱۴، ص ۷۴ و راجع پیدرش محمد ص ۷۳

- ۷۴.

* هفت اقلیم، محمدامین رازی، تهران، ج ۳ ص ۱۷۸.

* آتشکده، آذر، تهران چاپ دکتر سادات ناصری، ص ۱۱۵۰.

* تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، ص ۳۵۴ و ۸۳۲.

* نفائس‌المآثر، میرعلاءالدوله حسنی سیفی قزوینی بنقل از تاریخ تذکرةهای فارسی، ج ۲

ص ۳۷۹.

* فهرست نسخ فارسی در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا، چارلز ریو، ص ۱۰۶ و ۱۱۱ - ۱۱۵.

* فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانهٔ دیوان هند، انه، چاپ الفست ۱۹۸۰، ج ۱، ص ۳۴ -

- ۳۶.

* کشف‌الظنون حاجی خلیفه، چاپ استانبول ستون ۱۹۷۶ و ستون ۶۲۲.

* هدیه‌العارفین، اسمعیل پاشا، استانبول، ص ۱۴۵.

* فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانهٔ ملی پاریس، بلوشه، ج ۱، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.

* ریاض‌الشعراء، واله داغستانی، خطی.

* نتایج‌الافکار، محمد قدرةالله گوپاموی هندی، ص ۵۱ - ۵۲.

* ریاض‌العارفین، آفتاب رای لکنهوی، پاکستان ۱۹۷۶ میلادی ج ۱ ص ۴۱ -

* ترجمهٔ تاریخ ادبیات انه، ص ۲۳۷.

۶۶۵ هـ) می‌رسید که از ممدوحان همام تبریزی شاعر قرن هفتم بود و کتاب مشهورش در فقه «الحاوی الصغیر» است در فروع که بسبب اهمیتی که داشت چندبار شرح و تلخیص شد یا بنظم درآمد و یا بر آن و بر شرحها و تلخیصهای آن حاشیه نوشتند^۱. غیر از آن کتاب اللباب فی الفقه هم ازوست^۲. وفاتش را حاجی خلیفه ذیل الحاوی الصغیر و اللباب فی الفقه بسال ۶۶۵ و محمدامین رازی^۳ بسال ۶۶۳ نوشته‌اند.

پدر قاضی احمد یعنی قاضی محمد مردی فاضل و شاعر بود و در شعر و صالی تخلص می‌کرد و مدتی قضای ری بر عهده وی بود و با همه ارکان دولت شاه اسمعیل صفوی مراوده داشت. وفاتش بسال ۹۳۲ اتفاق افتاد. سام میرزا قطعه لطیف زیرین را ازو نقل کرده و گفته است که بهنگام جوانی صادق نامی او را در حوض انداخت و دستش را مجروح ساخت و او این قطعه را در آن باب سرود:

بعشق صادق اگر دست من شکست چه باک هر آنکه عاشق صادق بود چنین باشد
پی ثبوت مرا احتیاج بینه نیست گواه عاشق صادق در آستین باشد^۴
پسر قاضی محمد یعنی همین قاضی احمد غفاری بقول سام میرزا^۵ در حدت ذهن و سلیقه انشاء شهرت داشت و بنا بنوشته همان شاهزاده چند گاهی ملازم او بود و او این بیت را از سروده‌های قاضی نقل کرده است:

پس از عمری نشیند گرد می‌پیش من آن بد خو زبخت طالع برگشته من زود برخیزد
و تذکره نویسان دیگر که چیزی از اشعار قاضی نشنیده و نخوانده‌اند همه همین یک بیت را از تحفه سامی بعنوان شاهد شاعری وی روایت نموده‌اند. اما

۱- کشف الظنون، س ۶۲۵ - ۶۲۷ و همین کتاب ج ۱۳ ص ۲۸۹.

۲- کشف الظنون، س ۱۵۴۳؛ هفت اقلیم، تهران، ج ۳ ص ۱۵۷.

۳- هفت اقلیم، ج ۳ ص ۱۵۷.

۴- تحفه سامی، ص ۷۳ - ۷۴.

۵- ایضاً ص ۷۴.

محمد امین رازی که شرح حال قاضی را مشروح‌تر بیان می‌کند^۱ او را مردی فاضل و مورخ و خوش طبیعت وصف کرده و کتاب نگارستان را که در عصر و زمان او «چنان مجموعه از خزانه خیال به پیشگاه بیان نیامده جمع کرده او» می‌داند و همچنین کتاب جهان آرا را که بعد ازین درباره آن سخن خواهم گفت. قاضی احمد در پایان عمر سفر حجاز کرد و در بازگشت بسال ۹۷۵ در شهر دیبال سند بدرود حیات گفت^۲.

قاضی احمد دو اثر بسیار مشهور دارد: نگارستان و تاریخ جهان آرا (یا نسخ جهان آرا).

نگارستان مجموعه‌یست از نوادر حکایات و روایات که از کتابهای مشهور تاریخی فراهم آمده است و مؤلف اسم این مأخذها را در پایان مقدمه کتاب آورده است، مانند فردوس التواریخ مولانا خسرو ابرقوهی؛ فتوحات میرانشاهی از مولانا سعدالله کرمانی؛ مسالک ممالک از مولانا عبدالرحیم مشهدی؛ تاریخ طبرستان و رویان از سید ظهیرالدین مرعشی؛ تاریخ واسط از سید جعفر بن محمد حسن جعفری. - بیان حوادث و سرگذشتها تحت عنوان خاندانهایی از سلاطین که مربوط بآنها هستند انجام گرفته و ازین راه یک سلسله از مطالب از دوران حیات پیامبر تا آغاز سده دهم هجری بدنبال هم ذکر شده است. این کتاب بسال ۹۵۹ تألیف شده و بنام شاه‌تھاسب در آمده است، و بسال ۱۲۴۵ هـ. ق در بمبئی و بعد در سال ۱۲۷۵ هـ. ق در کلکته چاپ سنگی شد و از آن نسخهای خطی در ایران و انیران موجودست. ترجمه‌ی از آن بترکی بشماره Add.7852 در کتابخانه موزه بریتانیا وجود دارد که شاید همان باشد که بنقل حاجی خلیفه [کشف‌الظنون، س ۱۹۷۶] بوسیله شیخ محمد بن محمد (م ۱۰۰۳ هـ) بنام «نزهت جهان و نادره زمان» بترکی نقل شد. - این را هم باید

۱- هفت اقلیم، ج ۳، ص ۱۷۸.

۲- غیر از مأخذهایی که درباره او نشان داده‌ام بنگرید به منتخب‌التواریخ بدائونی و

دانست که نگارستان قاضی احمد غفاری غیر از نگارستان دیگر است از معین جوینی که پیش ازین دیده ایم^۱؛ و نیز غیر از نگارستان دیگر که ابن کمال پاشا فراهم آورده و در همین بخش ذکر می شود.

کتاب دیگر قاضی احمد کتاب جهان آرا، یا نسخ جهان آرا، تاریخ عمومی مفصل از خلقت تا سال ۹۷۲ هجریست. مؤلف در مقدمه کتاب ستایش ابوالمظفر شاه تهماسب بهادر خان کرده و گفته است که چون این کتاب سه قسمت منقسم است که هر یک از آنها نسخه نام دارد، آنرا نسخ جهان آرا می نامد و ازین اسم تاریخ تألیف آن (۹۷۱) نیز برمی آید، اما چون مطالب کتاب بذکر رویدادهای سال ۹۷۲ می انجامد یا باید گفت که بعد از ۹۷۱ مؤلف مطلبهایی بر آن افزوده و یا الف ممدود را بجای عدد یک شماره دو (دو الف) محسوب داشته است. کتاب بسبب اشتمال بر اطلاعات بسیاری درباره سلسلههای پادشاهان مختلف کوچک و بزرگ و نظم و ترتیب خاص آنها قابل توجه است. قسمتی ازین کتاب مشروح را سرویلیام اوزلی^۲ چاپ کرد.

همچنانکه گفتم جهان آرا سه قسمت یا سه «نسخه» تقسیم شده و هر نسخه بچند بخش که در نسخه های سه گانه نامهای متفاوت دارند. مثلاً نسخه اول شامل دو بخش است و هر بخش را «آیت» نامیده و نسخه دوم دارای دو بخش که هر یک را صحیفه گفته است. آیتها به «نص» و صحیفهها به «صفحه» و صفحهها به «سطر» و «حرف» تقسیم شده است. مقدمه کتاب که «عنوان» نام دارد بدو «حرف» منقسم گردیده درباره خلقت عالم و موضوع نبوت و هدایت خلق بوسیله پیامبران. در نسخه اول از سرگذشت پیامبران (آیت نخستین) و پیامبر اسلام (نص اول از آیت دوم) و اوصیا یعنی دوازده امام شیعیان اثنی عشری (نص دوم از آیت دوم) سخن رفته است.

۱- همین کتاب، ج ۳، ص ۱۲۶۸ - ۱۲۶۹.

۲- Sir Wm. Ouseley

نسخه دوم شامل تاریخ از پیشدادیان تا سلسله ترکمان آق قویونلو است در دو «صحیفه» که صحیفه نخستین بشاهان پیش از اسلام ایران و بابل و نبطیان و یونان و یمن و ترک تا پدر چنگیز (یسوگای بهادر) اختصاص دارد و صحیفه دوم بیادشاهان دوره اسلامی تا ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو. نسخه سوم مختص است بتاریخ صفویان که مؤلف آن را سال بسال تا ۹۷۲ هـ تدوین کرده است.

اهمیت جهان آرا بیشتر در اشتمال آنست بذکر سلسله‌های بزرگ و کوچک و شعبه‌ها و شاخه‌های (فروع) هر یک از آنها. مثلاً وقتی مؤلف از سلسله‌های سادات یعنی ادریسیان و شریفان مکه و اسمعیلیان و سادات گیلان و مازندران سخن می‌گوید فروع آنها را هم از یاد نمی‌برد چنانکه فروع اسمعیلیه را در دو حرف بیان می‌کند اول صنهاجیه و دوم حمیریه بالموتیان و فروع حکومت‌های سادات تبرستان و گیلان را در سه حرف: (۱) آل زیار (۲) آل بویه (۳) آل کاکویه.

فهرست همه مطلب‌های کتاب در مقدمه آن ذکر شده است و چون مؤلف در تدوین آن از مأخذهای مختلف استفاده کرده و ازین راه اطلاع فراوان فراهم آورده، اثر او خواه درباره عهد پیش از صفویان و خواه درباره دوران صفوی حائز اهمیت است. چارلز ریو فهرست کامل این کتاب را در فهرست خود (ص ۱۱۱ - ۱۱۵) آورده است، و هرمان اته نیز همین کار را در فهرست نسخ فارسی کتابخانه دیوان هند (این‌دیا آفیس) کرده است (ج ۱ ستون‌های ۳۴ - ۳۶).

۷- فاضل ابهری^۱ فاضل‌الدین محمدبن اسحق حموی ابهری معروف بفاضل ابهری از عالمان مذهبی آغاز عهد صفوی،

۱- درباره او بنگرید به:

* مقدمه کتاب انیس المؤمنین، تصحیح آقای میرهاشم محدث، تهران ۱۳۶۳.

معاصر با شاه اسمعیل اول و پسرش شاه تهماسب، و از شاگردان فقیه بزرگ شیعه علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی عاملی معروف به محقق کرکی (م ۹۴۰ هـ) بوده است. وی مؤلف کتاب انیس المؤمنین است که بسال ۹۳۸ تألیف شد و چند نسخه از آن در دست است و بسال ۱۳۶۳ خورشیدی در تهران بطبع رسید. کتاب در یک مقدمه [در بیان مجملی از سرگذشت پیامبر] و دوازده باب [در ذکر احوال دوازده امام و بعضی از رویدادهای عهد هر یک از آنان] و خانمه [در ذکر مختصری از علامات ظهور مهدی] است. این کتاب، بجز عبارتهایی که از متنهای تازی ترجمه شده، نثری روان دارد و مجموعاً حاوی اطلاعات سودمند تاریخیست. از تألیفات دیگر فاضل ابهری کتابیست بنام: *منهج الفاضلین فی معرفة الائمة الکاملین* که بقول خود او «کتابیست مشتمل بر ادله امامت ائمه اثنی عشر و براهین بطلان امامت غیر ایشان» که در سال ۹۳۷ تألیف شد، و کتابی دیگر با اسم *منهج النجات* که باز بقول مؤلف «دفتریست محتوی بر بسیاری از اخبار و آثار و معجزات و کرامات حضرت سید المرسلین و حضرات ائمه معصومین... و واقعات زمان ایشان».

۸- ابن کمال پاشا
 شیخ الاسلام شمس الدین احمد بن سلیمان رومی حنفی
 معروف به ابن کمال پاشا یا کمال پاشا زاده از



- الذریعه، ج ۱۳، ص ۱۹۴.
- اعیان الشیعه، ج ۱۴۳، ص ۲۸۷.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه، ج ۱۱، ص ۲۱۵۲.
- ۱- درباره او بنگرید به:
- کشف الظنون، ستونهای ۸۳۰ و ۱۹۷۶ و موارد دیگر.
- هدیة المعارفین اسماعیل پاشا البغدادی، ج ۱، استانبول ۱۹۵۱، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.
- ترجمه تاریخ ادبیات فارسی هرمان اته بوسیله مرحوم دکتر رضازاده شفق، تهران ۱۳۳۷

دانشمندان و مؤلفان بزرگ در قلمرو دولت عثمانیان و از رجال معروف آن دولت در نیمه اول سده دهم هجری بوده است. اصلش از خاندانی معروف در «ادرنه» بود و خاندانش چند بار در جنگهای عثمانیان با ترسایان شرکت داشتند و خود او نیز در آغاز پیشه سپاهی داشت و بعد آن شغل را فرو نهاد و در خدمت دانشمندان بزرگ عهد بتحصیل دانشهای متداول زمان پرداخت و پس از آن مدتی در شهر ادرنه و چند گاهی در شهر اسکوب تدریس می کرد و در عهد سلطان سلیم اول (۹۱۸ - ۹۲۶ هـ) قاضی عسکر آناتولی شد و با همین سمت در لشکر کشی بمصر همراه سلطان سلیم بود و در بازگشت ازین سفر از سال ۹۳۱ مرتبه شیخ الاسلامی داشت تا بسال ۹۴۰ در گذشت و پیکرش را در بیرون دروازه ادرنه در خانقاه شاگردش محمود چلبی (که بعدها قاضی مصر شد) بن خاک سپردند.

کمال پاشا زاده در عهد خود بسیار محترم بود و او را مفتی الثقلین خطاب می کردند. بجز ترکی پاریسی و تازی می دانست و ازو اثرهای متعدد بهر سه زبان بازماند. فهرست مشروح اثرهای او را اسماعیل پاشا در هدیه العارفین (ج ۱، س ۱۴۱ - ۱۴۲) آورده و پیش ازین [در همین جلد ص ۳۹۲] درباره کتابش بنام دقایق الحقایق که در شرح لغت های دشوار فارسی است اشاره یی داشتیم. کتابهای دیگری هم ازو می تواند مورد توجه پاریسی گویان باشد مانند رساله در لغت فرس - محیط اللغه در ترجمه لغات بفارسی - مزینة اللسان الفارسی علی سائر اللسنه ما خلا العربیة، و اینک کتاب مشهور او بنام نگارستان در اینجا مطرح است که غیر از نگارستان معین جوینی و نیز جز نگارستان قاضی احمد غفاریست و این یکی نگارستانی است که بتقلید از گلستان سعدی و بهارستان

-
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی پاریس، بلوژ، ج ۴ ص ۵۷ - ۵۸.
 - تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، ص ۸۱۰ - ۸۱۱.
 - همین کتاب، ج ۳ ص ۲۵۴ و همین جلد، ص ۳۹۲.

جامی فراهم آمده و در سال ۹۳۹ در ادرنه نگارش یافته و بنام ابراهیم پاشا وزیر اعظم سلطان سلیمان اول (۹۲۶ - ۹۷۴ هـ) در آمده است. این کتاب بهشت باب تقسیم شده که در آنها درباره موضوعاتی مثل سیرت پادشاهان، فضیلت درویشان، رضا بقضای الهی و ادای شکر نعمت، فوائد خاموشی، عشق و جوانی، ضعف پیری، تأثیر تربیت، آداب معاشرت سخن رفته است^۱. بیشتر حکایات که درین کتاب اخلاقی نقل شده در سیرت شخصیت‌های تاریخی مثل شاهان ساسانی، پیامبر اسلام، خلفا، شاهان غزنوی و سلجوقیست. نویسنده اثر خود را بر بهارستان جامی برتری داده ولی بارجمندی مقام گلستان اعتراف نموده است. بلوشه این کتاب را تقلید بدی از گلستان دانسته^۲ و دکتر آه آن را اثری مصنوع شمرده که «گاهی هم عین جملات گلستان در آن دیده می‌شود»^۳. این کتاب را یحیی بن زکریا المفتی (م ۱۰۳۵) بترکی ترجمه کرده است^۴.

۹- جمالی دهلوی^۵ حامد بن فضل الله جمالی کنبوی دهلوی معروف بدرویش جمالی یا ملاجمالی دهلوی یا شیخ

۱- توضیح درباره بابهای نگارستان نقل بمعنی است نه بلفظ.

۲- فهرست کتابخانه ملی پاریس، ۱، ۵۷.

۳- ترجمه تاریخ ادبیات، ۱۷۵.

۴- کشف الظنون، ستون ۱۹۷۶.

۵- درباره او بنگرید به:

* ریاض العارفین هدایت، تهران ۱۳۱۶، ص ۸۴ - ۸۵.

* نتایج الافکار، محمد قدرت الله گوبامو، بمبئی ۱۳۳۶، ص ۱۵۳ - ۱۵۴.

* صحف ابراهیم، علی ابراهیم خان خلیل، ذیل حرف جیم.

* تاریخ نظم و نثر در ایران، سعید نفیسی، ص ۴۰۴ - ۴۰۵ و ۸۰۸ - ۸۱۰.

* فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، ریو، ص ۳۵۴ - ۳۵۵ و چند

مأخذ که آنجا نشان داده شده است.

* فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانه دیوان هند، اته، ج ۱، ص ۲۶۳ - ۲۶۴.

جمالی کنبو از عارفان و شاعران و نویسندگان پارسی گوی معروف هند در پایان سده نهم و نیمه اول سده دهم هجری بود. نخست جلالی تخلص می کرد ولی بعد با اشاره مراد خویش شیخ سماءالدین چشتی تخلصش را بجمالی مبدل کرد. سفرهای بسیار کرد و از آن جمله به حج رفت و در بازگشت آذربایجان و مازندران و فارس و خراسان را دید و با چندتن از رجال علم و ادب ایران مانند ملاجلال دوانی و جامی دیدار کرد و چون بسال ۸۹۸ بدهلی رسید ملازم سکندر شاه لودی ابن بهلول لودی گردید. [سکندر شاه از ۸۹۴ بیعد بر دهلی فرمان می راند] و بعد از او از دربار پسرش ابراهیم (۹۲۳ - ۹۳۰ هـ) بدربار ظهیرالدین بابر پیوست و بعد از بابر ملازم همایون پادشاه بود تا بسال ۹۴۲ درگذشت و در جوار مرقد قطبالدین بختیار کاکای مدفون گردید و مرقدش زیارتگاهست. ازو دیوان قصاید و غزلها و چند مثنوی، از آنجمله مثنوی مهر و ماه بوزن خسرو و شیرین نظامی مانده است. کتاب سیرالعارفین او در شرح حال سیزده تن از عارفان بزرگ چشتیه هند نوشته شده که بیشتر آنان در تاریخ ادب فارسی صاحب نام و نشانند بدین شرح: خواجه معینالدین سجزی (سگزی) م ۶۳۳؛ بهاءالدین زکریای مولتانی^۱؛ قطبالدین مسعود بختیار اوشی (م ۶۳۴)؛ فریدالدین مسعود معروف به گنج شکر (م ۶۷۰)؛ صدرالدین عارف؛ نظامالدین محمد بداوتی معروف به اولیا (م ۷۲۵)؛ رکنالدین ابوالفتح بن صدرالدین عارف؛ حمیدالدین ناگوری؛ نجیبالدین متوکل؛ جلالالدین محمود اودهی؛ سیدجلالالدین بخاری؛ مخدوم جهانیان (م ۷۸۵) سماءالدین کنبو (م ۹۰۱). این آخری خال و پدرزن حامدبن فضل الله جمالی و مراد و مرشد او بود.

۱- دقت! وی مؤسس سلسله سهروردیان مولتانست و چشتی نیست. بنگرید بهمین کتاب، ج

زین‌الدین محمودبن عبدالجلیل واصفی تاشکندی
 ۱۰- واصفی هروی^۱ هروی، پیرامون سال ۸۹۰ هـ در تاشکند ولادت یافت^۲ و در جوانی بهرات رفت و محضر شاعر بزرگ نورالدین عبدالرحمن جامی را در آنجا درک کرد، و چون دیرگاه در آن شهر زیسته بهروی معروف شد. وی با اواخر عهد سلطان حسین بایقرا (م ۹۱۱ هـ) و دوران تلاش نافرجام فرزندان و زوال دولت تیموری در خراسان و دولت مستعجل محمد شیبانی‌خان اوزبک در آن سامان همزمان بود چنانکه در تاریخ ۹۱۳ بدستگاه حکومتی اوزبکیه در هرات آمد شدی داشت و عده‌یی از شاعران خراسان را آنجا ملاقات می‌کرد و بدنبال محاوراتی که درباره شعر کاتبی نیشابوری (م ۸۳۹) با آنان داشت پنج غزل در وزنهای متفاوت با التزام تیغ و آب در هر یک از آنها در جواب شعری از کاتبی با همین التزام ساخت که آن را «خمسه متحیره» نام داد.

واصفی در حدود سال ۹۱۸ از بیم غلبه شاه اسمعیل صفوی بر هرات از آن شهر بفرارود (ماوراءالنهر) بازگشت و بملازمت پادشاهان و امیران اوزبک ادامه داد و آنان را در قصیده‌های متکلف و مصنوع متعددی که سروده است

۱- درباره او بنگرید به:

- صحف ابراهیم، علی‌ابراهیم خان خلیل، ذیل حرف واو.
 - عرفات‌الماشقین، تقی‌الدین اوحدی بلیانی.
 - مقاله مرحوم صدرالدین عینی منقول در کتاب تاریخ تذکره‌های فارسی.
 - تاریخ تذکره‌های فارسی، گلچین معانی، ج ۲، ص ۴۶۷ - ۴۸۲. آقای گلچین شرح تقی‌الدین اوحدی را درباره واصفی هروی در پایان صحائف مذکور از کتاب خود آورده است.
 - تاریخ نظم و نثر فارسی، مرحوم سعید نفیسی، ص ۵۵۹ - ۵۶۰.
- ۲- بعضی مولد او را شهر هرات نوشته‌اند. از مولفان بسیار نزدیک باوکسی که او را تاشکندی دانست تقی‌الدین اوحدیست که در ذیل نامش چنین آورده: «در هری نشو و نما یافته و در اصل تاشکندیست».
- ۳- درباره او بنگرید بهمین کتاب، ج ۴، ص ۲۳۳ - ۲۴۴.

می‌ستود و بیشتر در زادگاه خود تاشکند بسر می‌برد.

وی مؤلف کتاب مشروحوئی در تاریخ است بنام بدایع الوقایع که رویداده‌ها و سرگذشتها و مطلبهایی را از مشهودات و مسموعات خود در آن یادداشت کرده «و از سال ۹۱۸ تا ظهر روز پنجشنبه ۲۲ رمضان سال ۹۵۸ که تاریخ مرگ پسرش فریدون محمد را در تاشکند در پایان این کتاب یادداشت کرده، مشغول آن بوده است»^۱. این کتاب بسال ۱۹۶۱ میلادی در دو مجلد در مسکو بطبع رسید و در آن بعضی رویدادهای عهد سلطانحسین بایقرا و عاقبت کار فرزندان او در خراسان و واقعه‌های عهد محمد شیبانی‌خان (شیبک‌خان) و دیگر فرزندان ابوالخیرخان اوزبک همراه با ذکر حال عده‌یی از شاعران و فاضلان معروف عهد مؤلف آمده است که بیشتر آنان را دیده و در محفلهایشان حضور داشته و با بعضی آنان معاشرت و مجالست کرده و شرح این مشاهدات را همراه با بعضی تراجم احوال در کتاب خود آورده است.

همچنانکه دیده‌ایم واصفی هروی از غزلسرایان و قصیده‌گویان عهد خود بود و قسمتی از قصیده‌های خود را که در مدح پادشاهان اوزبک سروده در کتابش بدایع الوقایع آورده است. بعضی ازین قصیده‌ها کاملاً مصنوع و برسوم شاعران متصنع دارای التزامات دشوارند و بر رویهم مهارت‌گوینده را در نظم می‌رسانند. این بیتها در لغز آفتاب تشبیب یکی از آنهاست^۲:

کیست آن سلطان گردون رفعت عالم‌پناه ملک عالم را مسخر کرده بی‌خیل و سپاه
گرچه باشد بی‌نهایت فسحت اقلیم او پیش سیررخش خنگ او بود یکروزه‌راه

۱- نقل بلفظ از یادداشت مرحوم سعید نفیسی در همان صفحه‌ها از تاریخ نظم و نثر که در زیرنویس پیشین اشاره کرده‌ام.

۲- اشعار واصفی را از کتاب تاریخ تذکره‌های فارسی که در ذکر مآخذ حالش بدان اشاره شده نقل کرده‌ام.

نیست غیر از رونمایان ز آن شه یوسف جمال
 می کند از مهربانی دیگران را تربیت
 دشمنش باشد سپاه شام و در جولانگش
 لیک خود گیرد بکف جاروب زرین تا کند
 گرچه با مردم بود گرم اختلاط و مهربان
 روز با صد جاه بر تخت سلیمانیش جای
 گر گشاید چهره سازد عالمی را غرق نور
 و این بیتها یک غزل اوست که در هر بیت آن تیغ و آب التزام شده
 است:

مضطرب گردم چو گیرد در گلویم تیغ یار
 در میان تیغ خوبان دست و پای می ذم
 بگذرد از استخوانهای تنم تیغش چون نیست
 تیغ تو چون از سرم بگذشت جان دادم روان
 چون نیامد بر سرم تیغ تو چشم خشک شد
 و اصفی تیغ ترا می بیند و محروم از آن
 در گلوی هر که گیرد آب گردد بی قرار
 آشنا باید کزین گردابم آرد بر کنار
 مانع آب تیز را خاشاک و خس در رهگذار
 آب چون بگذشت از سر غیر مردن نیست کار
 آب چون ناید زیلا خشک گردد جویبار
 می کند بر آب از حسرت نظر چون روزه دار

ابوالحسن علی بن حسن زواره‌یی از عالمان بزرگ
 ۱۱- زواری' سده دهم هجری در تفسیر و حدیث و فقه و

۱- درباره او بنگرید به:

* ریاض العلماء و حیاض الفضلا، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ج ۳، قم ۱۴۰۳ هـ. ق، ص ۳۹۶ - ۳۹۸.

* روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۴، مطبعة مهراستوار قم سنه ۱۳۹۱ هـ. ق، ص ۳۷۶ - ۳۷۷.

* هدیه العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، اسماعیل پاشا البغدادی، ج ۱، استانبول ۱۹۵۱ میلادی، ستون ۷۴۵.

ادبست که در تألیف و ترجمه کتابهای دینی بفارسی سهم عمده‌یی دارد. وی از عالمان عهد شاه اسمعیل (م ۹۳۰ هـ) و پسرش شاه تهماسب (۹۳۰ - ۹۸۴ هـ) و از شاگردان محقق کرکی است. استادان دیگری نیز داشته است (غیاث‌الدین جمشید زواری مفسر و سیدامیر عبدالوهاب بن علی استرآبادی از مشاهیر آغاز عهد صفوی). از شاگردان معروف او ملافتح‌الله کاشانیست که جداگانه معرفی خواهد شد. تاریخ وفاتش را اسماعیل پاشا البغدادی در ایضاح المکنون (ذیل ترجمه الخواص) در حدود ۹۶۰ و در هدیه العارفین (ذیل الزواری) بعد از سال ۹۶۰ هـ نوشته است. میرزا عبدالله افندی و میرزا محمدباقر موسوی خوانساری هر دو نوشته‌اند که او متمایل بتصوف بوده است چنانکه از کتاب لوامع الاتوار او دریافته می‌شود.

مهمترین اثر او ترجمه الخواص در تفسیر قرآنست بفارسی که بتفسیر زواری نیز معروفست و او آن را در دو مجلد بسال ۹۴۶ پایان رسانیده است. نخستین جلد این کتاب تا پایان سوره کهف و دومین تا پایان قرآنست. این تفسیر بعد از تفسیرهایی مانند تفسیر طبری (ترجمه فارسی آن) و تفسیر ابوالفتوح رازی جزو تفسیرهای مشروح و مشهور فارسیست. از اثرهای دیگر اوست شرح

- ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون، اسمعیل پاشا، استانبول ۱۹۴۵ میلادی، ستونهای: ۲۸۱، ۴۱۳، ۴۳۶، ۴۵۹، ۵۲۸، ۵۴۹، ۷۰۸.
- الذریعه، شیخ آقا بزرگ نهرانی، ج ۴، ص ۷۵.
- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، تهران ۱۳۴۴ شمسی، ص ۳۷۱.
- سبک شناسی، مرحوم محمدنقی بهار (ملک الشعراء)، ج ۳ چاپ سوم ۱۳۴۹ ش، ص ۳۰۲ - ۳۰۳.
- ریحانة الادب، محمدعلی مدرس تبریزی، ۱۳۲۶ - ۱۳۳۳ ش، ج ۲، ص ۳۹۳.
- الکنی واللقاب، ج ۲، ص ۳۰۳.
- فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، ج ۱، ص ۲۲۸ - ۲۲۹.

نهج البلاغه بفارسی موسوم به روضة الابرار - ترجمه كشف الغمة بهاءالدين على بن عيسى اربلى (م ۶۹۲ هـ) بنام ترجمه المناقب که آن را بسال ۹۳۸ هـ برای امير قوامالدين محمد از عربى بفارسی در آورد - ترجمه مكارم الاخلاق از رضىالدين ابونصر حسن بن فضل طبرسى که آن را مكارم الكرام نام داده - ترجمه عدة الداعى احمد بن فهد حلى (م ۸۴۱ هـ) موسوم به مفتاح النجاح - ترجمه كتاب الاحتجاج على اهل اللجاج تأليف ابومنصور احمد بن على بن ابوطالب طبرسى از عالمان سده ششم هجرى بنام كشف الاحتجاج که بفرمان شاه تهماسب صفوى بپايان رسانيد - ترجمه اعتقادات شيخ صدوق بنام وسيلة النجات - مجمع الهدى در تاريخ پیامبران و امامان بفارسی در چهل باب - لوامع الانوار الى معرفه ائمة الاطهار بفارسی که از كتاب احسن الكبار فى مناقب ائمة الاخيار تأليف محمد بن على بن ابى زيد ورامينى بنام شاه تهماسب تلخيص کرده و مطلبهاى بر آن افزوده و با مقدمه در اصول دين و چهارده باب تنظيم کرده است - ترجمه تفسير امام حسن عسکرى بنام شاه تهماسب - رساله مراتب الصفا بفارسی که خاتمه يى مشروح در باب زيارت اهل بيت دارد. باین ترتيب ملاحظه مى شود که زواری يکى از عالمان دينى فارسى نويس پرکار در اوائل عهد صفوى بوده است. ميرزا عبدالله افندى که فهرست اثرهاى مذکور زواری از او بروضات و ديگر مأخذها نقل شده همه اين اثرها را ديده و بعضى را خود داشته است. در پايان فهرست ياد شده ضمن نقل قولى از زواری درباره خوابى که دو سال پيش از حمله شاه اسمعيل بر اوزبکان و تار و مار کردن آنان (۹۱۶ هـ)، در خراسان ديده، نام کتاب لوامع الاتوار بصورت لوامع الاسرار نقل شده است.

نکته يى که در پايان اين شرح حال بايد افزوده شود آنست که نسبت زواره يى در عربى «زواری» است و ميرزا عبدالله افندى بدین نکته اشاره کرده و عنوان اين ترجمه ازو گرفته شده است. مرحوم سعيد نفيسى در کتاب تاريخ نظم و نثر در ايران، جزو اثرهاى که از زواری بايشان رسیده دو کتاب زيرين را افزوده است: ترجمه کتاب طرايف فى مذهب الطوايف رضىالدين على بن

طاوس حسینی بنام طراوة اللطائف فی ترجمة کتاب الطرائف - ترجمة کتاب امان الاخطار تألیف علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد طاوس حسینی بنام نشر الامان فی الامصار والاطوان.

۱۲- ابوالفضل منشی شیرازی^۱ ابوالفضل منشی شیرازی از دانشمندان و ادیبان ایرانی ساکن روم است که با سلطان سلیمان خان (۹۲۶-۹۷۴ هـ) معاصر بوده و کتابی در آیین کشورداری دارد بنام دستور السلطنة. مؤلف در مقدمه کتاب می نویسد که خاطرش متمایل بدانها بود «در هر باب سیما علم سیر و تواریخ و نوادر و اخبار سلف و علم مکارم اخلاق که آن را علم مکاشفه و لبالباب نیز گویند». وی مدعی تألیف کتابهایی در مطلبها و موضوعهای مختلف است که بنوشته او عبارتند از «کتاب اخلاق شمسیه؛ رساله در شرح کلمه توحید؛ کتاب ضیاء القلوب فی کشف الغیوب؛ رساله حرز الامان من فتن آخر الزمان؛ رساله مختصر در عقاید؛ کتاب غرائب الانشاء؛ تحفة الاحباب؛ دستور الوزارة؛ دستور السلطنة؛ کتاب بدائع السحر فی صنایع الشعر؛ نهج المتقین فی اخلاق سید المرسلین؛ مرآة الرجال در علم فراست»؛ باضافة تفسیری از سورة فاتحه و سورة الاخلاص. حاجی خلیفه از فراست نامه او بفارسی اسم برده ولی سنه وفاتش را ننوشته است و اسم او را عیناً ابوالفضل المنشی شیرازی ذکر کرده است و یقین است که او از منشیان پارسی نویسی دستگاه خواندگاران بود. از میان کتابهایی که ابوالفضل منشی در شمار تألیفات خود برشمرده، می دانیم که اخلاق شمسیه یا اخلاق شمسی را حسن بن روزبهان تألیف کرده بود، مگر اینکه این اخلاق شمسیه دیگری باشد؛

۱- درباره او بنگرید به:

- کشف الظنون، ستونهای ۶۴۶ و ۱۲۴۲.
- فهرست نسخه های خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس، ج ۲، ص ۳۹ - ۴۰.
- تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۳۹۸.

و نیز کتاب حرزالامان من فتن آخرالزمان را حاجی خلیفه رساله فارسی مختصری از آثار ملاحسین کاشفی شمرده است^۱، و اسمعیل پاشا هم که فهرست بسیاری از کتابهای فائت از کشف الظنون را در ایضاح المکنون آورده بهیچیک از کتابهای مذکور اشاره نکرده است، پس یا کتابهایی که ابوالفضل منشی از آثار خود ذکر کرده بجز فراست‌نامه و دستورالسلطنه مفقود شده و یا تألیف آنها بیابان نرسیده و متروک مانده بود.

و اما دستورالسلطنه که در آغاز این مقال بدان اشاره کرده‌ام بنام سلطان سلیمان اول در پنج مقصد نوشته شده و در هر یک از آنها بآیینی از آیینهای ملک‌داری اشاره شده است بدین شرح: «در بیان سلطنت و حکومت صوری و شرایط آن - در بیان حال ملوک و سلاطین و بیان وجوب رعایت شفقت با زبردستان - در شرح خلافت معنوی - در سیرت انبیا و رسل که بخلافت صوری و معنوی آراسته بودند - در بیان عدالت.»

از احوال ابوالفضل منشی اطلاع بیشتری بدست نیامد و چون کتاب را بنام سلطان سلیمان نوشته و معاصر او بوده، پس در شمار نویسندگان سده دهم هجری درمی‌آید که در روم بسر می‌برده و در دستگاه خواندگاران خدمت دبیری فارسی می‌کرده است.

عبدالوهاب بن جلال‌الدین محمد همدانی از مؤلفان
 ۱۳- عبدالوهاب همدانی نیمه اول سده دهم هجریست. از ترجمه حالش فعلاً اطلاعی ندارم و تنها معرف او کتاب پرارزشی است که از او مانده و آن کتاب ثواقب المناقب اوست که بسال ۹۴۷ تألیف کرده و از آن نسخه‌یی بشماره فهرست ۶۳۱ در کتابخانه دیوان هند موجود است^۲. ثواقب المناقب تحریر

۱- کشف الظنون، ستون ۶۴۶.

۲- بنگرید بفرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دیوان هند، اته، ج ۱، ستونهای ۲۵۹ -

جدیدست از مناقب العارفین شیخ احمد عارفی افلاکی^۱ با تجدید نظر و اصلاح و در بعضی موردها تلخیص و در دیگر جایها افزایش بعضی مطلبها و خبرها و دقت در تاریخهای مذکور در کتاب اصلی و عنداللزوم تصحیح آنها. کتاب بیک مقدمه و نه ذکر و خاتمه تقسیم شده است. نه ذکر چنین است: (۱) بهاء الحق والحقیقة والدنیا والدین ولد بلخی ملقب بسطان العلماء پدر جلال الدین رومی در شش باب. در این ذکر سال وفات سلطان العلماء در ۱۸ ربیع الاخر سال ۶۲۸ نوشته شده است.^۲ (۲) سیدبرهان الدین محقق مربی مولانا و مربی سلطان العلماء (۳) مولانا جلال الدین البلخی الرومی در ۱۰ باب که هر کدام بدو فصل منقسم گردیده است. (۴) شیخ شمس الدین تبریزی در هشت باب. مرگش درین ذکر بسال ۶۴۳ نوشته شده ولی معمولاً و شاید بضبط صحیح سال ۶۴۵ تاریخ وفات اوست.^۳ (۵) شیخ صلاح الدین فریدون قونیوی متوفی در اول محرم سال ۶۵۷ - ۶) حضرت چلبی حسام الدین متوفی در ۲۲ شعبان ۶۸۳ - ۷) سلطان بهاء الدین ولد پسر جلال الدین رومی که در ۱۰ رجب ۷۱۲ فوت کرد - ۸) شیخ جلال الدین فریدون معروف به چلبی عارف پسر سلطان ولد در شش فصل که درین ذکر سال وفاتش ۲۴ ذوالحجۀ ۷۲۹ نوشته شده - ۹) چلبی شمس الدین امیر عابد برادر جلال الدین فریدون. - خاتمه در تاریخ تألیف کتاب و مناجات. نسخهمی که در کتابخانه دیوان هند ازین کتاب موجودست از سده یازدهم و بسیار مهم و قابل چاپست.

۱- درباره او بنگرید بهمین کتاب، ج ۳، ص ۱۲۸۲ - ۱۲۸۵.

۲- بنگرید بهمین کتاب، ج ۲، ص ۱۰۲۱. در آنجا نوشتهام که بهاء ولد بروایت افلاکی در

ربیع الآخر سال ۶۲۸ و بروایت دولتشاه در سال ۶۳۱ بدرود حیات گفت.

۳- بنگرید بهمین کتاب، ج ۳، ص ۱۱۷۵.

۱۴- شاه طاهر دکنی سخن گفته^۱ و دیده‌ایم که او در سال ۹۲۶ هجری دربارهٔ او پیش ازین با تفصیل نسبی در شمار شاعران چگونه از چنگ قورچیان شاه اسمعیل جان بدر برد و خود را بدکن رسانید و در آنجا چه مقامهایی یافت و چطور مذهب مؤمنیه از مذاهب اسمعیلیه را در آن دیار شیوع داد. اما اینجا اشاره‌ی خواهم داشت ببعضی از تألیفات او مانند: حاشیه بر تفسیر بیضاوی؛ شرح تهذیب اصول؛ حاشیه بر الهیات شفا؛ رساله‌ی در معما؛ شرح باب حادی عشر در کلام؛ شرح رسالهٔ جعفریه در فقه؛ رساله‌ی فارسی در احوال معاد؛ رسالهٔ انموذج العلوم؛ رساله‌ی در علم انشاء؛ مجموعهٔ منشآت و جز آنها.

از رسالهٔ او در علم انشاء نسخه‌هایی در دستست^۲ و آن در ذکر فریادهای (قاعدہ‌ها)ی نامه‌نگاری و انشاء است با آوردن نمونه‌ها که شاه طاهر بسال ۹۳۸ ه در هند تألیف و تنظیم کرد. و اما مجموعهٔ منشآت او موسوم به انشاء شاه طاهر همانست که بانشاء روح افزا هم شهرت یافته و از آن نسخه‌هایی در دستست و من نسخه‌ی ازین مجموعه را بشمارهٔ Suppl.2114 در کتابخانهٔ ملی پاریس بتمامی مطالعه کرده و یادداشت‌هایی از آن فراهم آورده‌ام که اینک بخلاصه‌ی از آنها اشاره می‌شود: انشاء روح افزا از شاه طاهر متضمن مقداری از نامه‌های اوست که بسلاطین ایران (شاه‌تھماسب) و هند (پادشاهان جزء دکن) یا بمردم دیگر نوشته است. چند نامه هم بانشاء او از جانب نظام شاه دکن بشاه تھماسب صفوی نوشته شده است. نامه‌ی را هم شاه‌تھماسب بسلاطین قلی قطب شاه نوشته بود و چون تا رسیدن آن نامه او مرده بود جانشینش ابراهیم قطب شاه

۱- همین جلد ص ۶۶۲ ببند و مأخذهایی که آنجا دربارهٔ او و پیروانش نشان داده شده است.

۲- و از آنجمله در کتابخانهٔ دیوان هند که عنوانش چنین است: «رساله در بعضی از قواعد علم انشاء و بعضی از مکاتیب شاه طاهر دکنی بشمارهٔ فهرست ۲۰۵۶ (فهرست آن کتابخانه، ج ۱، ص ۱۱۳۹).

بدان پاسخ داد. نامه شاه تهماسب و نامه‌یی که شاه طاهر از جانب ابراهیم شاه نوشته هر دو درین مجموعه مندرجست. نامه‌یی از خود شاه طاهر بشاهزاده سلطانم همشیره شاه تهماسب متضمن توصیه درباره پسر خود شاه حیدر که او را تحت حمایت گیرد. نامه‌یی از زبان نظامشاه بظہیرالدین محمد بابربہادر و دو نامه از برہان نظام شاه به ہمایون پادشاہ و جز آنہا از سلطانیات. - شاه طاهر شاگرد شمس الدین خفری^۱ بود و نامه‌یی بدو نوشته است کہ نقل خواہم کرد، نامہایی دارد بشاہ نعمتاللہ یزدی و شاه قوام الدین اصفہانی و قاضی جهان پدر شرفجہان شاعر مشہور و سیدحسن شاہ و سیدقوام الدین محمد نوربخشی و قاضی میرحسین کہ ہمہ در شمار اخوانیات ہستند. در نامہ‌یی کہ بقاضی میرحسین نوشته ازینکہ خلاف رابطہ آبا و اجدادی عمل کردہ و نامہ‌یی باو نفرستادہ گلہ کردہ و از آن معلومست کہ دوران شباب را در تحصیل دانش با یکدیگر گذرانیدہ اند. گویا باز در نامہ‌یی بہمین میرحسین باشد کہ از او اظہار رنجش کردہ و گفتہ است چرا بتضریب دیگران باو نسبت الحاد دادہ و باعث خروجش از ایران شدہ است؟ و بسیاری نامہای دیگر کہ یا از زبان خود بشاہان و رجال و دوستان و مشایخ و علما نوشتہ و یا از جانب پادشاہان نظام شاہی و قطب شاہی بیکدیگر مرقوم داشتہ است. نامہ زیرین را بشمس الدین محمد خفری استاد خود نگاشتہ است کہ بسبب اہمیت آن در اینجا نقل می‌کنم:

تا اشعۃ آفتاب وجوب از ثقبۃ اسطرلاب حکمت الہی بر صفایح
ممکنات فایض باشد، و پرتو نور وجود اضافی مرتعینات و مراتب وجود حقیقی
را عارض، لوامع خورشید فضل و حکم و لوایح نیر خلق و گرم از سپہر ذات
فایض البرکات حضرت استادی علامی صاحب سربر اقلیم کمال، مسندنشین
بارگاہ افصال، نزهت بخش ریاض آفاق، چمن آرای گلشن افاضت،
چہرہ گشای جمال حقایق و معانی، مبین دقایق رموز آسمانی، زبور چہرہ

دانش و بینش، فهرست کتاب آفرینش، مجموعه کمالات انسانی، مرآت تجلیات الهی و کیانی... المولی الحبر العلامة المویذ مولانا و مقتدانا شمس الملة والافاضة والافادة والدين محمد برصفحات هياكل اعيان ثابتة اصحاب مكارم و آداب و قوالب قوابل ماهیات ممکنه تلامذه و طلاب لامع و لایح باد. اقل المعتصمين بحبل افادت و اصفر المتشبهين بذیل افاضت، طاهر، بعد تلخیص رسایل خلوص و تنقیح مسایل خصوص تحتی چون انفاس قدسیان مجرد از شوب شوایب ریا و خدمتی چون ماده خلقت روحانیان مقید بصورت صدق و صفا معروض موقف افادت و مشهود مجلس افاضتش می دارد، و پیوسته ارقام اخلاص بکلک اختصاص بر صحیفه خاطر می نگارد؛ و حسن ارادت و اعتقاد و کمال مودت و اتحاد نسبت بمقیمان آن آستان که معصم ارباب شوق و طلب و ملثم اصحاب علم و ادب است، مفتقر بزیور خط و خال الفاظ و عبارات نیست و محتاج بمزینة غنچ و دلال و شواهد تشبیهات و استعارات نه. حقا که حقیقت شوق صحبت محاط نسبت علمیه نمی شود و کیفیت خلت و مودت کماهو در حیز تحریر و تعبیر در نمی آید چه احاطه متناهی بنیر متناهی امریست منتع التیسیر و ادراک امور وجدانی کیفیتی است متعذرالتعبیر،

تلم را آن زبان نبود که راز عشق گوید باز و رای حدّ تقریرست شرح آرزو مندی
 فاسأل الله نیل الاتصال و اعوذ به من ذیل الانفصال والله علی صدق ما اقول خیراً
 و بایجاب ما اسأل منه قدیراً.

گرچه از راه صورت مسافت بعید حاجز کعبه مقصود گردیده و باین سبب انواع تفرقه و اصناف الم بخاطر محزون رسیده، اما همیشه مشام جان بروایح افادات علیه که از حریم گلشن معنی می وزد معطر، و ظلمت آباد طبیعت بلوایح افاضات جلیه که از سپهر باطن قدس موطن می [درخشد] منور بوده، و زمان زمان نسیم توجه خاطر فیاض ریاض قابلیت طالبان را طراوت افزوده، و نفس نفس رشحات ضمیر آفتاب تأثیر مزرع استعداد مستفیدان را تربیت نموده است... لاجرم اکثر اوقات خود را بعد اقامت مایجب علی العباد و يستحب

للعبيد من وظائف التعبد و رواتب العبودية بتدرّب مقاصد قدما و تتبع مآثر علما مشغول ساخته و خدمت معارف دينيه و ملازمت علوم يقينيه را مورث هدايت و نجات و مثمر ارتفاع درجات شناخته است و بقدر همت خود از هر خرمن خوشه‌يي و از هر سفره نوشه‌يي گرد آورده و بآنچه مقدور فهم قاصر بوده در آن وادي طريق سعي و اجتهاد سپرده از آن جمله چون در اثنای مطالعه عبارات اشارات و شرحين و محاكمات^۱ خار تردّی در غنچه دل خلبده بود، و غبار شكي چند بآيينه خاطر رسیده و در دفع منوع و نقوض و معارضات صاحب محاكمات سخني چند روی داده بود فاما از قلت قابليت و عدم اعتماد بر غريزت خود آنها را وقعی نمی‌نهاد و بمقتضای تأمل در مؤذای المرء لا يبصر بعيوب نفسه توسن طبيعت را در میدان اشعار رخصت جولان نمی‌داد بسبب اين دغدغه خاطر قرار نمی‌گرفت، و بعلت آن تردد باطن تسكين نمی‌پذیرفت، بخاطر فاتر رسیده که از آن جمله آنچه در وقت گنججد از سواد به بياض آورده بنظر کيميا اثر که حلال هر مشکل و فاروق حق و باطل است، معروض دارد تا اگر آن خرده‌ها بر محک اعتبار کامل عيار نمايند بسکه قبول رسانند و در بازار صيرفيان سخن رائج گردانند والا جمله را در خلاص اصلاح بگدازند و عارض حق صرف را از عرضه تعرض باطل خلاص سازند، و علی‌التقديرين کمينه با حدی الدولتين فايز گردد.

بناءً عليه تمام مباحث تصورات به بياض آورده بنظر مبارک مرسل داشت. بی‌ادبی و گستاخی را بذیل عفو و اغماض مستور داشتن و همت بلند بر تربیت جانب مخلصان نیازمند و اصلاح حال دردمندان مستمند گماشتن بی‌شائبه مناسب شمایل قدسیه آن ذات عالیشان و ملایم طور بزرگی ایشان خواهد بود. بزرگان خرده بر خردان نگیرند. چون امید دولت دست‌بوس

۱- مقصود کتاب المحاکمات بين الامام والنصير فی شرح الاشارات است از قطب‌الدین محمدبن

محمد بویه رازی م ۷۶۶ هـ و مراد از امام در اسم مذکور امام فخررازی نخستین شارح اشارات است.

باقیست امید است که باقی بمشافهد معروض داشته شود.

۱۵- امیر محمود^۱ امیر محمود بن غیاث‌الدین خواندمیر هروی مانند پدر بتألیف کتب تاریخی تمایل داشت. وی بعد از مهاجرت پدرش بهند در ایران و در شهر هرات ماند و در کشاکشهای میان صفویان و اوزبکان نیز در همان شهر بسر می‌برد و کتاب تاریخ پادشاهی شاه اسمعیل و شاه تهماسب را که به ذیل حبیب‌السیر معروفست، در همانجا میان سالهای ۹۵۳ - ۹۵۷ تألیف کرد. درباره این کتاب پیش ازین در شمار کتابهای تاریخ اشارتی داشتیم و اینک باید بدانیم که امیر محمود شیوه پدر را در تألیف دنبال کرده و در حقیقت کتاب خویش را بصورت ذیلی برای حبیب‌السیر در آورده است. وی کتاب را با ذکر بعضی از اوصاف شاه اسمعیل و بیان نسب او شروع نموده و احوال نیاکانش را با «گفتار در تیمن بذكر شمعی از صفات و خوارق عادات شیخ صفی‌الدین الاردبیلی» آغازیده و بعد از او از جانشینانش صدرالدین موسی، شیخ علی خواجه، ابراهیم، جنید و حیدر نام برده و سپس به بیان سرگذشت شاه اسمعیل از زمان ولادت تا وفات پرداخته است. در این کتاب بیان حوادث بنظم سنواتی ترتیب نیافته بلکه ذکر وقایع اصلی بر حسب تقدم و تأخر آنها مورد توجه است. اما تاریخ شاه تهماسب با تفصیل و توضیح بیشتر بویژه درباره خراسان همراهست و تا بواقعه محاصره هرات بسال ۹۵۷ بوسیله اوزبکان امتداد دارد. نسخه (۲۰۲۹۳۹) این کتاب در کتابخانه موزه بریتانیا ملاحظه شد.

۱- آقای عبدالعلی کارنگ درباره این امیر محمود و کتابش شرحی در شماره هفتم نشریه کتابخانه ملی تبریز نوشته و آقای گلچین معانی آن را در تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲ ص ۵۴۰ - ۵۴۱ نقل کرده است. و نیز بنگرید بضمیمه فهرست ریو، ص ۳۵ - ۳۶؛ و اشاره مختصر مرحوم سعید نفیسی در تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۳۵۸؛ و ریاض‌الشعراي واله داغستانی.

امیریحیی بن عبداللطیف حسنی سیفی قزوینی از
 ۱۶- میریحیی قزوینی دانشمندان و مؤلفان معروف سدهٔ دهم هجریست.
 و فرزندان^۱
 وی از سادات سیفی^۲ قزوین بود و در تسنن تعصب
 می‌ورزید و با این حال حاج خلیفه وی را شیعی دانسته است در حالی که
 صمصام‌الدوله شاهنوازخان دربارهٔ خاندانش یعنی سادات سیفی گوید «این
 سلسله در ایران بتسنن مشهور» است.

محمدامین بن احمد رازی دربارهٔ او نوشته است که «امیریحیی از علوم
 عقلی و نقلی بهره و بخشی داشته اما در فن تاریخ و سیر فرید عصر و وحید دهر
 و مهارتش درین شیوه بحدی بوده که از ابتدای طلوع نیر جهان‌افروز نبوت و

۱- دربارهٔ او و اثرش لب‌التواریخ و خاندانش بنگرید به:

- هفت اقلیم، تهران، ج ۳، ص ۱۷۶ - ۱۷۷.
- کشف‌الطنون، استانبول، ستون ۱۵۴۷.
- مآثرالامراء، صمصام‌الدوله شاهنوازخان، ج ۳ کلکته ۱۳۰۹ هـ.ق، ص ۸۱۲ - ۸۱۷.
- فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا، چارلزریو، ج ۱ ص ۵۷ و ۱۰۴ - ۱۰۵.
- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ص ۳۵۴ و دربارهٔ پسرش علاءالدوله کامی،
 ص ۳۸۳، ۴۳۳، ۸۰۶، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۴۰.

- اکبرنامه، ابوالفضل هلامی، ج ۱، ص ۱۹.
 - تاریخ تذکره‌های فارسی، گلچین معانی، ج ۲، ص ۳۶۲ - ۳۹۱.
 - تذکرهٔ روز روشن، تهران ۱۳۴۳، ص ۶۷۳ - ۶۷۴.
 - منتخب‌التواریخ بدائونی، ج ۳، ص ۹۷ - ۹۹.
 - فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانهٔ ملی پاریس، بلوشه، ج ۱، ص ۲۲۶ - ۲۲۷.
- ۲- سادات سیفی قزوین از اعقاب سیف‌الدین محمدحسینی بوده‌اند که در سدهٔ هشتم هجری
 شهرت بسیار داشت. حمدالله مستوفی دربارهٔ او در فصل سادات قزوین نوشته است: «سیف‌الملة
 والدین محمدالحسنی قاضی‌القضات دارالملک سلطانیه و تومان قزوین و ابهر و زنجان و طارمین (=
 طارم علیا و طارم سفلی) است و متابع مذهب امام اعظم شافعی رضی‌الله عنه و در قطع قضایا از
 جادهٔ شرع تجاوز نمی‌کند». تاریخ‌گزیده، تهران ۱۳۶۲، ص ۷۹۸.

رسالت تا انتهای حیات خود که نهصد و شصت و دو بوده از وقایع هر سال که ازو استفسار می نمودند خبر می داده و تاریخ تولد و فوت اکثر سلاطین و وزرا و مشایخ و علما و شعرا را در ذکر داشته و در فصاحت و شیرین زبانی و سلاست و نکته دانی مشهور جهان و بی مثل دوران بوده، کتاب لب (= لب التواریخ) که تاریخ مختصر مفید است از مؤلفات اوست و هفتاد و هفت سال عمر داشته و در نهصد و شصت و دو از عالم فانی بجهان جاودانی نقل نموده و گاهی بزلال این نوع ابیات رطب اللسان می گشته:

ای که بر لاله تر زلف سمن سا داری قصد شوریدگی عاشق شیدا داری
ساعد سیم نمایی و دل از دست بری تو درین کار نگارا یدببضا داری
و نهال این روضه امیر غیاث الدین علی امروز درین سده سنیه بسان نصرت و
دولت مقیم بوده بخطاب نقیب خانی مخصوص است و در تاریخ دانی و خط
شناسی و دیگر صفات همال و نظیری ندارد».

شاهنواز خان بعد از آنکه تقریباً همین مطلبهای امین بن احمد رازی را درباره امیر یحیی تکرار نموده اضافه کرده است که: «... ابتدا در خدمت شاه طهماسب صفوی معزز و معتبر بوده شاه او را یحیی معصوم می گفت تا آنکه ارباب عناد مزاج شاهی را ازو منحرف ساختند، که میر یحیی و پسرش میر عبداللطیف مذهب اهل سنت و جماعت دارند و مقتدای سنیان قزوین اند. شاه از حدود آذربایجان قورچی تعیین نمود که میر را با اهل و عیال بصفاهان برده مقید نگاه دارد. در آن هنگام پسر دوم او میر علاءالدوله کامی تخلص مؤلف تذکره نفائس المآثر در آذربایجان بود، مسرعی فرستاده ازین خبر پدیر آگهی داد. میر یحیی بنا بر ضعف پیری نتوانست فرار گزید، همراه قورچی بصفاهان رفته بعد یک سال و ده ماه سنه ۹۶۲ نهصد و شصت و دو بعمر هفتاد و هفت سالگی ودیعت حیات سپرد»^۲.

۱- در اصل هفتاد و دو.

۲- باین حساب ولادت میر یحیی در حدود سال ۸۸۵ - ۸۸۶ ه بوده است.

پسر بزرگ میریحیی، میرعبداللطیف بعد از دریافت خبر از برادر خویش قزوین را ترک گفت و بگیلان و از آنجا بهند گریخت و در آغاز پادشاهی جلال‌الدین اکبر (سال ۹۶۳) با خاندانش بهند رسید و مورد قبول و اکرام آن پادشاه گردید و در سال دوم بمعلمی وی برگزیده شد چنانکه گاهی غزلهای حافظ را نزد او می‌خواند. میرعبداللطیف هم مانند پدر از دانشها آگاه و در وسعت مشرب و آزادمنشی معروف بود و بدین جهت بقول میرعبدالرزاق خوافی (شاهنوازخان) در عراق (مقصود ایرانست) بتسنن و در هند بتشیع اشتها داشت، و باز بقول همان مؤلف «همانا رفتار میربصوب دارالامان صلح کل بوده که غالبان هر طایفه او را مطعون دارند». معلومست که سخن شاهنوازخان در این مورد مأخوذ از گفتار ابوالفضل علامی مؤلف اکبرنامه است که در ضمن حوادث سال ۹۶۳ می‌نویسد: «از سوانح این ایام سعادت قرین آنست که نقاوه اکابر عراق، معدن مکارم اخلاق، میرعبداللطیف از قزوین رسیده ادراک محفل عالی [یعنی درگاه جلال‌الدین اکبر که تازه سال جلوسش بود] نمود و مشمول انواع اعزاز و اکرام شد، و ولد ارشد اعزاز او میر غیاث‌الدین علی که بعاطفت خسروانی بخطاب نقیب‌خانی سربلندی یافته از خاصان بساط قرب شاهنشاهیست، همراه بود. میر بفقون علوم و فضائل و طلاقت لسان و اطمینان قلب و دیگر شرائف صفات امتیاز تمام داشت و از عدم تعصب و وسعت صدر در هند بتشیع و در عراق بتسنن زبانزد روزگار بود، همانا که رفتار میربصوب دارالامان صلح کل بود که غالبان هر طایفه او را مطعون می‌داشتند»^۱. میرعبداللطیف مردی پرهیزگار بود و در رفع نیازمندیهای حاجتمندان همتی بلند داشت و بنیک‌نفسی و هشیارمغزی می‌زیست تا بسال ۹۸۱ در قصبه فتح پور سیگری در گذشت.

پسر او میرغیاث‌الدین علی که در نقل قول از ابوالفضل علامی و از محمدامین رازی نامش را دیده‌ایم جای او را گرفت و در سال بیست و ششم از

پادشاهی اکبر (۹۸۹ هـ) خطاب نقیب‌خانی یافت. نقیب‌خان هم در حدیث و سیر و اسماء رجال و تاریخ بی‌همتا بود و بقول شاهنواز خان «گویند هفت جلد روضة‌الصفاء سر زبان و در جفر نیز مهارتی داشت». وی بعد از اکبر در پادشاهی نورالدین جهانگیر نیز مقام و مرتبه بلند داشت و بسال ۱۰۲۳ که در موکب جهانگیر در اجمیر بسر می‌برد در گذشت و پسرش میرعبداللطیف منصب و مقام عمده یافت. نقیب‌خان چنانکه می‌دانیم از مترجمان مهابهارت است.

اما میرعلاءالدوله کامی پسر دیگر میریحیی که پدر را از سوء قصد شاه‌تهماسب آگاه کرده بود، به‌مراه برادرش میرعبداللطیف در همان سال ۹۶۳ هـ وارد هند شد و مانند برادر بلطف در دربار اکبر و در ردیف شاعران آن درگاه پذیرفته شد. وی شعر می‌گفت و کامی تخلص می‌کرد و مردی دانشمند و ادب‌شناس بود. در غزل دست داشت و کتاب مشهوری بنام نفائس‌المآثر دارد که درباره شاعران خاصه گویندگان دربار اکبر تألیف کرد و ملاعبدالقادر بداوئی مؤلف منتخب‌التواریخ فصل پایان کتاب خود را در بیان احوال شاعران دربار جلال‌الدین اکبر از آن کتاب گرفت؛ و اگرچه بعضی پنداشته‌اند که مرگ او در حدود سال ۹۸۲ هـ است^۱ ولی گویا درین مورد تاریخ ختم نفائس‌المآثر را بجای تاریخ وفات مؤلف گرفته‌اند در حالی که کامی بر کتاب خود بعد از آن سال مطالبی افزود و تاریخهایی در این افزایشها تا سال ۹۹۸ هـ ثبت کرد. وی در این کتاب علاوه بر مطالبی درباره شعر و اصناف سخن و شاعران عهد تیموریان هند از عهد بابر تا دوران اکبر (تا سال ۹۸۲)، اطلاعات تاریخی و جغرافیایی سودمندی را هم آورده است و جزاین کتاب رساله‌یی در صنایع شعری و رساله‌یی دیگر بنام صحیفة‌الارقام در هنر خوشنویسی داشت که در نفائس‌المآثر از آن نام برده است. این چند بیت از روز روشن نقل می‌شود:

کردی وداع و جای تو در چشم تر هنوز
از بسکه در نظاره آن شست ناز کم
صد خار غم ز تربت کامی دمیده است
رفتگی و صورت تو نرفت از نظر هنوز
تیرت زدل گذشت و ندارم خبر هنوز
دارد هزار خار دگر در جگر هنوز

• •

خوار آنکه زکوی خود برونش کردی
دائم بدرت کشان کشان می آرد
زار آنکه بدست غم زبونش کردی
آن دل که هزار بار خونش کردی

پرداختن بذکر حال فرزندان میریحیی سبب شد که از ذکر اثر معروفش *لبالتواریخ* باز مانیم. این کتاب خلاصه‌یست از تاریخ عمومی تا سال ۹۴۸ هـ. میریحیی در مقدمه این کتاب گوید که از جوانی باز بعلت علاقه بتاریخ به ثبت همه وقایع مهم و تاریخ وفات مشاهیر از هجرت تا عهد خود می‌پرداخت و بنابراین انگیزه‌های تألیف این کتاب جامع از دوران شباب برایش فراهم آمده بود تا آنکه آن را بدستور بهرام میرزا پسر شاه اسمعیل فراهم آورد و در ذی‌الحجه سال ۹۴۸ بپایان رسانید. بخشهایی ازین کتاب در مجلات سابق اروپایی [ریو، ص ۱۰۴] و نیز در *گاهنامه* سال ۱۳۱۴ (سیدجلال تهرانی) چاپ شد و ترجمه لاتین آن در سال ۱۷۸۸ در هال بطبع رسید و نسخ بسیار از آن در دستست. *لبالتواریخ* بچهار «قسم» تقسیم شده است. قسم اول در دو «فصل»: ۱- پیامبر ۲- امامان. قسم دوم پادشاهان مقدم بر اسلام در «چهار»

۱- Medulla Historiarum, Büching Magasin für die Neue Histoire, -

Hall 1788

آقای منزوی در فهرست خود راجع به *لبالتواریخ* نوشته‌اند: «بلاطینی در پاریس ۱۶۹۰ م و در هال ۱۷۸۳ م و گزیده‌های ازین ترجمه به فرانسوی در پاریس ۱۶۹۶ چاپ شده است».

فصل: ۱- پیشدادیان ۲- کیانیان ۳- ملوک الطوائف ۴- ساسانیان. قسم سوم پادشاهان دوره اسلامی شامل سه «مقاله» و شش «باب»: مقاله اول خلفای راشدین، مقاله دوم بنو امیه، مقاله سوم بنو عباس. و شش باب چنین است: باب اول شاهان ایران در عهد عباسیان شامل یازده فصل (۱- طاهریان ۲- صفاریان ۳- سامانیان ۴- غزنویان ۵- غوریان ۶- بویهیان ۷- سلجوقیان ۸- خوارزمشاهان ۹- اتابکان ۱۰- اسمعیلیان مغرب و ایران ۱۱- قراختانیان کرمان)، باب دوم مغولان از چنگیز خان تا ابوسعید میرزا بهادر خان، باب سوم ملوک الطوائف بین مغول و تیمور، باب چهارم تیموریان، باب پنجم ترکمانان آق قویونلو و قراقویونلو، باب ششم ازبکان ماوراءالنهر و خراسان. قسم چهارم تاریخ صفویان.

درباره مظفر بن محمد حسینی کاشانی متخلص بشفایی
 ۱۷- مظفر بن محمد شفایی و کتاب او طب شفایی یا «اقرابادین شفایی» و ترجمه لاتینی آن پیش ازین^۱ اشاره‌ی داشتیم. وی کتابی در اخلاق دارد که به اخلاق شفایی مشهور است. نسخه‌ی از آن بشماره Or.3546 در کتابخانه موزه بریتانیا ملاحظه شد. در آغاز آن بعدالنعوت گوید: «... فاما بعد فقیر حقیر کثیرالتقصیر مظفرالحسینی الطیب الکاشانی المتخلص بشفایی باوجود قلت بضاعت و عدم استطاعت کمر اطاعت باشارت پیر روشن ضمیر، که ضمیر منیر او چراغ مجلس روحانیان صوامع قدس است و رای عالم آرایش شمع شبستان روشن دلان مجامع انس، بر خاصره جان بسته این چند کلمه در علم اخلاق که منافع آن بخاص و عام واصل و فواید آن عموم انام را شامل است بعد استخاره و استجازه بر صفحه انشاء رقم نموده...» و آن را بنام شاه تهماسب صفوی در آورده و بدو تقدیم نموده است.

در مقدمه کتاب بعد از مقدماتی که اندکی از آن نقل شده بی‌بحث در

بایستگی آرایش نفس بزیور دانش پرداخته و آنگاه به بیان سه قوه: نطقی، شهوی، غضبی و لزوم رعایت اعتدال در هر یک توجه نموده و سپس کتاب را بدو مقاله تقسیم نموده است: مقاله اول در بیست و یک باب درباره فضائل اخلاقی و مقاله دوم در هفده باب درباره ردائیل اخلاقی. نثر کتاب ساده و بسیار روان است و چنانکه مؤلف خواسته است قابل استفاده خواص و عوام. وی در مقدمه کتاب و در هر یک از ابواب حکایتهایی آورده و آنها را از کتابهای معتبر نقل نموده و گاه اشعاری از هر جا بشاهد مثال ذکر کرده است.

در پایان لازم بنیاد آوریم که این شفایی سده دهم را که بسال ۹۶۳ فوت کرده نباید با شفایی دیگری اشتباه کرد که حکیم شرف‌الدین حسن نام داشته، و اتفاقاً او هم شاعر و پزشک بوده، سه سال بعد از مرگ شفایی نخستین زاده و ۷۴ سال بعد از ولادت او مرده است (۹۶۶ - ۱۰۳۷). درباره این شفایی ثانوی هنگامی که بخش دوم این جلد فراهم می‌شد ترجمه حالی نوشته و نمونههایی از شعر او نقل کرده^۱ و تاریخ وفاتش را هم ۱۰۳۷ نگاشته‌ام، نسخه خطی دیوانش را نیز با تحمل رنج سفر و مستلزمات آن در کتابخانه موزه بریتانیا دیده و خوانده و از آن شعر برگزیده‌ام، همان کار که درباره دیگر شاعران عهد صفوی کرده‌ام. گویا در همان اوان هم مقدمه دیوان حکیم شفایی اصفهانی نوشته می‌شد و دیوان آن شاعر در ایران انتشار می‌یافت و مصحح آن که بخش اول این جلد از کتابم را در دست داشت^۲، زیر عنوان «وضع شعر فارسی در عهد صفوی» در صفحه‌های بیست و هفت تا سی و شش مقدمه خود، قسمت بزرگی از کتاب مرابعین عبارت، از صحیفه ۵۲۱ تا

۱- همین جلد، بخش دوم، ص ۱۰۷۵ - ۱۰۸۲.

۲- بنگرید به صفحه (۸۵۱) از دیوان حکیم شفایی ذیل عنوان «منابعی که در مقدمه و نصیح و تعلیقات مورد استفاده قرار گرفته است». علاوه بر این در صحیفه شصت و دو مقدمه هم بخش اول از جلد پنجم تاریخ ادبیات در ایران با عنوان کلی «جلد پنجم تاریخ ادبیات در ایران» اشاره کرده و ندانست است که آن بخشی از بخشهای آن جلدست نه همه آن.

صحیفه ۵۷۴ [بخش اول از جلد پنجم تاریخ ادبیات در ایران] برگزیده و با اسقاط شاهد‌های منظوم و منثور و حذف بعضی توضیحات لازم که داده‌ام، نقل کرده و اصلاً اسمی از مأخذ نبرده است. خدایش هدایت کناد!

حکیم شاه محمدبن حاجی مبارک قزوینی از
دانشمندان و مؤلفان و مترجمان مشهور سده نهم و
سده دهم هجریست که در بعضی از رشته‌های علوم

۱۸- حکیم شاه محمد
قزوینی

۱- مصحح همین دیوان در صحیفه نعت و دو از مقدمه آن درباره من نوشته است: «در جلد پنجم تاریخ ادبیات در ایران (مقصودشان بخش اول از آن جلد است) در سه جا از حکیم بمناسبتی یاد کرده و شواهدی از ایانش آورده و فقط بذکر نام سه مثنوی او اکتفا نموده است از آنجائیکه دیوان شاعر برای نخستین بار (کذا) بچاپ می‌رسد، اگر چنانچه (کذا) بحث مفصلی ازو بمیان نیامده شاید بعلت عدم دسترسی (کذا) بدیوان اشعارش بوده است.» سبب این داوری آنست که مصحح دیوان حکیم شقایب که بخش اول این کتاب را در دست داشت، بفرست موضوعی آن که در اول کتاب آمده نگاه نکرد تا بداند که در آن بخش فقط بذکر کلیاتی از ادب فارسی از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری توجه شده و شرح حال شاعران و نویسندگان در آن مطرح نیست و آن مواردی هم که اسم حکیم شقایب در آن بخش آمده غیر از موردهایی که بشمرش استشهاد شده، یکبار ذیل عنوان داستان‌سرایست و یکجا ذیل عنوان منظومه‌های حکمی و عرفانی؛ و شرح حال و ذکر نمونه‌های آثار شقایب مانند همه شاعران دیگر عهد صفوی برای بخش دوم جلد پنجم ماند که تاکنون چند بار چاپ شده است و من دیوان حکیم را خیلی پیش از آنکه نسخه‌یی از دیوانش در تبریز بطبع رسد و مدتی پیش از نخستین انتشار بخش اول این جلد (در خردادماه ۱۳۶۲) یعنی پیرامون سال ۱۳۵۹ دیده و از آن یادداشت‌های لازم را فراهم آورده بودم و نسخه چاپ تبریز را چندماه پیش ازین تاریخ (امرداد ماه سال ۱۳۶۹) که سرگرم تنظیم مطالب بخش حاضر از جلد پنجم هشتم برای من از تهران فرستادماند.

۲- درباره او بنگرید به:

• مقدمه ترجمه مجالس النفاث امیرعلیشیر نوایی، بتصحیح شادروان علی‌اصغر حکمت،

تهران ۱۳۳۲ ش.

• کشف الظنون، حاجی خلیفه چاپ استانبول ستونهای ۲۰۸، ۶۹۷، ۱۱۴۶، ۱۳۷۱.

معقول و منقول اثرهایی دارد و نیز ترجمه‌هایی از ترکی و از تازی بپارسی ازو در دستست. وی از خاندانی که پزشکی اشتغال داشت برآمد و پس از چندی دانش‌اندوزی در زادگاه خود، مدتی هم در شیراز شاگردی علامه جلال‌الدین دوانی^۱ کرد و سپس بمکه و از آنجا بدعوت سلطان بایزید دوم (۸۸۶ - ۹۱۸ هـ) باستانبول رفت و با یکصد و بیست درهم وظیفه روزانه پزشک دربار او شد و بخدمت خود در دربار خواندگاران ادامه می‌داد تا در عهد پادشاهی سلطان سلیمان (۹۲۶ - ۹۷۴ هـ) در گذشت. حاجی خلیفه وفات او را در ذیل عنوان کتاب عقائد نسفی (ستون ۱۱۴۶) در ۹۲۰ (عشرین و تسعمانه) نوشته و در زیر عنوان کتاب ایساغوجی ضمن تعدید شارحان آن کتاب (ستون ۲۰۸) وفاتش را در سال ۹۶۶ دانسته و در ضمن شارحان کتاب کافیه (ستون ۱۳۷۱) نوشته است که در عهد سلطان سلیمان اول بدرود حیات گفت و اگر چنین باشد باید قاعده تاریخ ثانوی یعنی ۹۶۶ هـ را برای سال وفات او بپذیریم و اینکه شادروان استاد سعید نفیسی نسبت بدرستی این تاریخ تردید کرده است^۲ موجه بنظر نمی‌رسد.

از میان اثرهای حکیم شاه‌محمد برای تحقیق در تاریخ ادب فارسی مهمتر از همه ترجمه مجالس‌النفائس امیر علیشیرنواپی^۳ است از ترکی بپارسی. وی ترجمه این کتاب را بنا بر تصریح خویش در سال ۹۲۷ آغاز نموده و در سال

۱۵۹۱ و جز آنهاکه در همین گفتار خواهد دید.

۱- تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۲۷۶ - ۲۷۷.

۲- تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، ص ۱۲۰ - ۱۲۳.

۳- رباعه‌الادب، مرحوم محمدعلی مدرس تبریزی، ج ۳ ص ۲۹۶.

۱- درباره او بنگرید بهمین کتاب، ج ۴، چاپ پنجم، تهران ۱۳۶۸، ص ۹۹ - ۱۰۰.

۲- تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۲۷۷.

۳- درباره او و کتاب مجالس‌النفائس که بترکیست و دیوان شعر فارسی او (با تخلص فانی)

بنگرید بهمین کتاب، ج ۴، چاپ پنجم ۱۳۶۸، ص ۳۸۲ - ۳۸۶.

۹۲۹ با تغییرهایی در متن کتاب پایان برده است. بدین معنی که فصلهای کتاب را بهفت «بهشت» تقسیم کرده و ترجمه مجلس هشتم را که در ذکر احوال سلطان حسین باقرا است، باختصار و با حذف اشعار ترکی او در بهشت هفتم جای داده و آنگاه خود مطلبهای تازه‌یی بر کتاب افزوده است، یعنی: اولاً در بهشت ششم از چهل تن شاعر عهد سلطان یعقوب بایندری نام برده و ثانیاً فصلی بنام بهشت هشتم در دنباله کتاب آورده و آن را بدو روضه منقسم ساخته است: روضه نخستین در ذکر شاعران ماضی پیش از عهد سلطان سلیم خان که مطلبهای آن بیشتر از بهارستان جامی گرفته شده، و روضه دوم در احوال سلطان سلیم و شاعران دربار او که متضمن اطلاعات تازه سودمند است.

این ترجمه را استاد فقید، شادروان میرزا علی اصغر خان حکمت شیرازی به همراه ترجمه دیگر مجالس النفاثین یعنی لطائف نامه از فخری هروی بسال ۱۳۳۲ ش در تهران بطبع رسانیده و این خدمت را بر خدمتهای دیگر خود بفرهنگ ایران افزوده است. خدایش بیامرزد و جوانمردیهایش را در یاد هممهدان او جاودانه نگاه دارد.

حکیم شاه محمد قزوینی غیر از ترجمه مجالس النفاثین اثرهای دیگری نیز دارد که از آن جمله ترجمه حیوة الحیوان تألیف کمال الدین محمد بن موسی بن عیسی الدمیری الشافعی (م ۸۰۸) است. دمیری کار پرارزش و دامنه دار خود را در تألیف این کتاب بدو نسخه «صغری» و «کبری» در سال ۷۷۳ پایان برد و بعد از چند تلخیص از آن ترتیب یافت^۱. حکیم شاه محمد نسخه ترجمه شده خود را ازین کتاب حیوة الانسان نام داد و گفت «و نام این ترجمه

۱- یعنی: سلطان کمال الدین حسین بن منصور بن باقرا ابن عمر شیخ بن امیر تیمور گورکانی که

چون از اعقاب باقر امیرزاست سلطان حسین باقرا معروف شده است.

۲- درباره این کتاب و کیفیت تدوین آن و دامنه کار دمیری درین مورد بنگرید

به کشف الظنون حاجی خلیفه، طبع استانبول، ج ۱ ستونهای ۶۹۶ - ۶۹۷؛ و نیز بفرست نسخه‌های

خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس، بلوژ، ج ۰۲، ص ۸۰ - ۸۱.

حیوة الانسانست زیرا که معرفت او سبب حیوة ابدی انسانست» و ترجمه خود را به سلطان سلیمان خان بن سلطان سلیم تقدیم داشت و نه آنچنانکه حاج خلیفه گفته است به «سلطان سلیم خان القدیم» که مقصودش سلطان سلیم اول یادشده در همین گفتار بوده است.

ترجمه حیوة الحیوان [یا بهتر بگوییم حیوة الانسان] در یک مقدمه و بیست و هشت فصل مربوط به بیست و هشت حرف الفبا [ی عربی] است. نسخهدی از آن بشماره Suppl.333 و بشماره فهرست ۸۱۶ در کتابخانه ملی پاریس موجودست که بتاریخ ۱۹۳۳ هـ یعنی در حیات مترجم بدست ابراهیم بن علی شربتی در استانبول استنساخ گردید.

دیگر از اثرهای حکیم شاه محمد حواشی بر تهافت مولی مصطفی بن یوسف مشهور بخواجهزاده برسوی (م ۸۹۳ هـ) است که حاجی خلیفه بسبب اهمیتش آن را باعنوان «تهافت حکیم شاه محمد القزونی» ثبت نموده است.^۱ موضوع کتاب خواجهزاده محاکمه بین تهافت الفلاسفة حجّة الاسلام ابو حامد محمد بن محمد غزالی طوسی (م ۵۰۵ هـ) و تهافت التهافت قاضی ابوالولید محمد بن احمد بن رشد المالکی معروف به «ابن رشد» (م ۵۹۵ هـ) است.

دیگر از اثرهای حکیم شاه محمد شرح ایساغوجی اثیرالدین ابهری^۲ است که چندین شرح بر آن نوشته شده و یکی از آنها از همین حکیم شاه محمد است.^۳

دیگر حاشیه اوست بر یکی از شرحهای متعدد عقائد نسفی. کتاب العقاید تألیف گرانمایه بیست از شیخ نجم الدین ابو حفص عمر بن

۱- کشف الظنون، ستون ۵۱۳.

۲- درباره او بنگرید بهمین کتاب، ج ۳، چاپ پنجم، ۱۳۶۶، ص ۲۴۷ و بکشف الظنون،

ص ۲۰۶.

۳- ایضا کشف الظنون، ص ۲۰۸.

محمدالسنفی^۱ (م ۵۳۷ هـ) که بسبب اهمیت آن چندین شرح و عدة زیادی حاشیه بر آن نوشته شده است^۲.

دیگر تفسیریست از سورةالفتح تا بپایان قرآن^۳ - و کتاب ربط السور والایات^۴ - و کتاب کشف الحقایق در شرح کتاب الکافیة فی النحو تألیف ابن حاجب (م ۶۴۶ هـ)^۵ - و شرح کتاب الموجز فی الطب تألیف ابوالنجم بن غالب نصرانی از پزشکان الملک الناصر صلاح الدین یوسف متوفی بسال ۵۹۹ هجری^۶.
دیگر از آثار شاه محمد کتاب «نصیحت نامه» است که مختصریست در طب و حکیم آن را برای سلطان سلیمان خان نوشت و بیک مقدمه و مقصود و خاتمه تقسیم نمود و در سال ۹۲۹ (تسع و عشرين و تسعمائه) از تألیف آن فارغ شد^۷.

سلطان محمد بن امیری هروی متخلص و معروف
۱۹- فخری هروی^۸ بفخری از مؤلفان و صاحب قلمان و شاعران مشهور

- ۱- نف نام شهری بزرگ میان آمودریا و سمرقند
- ۲- درباره عقاید سنفی و شرحها و حاشیههای متعدد آن بنگرید بکشف الظنون ستونهای ۱۱۴۵ - ۱۱۴۹؛ و ذکر حاشیه شاه محمد در ستون ۱۱۴۶ آمده است.
- ۳- ایضاً ستون ۴۴۶.
- ۴- ایضاً ستون ۸۳۲.
- ۵- درباره آن بنگرید بکشف الظنون ستونهای ۱۳۷۰ - ۱۳۷۶ و راجع بکار حکیم شاه محمد همان کتاب ستون ۱۳۷۱.
- ۶- ایضاً ستون ۱۸۹۹.
- ۷- ایضاً ستون ۱۹۵۸.
- ۸- درباره او رجوع شود به:
 - صحف ابراهیم، خطی در حرف «ف»
 - عرفات الماشقین تقی الدین اوحدی، بیانی خطی، منقول در تاریخ تذکره‌های فارسی.
 - مقدمه مجالس النفايس (ترجمه‌های پارسی آن)، تهران ۱۳۲۳، بتصحیح شادروان

ایران و هند در سدهٔ دهم هجریست. پدرش امیری خراسانی از رجال خراسان در پایان دورهٔ تیموری و آغاز عهد صفوی بوده و شعر می‌سروده و با شاعرانی چون هلالی و هاتفی معاشرت داشته است. تقی اوحدی بلیانی دربارهٔ این امیری خراسانی گوید که «از اعیان و اکابرست و گویند بنسبت امارت امیری تخلص می‌کرد... نقلست که شاه اسمعیل بعد از تسخیر، هرات را بوی و دورمش خان سپرد، و ایشان بغایت خوش سلوک کردند»،^۱ و سلطان محمد تا مدتی از عهد پادشاهی شاه‌تیماسب در هرات بسر می‌برد و در ظل حمایت دورمیش خان و وزیرش خواجه کریم‌الدین حبیب‌الله ساوجی بایجاد آثاری سرگرم بود و در همین اوقات بود که مجالس النفاثس امیرعلی شیر نوایی را بنام شاه اسمعیل و پسرش سام میرزا ترجمه و تکمیل کرد و لطائف نامه نامید و سپس در همان دوران پادشاهی شاه‌تیماسب بعزم سفر حج از خراسان بیرون رفت و بقول خود او گذارش بملک سند افتاد و چندی در آن دیار اقامت کرد و بخدمت ابوالفتح میرزا شاه‌حسن ارغون حکمران ارغونی سند و تته (۹۳۰ - ۹۶۱ هـ) درآمد
→
علی‌اصغر حکمت.

* مقدمهٔ تذکرهٔ السلاطین چاپ کراچی بتصحیح مرحوم میدحسام‌الدین راشدی، ۱۹۶۸ میلادی، و نیز مقدمهٔ همان کتاب بتصحیح و طبع مرحوم دکتر عبدالرسول خیام‌پور، تبریز، ۱۳۴۵ شمسی.

* تاریخ نظم و نثر در ایران، شادروان سعید نفیسی، صفحه‌های ۲۷۷ - ۲۷۸ و ۳۷۶ - ۳۷۷ و ۴۳۸ - ۴۳۹ و ۸۲۵.

* تاریخ تذکره‌های فارسی تألیف آقای احمد گلچین معانی، ج ۱، تهران ۱۳۴۸ ص ۴۱۷ - ۴۳۲ و ۶۴۴ - ۶۴۹؛ ج ۲، تهران ۱۳۵۰ ص ۱۱۸ - ۱۲۰ و مأخذهایی که ایشان ذکر کرده‌اند.

۱- اگر این خبر درست باشد باید این امیری خراسانی همان امیرخان یا امیرسلطان باشد که به تصریح غیاث‌الدین خواندمیر در حبیب‌السیر با دورمش خان در رفق و فتق امور خراسان همکاری داشت (حبیب‌السیر، تهران خیام، ج ۴ ص ۵۷۵ تا ۵۹۴ که در بیشتر آنها از نام برده شده است) (۲)

۲- دربارهٔ ارغونیان سند بنگرید بهین جلد، ص ۴۶۴ - ۴۶۵.

و کتاب روضة السلاطین را پیرامون سال ۹۶۰ بنام او تألیف نمود و بنابراین سفرش از خراسان بسند پیش ازین تاریخ اتفاق افتاد، و بعد از آن اقامتش بنا بر گفته خود او در هند بدر از اکشید چنانکه در سال ۹۶۳ که سال جلوس اکبر بر تخت سلطنت بود فخری قصیده‌بی در مدح او ساخت و در همان ایام کتاب جواهرالعجاب را بنام جیحی بیگم مادر رضاعی اکبر تألیف نمود.

ده سال بعد یعنی در سال ۹۷۰ بنا بر تصریح اوحدی بلیانی صاحب عرفات هنوز فخری در هند بسر می‌برد و ستایشگر سلیمه بیگم حرم جلال‌الدین اکبر بود و میرزا شاه‌حسن ارغونی را نیز مدح می‌گفت.

از فخری هروی چند اثر مهم و قسمتی از اشعار او در دستست. دیوانش را اوحدی بلیانی دیده و قریب به پنجهزار بیت تخمین زده است و آثار دیگرش بدین شرحست:

۱) لطائف نامه که بنام شاه اسمعیل و پسرش سام میرزا پیرامون سال ۹۲۷ - ۹۲۸ از مجالس النفاثس امیر علیشیر نوایی^۱ که بترکی جغتاییست، ترجمه شد و با اضافات بسیار و افزودن یک مجلس (مجلس نهم) بر آن به پارسی سلیس و روانی در آمد. در مجلس نهم نام ۱۸۹ تن از شاعران که میر علی شیر نخستین آنانست، یاد شده. این ترجمه نخستین بار بسال ۱۹۰۸ در تاشکند و دومین باز بسال ۱۳۲۳ شمسی بضمیمه ترجمه حکیم شاه محمد قزوینی از مجالس النفاثس در تهران بتصحیح و مقدمه استاد فقید شادروان میرزا علی اصغر خان حکمت شیرازی چاپ شد و مدتی هم بتفاریق از ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۳ میلادی در مجله «اورینتل کالج» (پاکستان) چاپ می‌شد.^۲

۱- درباره او رجوع کنید بهمین کتاب، ج ۴، چاپ پنجم ۱۳۶۸، ص ۴۸۲ بعد تحت عنوان فانی که تخلص او در شعرهای فارسیش بود، درحالی که در شعرهای ترکی نوایی تخلص می‌کرد.

۲- گذشت از مأخذهایی که در ابتدای این مقال یاد شده، درباره لطائف نامه باز بنگرید بترجمه تاریخ ادبیات ایران تألیف هرمان اته بترجمه شادروان استاد فقید دکتر رضازاده شفق، ص ۵ و

۲) نحفة الحبيب، مجموعه غزلهاییست که شاعران با استقبال از یکدیگر ساخته‌اند و بنظم الفبائی قافیه‌ها از الف تا یاء تنظیم شده و سفینه‌یست بسیار ذیقیمت زیرا از بسیاری شاعران که شعر کم از آنان داریم یا دیوانهایشان در دست نیست درین مجموعه شعر می‌یابیم. فخری این سفینه را بسال ۹۲۹ بنام خواجه کریم‌الدین حبیب‌الله ساوجی وزیر دورمش خان «لله سام میرزا والی خراسان» در هرات تألیف کرد. ربو تألیف آن را بسال ۹۳۰ ه نوشته است^۱.

۳) بستان خیال که مطالع غزلها از شاعران همعهدش در آن آمده است.

۴) هفت کشور، و آن آمیخته‌یست از مطلبهای تاریخی و اخلاق و سیاست کشورداری همراه با حکایات و قصص که بنام شاه اسمعیل اول، و بنابراین پیش از سال ۹۳۰، تألیف شده است. نسخی از آن سابقاً در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران موجود بود که شاید اکنون بکتابخانه مرکزی آن دانشگاه منتقل شده باشد، نسخی دیگر بی ذکر نام مؤلف در کتابخانه دیوان هند موجود است که پس ازین درباره آن سخن خواهم گفت. همه حکایتها و داستانها و قصه‌های کوتاه از سیرت پادشاهان ایران و دیگر بزرگان که درین کتاب نقل شده حاکی از نکته‌های مختلف اخلاقیست.

کتاب شامل یک «مقدمه» دارای هفت «منزل» - و - هفت «کشور» (= اقلیم) - و - شش «مسافت» (= شش فاصله میان هفت اقلیم) است و مسافتها بترتیب بعد از هر کشور و میان کشور مقدم بر آن و مؤخر از آن قرار گرفته است.

در «منزلهای هفتگانه» مقدمه گذشته از صفات انسان کامل که بنای علم اخلاق بر آنست، بعضی از صفات و ملکات پسندیده و فایده هر یک اشاره شده و در کشورها و مسافتها بیشتر سیاست و کشورداری و بحث درباره

۱۴. در همین کتاب (ج ۴) بارها از لطائف‌نامه و نیز از ترجمه حکیم شاه‌محمد بنام آنها یا بنام مجالس‌النفائس استغاده و بدانها اشاره شده است.

پادشاهان و وزیران و عاملان دولت و مقامها و مرتبه‌های آنان و در بایسته‌های هر یک ازین مقامها و مرتبه‌ها و بحث درباره‌ی کشورها و بلاد معروف آنها و بسیاری از مطلبهای تاریخی [همراه با بعضی اشتباهها و خلطها] پیش و بعد از اسلام اشاره شده است.

اینک برای آنکه خواننده بهتر از محتوای این کتاب ارزنده آگاه شود تمام فهرست آن را درینجا نقل می‌کنم:

مقدمه در هفت «منزل»:

منزل اول	در شناختن انسان کامل و فایده خدمت.
منزل دوم	در صفت ادب و مرتبه یافتن اهل طلب.
منزل سیوم	در صفت تواضع و فایده آن.
منزل چهارم	در صفت حلم و بهره آن.
منزل پنجم	در صفت صلاح و فایده آن.
منزل ششم	در صفت قول و صدق.
منزل هفتم	در صفت افعال حمیده.

کشورهای هفتگانه و مسافتهای شش گانه:

کشور اول : در رعیت‌پروری و معدلت‌گستری و تاریخ سکندر و بستن سد یاجوج و ماجوج و اسامی بلاد آن کشور.

مسافت اول : در آنچه پادشاهان را باید، و تاریخ پادشاهی فیروزبن یزدجرد و پادشاهی هرمز و جنگ بهرام چوبین با ملک ترک و پادشاه شدن خسرو پرویز.

کشور دوم : در پیدا شدن قضات و صفت علما، و تاریخ پادشاهی شدید و شداد و اسامی بلاد آن کشور.

- مسافت دوم : در صفت علوهمت و اعتقاد و حق نمک نگاه داشتن و تاریخ پادشاهی اسمعیل سامانی و [یعقوب] لیث صفار.
- کشور سیوم : در ضبط و سیاست و بیان هزیمت خوردن افراسیاب از زوبین طهماسب و پیدا شدن ایام عید و خطبه خواندن ملوک و تاریخ پادشاهی منوچهر و فریدون و صفت طوفان و اسامی بلدان آن کشور [مقصود کشوریست که منوچهر بر آن حکومت داشت یعنی ایران].
- مسافت سیوم : در صفت پیدا شدن آسمانها و زمینها و بهشت و دوزخ و عجائب و غرائب عالم و تاریخ پادشاهی هوشنگ و ترتیب اسباب سلطنت.
- کشور چهارم : در نگاه داشتن خاطرها و مرتبه یافتن سلطان سنجر ماضی رحمالله و اسامی بلاد آن کشور.
- مسافت چهارم : در صفت فراست زنان و قصه حضرت سلیمان علیها السلام و بلقیس و تاریخ پادشاهی شاپور بن اردشیر و حکایت نصیره.
- کشور پنجم : در باب قضا و قدر و تاریخ سلطنت سلطان ادهم و اسامی بلاد آن کشور.
- مسافت پنجم : در صفت منشیان صاحب کمال و احوال مباحران و عمال.
- کشور ششم : در صفت وزرا و تاریخ آصف برخیا و حکما و قلمزنان و کاتبان و نقاشان و شعرا.
- مسافت ششم : در بیان سوالات صحیفه که جبریل علیها السلام بانگشتری مملکت بحضرت داود آورد و سلیمان

جواب گفته انگشتی را تصرف نمود.

کشور هفتم : تاریخ پادشاهی جمشید و کشته شدن سیاوش و پیدا شدن کیخسرو و احوال حاتم طائی و پیدا شدن شراب و خاتمه کتاب.

این کتاب پرارزش بشماره ۲۲۱۵ فهرست کتابخانه دیوان هند (ایندیا آفیس) توصیف شده است و دکتر هرمان اته مؤلف فهرست مذکور نوشته است که اسم مؤلف آن در هیچ جا نیامده^۱. نسخه مذکور بتاریخ بیستم شعبان سال ۱۱۴۱ هـ بخط مهرعلی کتابت شده و بنابراین از کتابت نسخه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (سده یازدهم) اندکی جدیدتر است.

۵) روضة السلاطین که سالها بعد از ترجمه مجالس النفاوس بسال ۹۶۰ هـ بنام میرزا شاه حسن بن شاه بیگ ارغون در هفت باب تألیف شده مشتمل است بر ذکر پادشاهانی که شعر می سروده اند بدین شرح:

باب اول وجه تسمیه شعر و احوال بهرام گور و ابتدای نظم فارسی و احوال سلطان سنجر ماضی و طغرل بیگ سلجوقی که گاهی بنظم التفات فرموده اند.

باب دوم در بیان احوال پادشاهان چغتای اوزبک و سلاطین ایشان که اشعار خوب گفتنند و در میان مردم شهرت تام دارد.

باب سوم در بیان احوال پادشاهان چغتای از اولاد امجاد امیر تیمور صاحبقران که در سمرقند و خراسان بوده ابیات و اشعار نیک فرموده اند و دیوان غزل ترتیب داده اند.

باب چهارم در بیان احوال پادشاهان عراق و روم که نظم گفتنند.

باب پنجم در ذکر سلاطین و ملوک هندوستان که بنظم میل کرده اند.

باب ششم در بیان احوال امرای عالیشان پادشاه نشان که سر اطاعت بهیچکس فرو نیاورده اند و ابیات خوب دارند.

باب هفتم در ذکر جمیل حضرت نواب و ختم کتاب؛ و مقصود او از «حضرت نواب» مدوح او میرزا شاه حسن ارغونیست.

این تذکره صرف نظر از بعضی نقصها و بی‌دقتیهایی که در آن می‌بینیم بسبب اشتغال بر اطلاعات سودمند، خاصه درباره پادشاهان پارسی‌گوی جغتایی و مغول تبار آسیای مرکزی، قابل توجهت، و اگرچه در این کتاب از پادشاهان مذکور در لب‌الالباب عوفی و شعرهایشان استفاده نشده ولی بسبب احتواء بر اطلاعات خوبی درباره مظفریان و جلایریان و ترکمانان سپیدگوسفند و سیه‌گوسفند و چهار تن از صفویان (شاه اسمعیل اول، شاه تهماسب، سام میرزا، بهرام میرزا) و ملوک هند و سند باضافه شاهان ترکزاد آسیای مرکزی و بعضی فوائد دیگر در حقیقت حکم ذیلی بر اثر ذیقیمت عوفی یافته است. این کتاب دوبار در سنواتی نزدیک بهم بطبع رسید. دوست فاضل در گذشته من سید پیرحسام‌الدین راشدی پاکستانی آن را بسال ۱۹۶۸ میلادی در کراچی بطبع رسانید و استاد فقید دکتر عبدالرسول خیامپور بسال ۱۳۴۵ ش در تبریز چاپ کرد^۱.

۶) صنایع‌الحسن در صنعتهای شعری و عروض و قافیه که بنام میرزا شاه حسن ارغونی حکمران سند تألیف شده و مرحوم سید پیرحسام‌الدین راشدی نسخه‌ی از آن در کتابخانه خود داشت.

۷) جواهرالعجایب در بیان حال بیست و پنج تن از زنان شاعر بنظم تاریخیت که از مهستی^۲ آغاز می‌شود و فخری آن را بسال ۹۶۳، سال جلوس جلال‌الدین اکبر بر تخت سلطنت، بنام جیحی بیگم مخاطب به «ماه» مادر رضاعی آن پادشاه تألیف کرد^۳، و آن نخست بسال ۱۸۷۳ میلادی در لکنهو و

۱- و نیز بنگرید بهمین کتاب، ج ۴، چاپ پنجم ۱۳۶۸، حاشیه ص ۱۲۹ - ۱۳۰.

۲- درباره او فعلاً بنگرید بروز روشن، نهران ۱۳۴۳، ص ۷۸۵ - ۷۸۷.

۳- درباره او گوید:

سپس دوبار دیگر در هند چاپ شد^۱. تقی‌الدین اوحدی ازین کتاب در تألیف عرفات فایده برده و بنام تذکره النساء از آن یاد کرده است.

۸) دیوان اشعار. چنانکه اوحدی بلیانی نوشته فخری دیوانی قریب به پنجهزار بیت داشته که اوحدی آن را در شهر آگره نزد او دیده و از آن اشعاری در عرفات العاشقین ثبت نموده است. از فخری هرویست^۲:

در آینه می بینم بنگر صانع خدا را	هست آینه صانع خدا روی تو مارا
چون زهره آن نیست که بوسم کف پارا	جایی که رسیدست کف پای تو بوسم
کآن بخت میسر نشود غیر قبا را	گل پیرهننا چون کشمت تنگ در آغوش
در دیده کشم خاک ره پیک صبا را	نا پیک صبا کرد طواف سر کویت
ای آنکه برانداخته‌ای رسم وفارا	مارا بجفا هجر برانداخت، کجایی
یکباره فراموش مکن جانب ما را	هرچند فراموشیت آیین شده باشد
سهوست که گویم اثری نیست دعا را	فخری بدعا یافته‌ام دامن وصلش

• •

کافر مگر جز براین در سر فرود آید مرا	سجده غیر از کعبه کویت نمی‌شاید مرا
چون حریم کعبه کوی تو می‌باید مرا	جانب بیت‌الحرم پیمودن راهم چه سود
جز بیدارت نخواهم چشم بگشاید مرا	تا خیالت در دل آمد چشم پوشیدم ز خلق

۱- تاریخ تذکرة‌های فارسی، ج ۱، ص ۴۱۷ بید و ترجمه تاریخ ادبیات اته، ص ۵ و ص

۱۴. اته تاریخ تألیف این کتاب را ۹۱۷ ذکر کرده و آقای گلچین معانی (تاریخ تذکرة‌های فارسی، ج ۱، ص ۴۱۹) این تاریخ را به ۹۷۴ تفییر داده (و شاید هم تصحیح کرده است زیرا فخری یکبار دیگر این کتاب را به عیسی طرحان حکمران سند (۹۶۱ - ۹۷۴) با تفییر دیباچه تقدیم کرده است.

۲- شعرهایی که از فخری هروی در متن آمده همه از کتاب تاریخ تذکرة‌های فارسی نقل

شده است. ج ۱، ص ۴۳۱ - ۴۳۳ و ص ۴۲۴.

گفت جای دیگری زین درنکردی اختیار چون کنم جای دگر خاطر نیاساید مرا
فخری آن مه چند فرماید که باشم در هرات بنده فرمانم اما این نفرماید مرا

• •

ای مرهم جان ریش خونین جگران چون چشم تو نیست لطف این سیمبران
سوی تو بود چشم امیدم نگران یک چشم بود هزار لطف دگران

خورشاه‌بن قباد حسینی معروف به «ایلچی

۲۰- خورشاه^۱

نظامشاه» از مورخان سده دهم هجریست. بنا بر

نقل بدائونی در منتخب‌التواریخ وی در عراق ولادت یافت و سپس بهند رفت. مقصود آنست که خورشاه از متولدان هند نیست بلکه ولادتش در ایران (و شاید در عراق عجم) اتفاق افتاد^۲. وی در دوران سلطنت برهان نظامشاه فرمانروای احمد نگر (۹۱۴ - ۹۶۱ هـ) بدکن رفت و بآن پادشاه اختصاص یافت، و در همان حال بشاه طاهر دکنی (م ۹۵۳ هـ) از پیشوایان شیعه اسمعیلی که شرح حالش را در شمار شاعران و نویسندگان دیده‌ایم، ارادت می‌ورزید، و بعید نیست که خود هم مانند شاه طاهر و نظامشاه از شیعیان اسمعیلی بوده باشد^۳.

خورشاه در سال ۹۵۲ هـ از جانب نظامشاه مذکور، و نیز برسالت از

۱- درباره سرگذشت او علاوه بر آنچه خود در تاریخ ایلچی نظامشاه نوشته، و غیر از اشاره بدائونی در منتخب‌التواریخ بحال و کار او، رجوع شود بشرح مفصل چارلزریو در فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، ج ۱ ص ۱۰۷ - ۱۱۱ و ضمیمه آن فهرست، ص ۱۹ - ۲۲.
۲- اشاره بدائونی سبب شده است که بعضی خورشاه را «عراقی» بنویسند (تاریخ نظم و نثر در ایران... ص ۳۵۵).

۳- بنگرید بهمین جلد، ص ۶۶۱.

طرف شاه طاهر دکنی با هدیه‌های بسیار که به‌زار تومان برمی‌آمد، بسفارت بخدمت شاه‌تھماسب صفوی گسیل شد و در ماه رجب آن سال بشهر ری رسید و چون در این هنگام شاه‌تھماسب در فیروزکوه توقف داشت رسالت خود را باطلاع رسانید و دستور داده شد که از ری بقزوین رود و او بآنجا رفت و یک ماه دنبال‌تر بحضور پذیرفته شد و هدیه‌ها و رسالت خود را چه از جانب نظامشاه و چه از طرف شاه طاهر بخدمت شاه‌تھماسب برگزارد و بدین ترتیب عنوان «ایلچی نظامشاه» برای او بر سر زبانها افتاد و بماند.

ایلچی نظامشاه پس از گزاردن رسالت یک سال و نیم در خدمت شاه‌تھماسب ماند و در رکابش بگرجستان و شروان رفت و خود نیز سفرهایی در ناحیتهای ایران و از آنجمله بگیلان و مازندران کرد و تا سال ۹۷۱ هـ در ایران و سرگرم تألیف کتاب خود بود و چون بهند بازگشت بدربار قطبشاهیان گلکنده (غلکنده) پیوست و در خدمت ابراهیم قطبشاه (۹۵۷ - ۹۸۹ هـ) در آمد و همانجا ماند و کتاب خود معروف بتاریخ ایلچی نظامشاه راکه تا آخرهای زندگانی سرگرم فراهم آوردن آن بود بنام پادشاه یاد شده در آورد تا در ۲۵ ذوالقعدة سال ۹۷۲ در گذشت.

تاریخ ایلچی نظامشاه کتابی مشروح و بزرگست که با مراجعه بمآخذهای مختلف بنگارش در آمده و چنانکه مؤلف خود گفته «از مطالعه تاریخ طبری و جوامع الحکایات و جامع التواریخ جلالی و مجمع الروایات و مختصر بیضاوی و قصص الانبیا و عیون التواریخ و روضة الشهداء و عمدة الطالب و فصول المهمه و بحر مناقب و کشف الغمه و از کتاب معجم فی الاخبار حالاتی چند بوضوح انجامید و از بدایع وقایع انبیا علیهم السلام تحقیق گردید و از جلد ثالث روضة الصفا که بسلامت الفاظ آراسته و پیراسته است انتخابی نمود و از لب التواریخ و واقعات شیخ زین بعض حکایات در حیز بیان آورد...» و علاوه برین در بسی از جایها از تاریخ گزیده و ظفرنامه و حبیب‌السیر و نسخ جهان آرا استفاده کرده و اسم برده است، و چنانکه از طرح عمومی کتاب که

مؤلف معرفی کرده است برمی آید، این کتاب برگزیده تاریخهای مفصل عمومی تنظیم شده و تازگی آن بیشتر در شرح مستوفای او درباره تاریخ شاهان دکن است.

از میان نسخه‌های این کتاب محرر این سطور نسخه شماره Or.3535 کتابخانه موزه بریتانیا را دیده و از آن بسبب اهمیتی که دارد این بخش از دیباچه را که ضمناً فهرست مطالب کتاب نیز هست در اینجا نقل نموده است: مقدمه در سبب آفرینش عالم و مقصود از ظهور ابوالبشر آدم (ع) و بعضی از واقعات اولاد امجاد تا بعثت نوح نبی علیالسلام و ذکر طوفان.

مقاله اول در ذکر ملوک عجم و غیره و در بعضی از مشاهیر انبیا علی نبینا و علیهم السلام که در عهد دولت این طبقه عالی مقام مبعوث شده‌اند و بیان مجملی از احوال حکماء. این مقاله محتویست بر پنج گفتار: گفتار اول در ذکر سلطنت پیشدادیان و ظهور بعضی از انبیا که در زمان ایشان واقع شده - گفتار دوم در پادشاهی کیان و زمره‌یی از انبیای عالی شان که در عهد دولت ایشان مبعوث گشته‌اند - گفتار سیوم در تفصیل احوال سکندر فیلقوس و ذکر استیلای او بر معموره عالم و ایالت پادشاهان اشکانیان و بیان حکومت ملوک طوایف و ظهور بعضی از انبیای هدایت نشان - گفتار چهارم در ذکر ملوک ساسانیان که ایشان را اکاسره می گویند - گفتار پنجم در ذکر ملوک یمن و قصه اصحاب فیل و بیان حکومت قیصره روم بر سبیل اجمال.

مقاله دویم در ذکر تولد و بعثت حضرت خاتم النبیین و سید المرسلین صلوات الله علیه و علی آله اجمعین و شرح غزوات آن حضرت و خلافت اصحاب و امامت ائمه اثنی عشر علیهم السلام و وقایع بنی امیه و خلافت بنی عباس و رجوع خلیف بآن کریاس سلطنت اساس. این مقاله نیز مشتملست بر پنج گفتار: گفتار اول در ذکر ولادت سید کاینات و بیان بعثت و غزوات و سایر حالات آن حضرت تا زمان وفات - گفتار دویم در شرح خلافت اصحاب و وقایع ایشان بر سبیل ابجاز و اختصار - گفتار سیوم در ذکر ولایت

و امامت حضرت شاه اولیا وصی رسول خدا علی مرتضی علیہ السلام و بیان امامت ائمه اثنی عشر صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین الی یوم المحشر - گفتار چهارم در ذکر وقایع بنی امیه و افعال شنیعه ایشان و ظهور مختار ثقفی و هجوم شیعیان و حدوث فتنه و آشوب که در آن عهد و اوان روی نمود - گفتار پنجم در ذکر خروج خلفای عباسیه بامداد ابو مسلم مروزی و استیلای ایشان بر بلاد اسلام.

مقاله سیوم در ذکر پادشاهانی که در عهد دولت خلفای بنی عباس رتبه سلطنت یافته بر مسند عزت و کامرانی جلوس نموده اند و این مقاله مشتملست بر سیزده گفتار: گفتار اول در ذکر ایالت حسین بن طاهر ذوالیمینین و اولاد او - گفتار دوم در بیان پادشاهی آل لیث - گفتار سیوم در ذکر سلطنت سامانیه و بیان حال قابوس و شمگیر - گفتار چهارم در ذکر سلطنت آل بویه - گفتار پنجم در ذکر سلطنت ملوک سبکتکین - گفتار ششم در ذکر حکومت ملوک غور و غرجستان - گفتار هفتم در بیان سلطنت سادات اسمعیلیه - گفتار هشتم در ذکر سلطنت آل سلجوق - گفتار نهم در ذکر حکومت ملوک نیمروز - گفتار دهم در بیان حکومت ملوک کرت - گفتار یازدهم در ذکر حکومت و ایالت اتابکان - گفتار دوازدهم در ذکر سلطنت خوارزمشاهیان - گفتار سیزدهم در شرح احوال قراختانیان.

مقاله چهارم در ذکر سلاطین ترکستان و بیان ظهور چنگیزخان و اولاد او و شرح استیلای ایشان بر بلاد توران و ایران، و این مقاله مشتملست بر چهار گفتار: گفتار اول در ذکر نسب ترکان و شرح حال ایشان - گفتار دوم در ذکر ظهور چنگیزخان و سلطنت اولاد او و اتباع او که بر بلاد ترکستان و ماوراءالنهر واقع شده - گفتار سیوم در ذکر سلطنت هولاگوخان و توجه او ببلاد ایران و بیان حکومت اولاد او - گفتار چهارم در ذکر ایالت آل مظفر که تربیت از دودمان هلاگوخان یافتند.

مقاله پنجم در ذکر ظهور و خروج حضرت صاحبقران

امیر تیمور گورکان و بیان سلطنت اولاد و اسباط او بر اکثر معموره جهان. این مقاله مشتملست بر سه گفتار: گفتار اول در شرح ظهور حضرت صاحبقران و استیلای او بر اکثر جهان - گفتار دوم در ذکر سلطنت حضرت خاقانی شاهرخ میرزا و اولاد عظام او - گفتار سوم در ذکر پادشاهی باقی اولاد صاحبقران.

مقاله ششم در ذکر پادشاهی تراکمه قراقوینلو و آق قوینلو که بتر کمانان اشتهار یافته‌اند و شرح ظهور حضرت شاه جمجاه شاه اسمعیل صفوی و سلطنت ولد ارشدش شاه طهماسب و ذکر جمعی از پادشاهان جیلان و شروان بلکه تمامی حکام طبرستان که معاصر این دو پادشاه عالیشان بوده‌اند و همواره رقم لطاعت امر ایشان را بر صحیفه خاطر ثبت می‌نموده‌اند؛ و شمعی از حالات سلاطین ذی شوکت دیار روم و آن مرز و بوم و این مقاله مشتملست بر پنج گفتار: گفتار اول در ذکر سلاطین قراقوینلو - گفتار دوم در ذکر سلطنت آق قوینلو - گفتار سوم در ذکر ظهور حضرت شاه عالی‌نژاد شاه اسمعیل صفوی و بیان سلطنت خلف ارشدش شاه فلک قباب شاه طهماسب انارالله برهانه - گفتار چهارم در ذکر ایالت ملوک طبرستان - گفتار پنجم در ذکر پادشاهان روم و بیان سلطنت ایشان بر سیل ایجاز و اختصار.

مقاله هفتم در ذکر سلاطین هندوستان که در زمان اسلام قدم بر سریر سلطنت آن دیار نهاده‌اند و این مقاله محتویست بر پنج گفتار: گفتار اول در ذکر سلاطین دهلی و توابع - گفتار دوم در بیان پادشاهی طبقه افغان در دله‌الملک دهلی و آن حدود - گفتار سوم در ذکر سلاطین خلجی که در بلاد بنگاله و هند علم پادشاهی برافراشته‌اند و انقراض دولت ایشان - گفتار چهارم در ذکر ایالت و پادشاهی حکام گجرات - گفتار پنجم در ذکر سلاطین بهمنی که در مملکت دکن رایت ایالت برافراشته‌اند و بیان انتهای دولت ایشان. کار خورشاه در بیان وضع دکن بعد از مرگ محمود شاه ثانی و سلطنتهای ضعیف بهمنیان تا حدود ۱۳۲ و ۱۳۳ هجری و تقسیم ممالک آنان

بین امرای پنجگانداشان نظام‌الملک، عادل‌خان، قطب‌الملک - عماد‌الملک - قاسم برید با تمام می‌رسد. این سرداران اخیر بترتیب پادشاهیهای زیرین را تشکیل دادند: نظامشاهیان در احمدنگر - عادلشاهیان در بیجاپور - قطبشاهیان در گلکنده - عمادشاهیان در برار - بریدشاهیان در بیدار.

خورشاه از میان این دولتها که از تجزیه قلمرو بهمینان پدید آمده بود، نخست با نظامشاهیان و در پایان عمر با قطبشاهیان سر و کار داشت چنانکه گذشت.

باتوجه بفهرستی از محتویات کتاب که مؤلف آن ترتیب داده، و بسیار کلی و مجمل است، وسعت دامنه مطالب در تاریخ ایلچی نظامشاه معلوم می‌گردد، و اگر خواننده با صبر بیشتر و حوصله وسیعتری بتجزیه و تحلیل موضوعات این کتاب پردازد، بیش از اینها بارزش و اهمیت آن پی خواهد برد. این کتاب با زبانی ساده نوشته شده و از زیاده‌رویهای منشیانه و درازگویی‌های متصنعانه در آن نشانی نیست مگر آنکه از مأخذهایی که خورشاه زیر دست خود داشت گاه اثرهایی پذیرفته باشد.

ابوالنصر سام میرزا دومین پسر شاه اسمعیل صفوی،
 ۲۱- سامی^۱
 روز سه‌شنبه بیست و یکم شعبان سال ۹۲۳ هـ

۱- درباره او بنگرید به:

- آنشکده آذر بتصحیح مرحوم دکتر سادات ناصری، ص ۶۲ - ۶۳.
- ابصاح‌المکتون، اسماعیل پاشا البغدادی، ستون ۲۵۰.
- هدیه‌العارفین، اسماعیل پاشا البغدادی، استانبول ۱۹۵۱، ج ۱، ص ۳۸۲.
- مجمع‌الفصحاء هدايت، ج ۱، ص ۳۱.
- تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص ۱۵۵ - ۱۵۷.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، بلوژن، ج ۲، ص ۳۱۹.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، چارلز ریو، ص ۳۶۷ - ۳۶۸.

نزدیک مراغه زاده شد. لستگی او بدورمیش خان بن عبدی بیگ توچی تفویض گردید. وی در زمان پدر و برادر، از اوان کودکی و خردسالی، نخست حکمران گیلان و بعد از آن حکمران خراسان گشت و در هرات مستقر شد و دورمیش خان شاملوی مذکور (م ۹۳۱) للة او و امیرالامراء خراسان و وزیرش کریم‌الدین خواجه حبیب‌الله ساوجی (م ۹۳۲) تا چندی بست و گشاد کارها را برعهده داشتند و بعد از مرگ دورمیش خان برادرش حسین خان شاملو جای او را گرفت و در این میانها عبیدالله خان اوزبک چند بار بخراسان حمله کرد و در چهارمین حمله او که بمحاصره مشهد انجامید حسین خان از مشهد خارج شده بسیستان و کوچ (= قفص) و بلوچ و از آنجا بشیراز رفت و شاه‌نهماسب بسال ۹۳۶ عزیمت خراسان نموده بعد از فرار عبیدالله خان در هرات نزول کرد و حکومت خراسان را ببهرام میرزا پیرادر کوچکتر از سام میرزا داد و غازی خان تکلو را للة او نمود و بعراق

→

- تاریخ نظم و نثر فارسی در ایران، سعید نفیسی، ص ۳۷۷ - ۳۷۹.
- فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، ابن یوسف شیرازی، ج ۲، تهران ۱۳۱۶ - ۱۳۱۸ شمسی، ص ۴۶۱ - ۴۶۳.
- تحفه سامی، سام میرزا، تهران ۱۳۱۴.
- نتایج الافکار، محمد قدرت‌الله، بیبی ۱۳۳۶، ص ۳۳۱ - ۳۳۲.
- تاریخ ادبیات فارسی، هرمان اته، ترجمه دکتر رضازاده شفق، تهران ۱۳۳۷، ص ۵.
- تذکره شاه‌نهماسب، برلین ۱۳۴۳، ص ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۵.
- تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر، ترجمه مرحوم رشید یاسمی، تهران ۱۳۲۹ ش. (چاپ دوم)، ص ۳۱۶، ۳۵.
- دانشمندان آذربایجان، محمدعلی نریت، ص ۱۷۶ - ۱۷۸.
- حبیب‌السیر، تهران خیام، ج ۱۴، ص ۵۵۵ بید.
- احسن التواریخ روملو، کلکته ۱۹۳۱ میلادی، ص ۲۶۰ - ۲۶۳ و موارد دیگر.
- کتابهای دیگری از تاریخ صفویه موردهای مختلف. بعضی از مأخذها که ذکر شده مانند مجمع‌الفصحا و نتایج الافکار با اشتباهانی همراه است و خواننده در صورت مراجعه توجه خواهد کرد.

بازگشت لیکن عبیداللهخان پنجمین بار بسال ۹۳۸ هـ بخراسان حمله برد و هرات را محاصره کرد.

این بار محاصره بطول انجامید تا آنکه شاه تهماسب باز بسال ۹۳۹ بخراسان رفت و سام میرزا را دوباره بحکومت خراسان گماشت و اغزیوارخان شاملو را لله او و امیرالامراء خراسان کرد ولی چندی ازین امر نگذشت که سام میرزا و اغزیوارخان بی اجازت پادشاه در سال ۹۴۱ بقصد تسخیر قندهار رفته آن شهر را محاصره کردند. اغزیوار خان در جنگ با کامران میرزا برادر همایون پادشاه کشته شد و سام میرزا بقلعه طیس گیلکی روی نهاد و در آنجا تحصن اختیار کرد و چون عبیداللهخان یکی دو بار در این میان بخراسان تاخته بود شاه تهماسب در سال ۹۴۳ بخراسان رفت و در هرات فرود آمد و بفرمان او و امان نامه‌یی که بخط خود نوشت سام میرزا از طیس بخدمت شتافت و با آنکه بخشوده شد حکومت خراسان ازو سلب و پسر شاه تهماسب سلطان محمد میرزا (پدر شاه عباس) واگذار گردید.

ازین پس سام میرزا موکب شاهی را ملازمت می کرد و در سفر همایون بایران (سال ۹۵۱ هـ) جزو پیشباز کنندگان بود، و وی نزدیک دوازده سال بدینگونه زیست تا در سال ۹۵۶ از پادشاه تقاضا کرد تا او را از ملازمت معذور دارد و شاه تهماسب در همان سال تولیت بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی را بدو داد و او در اردبیل با عده‌یی از ادیبان و شاعران و عالمان که بر درگاهش گرد آمده بودند بسر می برد تا در سال ۹۶۵ گویا بسبب طغیان دستگیر و در قلعه قهقهه زندانی شد تا در سال ۹۷۵ در آنجا بدرود حیات گفت و اینکه بعضی پنداشته و نوشتماند که در ۹۸۳ با دیگر شاهزادگان صفوی کشته شده است درست نیست.

سام میرزا شاهزاده‌یی باذوق و شاعر و فاضل و دوستدار شاعران و دانشمندان بود. اشعار کمی از او نقل شده و در بعضی از مأخذها مانند روز روشن و مجمع الفصحای گزارشهای نادرست درباره او و اشعارش آورده اند،

اما کار مهم و پرارزش او تدوین کتاب مشهور تحفه سامی است در تذکره احوال شاعران اواخر عهد تیموری و اوایل دوران صفوی که بسال ۹۵۷ تألیف شد و مؤلف خواسته است شاعرانی که در تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی و بهارستان جامی و مجالس النفاثین امیر علی شیر نوایی از نظر مؤلفان دور مانده و نیز آنها که بعد از تألیف کتابهای مذکور زبان بسخنوری گشوده اند در کتاب وی ذکر شوند^۱ «و این صحیفه گرامی که موسومست بتحفه سامی مشتمل است بر یک تنبیه و هفت صحیفه و یک خاتمه»^۲. وی در زیر عنوان «تنبیه» می گوید «بر رأی فضیلت آرای سالکان مسالک انصاف و منصفان دور از تعصب و اعتساف مخفی نماناد که در خلال احوال این طایفه خیرمآل اگر بذکر بعضی که مخالفتی از ایشان ظاهر شده باشد پردازد نه پایه دین را از آن اختلالیست و نه چهره دولت را از آن گرد ملالی، چه در قرآن مجید بصفت لارطب ولا یابس الا فی کتاب مبین، قل هو الله احد با ثبت یدا ابی لهب قرینست و سیر انبیای کرام علیهم التحیه والسلام با ذکر عصیان و طغیان جباریه و فراعنه همنشین، بل غرض از ایراد این جماعت تاریخست نه شمول عاطفت و عنایت»^۳ زیرا وی در صحیفه اول بعد از ذکر احوال «خطائی» یعنی پدرش شاه اسمعیل و بعضی از شاهزادگان صفوی بذکر نام و حال گروهی دیگر از پادشاهان و شاهزادگان تیموری و اوزبک توجه می نماید و نمی گذارد تا تعصبات سیاسی یا مذهبی او را از استواری کارش در ذکر شاعران زمان از هر مذهب و طبقه که بوده باشند باز دارد.

نشر سامی در تحفه بسیار پخته و مبتنی بر تعلیم است و اشعاری که گاه گاه از خود بویژه در مقدمه آورده است نشان از روانی سخن و توانایی او در شاعری می دهد. کتاب او برای آشنایی با عده بی از شاعران که در

۱- تحفه سامی، ص ۴.

۲- ایضاً همانجا.

۳- ایضاً ص ۵.

فترت و اواخر عهد تیموری و بایندری و دوره انتقال قدرت بصفویان می‌زیستماند بسیار محل استفاده است.

بجز مقدمه کوتاه و «تنبیه» که از آنها سخن گفته‌ام، صحیفه‌های هفتگانه و خاتمه کتاب چنین است: (۱) در ذکر شمعی از حال فرخنده‌مآل حضرت صاحبقران مغفور (= شاه اسمعیل اول) و اولاد و احفاد [او و] سلاطین معاصر ایشان، (۲) در ذکر سادات عظام و علمای افادت اعلام، (۳) در ذکر وزرای مکرم و سایر ارباب قلم، (۴) در ذکر اسامی حضرات واجب‌التعظیم که اگرچه شاعر نبوده‌اند گاهی زبان بگفتن شعر می‌گشوده‌اند، (۵) در ذکر شعرای مقرر و فصحای بلاغت گستر، (۶) در ذکر طبقه ترکان و شعرای مقرر ایشان، (۷) در ذکر سایر عوام و اختتام کلام. در خاتمه کوتاه کتاب از اتمام آن اظهار خشنودی کرده و چند بیت از سخن خود آورده که از آنجمله است این رباعی:

خون در جگرم ز لعل جان‌پرور تست	تنگی دلم ز حقه گوهر تست
هر تار ز کاکلت جدا فتنه‌گریست	حاصل که تمام فتنه‌ها در سر تست
این رباعی را هم آذر ازو آورده است:	

معشوقه چو عشوه دلاویز کند	عاشق ز بلا چگونه پرهیز کند
بادست نصیحت کسان در گوشم	اما بادی که آتشم نیز کند

با ملاحظه صحیفه‌های هفتگانه تحفه معلوم می‌شود که صحیفه اصلی کتاب قسمت پنجم آنست که در نسخه چاپی (تهران ۱۳۱۴ ش بسعی مرحوم وحید دستگردی) از صفحه ۸۵ تا ۱۷۹ را گرفته است.

۲۲- مصلح الدین لاری | الدین | بن کمال | الدین | بن محمد السعدی انصاری
 علامه مصلح الدین محمد بن صلاح | الدین | بن جلال

۱- درباره او بنگرید به:

* احسن التواریخ روملو، چاپ افست تهران از روی چاپ کلکته، ص ۴۵۴.

عبادی شافعی لاری، معروف به «مصلح‌الدین لاری» از دانشمندان و مؤلفان بزرگ و بسیار مشهور سدهٔ دهم است که بیارسی و بتازی (و بیشتر بتازی) اثرهایی در فنون مختلف علمی و ادبی ازو برجای مانده و یکی از چهره‌های بسیار درخشان عهد خود در میان دانشمندان است.

ولادتش در لارستان اتفاق افتاد و تحصیلات عالی‌اش در شیراز انجام یافت. نخست شاگرد میرغیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی (م ۹۴۸) بود و سپس نزد میرکمال‌الدین حسین لاری شاگرد ملاجلال دوانی تلمذ کرد و بعد از مدتی تحصیل و تحقیق در شیراز عازم هند شد و مدتی در دربار همایون پادشاه (۹۳۷ - ۹۶۳ هـ) بسر برد و از رجال مقرب درگاه او بود و گذشته ازین بقول نقی اوحدی بلیانی چندگاهی هم در تتهه با گروهی از شاعران و فاضلان معروف عهد مثل علاءالدین لاری^۱ و شاه‌جهانگیر هاشمی صاحب مظهر الآثار^۲ و جز آنان در مجالس میرزاشاه حسن ارغونی حکمران سند و تتهه (۹۳۰ - ۹۶۱



- فهرست نسخه‌های فارسی در کتابخانهٔ ملی پاریس، ج ۱، ص ۲۳۱ - ۲۳۲.
- کشف‌الظنون حاجی خلیفه (کاتب چلبی)، چاپ استنبول موردهای مختلف و متعددی که در همین گفتار نشان داده خواهد شد.
- تاریخ نظم و نثر در ایران... سعید نفیسی، ص ۳۵۵ - ۳۵۶.
- تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، ص ۷۷۵ - ۷۷۷ و منقولات آن از تاریخ سند قاضی میراحمد منشی، و عرفات‌الماشقین اوحدی بلیانی.
- روز روشن، تهران ۱۳۴۳، ص ۶۸۰.
- هفت اقلیم، تهران، ج ۱، ص ۲۵۷.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانهٔ دیوان هند، ج ۱، ص ۳۸ - ۳۹.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا، ص ۱۱۵ - ۱۱۷.
- ۱- دربارهٔ او بنگرید بهمین جلد، ص ۲۹۹ - ۳۰۴.
- ۲- وی از عالمان عهد همایون و اکبر و مدنی آخوند دستگاه علی‌قلی‌خان ازبک خان زمان سیستانی از امرای عهد جلال‌الدین اکبر بود.
- ۳- دربارهٔ او بنگرید بهمین جلد، ص ۶۵۳ - ۶۶۱.

ه) بسر می‌برد و بگفته مولوی محمد مظفر حسین صبا از رفقای آن میرزای ارغونی بوده است:

مصلح‌الدین بعد از فوت همایون پادشاه در سال ۹۶۳ عزم سفر حج از راه دریا کرد ولی در راه کشتی شکست و قریب چهارصد جلد از کتابهایش تلف شد و او بمشقت تمام بساحل رسید و بعد ازین واقعه بقول حسن روملو «ببلده استنبول شتافت و سلطان سلیم پادشاه روم وی را رعایت کرد» و او در استانبول با مفتی بزرگ ابوسعود آشنایی و دوستی گزید و پس از چندی به «آمد» واقع در ناحیه دیار بکر منتقل گردید و در ۹۶۷ تولیت مدرسه خسروپاشا در آن شهر بدو واگذار شد ولی او بعد از مدتی از آنجا ببغداد رفت و با اسکندرپاشا والی عراق عرب بسر می‌برد و با یکدیگر مباحثه و مذاکره علمی داشتند. قاضی میراحمدبن میرمنشی قمی در جلد پنجم خلاصه‌التواریخ، وقایع سال ۹۸۰، گوید در سال ۹۷۴ که بزیارت عتبات رفته بود مصلح‌الدین را در بغداد در خدمت پاشای یاد شده دید و این در همان اوان بود که او بتألیف تاریخ خود اشتغال داشت.

چه حسن بیک روملو و چه قاضی میراحمد سنوات زندگانی استاد را قریب بنود سال نوشتماند و چون تاریخ وفاتش را هر دو در ذیل وقایع سال ۹۸۰ ثبت کرده‌اند، بنابراین باید ولادتش پیرامون سال ۸۹۰ اتفاق افتاده باشد. سال مرگش را کاتب چلبی (حاجی خلیفه) بصورت‌های مختلف گمراه کننده‌یی ثبت نموده است چنانکه بحروف (نه برقوم) گاه ۹۷۷ و ۱ و گاه ۹۷۹ و ۲ و گاه ۹۸۰ و ۳ نوشته است. چارلز ریو زیر عنوان مرآت‌الادوار تاریخ وفات مصلح‌الدین را ۹۷۹ هـ که متکی است بر یکی از اقوال سه گانه کاتب چلبی مرقوم داشته است و من باستناد ضبط روملو پیش ازین ۹۸۰

۱- در ستونهای ۲۰۲۹ و ۱۹۱.

۲- در ستونهای ۹۰۰، ۶۹، ۴۷۵، ۱۰۶۰، ۱۱۱۶، ۱۲۵۱، ۱۳۷۲ و ۱۸۹۳.

۳- در ستون ۵۱۶ ثمانین و تسمانه و با این حال بر آن افزوده شده است: «۹۷۹ تقریباً».

هجری را سال وفات استاد نوشتم^۱.

مصلح‌الدین شعر فارسی می‌سرود و کلامی تخلص می‌کرد. او حدی بلیانی و مولوی محمد مظفر حسین صبا چند بیت از او نقل کرده‌اند و این مؤلف اخیر گفته است که او را بجای کلامی لاری «کاملی شیرازی» نوشتند و البته درست نیست. غزل ذیل را صاحب عرفات از او نقل کرده و مطلع آن در روز روشن نیز آمده است:

چه سبزه است کز آن روی آتشین بر خاست که دید سبزه که از آتش این چنین بر خاست
شب فراق تو از خون دیده دامانم چنان پر است که نتوانم از زمین بر خاست
براستی چو فد دلکش تو پای^۲ گرفت نشان راستی از سرو راستین بر خاست
بخاک پای تو کز آرزوی بیدارت نشست شاد کلامی ولی حزین بر خاست^۳

کلامی اثرهای متعددی بپارسی و بتازی دارد. مهمترین اثر فارسی او کتاب مرآة الادوار و مرقات الاخبار است در تاریخ و او آن را با اشاره سلطان سلیم ثانی (۹۷۴ - ۹۸۲ هـ) تألیف کرده و در این راه از مأخذهایی چند استفاده برده و نام آنها را در مقدمه کتاب آورده است مانند تاریخ الامم والملوک محمد بن جریر الطبری، کامل ابن الاثیر، تاریخ ابو حنیفه دینوری، تاریخ العالم ابو عبدالله ذهبی، تاریخ عبدالله بن سعد الیافعی، شاهنامه فردوسی، تاریخ مسعودی، تاریخ بناکتی، المنتظم ابوالفرج بن الجوزی، تاریخ عمادالدین بن کثیر، کتاب المغازی محمد بن اسحق، کتاب المغازی ابن منبّه، تاریخ محمد بن اسمعیل بخاری، کبار الامم حمزة بن الحسن اصفهانی، کتاب الفتوح محمد بن اعثم کوفی، کتاب معارف ابن قتیبه، تجارب الامم ابن مسکویه، نوشته‌های ابن المقفع، طبقات فقهای حنفیه مجدالدین فیروز آبادی، طبقات شافعیه شبکی، مقامات یمنی ابونصر عتبی، تاریخ خسروی ابوالحسن

۱- همین جلد، ص ۲۹۱.

۲- در اصل: نام.

۳- منقول از تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، ص ۷۷۷.

محمد بن سلیمان، جامع تاریخ آل سبکتکین ابوالفضل بیهقی، جوامع الحکایات عوفی، طبقات ناصری، زبده التواریخ ابوالقاسم محمد بن علی کاشی، تاریخ جهانگشای عظام ملک جوینی، وفيات الاعیان ابن خلکان، تاریخ گزیده حمدالله مستوفی، نظام التواریخ قاضی بیضاوی، جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله، تاریخ و صاف، مواهب الهی معین الدین علی یزدی، اخبار آل مظفر شرف الدین علی یزدی، روضة الاحباب جمال الدین محدث، تاریخ حافظ ابرو، روضة الصفای میرخواند و چندین کتاب دیگر.

مرآة الادوار بیک مقدمه و ده باب تقسیم می شود: (۱) باب اول انبیا از آدم تا نوح، (۲) باب دوم پیشدادیان، (۳) باب سوم کیانیان، (۴) باب چهارم ساسانیان و حکام عرب، (۵) باب پنجم محمد بن عبدالله (ص) و خلفاء، (۶) باب ششم طبقات سلاطین در عهد عباسیان، (۷) باب هفتم چنگیز خان و جانشینانش در چین و در ایران، قراختانیان و آل مظفر، (۸) باب هشتم تیمور و تیموریان ایران، (۹) باب نهم آق قویونلوها و آغاز دولت صفویان، (۱۰) باب دهم سلاطین عثمانی تا پادشاهی سلطان سلیمان بن سلطان سلیم. (کشف الظنون، ستون ۱۶۴۶).

این کتاب را سعدالدین حسن مفتی معروف بخواجه افندی با اضافاتی بترکی ترجمه کرد، و باب دهم این کتاب پس از تحریر ثانوی و تکمیل بنام تاج التواریخ بصورت کتاب مستقلی در آمده است. از تألیفات دیگر مصلح الدین بفارسی شرحی است که بر رساله هیئت ملاعلاء الدین علی بن محمد القوشجی (م ۸۷۹ هـ) نوشته است (کشف الظنون ستون ۹۰۰).

و از تألیفات او عبری است:

حاشیه بر شرح قاضی میرحسین بن معین الدین میبیدی^۱ بر کتاب هدایة الحکمة اثر الدین ابهری (کشف الظنون ستون ۲۰۲۹).

شرح کتاب الاربعین نووی. الاربعین تألیف امام محیی‌الدین یحیی‌بن شرف‌النووی الشافعی (م ۶۷۶) از جمله کتابهای معروف اربعینات فی الحدیث^۱ است که بر آن چند شرح نوشته شده و شرح علامه مصلح‌الدین لاری از همه بهتر است چنانکه حاج خلیفه شرحهای دیگر را در برابر آن مانند بدنهای بی‌روح دانسته است. (کشف‌الظنون س ۶۰).

شرح الارشاد فی فروع الشافعیه (تألیف شرف‌الدین اسماعیل یمنی‌الشافعی م ۸۳۶ هـ). ازین کتاب بجز شرح قاضی مصلح‌الدین چند شرح دیگر معروفست (کشف‌الظنون س ۶۹).

تعلیق مصلح‌الدین بر انوارالتنزیل و اسرارالتأویل^۲ قاضی بیضاوی. (کشف‌الظنون، س ۱۹۱).

حاشیه بر مطالع‌الانظار ابوالثناء شمس‌الدین محمود اصفهانی (م ۷۴۹ هـ) که آن خود شرحیست بر طوابع‌الاتوار قاضی بیضاوی در علم کلام. (کشف‌الظنون ۱۱۱۶).

فرائض اللاری که شرحیست بر فرائض سجاوندی (سراج‌الدین محمد بن محمود سجاوندی حنفی) که آن را فرائض سراجیه نیز گویند و شرح مصلح‌الدین بسبب اهمیت اسمی جداگانه یافته است (کشف‌الظنون، ستونهای ۱۲۴۷ و ۱۲۵۱).

حاشیه بر کافیة ابن حاجب، کافیة در نحو چنانکه می‌دانیم اثریست از شیخ جمال‌الدین ابو عمرو عثمان معروف به ابن حاجب مالکی نحوی (م ۶۴۶ هـ) که شرحها و حاشیههای متعدد بر آن نوشته‌اند و مصلح‌الدین لاری حاشیه‌یی بر آن نگاشته است بشیوة گفت و گو با عصام‌الدین ابراهیم بن محمد

۱- درباره اربعینات بنگرید بهمین جلد، ص ۲۵۵.

۲- درباره انوارالتنزیل و مؤلف آن قاضی بیضاوی رجوع شود بهمین کتاب، ج ۳، ص

اسفراینی (م ۹۴۳ هـ) و عبدالغفور لاری (م ۹۱۲ هـ) شاگرد جامی و ازین طریق
مطلبهای خود را بیان کرده و فوائد بسیار درباره آن مطالب فراهم آورده است.
(کشف الظنون، ستون ۱۳۷۲).

۲۳- حسن بیگ روملو^۱ (امیر حسن، حسن سلطان) روملو از
رجال معروف قزلباش در عهد شاه تهماسب و از
مورخان مورد استناد در تاریخ عهد صفویست و با این حال اطلاعاتی که درباره
او داریم بتمام از نوشته خود او و بمیزان بسیار کم از عالم آرای عباسی نشأت
می کند.

چنانکه خود او در رویدادهای سال ۹۳۷ در کتاب خویش،
احسن التواریخ، گوید: «درین سال راقم حروف حسن روملو در بلده قم متولد
شد». پدرش را نمی شناسیم، قبیله او همچنانکه خود او و اسکندربیک ترکمان
بدفعات گفتناند «روملو» از اویماقهای مهم قزلباشان بودند و در امور لشکری
و کشوری صفویه شرکت داشتند و از آنجمله نیای حسن بیگ یعنی امیر سلطان
روملو والی قزوین و ساوجبلاغ بود و عده‌یی از سربازان (= قوشون) در اختیار
داشت و نواده اش حسن بیگ بدفعات از او در کتاب یاد کرده است.

این امیر سلطان و پدرش از سران روملو بودند و قزوین و ساوجبلاغ را
به تیول داشتند و بر آن نواحی حکومت می کردند و بهمین سبب در شرح

۱- درباره او بنگرید به:

* احسن التواریخ، چاپ افست تهران، ۱۳۴۷، ص ۱۱، ۲۹۵، ۳۰۱، ۳۱۶ و موردهای

دیگر.

* فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس، ج ۱، ص ۲۹۷.

* ضمیمه فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، ریو، ص ۹۶ - ۹۷.

* مقدمه احسن التواریخ، چاپ کلکت، ۱۹۳۱ میلادی بقلم C.N. Seddon

* تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۳۵۵ و ۸۰۲.

پادشاهی شاه تهماسب چندبار با اسم او باز می‌خوریم و معلوم می‌شود که او از سران مهم قزلباش در جنگهای شاه تهماسب بوده، از آنجمله در حوادث سال ۹۴۳ می‌بینیم^۱ که چون شاه تهماسب چهارمین بار بقصد قلع و قمع عبیدالله اوزبک خواست بخراسان رود پیشاپیش امیرسلطان روملو را با صدرالدین خان استاجلو و سلطان علی طاتی اوغلی برسم منقلای^۲ از پیش روانه کرد و خود از پس آنها بطرف نسا و ابیورد رفت، عبیدالله خان با شنیدن نهضت قزلباشان بجانب خراسان، بماوراءالنهر بازگشت و غانله اوزبکان موقتاً برطرف شد.

اما امیرسلطان روملو باتفاق شاهقلی خلیفه مهرداد بطرف قلعه طبس روانه شدند و سام میرزا را که در آنجا متحصن بود بنزد برادر آوردند^۳، و بعد ازین جریانات شاه تهماسب بجانب زمین داور و قندهار لشکر کشید و برکنار آب هلمند نزول کرد و فرمان داد «که امیرسلطان روملو با جنود بسیار روانه قندهار گردد و آن بلده را محافظت نماید. بنا بر آن امیرسلطان روانه گشت»^۴.

در رویدادهای همین سال ۹۴۳ می‌بینیم بعد از آنکه بهرام میرزا از گیلان بعراق گریخت^۵ «بقزوین آمد و... حسن روملو که در آن اوان در قزوین بود و آن بلده به تیول جد او امیرسلطان^۶ مقرر بود، باتفاق والده^۷ مراسم استقبال و شرایط تعظیم و اجلال بجای آورد...»^۸.

در رویدادهای سال ۹۴۶ گوید: «درین سال امیرسلطان روملو که والی قزوین بود و ساوجبلاغ، در تبریز وفات کرد. راقم این حروف ذره بی مقدار که

۱- احسن التواریخ، ص ۲۷۵.

۲- منقلای = پیشرو لشکر، مقدمه، پیش فراول.

۳- احسن التواریخ، ص ۲۷۵، عالم آرای عباسی، ص ۶۵.

۴- احسن التواریخ، ص ۲۷۷، حوادث همان سال ۹۴۳؛ و نیز عالم آرای عباسی، ص ۶۵.

۵- شرح واقعه را در ص ۲۷۸ احسن التواریخ بخوانید.

۶- در اصل اجداد امیرسلطان، و این محالست.

۷- همچنین است در اصل.

۸- احسن التواریخ، ص ۲۷۸.

نبیره اوست بمحنت قورچی گری گرفتار گردید و قوشون او را به پیرسلطان خلیفه که در بلاهت از اقران خود مستثنی بود، عنایت فرمودند»^۱.

ازین مقدمات که بگذریم می‌دانیم که حسن بیگ بدینکه نبیره امیرسلطانست اکتفا ننمود و جوانی را بکسب کمالات در خدمت استادان زمان گذراند و از یکی از آنان بنام مالک دیلمی قزوینی که از خوشنویسان زمان بود نام می‌برد و گوید «در علوم شاگرد مولانا جمال الدین محمود شیرازی بود، راقم این حروف، ذره بی‌مقدار، حاشیه شمسیه پیش او خوانده»^۲.

این مولانا مالک دیلمی قزوینی را اسکندربیک ترکمان هم «از خوشنویسان مسلم الثبوت عراق» دانسته و نامش را به‌مراه خوشنویسانی که در عهد شاه‌تیماسب «فرید زمان بودند» آورده است^۳؛ و اما جمال‌الدین محمود شیرازی از شاگردان معروف علامه جلال‌الدین دوانی و استاد میرزاجان باغ نوی شیرازی بود^۴.

مراجعه‌ی با حسن‌التواریخ و شیوه‌انشاء آراسته و بکدست آن هم نشان از فضل و ادب مؤلف آن حسن بیگ می‌دهد اما چون او بهر حال باویماقهای قزلباش تعلق داشت شغل شاغل او سپاهیگری بود و همچنانکه پیش ازین دیده‌ایم با درجه «سلطانی» سمت «قورچی‌گری» داشت و باصطلاح از افسران سپاه تهماسبی بود و بسبب مقام و مرتبه‌ی که حائز شده بود با عنوان «بیگ» ازو یاد شده^۵ و گاه هم بمناسبت درجه‌ی که در «قوشون» داشت با عنوان «سلطان» مذکور افتاده. اسکندربیک ترکمان در

۱- احسن‌التواریخ، ص ۲۹۵.

۲- ایضاً ص ۱۴۲، ضمن حوادث سال ۹۱۹ هـ.

۳- عالم‌آرای عباسی، ص ۱۷۱.

۴- بنگرید به تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۳۸۹؛ و درباره‌ی میرزاجان باغ‌نوی بنگرید

به‌مان کتاب و همان صفحه و نیز رجوع کنید به‌مین کتاب و همین جلد، ص ۳۰۵ - ۳۰۶.

۵- عالم‌آرای عباسی، ص ۲۷ و ۴۶ و ۹۹.

شرح جنگی که در روز نهم محرم سال ۹۳۵ میان شاه تهماسب و عبیدالله خان اوزبک در ولایت جام خراسان رخ داده نام او را جزو «معظم امرای قزلباش» بصورت «حسن سلطان روملو» آورده^۱ و ضمناً چند بار او را با عنوان مورخ «حسن بیگ مورخ روملو» یاد کرده است.^۲

او خود یکجا اشاره‌ی دارد بر اینکه در جنگها با سمت قورچی‌گری خدمت می‌کرده است. از آنجمله در یورش که شاه تهماسب بسال ۹۵۳ بگرجستان برد، وی جزو قورچیان بود و نوشته است که «در آن اوان راقم این حروف حسن نبیره امیرسلطان روملو با جمعی از قورچیان روملو و چینی با فوجی از گبران بی‌ایمان (مقصود مسیحیان گرجی است!) دوچار گشته این کمینه باتفاق شاهقلی نام قورچی چینی حمله کردیم، ایشان را متفرق ساخته و جمعی را مجروح و بیروح کرده اسیر چند گرفته معاودت نمودیم، غازیانی که رفیق ما بودند از کمال دلاوری یک قدم پیش نهادند!»^۳.

ملازمت حسن بیگ با اردوی تهماسبی چند سال زودتر ازین آغاز شده و سالها بعد از آن امتداد یافته بود. گذشته از اشاره‌ی که اسکندربیک ترکمان درباره حضور حسن بیگ روملو در واقعه جنگ شاه تهماسب با عبیدالله خان اوزبک (سال ۹۳۵ هـ) دارد، خود حسن بیگ تاریخ ابتدای این ملازمت را با استمرار، سال ۹۴۸ هـ ذکر کرده یعنی سالی که شاه تهماسب برای سرکوب علاءالدوله اسمعیلی والی دزفول بجانب خوزستان لشکر کشید. وی می‌نویسد: «راقم حروف حسن روملو از وقت نهضت شاه دین پناه بدزفول (= ۹۴۸ هـ) تا این سال که تاریخ هجری بسنه ثمانین و تسعمائنه (۹۸۰ هـ) رسیده است در جمیع اسفار همراه اردوی گردون شکوه بوده اکثر وقایع را برای العین مشاهده

۱- عالم‌آرای عباسی، ص ۵۴.

۲- ایضاً، ص ۲۷ و ۴۶ و ۹۹.

۳- احسن التواریخ، ص ۳۱۶.

نمود»^۱.

گمان می‌رود که مقصود حسن بیگ از این همراهی اردو، ملازمت آستان تهماسبی و احراز وظیفه و قایم نگاری بود که با استمرار حضور او در جزو حواشی درگاه ملازمه داشت. اسکندربیگ ترکمان که چند بار از حسن روملو با عنوان مورخ یاد کرده، در جریان پناهندگی همایون پادشاه بشاه تهماسب (سال ۹۵۱ هـ) او را «از حضار حاشیه بساط عزت» شاه تهماسب معرفی نموده است^۲؛ و گویا این همراهی اردو و مقام و مرتبه‌یی که نصیب حسن بیگ شده بود تا آغاز پادشاهی شاه سلطان محمد (۹۸۵ هـ) برقرار بود و بعد از آن خبری از او نداریم.

حسن بیگ مؤلف کتاب پرارزشیست در تاریخ بنام احسن التواریخ در دو قسمت که قسمت اول آن با رویدادهای سال ۸۰۷ (آغاز سلطنت شاهرخ) شروع شده و در قسمت دوم کتاب (قسمت چاپ شده) بحوادث سال ۹۸۵ یعنی سال جلوس شاه سلطان محمد خدابنده پایان می‌پذیرد. بخش چاپ شده کتاب که در دسترس است بهمان نحو که گفتم قسمت دوم کتابست از آنچه حسن بیگ تألیف نمود.

دو جلد موجود ازین کتاب پرارزش | شماره‌های Suppl.228 و Suppl.1350 در کتابخانه ملی پاریس که بلوشه آنها را ذیل شماره فهرست ۴۷۵ - ۴۷۴ (ج ۱، ص ۲۹۷) معرفی کرده است | شامل حوادث سالهاییست که یاد کرده‌ام، ولی اگر بقول خود مؤلف استناد کنیم باید این دو قسمت هم جزئی از یک کتاب مشروح چند جلدی باشد که متأسفانه همه آن در دست نیست مثلاً مؤلف از جلدهای ششم و هفتم کتاب خود نام می‌برد که شرح حال ابن مقله در نخستین و شرح حال یاقوت مستعصمی در دومین «نوشته شده»^۳ و حتی در مورد

۱- ایضاً، ص ۳۰۱.

۲- عالم آرای عباسی، ص ۹۹.

۳- احسن التواریخ، ص ۱۴۱.

دیگری از یازدهمین جلد کتاب خود یاد کرده است.^۱

تألیف کتاب در عهد شاه‌تهماسب و بنام پسرش اسمعیل میرزا که بعد از پدر با عنوان شاه‌اسمعیل دوم بسلطنت رسید (۹۸۴ - ۹۸۵ هـ) آغاز شد. در مقدمهٔ جلد یا قسمت چاپی کتاب (طبع افست تهران بسال ۱۳۴۷ هجری شمسی از روی چاپ کلکته بسال ۱۹۳۱ میلادی) بعد از عبارات کوتاهی در ستایش خالق و نعت رسول و منقبت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌گوید: «اما بعد راقم این کلمات پریشان و محرر این مقالات بی‌سامان حسن نبیرهٔ امیرسلطان روملو که خود را خاک اقدام مورخان می‌داند، این جلد را نیز باسم شاهزادهٔ جوانبخت سلطنت شعار، عمدهٔ خواقین عالی‌تبار، وارث سریر شاهی، جالس مسند پادشاهی، منظور انظار عنایات ربانی، مظهر آثار صنع یزدانی، مهرسپهر سلطنت و کامگاری، بدر طارم شوکت و کشورگشایی، رافع الویت‌العظمة والجلالة قاصع البنیة‌الظلم والفضالة ناصر اولیاء‌المؤمنین قاهر اعداء‌المتبرّ دین هزبر میدان صلابت تمساح جیحون شجاعت اسمعیل میرزا نوشته شده...» و از اینجا معلومست که جزء دیگر نیز باسم اسمعیل میرزا، پیش از رسیدن بمقام سلطنت، و در عهد پادشاهی شاه‌تهماسب تدوین یافته و آنچه مربوط بپادشاهی شاه‌اسمعیل دوم و آغاز سلطنت سلطان محمد است بعداً افزوده شده است.

از دو جزء موجود در کتابخانهٔ ملی پاریس جزء اول شامل حوادث سالهای ۸۰۷ - ۹۰۵ هـ و جزء دوم محتوی رویدادهای ۹۰۰ - ۹۸۵ هـ است و این دومی همان قسمت است که نسخهٔ چاپی آن را در اختیار داریم. حسن‌بیگ دربارهٔ این جزء دوم گفته است که: «این جلد مشتمل است بر اخبار و آثار جهانبانی و کشورستانی حضرت فردوس مکانی ظل سبحانی‌الواصل الی مراحم‌الملک‌الجلیل ابوالبقاشاه اسمعیل، ایضاً مشتمل است بر وقایع زمان

۱- بنقل از گفتار بلوشه در این باب: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ ملی پاریس، ج ۱.

سلطنت در درج خلافت و جهان‌داری، نیر برج شوکت و کامکاری السلطان بن السلطان ابو مظفر شاه طهماسب بهادر خان خلدالله ملکه و سلطانیه و افاض علی‌العالمین بره و عدله و احسانه و نیز محتویست بر احوال سلاطین رومیه و خوانین چغتای و خانان ازبکیه و مشاهیر علما و صدور و وزراء که معاصر ایشان بوده‌اند...»

اطلاعاتی که حسن بیگ در مورد قسمت اخیر یعنی احوال علما و صدور و وزرا داده با اخبار مبسوطی که درباره شاعران و خطاطان آورده بسیار قابل توجهست. علاوه بر این مؤلف بعد از فوت شاه‌تهماسب تا آغاز سلطنت سلطان محمد خدابنده را نیز بتحریر در آورد و بعد از شرح بذل و بخشش سلطان محمد خدابنده و پراگنده شدن گنجینه شاه‌تهماسب بدست آن پادشاه، درباره او نوشته است که «از زمان آدم تا این زمان که سال تاریخ هجری به نهصد و هشتاد و پنج رسیده است، هیچ پادشاه ذوی‌الاقتدار بلشکر اینقدر زر نداده است...»^۱ و آخرین واقعه‌یی هم که در جلد دوم کتاب (قسمت چاپ شده) می‌بینیم از جمله زد و خورد های سرحدی دولت‌های صفوی ز عثمانیست که همان سال قرب ارض روم اتفاق افتاد.

وی نام و نسب خویش را در منهج الصادقین چنین آورده است: ابن شکرالله فتح‌الله شریف کاشانی. صاحب روضات الجنات درباره او نوشته است که از عالمان دولت شاه‌تهماسب

۱- حسن التواریخ، ص ۵۰۳

۲- درباره او بنگرید به:

* روضات الجنات فی احوال‌العلماء والسادات، ج ۵، چاپ مطبعه مهر استوار قم در سال

۱۳۹۲ ق. ۵، ص ۳۴۵ - ۳۴۶.

* ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ج ۴، مطبعه خیام قم، ۱۴۰۱

ق. ۵، ص ۳۱۸ - ۳۱۹.

* فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، ج ۱، ص ۱۲۳ - ۱۲۶ و ۱۷۷ - ۱۷۸.

صفوی و از شاگردان علی بن حسن زواری مفسر مشهور بوده و از شیخ علی کرکی نیز بواسطه روایت نموده و دارای تألیفاتی نیکو خاصه در تفسیر قرآنست که در آن دستی توانا داشت.

درباره او نوشته‌اند که سالها پیش از مرگ سکتیمی ناقص بر او عارض گشت چنانکه مرده‌اش پنداشتند و بخاکش سپردند. چون در قبر بهوش آمد بانگ و فریاد برآورد چندانکه از گور بیرونش کشیدند، و در آن حالت که بود نذر کرده بود که اگر از آن تنگنا رهایی یابد کتابی در تفسیر قرآن فراهم خواهد آورد. بعد از رهایی از گور سالها بزیست و سه بار بنذر خود وفا کرد، دوبار بفارسی و یک بار بتازی. دو تفسیر فارسی او منهج الصادقین و خلاصه المنهج است و تفسیر عربی او زبدة التفسیر در دو مجلد بزرگ.

و اما منهج الصادقین فی الزام المخالفین که در پنج مجلدست بیان خود او: «منطویست بر حل لغات و تراکیب نحویه و اسرار و نکات غریبه مبتنی بر کثرت ادله و براهین در بطلان مذهب مخالفین و رفع شبهات معاندین و اثبات مذهب ائمه اثنی عشر و ذکر مذاهب علما و فقها در مسائل کلامیه و فروعیه دین مبین و بیان قصص مطوله و حکایات مفصله امم سابقین...» و تفسیر است مشروح که در سال ۱۲۹۶ ه. ق در تهران بطبع رسیده است و نسخه‌های خطی آن هم کم نیست.

کوتاه شده تفسیر یادشده خلاصه المنهج نام دارد و ملافتح الله در مقدمه آن نوشته است که چون استفاده از تفسیر مشروح او بعلتهای مختلف برای عموم خاصه آنها که از کسب دانش محروم مانده‌اند دشوار بود، آن را کوتاه کرد و خلاصه المنهج نامید. این کتاب بسال ۱۲۸۴ ه. ق در تهران و یک بار دیگر در تبریز چاپ شد.

دیگر از اثرهای ملافتح الله شرح نهج البلاغه است بفارسی موسوم به تنبیه الغافلین و تذکره العارفين که در سال ۱۲۵۵ ه. پایان رسانده،

و دیگر ترجمه قواعد الاحکام علامه حلی (م ۷۲۶ هـ)^۱،
و دیگر کتاب کشف الاحتجاج که ترجمه بیست فارسی از کتاب الاحتجاج
علی اهل اللجاج ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی،
و دیگر زبده التفاسیر که تفسیر مشروح قرآنست بعربی که بعد از
تفسیرهای فارسی خود بسال ۹۷۷ هـ تألیف نمود.

وفات ملافتح الله بسال ۹۸۸ هـ^۲ اتفاق افتاد و ماده تاریخ او را
«ملاذالفقها» یافتند چنانکه در این قطعه می بینیم:

مفتی دین متین کاشف قرآن مبین	واقف سر قدر عالم اسرار قضا
هادی وادی تفسیر که در حل کلام	خاطرش بود ز اسرار یقین پرده گشا
ملکی ذات و فلک مرتبه فتح الاسلام	که بد از قوت او رایت اسلام بپا
قدوه اهل نقاهت که بمصباح دروس	همه را بود بارشاد بحق راهنما
کرد پرواز بشهباز سبک جنبش عزم	دل وسعت طلبش تا که ازین تنگ فضا
فقها را چو ملاذی بجز آن قدوه نبود	بهر تاریخ نوشتند «ملاذالفقها» (= ۹۸۸)

نثر فتح الله کاشانی مانند بیشتر همطرازانش، آمیغی است از پارسی و
تازی که بهره تازی آن بیشتر است و بویژه زیر اثر فرقه‌های دستوری
عربیست چنانکه نمونه‌یی از آن را در همین گفتار دیده‌اید.

۲۵- قاضی میراحمد قمی^۳ قاضی میراحمد قمی ابراهیمی پسر شرف‌الدین حسین
حسینی ابراهیمی معروف به «میرمنشی» است. این

۱- همین کتاب، ج ۳، ص ۲۲۴ و ۲۲۷.

۲- این واقعه را بسالهای ۹۷۸ و ۹۹۷ نیز نوشته‌اند که دور از صحت است. (تاریخ نظم و
نثر در ایران، ص ۳۷۴).

۳- درباره او بنگرید بکتاب تاریخ تذکره‌های فارسی تألیف آقای احمد گلچین معانی، ج ۱،
تهران ۱۳۴۸ شمسی، ص ۴۱۶ و ج ۲، تهران ۱۳۵۰ شمسی، ص ۱۴۱ - ۱۴۲ و ص ۷۰۸ -
۷۳۲ که در آنها علاوه بر تحقیقات آقای گلچین مقاله‌هایی از: بانو زهرا داعی (مجله روزگاران، ج
۴ شماره ۵، ص ۶۸ - ۷۰ + مجله نقش و نگار، شماره ۵، ص ۲۳ - ۲۴) نقل شده باضافه:

شرف‌الدین حسین مردی بود فاضل و ادیب و منشی و شاعر و محاسب و متحلی بهنرهای گوناگون. وی از شاه تهماسب خطاب «میرمنشی» یافت و بدین عنوان مشهور گردید. میرمنشی در آغاز منشی سام میرزا در هرات بود و سپس بخدمت دیگر دیوانی روزگار می‌گذاشت تا آنکه در زمان حکومت سلطان ابراهیم میرزای صفوی متخلص به «جاهی»^۱ مدتی دراز با سمت وزارت مشهد خدمت آن شاهزاده آزاده هنرمند را درک می‌کرد و تمام عمر را در اجتناب از معصیت‌ها و کارهای مکروه گذراند تا در هفتاد و هفت سالگی بسال ۹۹۰ هـ در آستانه حضرت عبدالعظیم (ری) در گذشت و همانجا بخاک سپرده شد. میرمنشی مانند دیگر هنرمندان و شاعران و ادیبان مقرب سلطان ابراهیم میرزا نسبت «ابراهیمی» داشت و این نسبت برای پسرش میراحمد نیز باقی ماند، خاصه که میراحمد بیست سال از دوران جوانی خود را زیر سایه آن شاهزاده بزرگوار در مشهد گذراند و در آن مدت سرگرم دانش‌اندوزی و هنرآموزی بود.

میراحمد روز پنجشنبه هفدهم ربیع‌الاول سال ۹۵۳ در شهر قم ولادت یافت و در یازده سالگی به‌مراه پدر، در رکاب سلطان ابراهیم میرزا بمشهد رفت و بیست سال (تاسی و یک سالگی) در آن شهر و در درگاه شاهزاده یاد شده بسر برد و از محضر استادان و هنرمندان آن درگاه کسب فیض کرد و در دانش و ادب و هنر نام برآورد و در سال ۹۸۴ هـ، گویا در رکاب سلطان ابراهیم میرزا، بقزوین رفت و بعد از آنکه در همان سال ابراهیم میرزا بفرمان شاه



اشاره مرحوم محمدعلی تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان، ص ۰۱۸ - و مقاله مرحوم حاج حسین آقای نخجوانی در نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال نهم (۱۳۳۶ شمسی) شماره اول، ص ۱ - ۰۱۶ - و مقدمه پرفسور زاخودر بر ترجمه روسی تذکره گلستان هنر (مسکو، ۱۹۴۷ میلادی) - و مقدمه پرفسور مینورسکی بر ترجمه کتاب مذکور بانگلیسی، واشینگتن، ۱۹۵۹ میلادی - آنچه در این گفتار آمده انتخاب و تلخیص و تنظیمی تازه است از مآخذ مذکور.

اسمعیل ثانی در قزوین بقتل رسید، قاضی میراحمد مأمور تدوین خلاصه‌التواریخ شد، و پس از مرگ آن پادشاه خونریز (۹۸۵) دربار صفویان را رها نکرد، یعنی در عهد شاه‌سلطان محمد (۹۸۵ - ۹۹۶ هـ) و سپس در دوران پادشاهی شاه‌عباس همچنان در زمره دیوانیان روزگار می‌گذراند و آخرین منصبی که داشت استیفای دفتر شرعیات و وزارت دیوان صدارت بود که از ذیحجه سال ۹۸۸ در زمان پادشاهی شاه‌سلطان محمد برعهده داشت و در ماه صفر سال ۱۰۰۷ بر اثر سعایت میرصدرالدین پسر میرزا شرف‌جهان قزوینی از آن سمت معزول گردید.^۱

آخرین اطلاعی که قاضی احمد از خود داده مربوطست بسال ۱۰۱۵ که شرح ملاقات اوست با محمدامین عقیلی رستم‌داری خوشنویس در گلستان هنر. پس اینکه وفاتش در الذریعه ذیل خلاصه‌التواریخ بسال ۱۰۰۱ نوشته شده درست نیست.

از قاضی میراحمد چند اثر مهم برجای مانده:

نخست کتاب خلاصه‌التواریخ است که تألیف آن را بسال ۹۸۴ بفرمان شاه اسمعیل دوم آغاز کرد. این کتاب تاریخ عمومی است در پنج جلد که آنچه از آن در دستست جلد پنجم در ذکر سلسله‌نسب صفویان و شرح وقایع دولت صفویست تا سال ۹۹۹ که شاه‌عباس متوجه خراسان شد و اندکی از

۱- درباره پدر این میرصدرالدین یعنی شرف‌جهان بنگرید بهمین جلد، ص ۶۷۹ - ۶۹۱ :
و اما نهمت میرصدرالدین بر قاضی احمد قمی چنین بود که میرصدرالدین بیانه نهیه تذکره‌یی بشیوه تذکره‌الشعراى دولت‌شاه سمرقندی هر ساله مبلغی از خزانه می‌گرفت و پس از آنکه چند بار شاه‌عباس تذکره را از میرصدرالدین مطالبه کرد، عاقبت میرکه کاری انجام نداده بود بنا بنوشته قاضی میراحمد در گلستان هنر بشاه‌عباس چنین گفت که: «چهل و پنج سال قبل ازین که والد رافم (یعنی میرمنشی شرف‌الدین) وزیر مشهد مقدس معلی بود کتابی از کتابخانه آن حضرت گرفته و نزد او مانده، الحال آن کتاب نزد قاضی احمد است. آن را بستانید و بمن دهید تا من تذکره را تمام کنم. هیچ قزوینی هرگز ايس حرف نگفت. الفصه بموئدای القاص لایحب القاص خاطر اشرف را ازین غلام منحرف ساخته معزول شده بم آمد.»

آغاز جلد ششم تا رویدادهای سال ۱۰۰۱ هجری. این کتاب بسبب اشتغال بر اطلاعات موثق و مشروح راجع به بدایت حال سلسله صفوی و عده زیادی از رجال ادب و شعر و هنر، از مأخذهای مهم و معتبرست. قاضی احمد وقایع را در این کتاب بنظم سنواتی ثبت کرد و چنانکه در پایان جلد پنجم نوشته «(چون سال پارس نیل^۱ باتمام رسید، این مجلد خامس را تمام نمود و بعون الله الملك المعبود نود و سه سال تمام از سلطنت روزافزون سلاطین صفویه و دودمان مرتضویه که بزمان مظهر موعود متصل گردد سمت تحریر یافت» و سپس اظهار امیدواری کرد که «(چون پادشاه (یعنی شاه عباس یکم) هنوز جوانست و حوادث مختلف در پیش، درباره او تاریخی علی حده و مجلدی تازه در قید کتابت در آورد» و بعید نیست که مجلد ششم را بهمین قصد آغاز کرده و وقایع یک سال و اندی را هم نوشته و سپس کار را از دست فروهشته باشد.

قاضی میراحمد در تألیف خلاصه التواریخ گذشته از مشاهدات و اطلاعات خود از چند کتاب نیز استفاده کرد مانند لب التواریخ میریحیی سیفی و حبیب‌المیر خواندمیر و جهان آرای قاضی احمد غفاری و بویژه احسن التواریخ حسن بیگ روملو. از جلد پنجم این کتاب نسخه‌های کافی موجود است.

کتاب مهم و پرارزش دیگر قاضی میراحمد قمی گلستان هنر است که یک بار بسال ۱۰۰۶ تدوین شد و بعد در آن تجدید نظر کرده کتاب را بار دیگر تدوین نمود. و آن تذکره بیست در بیان حال هنرمندان مختلف از خوشنویسان و نقاشان و تذهیب‌گران و رنگ‌آمیزان و صحافان و دیگر اصناف مشابه که مؤلف زمان بیشتر آنها را درک کرده و با عده‌یی از آنان رابطه شاگردی یا آشنایی و دوستی داشته است. این کتاب یکبار بوسیله استاد زاخودر بروسی (۱۹۴۷ میلادی) و بار دیگر بوسیله استاد مینورسکی بانگلیسی (۱۹۵۹ میلادی) ترجمه و چاپ شد و از آن نسخه‌های خطی در دستست و فهرست تدوین ثانوی کتاب بدین شرحست: مقدمه در باب احداث قلم و پیدا شدن خط

و اسناد آن بحضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و موضوع علم خط. - فصل اول در بیان خط ثلث و مایشابهه. - فصل دوم در ذکر خط تعلیق. - فصل سوم در شرح خط نستعلیق. - فصل چهارم در ذکر احوال نقاشان و مذهبیان و عکس سازان و قاطعان خط و افشانگران و صحافان. - خاتمه در باب تذهیب و جدول و رنگ الوان و ساختن مرکب بانواع مختلف.

دیگر از اثرهای قاضی میراحمد قمی کتاب مجمع الشعرا و مناقب الفضلا است که تذکره بیست در ترجمه حال شاعران و قسمت خاتمه آن مشتمل است بر ذکر حالات پادشاهان و شاهزادگان و امیران و ترکان. اسناد زاخودر در ترجمه گلستان هنر از وجود این نسخه در روسیه خبر داده است.

قاضی میراحمد تذکره دیگری دارد بنام جمع الخیار در شش مجلد کوچک در بیان احوال شاعران و نویسندگان آذربایجان و عربستان و عراق و خوزستان.

از نثر قاضی میراحمد چند سطری در حاشیه صفحه ۱۶۷۹ نقل کرده ام و او همه جا همین قلم ساده و نگارش روان و بی تکلف را دارد، حتی در دیباچه های آثار خود.

۲۶- وقوعی نیشابوری
میرمحمد شریف وقوعی حسینی نیشابوری از سادات اسحق آباد نیشابور بود که در دوران پادشاهی شاه

۱- درباره او بنگرید به:

- هفت اقلیم، تهران، ج ۲ ص ۲۷۳ - ۲۷۵.
- ریاض العارفین آفتاب رای لکنهوی، ج ۲ ص ۳۳۰.
- روز روشن، تهران ۱۳۴۳، ص ۹۱۰ - ۹۱۱.
- مآثر رحیمی میرزا عبدالباقی نهاوندی، کلکته ۱۹۲۱ میلادی، ج ۳.
- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ص ۳۵۷، ۴۲۵، ۸۲۰.
- تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، لاهور ۱۹۸۵، ص ۱۴۵ - ۱۴۸.

تهاسب صفوی مقاماتی در دیوان داشتند. تربیت و تحصیلاتش در خراسان بود و در جوانی در بیشتر فنون خاصه تاریخ و ادب و خط مهارت یافت و سپس بهند روی آورد و چون خویشاوندش شهابالدین احمدخان از اعیان دربار جلالالدین محمد اکبر پادشاه بود، ملازمت او اختیار نمود و بعد از مرگ او بدرگاه میرزا عبدالرحیم خانخانان پیوست و چندگاهی از مداحان خاص او بود و سرانجام باعانت خان مذکور در سال ۹۹۸ وارد دربار اکبر گردید و روزگار را بخوشی می‌گذراند تا در لاهور بسال ۱۰۰۲ بدرود حیات گفت.

وی را بسبب اعتقادات خاصی که در مسائل دینی داشت کافر می‌دانسته و می‌گفته‌اند که گاه خود را پسرخانی و گاه صباحی نشان می‌دهد ولی جزو هیچیک از آن دو دسته نبود، او را معتقد به تناسخ نیز دانسته‌اند و با اینهمه قصیده‌هایی در ستایش امامان اثنی‌عشر سروده است که دلیل پایداریش در تشیع می‌تواند بود.

او خط شکسته را خوب می‌نوشت و ازین روی به محمد شریف شکسته‌نویس شهرت یافت چنانکه آفتاب‌رای می‌گوید «وقوعی یعنی محمد شریف شکسته‌نویس...». در انشاء ماهر بود و از کتابهای تاریخ بزبان عربی آگاهی داشت و کتابهای نفیسی در اختیارش بود که بعد از مرگش باقی ماند. قصیده و غزل و رباعی را خوب می‌ساخت و بقول محمد مظفر حسین صبا در روز روشن چون طبعش بایراد مضمونهای وقوعی تمایل داشت این تخلص را برای خود برگزید. مدتها مداحی میرزا عبدالرحیم خانخانان می‌کرد. محمد امین رازی می‌نویسد که وقوعی از خانخانان «جهت این رباعی سه هزار محمودی صله یافت:

ای بزم ترا دُردی ساغر خورشید وی عیش شبت کشیده سر در خورشید
گر فضل خاک آستان نشدی چون ظلمت شب شدی مکتدر خورشید»

* طبقات اکبری خواجه نظام‌الدین بخشی هروی، کلکته ۱۹۱۲، ج ۲ ص ۵۰۵.

* فهرست نسخه‌های فارسی در کتابخانه دیوان هند، اته، ج ۱، ص ۱۱۹.

و نیز ازوست:

درد خدنگت بجان لذت درمان شکست
ذوق شهید غمت گشت چو معلوم خضر
میل خدنگ افگنی کرد چو آن ترک مست
خار جفایت بدل رونق بستان شکست
جام بقا بر لب چشمه حیوان شکست
خاصیت درد و غم در دل پیکان شکست...

..

عاشق نمی دارد رو افشای راز بار خود
می سوزم از درد نهان ای گریدباری کن دمی
ای دل مکن رسوا مرا از ناله های زار خود
نا آب بر آتش زخم از چشم طوفان بار خود

..

خوی تو که در ستیزه تفصیر نکرد
آن ناله که از سنگ بر آورد فغان
در کشتنم اندیشه تقدیر نکرد
فریاد که در دل تو تاثیر نکرد

..

ممشوق وصال جاودانت ندهد
بگذار حدیث وصل کآن پرده نشین
ره جانب خویش رایگان ندهد
تا جان ندهی بخود نشانت ندهد

..

ای والی سینه فهران غم تو
جان دادم و کار بر خود آسان کردم
جان در تن من دست نشان غم تو
تا باز رهم زامتحان غم تو

بختم بوصول رهنمون بایستی یا درد دلم ازین فزون بایستی
چشم ز غمت اگر چه طوفان انگیخت آلوده به اشکست، بخون بایستی
اما اثر معروف میر محمد شریف کتاب اوست بنام مجامع الاخبار که
تاریخ مجمل عالم است از خلقت تا سال هزار هجری و ازین حیث بی شباهت
بتاریخ الفی نیست. این کتاب در دو مقاله تدوین شده است که شرح
مختصرشان چنین است: مقاله اول در بیان فوائد تاریخ، آغاز آفرینش، تاریخ
انبیا از آدم تا مسیح، تاریخ پادشاهان یهود، حکمای قدیم (از لقمان تا
بزرگمهر)، شاهان یمن و سوریه و عراق عجم، پادشاهان قدیم ایران از گیومرث
تا یزدگرد سوم. - مقاله دوم شرح حال محمد (ص) و خلفای راشدین، ائمه
اطهار، خلفای بنی امیه و بنی عباس و بنی فاطمه. - تاریخ ایران دوره اسلامی،
طاهریان، صفاریان، دیلمیان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، غوریان،
اسمعیلیان، خوارزمشاهان، فراختانیان، اتابکان. - چنگیز خان و اخلافس،
ایلخانیان، چوپانیان، مظفریان، جلایریان، سربداران. - تیموریان ایران، ملوک
قراقویونلو و آق قویونلو و اوزبکان. - صفویان تا چهارمین سال جلوس
شاه عباس. - تاریخ دولت عثمانی. - تاریخ هند در سه قسمت که از سبکتکین
آغاز شده و تا سی و هفتمین سال جلوس اکبر پادشاه یعنی سال هزار هجری
ادامه یافته است. ارزش این کتاب بیشتر در اشمال آنست بر یکدوره مجمل و
فشرده از تاریخ عمومی جهان، آنطور که مسلمانان می شناختنند، تا زمان
مؤلف.

۲۷- نظام الدین هروی^۱
خواجه نظام الدین احمد پسر خواجه محمد مقیم
هروی معروف بخواجه نظام الدین بخشی^۲ از رجال

۱- درباره او بنگرید به:

* منتخب التواریخ، ملا عبدالقادر بدائینی، ج ۲ ص ۳۹۶ - ۳۹۸.

* مآثر الامرای میر عبدالرزاق خوانی (صمصام الدوله شاهنوازخان) ج ۱ کلکتہ ۱۸۸۸

بزرگ دولتی در عهد جلال‌الدین محمد اکبر پادشاه و از مورخان و مؤلفان ایرانی در هند است که چنانکه خود در کتاب طبقات اکبرشاهی نوشته از اعقاب خواجه عبدالله انصاری عارف مشهور بود. شرح حال او و پدرش در مآثر الامرای میر عبدالرزاق خوافی (صمصام الدوله شاهنوازخان) آمده است.

خواجه محمد مقیم هروی از دوران ظهیرالدین بابر در زمرة ملازمان او بود و در آخر عهد آن پادشاه بخدمت دیوانی بیوتات اختصاص یافت و بعد از مرگ بابر (۹۳۷ هـ) باردوی میرزا عسکری خان یکی از پسران او پیوست و بهنگامی که همایون پادشاه گجرات را فتح کرد و حکومت احمدآباد را بمیرزا عسکری ارزانی داشت، خواجه مقیم وزیر میرزا و طبعاً از ملازمان همایون بود و در واقعه جوسا یا جونسا (۹۴۶ هـ) و شکست همایون و فرارش با چند سوار باگروه خواجه مقیم یکی از آن سواران بود و بعد از همایون هم در دوره جلال‌الدین اکبر خدمات دیوانی را ادامه داد.

بعد از مرگ محمد مقیم پسرش نظام‌الدین مورد عنایت قرار گرفت و در امور نظامی و دیوانی مقاماتی کسب کرد، چنانکه در بیست و نهمین سال پادشاهی اکبر (= ۹۹۲ هـ) بخشی (مستوفی) گجرات شد و در سال سی و هفتم از پادشاهی اکبر (= ۱۰۰۱ هـ) بخشی کل ممالک او گردید و درین مقام بلند

→
 میلادی، ص ۴۷ و ۶۶۰ - ۶۶۴؛ ج ۲، کلکنه ۱۸۹۰، ص ۷۸۰ (درباره عابدخان یکی از پسران نظام‌الدین) و ج ۳ کلکنه ۱۳۰۹ هـ-ق، ص ۲۳۹ و ۲۴۳ و ۲۵۰ درباره خواجه مقیم هروی بدر نظام‌الدین بخشی.

* فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، ریو، ص ۲۲۰ - ۲۲۱.

* فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانه ملی پاریس، بلوژنه، ج ۱، ص ۳۲۳ - ۳۲۴.

* تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان از بابر تا اورنگ زیب، دکتر آفتاب اصغر،

لاهور، ۱۹۸۵ میلادی، ص ۱۴۸ - ۱۴۵.

* تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، نهران ۱۳۵۰ ش، ص ۶۶۸ - ۶۷۳.

۲- بخشی: محرر و منشی، حاکم، ناظر و مستوفی، رئیس خزانه باضافه معانی دهگری که

درباره آن ذکر شده، بنگر بفرنود سار ذیل همین واژه.

بود تا بسال ۱۰۰۳ در چهل و پنج سالگی در گذشت. اثر مهم و معروف او کتاب طبقات اکبر شاهی یا طبقات اکبری است که موضوع آن تاریخ تمامی احوال هندوستان و طبقات سلاطین مختلف آنست از سبکتکین (۳۶۶ - ۳۸۷ هـ) تا سی و هشتمین سال پادشاهی جلال‌الدین اکبر (= ۱۰۰۲ هـ) و منقسم است به یک «مقدمه» و نه «طبقه» باضافه «خاتمه». خاتمه حاوی بعضی اطلاعات جغرافیایی هند است و مؤلف در مقدمه گفته است: «چون سواد اعظم هندوستان مملکتی است وسیع و مرکب از چند اقلیم، اکثر از من و اوقات در هر ناحیه ازین مملکت وسیع فردی از افراد حکام استیلا یافته خود را بسلطنت ملقب ساخته فرمانروایی می‌کرد و سخن طرازان آن عصر در احوال داروگیر فرمانروای همان ناحیه تاریخها پرداخته بیادگار گذاشتند چنانکه تاریخ گجرات و تاریخ سند و تاریخ مالوه و تاریخ بنگاله و همچنین تاریخ سایر اقطاع و اکناف ممالک هندوستان جدا جدا مرقوم صحائف شده... و اکنون که جمیع اقطار و نواحی ممالک هندوستان بتیغ جهانگشای حضرت خلیفه‌اللهی مفتوح گشته و جمیع کثرات بوحدت انجامیده... بخاطر فاتر رسید که تاریخی که جامع و مشتمل بر تمامی احوال ممالک هندوستان باشد بعبارتی واضح از زمان سبکتکین که سنهٔ سبع و ستین و ثلاثانه (۳۶۷ هـ) و ابتدای ظهور اسلام در بلاد هندوستان است تا سنهٔ اثنی و الف هجریه (۱۰۰۲ هـ) موافق سی و هشتم سال الهی که مبداء آن از جلوس ابد قرین حضرت خلیفه‌اللهی است، طبقه بطبقه مرقوم خامهٔ صدق و سداد گرداند و خاتمهٔ هر طبقه را بفتح موکب عالی آن حضرت که عنوان رفعت‌نامهٔ مفاخر است اتصال دهد...»^۱ و در خاتمه مختصری دربارهٔ سلطنت اکبر پادشاه نوشته مفصل آن را بکتاب اکبرنامهٔ ابوالفضل علامی حواله کرد.

خواجه نظام‌الدین در تألیف این کتاب از چندین مأخذ معتبر استفاده کرد مثل: تاریخ یمینی، زین‌الاکبار گردیزی، روضة‌الصفاء، تاج‌المآثر، طبقات

ناصری، خزاین الفتوح، تغلق نامه، تاریخ فیروزشاهی ضیاء برنی، فتوحات فیروزشاهی، تاریخ مبارکشاهی، فتوح السلاطین، تاریخ محمودشاهی مندوئی، طبقات محمودشاهی گجراتی، مآثر محمودشاه گجراتی، تاریخ محمدی، تاریخ بهادرشاهی، تاریخ بهمنی، تاریخ ناصری، تاریخ مظفرشاهی، تاریخ میرزا حیدر، تاریخ کشمیر، تاریخ سند، تاریخ بابری، واقعات بابری، تاریخ ابراهیم شاهی، واقعات مشتاقی، واقعات همایون پادشاه. نام این مأخذها را نظام الدین در مقدمه کتاب خود آورده است. در طبقات نه گانه این کتاب بترتیب درباره سلاطین زیرین سخن گفته شده است:

(۱) سلاطین دهلی تا اکبر (۲) سلاطین دکن (۳) سلاطین گجرات (۴)
 سلاطین بنگاله (۵) سلاطین مالوه (۶) سلاطین جونپور (۷) سلاطین سند (۸)
 سلاطین کشمیر (۹) سلاطین مولتان.

میر عبدالرزاق خوافی درباره این کتاب می نویسد: «چون جزءرسی و دقت در تنقیح اخبار و سعی تمام بفراهم آوردن مواد بکار برده، و مثل میر معصوم بهکری و غیره از اهل کمال دمساز تألیف آن بوده اند، اعتبار تمام دارد و آن اول تاریخ نیست که احوال جمیع سلاطین اسلام سواد اعظم هندوستان را (که مساحان بسیط غیرا چاردانگ روی زمین گفته اند) جامع است، و مأخذ صاحب تاریخ فرشته و متبعان او (که مع شی زائد نگاشته اند همین نسخه مرغوبه است)»^۱.

این کتاب یک بار بسال ۱۸۷۰ در لکنهو و بار دیگر در سه جلد در کلکته (سالهای ۱۹۲۷ و ۱۹۳۱ و ۱۹۳۵ میلادی) چاپ شد. از جمله ارزشهای این کتاب اشتمال آن بر تراجم احوال عده زیادی از امیران، عالمان و شاعرانیست که همعهد جلال الدین اکبر بوده اند.

وی چنانکه پیش ازین دیده‌ایم از تبار خواجه
 ۲۸- امین احمد رازی^۱ ارجاسپ تهرانی متخلص به «امیدی»^۲ بود، و خود
 پسر خواجه میرزا احمد تهرانی و اسم کامل او محمد امین است و به «امین
 احمد» بصورت اضافهٔ ابنی در عرف ادیبان و مورخان شهرت دارد.
 پدرش خواجه میرزا احمد پسر خواجه محمد طاهر و برادر خواجه محمد
 شریف هجری و خواجه خواجه‌گی بود. ازین هر سه برادر یادگارهایی در عرصهٔ
 ادب و سیاست باز ماند: از خواجه میرزا احمد، میرزا محمد امین یعنی صاحب
 این ترجمه و مؤلف کتاب هفت اقلیم؛ و از خواجه خواجه‌گی، شاپور تهرانی شاعر
 بزرگ که پیش ازین یاد کرده‌ایم^۳؛ و از خواجه محمد شریف خواجه غیاث‌الدین
 محمد اعتمادالدوله وزیر جهانگیر و پدر نورجهان بیگم، (همسر جهانگیر
 پادشاه) که خود مردی ادیب و ادب‌شناس و مشوق ادیبان و شاعران بود^۴.

۱- دربارهٔ او بنگرید به:

- طرائق الحقایق، حاج میرزا منصوم عیاش، ج ۳، ص ۷۱.
- عرفات الماشقین، خطی.
- تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۳۸۲ و ۸۰۶.
- تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، ص ۴۱۰ - ۴۱۴.
- کشف الظنون حاج خلیفه، استبول، ستون ۲۰۴۴.
- فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانهٔ ملی پاریس، بلوش، ج ۱، ص ۳۷۳.
- فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا، ریو، ص ۳۳۵ - ۳۳۶.
- ترجمهٔ تاریخ ادبیات فارسی، هرمان اته، ص ۶ و ۱۴.
- همین کتاب و همین جلد، ص ۴۷۸ - ۴۸۲.
- مقالهٔ شاپور تهرانی از نگارندهٔ این سطرها، شمارهٔ ۴ سال اول ایران‌نامه، ص ۵۰۲ -

-۵۱۰

۲- همین کتاب، ج ۴، چاپ چهارم، تهران ۱۳۶۶، ص ۴۲۵ - ۴۳۱.

۳- همین جلد، ص ۱۰۹۷ - ۱۱۱۰.

۴- ایضاً ص ۴۸۰ - ۴۸۱.

خواجه امین احمد شرح حال همه بزرگان این خاندان را، که همگی مردان صاحب قلم بوده‌اند، تا عهد خود در هفت اقلیم آورده^۱، و میر عبدالرزاق خوافی نیز ازین خاندان تا بازماندگان خواجه غیاث‌الدین محمد در دستگاه پادشاهان تیموری هند در مآثر الامرا یاد نموده است^۲.

پدر محمد امین یعنی خواجه میرزا احمد کار خانوادگی خود را که بازرگانی و ملک‌داری بود ادامه داد، و بقول پسرش «در احداث قنوت و باغات خواهشی مفرط داشت و در حد ذات خود مایه انعامش برای غربا آماده بود و در شیوه میزبانی و میهمان‌نوازی ماحضرش بر طبق اخلاص نهاده، و پادشاه زمان، شاه تهماسب صفوی را بوی لطفی و شفقتی بی‌قیاس بود... و چند سال کلانتری ری را مع نصدی خالصات بدو مفوض گردانید و بعد از فوت وی شاه سلطان محمد نیز بنسبت سلف عمل کرده و تا زمان فوت مهمات فوق را بدو حواله داشت... گاهی بنا بر تقریبی شعر می‌گفته...»^۳.

و درباره محمد امین، معاصرش تقی‌الدین اوحدی بلیانی در تذکره عرفات گفته است: «زبده الانام، خوش فهم مبین، کامل امین، متبوع مورخ، رند لایبالی، صاحب ادراک عالی، شمع مجلس سرافرازی، خواجه امین‌بن خواجه احمد رازی از امجاد بلده ری است و یکی از ائمه اعمام صاحب‌الصواب، اعتمادالدوله‌العلیه میرزا غیاث بیگ والد نورمحل^۴، غایت فطانت و رزانت و متانت و ادراک داشته، زحمت بسیار در جمیع تواریخ کشیده، تتبع حالات نموده، از جمله کتاب هفت اقلیم تألیف اوست که همه کس را بتقریب در آنجا مذکور می‌سازد، از همه چیز سخن می‌گوید، الحق آن نسخه را نیکو نوشته... و وی مدتی شد که در هند بجوار رحمت حق

۱- چاپ تهران، ج ۳، ص ۶۳ - ۸۱.

۲- مآثر الامرا، ج ۱، ص ۱۲۷ - ۱۵۱.

۳- هفت اقلیم، تهران، ج ۳، ص ۷۱ - ۷۲.

۴- مقصود نورجهان بیگم است.

پیوسته...»^۱.

محمد امین چنانکه خود گفته است^۲ از دیرباز «همیشه اوقات را در تحصیل احوال ابرار و اخیار مصروف می‌داشته... تا آخر بنا بر وفور خواهش خود و اشاره بعضی از دوستان خاطر بر آن قرار گرفت که تذکره‌یی جمع سازد از نظم و نثر تا زمان حال را کاری و ایام مستقبل را یادگاری باشد، بعد از شش سال که لیلأ و نهارأ بدان مواظبت نموده شد کتابی بحصول پیوست مملو از اشعار و اخبار و حکایات و آثار که... اگرچه نظاره کنان از گل و ریاحین آن بوستان دماغ جان را معطر و دیده دل را منور می‌گردانند اما از لذت نقل آن ثمرات بنا بر افزونی عبارت و زیادتی کتابت بی منفعت و محروم می‌مانند، لاجرم بخاطر رسید که از هر خرمن آن دانه‌یی و از هر کیلش پیمانه‌یی جمع ساخته کتابی علی‌حده تصنیف نماید» و آن کتاب جداگانه همین هفت اقلیم است که چنانکه از گفتار مؤلف برمی‌آید خلاصه‌یست از تذکره‌یی مفصل که با شش سال کار ترتیب داده بود.

این کتاب مختصر شده را که هفت اقلیم نام یافته نمی‌توان تنها تذکره نامید، چه آنطور که از نامش برمی‌آید کتابیست که بنای آن بر جغرافیای هفت اقلیم عالم (نا آنجا که مؤلف می‌شناخته) گذارده شده است. مؤلف نخست می‌پردازد بدگر مقدمه‌یی درباره خشکیهای کره زمین و ربع مسکون از آن خشکیها که در شمال خط استواست و بخشی از ربع مسکون که جغرافیادانان قدیم آن را بهفت بخش می‌کرده و هر بخش را اقلیم می‌نامیده‌اند؛ و بعد از آن شروع می‌کند به بیان هریک از اقلیمهای هفتگانه و تعریف جغرافیایی و مساحت آن و کشورها و شهرهای مهمی که در آنست و ضمن بیان هر شهر و دیار بدگر بزرگان آن، خاصه شاعرانش نیز پرداخته و نمونه‌های خوبی از شعرهایشان ذکر نموده و ضمناً درباره هر کشور اطلاعات تاریخی هم درباره

۱- نقل از تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، ص ۴۱۳.

۲- هفت اقلیم، نهران، ج ۱، ص ۴.

آن داده است که گاه بسیار قابل توجهست خاصه آنچه دربارهٔ سند و هند بیان نموده. تألیف هفت اقلیم بسال ۱۰۰۲ هـ پایان یافته است و ازین کتاب قسمتی تا اقلیم سوم بسالهای ۱۹۱۸ - ۱۹۳۹ در کلکته و قسمتی تا همان اقلیم در تهران و تمام آن در سه جلد بسمایه کتابفروشی علی اکبر علمی و کتابفروشی ادبیه در تهران (بی تاریخ) بطبع پر غلط و بی فهرست چاپ شده است.

بغیر از مقدمه که دربارهٔ آن سخن رفته، متن کتاب بنظم اقلیمی بدینگونه تنظیم و تدوین شده است: اقلیم اول: یمن، بلادالزنج، نوبیا، چین. - اقلیم ثانی: مکه، مدینه، یمن، هر موزه، دکن و توضیحات تاریخی راجع بسلسله‌های شاهان مسلمان آنجا از آغاز تا سال ۹۹۹، احمدنگر، دولت آباد، گلکنده، احمد آباد، سورات، بنگال، آریسا، کوچ. - اقلیم سوم: عراق، بغداد، کوفه، نجف، بصره، یزد، فارس، سیستان، قندهار، غزنین، لاهور، دهلی، شرح تاریخی هند از آغاز تا عهد اکبر شاه و مشاهیر هند، سوریه، مصر. - اقلیم چهارم: خراسان، بلخ، هرات، جام، مشهد، نیشابور، سبزوار، اصفهان، کاشان، قم، ساوه، همدان، ری و تهران، دماوند، استرآباد، طبرستان و مازندران، گیلان، قزوین، آذربایجان و تبریز، اردبیل، مراغه. - اقلیم پنجم: شروان، گنجه، خوارزم، ماوراءالنهر و سمرقند، بخارا، فرغانه. - اقلیم ششم: ترکستان، فاراب، یارکند، روسیه، قسطنطنیه، روم. - اقلیم هفتم: بلغار، صقلاب، یاجوج و ماجوج.

۲۹- شرفخان بدلیسی
امیر شرفخان بدلیسی از مؤلفان سدهٔ دهم و آغاز سدهٔ یازدهم است که بسبب تألیف کتاب مشهورش

۱- دربارهٔ او بگردید به:

- شرح حالی که خود او در پایان کتاب شرفنامه بویژه از ص ۵۷۳ بید نوشته است.
- فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا، ربو، ص ۲۰۸ - ۲۱۰ و ضمیمهٔ آن ص

۶۴ - ۶۵

• تاریخ نظم و نشر فارسی در ایران، ص ۳۸۱ - ۳۸۲. و بمقالات و تحقیقات بعضی از خاورشناسان که در همین گفتار بدانها اشاره خواهد شد.

شرفنامه در تاریخ طوایف کرد شهرت یافته است. بدلیس (بتلیس) چنانکه پیش ازین در ذیل ترجمه حکیم‌الدین ادریس گفته شد نام شهر و ناحیه‌یی در مغرب دریاچه وان، میان ارمنستان و اران است. این شهر و ناحیه در عهد شاه اسمعیل و قسمتی از دوره شاه تهماسب جزو ممالک صفوی بود و بعد، پس از فتح بغداد بدست شاه سلیمان، با ساکنان کرد و ارمنی خود، در قلمرو متصرفات عثمانیان درآمد.

امیر شرف خان (میر شرف) بن امیر شمس‌الدین بن حاجی شرف بن ضیاء‌الدین از خاندان حکام بدلیس و از رؤسای عشیرت روجکی (روزکی) از عشایر کرد بود که در سال ۹۴۹ هـ در قصبه کوره رود از اعمال قم که پدرش آن را از جانب شاه تهماسب به تیول داشت، تولد یافت، و بنا بر رسم دوران تهماسبی با فرزندان اعیان و امرا از نه سالگی تا دوازده سالگی در حرم خاص شاهی در سلک شاهزادگان تربیت شد.

پدرش امیر شمس‌الدین در عداد ملازمان شاه تهماسب قرار داشت تا آنکه در سال ۹۶۱ هـ از ملازمت استعفا کرد و کنج انزوا اختیار نمود و شاه تهماسب بنا بر استدعای عشیره روجکی امارت آن عشیره و حکومت بعضی از نواحی شروان را بیسرش یعنی همین امیر شرفخان واگذار کرد، ولی چند سال بعد بار دیگر او را بملازمت برگرداند و بقزوین خواند و امارت روجکی را مجدداً برعهده او گذارد و الکای کوره رود را کماکان بوی ارزانی داشت. این بار هم امیر شمس‌الدین چند گاهی بیش در ملازمت پادشاه باقی نماند و دیگر بار امارت روجکی برعهده شرفخان گذارده شد و او در جزو ملازمان شاه تهماسب در قزوین ماند و «دو سال علی‌الاتصال از ملازمت منفک نشد» و بعد از گرفتاری خان احمد گیلانی بسال ۹۷۵ هـ، در تسخیر گیلان رشادت بخرج داد و اهمیتی کسب کرد و هفت سال در گیلان بسر برد و سپس بقزوین رفت ولی

بعلت آغاز مناقشات طوایف قزلباش در پایان عهد شاه تهماسب بقول خود «صلاح در توقف ندید» و تقاضا کرد که او را «بطرفی از اطراف ممالک محروسه ارسال دارند». پس شاه تهماسب حکومت بعضی از نواحی شروان را بدو ارزانی داشت و او بدان جانب رفت و هشت ماه بعد که شاه تهماسب در گذشت (شب سه شنبه پانزدهم ماه صفر سال ۹۸۴ هـ)، و بعد از آن شاه اسمعیل ثانی بیادشاهی نشست، او را بقزوین احضار کرد و منصب امیرالامرائی طوایف کرد را بدو بخشید ولی چندی بعد بر اثر سعایت حاسدان بر او بدگمان شد و ببهانه حکومت نخجوان او را از پایتخت دور کرد، و چون یک سال و چهار ماه در این مقام جدید بسر برد از طرف سلطان مرادخان ثالث (۹۸۲ - ۱۰۰۳ هـ) منشور ولایت بدلیس بدو داده شد و حکومت موروث خانوادگی باو بازگشت و او در روز سوم شوال سال ۹۸۶ هـ از نخجوان با چهارصد نفر از ملازمان خویش که از میان آنان دو بیست تن کرد روجکی بودند از نخجوان عازم قلمرو حکومت خود شد و بوطن اصلی معاودت نمود و از آن پس در جزو امرای دولت عثمانی و مورد احترام سلاطین آل عثمان بود، و بعد از سلطان مراد ثالث در عهد سلطان محمدخان ثالث (۱۰۰۳ - ۱۰۱۲ هـ) نیز از همین مزایا برخوردار بود و در شرح حال خود چنین نوشت: «... و امروز که تاریخ هجری در سلخ شهر ذی الحجه سنه خمس و الفست (= ۱۰۰۵ هـ) بپیم دولت خاقان عالیستان ابوالمظفر سلطان محمدخان حفظه الله تعالی عن الآفات حکومت موروثی در تصرف فقیر است، اگرچه بالطبع ازین امر خطیر اجتناب نموده اشغال آن را در عهده ولد ارشد و فرزند امجد موفق باخلاق نیک ابوالمعالی شمس الدین بیک... کرده...».

اثر معروف و مهم امیر شرفخان بدلیسی کتاب شرفنامه اوست که باسم سلطان محمدخان ثالث نوشته و در دیباچه آن بعد از مقدمات گفته است: «مسود این اوراق المفتقرالی الله الملك الهادی شرف بن شمس الدین او صله الله الی سعادة الدنيا والدین در ربیعان جوانی و عنفوان زندگانی بعد از تحصیل علوم

دینییه و تکمیل معارف یقینیه و اشغال خطیر دیوانی و کسب کمال نفسانی گاه گاه بمطالعه کتب اخبار خلف و حالات سلاطین سلف اوقات صرف می نمود تا در آن علم شریف و فن لطیف فی الجمله مهارت و در ضبط آن حسب الامکان جسارت بهم رسانید، بخاطر فاطر رسید که در آن علم منبف کتابی تألیف نماید که پرتو شعور ماهران علوم تواریخ بر آن نتافته باشد و... چون مشاطگان عروس سخن و طوطیان شکرستان اخبار نو و کهن در هیچ عصر و زمان احوال ولات کردستان و چگونگی حالات ایشان را بیان نکرده بودند و درین معنی نسخی مرتب ننوشته، بخاطر فاطر این ذره بمقدار ساقط از درجه اعتبار خطور کرد که نسخی در شرح حالات و مجموعه‌یی در اوضاع و اطوار ایشان بقدر الوسع والامکان رقم زده کلک بیان نماید و آنچه در تواریخ عجم دیده و از مردمان مسن صحیح القول شنیده و معاینه و مشاهده کرده و اطلاعی بر آن حاصل شده در قید تحریر و صورت تقریر آورده موسوم بشرفنامه سازد تا احوال خانواده‌های عظیم الشان کردستان در حجاب ستر و کتمان نماند...»^۱.

واپسین تاریخی که در این کتاب می‌بینیم سال ۱۰۰۵ هجریست که شرفخان در پایان شرح حال خود در آخر کتاب ذکر نموده است و بنابراین همان را باید تاریخ ختم این تألیف دانست. بنای کتاب بر یک «مقدمه» و چهار «صحیفه» و «خاتمه» است که شرفخان بتفصیل آنها را در آغاز کتابش شرح داده و خلاصه آن چنین است:

مقدمه در بیان انساب طوایف کرد و اینکه از کجا پیدا شده‌اند.

صحیفه اول در ذکر ولات کردستان که مورخان آنها را در شمار سلاطین ذکر کرده‌اند در پنج فصل: (۱) ولات دیار بکر و جزیره ۲، ۲) ولات دینور و شهر زور (= حسنویه)، (۳) ولات فضلویه یا لر بزرگ، (۴) ولات لر کوچک،

۱- شرفنامه، چاپ افست، تهران ۱۳۴۳، ص ۷ - ۹.

۲- جزیره ابن عمر، شهری قدیم برکنار دجله از ناحیه غربی میان موصل و دیار بکر.

۵) سلاطین مصر و شام مشهور بآل ایوب،
صحیفه دوم در ذکر حکام بزرگ کردستان که اگرچه دعوی سلطنت
نداشتماند اما گاه خطبه و سکه بنام آنان بود و آن نیز در پنج فصلست: ۱)
حکام اردلان، ۲) حکام حکاری مشهور بشنبو، ۳) حکام عمادیه مشهور
ببهادینان، ۴) حکام جزیره مشهور به بختی، ۵) حکام حصن کیفا^۱ معروف به
ملکان،

صحیفه سوم در ذکر سایر حکام و امرای کردستان در سه «فرقه»،
صحیفه چهارم امرا و حکام بدلیس در یک «فاتحه» و چهار «سطر» و
یک «ذیل» در بیان احوال مؤلف کتاب،
خاتمه در ذکر سلاطین آل عثمان و پادشاهان معاصرشان در ایران و
توران و غیره.

این کتاب بسال ۱۸۶۰ میلادی در سن پترزبورگ (St. Petersburg)
بطبع رسید و یک چاپ افست از آن بسال ۱۳۴۳ در تهران شد. از آن
نسخه‌های متعدد کامل و ناقص در دستست، بترکی ترجمه شده و خلاصه‌یی
نیز بدست «شمعی» از آن بترکی فراهم آمده است. تحقیقاتی بفرانسوی و
انگلیسی و آلمانی درباره آن شده و از آن میان Wolkow مقاله‌یی در شرح حال
شرفخان و معرفی کتابش در مجله آسیایی (Journal Asiatique) جلد هشتم
صفحه‌های ۲۹۱ تا ۲۹۸ درج کرده و Velaminof-Zernof در مقدمه چاپ
سن پترزبورگ (۱۸۶۰ میلادی) نیز شرح حال مؤلف را بهمراه معرفی شرفنامه
آورده است.

۱- حصن کیفا که بتعریف «حسنکیف» هم نوشته می‌شد. شهری کوچک برکنار دجله میان

۳۰- نمکین هروی^۱ ابوالقاسم خان نمکین حسینی هروی از شاعران و نویسندگان سده دهم و اوایل سده یازدهم هجری است که مردی دانشمند و از منشیان خوب عهد خود بود و رباعی را خوب می‌سرود و اواخر عمر را در دربار جلال‌الدین اکبر گذراند و کتاب منشآت نمکین را بسال ۱۰۰۶ بنام وی تألیف کرد. این منشآت مرکبست از نامه‌های رسمی و خصوصی با توضیحاتی دربارهٔ دستور نامه‌نگاری و عنوانها و لقبهایی که برای هر مخاطبی باید بکار برد. در پایان کتاب مؤلف بپاره‌یی موضوعهای دینی که ربطی بنامه‌نگاری ندارد، پرداخته است.

منشآت نمکین در هشت باب و خاتمه تنظیم شده است بدینگونه: باب اول در ابتدای صنعت کتابت و ذکر ابتداء مکاتیب، (۲) در ترقیم فرامین و مناشیر سلاطین عدالت آیین و اجوبه لطایف تزیین آن حضرات، (۳) در تحریر ادعیه صفاتیه و اثنیه فردیه و صحائف مکاتیب، (۴) در ترسیم عرائض سوائیه و جوابیه، (۵) در تسطیر صحائف مرشد و مسترشدین و والدین و اساتید و اخوه و اخوات و اولاد، و در گله‌مندی و شکایت از عدم مراسله و مایتعلق بها، (۶) در تنمیق صحائف تهانی و تعازی، (۷) در تصدیر قبالات و تمسکات و نکاح و سجلات شرعیه و غیر آن، (۸) در بیان ارتسام صحایف قبل الملاقات و بعدیه و مطایبات مضحکه و متفرقات.

خاتمه: در تنمیق مسایل بنای مسلمانی و سبب وجوب نماز و نیت آن و آداب قراءت آن و کیفیت نماز عیدین و خطبات جمعه و عیدین و نماز استسقاء و خطبه و ادعیه کسوف و خسوف الخ.

نسخه‌یی ازین کتاب بشمارهٔ فهرست ۲۰۶۴ در کتابخانهٔ دیوان هند (این‌دیا آفیس) وجود دارد که مورخست بتاریخ ۱۰۱۲ که گویا از روی نسخهٔ

۱- دربارهٔ او بنگرید باشارهٔ مجمل هرمان انه در تاریخ ادبیات فارسی (ترجمه ۱۰۰۰) ص ۱۲۴۸ و فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانهٔ دیوان هند، ج ۱، ص ۱۱۴۱ - ۱۱۴۲؛ و نیز باشارهٔ بسیار کوتاه مرحوم سعید نفیسی در تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۵۸۲.

اصلی مؤلف باشد.

محمود بن هدایه‌الله افوشته‌بی نظنزی از مؤلفان و
 ۳۱- محمود نظنزی^۱ شاعران سده دهم و یازدهم هجریست که بسال ۹۳۸ هـ ولادت یافت^۲. پدرش مورد توجه بهرام میرزای صفوی و مردی متقی و پرهیزگار بود و محمود در سایه‌هدایت او با دانشهای زمان آشنایی یافت و بشعر روی آورده مدعی ساختن پنج دیوان غزل و قصیده و اقسام دیگر شعر بنامهای «مجازیه» و «غایه‌المجاز» (غزل) و «حاصل‌الجنات» (مناقب‌نامه) و «اضطراریه» و «براءة‌القلم» (مدایح فرمانروایان) شد که از آنها، اگر واقعاً وجود داشتند، اثری در دست نیست، اما اثری که ازو باقی مانده کتابیست بنام نقاوة‌الآثار فی ذکر الاحیار، که بسال ۹۹۸ که در فارس اقامت داشت شروع بتألیف آن کرده و در سال ۱۰۰۷ هـ پایان برده است و آن بسال ۱۳۵۰ ش در تهران بطبع رسید. نقاوة‌الآثار انشائی مترسلانده و گاه مزین، همراه با اشعار دارد و اهمیتش در آنست که بسیاری از رویدادهای مربوط بزندگان عمومی و حادثه‌های غیرسیاسی را در ذکر وقایع بعضی از سالها آورد.

۳۲- ابوالفضل علامی^۳ شیخ ابوالفضل بن مبارک ناگوری اکبرآبادی، برادر کوچکتر شیخ ابوالفیض فیضی فیاضی، از

۱- درباره او بنگرید به:

• تاریخ نظم و نثر در ایران، سعید نفیسی، ص ۳۵۸.

• مقدمه و متن کتاب نقاوة‌الآثار، چاپ تهران ۱۳۵۰ بکوشش آقای دکتر احسان اشرافی.

۲- باظهار محمود بن هدایه‌الله وی در سال ۱۰۰۷ که کتاب خود را تمام کرد شصت و نه

ساله بود، پس ولادتش بسال مذکور در متن اتفاق افتاد.

۳- درباره او بنگرید به:

• هفت اقلیم، تهران ج ۱، ص ۳۷۳ - ۳۷۴.

رجال بسیار متنفذ در عهد پادشاهی اکبر است که از هر حیث حقاً بهندوستان و هندوان تعلق دارد ولی بسبب اهمیت وافرش در ادب فارسی در اینجا با رعایت کمال اختصار اشاره‌ی باحوال و آثار او می‌کنم: درباره‌ی پدر و نیاکانش پیش ازین سخن گفته‌ام و شرح حال برادرش فیضی را هم در شمار شاعران عهد دیده‌اید، و اما ابوالفضل بسال ۹۵۸ در اگره ولادت یافت و تا پانزده سالگی دانشهای متداول زمان خود را فراگرفت و بیشتر آن را مدیون خطیب



- بهارستان سخن، مدراس ۱۹۵۸ میلادی، ص ۴۲۹ - ۴۳۳ (ضمن ترجمه‌ی برادرش شیخ ابوالفیض فیضی).
- مآثرالامراء، ج ۲، کلکته ۱۸۹۰ میلادی، ص ۶۰۸ - ۶۲۲.
- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زمان فارسی، ص ۳۶۴ - ۳۶۵.
- همین کتاب و همین جلد، ص ۸۳۸ ببعد ذیل عنوان فیضی فیاضی.
- سبک شناسی، محمدتقی بهار، ج ۳، تهران چاپ سوم ۱۳۴۹، ص ۲۸۹ - ۲۹۵.
- تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، دکتر آفتاب اصغر، لاهور، ص ۱۷۱ - ۱۸۷.
- سفینه‌ی خوشگو، بندر ابن داس خوشگو، بتا، ۱۹۵۸ میلادی.
- اکبرنامه، ابوالفضل علامی، کلکته ۱۸۷۷ میلادی.
- آیین اکبری، ابوالفضل علامی، کلکته، جلد یکم ۱۸۷۲ و جلد دوم ۱۸۷۷ که هر دو در سال ۱۹۸۵ در استانبولک (آلمان غربی) بیچاپ افست تجدید طبع شده‌اند.
- تذکره‌ی میخانه، تهران ۱۳۴۰، حاشیه‌ی ص ۲۵۲ - ۲۵۴ که مصحح کتاب، آقای احمد گلچین معانی از مآثرالامرا و از نوزوک جهانگیری و از سفینه‌ی خوشگو نقل کرده است.
- تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، تهران ۱۳۵۰، ص ۴۳۶ - ۴۳۸.
- گنجینه‌ی سخن، مقدمه‌ی جلد اول چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، ص ۱۴۷.
- فهرست کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۵۱۷ - ۵۱۹.
- آسبیکلوپدی اسلام، چاپ جدید، ج ۱، ص ۱۲۰ - ۱۲۱ مقاله بقلم نورالحسن.
- Encyclopedia Iranica, Vol I, pp. 287-289, art. par R.M. Eaton.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌ی ملی پاریس، ج ۱، ص ۳۳۷ - ۳۴۱ و ۴۰۱ - ۴۰۲.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌ی موزه‌ی بریتانیا، ص ۳۹۶ و ۸۳۸.

ابوالفضل کازرونی از دانشمندان آن عهد بود. در سال ۹۸۱ بمعرفی برادر خود شیخ ابوالفیض فیضی بخدمت جلال‌الدین اکبر درآمد و بزودی از مقربان آن پادشاه گردیده و «بمزاج پادشاهی چنان جا کرده که محسود شاهزاده‌ها بود تا بامرا چه رسد و همواره در خدمت پادشاه چون عرض با جوهر قائم بوده امری بی صوابدیدش متمشی نمی‌شد»^۱، و بعد از چندی بمأموریت‌های نظامی بدکن رفت و در همان مأموریت بسال ۱۰۰۸ بمنصب چهار هزاره ارتقا یافت و همچنان درین خدمت بسر می‌برد تا آنکه در سال چهل و هفتم سلطنت اکبر (۱۰۱۱ هـ) بیایتخت احضار شد و در بین راه بتاریخ چهارم ربیع‌الاول سال ۱۰۱۱ بر دست کسانی که شاهزاده سلیم (= جهانگیر در دوران پادشاهی) گماشته بود، بقتل رسید.

ابوالفضل نیز مانند برادر خود در ابداع «دین الهی» یا «توحید الهی» موثر بوده است. اهمیت او بیشتر در اینست که نویسنده‌ی چیره‌دست و ماهر بود، مانند برادرش فیضی بزبان فارسی احاطه داشت و سعی می‌کرد در نگارش اثرهای خود بسبکی نزدیک پیشینیان باز گردد و از شیوه نثر عهد صفوی دور شود. وی تألیفات متعددی دارد که مهمتر از همه آنها کتاب اکبرنامه، آیین اکبری، و عیار دانش است.

اکبرنامه مفصل‌ترین کتاب در تاریخ دوران اکبرست که مؤلف آن را در سه جلد نوشت. در آغاز جلد اول بعد از ایراد شرحی درباره ولادت جلال‌الدین اکبر، از نسب پادشاهان مغول و سپس از سلطنت بابر و همایون سخن رفته و دنباله کلام بدوره اکبر کشانیده شده و بدینگونه کار تدوین تمام کتاب ادامه یافته و تا وقایع سال چهل و هفتم از پادشاهی اکبر (= سال ۱۰۱۰ هـ) را شامل شده است. اکبرنامه بسال ۱۸۷۷ در کلکته چاپ شد.

آیین اکبری کتاب مشهور دیگرست از ابوالفضل علامی در شرح رسمها و آیین‌ها و مقررات درباری هند که هر یک از آنها ذیل «آیین» (= رسم،

سنت) ذکر شده (مثل آیین فرود آمدن اردو - آیین چراغ افروزی - آیین واقعه‌نویسی، و جز آنها). این کتاب در پنج دفتر و خاتمه فراهم آمده: [دفتر اول در منزل آبادی - دفتر دوم در سپاه آبادی - دفتر سیوم در ملک آبادی - دفتر چهارم در احوال هندوستان - دفتر پنجم در دلاویز گفتار شاهنشاهی - خاتمه نبذی از احوال مؤلف]. اهمیت کتاب افزون بر بیان بعضی از فرقه‌ها و قانونهای دولتی و سپاهی در عهد تیموریان هند، بیشتر در ذکر احوال گروه بزرگی از شاعران و حکیمان و ادیبانست. در دفتر دوم ذیل فصل یا عنوان «بزرگان جاوید دولت» عده‌یی از شاعران یا بقول خود «قافیه‌سنجان» را که پنجاه و نه تنند، از فیضی تا رهی نیشابوری نام برده و در دفتر چهارم زیر عنوان «آمدگان هندوستان» از آدم صفی و هوشنگ پیشداد و سام و جمشید و ضحاک آغاز کرده و رسیده است به ناصرالدین سبکتکین و چندتن از سلاطین بعد تا ظهیرالدین بابر و بازماندگانش، و بعد پرداخته است بیان حال اولیای هند و... در خاتمه شرح حال خود را آورده است. آیین اکبری در سال ۱۲۷۳ ق در دهلی بطبع رسید.

عیاردانش شیخ ابوالفضل آخرین تحریر از کلیله و دمنه است با عبارات ساده روان و صحیح، که در مقدمه تاریخ آن تا پارسی شدنش را بفرمان نصر بن احمد سامانی و باردیگر در دوران پادشاهی بهرامشاه غزنوی شرح داده و آنگاه دو باب اول کتاب (در بعضی سخنان بوزرجمهر حکیم) و (در احوال برزویه طبیب) را که ملاحسین واعظ کاشفی در انوار سهیلی حذف کرده بر تحریر خود افزوده و کتاب را بنام جلال‌الدین اکبر در آورده است. علاوه بر نسخ چاپی ازین کتاب نسخه‌های خطی بسیار در دستست.

مکاتبات علامی مجموعه ترسلات شیخ ابوالفضل است و بنامهای مکاتبات ابوالفضل و انشاء ابوالفضل نیز معروفست. نامهایی که درین مجموعه نقل شده بعضی بنام اکبر و پاره‌یی بنام خود شیخ ابوالفضل است و عبدالصمد بن افضل محمد خواهرزاده ابوالفضل اندکی بعد از کشته شدن او

شروع بجمع آوری آن کرد و کار خود را بسال ۱۰۱۵ بانجام رسانید. این مجموعه مشتمل است بر سه دفتر: (۱) نامه‌هایی که از جانب اکبر بشاهان و امیران نوشته شده، (۲) نامه‌هایی که ابوالفضل باکبر و بعضی از امیران نوشته و (۳) دیباچه‌های بعضی کتب و خواتم و انتخاب از کتابها و بیاضها و نشرهای دیگر. این مجموعه یکبار بسال ۱۸۱۰ میلادی در کلکته و سپس بسالهای ۱۲۶۲ ق.ه و ۱۲۸۰ ق.ه در لکنهو بطبع رسید.

او با همه اشتغالات سیاسی کارهای ادبی دیگری نیز کرد مثل تألیف جامع اللغات در لغت فارسی، و نوشتن مقدمه‌هایی بر تاریخ الفی و بر ترجمه مه‌بهارتا و جز آنها.

درباره اعتقاد شیخ ابوالفضل بسیار چیزها گفته و نوشته‌اند که نقل آنها درینجا مقامی ندارد و ارزش او در نشر زیبای منتخب و استوار و درست اوست که بشیوه نویسنده‌گان پیشین دارد و از آنهمه بی‌مزگیها و تازی‌گوییها و غلط‌پردازیها که در نشر عهد تیموری و صفوی می‌بینیم در آنها اثری نیست، پارسی هموار و یکدست و دور از افراط و تفریط و همراه با همه فرندهای واژگانی و دستوری و نویسندگی دارد، و البته نباید فراموش کرد که تمایلش بفارسی نویسی و آوردن واژه‌های پارسی بر دیگر تمایلاتش در نشر می‌چربد.

بسبب اهمیتی که کتابهای اکبرنامه و آیین اکبری در میان کتابهای تاریخ دوران تیموری هند پیدا کردند بعد از ابوالفضل علامی بسیاری سعی نمودند شیوه او را در نگارش کتابهای خود پیروی کنند ولی طبعاً باندازه خود ابوالفضل درین راه توفیق نیافتند.

ابوالفضل بندرت شعر فارسی می‌سرود. این رباعی ازوست:

نفسی دارم که هر نفس مه گردد	گویم که ریاضتش دهم به گردد
هر چند بجهد لاغرش می‌دارم	از یک سخن فصول فربه گردد

۳۳- محمد طاهر سبزواری^۱ محمد طاهر بن خواجه عمادالدین حسن بن سلطان علی بن حاجی محمد حسین سبزواری معاصر جلال‌الدین اکبر و از اعیان دربار او بوده و باداء خدمت‌های دولتی در هند اشتغال داشته است. در ۹۸۸ فرمان حکمرانی یکی از نواحی هند بدو داده شد و در سال ۱۰۱۳ برای گزاردن رسالتی از جانب پادشاه بخانخانان به برهانپور رفت. برادرش خواجه سلطان احمد هم در دربار اکبر مقاماتی داشت و یکی از شاعران وابسته بدرگاه وی بود.

محمد طاهر مؤلف کتاب خوبی در تاریخست بنام *روضه الطاهرین* که تاریخ عمومی عالم است از آغاز تا سال ۱۰۱۴ ه. وی در مقدمه کتاب نوشته است که بدان سبب آن را *روضه الطاهرین* نامیده که اولین کلمه ازین نام سال اتمام کتاب را نشان می‌دهد یعنی روضه که مساویست با ۱۰۱۱. پس کتاب اصلاً تا وقایع سال یاد شده ختم می‌شد و بعد بعلی و از آنجمله بسبب آنکه ۱۰۱۴ سال در گذشت جلال‌الدین اکبر بوده دنباله مطلبهای کتاب تا بآن سال کشیده شده است. کتاب به پنج «قسم» و هر قسم بچند «باب» و هر باب بچند «فصل» تقسیم می‌شود و مؤلف فهرست مطلبهای کتاب را بشرح و تفصیل آورده و در ذکر سلسله‌های سلاطین بهر یک از شاهان آن سلسله و مدت پادشاهیش هم اشاره نموده است. بخشی از «قسم اول» این کتاب که پادشاهان قدیم ایران اختصاص دارد بامر اکبر و بوسیله مولانا تقی‌الدین محمد شوشتری از شاهنامه فردوسی اخذ و بوسیله مؤلف تلخیص و تکمیل شده است.

موضوعها و مطلبهای کتاب از ذکر پیامبران و نخستین پادشاهان ایران و عرب آغاز شده بتمام سرزمینهای ایران و هند و روم و ترک گسترش یافته و بویژه تاریخ هند در آن تفصیل بیشتر و پرارزش‌تری دارد و از روایتهای قدیم هندویی آغاز شده تا شاهان دهلی و سند و کشمیر و مولتان و دکن و غیره

۱- درباره او بنگرید به تاریخ نظم و نشر در ایران، ص ۳۵۷ و بفرست نسخه‌های

امتداد یافته و بابی خاص بسلطنت اکبر و امیران و عالمان دربار او اختصاص داده شده است.

۳۴- عبدالحق حقی^۱ عبدالحق بن سیف‌الدین بن سعدالله ترک بخاری دهلوی، از یک خاندان بزرگ ادب و تصوف بود که از بخارا بهند کوچ کرد و در دهلی سکونت گزید. وی محدث و فقیه و مورخ و صاحب اثرهای متعددیست که شماره آنها را تا ۱۲۰ دفتر نوشته‌اند. شعر نیز می‌گفت و حقی تخلص می‌کرد. پدرش سیف‌الدین و عمش رزق‌الله نیز در نظم و نثر فارسی دست داشتند. عبدالحق در ۹۵۸ در دهلی ولادت یافت، بعد از کسب معارف زمان بتصوف گرایید و وارد طریقت قادری شد، دوبار بمکه و مدینه سفر کرد و مدتی در آن جاها بود و بازمانده حیات را در دهلی گذراند و همانجا بسال ۱۰۵۲ در گذشت. وی در موضوعهای گوناگونی مانند حدیث و تفسیر و فقه و تصوف و عرفان و کلام و منطق و تاریخ کتابهای متعدد نوشت. از آن میان بعضی را نام می‌بریم، مثل: مدارج النبوة و مراتب الفتوة در سیرت رسول بفارسی که خود گزیده‌یی از آن بنام حلیه سیدالمرسلین ترتیب داد^۲؛ الطريق القويم فی شرح الصراط المستقیم که در ۱۰۱۶ نوشته^۳؛ و جذب القلوب الی دارالمحبوب یا تاریخ مدینه؛ و

۱- درباره او بنگرید به:

* تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، تهران ۱۳۴۴، ص ۳۶۹ -

۳۷۱ و ۸۰۵، درباره پدر و عمش همان کتاب، ص ۶۷۸ و ۷۹۸.

* فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، ریو، ص ۳۵۵ و ۲۲۳ - ۲۲۴؛

و درباره پسرش نورالحق همان کتاب ص ۲۲۴ - ۲۲۵.

* تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، لاهور ۱۹۸۵، ص ۱۶۳ - ۱۶۷.

* مأخذهای دیگری که در زیر صفحه‌های آینده ذکر خواهد شد.

۲- فهرست نسخه‌های فارسی موزه ملی پاکستان، ص ۷۵۴.

۳- ایضاً، ص ۷۵۶.

اخبارالاکخبار فی احوالالابرار و ذکرالملوک فی اخبار سلاطین هند که همه بفارسی هستند.

از میان این آثار که برشمرده‌ایم کتاب اخبارالاکخبار حاوی شرح حال مشایخ تصوف در هندست از معین‌الدین چشتی تا پایان سدهٔ دهم هجری که در خاتمهٔ آنها شرح حال پدر مؤلف و خود او نیز ذکر شده^۱. وی این کتاب را در سال ۹۹۶ هـ پیش از آنکه بمکه برود تنظیم کرده و در بازگشت آن را دوباره از نظر گذرانده و پیرامن سال ۱۰۲۸ تکمیل کرده است. جهانگیر پادشاه در تزوک خود نوشته که در سال مذکور عبدالحق بحضورش رسیده و کتاب خود را که در شرح حال مشایخ هند نوشته بدو تقدیم کرده است^۲. درین کتاب شرح حال ۲۳۰ تن از مشایخ آمده است.

کتاب مهم دیگر عبدالحق ذکرالملوک فی اخبار سلاطین هند است که به تاریخ حقی نیز شهرت دارد و تاریخ عمومی پادشاهان مسلمان هندست از سلاطین دهلی ببعده در دو باب بدین شرح: باب اول پادشاهان دهلی از معزالدین محمدبن سام (م ۶۰۲ هـ) تا سال چهل و دوم از پادشاهی جلال‌الدین اکبر (۱۰۰۵ هـ). - باب دوم تمام پادشاهان دیگر هند یعنی سلاطین بنگال، جونپور، دکن (بهمنی)، نظام‌الملکی، عادلخانی، قطب‌الملکی، مندو، گجرات، تنهه، کشمیر، مولتان.

پسر عبدالحق یعنی نورالحق مؤلف زبده‌التواریخ است از معزالدین محمدبن سام تا جلوس جهانگیر (۱۰۱۴ هـ) و آن در حقیقت تحریر مفصل‌تریست از تاریخ حقی که دنبالهٔ مطلب در آن بجلوس جهانگیر کشانیده شد.

۱- فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانهٔ دیوان هند، شمارهٔ فهرست ۶۴۰؛ فهرست

نسخه‌های خطی فارسی در موزهٔ بریتانیا، ص ۳۵۵ شمارهٔ Or.221

۲- تزوک جهانگیری، چاپ علیگر، ص ۲۸۲.

۳۵- قاضی نورالله؛ قاضی ضیاءالدین نورالله بن سید شریف بن سید جمال الدین نورالله بن شمس الدین محمد شاه حسینی مرعشی^۲ شوشتری از عالمان بزرگ مذهب شیعه و از مؤلفان معروف فارسی و تازی در سده دهم و آغاز سده یازدهم هجریست. وی شعر پارسی و عربی می‌سرود و نوری تخلص می‌کرد. پدر و نیاکانش همگی شیعی مذهب بودند و او تحصیلاتش را در شوشتر نزد وحید شوشتری آغاز کرد و هم در جوانی بسال ۹۷۹ از آن شهر بمشهد رفت و تحصیلاتش را نزد عبدالواحد

۱- درباره او بنگرید به:

* ریاض العلماء و حیاض الفضل، میرزا عبدالله افندی اصمغانی، ج ۵ قم ۱۴۰۳ هـ.ق، ص

۲۶۵ - ۲۷۵.

- * امل الآمل، الحر العاملی، بغداد ۱۳۸۵ هـ.ق، ج ۲، ص ۳۳۶ - ۳۳۷.
- * روصات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۸، چاپ قم، ص ۱۵۹ - ۱۶۱.
- * فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، ع منروی، ص ۶۴۷ - ۶۵۰.
- * تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، تهران ۱۳۵۰، ص ۷۵۹ - ۷۶۶.
- * فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، ص ۳۷۷.
- * طرائق الحقایق، محمد معصوم شیرازی، تهران ۱۳۱۶ - ۱۳۱۹ هـ.ق، ج ۱، ص ۱۳۵ -

۱۳۶.

- * فهرست نسخه‌هایی خطی فارسی در دیوان هند، هرمان اته، ج ۱، ص ۳۶۱ - ۳۶۲.
- * منتخب التواریخ بدائونی، ج ۳، ص ۱۳۷ - ۱۳۸.
- * عرفات العاشقین، نقی الدین اوحدی بیانی، خطی.
- * تاریخ نظم و نثر در ایران، سعید نفیسی، ص ۳۸۰ - ۳۸۱.
- * ریاض العارفین، رضاقلیخان هدایت لله‌باشی، تهران ۱۳۱۶، ص ۴۰۶.
- * ریاض الشعراء واله داغستانی، خطی.
- * ریاض العارفین، آفتاب رای لکنوی، ج ۲، پاکستان ۱۹۸۲ میلادی، ص ۳۰۳.
- * ریحانة الادب، ج ۲، ص ۶۳۶.

۲- مرعش نسبتی است بجداعلای قاضی نورالله‌بمی به علی بن عبدالله بن محمد حسینی ملقب به

مرعش و با منسوب بشهری در شام.

شوشتری دنبال نمود و پس از دوازده سال در سال ۹۹۲ هـ بهند رفت و بوسیله حکیم ابوالفتح گیلانی بخدمت جلال‌الدین اکبر پادشاه راه یافت و آن پادشاه مقدم او را گرامی داشت و ریاست قاضیان عسکر را بدو داد، و در سال ۹۹۶ که در ملازمت اکبر بلاهور رسید، بسمت قاضی آن شهر معلوم گردید و درین سمت بتصریح معاصرش عبدالقادر بدائونی کمال درستی و سختگیری را بر مفتیان و محتسبان نادرست لاهور بخرج داد تا در سال ۱۰۱۹ بر اثر اعمال نفوذ علمای اهل سنت از سمت قضای لاهور معزول گردید و در اکبرآباد (آگره) با اجازه جهانگیر بتهمت رفض، و یا بقولی بسبب نگارش کتاب احقاق الحق در اثبات حقانیت شیعه و در رد بر کتاب ابطال الباطل روزبهان خنجی اصفهانی^۱ چند دره^۲ اخاردار بر او زدند تا در گذشت، و بقولی دیگر بعد از نوشتن احقاق الحق متعصبان اهل سنت بر او خشمگین شدند و در میان راه بر سر او ریختند و او را کشتند و بهمین سبب بد «شهید» (و بقولی شهید ثالث) معروف شده^۳، و او را در همان شهر بخاک سپردند و گورش زیارتگاهست.

وی تألیفات متعدد بعربی دارد که همگی درباره مسائل مذهبی شیعه از قبیل تفسیر و فقه و احادیث و اخبار و اصول و کلامست و در کتابهای مختلف بویژه طرائق الحقایق و ریاض العلماء و روضات الجنات فهرست آنها نقل شده است و از مشهورترین آنهاست احقاق الحق، مصائب النواصب، کشف العوار، عشرة الکامله، صوارم المهرقه در رد بر کتاب صواعق المحرقة ابن حجر هیثمی مکی.

۱- درباره او بنگرید بهمین کتاب، ج ۴، ص ۵۳۸ - ۵۴۰؛ و روزبهان ابطال الباطل را در رد بر کتاب نهج الحق علامه حلی نوشت.

۲- دره بضم اول و نشدید را، تراشهای پوست که بروی هم می‌دوختند یا می‌بافتند و محکومان را بدان سیاست می‌کردند.

۳- حاج محمد مصوم (مصومعلی) شرح مفصلی درین باره نوشته است، طرائق الحقایق، ج ۱، ص ۱۳۶، بآنجا بنگرید.

اما مهمترین اثر او چه در اثبات تشیع و ترجمه رجال بزرگ شیعه و چه در قلمرو زبان و ادب فارسی کتاب مجالس المؤمنین است که بسال ۹۹۳ تألیف آن را شروع کرد و در سال ۱۰۱۳ پایان داد^۱. این کتاب در یک «فاتحه» و دوازده «مجلس» تألیف شد. فاتحه «در تحقیق و تعریف مطلق شیعه و شیعه امامیه اثنی عشریه» است و مجلسهای دوازده گانه چنین است: (۱) در ذکر بعضی از جایها که بامامان و شیعیان اختصاص دارند؛ (۲) در ذکر طایفه‌هایی که مشهور بتشیع اند؛ (۳ و ۴) در ذکر بزرگان شیعه از صحابه و تابعان؛ (۵) در ذکر متکلمان و مفسران و محدثان و قاریان و نحویان و لغویان از میان تابعان تابعان و همچنین درباره «وکلاء ناحیه مقدسه مهدویه علیه السلام»؛ (۶) در ذکر بعضی از صوفیان که بتشیع معروف اند؛ (۷) در ذکر حکیمان و متکلمان نامبردار؛ (۸) در ذکر پادشاهان شعیه مشتمل بر یک مقدمه و شانزده جند | در مقدمه از ملوک عرب بعد از واقعه کربلا که بخونخواهی برخاستند و در جندهای شانزده گانه از آل عباس تا سادات مشعشع خوزستان سخن رفته |؛ (۹ و ۱۰) امرا و وزراء مشهور شیعه؛ (۱۱) شاعران عرب شیعه؛ (۱۲) شاعران پارسی گوی شیعه. - در همه این موردهای ذکر شده قاضی نورالله کوشیده است هر کس را خواه واقعاً شیعه و خواه بمناسبتی بسیار ضعیف منسوب بتشیع بوده است در شمار شیعیان بیاورد و بهمین سبب است که قاضی را «شیعه تراش» لقب داده‌اند. در ذکر احوال شاعران پارسی گوی شیعه بیست و دو شاعر از فردوسی تا لسانی ذکر شده‌اند.

اگر از بعضی مبالغات عقیدتی در کتاب مجالس المؤمنین بگذریم آن را یکی از کتابهای اساسی درباره تشیع اثنی عشری و عده‌یی از رجال بزرگ این مذهب می‌یابیم. نشر آن هم خوب و روان و خالی از عیب همت. این کتاب تاکنون یک بار در تبریز (بی تاریخ) و دو بار در تهران (سنگی در ۱۲۶۸ ه.ق

۱- افندی در ریاض العلماء نوشته است که قاضی مجالس المؤمنین را در ماه رجب سال ۹۹۸

آغاز کرده و در ذی القعدة سال ۱۰۱۰ (یکهزار و ده) در شهر لاهور بانجام رسانیده است.

و سربى اخیراً چاپ شده است.

قاضى نورالله شعر فارسى مى سرود و «نورى» تخلص مى کرد. تقى الدین اوحدى در شرح حالش گفته «دیوان اشعارش قریب بسه هزار بیت است، اکثر قصاید» و درباره قصیده یی که سید در بدگویی از سیدحسن غزنوی^۱ ساخته است بر او ایراد گرفته و آن را «بغایت امری شنیع» دانسته است. چند بیت ازین قصیده که در جواب قصیده معروف سیدحسن بدین مطلع:

داند جهان که قره عین پیمبرم شایسته میوه دل زهرا و حیدرم
سروده شده، چنین است:

شکر خدا که نورالهی است رهبرم وز نار شوق اوست فروزنده گوهرم
منت خدای را که نهانخانه ضمیر هست از نقوش ذات وصفاتش مصورم...
شکر خدا که چون حسن غزنوی نیم یعنی نه عاق والد ونی ننگ مادرم
بادم زبان بریده چو آن ناصبی اگر مدح مخالفان علی بر زبان برم...
رضاقلیخان هدایت این غزل را از قاضی نقل کرده است:

عشق تو نهالیست که خواری ثمر اوست من خاری از آن بادیهام کاین شجر اوست
بر مائده عشق اگر روزه گشایی هش دار که صد گونه بلا محضر اوست
وه کاین شب هجران تو بر ما چه درازست گویی که مگر صبح قیامت سحر اوست
فرهاد صفت اینهمه جان کندن نوری در کوه ملامت بهر ای کمر اوست

۳۶- عبدالفتاح فومى عبدالفتاح فومنى از مؤلفان نیمه اول سده یازدهم

هجریست که در امور دیوانی دخالت و تصرف داشت. از وی کتاب سودمندی در تاریخ گیلان باقی مانده است که در سال

۱- درباره او بنگرید بهمین کتاب، ج ۲، ص ۵۸۶ بید. قاضی بدان سبب سیدحسن را

هجر کرده است که سیدی سنی بود.

۱۲۷۴ ه. ق (۱۸۵۸ میلادی) بسعی برناردارن (B. Dorn) در سن پترزبورگ (St. Petersburg)، لنین گراد حالیه، بطبع رسید. موضوع کتاب مربوطست بحوادث بیه پیش و بیه پس گیلان از عهد شاه اسمعیل (۹۰۷ - ۹۳۰ ه) تا عهد شاه صفی (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲) که در یک مقدمه و دو فصل تنظیم شده و هر فصل شامل چند گفتار است. در گفتارهای پیاپی این کتاب جریان ضعف و انکسار روزافزون حاکمان و والیان دو ناحیه بیه پس و بیه پیش گیلان و استیصال ملوک مازندران و تسخیر این نواحی بدست قوای دولت صفوی و تعیین ساروخان طالش حاکم آستارا از جانب شاه صفی برای حکومت کل گیلانات ذکر شده است.

تاریخ گیلان، بغیر از چاپ نخستین که بدان اشاره کرده ام، یکبار دیگر، بسال ۱۳۴۹ ش در تهران بطبع رسیده است.

۳۷- محمد قاسم فرشته^۱ محمد قاسم هندوشاه بن مولانا غلامعلی هندوشاه استرآبادی معروف به «فرشته» در استرآباد بسال ۹۶۰ هجری ولادت یافت و پس از رشد، در اوایل جوانی، به همراه پدر رهسپار هند شد و در احمدنگر پایتخت مرتضی نظامشاه (۹۷۲ - ۹۹۶ ه) مستقر گردید. غلامعلی هندوشاه مربی فرزند نظامشاه یعنی میران حسین شد و این میران حسین بعد از پدر از ۹۹۶ تا ۹۹۷ حکومت کرد. فرشته نیز در دربار نظامشاه وارد گردید و تا بمقام ریاست نگهبانان سلطنتی ارتقاء جست ولی چنانکه در

۱- درباره او بنگرید به:

- تاریخ گلشن ابراهیمی از خود محمد قاسم فرشته و دیباچه آن.
- فهرست نسخه های فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، ریو، ص ۲۲۵ - ۲۲۶.
- فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، بلوژ، ج ۱، ص ۳۲۶.
- تاریخ تذکره های فارسی، ج ۲، ص ۷۳۲ - ۷۳۳.
- مقالات و تحقیقاتی درباره او که در متن بدانها اشاره شده است.
- تذکره روز روشن، چاپ تهران ۱۳۴۳، ص ۶۱۷.

مقدمه کتاب خود گفته در سال ۹۹۸ از احمدنگر خارج شد و بدربار بیجاپور نزد عادلشاهیان رفت و از طرف سلطان ابراهیم ثانی عادلشاه (۹۸۷ - ۱۰۳۵) مأمور تألیف تاریخی درباره سلاطین هند گردید و آن را با استفاده از کتابهای متعددی که پیش از وی تدوین شده بود در سال ۱۰۱۵ بپایان رسانید و با اسم سلطان ابراهیم مذکور گلشن ابراهیمی نامید و در همین سال از جانب عادلشاه بسفارت نزد جهانگیر پادشاه (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ هـ) بلاهور رفت و مدتی در آنجا ماند و درین فرصت مقداری مطالب تا حوادث ۱۰۳۳ هـ بر کتاب خود افزود. تاریخ مرگ فرشته معلوم نیست و او غیر از تاریخ مذکور یک اثر پزشکی بنام دستورالاطبا نیز دارد.

گلشن ابراهیمی با تاریخ فرشته در ردیف اول کتابهاییست که بتاریخ عمومی هند ارتباط دارد، و مورد استفاده تمام مؤلفانیست که بعد از آن خواستماند تاریخ هند را بنویسند و بهمین سبب هم چند بار بطبع رسیده است و بهترین و قدیمترین چاپ آن بسال ۱۲۴۷ هـ ق در بمبئی و پونا تحت نظر میر خیرات علی خان مشتاق اگریبی از روی متنی که مازور ژنرال John Briggs فراهم آورده بود، در دو مجلد بزرگ بقطع رحلی و بچاپ سنگی انجام گرفت؛ و چاپ دوم سنگی در انتشارات منشی نول کیشور، لکهنو بسال ۱۲۸۱ هـ ق صورت پذیرفت که بمنزله تجدید طبع نخستین است و چاپ دیگری هم در لکهنو بسال ۱۳۲۱ هـ ق از آن شد.

قسمتهای مختلفی ازین کتاب را بانگلیسی ترجمه و جداگانه چاپ کردند، و شرح حال فرشته را ژول مول (J. Mohl) در Journal des Savants (سال ۱۸۴۰ میلادی صفحه‌های ۲۱۲ - ۲۲۶ و ۳۵۴ - ۳۷۲ و ۳۹۲ - ۴۰۳) انتشار داد.

محمد قاسم فرشته کتاب خود را دوبار نامگذاری کرد. بار اول آن را بنام ابراهیم عادلشاه گلشن ابراهیمی نامید و بسال ۱۰۱۵ تمام کرد؛ و بار دوم آن را نوری نامید و مقدمه‌یی که مربوط باین نامگذاری ثانویست مورخ است بتاریخ ۱۰۱۸ هـ | مثل نسخه شماره Add.6572 کتابخانه موزه بریتانیا | ولی

عاقبت حق بحقدار رسید و کتاب در عرف مورخان و محققان به «تاریخ فرشته» شهرت یافت.

کتاب در یک مقدمه و دوازده مقاله و خاتمه تدوین شده است بدین شرح: مقاله اول سلاطین لاهور یا غزنویان (۲) سلاطین دهلی (۳) سلاطین دکن در شش روضه | پادشاهان گلبرگه یا بهمنیان - پادشاهان بیجاپور یا عادلشاهیان - پادشاهان احمدنگر یا نظامشاهیان - پادشاهان گلکنده یا قطبشاهیان - پادشاهان برار یا عمادشاهیان - پادشاهان بیدر (بیدار) یا بریدیان | (۴) سلاطین گجرات (۵) حکمرانان مالوه و مندو (۶) سلاطین فاروقی برهانپور (۷) سلاطین بنگال و جونپور (۸) حکمرانان تته و مولتان (۹) در ذکر شاهان سند (۱۰) شاهان کشمیر (۱۱) فرمانروایان مالابار (۱۲) در ذکر حالات مشایخ هند. - خاتمه در ذکر کیفیت هندوستان و رایان محلی^۱.

در این کتاب احوال مشایخ تصوف و عده قابل توجهی از شاعران از عصر غزنویان تا زمان تألیف آمده که بسیار قابل استفاده است. و این کتاب بسبب استقصای مؤلف حاوی اطلاعات وسیع موثق در تاریخ هند است و بهمین سبب بعد از تألیف همواره مورد توجه بوده و هست و کتاب لبالتواریخ هند تألیف رای بیندرابان^۲ از درباریان عهد شاهجهان و اورنگ زیب بر مبنای همین کتاب نوشته شده است یعنی بیندرابان از آن تلخیصی ترتیب داده و از مأخذهای دیگر مطلبهایی بر آن افزوده و دنباله مطلبها را تا یک قرن بعد از تاریخ فرشته تا بسال ۱۱۰۱ پیش آورده است^۳.

۱- شرح اجزاء کتاب نقل بلفظ نیست.

۲- Rai Bindrabun

۳- فهرست ریو، ص ۲۲۸ - ۲۲۹: فهرست بلوچه، ج ۱ ص ۳۲۸.

۳۸- خواجه نعمةالله هروی^۱ خواجه نعمةالله بن حبيب الله هروی از متصدیان امور دیوانی در عهد جهانگیر پادشاه بود. پدرش خواجه حبيب الله بنا بر تصریح پسرش سی و پنج سال آخر عمر خود را در خدمت جلال الدین اکبر بسر برد و در دیوان خالصه کار می کرد و خود او یازده سال متصدی شغل واقعه نویسی و بعضی خدمات دیگر دیوانی در دوران پادشاهی جهانگیر بود و این دوره بسال ۱۰۱۷ ختم شد و از آن پس خواجه نعمةالله بخدمت پیر محمد خانجهان اشتغال جست. پیر محمد پسر دولتخان لودی بود که در دومین سال پادشاهی جهانگیر یعنی در سال ۱۰۱۶ خطاب خانجهان یافت و بسرعت ببالا ترین مقامات فرماندهی سپاه رسید تا آنکه بسال ۱۰۴۰ ه در گذشت. خواجه نعمةالله در سال ۱۰۱۸ که خانجهان بجنگ دکن می رفت همراه او بود و در همین سفر با «میان هیبت خان بن سلیم خان کاگر» اهل سامانه، که او نیز در خدمت خانجهان و از صاحب منصبان او بود، آشنایی و رفاقت یافت، و بتشویق او بتألیف کتابی در تاریخ افغانان همت گماشت و آن را بسال ۱۰۲۰ ه بنام خانجهان شروع کرد و در دهم ذوالحجه سال ۱۰۲۱ بپایان رسانید. این کتاب موسومست به مخزن افغانی یا تاریخ خانجهانی یا تاریخ خانجهانی مخزن افغانی.

در این کتاب بقبایل افغان ریشه و منشاء سامی داده و ادعا شده است که بعد از فتح اورشلیم قوم اسرائیل بکوهستانهای غور و کوه سلیمان مهاجرت نموده اند. کتاب یک مقدمه و هفت باب و خاتمه دارد بدین شرح: مقدمه در سرگذشت مهتر یعقوب جد قبایل افغان. باب اول تاریخ یهود تا غلبه بخت النصر و کوچ کردن قبایل مذکور بکوهستانهای افغانستان. باب دوم سرگذشت خالد بن ولید. باب سوم سرگذشت سلسله شاهان لودی، سلطان

۱- درباره او بنگرید به:

• فهرست نسخ فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، ریو، ص ۲۱۰ - ۲۱۲.
• فهرست نسخ فارسی کتابخانه ملی پاریس، ج ۱، ص ۳۱۲ - ۳۱۳.

بهلول لودی و جانشینانش تا باآخر پادشاهی سلطان ابراهیم بن سکندر بن بهلول و وفات او در ۹۳۰ ه. باب چهارم در پادشاهی شیر شاه افغان و جانشینانش. باب پنجم سرگذشت خانجهان لودی که موضوع اصلی این کتابست. باب ششم نسبنامه افغانان. باب هفتم در تاریخ سلطنت جهانگیر پادشاه. خاتمه در شرح حال مشایخ تصوف افغان. خلاصه‌یی از این کتاب را برنارد دارن بانگلیسی ترجمه و در لندن طبع کرده است (۱۸۲۹ - ۱۸۳۶ میلادی).

میر تقی‌الدین محمد بن شرف‌الدین علی حسینی کاشانی
۳۹- میر تقی‌الدین ذکری^۱ متخلص بذکری و معروف به «میر تذکره» از

مؤلفان پرکار عهد صفوی و از شاعران آن دوراست. ولادتش پیرامون سال ۹۴۶ ه در کاشان اتفاق افتاد و او در همان شهر برآمد و از جمله در محضر محتشم کاشانی شاگردی کرد و سپس به تتبع دیوانها و جمع آوری شرح حال شاعران پیش از خود و معاصر خویش پرداخت و مشروح‌ترین تذکره شاعران فارسی را که موسومست به خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار ترتیب داد و چنانکه از گفتار معاصر او تقی‌الدین اوحدی بلیانی صاحب عرفات‌العاشقین برمی‌آید مقارن تألیف عرفات (۱۰۲۲ - ۱۰۲۴ ه) بدرود حیات گفت و چند اثر از خود

۱- در تمام این گفتار نظر بر تحقیق جامعی است که آقای احمد گلجین معانی در کتاب تاریخ تذکره‌های فارسی (ج ۱، تهران ۱۳۴۸، ص ۵۲۴ - ۵۵۶)، و نیز درباره خلاصه‌الاشعار علی‌نقی کمره‌یی، (همان جلد، ص ۵۵۶ - ۵۶۳) نوشته است. برای اطلاع از محتوای جزء بجزء کتاب خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار مخصوصاً بنگرید بماخذ مذکور ص ۵۲۴ - ۵۳۸.

در فهرستهای نسخ فارسی کتابخانه‌های خارج مانند فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه بریتانیا و فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس و کتابخانه‌های هند و پاکستان و جز آنها هم توضیحانی درباره تذکره میر تقی‌الدین آمده است. - و نیز بنگرید بتاریخ نظم و نثر در ایران که در آن مرحوم استاد نفیسی مدعیست که تقی‌الدین پس از چند سفر در ایران بهند رفته و همانجا بوده و کتاب خود را در آنجا تألیف نموده است.

بیادگار گذارد:

۱) خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار: این کتاب بزرگترین و سودمندترین تذکره‌یست که در عهد صفویان ترتیب یافت. ذکرى تألیف این کتاب را بسال ۹۷۵ هـ در دوران پادشاهی شاه‌تھماسب و بنام او آغاز کرد و کار خود را درباره آن تا حدود سال ۱۰۱۶ ادامه داد و برای کسب اطلاعاتی درباره شاعران بعضی نواحی بدانجاها سفر کرد و چون محل اقامتش در زادگاهش کاشان می‌بود بذکر شاعران آن شهر و نواحی آن توجه بیشتری نمود. - خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار هم از حیث شماره شاعران مذکور در آن و هم از جهت منتخبات فراوانی که از دیوانهای استادان متقدم در آن شده نظیر ندارد و تنها عیب آن در اینست که میر تقی‌الدین بسبب آنکه با نوع مثنوی میانه خوبی نداشت از نقل آنها جز در یکی دو مورد خودداری نمود.

این کتاب عظیم بیک مقدمه و چهار فصل و چهار رکن و یک خاتمه تقسیم و در آنها مجموعاً از ۶۵۱ شاعر متقدم و متأخر یاد شده است. در مقدمه کتاب از سبب جمع کردن اشعار و انتخاب از دیوانهای شاعران سخن رفته و در فصلهای چهارگانه از «حقیقت صفات و حالات عشق» و در ارکان اربعه از حالات شاعران بزرگ از عنصری تا غزالی مشهدی سخن بیان آمده و باگشاده‌دستی کم سابقه‌ی شعر بسیار از آنان انتخاب گردیده است. خاتمه خلاصه‌الاشعار مشتمل است بر ذکر شاعران عصر و زمان تألیف خلاصه‌الاشعار در دوازده اصل و هر اصل در دو فصل که در آغاز آن کتاب بشاه عباس بزرگ تقدیم گردیده است. مؤلف درباره شاعران متقدم اصراری داشت که برای هر یک عشقی بترشد و داستانی در آن زمینه بیاورد.

علی‌نقی کمره‌یی متخلص به نقی^۱ (م ۱۰۲۹ یا ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱) از بخش متقدمین خلاصه‌الاشعار منتخبی ترتیب داد که بنا بر نقل تقی‌الدین اوحدی در عرفات مایه رنجش تقی‌الدین کاشی شده اما تقی اوحدی ازین علی‌نقی کمره‌یی در

تذکره خود بنیکی بسیار باد می کند و بعید نیست که «نقی» با اجازه ذکر بدین انتخاب دست زده باشد.

از اجزاء مختلف خلاصه اشعار و زبدة الافکار نسخه های متعدد کامل و ناقص در کتابخانه های ایران و خارج موجودست و امیدست که روزی، صاحب نظری بقدم همت پیش آید و این اثر گرانبها را بیک جای گرد آورد و بطبع آن پردازد.

۲) مجمع القصائد مشتمل بر قصیده هایی که تقی الدین از متقدمان برای تذکره خود انتخاب کرده بود، ظاهراً در پنج جلد.

۳) تدوین دیوان محتشم کاشانی که بنا بر وصیت شاعر با افزودن مقدمه ای بدست میر تقی انجام شد.

۴) مآثر الخضریه در شرح حال و ذکر بناها و اثرهایی که آقا خضرای نهاوندی در زمان حکومت کاشان در آن سامان پدید آورد.

میر تقی شعر می گفت و ذکر می تخلص می کرد. این غزل استادانه را تقی اوحدی بلیانی از او در تذکره عرفات آورده است:

کدام ماه بطلمت چو ماه من باشد	که حسن شاهد من شمع انجمن باشد
شهید عشق ترا نیست بیمی از محشر	خوشا تنی که بزخم تو در کفن باشد
سهیل خرمن جامست برق خرمن غم	من آن سهیل نخواهم که دریمن باشد
خرد میان ترا موی دید و رفت بفکر	گمان مردم جاهل خلاف ظن باشد
حدیث محنت هجران من چو بنویسند	فراقنامه مجنون و کوهکن باشد
کسی که فاش کند راز عشق نیست محب	گرش چو مار همه خاک در دهن باشد
خوشست جان که نثار قدم دوست شود	کسی کجا برد آن جان که در بدن باشد
بمن یقین شده باری که بعد مردن هم	زمین خانه من قبله سخن باشد
مکن برابر هر نظم شعر ذکر می را	کسی نگفته پری مثل اهرمن باشد

۴۰- حسن بیگ خاکی^۱ اوایل سده یازدهم هجریست. جد سوم او حسن بیگ بن محمد بیگ خاکی شیرازی از مورخان شمس الدین عبدالله خاکی شیرازی از خدمتگزاران سلسله آق قویونلو بود و بسال ۹۰۲ در تبریز وفات یافت. خود او در عهد اکبر بهند رفت و در ۱۰۰۷ هجری منصب بخشی گجرات باو تفویض شد و او همچنان در خدمت تیموریان هند بود تا دور سلطنت بجهانگیر رسید و این بار ریاست دیوان پتنا را بدو دادند و او درین مقام بود تا سرانجام در ماه صفر سال ۱۰۲۲ هجری در آن شهر وفات یافت.

وی مؤلف کتابیست بنام احسن التواریخ که گاه باشتباه منتخب التواریخ نیز نامیده شده است و تاریخیست عمومی از آغاز تا سال ۱۰۲۱ ه که تألیف آن در عهد سلطنت جلال الدین اکبر آغاز شد و بعهد جهانگیر پادشاه یکبار در بیستم رجب سال ۱۰۱۹ بپایان رسید و باز مطلبهایی بر آن افزوده شد چنانکه دومین نوبت اتمام آن بسال ۱۰۲۱ ه کشید.

نیازی بیاد آوری این مطلب نداریم که این احسن التواریخ غیر از کتاب همنام دیگر است تألیف حسن بیگ روملو که ذیل شماره ۲۳ پارسی نویسان عهد بدان اشاره کرده ام.

قسمتهای بزرگی از احسن التواریخ خاکی مقتبس است از «نسخ جهان آرا» ولی با آن از بسی جهات تفاوت دارد و در مقام و مرتبه خود یکی از تواریخ عمومی قابل توجه است. مؤلف مطلبهای خود را با تاریخ انبیا و پادشاهان قدیم آغاز کرده و آنگاه پرداخته است بیان سرگذشت پیامبر اسلام و خلیفگان و سلسلههای سلاطین عهد عباسی تا حمله مغول شامل سلسلههای بزرگ و کوچک ایران و آسیای صغیر و مصر و سوریه و یمن و ترکستان. -

۱- بنگرید به: فهرست نسخه‌های فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، ریو، ص ۸۸۶ - ۸۸۷ و

به تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ص ۳۵۷ - ۳۵۸.

سلسله‌های پادشاهان چنگیزی و اولاد و اعقابش در مغولستان و اولوسهای مختلف امپراطوری مغول و هروسپ شاهان (ملوک الطوائف) ایران بعد از انقراض ایلخانان. - تواریخ محلی در دوازده فرقه از پادشاهان مازندران و گیلان و خوزستان و لار و هرمز و شیروان و قرامان و ذوالقدر و قراقویونلو و آق قویونلو. - سلسله‌های محلی هند و عثمانیان و تیموریان ایران و هند تا جهانگیر. - صفویان تا رویدادهای ۹۹۸ هجری^۱.

۴۱- ظهوری ترشیزی^۲ از پیشوایان نویسندگان نثرهای ادبی در عهد مورد مطالعه ما ظهوری ترشیزی شاعر مشهورست که پنج قسمت از نوشته‌های خود معروفست و آنها عبارتند از: ۱) دیباچه نوس، و نوس نام رساله‌یست که ابراهیم ثانی عادلشاه (۹۸۷ - ۱۰۳۵ ه) درباره موسیقی هندی نوشته؛ ۲) گلزار ابراهیم در ستایش ابراهیم عادلشاه مذکور که ظهوری با همکاری ملک قمی فراهم آورد؛ ۳) خوان خلیل که آن هم به همکاری ملک قمی در ستایش ابراهیم عادلشاه نوشته شده است؛ ۴) مینا بازار در وصف بازاری که عادلشاه در پایتخت خود بیجاپور ساخته بود؛ ۵) رقعات یا «پنج رقعه» ظهوری که به «بسم شهدا» نیز مشهورست و این نام اخیر را بمناسبت نخستین کلام مجموعه یعنی «شهید تبسم دیت عشوه خون بها» بدان داده‌اند. این نثرها بسرعت و گویا از همان عهد نویسنده مورد توجه پارسی‌نویسان هند و سرمشق کارشان قرار گرفت و بهمین سبب بارها و بارها طبع شد خاصه سه نثر نخستین که به «سه نثر ظهوری» معروفست.

نخستین چاپهای این نثرها عبارتند از: سه نثر ظهوری لکهنو ۱۸۴۶

۱- فهرست موضوعی این کتاب را بتفصیل در فهرست ریو، ج ۳، ص ۸۸۶ - ۸۸۷

می‌توان خواند.

۲- درباره او بنگرید بهمی جلد، ص ۹۷۷ - ۹۸۸.

میلادی، و کانپور ۱۲۶۹ ه.ق و ۱۸۷۳ میلادی. - مینابازار دهلی ۱۲۶۵ ه.ق، همراه با شرح، لکهنو ۱۲۸۲ ه.ق. - پنج رقعہ با شرح کانپور ۱۲۸۰ ه.ق و آن را در بعضی چاپهای پاکستان و هند بارادت خان واضع (م ۱۱۲۸ ه) نسبت داده‌اند.^۱

برای آنکه نمونه‌یی از نظر ناقدان سخن هند را درباره نثر ظهوری ارائه کرده باشم بنقل عبارت صمصام الدوله شاهنواز خان درینجا مبادرت می‌کنم. این عبارت صمصام الدوله در مقام مقایسه طغرای مشهدی با ظهوری نوشته شده است: «... و فی الحقیقه ملاظهوری استاد مسلم الثبوت است که در فن انشاء بخوش الفاظی و بلند معانی و بی‌پردگی کلمات و استخوان‌بندی حروف اعجاز موسوی ظاهر ساخته...»^۲. ناقدان سخن مجموعه «شب‌نم شاداب» را از ظهیرای تفرشی (سده یازدهم هجری) متأثر از شیوه نگارش ظهوری می‌دانند.^۳

دولت‌خان گوالیاری متخلص به «طرزی» از شاعران
 ۴۲- طرزی
 و مؤلفان سده یازدهم هجری بود. مولوی
 محمد مظفر حسین صبا درباره او نوشته است «طرزی، دولت خان گوالیاری در

۱- درباره این نثرها و نسخه‌های آنها و اطلاعات دیگر گذشته از آنچه در متن آمده بمراجع زیرین هم بنگرید:

* فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس، بلوژ، ج ۳، ص ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴.

* ترجمه تاریخ ادبیات فارسی، هرمان انه، ص ۲۴۱.

* فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۲، ص ۲۸۲.

* فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، ص ۷۴۱ - ۷۴۲.

۲- بهارستان سخن، ص ۵۰۴.

۳- نسخه موجود در کتابخانه موزه ملی پاکستان (فهرست، ص ۴۱۶).

نظم پرداززی و نثر طرازی سرآمد اقران بود و کتاب معدن الجواهر حسب الارشاد شاهجهان پادشاه تصنیف نموده [ازوست]:

الهی این چنین عشق و محبت نصیب طرزی خونین جگر کن
 ز اسباب محبت نیست آگاه ازین رمز نهران او را خبر کن^۱

اما باید دانست که کتاب معدن الجواهر او با اسم شاهجهان یا بدستور او نوشته نشده و طرزی آن را چنانکه خواهیم دید با اسم جهانگیر پادشاه تألیف نموده و هم در عهد او بانجام رسانیده است. این کتاب مجموعه حکایات و قصص نادر است که دارای فواید اخلاقی هستند و از آن دو تحریر داریم که یکی در هفده بابست و دیگری در بیست و دو باب و بخشی در پایان بنام اختتام، و از هر دو تحریر نسخه‌هایی در دستست. من نسخه کتابخانه ملی پاریس را بشماره 903 Supp. که از نوع تحریر نخستین است دیده و خوانده‌ام^۲. مؤلف در خاتمه کتاب گفته است: «بار خدا با چون طرزی مسکین از کردار و گفتار سراپا ندانست، او را رسوای قیامت مساز...» و یکبار دیگر هم آنجا که ابیاتی بیحر متقارب در ستایش جهانگیر پادشاه آورده این بیت را دارد:

ثنای جهانگیر گیتی ستان چگونه کند طرزی بی زبان

پس نخلص طرازنده این دفتر طرزی بفتح اول و سکون ثانیست نه «طرازی» (از طراز ترکستان) چنانکه بلوشه گفته است^۳؛ و در ترجمه تاریخ ادبیات فارسی دکتر آبه هم این اسم ظاهراً باشتباه «ملاترزی» نقل شده است^۴. طرزی معدن الجواهر را بنام جهانگیر پادشاه نوشته و بسال ۱۰۲۴ هـ پایان رسانده و تاریخ آن را دوبار آورده است، بدین گونه:

بنام جهانگیر اقلیم بخش شهنشاه جمجاه گردون محل

۱- روز روشن، ص ۵۰۱.

۲- این نسخه در ج ۴ فهرست بلوشه، ص ۶۰ - ۶۱ معرفی شده است.

۳- ایضاً همان صفحات.

۴- ص ۲۳۶ سطر پنجم.

شده جلوه گر چون عروس این کتاب
پی سال اتمام تاریخ گفت

(= ۱۰۲۴)

صد شکر کاین کتاب مرتب شد و تمام
چون کرده ام بنام جهانگیر از آن شده

(= ۱۰۲۴)

این کتاب همچنانکه گفته ام مجموعه بیست از قصص و حکایات اخلاقی و چنانکه دیده اید دو تحریر از آن وجود دارد، تحریر نخستین هفده باب دارد و از آن نسخه هایی در کتابخانه ملی پاریس و بودلثان و غیره موجود است؛ و تحریر دیگر در بیست و دو بابست و یک بخش پایانی بنام «اختتام»، که نسخه آن در کتابخانه دیوان هند بشماره ۷۹۳ فهرست (ج ۱ س ۵۲۲ - ۵۲۳) نگهداری می شود^۱.

ملا طرزی درباره این حکایتها که پراکنده و پربشان بودند گوید که «بر محل خویش بنوک خامه سحر ساز و کلک جادو طراز آرایش دادم و این کواکب رخشنده که چون انجم بنات النعش متفرق و از هم جدا بودند، در رنگ اختران پروین فراهم آورده جلابخش دیده اختر شناسان روشن قیاس و مهندسان دقیقه شناس ساختم، و این گلهای دانش را که در چمنزار فضل و افضال شکفته اند^۲ بر چیده گلدسته رنگین آراسته در نظر نخلبندان گلزار^۳ معانی ارمغانی کشیدم و این مجموعه حکایات نادر را معدن الجواهر نام نهادم.»

طرزی در آغاز هر حکایتی لحنی و بیانی خاص دارد و آنها را بدین شیوه های گوناگون شروع می کند:

۱- دو نسخه دیگر از همین کتاب در آن کتابخانه وجود دارد. بشماره های فهرست ۷۹۴ و

۲- در اصل: گلهای دانش را در چمنزار فضل و افضال که شکفته اند.

۳- در اصل گلدار.

«جادو نفسان نکته طراز و داستان سرایان سحرپرداز بقلم گوهر بار بر صحیفه روزگار چنین نگاشته‌اند...»

«مدهوشان راق عشق و محبت و دردنوشان خمخانه حقیقت و معرفت بگزارش این حکایت پر کیفیت بدینگونه مستمعان را سرمست ساخته‌اند که...»
گاهی ازین گونه تمهیدات در سرآغاز داستانها صرف نظر می‌کند و بسادگی می‌گوید: «در نامه‌های باستانی دیدم در ولایت گیلان فرمانروایی بود بمعدلت و سخاوت آراسته».

حکایتهای کتاب مختلف و متنوعست و همه آنها بنام شاه جهانگیر غازی و بدعای او ختم می‌شود. مؤلف از خود باعنوان جامع حکایات یاد می‌کند و همین خود دلیلی است بر آنکه او واضع داستانها نبود و آنها را از مأخذهایی که در دسترس داشت فراهم آورد. عنوانهای اخلاقی که این حکایتهای در ذیل آنها نقل شده در دو تحریر مذکور ازین کتاب تفاوتهایی دارد و من در اینجا بذکر عنوانهای بیست و دو گانه بابهای نسخه دیوان هند (شماره فهرست ۷۹۳) اکتفا می‌کنم که البته همه آنها جنبه اخلاقی دارند و حکایتهایی که در ذیل هر یک از آنها نقل شده متناسب با همان برداشتهای اخلاقی هستند:

باب (۱) در بیان درجه شهادت، (۲) در عشق و محبت، (۳) در جود و سخاوت، (۴) در فضیلت توکل و قناعت، (۵) در فضیلت اکل حلال و صدق مقال، (۶) در بیان بخشایش الهی، (۷) در بیان استغناء ایزدی، (۸) در وفا و حقیقت و نتیجه آن، (۹) در بی‌وفایی و بی‌حقیقتی و ثمره آن، (۱۰) در پاداش نهمت و افتراء، (۱۱) در بیان آنکه طینت آدمیزاد بآب غم سرشته، (۱۲) در فضیلت دیانت و امانت، (۱۳) در نتیجه بی‌دیانتی و کفران نعمت، (۱۴) در معدلت و انصاف، (۱۵) در نتایج بت پرستی و دغابازی، (۱۶) در نتیجه اندیشه تباه درباره مردم بی‌گناه، (۱۷) در بیان گوش کردن اندرز خیر سگالان صواب اندیشه، (۱۸) در بیان احوال سحاره شناسان، (۱۹) در بیان حقیقت سرود و سماع، (۲۰) در بیان شگفتیهای تقدیر، (۲۱) در مذمت فقر اضطراری، (۲۲) در

نگارش تلبیس زمان مکاره بد کاره. - اختتام در بیان احوال خویش و نیاکان رفیع الشان.

شایسته یاد آور است که در روی ورق اول تحریر هفده بابی کتابخانه ملی پاریس کسی پیرولی نامی را مؤلف این مجموعه معرفی کرده و بلوشه (فهرست، ج ۴، ص ۶۱) نوشته است که شاید او «پیرولی طرازی» باشد. تصور می‌رود این هر دو اشتباه نتیجه عدم اطلاع از حال دولتخان گوالیاری متخلص بطرزی بوده باشد.

۴۳- ملک شاه حسین
 محمود سیستانی از بازماندگان سلسله صفاری
 سیستانی

است که بسال ۹۷۸ هجری ولادت یافت و از جوانی باز یکسب دانشها پرداخت و علوم ادبی و عقلی و نقلی زمان را آموخت و سفرهایی کرد و اثرهایی بنظم و نثر فراهم آورد که کتاب احیاء الملوک و تذکره خیرالبیان مهمترین آنها هستند.

کتاب احیاء الملوک اثر قابل توجهیست در تاریخ سیستان که بیشتر آن

۱- درباره او بنگرید به:

• شرح مفصل چارلز ریو زیر عنوان احیاء الملوک در ضمیمه فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، ص ۶۶، و نیز زیر عنوان خیرالبیان، ایضاً ضمیمه فهرست ریو، ص ۷۶ - ۷۸.

• مقدمه احیاء الملوک بتصحیح آقای دکتر منوچهر ستوده، تهران ۱۳۴۴.

• تاریخ تذکره‌های فارسی، آقای احمد گلچین معانی، ج ۱، تهران ۱۳۴۸، ص ۶۰۵ - ۶۰۹.

• خلاصه الاشعار و زید قالاتکار نقی الدین کاشی منقول در صحایف باد شده از تاریخ تذکره‌های فارسی.

• عرفات الماشقین نقی اوحدی بلیانی منقول ایضاً در صفحه‌های نامبرده از تاریخ تذکره‌های فارسی.

در سال ۱۰۲۷ هـ و باقی در سال ۱۰۲۸ هـ نوشته شده و آخرین تاریخ مذکور در آن ۲۵ شوال سال اخیرست که مؤلف در اصفهان در جزو ملازمان شاه عباس بسر می‌برد. کتاب احیاء الملوک در مقدمه و سه فصل و خاتمه تألیف گردیده است. مقدمه: در بیان آنکه بانی بلده سیستان و بادی آبادی آن مملکت کیست، و اسامی اهل فضل و دانش و راویان حدیث و اخبار و شعرای نامدار و خصوصیات ولایت نيمروز از عجایب و غرایب و ذکر اسامی آن بلده و وجه تسمیه هر اسم و حاصل آن ملک و ذکر نسب ملوک ولایت مذکور). فصل اول ذکر پادشاهان سیستان از گرشاسف تا دوران اسلامی و امرای عرب. فصل دوم در بیان حال اولاد کسری که بعد از استیلای مسلمانان بسیستان رفته آنجا ماندند تا یعقوب بن لیث و خلف بن احمد تا زمان تاج الدین ابوالفضل که اول کسی است که لقب ملکی یافت و تا زمان ملک قطب الدین محمد نالت که بفرمان تیمور بسال ۸۰۵ جانشین پدر خود شاهشاهان شاه علی در حکومت سیستان گردید و در عهد شاهرخ بن تیمور نیز حیات و حکومت داشت. فصل سوم: از عهد ملک قطب الدین مذکور تا زمان تألیف کتاب. خاتمه در شرح حوادث مربوط بزندگان مؤلف و سفرهای او و معرفی شهرهایی که در آنها توقف نموده و مشاهدی که زیارت کرده و جنگهایی که در آنها شرکت داشته است.

ملک شاه حسین در تألیف احیاء الملوک از چند کتاب دیگر درباره تاریخ سیستان استفاده کرده و از تاریخ قدیم سیستان که مؤلف آن را نمی‌شناسیم و طبع و نشر آن را مدیون مرحوم ملک الشعراء بهاریم، نیز استفاده بسیار برده است. احیاء الملوک بسال ۱۳۲۴ شمسی بتصحیح آقای دکتر منوچهر ستوده در شمار انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب از روی نسخه منحصر موجود در کتابخانه موزه بریتانیا بشماره (Or.2779) طبع شده است.

و اما خیرالبیان تذکره بیست عمومی که ملک شاه حسین از اواخر سال ۱۰۱۷ بتألیف آن دست زد و کار خود را در سال ۱۰۱۹ در هرات باتمام

رساند و بعدها در سال ۱۰۳۵ هـ تجدید نظری در آن کرد و این تحریر را در ۱۰۳۶ هـ باافزایش مطالبی بر آن بپایان رسانیده و بشاهعباس صفوی تقدیم داشته است. کتاب مشتمل است بر مقدمه و دو فصل و خاتمه و ختم خاتمه. در مقدمه سرگذشت مجمد (ص) و دوازده امام شیعه و سلطنت سلسله صفوی تا بسال ۱۰۳۳ هـ شرح داده شده است. - فصل اول در ذکر شعرای قدیم بنظم تاریخی و منتخبی از شعرهایشان که از تذکرهالشعراى دولتشاه سمرقندی و بهارستان جامی استفاده کرده و بیتهایی بر آنها افزوده است. - فصل دوم در شرح حال شاعران متأخر در چهار «اصل». اصل اول در ذکر شاعران معاصر سلطان حسین بایقرا و شاه اسمعیل اول. اصل دوم شاعران معاصر شاه تهماسب از جلوس او تا میانه سلطنتش. اصل سوم از میانه دوره شاه تهماسب تا عهد شاهعباس. اصل چهارم درباره شاعرانی که از دوره ولادت شاهعباس تا زمان تألیف کتاب زیستهاند. - خاتمه درباره شاهان و امیرانی که شعر سرودهاند از طغرل شاه سلجوقی، سلطان سنجر، علاءالدین تکش، طغانشاه، سلطان حسین بایقرا، شیبک خان اوزبک، عبدالله خان اوزبک، مرشدقلی سلطان جلایر. - ختم خاتمه درباره بعضی از علما و چند حدیث حاکی از تقوی و مکارم اخلاق.

ملک شاه حسین در مقدمه خیرالبیان، چنانکه در خاتمه احوال الملوک، ببعضی از احوال خود اشاراتی دارد. در آن مقدمه گفته است که در جنگهای شاهعباس در خراسان بسال ۱۰۰۸ هـ و در دیگر نبردهایش ملازم رکاب بوده است.

میر تقیالدین کاشی اشارهیی باحوال او در خلاصهالشعار دارد و در آن از سفرش بقزوین در عهد شاه اسمعیل ثانی برای اظهار مذهب خود (تسنن) و نیز از مسافرتش بهند و رسیدن بخدمت اکبر پادشاه سخن می‌راند. تقی اوحدی بلیانی درباره او در عرفات نوشته است: «مفخر الامجاد، بقية الاکابر، زبدة الزمان ملک شاه حسین غیاث سیستانی بغایت عالی مرتبت. بلند فطنت، کامل

طبیعت، خوش فهم، دانا، بجمیع امور تواناست. بوکالت ملک جلال‌الدین^۱ ملک نیمروز بکرات قیام می‌نمود و درین ازمنه مرخص شده بزیارت بیت‌الله مشرف شده مراجعت نمود. الحق باقسام سخن قادرست و بهمه روشی استاد، حین مرور سیستان بصحبت وی رسیدم، الحق از مستعدان زمانست و وی تتبع تحفة‌المراقین^۲ کرده و تذکره‌الشعرانی نیز می‌نوشت...»^۳.

۴۴- میرحیدر حسینی

میرحیدربن علی حسینی رازی از مؤلفان نیمه اول سده یازدهم هجریست. وی کتاب مجمع‌التواریخ را بسال ۱۰۲۸ تألیف نمود و آن تألیفی نامنظم است از تاریخ ایران و سلاجقه آسیای صغیر و خانان قریم (کریمه) و عثمانیان و شاهان مسلمان هند^۴. مؤلف در آغاز کتاب بسی و پنج سالگی خود اشاره کرده و گفته است که از بدایت حال تا آن وقت که سال ۱۰۲۸ بود اکثر اوقات را بمطالعه تواریخ صرف نمود و در سال ۱۰۲۰ شروع بتألیف کتاب کرد و بسال ۱۰۲۸ جلد اول را بپایان برد و چون درین سال اخیر سی و پنج ساله بود پس ولادتش بسال ۹۹۳ ه اتفاق افتاد.

۱- ملک جلال‌الدین سیستانی از خاندان صفاری بود و چنانکه اوحدی بلیانی صاحب عرفات‌الماشقین گفته «بفرّ دولت شاه‌عباس مالک ممالک موروثی خود» بود. و باز صاحب عرفات نوشته است که «گویند در سنه ۱۰۲۹ شاه‌عباس او را بقتل آورد.»

۲- تحفة‌المراقین از خاقانی شروانیت، بشرح حالش رجوع کنید. و نام این مثنوی که صاحب عرفات بملک شاه‌حسین نسبت داده تحفة‌الحرمین است در شرح مسافرت مکه او که بسال ۱۰۱۷ هجری سرود.

۳- تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص ۶۰۸.

۴- دو جلد ازین کتاب بشماره Suppl. 1330 و Suppl. 1331 در کتابخانه ملی پاریس موجودست (فهرست آن کتابخانه، ج ۱، ص ۲۲۷ - ۲۲۸). نسخه بسال ۱۲۷۹ ه ق بدست همشهریم ملاآقابا شهمیرزادی استنساخ شده است و نسخه ناقصی هم از آن بشماره ۲۱۴۶ در کتابخانه مجلس شوری موجودست. و نیز درباره معرفی کتاب بنگرید بتاریخ تذکره‌های فارسی، ج

وی کتاب خود را بدو «مجلد» منقسم ساخت: مجلد اول در «احوال انبیا و خلفا و سلاطین» و مجلد ثانی در «احوال حکما و علما و شعرا». و نیز نوشته است که در کتاب او «اکثر نقلها بعبارت مصنفانست و عبارت کمینه [مقصود خود اوست] بسیار کمست، و بنای این بر چند تاریخ معتبرست» و آنگاه پنج کتاب (جامع التواریخ رشیدی - تاریخ حافظ ابرو - روضه الصفا - حبیب السیر - تاریخ الفی) را بعنوان مأخذهای اصلی و بیست و شش کتاب را بعنوان باقی مأخذهای خود ذکر کرده و گفته است «بغیر از تواریخی که مذکور شد چند تاریخ دیگر هست که تعداد اسامی آنها موجب طول کلامست» و در آخرهای همین مقدمه ادعا کرد که «قریب به بیست سال از اوقات شریف خود را روز و شب صرف این کتاب نموده» و بدین تقدیر کار خود را از پانزده سالگی آغاز کرده بود.

محمد شریف مخاطب به «معمدخان» از مورخان
 ۴۵- معتمد خان^۱
 نیمه اول سده یازدهم هند است، میرعبدالرزاق خوافی
 درباره او نوشته است که «از مردم غیر مشاهیر ایران است، چون بهندوستان
 وارد شد بدستیاری بخت بیدار بدولت روشناسی جنت مکانی [= جهانگیر
 پادشاه] فائز گشت و در سال سیوم بخطاب معتمدخان سرافرازی یافت» و در
 عهد جهانگیر و شاهجهان مقامات اداری بلند مانند بخشیدگری و وقایع نگاری
 داشت و در تحریر و ویراستاری توزوک جهانگیری دخیل بود. همچنانکه

۱- درباره او بنگرید به:

- موردهایی از اقبالنامه جهانگیری، چاپ لکنهو، ۱۸۷۰ میلادی، ۳ جلد.
- مآثر الامراء، میرعبدالرزاق خوافی، ج ۳، کلکته، ۱۳۰۹ ق. ه، ص ۴۳۱ - ۴۳۴.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس، بلوشه، ج ۱، ص ۳۴۲ -

میر عبدالرزاق نوشته در سومین سال پادشاهی جهانگیر (۱۰۱۷ هـ) خطاب معتمدخان و در دوره شاهجهان عنوان میربخشی نصیبش گشت و مدارج ترقیش بشرح در مآثر الامرا آمده است. وفاتش بسال ۱۰۴۹ هـ اتفاق افتاد. اثر مهمش کتاب اقبالنامه جهانگیری است در سه مجلد که بنام جهانگیر پادشاه نوشته شده و مطالب جلد‌های سه‌گانه آن چنین است: مجلد اول: مجملی از احوال نیاکان جهانگیر پادشاه، از امیر تیمور گورکان تا وفات همایون پادشاه (۹۶۳ هـ)؛ مجلد دوم: تاریخ سلطنت جلال‌الدین اکبر پادشاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴ هـ)؛ مجلد سوم: تاریخ پادشاهی جهانگیر پادشاه (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷). این کتاب در سه جلد در لکنه‌و بسال ۱۸۷۰ میلادی چاپ شد. نسخه اول این کتاب در سال ۱۰۲۹ یعنی پانزدهمین سال جهانگیری در کشمیر بدان پادشاه تقدیم شد ولی مؤلف بعد از آن مطالب خود را تا وفات جهانگیر و جلوس شاه جهان بسال ۱۰۳۷ بر کتاب افزود. این کتاب با انشایی روان و درست نوشته شده ولی چون محمدشریف بقول میر عبدالرزاق سابقه تاریخ نویسی نداشت بسیاری از وقایع را ضمن تحریر از قلم انداخته است. عبارت شاهنواز درین باب چنین است: «اگرچه در تاریخ دانی شهرتی داشت اما از اقبالنامه جهانگیری که بعبارت سلیس و مربوط نوشته کلک اخبار طراز اوست معلوم می‌شود که سلیقه تاریخ نویسی نداشت، چه باوصف عهده عهد نویسی اصلاً بجزئیات ضروری نپرداخته، بلکه معظم وقایع را هم با حذف و اسقاط بسیار بقید تحریر کشیده».

سید مجدالدین محمدبن ابی طالب الحسنی از مؤلفان

۴۶- مجدی

قابل توجه اولهای سده یازدهم هجریست. از احوال

او اطلاع مشروح ندارم^۱. چارلز ریو بعلمت توجه خاصی که او بوصف کاشان

۱- اطلاع از او فعلاً منحصرست بانرش بنام زین‌المجالس که چون به نسخه‌های چاپی آن

و برتری و امتیاز آن بخرج داده، او را از مردم آن شهر دانسته است. وی معاصر شاه عباس اول بوده و کتاب خود، *زینة المجالس*، را بشیوه کتاب *جوامع الحکایات عوفی* تألیف نموده و در مقدمه آن گفته است که آن را بخواهش یکی از دوستان در سال ۱۰۰۴ هـ فراهم آورده و درین راه از کتابهای مختلفی استفاده کرده است که اهم آنها عبارتند از: *جوامع الحکایات عوفی*، *نزهة القلوب*، *روضه الصفا*، *کشف الغم*، *تاریخ ابوحنیفه دینوری*، *حبیب السیر*، *وفیات الاعیان*، *بهجة المباهج* تألیف *حسن بن حسین سبزواری*، *نگارستان غفاری*، *عجائب المخلوقات قزوینی* - *الفرج بعد الشدة*، *تاریخ حافظ ابرو* - با مطالعه در متن کتاب استفاده اش از کتابهای متعدد دیگری نیز روشن می‌گردد که منابع اطلاعات و حکایات و روایات او هستند مثل *تاریخ ابوالفضل بیهقی*، *لطایف الطوائف*، *تاریخ الحکمای شهرزوری* و کتابهای دیگری که از آنها نام نبرده ولی می‌توان رد پای آنها را باسانی شناخت.

این کتاب همچنانکه گفته شد بشیوه عوفی در *جوامع الحکایات* تألیف شده منتهی بر شماره بخشهای آن افزوده شده و عدد آنها به ۹ رسیده است که هر کدام «جزء» نام دارند و هر جزء بده فصل منقسم گردیده است.

با مراجعه بجزءها و فصلهای کتاب ملاحظه می‌شود که ارزش تاریخی آن بر ارزشهای دیگر آن می‌چربد زیرا مجدی درین کتاب مقدار زیادی مطلبهای تاریخی و گاه جغرافیایی را ذکر کرده و آنها را با بعضی حکایتها و قصهها همراه نموده است.

وی در جزء اول از کتاب خود بعد از اثبات وجود خداوند و اثر مشیت الهی می‌پردازد بذکر معجزات انبیا از آدم صفی بعده، و بیان کرامتهای اولیا، و

→
دسترس نداشتم از نسخه خطی شماره (2.239) در کتابخانه موزه بریتانیا استفاده کردم. - و نیز رجوع شود بتوضیحات چارلز ریو در فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، ص ۷۵۸ - ۷۵۹ و ۱۰۰۴ و ضمیمه فهرست یاد شده، ص ۲۴۹ - ۲۵۰. و بنگرید بترجمه تاریخ ادبیات فارسی، هرمان اته، ص ۲۳۵ و ۲۵۷.

شرح تاریخ پادشاهان قدیم ایران تا غلبه اسلام (از گیومرث تا یزدگرد شهریار) و خلفای راشدین [با تفصیل بسیار درباره علی بن ابی طالب (ع) و دیگر امامان شیعه و موضوع غیبت و سفرای اربعه که آخرینشان علی بن محمد نام داشته و بسال ۳۲۴ هـ در گذشته]، و خلیفگان اموی و عباسی و پادشاهان معاصر با عباسیان از طاهریان ببعده، و سخنانی درباره عدالت و سیرتهای پادشاهان و لطایف و ظرایف اهل زمان و کیاست ملوک. هر یک ازین مباحث بنوبه خود با حکایتهای متناسب همراه است.

در جزء دوم ازین مقولهها سخن می‌رود: توقیعات پادشاهان و فایده تدبیرهای صائب آنان، فراست و کیاست و حیل‌های خداوندان دولت و غیر آنان، در کفایت وزیران و موعظتهای حکیمان و لطایف سخنان زیرگان و حکایات قاضیان و عالمان و نوادر احوال دبیران که اینها هم هر یک بنوبت خود داستانهایی را بهمراه دارند و این روش را در همه «جزءها» ادامه داده و در هر یک از آنها موضوعاتی اخلاقی و اجتماعی را مطرح کرده و حکایتهایی در هر باب نقل نموده است و در آخرین جزء یعنی جزء نهم توجهی را که در جزء اول و دوم نسبت بمسائل تاریخی داشته از سر گرفته و بعد از طرح چند موضوع و حکایتهای مربوط بآنها ناگهان مطالب تاریخی را از دوره مغولان ببعده به پیش کشیده و بچنگیزخان و جانشینانش و خاصه ایلخانان پرداخته است و بعد از آن به: چوپانیان و ایلکانیان و مظفریان (آل مظفر) و آل کرت و سربداران و تیموریان ایران و قراقویونلوها و آق قویونلوها و خانان اوزبک تا بجلوس عبداللطیف خان در سال ۹۴۷ هـ، و تاریخ صفویان با ذکر سلطنت شاه اسمعیل و شاه تهماسب.

کتاب زینة المجالس چند بار در ایران بطبع سنگی چاپ شده است، از آنجمله در سال ۱۲۷۰ هـ. ق و ۱۳۵۹ هـ. ق؛ و از آن نسخه‌هایی در ایران و انیران موجود است.

۴۷- میر تقی اوحدی^۱ میر تقی الدین محمد اوحدی دَقَاقی بلیانی اصفهانی پسر معین الدین محمد پسر سعدالدین محمد حسینی از خاندان مشایخ معروف بلیانی کازرونی است که پیش ازین شرح حال یکی از شاعران معروف آن خاندان را بنام امین بلیانی آورده‌ام. نسب تقی الدین بهفت واسطه بیکی از مشایخ این طایفه یعنی اوحدالدین عبداللہ بن ضیاءالدین (یا امام الدین) مسعود بلیانی کازرونی (م ۶۵۵ هـ) می‌گردد و نسب مسعود بلیانی به پنج واسطه به ابوعلی حسن بن علی نیشابوری معروف به «دَقَاق» از عارفان بزرگ سده چهارم و آغاز سده پنجم (م ۴۰۵ هـ) می‌رسد.^۲ با این شرح منشاء نسبت‌های «بلیانی» و «دَقَاقی» و «اوحدی» برای تقی الدین اصفهانی روشن می‌گردد.

نصر آبادی که نام او را بسادگی «تقی اوحدی» نوشته مدعیست که او و خاندانش لبنانی بوده‌اند و وی از نسل سید عبداللہ لبنانیست. گمان می‌رود که خطای او از درست ناخواندن واژه «بلیانی» نشأت کرده باشد، و بهر حال نوشته او را مقدمه عرفات العاشقین و بعضی دیگر از اشارات مؤلف که در کتاب

۱- درباره او بنگرید به:

- تذکره نصر آبادی، تهران ۱۳۱۷، ص ۳۰۳ - ۳۰۴.
- عرفات العاشقین [اشارتی که تقی الدین اوحدی در دیباچه و در متن کتاب باحوال خود نموده و آقای گلچین معانی آنها را استخراج و در تاریخ تذکره‌های فارسی نقل کرده است].
- تاریخ تذکره‌های فارسی، آقای احمد گلچین معانی، ج ۲، تهران ۱۳۵۰، ص ۳ - ۲۴.
- نتایج الافکار، بمبئی، ۱۳۳۶ خورشیدی، ص ۱۲۶.
- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، تهران ۱۳۴۴، ص ۳۷۹ -

۳۸۰

- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۳۹۷ - ۳۹۹.
- صحف ابراهیم، علی ابراهیم خان خلیل، خطی، در حرف «ت».
- تذکره ریاض العارفین، آفتاب رای لکنهوی، پاکستان ۱۹۷۶، ج ۱، ص ۱۳۷ - ۱۳۸.
- ۲- همین کتاب، ج ۳، بخش دوم چاپ چهارم، ۱۳۶۶ ش، ص ۸۶۸ - ۸۶۹.

خود آورده، اصلاح می‌کند، و چنانکه از گفتار او، یعنی تقی‌الدین، معلوم می‌گردد مسکن این خاندان اخیراً در شیراز بود و پدرش معین‌الدین محمد از آن شهر بعراق رفت و تقی در آغاز سال ۹۷۳ در اصفهان زاده شد، در حالی که پدرش پیش از ولادت فرزند بهندوستان رفته و آنجا در گذشته بود و تقی‌الدین تا دوازده سالگی که مادرش در گذشت در اصفهان ماند و در آنجا مقدمات ادب و بعضی از معارف را فراگرفت و سپس بشیراز رفت و در محضر ملا میرقاری گیلانی مؤلف انیس العاقلین و اسرار القرآن که پیش ازین بنام او باز خورده‌ایم، ریاضیات و علوم غریبه آموخت و بدامادی او سرافراز گردید و در همان حال شاعری را دنبال می‌کرد و در دکان میر محمود طرحی شیرازی که مجمع شاعران بود با چندتن از آنان که مهمتر از همه عرفی شیرازی (م ۹۹۹ هـ) بود، آشنایی یافت، ولی در سال ۹۹۳ هـ از شیراز بعراق رفت و از آن سال تا سال ۱۰۱۵ هـ که راهی هندوستان گردید غالباً در اردوی شاه سلطان محمد خدابنده و شاه عباس در شهرهایی مانند قزوین و قم و کاشان و اصفهان و یزد و شیراز بسر می‌برد و درین میان چهار سال (۱۰۰۵ - ۱۰۰۹) هم زیارت عتبات کرد و در کربلا اقامت نمود.

بعد از ورود بهند چندی در لاهور بسر برد و سپس چند گاه در اگره و گجرات و باز در اگره گذراند و در همین شهر اخیر بسال ۱۰۲۲ تألیف تذکره عرفات را آغاز کرد و پس از دو سال در ۱۰۲۴ هـ آن را با تمام رسانید و در سال ۱۰۳۶ بفرمان جهانگیر خلاصه‌یی از آن بنام کعبه عرفان ترتیب داد.

میر تقی اوحدی در شعر و نثر پرکار و دارای آثار متنوع بود. غیر از دو کتاب مذکور و بجز کتاب سرمه سلیمانی در بیان واژه‌های دشوار فارسی و برخی از نامهای تاریخی و جغرافیایی و داروها و پاره‌یی اصطلاحها و کنایه‌ها و مانند گان آنها [نسخه بشماره ۱۲۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران] چند مثنوی و دیوان قصاید و دیوان غزل داشت که مجموع ابیات آنها متجاوز از پنجاه هزار بیت بود. رساله‌یی نیز در علم قافیه و رساله‌یی در تصوف نوشت.

اما اثر مهم و اساسی او تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین است که تذکره عمومیست که سرگذشت و منتخب اشعار بیش از سه هزار و سیصد شاعر متقدم و متأخر را تا زمان مؤلف بنظم الفبائی شامل است. این کتاب یک مقدمه و بیست و هشت «عرصه» بعدد حرفهای الفبای عربی دارد و هر عرصه به سه «عَرَفَه» تقسیم می‌شود و در عَرَفَه نخستین گویندگان پیشین (متقدمین) و در عَرَفَه دوم گویندگان میانین (متوسطین) و در سومین گویندگان واپسین (متأخرین) شناسانده شده‌اند. وی در انجام کتاب نوشته است: «مخفی نماناد که این عرفات در اگره بسنه ۱۰۲۲ ابتدا شده و بسنه ۲۴ همانجا باتمام رسیده» و یقین است که علت کوتاهی مدت در تألیف چنین کتاب بزرگ پر مطلبی آمادگی یادداشتهای اوحدی برای تنظیم و تبویب بوده است.

اوحدی بلیانی بسیاری از شاعران همعهد خود را دیده و با گروهی از آنان معاشرت و دوستی کرده و اطلاعاتی که راجع بآنان در عرفات آورده دارای ارزش بسیارست. از اشعار اوست:

دلی دارم خریدار محبت	کزو گرمست بازار محبت
لباسی بافتم بر قامت دل	زپود محنت و نار محبت
غلط کردم رخ طاقت سیدباد	که پیشت کردم اظهار محبت

گر نازکشی زیار سهل است
چون یار اهل است کار سهل است

گر هست بروزگار اهلی
نا اهلی روزگار سهل است

ای حاصل عمر آرزومندی تو
آزاد مباد تا ابد بندی تو

گر ما روش بندگی از کف دادیم آخر بکجارت خداوندی تو

۴۸- محمد باقر افصح محمد باقر بن عنایت‌الله بن صدرالدین محمد تبریزی
مشهور به «افصح» که وابسته بدرگاه سلطان
مرادبخش پسر شاه جهان بود، از تاریخ نویسان سده یازدهم است. از وی کتاب
افصح‌الخبار باز مانده که خلاصه‌یست از تاریخ عمومی با نثری ساده از آغاز تا
جلوس شاه جهان بسال ۱۰۳۷، و چنانکه از گفتار افصح در مقدمه معلوم
می‌شود کتاب خود را با استفاده از یک عده کتابهای معروف و مشهور در
تاریخ که در احمدآباد گجرات بدست آورده بود، همانجا در هفت باب
تألیف کرد: باب اول در آفرینش و شرح احوال پیامبران، باب دوم پیامبر
اسلام و خلفای راشدین، امامان شیعه اثنی عشری، بنی امیه، بنی عباس، پادشاهان
قدیم، حکیمان، سلجوقیان، باب سوم چنگیز و جانشینانش تا ابوسعید بهادر.
باب چهارم تیموریان با استثنای بابر و شاخه هندی آن سلسله. باب پنجم
غزنویان و سلاطین دهلی و سلسله‌های محلی هند. باب ششم تاریخ بابر و
همایون و اکبر و جهانگیر. باب هفتم صفویان از شاه اسمعیل تا ۱۰۲۶ هـ.

۴۹- قبچاق خان قبچاق خان خواجهمقلی پسر قبچاق خان امامقلی بیگ
یکی از تاریخ نویسان متعدد ایرانی عهد صفوی
است که در هند سرگرم کار بودند و کتاب او معروفست به تاریخ قبچاق خانی.
وی سمت قوش بیگی خانان بخارا را برعهده داشت و این سمت بعد از مرتبه
امارت در خانان بخارا بالاترین مرتبه بود. مؤلف بنا بر توضیحاتی که خود داده
بعد از حوادثی از قبیل اسارت در سال ۱۰۰۷ و سختیها و انتقال در همان حال
اسارت، بهندوستان رسید و در سال ۱۰۲۵ در لاهور بسر می‌برد، و چون از
دوران جوانی بتاریخ علاقه داشت و کتابهایی درین فن خوانده بود در مدت

اقامت هند بتدوین تاریخ عمومی درباره کشورهای اسلامی پرداخت و آن را بسال ۱۰۳۴ هـ تمام کرد و در سال ۱۰۳۷ در آن تجدید نظر نمود و تا حوادث سال ۱۰۳۷ و ۱۰۳۸ را هم بر آن افزود. این کتاب مقدمه‌ی بنام «فاتحه» و پنج باب و «خاتمه» دارد.

در فاتحه از خلقت سخن گفته است و در باب اول از تاریخ پیامبران و در باب دوم از تاریخ پیش از اسلام ایران و در باب سوم از پادشاهان پیش از اسلام باقی جهان یعنی تبع یمن، بنی‌لحم، عمالقه، کلدانیان، پادشاهان ماوراءالنهر از اولاد تور پسر فریدون، فرمان‌فرمایان بنی‌اسرائیل، حکمروایان روم و یونان و فرنگ یعنی اخلاف سلم پسر فریدون، رایان هند (بنگال، مالوه، دهلی) و فغفوران چین سخن رفته است و در باب چهارم از سرگذشت پیامبر اسلام، خلفای راشدین، ائمه اثنی عشر، خلفای اموی و عباسی، چهار پیشوای اهل سنت؛ و در باب پنجم از شاهان معاصر بنی‌عباس تا اسمعیلیان (صباحیان)، مغول از منشاء افسانه‌ی آنان تا چنگیز و جانشینان او، امیرانی که بعد از مرگ ابوسعید میرزا بهادرخان تا تیمور حکومت داشتند یعنی ایلکانیان و چوپانیان و آل مظفر و آل کرت، سلاطین ترک عثمانی، رایان هند و پادشاهان مسلمان هندوستان یعنی غوریان، سلاطین خلیج، تغلقیه، افغانه، شاهان دکن، تیمورگورکان و سلسله تیموری، آق‌قویونلو و قراقویونلو، صفویه، شیبانیه یاد شده است. - خاتمه شامل بعضی ملاحظات درباره پیامبر اسلامست. بدینگونه ملاحظه می‌شود که تاریخ قبچاق‌خانی جامع بسی اطلاعاتست که در کتابهای همطراز و همعهدش در تاریخ مضبوط نیست. نسخه‌ی از آن بشماره Suppl. 187 نسخ فارسی در کتابخانه ملی پاریس از نظر گذشت که بسال ۱۰۳۸ هـ در لاهور استنساخ شده بود^۱.

۵۰- عبدالنبی فخرالزمانی^۱ ملا عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی متخلص به «نبی» پسر خلف بیگ، از شاعران و مؤلفان سده یازدهم هجریست که بیشتر دوران زندگانی را در هندوستان گذراند. وی در ترجمه حال خود، که در جزو مأخذهای احوال او بدان اشاره کرده‌ام، نوشته است که مولدش قزوین بود و پدرش خلف بیگ در آنجا بازرگانی می‌کرد تا بسال ۱۰۰۱ هـ به بیماری طاعون درگذشت. جد مادریش فخرالزمان که نسبش بخواجه عبدالله انصاری می‌رسید قضای قزوین را برعهده داشت و ملا عبدالنبی بدلیل انتساب بدو برای خود عنوان فخرالزمانی انتخاب کرد ولی تخلص خود «نبی» را از اسم خویش استخراج نمود^۲.

عبدالنبی دوران رشد را در زادگاه خود گذراند و همانجا زبان بسخن آوری گشود و سپس در پی «قصه‌دانی» رفت و چون حافظه‌ی قوی داشت درین راه کامیاب گشت چنانکه قصه‌ی امیر حمزه‌بن عبدالمطلب را «بیک شنیدن بحاطر گرفت». در نوزده سالگی بزیارت مشهد رفت و در آنجا از بازرگانان و جهانگردان وصف هند را بسیار شنید و بشوق دیدار آن دیار از راه قندهار خود را بلاهور رسانید و آن را چنان یافت که با خود گفت: «جای توطن تو این سرزمینست نه دارالسلطنه قزوین» و پس از گشت و گذاری در هند بسال ۱۰۱۸ در دوران پادشاهی نورالدین محمد جهانگیر با گره رسید و بنزد خویشاوند خود میرزا نظامی قزوینی که در آن ایام واقعه‌نگار دربار جهانگیر

۱- درباره او بنگرید به:

- شرح حال فخرالزمانی بخامه خود او، تذکره میخانه، تهران ۱۳۴۰، ص ۷۵۸ - ۷۸۳.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، چارلزریو، ص ۱۰۰۴ - ۱۰۰۵
- و ضمیمه آن، ص ۷۴ - ۷۶.

• مقدمه مرحوم پرفسور محمدشفیع بر چاپ نخستین میخانه (لاهور ۱۹۲۶) باردوک ترجمه فارسی آن در مقدمه میخانه چاپ تهران، ۱۳۴۰، ش، نقل شده است.

• تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، تهران ۱۳۴۰، ص ۳۷۷ - ۳۸۰.

۲- نبی خود را درافکن درمیان مگر نامی برآری در زمانه

بود جای گرفت و بتشویق او قصه‌دانی و قصه‌گویی را دنبال کرد و درین فن مهارت یافت و در سال ۱۰۲۲ بوساطت همین خویشاوند در اجمیر ملازمت خان زمان بهادر میرزا امان‌الله متخلص به امانی پسر زمانه‌بیگ مهابتخان خان‌خانان نصیب او شد، و نخست بعنوان قصه‌خوانی و سپس کتابداری آن امیرزاده سخندان پذیرفته شد و در آن خدمت بمطالعه کتابهای معتبر مشغول گردید و بکار تألیف پرداخت و طرح تألیف سه کتاب را ریخت: (۱) دستورالفصحاء برای خواندن قصه‌امیر حمزه و آداب آن که اگرچه بعدها آن را در کشمیر باتمام رسانید ولی نسخه‌یی از آن در دست نیست. (۲) نوادرالحکایات یا بحرالنوادر. (۳) میخانه، که درباره هر دو سخن خواهم گفت.

اما عبدالنبی بعلت ابتلاء به بیماری «باد فرنگ» (= سیفلیس) و بیم از بدنامی اجمیر را بیخانه بازگشت بقزوین ترک گفت و در اوایل سال ۱۰۲۵ بلاهور و از آنجا بکشمیر نزد خویشاوند خود میرزا نظامی که در آن هنگام بخشی آن ولایت بود، رفت و سپس تا بسال ۱۰۲۷ با او به ماندو، بهار، پتنه رفت و در این شهر در خدمت خواجه یادگار مخاطب به «سردارخان» تقرب یافت و میخانه را بسال ۱۰۲۸ هـ بنام او تمام کرد. تاریخ ۱۰۲۸ آخرین تاریخ‌نویسیست که چند بار در میخانه می‌بینیم و بعد از آن تا بسال ۱۰۴۱ که دیباچه نوادرالحکایات را می‌نوشت اطلاع دیگری از او نداریم و تاریخ وفاتش را هم نمی‌دانیم.

فخرالزمانی بنظم و نثر هر دو پرداخته است. ساقی‌نامه او که بستایش سردارخان ختم شده اندکی از دویست بیت متجاوز و چهار بیت آن تضمین از بوستان سعدیست. گذشته ازین بیست و اند بیت دیگر از اشعارش در میخانه پراکنده است ولی خود گفته است که «عدد منظومات فقیر تا لغایت که سال هجرت بهزار و بیست و هشت رسیده، سوای ساقی‌نامه بهزار و پانصد می‌رسد». اگر ساقی‌نامه او را نمونه شعرش بدانیم سخنی متوسط داشت. از

آنجاست:

درین دم که نقدست عمر ای پسر باین نقد خود جنس فردا بخر
 در امروز تخمی ز خوبی بکار که فردا تأسف نیاید بکار
 بفصل خزان مور سامان خویش کند از برای زمستان خویش
 زموری نبی کم تو هم کار خویش بکن تا که هستی بیبازار خویش
 اما اهمیت او بیشتر در تألیفات اوست که پیش ازین یاد کرده‌ام و از آن میان از
 دستورالفصحا نسخه‌یی در دست نیست.

اما میخانه تذکره ذی‌قیمتی است در ذکر شاعران متقدم و متأخری که
 ساقی‌نامه ساخته‌اند و چند شاعر مشهور که ساقی‌نامه نداشتند و چند شاعر دیگر
 از هم‌عصران فخرالزمانی که نام بیشترشان در جای دیگر نیست و او خود آنها
 را دیده و با ایشان صحبت داشته است. مجموع شاعرانی که فخرالزمانی شرح
 حالشان را آورده در نسخه جایی میخانه که بهمت آقای احمد گلچین معانی
 تنظیم و طبع شده به ۹۰ تن می‌رسد که شرح حال و اشعارشان در ذیل سه
 «مرتبه» ذکر شده است: (۱) مرتبه اول در ذکر سخنورانی که داعی حق را
 لبیک اجابت گفته و سر در نقاب تیره تراب کشیده‌اند: (۲) در ذکر
 سخنورانی که درین ایام خجسته فرجام در حیاتند و اشتها سرشاری دارند: (۳)
 در ذکر سخنورانی که تا هنگام ملاقات این ضعیف ساقی‌نامه نگفته‌اند و کمترین
 با ایشان صحبت داشته.

عبدالنبی درباره بعضی از سخنوران بتفصیل سخن گفته و اطلاعات دست
 اول در باره آنان آورده و از آنان اشعاری که گاه در جای دیگر دیده نمی‌شود
 نقل نموده است.

کتاب مشهور دیگر فخرالزمانی نوادرالحکایات یا بحرالنوادر است که
 مجموعه‌یست از داستانهای تاریخی پیامبران و امامان و شاهان و شاهزادگان.
 در مقدمه نسخه Or. 1874 کتابخانه موزه بریتانیا^۱ به پنج «صحیفه»، و در

۱- این نسخه در فهرست ریو، ص ۱۰۰۱، توصیف شده است.

مقدمه نسخه شماره ۳۱۷۱ مجلس شورى^۱ به چهار صحیفه منقسم گردیده است، هر یک از آنها در دوازده باب و هر باب در دوازده مجلس که مؤلف آن را بنام نورالدین محمد جهانگیر در آورده و بسال ۱۰۴۱ تألیف نموده و درباره توجیه آن پادشاه بدین مطلب گفته است که^۲ «روزی در اثنای ملاحظه کتب و تأمل در حقایق مضامین و دقایق معانی حکمت آیین رای جهان آرای سعادت قرین چنین تعلق یافت که آنچه از تماثیل و حکایات و اقوال و روایاتی که انظار مهر آثار را مقبول و مستحسن افتد در مجلدی مدون آید، برحسب امر و اشاره اشرف ارفع همایون این کتاب که الحق مجموعه بیست از حکایات نادره نغز شیرین و روایات بامغز حکمت تضمین سمت اتمام و تسمیه یافت بنوادرال حکایات امید که هر که از مطالعه اش طریق تهذیب اخلاق سپارد و از گفتار و اطوار و رفتار و کردار گذشتگان عبرت گیرد و در مزرع روزگار تخم نیکو کرداری کارد ثوابش بروزگار فرخنده آثار شهریار جمشید وقار عاید گردد، و این کتاب مشتمل است بر چهار صحیفه و هر صحیفه بر دوازده باب و هر بابی بر دوازده مجلس...».

فهرست دوازده باب از «صحیفه» اول بنا بر آنچه در نسخه های کتابخانه موزه بریتانیا و نسخه کتابخانه مجلس شورى آمده چنین است: (۱) در بیان حکایات نادره حفظ کردن حضرت آفریدگار بندگان خود را از صغار و کبار، (۲) در بیان معجزات نادره دوازده تن از انبیاء عظام، (۳) در بیان حکایات نادره خواجه کاینات و معجزات محمد مصطفی (ص)، (۴) در بیان منقبت ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین، (۵) در بیان خوارق عادات و بوارق کرامات مشایخ عظام و اولیای کرام، (۶) در بیان حکایات نادره سلاطین نامدار و خواقین گردون اقتدار، (۷) در بیان حکایات نادره وزرای صواب نما، (۸) در بیان حکایات نادره ندما و شعرا که در جرگه ندما در آمده اند، (۹) در بیان

۱- این نسخه در فهرست کتابخانه مجلس شورى، ۱۰، ۷۵۱ وصف شده.

۲- عبارتهای آینده منقول در میان دو گیجه از نسخه کتابخانه مجلس شورى گرفته شده است.

حکایات نادره احکام منجمان، ۱۰) در بیان حکایات تعبیراتی که معبران کرده‌اند، ۱۱) در بیان مهاجرت احمد مختار از مکه بمدینه... ۱۲) در بیان حکایت ذوالنون مصری...

حکایت‌های این کتاب از کتاب‌های مختلف تاریخی و ادبی پیش از مؤلف برداشته و با تغییراتی بانشاء او در آمده است و بهمین سبب انشاء فخرالزمانی در این کتاب روانتر و بهتر از آنست که در میخانه می‌بینیم.

در مقدمه نسخه مجلس چنانکه پیش ازین گفتم نوشته شده است که کتاب در چهار صحیفه تنظیم شده و در مقدمه نسخه موزه بریتانیا بنقل چارلز ریو سخن از پنج صحیفه رفته است، ولی هر دو نسخه ناتمامست و گمان نمی‌رود که فخرالزمانی توانسته باشد بوعده خود در تحریر هر چهار یا پنج صحیفه وفا کرده باشد.

۵۱- عبدالباقی نهاوندی
خواجه میرعبدالباقی نهاوندی متخلص به «باقی»
پسر خواجه آقا بابا متخلص به «منرکی» از شاعران

۱- درباره او بنگرید به:

- * تذکره نصرآبادی، تهران ۱۳۱۷، ص ۱۲۴.
 - * بهارستان سخن، ص ۴۶۱، ضمن شرح حال میرزا عبدالرحیم خانخانان.
 - * تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۶۸۵.
 - * روز روشن، تهران، ص ۵۲۱ - ۵۲۲.
 - * مآثر رحیمی، کلکته ۱۹۲۴ - ۱۹۳۱، ج ۳ ص ۱۵۳۵ - ۱۵۷۶ و مقدمه آن کتاب.
- بقلم استاد محمد هدایت حسین.
- * تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، ص ۷۴۶ - ۷۵۶، و بنقل از آن:
 - * اصل دهم از خلاصه الاشعار تقی‌الدین کاشی،
 - * عرفات الماشقین اوحدی بلیانی.
 - * تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، دکتر آفتاب اصغر، لاهور ۱۹۸۵، ص ۲۴۰ -

و نویسندگان سده یازدهم هجریست. این خانواده از اهل چولک از توابع نهاوند بودند و بکارهای دیوانی اشتغال داشتند. پدرش وزیر همدان و برادرش آقاخضر (خضرا) (م ۱۰۱۶ هـ) حاکم کاشان بودند و ترجمه حالشان بتفصیل در خلاصه‌الاشعار میرتقی کاشی آمده است و نصرآبادی درباره میرعبدالباقی می‌نویسد: «آقا باقی از نجبای نهاوندست، برادر آقاخضر^۱ وزیر کاشان، جوان قابل کاملی بوده در نظم و نثر قدرت داشته، رباعیات محوی را جمع نموده و بدان دیباچه نوشته بنظر فقیر رسیده حقا که کمال قدرت از کلامش ظاهر است، ازین ولایت دلگیر شده بهندوستان رفت و ملازمت خان‌خانان اختیار نموده در آنجا فوت شد...». میرتقی کاشانی و اوحدی بلیانی توضیحات مفصل‌تری درباره میرعبدالباقی داده و گفته‌اند که او مدتی وزارت همدان را برعهده داشت ولی پس از چندی بمیل خود از آن خدمت کناره گرفت و بنزد برادرش آقاخضر که در کاشان وزارت داشت، رفت و همانجا بی‌آنکه متعهد کاری شده باشد، ماند و روزگار را باشتغالهای ادبی و همنشینی با شاعران و ادیبان گذراند. وی بنا بروایت تقی‌الدین کاشی از مریدان و شاگردان میرمغیث‌الدین محوی همدانی^۲ بود و علاوه بر هنرنمایی در انواع مختلف شعر رباعی را بروش مراد خود می‌سرود و در «شیوه نثر و انشاء نیز قدرتی تمام» داشت و مقدمه‌یی بر مجموعه گفتارها و رباعیهای محوی نوشت «که خردخرده‌دان و عقل دانش‌منشان و نکته‌سنجان در آن حیرانست» و چنانکه دیده‌اید نصرآبادی آن دیباچه را دیده و ستوده است.

گذشته ازین انشاء رسا و پخته میرعبدالباقی در کتاب مآثر رحیمی هم ستودنیست و آنچه از نگاشته او در دیباچه دیوان عرفی دیده‌ایم^۳ نشانه‌یست از کیفیت تحقیق او درباره شعر فارسی و تحلیل سخن شاعران عصر خویش.

۱- در اصل: جعفر.

۲- درباره او بنگرید بهمین جلد، ص ۸۹۲ - ۸۹۶.

۳- همین جلد، ص ۵۲۴ ببید.

وفات او بنا بر آنچه در تاریخ محمدی آمده و در مقدمه مآثر رحیمی (ص ۱۵) نقل شده بسال ۱۰۴۲ هـ اتفاق افتاد.

اثر مهم میرعبدالباقی کتاب مآثر رحیمی است که کتاب بسیار معتبر و قابل توجهی است در تاریخ و رجال عهد مؤلف. این کتاب اصلاً بقصد بیان احوال و مآثر میرزا عبدالرحیم خانخانان^۱ از رجال بسیار بزرگ عهد جلال‌الدین اکبر و جهانگیر نوشته شده و بمناسبت حاوی اطلاعات ارزنده بیست در تاریخ و درباره پادشاهان و عالمان و شاعران و سرداران و هنرمندان معاصر او.

مآثر رحیمی که در چند جزء عظیم میان سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۳۱ در کلکته بطبع رسیده، در یک مقدمه و چهار فصل و خاتمه تألیف شده است؛ مقدمه در ذکر حسب و نسب و آبای میرزا عبدالرحیم خان. - فصل اول در ذکر محمد بیرام خان و حالات سلاطین غزنوی و غیرذلک تا زمان سلطنت جهانگیر شاه بن اکبر شاه و برخی از حالات سلاطین بنگاله و جونپور و مالوه و کشمیر و ملتان. - فصل دوم در احوال خانخانان عبدالرحیم خان و ذکر سلاطین گجرات و سند و دکن و خاندیس. - فصل سوم در مآثر و آثار خانخانان. - فصل چهارم در ذکر حالات فرزندان خانخانان. - خاتمه در ذکر حالات علما و فضلا و شعرا و سپاهیان و مستعدان سلسله خانخانان در سه قسم: [قسم اول در بیان علما و فضلا، قسم دوم در بیان فصحا و شعرا، قسم سوم در بیان سپاهیان و مستعدان و هنرمندان اصناف].

میرعبدالباقی ذکر حال خانخانان بیرام خان و خانخانان عبدالرحیم خان را از احوال پادشاهان قراقویونلو که نیاکان آنان بودند، آغاز کرد و سپس، بمناسبت، بذکر بسیاری از خاندانهای سلطنتی هند از غزنویان ببعده پرداخته و درین راه از کتابهای معتبر پیش از خود استفاده کرده است. اما از لحاظ تاریخ ادبی ایران و هند قسمت خاتمه کتابست که اهمیت اساسی دارد چنانکه در قسم اول از آن خاتمه نام ۶۳۶ تن از عالمان و فاضلان و سخنوران آمده است، و

بدینگونه کتاب او یکی از مأخذهای مهم در بیان تاریخ ادبی مورد مطالعه ماست.

۵۲- اسکندر بیگ منشی^۱ اسکندر بیگ ترکمان مشهور به «منشی»^۲ بسال ۹۶۸ هـ ولادت یافت. از ابتدای احوالش اطلاع

ندارم و چنانکه خود در دیباچه عالم آرا نوشته در دوران جوانی بآموختن علم سیاق پرداخت و بعد از آنکه درین فن رتبه کمال یافت بعلم انشاء توجه کرد، و یقیناً، همچنانکه از مطالعه در آثارش برمی آید، دیگر دانشهای عهد خود خاصه علوم ادبی و شرعی را نیز فراگرفت. در سال ۹۹۵ هـ بخدمت سپاهیگری در خطه عراق منصوب شد و در زمستان سال ۱۰۰۱ هـ که شاه عباس از قزوین باصفهان رفت، اسکندربیگ «درین سال سعادت خدمت این آستان [یعنی دربار شاه عباس یکم] یافته در سلک منشیان عظام انتظام یافت و چون ارباب مناصب در قزوین توقف داشتند... حسب الامر الاعلی در رکاب مقدس باصفهان رفته بخدمات انشاء قیام داشت و از آن تاریخ بغلامی آن حضرت سرافراز»^۳ بود.

ظاهراً راجع بهمین دوره از خدمت دیوانی اسکندربیگ است که قاضی

۱- درباره او بنگرید به:

• کتاب عالم آرای عباسی تألیف اسکندربیگ، چاپ دوم تهران مؤسسه امیرکبیر، سال ۱۳۵۰ ش، بویژه دیباچه آن.

• مقدمه آقای ابرج انشار بر چاپ مذکور عالم آرا ص یک تا دوازده.

• فهرست نسخه های فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، چارلزریو، ص ۱۸۵ - ۱۸۶؛ و

ضمیمه آن فهرست، ص ۴۰.

• فهرست نسخه های فارسی در کتابخانه ملی پاریس، بلوش، ج ۱، ص ۲۹۸.

• تاریخ تذکره های فارسی، ج ۱۲، ص ۶۸۱ - ۶۸۲ و حاشیه، ص ۷۲۲ - ۷۲۳.

۲- باستاد قول خود او در دیباچه عالم آرای عباسی.

۳- عالم آرای عباسی، ص ۴۵۵.

احمد قمی در گلستان هنر، ذیل ترجمه حال وی نوشت: «... در ابتدای حال بدفترخانه همایون رفته در دفتر شرعیات بنویسندگی اقدام می نمود. در خط نستعلیق بسیار نویسنده خوشنویس شدند، چون استیفای آن دفاتر براقم مفوض شد، فقیر آن مهم و دفاتر را باو رجوع نمود و مدتی در یساقها و سفرها با یکدیگر می بودیم، چون جوهر تمام درو مشاهده می شد فقیر نوشتن بعضی احکام و ضبط سررشته وقایع و سوانح حالات را باو تکلیف می کرد، رفته رفته بموآنست فقیر در فن انشاء و تحریر کتابات پادشاهان و احکام همایون سراسر شده طبعش بآن عادت نمود...»^۱ و از آن پس در تمام بازمانده حیات شاه عباس بادامه خدمات سرگرم بود تا چندسالی بعد از وفات آن پادشاه در هفتاد و پنج سالگی، بسال ۱۰۴۳ هـ در گذشت.

از اسکندربیگ مجموعه‌یی از منشآت و کتاب معروف تاریخ عالم آرای عباسی باقی مانده است. نسخه منشآت اسکندربیگ با عنوان «کتاب ترسل من منشآت خواجه اسکندربیگ منشی» در لیدن موجودست.^۲

تألیف عالم آرای عباسی که اثر اساسی اسکندربیگ است از سال ۱۰۲۵ هـ که مصادف بود با پایان سی‌امین سال پادشاهی شاه عباس آغاز شد و چون خود بسبب منصبی که داشت شاهد و ناظر بیشتر رویدادهای دوره بسیار مهم سلطنت سلسله صفوی بوده است، کتاب او بی‌تردید یکی از مأخذهای درجه اول برای تحقیق درباره آن دورانست.

اسکندربیگ می‌خواست عالم آرا را در مقدمه و دو «صحیفه» و خاتمه بنویسد ولی بنگارش خاتمه یا ضمیمه مذکور چنانکه خواهیم گفت موفق نشد و مقدمه و دو صحیفه را در سه جلد تنظیم کرد: جلد اول شامل مقدمه و دوازده مقاله؛ جلد دوم در رویدادهای سی سال اول پادشاهی شاه عباس (سالهای

۱- نقل از تاریخ تذکرهای فارسی، ج ۲، حاشیه ص ۷۲۲ - ۷۲۳.

۲- آقای ابرج انشاء، مقدمه عالم آرا، ص هفت، بنقل از «استوری» Story در کتاب

۹۹۶ - ۱۰۲۵ هـ)، جلد سوم شامل وقایع دوازده سال آخر دوران شاه عباس که بسال ۱۰۳۸ ختم شد، و «فقره‌یی چند در ختم کتاب».

اسکندربیک بعد از وفات شاه عباس ذیلی برای کتاب خود در شرح پادشاهی شاه صفی ترتیب داد ولی با مرگ او در سال ۱۰۴۳ هـ آن ذیل ناتمام ماند. این ذیل را آقای احمد سهیلی خوانساری بسال ۱۳۱۷ در تهران بطبع رسانید و برای اتمام آن حدیقه ششم از روضه هشتم خلد برین میرزا محمدیوسف قزوینی را بر آن افزود^۱.

و اما خود عالم آرا یک بار در سال ۱۳۱۴ هـ ق در تهران و بار دیگر از روی همان چاپ بسعی و اهتمام مؤسسه انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۵۰ طبع شد. آقای ایرج افشار بر این چاپ مقدمه و چند فهرست سودمند افزودند و بعضی افتادگیها را که در چاپ سنگی نخستین رخ داده بود از روی نسخ کاملتر ترمیم کردند.

اسکندربیک برای تألیف عالم آرا گذشته از اطلاعات مستقیم خود از مأخذهای متعددی که به بیشتر آنها اشاره کرده است استفاده نمود. وی در نگارش این کتاب تا می‌توانست جانب سادگی را نگاه داشت و بقول خود او «از مقتضات و عبارات مغلق غیر مأنوس که ملال‌انگیز طبایع است اجتناب لازم دانسته صور خجسته منظر اخبار و شاهد نیکوسیر آثار را بساده‌تر لباسی آراسته بجلوه ظهور آورد»^۲. با این حال در بعضی موارد آثار شیوه مترسلان در کتاب آشکار می‌شود ولی نه چندانکه بیک‌دستی و همواری انشاء آسیبی رساند.

یکی از وجوه اهمیت عالم آرا احتمال آنست بر احوال شاعران و عالمان و سادات و هنرمندان و ارکان دولت از وزیران و امیران و خوانین با ذکر و فیات آنان که بسیار قابل استفاده محققان می‌تواند بود.

۱- بشرح حال میرزا محمد یوسف قزوینی که بعد ازین خواهد آمد مراجعه کنید.

۲- عالم آرای عباسی، ص ۴.

در پایان این گفتار افزودن دو نکته را لازم می‌دانم: (۱) ذیل عالم آرای عباسی که درباره آن و انتساب آن به اسکندر بیگ سخن گفتم، بمرتضی قلی خان حاکم گنجه در بعضی نسخ و در بعضی دیگر به محمد معصوم بن خواجگی اصفهانی نیز منسوبست. (۲) درباره خاتمه یا ضمیمه‌ی که اسکندر بیگ در نظر داشت بر عالم آرا بیفزاید و موفق نگردید، خود او چنین نوشته است: «... در صدر صحیفه اول این دفتر اشعاری شده که بعد از تسوید این تاریخ عالم آرا اگر عمر وفا کند و فرصتی از مشغله کسب معاش که تضييع اوقات شریف عالمیان و ناگزیر بر کافه آدمیانست بدست افتد، منتخبی از نوادر حکایات و خلاصه و سرجوشی از غرایب روایات چه آنکه افاضل متقدمین و متأخرین بر صحیفه بیان نگاشته در صفحه روزگار بیادگار گذاشته‌اند... و چه آنکه در مدت حیات که در حین اتمام این صحیفه صفوت نهاد شماره آن بهفتاد رسیده بدیده بصیرت دیده و بگوش هوش از پیران روزگار شنیده در یک سفینه جمع نموده از هر خرمن مستعدان خوشه‌ی و از مائده افضال هر کس توشه‌ی برداشته چون دربوزه گران کوی بی‌نوایی دامنی پر نماید و مجموعه مختصری پرداخته بدین صحیفه انضمام دهد... تا غایت که مشغول تسوید گرامی نامه بود فرصت آن نشد...»^۱.

۵۳- محمد صادق همدانی^۱ محمد صادق همدانی از مؤلفان سده یازدهم هند است که بنابر آنچه از اشارات خود او در کتابش

۱- عالم آرای عباسی، ص ۱۰۹۵.

۲- درباره او بنگرید به:

• فهرست ریو، ص ۱۰۰۹ - ۱۰۱۰.

• فهرست کتابخانه دیوان هند، ج ۱۱، ص ۳۶۳.

• تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، ص ۶۷۴ - ۶۷۵.

• تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۳۱۹ - ۳۲۰.

بنام کلمات الصادقین برمی آید در سال ۱۰۰۰ هـ در یک خاندان ایرانی تبار دهلی ولادت یافت و دانشهای زمان را در محضر استادانی چون ملا کامی سبزواری (م ۱۰۱۶ هـ) و شیخ حسین کمانگر (م ۱۰۱۸ هـ) و شیخ فیض صرفی (م ۱۰۲۲ هـ) آموخت و سپس در حلقهٔ مریدان شیخ عبدالحق محدث دهلوی (م ۱۰۵۲ هـ) درآمد. از جمله آثار او کلمات الصادقین، سلسله الصادقین، اخبار جهانگیری، طبقات شاهجهانی است.

کتاب طبقات شاهجهانی که در حدود سال ۱۰۴۶ تألیف شده مشتمل است بر تراجم ده طبقه از عهد تیمور تا دورهٔ شاهجهان که در هر یک ازین طبقات شرح حالها در سه باب (اول سادات و مشایخ - دوم علما و حکما و فضلا - سوم شعرا) مذکور افتاده است.

وی از مؤلفان سدهٔ یازدهمست که در هند زیسته و بدربار شاهجهان بستگی داشته است. وی کتاب خود محفل الاصفیا و مجمع الاولیا معروف به «مجمع

۵۴- علی اکبر
حسینی اردستانی

فیض» را بسال ۱۰۴۳ بنام پادشاه یاد شده تألیف کرد و آن کتاب مشروح خوبییست در شرح حال خلیفگان بزرگ (خلفای راشدین) و امامان دوازده گانه و یاران پیامبر و برخی از فرزندان او و تابعان و تابعان تابعان و مشایخ و اولیا و شعرای صوفیه که در تألیف آن از کتابها و مأخذهای بسیار استفاده و نام آنها در کتاب برده شده است.

این کتاب مشتمل است بر مقدمه و دوازده باب و خاتمه بدین شرح که از آن کتاب نقل می شود: «مقدمه محتوی بر بیان اصطلاحات صوفیه و مقامات عشره و بیان طوایف اقطاب و اوتاد و ابدال و مایناسب بذلک. - باب اول در ذکر خلفاء راشدین و ائمهٔ اثنی عشر و صحابهٔ مهاجر و انصار و تابعین و تبع تابعین و برخی از اولاد حضرت سید کائنات. - باب دوم در ذکر خواجه حسن

بصری و من ينتسب اليه من المشايخ . - باب سيوم در ذکر سلطان ابراهيم ادهم و من ينتسب اليه من المشايخ . - باب چهارم در ذکر شيخ معروف کرخی و من ينتسب اليه من المشايخ . - باب پنجم در ذکر سلطان بايزيد بسطامي و من ينتسب اليه من المشايخ . - باب ششم در ذکر سيدالطائفه شيخ جنيد بغدادی و من ينتسب اليه من المشايخ . - باب هفتم در ذکر سلسله حضرات خواجها^۱ و مشايخ ترکی . - باب هشتم در ذکر مشايخ عصر غوث اعظم شاه محبی الدين شيخ عبدالقادر جيلانی . - باب نهم در ذکر مشايخ سهرورديه و کبرويه و چشتيه . - باب دهم در ذکر مشايخ دهلی و گجرات و غير آن از هندوستان . - باب يازدهم در ذکر شعرا | که از قاسم انوار آغاز می شود و به باباکمال خجندی پایان می یابد | . - باب دوازدهم در ذکر نساء عارفات . خاتمه در ذکر فضائل و مناقب اهل بیت طاهرین و خلفاء راشدین و شمعی از احوال خضر و الیاس» .

ملا ابوالبرکات بن ملاعبدالمجید ملتانی لاهوری از
 ۵۵- منیر لاهوری^۱ مشاهیر منشیان و شاعران هند است که گویند فارسی

- ۱- مقصود خواجگان نقشبندی است.
- ۲- درباره او بنگرید به:
- روز روشن، چاپ تهران ۱۳۴۳، ص ۷۷۴ - ۷۷۶.
- نتایج الافکار، چاپ بمبئی، ص ۶۳۷ - ۶۴۰.
- سروآزاد، ص ۶۰.
- مرآةالخیال، ص ۱۱۹.
- تاریخ تذکره های فارسی، ج ۱ ص ۳۷۷.
- هدیه العارفین، ج ۱، ستون ۶۲۰ ذیل منیر ملتانی.
- تذکره پیمانه، احمد گلچین معانی، مشهد ۱۳۵۹، ص ۵۲۳ - ۵۳۰.
- شاهجهان نامه یا عمل صالح از محمد صالح کتبی، چاپ کلکته، ج ۳، ص ۴۰۸ - ۴۱۴ و ۴۱۱ که آقای گلچین معانی برگزیده و در تذکره پیمانه آورده است.

را از بسیاری فارسی‌گویان بهتر می‌دانست. وی شاعر و منشی و نویسنده‌یی پرکار بود، منظومه‌های متعدد و دیوان کلیات و قطعات منثور و مجموعه‌های منشآت از او باقی مانده است. شعرش بفصاحت و باریکی مضمونها شناخته شده و نثرش سرمشق نویسندگان و مترسلان بوده. بیشتر از دوران نویسندگیش در دستگاه میرزا صفی مخاطب به سیف خان سپری شد. این سیف خان صوبه دار بنگال بود و در سال ۱۰۴۹ هـ بدورد حیات گفت. مجموعه نامه‌هایی که منیر لاهوری از جانب او بدربار و بصاحب منصبان و امیران دولت گورکانیان هند نوشته بخشی از «نگارستان منیر» یا «انشاء منیر» را تشکیل می‌دهد. وفاتش در جوانی بسال ۱۰۵۴ هـ اتفاق افتاد. مولوی محمد مظفر حسین صبا درباره او گوید: «ملا ابوالبرکات لاهوری خلف ملا عبدالمجید ملتانی [متخلص به منیر] در سخنوران هند صاحب استعدادی مثلش کمتر خاسته، زمین نظم‌ش با آسمان رسیده و کرسی نثرش با کرسی فلک برابر گردیده، و دز عهد صاحبقران ثانی شاهجهان پادشاه امیر منشیان سرکار سیف خان صوبه دار اله آباد بود، منشآت آن زمانش بانشاء منیر شهرت دارد... مثنوی رمز و ایما، نور و صفا، آب و رنگ، ساز و برگ، درد و الم؛ و رساله کارنامه و سراج منیر، و شرح قصائد عرفی بر کمالش در فن نظم و نثر شهود عدولند. میرزا جلال طباطبای کلیاتش را فراهم کرده...»

باید دانست که سراج منیر از کاشف است نه از منیر و اما کارستان یا کارنامه سرگذشت والا اختر فرمانروای هرموز است که با اسم شاهجهان با نثری زیبا و مصنوع نوشته شده و بسال ۱۰۵۰ هـ در شهر جونپور با تمام رسیده است و همه نثر و نظم آن از منیر است. نسخه‌یی ازین اثر ادبی زیبا را بشماره

→
* فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان نوشته سید عارف نوشاهی، لاهور

* فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس، ج ۱، ص ۴۰۳ و ج ۱۴، ص

Suppl.935 در کتابخانه ملی پاریس ملاحظه کردم که با سه نثر ظهوری همراه است و برای آنکه از انشاء این منشی ماهر نمونه‌یی در دست خواننده باشد بنقل قسمتی از دیباچه آن که از سنخ نثر موزون و مشحون بصنایع لفظی و معنویست می‌پردازم: «... ملکا من خاکسار را که وطنم زمین سخنست و سخنم غریب وطن، در ملک معنی پایه خسروی ده و در شهرستان دانش ریاست معنوی بخش، تیر کلکم را فصاحت کیش گردان و خدنگ اندیشه‌ام را با ماجگاه مدعا رسان، نیزه قلم را در قلمرو سخن نشان ظفر عطا فرمای و سیاهی لشکر سخنم را بکو کبه معانی بیارای، تیغ وار گوهرهای دلم را بر روی آب آور و کمند کردار طره سخنم را بتاب آور، تازی فکرم را در مضمار پارسی برانگیز و مانند تیر سخنان رنگین را با دهانم بیامیز، خسرو طبعم را در سایه چتر فیض دار و بادپای سخنم را در عرصه معنی بجولان آر... پایه‌یی ده که کوس معنی نوازی زخم و رتبه‌یی بخش که خود را در قلمرانی علم کنم، گلگون سخنم را صبا رفتاری آموز و سواد سخنم را بدرخش تیغ زبانم برافروز... الخ». نسخه دیگری ازین کتاب مزین مسجع در کتابخانه دیوان هند است (بشماره فهرست ۲۰۸۳، فهرست ج ۱، س ۱۱۵۰).

از منشآت منیر دو مجموعه در دستت بنام نگارستان و نوباوه. مجموعه نگارستان که بانشاء منیر نیز شهرت دارد تشکیل شده است از: ۱) چهل و پنج نامه و چهارده رقعده که منیر از طرف سیف خان نوشت، ۲) سی و هشت رقعده از منیر، ۳) سه مناظره بنثر از منیر بنام مناظره اربع عناصر، مناظره تیغ و قلم، مناظره روز و شب. این کتاب چندبار بطبع رسیده و نسخه‌های خطی آن بسیارست.

مجموعه نوباوه را منیر بسال ۱۰۵۱، بعد از نگارستان از رقععات خود فراهم آورد و از آن نیز نسخه‌های بسیار در دستت و بطبع نیز رسیده است. بحث درباره اثرهای منیر فرصت بیشتری می‌خواهد و آن برعهده هموطنان اوست و درینجا تنها منظور ذکر خیری از آن استاد بود. این رباعی را

منیر چه خوش سروده است:

روزی که سموم حشر افزون گردد وز آتش مهر چهره گلگون گردد
با دوزخیان چنان بدوقی سوزیم کز رشک دل بهشتیان خون گردد

۵۶- محمد یوسف آنکی^۱ محمد یوسف بن شیخ رحمةالله اتکی از مورخان و مؤلفان سده یازدهم هجری بود. اصلش از اتک پنجابست و اثری که ازو شهرت یافته منتخبالتواریخ نام دارد و آن غیر از منتخبالتواریخ بدائونست. کتاب محمدیوسف تاریخ عمومی عالمست از آغاز تا جلوس شاه جهان در ۱۰۳۷ ه. در آن از مأخذهای مختلفی که مؤلف نام برده استفاده شده و تألیفش بسال ۱۰۵۶ ه. با مقدمه و پنج «قسم» و خاتمه بانجام رسیده است. در قسم پنجم این کتاب از سرگذشت ائمه و مشایخ و عالمان و شاعران و در خاتمه از اقالیم سبعة سخن رفته است. در «قسم»های پنجگانه این کتاب تاریخ عمومی همه ملتها تا عهد مؤلف بتفصیل نسبی مورد بحث قرار گرفته است ولی اگر مطلب تازه‌یی در آن یافته شود مربوط خواهد بود بهندوستان در عهد مؤلف. نثر محمد یوسف ساده و دور از آرایشهای منشیانه است. از آن نسخه‌هایی (بیشتر در هند) موجودست .

۵۷- میرزا صادق مینا^۲ میرزامحمد صادق پسر میرزامحمد صالح اصفهانی آزادانی متخلص به صادقی و مشهور به میرزاصادق

- ۱- درباره او بنگرید به فهرست ریو، ص ۱۲۲ - ۱۲۴ و بتاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۳۳۵ - ۳۳۹.
- ۲- درباره او بنگرید به:
- تذکره نصرآبادی، ص ۶۴ و ۴۵۲.
- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه، ج ۲، تألیف آقای علی نقی منزوی، تهران، ۱۳۳۲، ص ۵۹۴ - ۶۰۵.

مینا از مؤلفان مشهور سده یازدهم هجریست که بسال ۱۰۱۸ هـ در بندر سورات هندوستان زاده شد.

پدرش میرزا محمد صالح که جد پدری میرزا محمد طاهر نصر آبادی مؤلف تذکره معروفست، در طلب روزی بهندوستان رفت و در شمار اطرافیان میرزا عبدالرحیم خانخانان سپهسالار جلال الدین اکبر و جهانگیر پادشاه در آمد و بقول میرزا محمد طاهر «در آن ولایت میل کدخدایی کرده و فرزندان بهم رسانید، میرزا صادق مینا یکی از ایشانست که بسبب کمالات صوری و معنوی در هند علم بود». میرزا صالح تا اوایل پادشاهی شاهجهان (جلوس در ۱۰۳۷ هـ) زنده بود و در همان اوان درگذشت. وی بنا بر نقل نواده اش میرزا محمد طاهر، شعر می سرود و این رباعی ازوست:

برگرد چمن بسی دویدیم چو آب جز عکس گل و لاله ندیدیم چو آب
از باد زبیدلی تپیدیم چو آب در خاک زماندگی خزیدیم چو آب
نصر آبادی گوید که «میرزا صادق ولد میرزا صالح که جد راقمست، در هندوستان بعرضه وجود آمده در کمال استعداد و نهایت قابلیت بود چنانچه (= چنانکه) در ولایت هندوستان مشهورست، چون در حین اسب جهانیدن افتاد و یک چشم او ناقص شده چشمی از مینا ساخته بجای آن گذاشته بمیرزا صادق مینا مشهور شد، از جمیع علوم خصوصاً هندسه و حساب و استرلاب و اصول ریاضی بهره ور بود، با وجود اینها در سپاهیگری و شجاعت و تهور هم ممتاز

→

- مجله یادگار، سال دوم شماره ۴ ص ۱۹ - ۲۱ و نقل فصل هفتاد و نهم از باب سوم کتاب شاهد صادق از ص ۲۲ آن شماره تا چند شماره بعد.
- فهرست نسخه های فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، چارلز ریبو، ص ۷۷۵ - ۷۷۶ و ۸۸۹ و ۱۰۰۵ و ۱۰۹۳.

- مآثر رحیمی، میر عبدالباقی نهاوندی، ج ۳ ص ۱۶۴۳ - ۱۶۴۷.
- تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۳۲۳ - ۳۲۶.
- قسمت منقول از مقدمه کتاب شاهد صادق در همین گفتار.

بود چنانچه (= چنانکه) از قبل پادشاهزاده شجاع^۱ با متمردان ولایت بنگاله در دریا و صحرا مکرر جنگهای مردانه کرده شرح آنها را بنظم آورده جهت فقیر (= میرزا طاهر) فرستاده بود و در سنه ۱۰۶۱ در هندوستان فوت شد^۲ چند بییتی که میرزا طاهر از میرزا صادق نقل کرده از همان رزمنامه بیست که درباره جنگهای خود ببحر متقارب ساخته و از یک مثنوی دیگر ببحر هزج مسدس محذوف.

و اما میرزا صادق خود شرح حالش را در مطلع دوازدهم از مجلد سوم از کتاب صبح صادق آورده و از مجمل آن چنین برمی آید که در سال ۱۰۱۸ در بندر سورات هندوستان ولادت یافته و پدرش محمد صالح در خدمت میرزا عبدالرحیم خانخانان میزیسته و در سال ۱۰۲۷ ملازم پدرش بود که به اله آباد رفته و در دستگاه شهزاده پرویز پسر جهانگیر منصب میرسامانی یافته بود. چند سال هم در پتنه و جونپور سرگرم دانش آموزی بود تا در سال ۱۰۳۵ در رکاب شهزاده پرویز و به همراه پدر بدکن رهسپار گردید و سال بعد یعنی در ۱۰۳۶ بخدمت شاهزاده خرم (= شاهجهان) راه یافت و بمرتبه واقع نویسی درگاه او برگزیده شد و در سال اول سلطنت شاهجهان (۱۰۳۷ هـ) بجهانگیر نگر مرکز بنگاله که اقامتگاه قاسم خان^۳ داماد جهانگیر پادشاه بود رفت و بامر او در بعضی جنگها مرتبه سپهداری داشت، و بعد در دوره سرکشی و عصیان قاسم خان جزو سردارانی بود که با او جنگیدند و بهمین سبب مورد عتاب اعظم خان و اسلام خان پسران قاسم خان قرار گرفت و در سلیم آباد بنگاله بزندان افتاد و پس از چندی رهایی یافت (۱۰۴۸ هـ) و گویا بعد از آن ایام را بعزالت گذراند تا چنانکه نصر آبادی نوشته است بسال ۱۰۶۱ در گذشت.

۱- شاهزاده شجاع یکی از پسران شاهجهان و از مدعیان سلطنت در آخرین سالهای

پادشاهی پدرش بود.

۲- تذکره نصرآبادی، ص ۶۴.

۳- ایضاً، ص ۶۳.

میرزا محمدصادق غیر از رزمنامه‌یی که در شرح جنگهای خود ساخته و بجز مثنوی دیگری که از وی یاد کرده‌ام، و شاید گذشته از مجموعه اشعار، دو اثر بسیار سودمند و جامع دارد که بعلمت اشتغال بر مطالبهای مختلف می‌توان آنها را در جزو مقوله‌های گوناگون تاریخ، تذکره، علم اخلاق، حکایات و امثال، موضوعات علوم و جز آنها آورد، بدین شرح:

۱) شاهد صادق که کتابیست عظیم در مقدمه و پنج باب و خاتمه. بابهای پنجگانه و خاتمه این کتاب بر رویهم پانصد و چهل و دو فصل دارد که در آنها جستارهای گوناگون دینی و علمی و ادبی و تاریخی و اخلاقی و تراجم احوال و سنتها و هنجارها و روشهای کار در هر دانش و هر کار همراه با نوادر حکایات و امثال آمده است و میرزا محمدصادق آن را در حدود سی و هفت سالگی خود بسال ۱۰۵۴ هـ تألیف کرده و در این گردآوری از مأخذهای متعدد بهره برداشته است. وی در مقدمه کتاب شرحی در شیوه کار خود و فهرست بابهای پنجگانه و موضوعات آن آورده که اینک آن را از نسخه موجود در کتابخانه موزه بریتانیا بشماره Egerton 1016 که نسخه کاملی ازین کتابست، نقل می‌کنم:

«در هزار و پنجاه و چهار از هجرت سیدالابرار که خاطری شاد و دلی آباد داشتم، خواستم صحیفه‌یی نگارم و مجموعه‌یی فراهم آرم مشتمل بر انواع علوم و آداب و القاب و اقسام جد و هزل از هر باب تا در محاضرات بکار آید و مطالعه اهل فضل را شاید و ارباب طرب و نشاط را انبساط افزاید و همگی همت بر آن گماشتم که از آیات بینات و اخبار سیدالاخیار و صحابه و تابعین و احوال ملوک و سلاطین و اقوال علما و حکما و متکلمین و لطایف فصحا و شعرا و ظرفا آنچه مناسب مقام نماید در ذیل آن نگاشته آید. پس مدت سه سال در آن خیال بودم و لحظه‌یی از آن حال نیاسودم و بسی رنج کشیدم تا هر صفحه را گنجی دیدم مشحون بجواهر نکات و نوادر حالات، با خود گفتم آن اشقات را ترکیبی و آن کمالات را ترکیبی دهم و هر فصلی و نقلی را بجای

آن نهم...» بعد گوید که پس از سفرهای دور و دراز سامان اقامتی فراهم آمد و فرصتی دست داد تا آن یادداشتها و منقولات را نظم و ترتیبی دهد و اسم آن را «شاهد صادق» نهاد «زیرا گواه حال منست و نامه اعمال من».

همچنانکه گفتم این کتاب پنج باب و خاتمه دارد: باب اول در ذکر خدا و رسول و نبوت و ولایت و ایمان و اسلام و حسنات و سیئات و آنچه بدین مناسب بود. - باب دوم در ریاست و سلطنت و حکومت و آداب و متعلقات آن. - باب سیوم در عقل و علم و عیب و هنر و آنچه مناسب بدانست. - باب چهارم در عشق و محبت و عداوت و فقیر و غنی و عیش و غم و لهو و لعب و سعی و سفر و آنچه بدین لایق بود. - باب پنجم در عالم و زمان و بقا و فنا و موت و حیات و ذکر افلاک و عناصر و موالید و آنچه متعلق است بدان. - خاتمه در ضبط اسماء.

هر یک از این بابها چندین فصل دارد مثلاً باب اول در صد و هفت فصل است که در حقیقت کتاب مفصلی است در اخلاق. باب دوم در هفتاد و هفت فصل تنظیم شده که بیشتر آن حکمت عملی (قسمت سیاست مدن) است و باب سیوم در هشتاد فصل و باب چهارم در هفتاد و پنج فصل و باب پنجم در نود و شش فصل و خاتمه در صد و هفت فصل.

شاهد صادق در بعض موارد بدانسانهایی شباهت پیدا می کند و حاوی اطلاعات خوبی می شود حتی در موضوعات علوم و شرح و توضیح کافی درباره هر یک از آنها. در فصل علم اخبار و سیر که فصل هفتاد و نهم از باب سیوم است پس از معرفی این علم حوادث سنین هجری را از سال اول هجرت تا سال ۱۰۴۲ هـ آورده و در این سال اخیر بحمله شاهجهان بدکن و فتح بسی از نواحی آن سرزمین و گشودن قلعه دولت آباد بدست مهابت خان اشاره کرده است. تاریخهای مرگ گروه بزرگی از عالمان و ادیبان و شاعران مشهور در این فصل بمحققان تاریخ و ادب یاوری بسیار کرده و می کند. - در فصل هشتادم از باب سوم که بعلم امثال اختصاص دارد بعد از تعریف آن علم

بآوردن امثال بنظم الفبایی پرداخته است مثل «آن قدح بشکست و آن ساقی نماند؛ آن دفتر را گاو خورد؛ آن را که حساب پاکست از محاسبه چه باک؛ آب که از سر گذشت چه یک نیزه و چه صد نیزه؛ این را بکسی گو که ترا نشناسد». - فصل پنجاه و یکم از باب چهارم در معرفت اقلیمهای هفتگانه و فهرست الفبایی شهرهای بزرگست با طول و عرض آنها و وصف مختصری از هر یک...

این گزینش کوتاه من از بعض بابها و فصلها برای معرفی بسیار اجمالی هر یک نباید ما را از سودمندی بسیاری دیگر از بخشهای این کتاب عظیم باز دارد زیرا این کتاب در حکم یک دائرةالمعارف از دانشها و اطلاعات مختلف تا عهد مؤلف و کتابیست که بیقین شایستگی طبع و نشر دارد. آقای ع. منزوی مؤلف جلد دوم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران عنوان پنج باب و فصلهای هر یک از آنها را در کتاب خود نقل کرده (از ص ۵۹۶ تا ۶۰۴) و چون نسخه کتابخانه دانشگاه تهران فاقد خاتمه است عنوانهای فصول آن را نیاورده است.

استاد فقید مرحوم عباس اقبال آشتیانی قسمت بزرگی از فصل هفتاد و نهم از باب سوم کتاب را که در اخبار و سیر است در مجله یادگار (سال دوم از شماره چهارم تا شماره دهم) نقل کرده و در این نقل سال ۲۰۰ هجری را مبدأ قرار داده است و مطالب آن بسال ۱۰۴۱ ه ختم می شود، باین عبارت: «(۱۰۴۱) شاهجهان پادشاه غازی قصد بلاد دکن کرد و بسی از آن مملکت بگشود و عنقریب قلعه دولت آباد که قاعده آن دیار است بحسن سعی مهابت خان خانان مفتوح گردید».

(۲) اثر دیگر میرزا محمدصادق مینا کتاب صبح صادق است که خود از آن در فصل هفتاد و نهم باب سوم شاهد صادق یاد کرده و مدعی شده است که مطالب آن جوینده را از کتابهای بسیار بی نیاز خواهد ساخت. این کتاب هم در تاریخ و جغرافیاست که در چهار مجلد بنام شاهزاده شجاع بن شاهجهان تألیف

شده و مجلد سوم آن حاوی تراجم احوال مردان بزرگ سیاست و علم و ادب تا سال ۱۰۴۸ یعنی سال تألیف کتابست و بعضی از اطلاعات آن که نتیجه رابطه مستقیم میرزا محمدصادق با رجال عهد خود و یا ملاقات با آنانست قابل توجه بسیارست.

نمونه نثر ساده محمدصادق مینا را در همین گفتار دیده‌اید و گمان می‌رود برای آشنائی با بیان او کافیست.

عنایت‌الله کنبوی لاهوری از پارسی نویسان معروف
 ۵۸- عنایت‌الله کنبوی
 هند در سده یازدهم هجریست. وی برادر بزرگتر محمدصالح کنبو مؤلف کتاب عمل صالح یا شاهجهان نامه است که بزودی درباره او سخن خواهیم گفت. ولادت عنایت‌الله در نوزدهم ماه جمادی‌الاولی سال ۱۰۱۷ هجری در برهانپور اتفاق افتاد زیرا که والدینش که لاهوری بودند بعلتی در آنجا بسر می‌پردند ولی پدرش که هنوز جوان بود در آنجا در گذشت و خانواده‌اش بلاهور بازگشت. عنایت‌الله در لاهور بکسب دانشهای زمان پرداخت و در تربیت برادر کوچکش محمدصالح نیز کوشید و این هر دو برادر از عهد شباب بخدمات دیوانی اشتغال جستند، ولی بعد از چندی عنایت‌الله بدهلی انتقال یافت و در آنجا خانقاهی نزدیک مرقد قطب‌الدین بختیار کاکلی بنا کرد و در آن بعبادت و ریاضت پرداخت تا در جمادی‌الاولی سال ۱۰۸۲

۱- درباره او بنگرید به:

- مقاله عنایت‌الله کنبو در آنسیکلریدی اسلام، طبع جدید ج ۳، ص ۱۲۳۴.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، بلوشه، ج ۴، ص ۶۵.
- ترجمه تاریخ ادبیات فارسی اته، ص ۲۲۵.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، ریو، ص ۷۶۵.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دیوان هند، اته، ج ۱۱، ص ۵۲۹ - ۵۳۰.
- تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۱۸۶ و ص ۴۹۲ - ۴۹۴.

در گذشت.

وی مورخ و نویسنده و شاعر بود. از تألیفاتش نخست تکمله اکبرنامه شیخ ابوالفضل علامی است، باین معنی که چون ابوالفضل بسبب قتل او بر دست عاملان جهانگیر (پیش از رسیدن بسطنت) نتوانست اکبرنامه را بپایان برساند در ۱۰۳۷ هـ عنایت‌الله از طرف شاهجهان مأمور شد که حوادث چهار سال آخر دوره جلال‌الدین اکبر را برشته تحریر در آورد و بر اکبرنامه بیفزاید. این ذیل یا تکمله حاوی اطلاعات سودمندی است درباره عصیان و خروج جهانگیر بر پدرش اکبر، قتل خائنانه ابوالفضل علامی بتحریرک جهانگیر، تعقیب و مجازات قاتلان ابوالفضل بفرمان اکبر، جنگهای دکن، بیماری و مرگ اکبر. عنایت‌الله در نگارش این ذیل یا تکمله سعی داشت تا روش ابوالفضل علامی را دنبال کند. این ذیل در ضمیمه جلد سوم اکبرنامه بسال ۱۸۸۷ میلادی در کلکته بطبع رسید.

اثر دیگر عنایت‌الله لاهوری کتاب تاریخ دلگشا ست در ذکر پادشاهی شاهجهان و بعضی از رویدادهای اوایل عهد اورنگ زیب (۱۰۶۸ - ۱۱۱۸ هـ). البته مؤلف بشیوه بیشتر تاریخنویسان عهد گورکانیان هند برای بیان پادشاهی شاهجهان سخنان خود را از ذکر تاریخ نیاکانش آغاز کرد.

مهمترین اثر عنایت‌الله کنبو کتاب بهار دانش اوست که بسال ۱۰۶۰ بنام شاهجهان تألیف کرده و یک کتاب ادبی است و موضوع آن عشق جهاندار سلطان و بهره‌ور بانوست که با عده‌بی حکایت و قصص همراه است و بی شباهت بکتاب هزار و یک شب نیست. این کتاب دو مقدمه دارد، نخست از محمد صالح کنبو برادر خردتر و شاگرد عنایت‌الله کنبو که خبر از اتمام تألیف کتاب در سال ۱۰۶۰ می‌دهد و سپس مقدمه عنایت‌الله آمده است که مدعیست داستانها را از برهمن پسری شنیده و از هندی بیارسی در آورده و در این باره چنین نوشته است: «بر ضمیر مهر نشان و خاطر صبح توامان چمن پیرایان باغ فضل و هنر و سخن پروران والا گوهر پوشیده مباد که روزی در ایام

عیش و نشاط و هنگام مسرت و انبساط که از آثار انظار گرم خسرو انجم سطح خاک چون ساحت افلاک سبز بود و صحن چمن از نسرين و نسترن رشک افزای نسرين و پرن، بتکلیف بعضی از دوستان موافق چون گلهای بوستان سری بصحرا کشیدم. دیدم ساقی سحاب بآیین همت بلند ان لطف سرشار بحال سبز بختان روزگار مبدول داشته و زمین با همه وقار از سر خوشی نشأه آب بکردار تنک ظرفان ضمیر دل بیرون انداخته...» و بعد از وصف طولانی از بهار دلفروز گوید که انجم دوستان در چنین زمان فرح بخشی انعقاد یافت ولی او از صحبت آنان فارغ و بتمشای هندو پسر برهنه زاده‌یی سرگرم بود که در مصاحبتش زبان بسخن گشود «پس این داستان دلستان که گلهای معانی را تازه بوستان نیست بزبان هندی بلفظی که پنداشتی از طبله یا قوت گوهر مکنون می‌ریزد بمعرض تبیان آورده و گفت هیچ روضه‌یی دلگشا تر و حدیقه‌یی جانفزاتر ازین نباشد که این عود هندی را بر آتش پارسی گذاشته آید... لاجرم بنده خاکسار عنایت‌الله کمبوه که خوشه چین خرمن خدایان سخن و تمتع گزین خدمت ارباب دانش و فرهنگ و زله ربای خوان سیرچشمان مانده خرد است باشاره آن بدر منیر آسمان نیکویی گلهای چیده را از دامن ریخت و بچمن پیرایی این گلستان دانشوری کمر جهد قائم بست... و... به بهار دانش موسوم گردانید».

این کتاب چندین بار بطبع رسیده است: کلکته ۱۸۰۹ و ۱۸۳۶؛ دهلی ۱۸۴۹، بمبئی ۱۲۷۷ ه.ق؛ و ترجمه‌هایی از آن بانگلیسی و بآلمانی و بفرانسوی و غیره صورت گرفته^۱ و یکبار بدست شاعری متخلص به عزت بنام تیپوسلطان پادشاه میسور (۱۱۹۷ - ۱۲۱۳ ه) ببحر هزج مسدس مقصور بنظم درآمد.

۱- ترجمه تاریخ ادبیات فارسی، ص ۲۲۶؛ فهرست کتابخانه دیوان هند، ج ۱، ص

میرزا محمد جلال‌الدین طباطبایی زواری از شاعران
 ۵۹- جلالی طباطبایی و نثرنویسان و مؤلفان معروف در سده یازدهم
 هجریست. نصرآبادی او را از سادات طباطبایی قهپایه و صاحب روز روشن او
 را یک بار نصرآبادی (ص ۱۷۳) دانسته و باردیگر با تخلص جلالی از سادات
 اردستان شمرده (ص ۱۷۶) و محمد صالح کنبوه در شاهجهان نامه یا عمل
 صالح او را یزدی خوانده است ولی او در موثق‌ترین مأخذها قهپایه‌یی زواری و
 از سادات آنجاست. نصرآبادی نوشته است که «مشارالیه صاحب کمالات
 صوری و معنوی بوده در ترتیب انشاء نهایت مولویت داشته صلاح و تقوای او
 بمرتبه‌یی بود که شرح نتوان داد چنانچه (= چنانکه) اکثر شبها به بیداری و
 مداومت ادعیه اوقات صرف می‌کرد. از عراق به هندوستان [رفت و] در خدمت
 شاهجهان کمال اعتبار داشت. حسب‌الامر سوانح ایام آن پادشاه را بخوبترین
 عبارتی بسلك تحریرکشید. یاران که آن تاریخ را دیده‌اند نقل می‌کنند که
 بطریق و صاف نوشته. پادشاه باو مهربانی بسیار می‌کرد اما او در فکر ذخیره
 نبود، با مصاحبان و ندما و فقرا صرف می‌کرد، چند سال قبل از حال تحریر

۱- درباره او بنگرید به:

- شاهجهان نامه یا عمل صالح، محمد صالح کنبوه، لاهور ۱۹۶۷، ج ۳ ص ۴۳۲ و ۴۳۶.
- فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، احمد منزوی، ج ۵ بی‌تاریخ ص ۱۴۱

- ۱۴۲ -

- تذکره نصرآبادی، تهران ۱۳۱۷، ص ۱۰۲ - ۱۰۳.
- روز روشن، تهران ۱۳۴۳، ص ۱۷۳ و ۱۷۶.
- تاریخ ادبیات فارسی، هرمان اته، ترجمه استاد فقید دکتر رضازاده شفق، تهران ۱۳۳۷،

ص ۲۷۰ - ۲۷۱.

- مقدمه دستورنامه کسروی، چاپ نبریز ۱۳۳۴ بقلم مرحوم مجتبی مینوی.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، چارلز ریو، ص ۹۳۲ - ۹۳۳.
- تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، دکتر آفتاب اصغر، لاهور ۱۳۶۴ ش، ص ۳۲۷

- ۳۲۹ -

فوت شد. حضرت میرزا میرک^۱ این رباعی را ازو نقل می‌کرد:

دانا بارخطاب برمی‌دارد کم حوصلگی شراب برمی‌دارد
می‌دردل دردمند دارد تأثیر هر جازخمی است آب برمی‌دارد»

در روز روشن این رباعی با تغییرات و تصرفاتی نقل شده است.^۲ صاحب روز روشن هم او را «جلالا طباطبا نصر آبادی» نوشته و گفته است که از سادات قهپایه بود و در نثر پردازى و نظم طرازی صاحب سرمایه. ارباب استعداد نثرش را بر نظم ترجیح می‌دهند و نظمش در کفه میزان نثرش نمی‌نهند. در عهد شاهجهان بهندوستان رسیده در دهلی توطن‌گزید و سوانح شاهجهانی را بکمال فصاحت و بلاغت بحیطه تحریر کشیده مطرح تفضلات شاهی گردید. حکیم شفائی خان با وی بد بود و بدین شعر هجوش نمود:

جیم جهل و الف ابلهی و لام لجاج هر سه در اسم تو جمعست جللا چه علاج!
محمد صالح کنبوه هم که ازو در عمل صالح یاد کرده بستایش
مبالغه‌آمیز نثر او پرداخته و گفته است که «هیچکدام از سخن سنجان و الامقدار
را که وجودشان پیرایه این روزگارست، قدرت نیست که در برابر عبارتی که
از کلک دو زبان آن دودمان سخن بیرون تراویده یک حرف تواند بقلم
آورد».

اگرچه اطلاعات ما درباره احوالش چندان زیاد نیست ولی این را می‌دانیم که وی در ایران کسب دانش کرد و سپس در سال ۱۰۴۴ هـ روانه هند شد (عمل صالح) و بدربار شاهجهان راه یافت و از مقبولان درگاه گشت و «به نگارش احوال خیرمال مأذون گردید» (عمل صالح) و البته این «احوال خیرمال» مربوط بهمه روزگار پادشاهی شاهجهان نیست بلکه ظاهراً حدود پنج

۱- درباره میرزامیرک بنگرید به تذکره نصرآبادی، ص ۱۲۱ - ۱۲۲.

۲- چنین:

دانا ناز و عتاب برمی‌دارد	کم حوصله کی شراب برمی‌دارد
می‌دردل دردمند تأثیر کند	هر جازخمی است آب برمی‌دارد

سال از آن یعنی سالهای ۱۰۴۲ - ۱۰۴۶ را در بر داشته است و علت این کوتاهی مدت گویا تضریب اهل حسد در نزد شاهجهان بود و این معنی از گفتار محمد صالح کنبوه در عمل صالح برمی آید که نوشته است «... در نگارش صور آثار بدیعه پنج ساله احوال آن حضرت کارنامه‌یی بر روی کار آورده بود که اگر از ناتوان بینی اکثر اعزه برهم نخورده صورت تمامیت می‌یافت و اثری از و باقی می‌ماند آوازه سخن تازه او آویزه گوش روزگار گشته سرمشق فطرت تازه نگاران هند و ایران می‌شد»^۱.

اگرچه شاهجهان نامه یا پادشاه نامه جلالی طباطبایی تنها کارنامه پنج سال از دوران شاهجهانست ولی با این حال تاریخ پرارزش و سند معتبری از تاریخ دوران کوتاه یاد شده است زیرا جلالا درین مدت مورخ رسمی دربار بوده و باسناد معتبر دسترس داشته و از آنها در تألیف کتاب خود بهره‌مند شده است.

اثر دیگر جلالا کتاب دستورنامه کسروی یا توقیعات کسروی یا توقیعات کسری یا توقیعات مطول است که پیش از این درباره آن سخن گفته‌ام^۲.

دیگر مجموعه نامه‌ها و بعضی منشآت اوست که به «رقعات جلالا» شهرت دارد و از آن نسخه‌هایی در دستست^۳. از مجموعه‌یی دیگر از نوشته‌های او بنام «منشآت جلالا» هم نسخه‌هایی موجودست که دیباچه دیوان ابوطالب کلیم و دیباچه دیوان قدسی جزو آنهاست^۴. دیگر «سه نثر جلالا» ست که بتقلید از سه نثر ظهوری تهیه شده^۵. دیگر ظفرنامه فتح کانگره یا شش فتح کانگره مربوط

۱- عمل صالح، ج ۳، ص ۴۳۲.

۲- بنگرید بهمین جلد و همین بخش ص ۱۴۹۱ - ۱۴۹۲ ذیل عنوان جستارهای اخلاقی.

۳- فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، منزوی، ج ۵، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.

۴- ایضاً ص ۱۴۲.

۵- ایضاً ص ۱۴۲.

بفتح قلعه مذکورست بسال ۱۰۲۷ ه.ق بوسیله سپاهیان شاهجهان^۱.
جلالا یکی از منشیان زبردست عهد خود بوده که در نثر منشیانه و
مصنوع شهرت داشت. محمد صالح کنبوه درباره شیوه نویسنده گی جلالا گوید:
«میرزا جلالای طباطبایی یزدی در پرداخت نثر ید بیضا می نماید و در فن انشاء
و ترسیلات ایجاد طرز نو کرده سخن را جان تازه می بخشد و در اختراع معنی
دستگاهش بلندست و در ابداع مضامین ید طولی دارد»^۲ و چنانکه در نوشته
نصرآبادی دیده ایم ناقدان عهد شیوه میرزا جلال را در نثر با طرز و صاف
مشابه دانستمانند.

میرمحمد شریف بن شمس الدین محمد متخلص
۶۰- کاشف^۳
بکاشف از معاصران شاه عباس بزرگ و از مؤلفان
و نویسندگان و شاعران سده یازدهم هجریست. نصرآبادی^۴ از او و خاندانش
نام برده و خانواده اش را بفضل و ذوق ستوده است. پدر کاشف، شمسی
شیرازی در علم سیاق بی مانند بود و پسرانش شریفا (یعنی همین میرمحمد
شریف) و منصف و مقیما خوش طبع و صاحب ذوق و شاعر بوده اند.
نصرآبادی بویژه درباره شریفا می نویسد «کاشف تخلص دارد،
برادر کوچک منصف، او هم مثل برادرش خوش طبیعت بوده، پاره بی تحصیل
هم نموده چنانچه (= چنانکه) قضای طرشت که از قرای عظیم ری است با او
بوده و در نظم و نثر صاحب قدرتست، تألیفی از او بنظر رسید مسمی بخزان و
بهار، نهایت لطافت از سخنش ظاهرست و اشعار خود را همه جا پسندیده
آورده، در خاتمه احوال خود را قلمی نموده، اسم اشعار نظم او بدین موجبست:

۱- فهرست نسخه های خطی فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، ص ۹۳۲ - ۹۳۳.

۲- عمل صالح، ج ۳، ص ۴۳۶.

۳- مآخذ احوال و آثار او در پایان این گفتار مذکور خواهد افتاد.

۴- تذکره، ص ۲۵۱ - ۲۵۲.

لیلی و مجنون، عباس نامه، هفت پیکر. قصائد و غزل هم دارد، و اسامی نثرش بدین موجبست: سراج‌المنیر، در مکتون، خزان و بهار...».

همچنانکه نصرآبادی نوشت میرمحمد شریف در خاتمه کتاب خزان و بهار شرح حال خود و پدرش را آورده که خلاصه آن چنین است که با پدرش شمسای شیرازی چندگاهی در کربلا اقامت گزید ولی در سال ۱۰۰۶ که مصادف با سه سالگی شریفا بود باصفهان رفت و سفری هم همراه پدر بمشهد کرد و بعد از هفت ماه باصفهان بازگشت و بیست سال در آنجا ماند و در این مدت سرگرم تحصیل و ادب آموزی بود و بعد بری (تهران) رفت و در آنجا بمدت پانزده سال سمت قضا | ی قصبه طرشت چنانکه نصرآبادی گفته است | داشت.

سراج‌المنیر مجموعه بیست از حکایتهای اخلاقی در بیان فضائل و محاسن اخلاق که محمد شریف بسال ۱۰۳۰ تألیف کرده و بنای آن را بر بیست «لمعه» نهاده است بدین شرح: (۱) در شرایط ادب (۲) در حیا (۳) در فواید حلم (۴) در مناقب عدل (۵) در محامد احسان (۶) در حلاوت صبر (۷) در عذوبت عشق (۸) در چاشنی محبت (۹) در مکارم سخاوت (۱۰) در محاسن شجاعت (۱۱) در مراعات صحبت (۱۲) در مرارت ادبار (۱۳) در نتایج خاموشی (۱۴) در عزت قناعت (۱۵) در ذلت طمع (۱۶) در ثمره فتوت (۱۷) در حسن تدبیر (۱۸) در شامت ظلم (۱۹) در مذمت خدعه (۲۰) در ملامت حسد. ازین کتاب نسخ بسیار در هند و ایران و کتابخانهای اروپا موجودست. نسخه کتابخانه ملی پاریس بشماره Suppl.1945 ملاحظه شد. انشاء کتاب مصنوع و متوسط و مطالب اخلاقی بر مبنای تعالیم اسلامیت. شریفا در خاتمه کتاب با انشائی متکلف خواست تا دم از استقلال خود در ایراد معانی دقیق و استعارات و تشبیهات بدیع زند، اما همان عبارات نشان از بیانی نه چندان توانا می‌دهد. این کتاب بسال ۱۲۶۵ ه.ق در بمبئی چاپ سنگی شد.

خزان و بهار که آن هم بر همان بنیاد اخلاقی سراج‌المنیر نهاده شده،

کتابیست در ذکر فضائل اخلاقی همراه با حکایتهایی مناسب با هر یک از آنها، بدین شرح که مؤلف چهارده اصل از اصول اخلاقی را در این کتاب مطرح نموده و بعد از شرح آنها حکایتهایی هم بمناسبت آورده است. محمد شریف کتاب خود را بسال ۱۰۶۳ بخواهش محمد اسمعیل منصف برادر بزرگتر خود در یک «مقدمه» و چهارده «اساس» و «خاتمه» با نثری مزین و مصنوع تنظیم کرده^۱ و در مقدمه گفته است: «خیال نقش بندم شاهد حال است که در این کارگاه بی بود و تار بشبهای تار همه خواب خود را صرف این مجمل نمودم تا مخملی از محمل سخن چون نافه بر ناقه زبان بستم... دندان غارت بر متاع دیگران تیز نکردم که نوک قلم نی در ناخنم داشت و از نهال خاطر غیر نوبری نچیدم که سین سخن اره بر سرم می گذاشت. چگونه بغارت خرمن سخن دیگران چون مور کمر بندم که دیگر کمر نبندم و چسان بر تخته نرد مهره چینان نراد داو کشم که دیگر داد نیابم...». این نمونه کوچکی است از عبارت پردازیهای کاشف در خزان و بهار که شیوه آن را در حکایتهایی هم که نقل کرده است می بینیم. نسخی ازین کتاب بشماره Or. 2957 در کتابخانه موزه بریتانیا ملاحظه شد. عنوان اساسهای چهارده گانه آن چنین است: صبر، رحم، ادب، طهارت، عبادت، لطف، یقین، حلم، قناعت، نصرت، مروت، سخاوت، کرامت، هدایت. خزان و بهار بسال ۱۲۸۶ بچاپ سنگی رسیده است. دو بیت زیرین از سخنان منظوم کاشف است.

باید سخنت بجای باشد خود هرزه درای باشد

۱- تاریخ آن چنین است:

بشاریخ وی گفت رای رزین که باید خزان و بهار این چنین

(= ۱۰۶۳)

با این حال در مقدمه نسخه شماره Or. 2957 کتابخانه موزه بریتانیا سخن از اتمام کتاب

بسال ۱۰۶۰ (تاریخ سنه ستین و الف من الهجرة) در آشتیان می رود. معلومست که کاشف کتاب را

در ۱۰۶۰ تمام کرده و تا ۱۰۶۳ در آن تجدید نظرهایی نموده است.

باید چو سحاب در بریزی غربال نمای که خاک بیزی^۱

شیخ محمد صالح کنبوی^۲ لاهوری از مورخان و
 ۶۱- محمد صالح کنبو نثرنویسان معروف هند در سده یازدهم هجریست.
 وی برادر کوچکتر عنایت‌الله کنبو نویسنده بهار دانش و پرورده او بود. از
 شرح حالش اطلاع کافی در دست نیست. چه از نوشته‌های معاصرانش و چه
 از تألیفات خود او مطلب مهمی درباره او فراز نمی‌آید. اثر مهم و اصلی او کتاب
 عمل صالح معروف بشاهجهان نامه است درباره شاهجهان و عهد او و اوایل
 عهد جانشینش اورنگ زیب عالمگیر بانضمام لاحقیمی در بیان حال رجال علم
 و ادب دوره شاهجهان. این کتاب در سه مجلد در سالهای ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۹
 میلادی در کلکته بطبع رسید. محمد صالح چنانکه خود گفته عمل صالح را در
 سال ۱۰۷۰ به پایان برد ولی بی‌یقین تا سال ۱۰۸۲ که سال فوت برادر خود
 عنایت‌الله کنبوه را نوشته در آن تجدید نظرهایی کرده است.

اثر مهم دیگر شیخ محمد صالح مجموعه منشآت اوست بنام بهار سخن
 در یک مقدمه و چهار بخش که هر یک را «چمن» نام داده است، و «خاتمه».
 این مجموعه بترتیب شامل ستایش شاهجهان و شرحی درباره منشاء این سفینه و
 ناممهایست که بوسیله مؤلف از طرف پادشاهان و امیران وقت او بیادشاهان

۱- درباره کاشف و اثرهایش بنگرید به:

• تذکره نصرآبادی، ص ۲۵۱ - ۲۵۲.

• ریاض‌العارفین آفتاب رای لکنوی، ج ۲، ص ۱۳۶.

• فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، ریو، ص ۸۶۱ - ۸۶۲.

• ضمیمه فهرست ریو، ص ۲۵۰ - ۲۵۱ و ۲۶۶ و ۲۶۹.

• فهرست نسخ فارسی کتابخانه دیوان هند، ج ۱، ص ۱۱۱۹ شماره فهرست ۲۲۰۶.

• ترجمه تاریخ ادبیات فارسی، اته، ص ۸۲ و ۸۴ و ۲۳۱ و ۲۳۴ و ۲۵۷.

۲- نسبت کنبو (کنبویی، کنبوه) یا کمبو (کمبویی، کمبوه) چنانکه در مقدمه عمل

صالح گفته شده، به محلی است موسوم به کنب (کنب) نزدیک غزنین.

ایران و توران نوشته شده و بعضی دیگر نامه‌های نویسنده است ببعضی از رجال معاصر خویش. مهمترین قسمت این مجموعه نامه‌هاییست که محمد صالح بهمعهدان معروفش مانند ملامنیر لاهوری، عنایت‌الله کنبوی لاهوری، میان عبدالله قادری نگاشته است و نیز بخش دیگر آن منشآت مصنوعیست در موضوعهای گوناگون که آخرین آنها توصیف‌هاییست از شاهجهان آباد، اگرا، کشمیر و دیگر شهرها و ناحیتهای هند. و همچنین است مقدمه محمد صالح بر سومین جلد پادشاه‌نامه و مقدمه بر بهار دانش و جز آنها.

جمع آوری و تنظیم این کتاب یکبار در سال ۱۰۶۵ (نسخه دیوان هند بشماره فهرست ۲۰۹۰) و بار دیگر بسال ۱۰۷۴ (نسخه کتابخانه موزه بریتانیا بشماره Or.178) انجام شده است.

محمد داراشکوه پسر شهاب‌الدین محمد خرم

۶۲- دارا شکوه

(شاهجهان) در سال ۱۰۲۴ هـ از ارجمند بانو دختر

یمین‌الدوله آصف خان بن غیاث‌الدین محمد تهرانی، ملقب به ممتاز محل (م ۱۰۴۰ هـ) زاده شد. وی نزد استادان معروف عهد خود ادب فارسی و هندی آموخت و در خط شاگرد ملاعبدالرشید دیلمی شاگرد و خواهرزاده میرعماد بود. از جوانی بعرفان توجه یافت و بفرقه قادریه گروید و از عرفان و حکمت و آیین هندویی هم زیر نفوذ یکی از معلمانش (بابالعل داس) آشنایی عمیق حاصل کرد و ترجمه کتاب اوپانیشادها خود معرف این حال است.

داراشکوه از میان برادران مورد علاقه خاص شاهجهان و ولیعهد او بود و بهمین سبب، خاصه بعلمت تمایلش بصوفیه، برادرانش با او از در مخالفت

۱- درباره او و اثرها و اندیشه‌های والایش از میان نوشته‌های مؤلفان مختلف رجوع شود

بمقدمه‌های مشروحی که دوست فاضلم آقای دکتر سید محمد رضا جلالی نائینی بر کتابهای سفینه‌الاولیا و سکینه‌الاولیا و اوپانیشادها و مجمع‌البحرین با استعفاء تمام نوشته‌اند.

در آمدند و اورنگ زیب که بر پدر و برادر شوریده بود، او را بخیانیت یکی از رؤسای افغان مقید ساخت و بعد از کسب فتوای فقها مبنی بر اینکه او طریق الحاد پیموده مخالف شرعست، در سال ۱۰۶۹ هـ بقتل رسانید و خاندانش را برانداخت.

از داراشکوه اثرهای متعدد برجای ماند که اینک بذکر مختصری درباره آنها مبادرت می‌شود:

(۱) سفینه‌الایا در ترجمه حال مشایخ تصوف که در ۱۰۴۹ هـ (بیست و پنج سالگی داراشکوه) تألیف شد. این کتاب در نه قسمت و بر رویهم حاوی چهارصد ترجمه حال است. در بخش اول سیره پیامبر و خلفای راشدین و دوازده امام شیعه و ائمه اربعه اهل سنت و در هشت قسمت دیگر بترتیب درباره تراجم احوال مشایخ جنیدیه و قادریه - نقشبندیه - چشتیه - کبراویه - سهروردیه - مشایخ متفرقه - حالات زنان پیامبر - حالات نساء عارفات و صالحات سخن رفته است و در ضمن بیان حال عارفان بسیاری از شاگردان و پروردگان آنان نیز معرفی شده‌اند. سفینه‌الاولیای داراشکوه بعلت دسترس داشتن مؤلفش بمآخذهای اساسی کتابی مهم در ذکر طبقات صوفیه است. نثری ساده دارد و چند بار بطبع رسیده، از آنجمله در ۱۲۶۹ هـ ق در اگره و در ۱۸۷۲ میلادی در لکنهو و در ۱۸۸۴ و ۱۹۰۰ در کانبور و در ۱۳۴۵ ش بتصحیح آقای دکتر سید محمدرضا جلالی نائینی در تهران.

(۲) سکینه‌الاولیا در شرح حال مشایخ قادریه از آغاز تا عهد مؤلف. داراشکوه در این کتاب گذشته از مأخذهای مکتوب از بسیاری روایتهای شفاهی نیز استفاده کرد. این کتاب در سال ۱۳۴۴ ش بتصحیح آقای دکتر جلالی نائینی در تهران بطبع رسید.

(۳) رساله حق نما که حاوی تحقیقی است عرفانی در شش فصل: اول در بیان عالم ناسوت - دوم در بیان عالم ملکوت - سوم در بیان عالم جبروت - چهارم در بیان عالم لاهوت - پنجم در بیان هویت رب‌الارباب - ششم در بیان

وحدت وجود. این رساله بسال ۱۰۵۶ تألیف شده و داراشکوه آن را مکمل فتوحات مکیه و فصوص الحکم و سوانح العشاق و لمعات و لوامع می‌داند. چند بار در هند و بسال ۱۳۳۵ ش در تهران چاپ شد.

۴) حسنات العارفین با شطحات مشتمل بر شطحات مشایخ پیشین و همعصر داراشکوه. این کتاب در ۱۳۰۹ ه.ق در دهلی و در ۱۳۵۰ ش در تهران چاپ شد.

۵) مجمع البحرین در تطبیق اندیشه صوفیان و موحدان هند (عرفان هندی) و یافتن وجه مشترکی میان آندو تألیف شد، ترجمه‌هایی از آن عبری و انگلیسی کرده‌اند. در سال ۱۳۳۵ و ۱۳۶۶ بتصحیح آقای دکتر جلالی نائینی در تهران بطبع رسید.

۶) سر اکبر یا سرالاسرار ترجمه‌یست از پنجاه اوپانیشاد از سانسکریت بیاری یکی از عالمان دینی هندو بفارسی. او در مقدمه این کتاب مدعیست که وداها از کتابهای مقدس دینی است که در زمان بسیار قدیم بر انبیاء پیشین نازل شده است، و این را یکی از دلایل الحاد و میلان طبع او بآیین هندوان دانسته‌اند که در گشتن او بی اثر نبود. ولی حقیقت امر آنست که او با ترجمه چهار کتاب ودا (= اپنکھت) می‌خواست بحقیقت اندیشه هندوان که در آنها نهفته است پی برد:

«بعد از تحقیق این مراتب معلوم شد که در میان این قوم قدیم، پیش از جمیع کتب سماوی، چهار کتاب آسمانی که رگ بید و بجرید و سام بید و اتهربن بید^۱ باشد، بر انبیای آن وقت، که بزرگترین آنها برهما که آدم صفی‌الله است، با جمیع احکام نازل شده، و این معنی از همین کتابها ظاهر است... و خلاصه این چهار کتاب را که جمیع اسرار سلوک و اشتغال^۲ توحید صرف در

۱- Rig-veda, 2) Yadjour-veda, 3) Sama-veda, 4) Atharva-veda

۲- بهمین نحو از اصل نقل شد.

آن مندرج است، و آن را اینکھت می‌نامند، و ابنای زمان آن را جدا ساخته بر آن تفسیرها بشرح و بسط تمام نوشته‌اند، و همیشه آن را بهترین عبادات دانسته می‌خوانند. این حق جوی را چون نظر بر اصل وحدت ذات بوده، نه بزبان عربی و سریانی و عبرانی و سنسکریت، خواست که این اینکھت‌ها را که گنج توحید بود و دانندگان آن در آن قوم هم کم مانده‌اند، بزبان فارسی، بی‌کم و زیاد و بی‌غرض نفسانی، بعبارت راست بر است لفظ بلفظ ترجمه نموده بفهمد که این جماعت که آن را از اهل اسلام اینقدر پوشیده و پنهان می‌دارند، در آن چه سرّ است»^۱.

این کتاب دوبار در هند و بار دیگر بسال ۱۳۴۰ ش با تصحیح و مقدمه مشروح مرحوم دکتر تاراچند و آقای دکتر سید محمد رضا جلالی‌نایینی در تهران و سپس همان چاپ در دو جلد با بعضی اضافات بسال ۱۳۶۸ ش باز در تهران بطبع رسید.

کتاب سراجبر یا سراسرار را آنکتیل دوپرون بزبان لاتین و بزبان فرانسوی بسال ۱۸۰۱ - ۱۸۰۲ در استرازابورگ چاپ کرد، یکبار هم بسال ۱۸۸۲ در آلمان (درسدن) بلاتین طبع شد.

داراشکوه شعر فارسی نیز می‌سرود و در شعر قادری تخلص می‌کرد. دیوانش باقی‌مانده و اشعارش متوسط و متضمن اندیشه‌های عرفانی اوست. ازوست:

مسافر هر قدر باشد سبکبار	نیابد در سفر تصدیع و آزار
توهم اندر جهان هستی‌مسافر	یقین میدان اگر هستی توهشیار
بقدر مال باشد سرگرانی	بقدر پیچ باشد بار دستار
خودی را نیز از سر دورگردان	که هم بار است بار وهم و پندار
تو تا باشی بدنیا باش آزاد	ترا چون قادری کرده خبردار

از مرگ نباشد اهل دل را آزار کز خواب نترسد چو بود دل بیدار
گر جان تو جسم را بینداخت چه شد چون کهنه شود پوست بیندازد مار

ملاطفرای مشهدی از شاعران و نویسندگان و
۶۳- طغرا^۱
مترسلان زبردست سده یازدهم هجریست. ولادتش
در مشهد بود و همانجا بیالید و بتحصیل ادب پرداخت و در آخرهای دوران
جهانگیر پادشاه (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ هـ) بهند رفت و بعد از چندی اقامت در دکن
بشمال سفر کرد و بدربار شاه جهان راه جست و بسمت منشی در دستگاه
شاهزاده مرادبخش فرزند شاه جهان پذیرفته شد و همراه او ببلخ رفت و در
اواخر عمر بکشمیر سفر کرد و آنجا ماند و بعزالت میزیست تا بدرود
حیات گفت. چارلز ریو تاریخ این واقعه را چند سالی بعد از جلوس اورنگ
زیب عالمگیر بر تخت سلطنت (۱۰۶۹ هـ) دانسته و گفته است در
مرآت العالم که بسال ۱۰۷۸ تألیف شده از ملا طغرا چون مردگان یاد شده
است. صاحب نتایج الافکار تاریخ مرگ طغرا را «اواخر مائه حادی عشر»
دانسته و نوشته است که «متصل قبر ابوطالب کلیم مدفون گردید».

میر عبدالرزاق خوافی (شاهنواز خان) درباره وارسنگی او در آخرهای

۱- درباره او بنگرید به:

- سرو آزاد، ۱۹۱۳، ص ۱۲۴.
- تذکره نصرآبادی، تهران ۱۳۱۷، ص ۳۳۹.
- بهارستان سخن، مدراس ۱۹۵۸، ص ۵۰۴ - ۵۰۵.
- نتایج الافکار، بمبئی، ص ۴۴۱ - ۴۴۲.
- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۱۹۵ - ۲۰۴.
- تذکره پیمانه، احمد گلچین معانی، مشهد ۱۳۵۹، ص ۲۷۷ پیوسته.
- فهرست نسخه های خطی فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، چارلز ریو، ص ۷۴۲ - ۷۴۴.
- ترجمه تاریخ ادبیات فارسی، هرمان اته، ص ۲۴۲ و ۲۴۳.

زندگانی نوشته است: «کمال بی تعلقی داشت، هر گاه بحجره خود می آمد از درون زنجیر می کرد و چون بیرون می رفت در حجره را وامی گذاشت. سبب این خلاف قاعده ازو استفسار نمودند، گفت متاع حجره خود منم، وقتی که بر آمدم دیگر چه احتیاجی در بستن است؟»^۱

از عیبهای بزرگی که بر او گرفته اند نسبت دادن دزدی بشاعران استاد زمان خود مثل صائب و سلیم و قدسی و دیگران است و همین امر مایه آن شد که غنی کشمیری وی را بدینگونه در رباعی زیرین وصف کند:

طغرا که بود روح کثیفش چو جسد با اهل سخن شدست دشمن ز حسد
گوید که برند شعرم ارباب سخن نامش نبرند، تابشعرش چه رسد!

طغرا شاعری خوش فکر و مضمون یاب و فطره منشی و صاحب قلم بود. شاید هم علت آنکه بیهوده نسبت دزدی افکار و آثار خود را باین و آن می داد، آن بود که بسیاری از معنیها و مضمونها بطبیعت و فطرت در خاطرش رسوخ داشت و هر که آنها را بیان می کرد بنظر وی ازو می دزدید.

از وی رسائل و منشآت متعدد پارسی بازمانده است که بهر یک از آنها نامی شاعرانه و شوق انگیز داده است و مجموعه های مختلف از آن باقی مانده. این رساله ها با نثری مزین و همراه با تصنیفات مختلف نگارش یافته و هر یک مطلب و موضوع خاصی دارد. مجموعه ایی از آنها شامل هجده رساله که آخرینشان رقعات طغراست بسال ۱۸۷۶ در کاونپور بطبع رسید، و مجموعه ایی از آنها بنام کلیات طغرا بشماره ۹۲ موقت در کتابخانه مجلس شورا است شامل شانزده دفتر، و مجموعه ایی دیگر که بعنوان کلیات طغرا بشماره ۱۱۰ و شماره فهرست [۵۲] در فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تألیف آقای علی نقی منزوی یاد شده شامل بیست و پنج دفتر است که بدقت مورد معرفی و توصیف قرار گرفته است.^۲

۱- بهارستان سخن، ص ۵۰۴.

۲- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۲، ص ۱۹۵ - ۲۰۴.

نسخه شماره Add. 16,852 کتابخانه موزه بریتانیا^۱ که بظاهر ۳۲ و بواقع ۳۱ دفتر دارد^۲ ملاحظه و بعضی از دفترها بتمامی خوانده شد. در همه دفترها شعرهایی بمناسبت آمده است و حتی غالب آنها با شعر آغاز شده‌اند. همه نوشته‌ها اعم از نظم و نثر اثر طغرا و برسم او بسیار مصنوع و همراه با اصرار در بکار بردن مجازها و استعاره‌های بعید است. وی در رساله «الهامیه» از دیوان شعر خود (متضمن قصیده و غزل و قطعه و دو بیت) و از مجموعه منشآتش نام برده و گفته است که «با آنکه دو سه مرتبه جواهر خانه سخن تاراج حوادث پذیرفته باز آنقدر هست که صندوقکده افلاک را گنجایش آن نیست» و برآستی آنچه از اثرهای طغرا از دستبرد ایام در امان مانده و بما رسیده خود بسیارست و نام سی و یک رساله باضافه یک رساله مکرر که در نسخه موزه بریتانیا آمده اینهاست: ۱- جوش بلبل یا معیار الادراک ۲- فردوسیہ ۳- تحقیقات ۴- مجمع الغرائب ۵- مرتفعات ۶- مرآت الفتوح ۷- الهامیه ۸- تذکره الاتقیاء ۹- تجلیات ۱۰- کنز المعانی ۱۱- تاج المدايح ۱۲- مشابهات ربیعی ۱۳- خمسة ناقصه ۱۴- مرآت الفتوح ۱۵- درخواست ملا ساطع بشاه بهادر برای یک جاگیر (که باید از مجموعه که بنام طغراست حذف شود) ۱۶- عنبرنامه ۱۷- رقعات (متضمن چندین رقعہ بمعاصران ملا طغرا که در میان آنان بنام کسانی مثل میرزا سنجر و کلیم کاشانی و بزمی و جز آنان باز می‌خوریم) ۱۸- کلمة الحق ۱۹- انوار المشارق ۲۰- خود کاسته ۲۱- آشوب نامه ۲۲- تعداد النوادر ۲۳- جوش بلبل ۲۴- جلوسیه ۲۵- پریخانه ۲۶- ضیافت معنوی ۲۷- گریه قلم ۲۸- معراج الفصاحة ۲۹- چشمه فیض ۳۰- ثمره طبی ۳۱- وجدیه جان ۳۲- نمونه انشاء^۳.

۱- فهرست ریو، ص ۷۴۲ - ۷۴۴.

۲- زیرا رساله «جوش بلبل» یک بار در آغاز کلیات آمده و بار دیگر در ردیف بیست و

سومین رساله.

۳- اگر درخواست ملا ساطع... را هم ازین مجموعه بکافیم شماره دفترهای کلیات بعدد

۳۰ تنزل می‌یابد.

رساله تجلیات که در وصف کشمیر در فصل خزانست بدینگونه آغاز

می‌شود:

کشمیر بود فصل خزان عالم نور بر طالب فیض دیدنش هست ضرور
 گویا که باین باغ، چمن ساز قضا آورده نهال شعله از گلشن طور
 جای موسی خالیست که پر کاری تجلی درین کوهستان مشاهده نماید و
 از بسیاری شمع که تواند بجانب اشجار دیده گشاید، هر طرف پشته پشته
 روشنی الوان بر سر هم ریخته و هر جانب کوه کوه رنگینی درخشان بیکدیگر
 آمیخته، درختان مسیح زبان تکرار ورق آفتاب نموده و جویبار مشرق دهان
 بخواندن طومار گشوده، بدستیاری هوای پاییز سفیدار فواره نور می‌نماید و
 بسر کاری ایام برگریز سرخ بید آبشار یاقوت بنظر می‌آید. آنچه سیمابگر
 نیسان در بوته انداخته اکسیر ساز مهرگان ذهب ساخته، و هر جا نقاش بهار
 ملمع پرداز می‌کرده طراح خزان بزر نشان سازی دست بر آورده، زاغی که بر
 درخت نشسته مرغ زرین برخاسته، مینایی که بر شاخ دویده نوری گردیده،
 چنار دسترس دارد که خلخال طلا بسازد و قمری می‌تواند بطوق مرصع
 پردازد، عکس درختان روی آب را با تیشی گل افشان نکرده که چشم حباب

نیفروزد و ابروی موج نسوزد... مثنوی:

ز شادابی نغمه بلبلان در آبست آغشته رنگ خزان
 شرر سازی ناله فاخته درین خشک و تر آتش انداخته
 اگر لاله گردید بی آب و تاب چه غم ساغری شد تهی از شراب
 زدست خود افکنده نرگس عصا درین فصل دارد سر باد پا
 شقایق زبند زمین رسته است چو فواره از جای خود رسته است
 ز غربال اشجار زر بیخته بصحن چمن اشرفی ریخته

در مجموعه‌ها بنامهای دیگری از دفترهای ملا طغرا باز می‌خوریم و
 مجموعه‌های آثار او در پیش و پس بودن رساله‌ها و بعضی از عنوانهای آنها
 اختلافهایی دارند.

چون ملا طغرا در رسالهای خود همیشه نثری شاعرانه و غالباً توصیفی و متضمن استعاره‌ها و تشبیه‌های گوناگون و متواتر دارد پارسی‌گویان هند بدانها رغبتی بسیار نشان داده و در نتیجه بشرح و تفسیر آنها توجه کرده‌اند بنحوی که تقریباً همهٔ دفترهای یاد شده دارای شرح هستند، و آقای سیدعارف نوشاهی در فهرست نسخه‌های خطی موزه ملی پاکستان (ص ۴۲۵ - ۴۲۷) ضمن ذکر رسائل طغرا بشرحهای آنها هم اشاره کرده‌اند.

این نکته را هم نباید فراموش کرد که مجموعه‌های کوچک و بزرگ رسالهای ملا طغرا در کتابخانه‌های هند و پاکستان بوفور یافته می‌شود.

میرزا محمد یوسف بیگ (یا میرزایوسف) قزوینی

۶۴- میرزا محمد اصفهانی متخلص به «واله» فرزند محمد حسین خان یوسف قزوینی^۱

قزوینی و برادر میرزا محمد طاهر وحید قزوینی مانند

برادر از منشیان و شاعران معروف عهد خود بود و بامور دفتری و دیوانی روزگار می‌گذراند. میرزا محمد طاهر نصرآبادی دربارهٔ او نوشته است:

«میرزا یوسف: آن جناب هم^۲ برادر عالیجاه و قایع نویسنده^۳، مدتی

۱- دربارهٔ او بنگرید به:

• ضمیمهٔ فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانهٔ موزه بریتانیا، ریو، ص ۲۲ - ۲۴.

• تذکرهٔ روز روشن، ص ۸۸۸.

• تاریخ تذکرمهای فارسی، ج ۲، ص ۶۱۶ - ۶۲۳.

• ریاض‌العارفین آفتاب رای، ص ۳۱۷.

• تذکرهٔ نصرآبادی، ص ۸۲ و دربارهٔ برادرانش میرزا فصیح و میرزا طاهر بترتیب ص

۸۱ و ۱۷.

• فهرست منزوی، ص ۴۱۵۰.

۲- یعنی هم‌مانند میرزا فصیح که برادر بزرگ میرزا طاهر وحید بود.

۳- مقصود میرزا طاهر وحید است که پیش از رسیدن بمرتبهٔ صدارت مدتی سمت وقایع

نویسی را در دربار صفوی داشت.

بتحریر ارقام پادشاهی مشغول بودند و روانی عبارتش روانی حکم اشرف را پایمرد و از طفرای قلمش مرغوله طره خوبان در پیچ و تاب. بعد از آن از نتیجه آثار قابلیت بوزارت سرکار توپخانه مبارکه مشرف شد، حفاکه در کمال مردمی و اهلیت در آن امر سلوک می‌نمایند. در تحصیل علوم دینی سعی بسیار نموده چنانچه (= چنانکه) تفسیری در دست دارند، امید که در اتمام آن موفق باشند. مجملأً در نظم و نثر سحرپرداز و در نگارش معانی بی شریک و انباز است. خطش محض قبول بخط سلمی رسانیده و نظمش ریشه در زمین دلها دوانیده، چون پیوسته حیران شاهد معنویست واله تخلص دارد...» و پس ازین چند بیت منتخب از غزلهایش را آورده و این یکی از آنهاست:

چه کوتاهست شبهای وصال گلرخان یارب خدا از عمر ما بر عمر این شبها بیفزاید
و در تذکره روز روشن این رباعی از او نقل شده است:

تا درنگری نه سرو ماندست و نه بید نی خارستان و نی گلستان امید
دهقان فلک خرمن عمر ما را می‌پیماید بکیل ماه و خورشید

اما مهارت و شهرت او در نثر و بسبب تألیف کتاب پرارزشش خلد برین است که آن را بسال ۱۰۷۸ بروزگار پادشاهی شاه سلیمان (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) در هشت «روضه» با نثری پخته و منشیانه و بسیار پاکیزه تألیف نمود، بدین شرح: روضه اول درباره پیامبران و پادشاهان پیش از اسلام، روضه دوم درباره پیامبر اسلام (ص) و امامان، روضه سوم در باره سلسله اموی و خاندان عباسی، روضه چهارم خاندانهای عهد عباسیان، روضه پنجم چنگیز و جانشینانش، ششم تیمور و تیموریان، هفتم سلسلههای قراقویونلو و آق قویونلو و پایان تیموریان، هشتم صفویان از آغاز تا ۱۰۷۱، خاتمه در سلطنت شاه سلیمان.

مهمترین قسمت این کتاب طبعاً روضه هشتم آنست در ذکر سلسله صفوی که مؤلف آن را به حدائق الخلد موسوم گردانید و مطلبهای آن را بهفت «حدیقه» قسمت نمود: حدیقه اول در ظهور دولت صفوی و پادشاهی شاه

اسمعیل (خاقان سکندرشان)، حدیقه ثانیه در بیان وقایع زمان شاه تهماسب بهادرخان، حدیقه ثالثه در وقایع بعد از شاه تهماسب و سلطنت شاه اسمعیل ثانی، حدیقه رابعه سلطان محمد پادشاه، حدیقه خامسه شاه عباس، حدیقه سادسه سلطان صفی، حدیقه سابعه شاه عباس ثانی و در ذیل احوال هر یک از این شاهان شرح حال بزرگان عهدش از طبقات گوناگون امیران و سادات و مشایخ و عالمان دین و وزیران و پزشکان و خوشنویسان و نقاشان و مذهببان و شاعران و اهل طرب آمده است. ازین کتاب بخشهایی در ایران و انیران موجودست. نسخهٔ Suppl.2130 در کتابخانهٔ ملی پاریس و نسخهٔ Or.3481 در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا ملاحظه شد. حدیقهٔ ششم از روضهٔ هشتم این کتاب که شامل قسمتی از رویدادهای دوران پادشاهی شاه صفی تا سال وفات او (۱۰۵۲ هـ) است، بتصحیح آقای احمد سهیلی خوانساری بسال ۱۳۱۷ هـ.ش در دنبالهٔ ذیل اسکندربیگ منشی بر کتاب عالم آرای عباسی در تهران بطبع رسید. آن ذیل چنانکه پیش ازین در شرح حال اسکندربیگ دیده‌ایم ذیل عالم آرای عباسی و در شرح پادشاهی شاه صفی است که بسبب مرگ اسکندربیگ در سال ۱۰۴۳ ناتمام ماند.

چندربهان برهمن (م ۱۰۷۳ هـ) شاعر و نویسنده

۶۵- برهمن

معروف سدهٔ یازدهم هجری را پیش ازین^۱ شناخته‌اید

و اینجا دربارهٔ منشآت او سخن می‌رود. مجموعهٔ منشآت برهمن که بشمارهٔ

Add. 26,141 در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا ملاحظه شد^۲، شامل نامه‌هاییست که

بشاه جهان و وزیران و بعضی از امیران بزرگ او نوشته شده و در این مجموعه

بترتیب طبقات و مراتب امرا و رجال تنظیم گردیده است. اولین آنها خطاب

بشاه جهان و دربارهٔ تقدیم داشتن کتاب چهار چمن است بدو. در مقدمهٔ این

۱- همین جلد، ص ۱۲۳۶ - ۱۲۴۱.

۲- بنگرید بفرست ریو، ص ۳۹۷ - ۳۹۸.

مجموعه برهمن ببعضی از آثار خود یعنی دیوان شعر، چهار چمن، گلدسته، تحفه انوار، کارنامه، تحفه الفصحا، مجمع الفقرا و جز آنها اشاره نموده است. نسخه‌های خوب دیگری ازین مجموعه در کتابخانه دیوان هند^۱ و نیز کتابخانه موزه ملی پاکستان^۲ موجود است.

چهارچمن برهمن بجز مقدمه در چهار بخش است که هر یک از آنها چمن نامیده شده. در دو بخش اول ازین چهار بخش نویسنده وظیفه و قایم نگاری خود را در خدمت شاهجهان امتداد داده و پرداخته است بشرح کارهای بزرگ وزیران و گزارش جشنهای دولتی عهد آن پادشاه و شرح مفصل کارهای روزانه او و شکوه و جلال دربار وی و پایتخت تازه شاهجهان آباد و شهرهای ممتاز و هفده استان از استانهای معروف واقع در قلمرو فرمانروایی وی. چمن سوم شامل شرح حال مؤلف و نامه‌های او بنام شاهجهان و وزیرانش و چمن چهارم درباره اندیشه‌ها و نظریات برهمن درباره دین و اخلاق و تصوف است. این جنبه‌های متنوع موضوعات بچهارچمن اهمیت تاریخی و ادبی بسیار داده و بهمین سبب از اثرهای مشهور پارسی است که پارسی دانان هند نوشته‌اند. چندربهان این مجموعه جالب را پیش از سال ۱۰۵۷ گرد آورد.

ولی قلی بیگ پسر حاجی داودقلی شاملو از مورخان
و صاحب قلمان سده یازدهم هجریست. وی در

۶۶- ولی قلی شاملو

۱- فهرست آن کتابخانه ج ۱ س ۱۱۵۳ و نیز بنگرید بترجمه تاریخ ادبیات فارسی، دکتر انه، ص ۲۴۹ - ۲۵۰.

۲- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه موزه ملی پاکستان، سیدعارف نوشاهی، لاهور ۱۳۶۲ ش، ص ۳۹۰.

۳- درباره او بنگرید به:

• تذکره نصرآبادی، ص ۹۳ - ۹۴.

هرات نشو و نما یافت و از آنجا بسیستان بخدمت ملک نصرت‌خان حاکم‌الکای زابلستان رفت و منصب استیفای او یافت و بعد از چند گاه بقندهار عزیمت نمود و در خدمت ذوالفقار علی‌خان و پس از وی برادرش منصورخان بسر می‌برد و در همان شهر بسال ۱۰۷۳ که مصادف با سی و هشت سالگی او بود بتألیف کتاب *قصص الخاقانی* آغازید و بسال ۱۰۷۶ هـ آن را پایان برد ولی چون در تراجم و وفیات تا سال ۱۰۸۵ هـ هم در آن ذکر شده پس تا این تاریخ سرگرم تألیف و تکمیل کردن مطالب خود بود.

قصص الخاقانی تاریخ کامل پادشاهی شاه‌عباس ثانی است با مقدمه و سه باب و خاتمه. مقدمه در بیان نسب شاه‌عباس، باب اول در بیان مجملی از احوال نیاکان او تا ظهور شاه اسمعیل یکم، باب دوم شرح پادشاهی شاهنشاهان صفوی تا شاه‌عباس دوم، باب سوم در شرح مفصل تاریخ شاه‌عباس دوم از ولادت تا مرگ. خاتمه «در بیان احوال برخی از علما و جمعی از حکما و بعضی از شعرا» دوران آن پادشاه است که مؤلف آن را بدو «تذکره» تقسیم کرده است: تذکره اول درباره عالمان و حکیمان و فاضلان و عارفان، تذکره دوم در بیان حال شاعران دوره شاه‌عباس ثانی که یکصد و دو شاعر در آن معرفی شده‌اند (از میرزا صائب تبریزی تا حسین وحدت‌کوه‌بنانی).

نصرآبادی بنای آب انباری را در سیستان بدو نسبت داده و نیز گفته است که مصاف ذوالفقارخان را با لشکر هند در واقعه محاصره قندهار بنظم آورد (ببحر متقارب مثنی مقصور یا محذوف) و سه بیت زیرین را از آن نقل کرد:

بروز مصاف و بهنگام کار چوبست از پی کین کمر ذوالفقار



- فهرست بلوچه، ج ۱، ص ۳۰۰ - ۳۰۱.
- فهرست ریوا، ج ۱، ص ۱۹۰ - ۱۹۱.
- تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، ص ۶۸۸ - ۶۹۹.

سرپای خصم و سرای و وطن زر و سیم بدخواه و فرزند و زن
بخست و بیست و بکند و بسوخت گرفت و بداد و خرید و فروخت

درباره میرمحمد مؤمن عرشی (م ۱۰۹۱ هـ) شاعر و ۶۷- عرشی خوشنویس معروف فرزند میرعبدالله مشکین قلم پیش ازین^۱ سخن گفته‌ام. وی از معاصران شاهجهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۹) و مخاطب به «نادرالعصر» بوده و دیوان و منظومیهی بنام مهر و وفا از و باقی مانده است. اثر معروف دیگر او کتاب شکرستان است که بتقلید از گلستان فراهم آورد و از آن نسخه‌های متعدد و از آنجمله در کتابخانه دیوان هند موجود است. تاریخ تألیف کتاب سال ۱۰۳۱ هـ و بنابراین مربوط بدوران جوانی عرشی است. شکرستان در شش باب بدین گونه تنظیم شده: ۱) در بیان احوال اجداد و مرشدان پاک نهاد، ۲) در سیرت پادشاهان و سریرت وزیران، ۳) در تربیت فرزندان پادشاهان عالیشان که خلیفه‌الاسلامند، ۴) در بیان عارفان حق و عاشقان شاهد مطلق، ۵) در بیان آداب و حکایات فقراء، ۶) در بیان لطایف و ظرایف. خاتمه. در متن نسخه شکرستان موجود در ایندیا آفیس (بشماره فهرست ۸۲۳) عنوان باب پنجم اختلافی با فهرست دارد و چنین است: «در آداب صحبت با عزیزان از ایام شباب تا شیب» که شاید نتیجه تصرف بعدی مؤلف کتاب باشد.^۲ شکرستان مانند گلستان نثری آمیخته با نظم همراه با حکایات در هر یک از شش باب آن دارد.

محمد مفید بن نجم‌الدین محمود بن حبیب‌الله بافقی
۶۸- محمد مفید مستوفی^۲ یزدی معروف به «مستوفی» از مؤلفان و شاعران

۱- همین جلد، ص ۱۴۱۰ - ۱۴۱۶.

۲- فهرست کتابخانه دیوان هند (ایندیا آفیس)، ج ۱، ص ۵۴۳.

۳- درباره او بنگرید به:

سده یازدهم هجریست. وی شرح حال خود را در کتاب معروفش «جامع مفیدی» آورده و گفته است که در عهد پادشاهی شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ هـ) در طلب مقام «بمنزل امرا و ارکان دولت تردد آغاز نهاد و بدانند درم و دینار مرغ دل همگی را در دام فریب آورده منصب استیفای موقوفات دارالعباده یزد» را بسال ۱۰۷۷ هـ نصیب خود ساخت و در یزد متمکن شد و بزودی نیابت وزارت یزد نیز بر منصبش افزوده شد ولی منصب اخیر را در سال ۱۰۷۹ هـ از دست داد و در عوض نظارت اوقاف یزد باو رجوع شد و درین میانه باصفهان نیز رفت.

چون چندی برین احوال گذشت بسبب فوت پسرش دست از کارهای دیوانی کشید و بسودای سفر بار رحیل بر بست و در ۱۷ رجب سال ۱۰۸۱ هـ از یزد باصفهان و از آنجا از راه حویزه و اهواز و بصره بعراق عرب رفت و پس از زیارت عتبات بیصره باز گشت و در سال ۱۰۸۲ چند گاهی در آن شهر مقیم بود و همانجا شروع بتألیف جامع مفیدی نمود تا آنکه در غره ماه رجب سال مذکور (یعنی ۱۰۸۲ هـ) از راه دریا سفر هند در پیش گرفت و به بندر سورات رسید و از آنجا رهسپار دهلی شد و از دهلی بحیدرآباد و سپس به برهانپور

→

- شرح حال مؤلف بقلم او: بخش دوم از ج ۳ جامع مفیدی، ص ۷۴۳ - ۸۱۶.
- مقدمه بخش اول، ج ۳، جامع مفیدی، تهران ۱۳۴۰ بکوشش آقای ایرج افشار، از ص هفتم ببعد.
- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدنقی دانش‌پژوه، ج ۳، بخش پنجم مجلد هفتم، دومین ذیل، ص ۲۶۵۹ - ۲۶۶۲.
- فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، ریو، ص ۲۰۷ - ۲۰۸ و ص ۴۲۷ - ۴۲۸.
- فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانه ملی پاریس، بلوشه، ج ۱، ص ۲۳۶ و ۲۳۸ - ۲۳۹.
- تاریخ تذکره‌های فارسی، احمد گلچین معانی، ج ۲، تهران ۱۳۵۰، ص ۵۸۵ - ۵۸۷.
- مقدمه آلمانی آقای دکتر سیف‌الدین نجم‌آبادی بر کتاب «مختصر مفید»، ویرسادن، ۱۹۸۹.

سفر کرد و در سال ۱۰۸۶ بدهلی بازگشت و باز از آن شهر بیرون رفت و سرانجام در پانزدهم صفر سال ۱۰۸۸ به «اوجین» رسید و شرف ملازمت شاهزاده محمداکبر با منصب «دو صدی» یافت و به همراه او بمولتان رفت و در شوال سال ۱۰۸۹ منصب وزارت و میرسامانی شاهزاده آن دیار گرفت و در آنجا بقول خود «بر مسند وزارت قرار گرفته بر متکای جلالت تکیه داد» و در روز اول جمادی الاولی سال ۱۰۹۰ کتاب جامع مفیدی را با تمام رسانید ولی بنا بر آنچه از کتاب دیگرش مختصر مفید برمی آید در سال ۱۰۹۱ در لاهور بسر می برده و کتاب اخیر را تمام می کرده است و از آن پس از حال او خبری نداریم و بعید نیست که قریب بهمان زمان در گذشته باشد. از آثار اوست:

۱- جامع مفیدی: این کتاب پرارزش اثر اصلی و مشهور محمد مفید است در سه جلد که نخستین آنها مشتمل است بر تاریخ یزد از عهد اسکندر تا دوران امیر تیمور گورکان که در هفت مقاله نگارش یافته است بدین شرح: ۱) درباره اسکندر که بنای یزد را ازو دانسته است، ۲) ساسانیان، ۳) بنی امیه و بنی عباس تا عهد سلجوقیان، ۴) ملکشاه و نظام الملک وزیر و حسن صباح، ۵) اتابکان یزد، ۶) آل مظفر، ۷) تیمور و تیموریان. - جلد دوم جامع مفیدی مربوطست بتاریخ دولت صفوی از آغاز تا دوران زندگانی مؤلف (عهد پادشاهی شاه سلیمان از ۱۰۷۷ هـ ببعده) و جلد سوم (در پنج مقاله و خاتمه) در ذکر رجال یزد از سادات و حکام و وزیران و کلانتران و مستوفیان و میرباشیان و یوزباشیان و عالمان و فاضلان و محتسبان و واعظان و خطیبان و منجمان و خطاطان و پزشکان و شاعران و اشراف و اعیان و هنروران و امامزادگان و مشایخ و مساجد و مدارس و رباطات و قری و مزارع و قنوات و ابنیه و آثار. مقاله پنجم این جلد موقوف بر ذکر حال مؤلف و از خاتمه نیز آنچه مانده در حقیقت دنباله مقاله مذکور و در ذکر چگونگی اتمام کتابست و بدین تفصیل باید گفت که جلد سوم کتاب جامع مفیدی مهمترین و اساسی ترین قسمت این کتاب ذیقیمت است چنانکه در بیان حال گروه بزرگی از رجال می تواند از

مأخذهای اصلی بشمار آید.

محمد مفید مستوفی تألیف این کتاب را بسال ۱۰۸۲ در بصره آغاز نمود و بسال ۱۰۹۰ هـ در مولتان بانجام رسانید و مسلم است که یادداشتهای آن را پیش از خروج از ایران فراهم نموده بود و ازینروی باید آغاز کار درباره آن را بزمانهایی پیش از ۱۰۸۲ هـ مربوط دانست. این کتاب در تهران بسعی و اهتمام آقای ایرج افشار بطبع رسید (۱۳۴۰ - ۱۳۴۲ ش). نثر مستوفی درین کتاب بر رویهم مزین و بشیوه صاحب قلمان عهد صفوی مقرون باطناب و حشو و گاه حذف فعل است ولی درستی انشاء و توانایی نویسنده در بیان اوصاف در بسیاری از بخشهای کتاب قابل توجهست مثلاً در وصف نصرآباد نوشته است: «چنان دیهیبست که عذوبت آبش خاصیت چشمه حیات ظاهر می گرداند و لطافت هوایش چون نسیم خلد روحی تازه بقالب پژمرده می رساند. در میان خواص مشهور و بزبان عوام مذکورست که در آن قریه ارم بنیاد احدی را یارای آن نیست که لب بر لب پیاله و دست در گردن صراحی رساند و سکان آن موضع از نشاء باده ارغوانی محروم مانده این بیت تکرار می نمایند:

خمار بی ادبی می کند، شراب کجاست چکیده عرق شرم آفتاب کجاست
و اگر جاهلی از غرور جوانی و از عالم بی خبری جامی از راح ریحانی
تجرع نماید بی شک در همان روز بیهوشانه قدم در وادی عدم می گذارد...
الخ». از اینگونه عبارتهای آراسته در جامع مفیدی بسیارست ولی اهمیت آن بیشتر در محتوی بودن کتابست بر اطلاعات مشروح و دقیق تاریخی و جغرافیایی؛ و ذکر تراجم احوال عده کثیری از شاعران و فاضلان جلد سوم کتاب را در حکم تذکره سودمندی در آورده است.

محمد مفید نثر خود را بشعرهای بسیار مزین ساخته است. قسمتی ازین شعرها از کسانی جز مؤلف جامع مفیدیست و قسمتی دیگر بعید نیست که ازو باشد، مثلاً این رباعی که در بیهودگی منصب تولیت وقف که بر عهده او گذارده بودند بیقین سروده محمد مفید است:

چون تولیت وقف مرا شد آیین بودم همه وقت از تردد غمگین
 نه فرصت طاعت و نه زرشد پیدا چون کافر درویش نه دنیا و نه دین
 و در موارد بسیاری دیگر از کتاب اشعاری می‌یابیم که بمناسبت مقام
 سروده و بر نثر افزوده شده است و در کتاب دیگرش مختصر مفید هم باشعاری
 ازو باز می‌خوریم. دو نسخه از «دیوان مفید» بتحقیق ولادیمیر ایوانف در
 فهرست نسخ خطی فارسی انجمن آسیایی بنگال به محمد مفید مستوفی نسبت
 داده شده است ولی چنانکه مرحوم میرزایف در شماره پنجم سال ۱۹۵۹
 میلادی مجله «مسائل خاورشناسی شوروی» توضیح داده از شاعری دیگر
 بنام محمد مفید بلخی است.^۱

۲- مختصر مفید کتاب دیگر محمد مفیدست «در احوال بلاد ولایت ایران»
 همراه با نکات متعدد تاریخی و احادیث و روایات و اسما و حکایات که
 بمناسبت درباره شهرها و ناحیها آورده است. تألیف این کتاب بسال ۱۰۸۷ در
 دکن آغاز شد و بسال ۱۰۹۱ در لاهور پایان یافت و همچنانکه مؤلف در
 ضمن عنوان کتاب اشاره کرده مربوطست بجغرافیای ناحیها و مملکتهای
 مختلفی که در قلمرو شاهنشاهی صفوی قرار داشت و مؤلف آن را
 در جواب گفتار کسی که بعظمت پادشاهان چین و ماچین و ترک و روم
 اشاره کرده بود، در اثبات عظمت و وسعت شاهنشاهی صفوی و ممالک تابع
 آن نوشته و برای بیان چنین معنای کوتاهی هفت صفحه از دیباچه را سیاه نموده
 و چند بار معنیهای نامتناسب را از راه اطناب و اسهاب بهم در آمیخته است.^۳
 محمد مفید در تألیف این کتاب از کتابهای معروف متقدم و متأخر در

۱- بنگرید بمقدمه آقای ایرج افشار بر جامع مفیدی، ص ۸۸ و ۸۹.

۲- «کتاب مسمی به مختصر مفید»، ویسادن ۱۹۸۹ ص ۳۸۶ - ۳۸۷. فهرست نسخه‌های

خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، ص ۴۲۷ - ۴۲۸. مقدمه آقای ایرج افشار بر جامع مفیدی، ج
 ۳ جزء اول ص ۸۸.

۳- دیباچه کتاب مختصر مفید، ص ۲ - ۱.

رشته‌های گوناگون از تاریخ و جغرافیا و حتی کتابهای حدیث استفاده کرده است، مثل: روضه‌الصفاء، حبیب‌السیر، صورالاقالیم، مسالک‌الممالک، نزهةالقلوب، معجم‌البلدان، تاریخ عالم آراء، تاریخ‌گزیده، هفت اقلیم، عین‌الحیوة، تاریخ مبارکشاهی معین‌الدین اسفزاری، عجائب‌المخلوقات، مجالس‌المؤمنین، عجائب‌البلدان، روضه‌الشهدا، حلیة‌المتقین، تاریخ احمدبن اعثم کوفی و جز آنها. جلد اول این کتاب را آقای دکتر سیف‌الدین نجم‌آبادی استاد دانشگاه‌های تهران و هایدلبرگ بسال ۱۹۸۹ در ویسبادن بطبع رسانید و جلد دوم اکنون (امردادماه ۱۳۶۹) در شرف انتشار است.

۳- مجالس‌الملوک فهرست سلسله‌های پادشاهان ایرانست از آغاز تا سال ۱۰۴۹ که در دوره پادشاهی شاه‌عباس دوم (۱۰۵۱ - ۱۰۷۷ هـ) تألیف شده و دستنوشته‌یی از آن بشماره Suppl. 194 نسخه‌های فارسی در کتابخانه ملی پاریس موجود است.

میرزا محمد طاهر نصرآبادی از مؤلفان و صاحب
 قلمسان سده یازدهم هجری و از جانب پدر از
 ۶۹- نصرآبادی
 بازماندگان میرزا صالح اصفهانی معاصر جهانگیر و پدر میرزا صادق میناست که
 ذکرش گذشت. ولادتش بسال ۱۰۲۷ هـ در نصرآباد، دهی در نیم فرسنگی
 اصفهان، اتفاق افتاد^۲. دوران جوانی را بلهوی و لعب گذراند تا بقهوه‌خانه‌یی در

۱- درباره او و اثرهایش بنگرید به:

• تذکره نصرآبادی، تهران ۱۳۱۷، ص ۴۵۷ - ۴۶۸ و اشاراتی که از ص ۴۵۱ بیعد

شده.

• فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، ص ۳۶۸ - ۳۶۹.

• فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، ج ۲، ص ۳۲۱ - ۳۲۲.

• تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، تهران ۱۳۴۸، ص ۳۹۷ - ۴۰۴.

• مأخذهای دیگری که در زیر صفحه‌های همین گفتار بدانها اشاره خواهد شد.

۲- وی در شرح حال خود نوشته است که هنگام مرگ پدرش بسال ۱۰۴۴ هفده ساله بود.

اصفهان که مجمع شاعران و ادیبان و اهل کمال بود، راه یافت و در پرتو معاشرت با آنان طبعش بنظم و نثر متمایل شد و سعادت استفاده از محضر دانشمند بزرگ عصر خویش آقا حسین خوانساری^۱، نصیب او گردید، و چون در ساختن ماده تاریخ اظهار مهارت کرد بزودی شهرت یافت و دوستان بسیار فراهم آورد ولی بدنبال منصب و مقامی نرفت و معاش خود را از راه کشاورزی حاصل می نمود و بهمین سبب مورد احترام صاحبان مقام و منصب بود و حتی هرگاه شاه سلیمان بنصر آباد می رفت در منزل او نزول می نمود.

وی سفری بمشهد و بعثبات کرد و در بازگشت تا چند سال بقهوه خاندینی که محل اجتماع دوستانش بود می رفت و بعد از فوت چند تن از آنان رخت بمسجد لبنان کشید و تا سال تألیف تذکره چنانکه خود نوشته است هفت سال بود که از آنجا بجای دیگر منتقل نشد و دوستانش را همانجا ملاقات می کرد و در همان حال سرگرم کار در ایجاد آثارش بود و پیداست که خانه و مزرعه هایش در نصر آباد برقرار بود و بگفته شادروان وحید دستگردی که مقدمه کوتاهی بر نسخه چاپی تذکره نصر آبادی نوشته خانه و گور نصر آبادی در آن محل باقیست.

نصر آبادی در شعر و نثر هر دو دست داشت. از اثرهای اوست:

۱- تذکره نصر آبادی که با سمش معروفست و میرزا محمد طاهر آن را میان سالهای ۱۰۸۳ تا ۱۰۹۰ ه^۲ در مقدمه و پنج «صف» و خاتمه‌یی متضمن دو «دفعه» (هر دفعه در سه حرف) تألیف کرده است: مقدمه در ذکر شاهان و شاهزادگان صفویست که شعر می گفته یا بدانان نسبت شاعری داده اند. صف

۱- درباره او بنگرید بهین جلد، ص ۳۱۴ - ۳۱۶.

۲- در بعضی از نسخه‌های تذکره تاریخ افزایشهای مؤلف تا به ۱۰۹۱ و ۱۱۱۵ می کشد و اگر این افزایشها از خود مؤلف باشد ادامه حیاتش را تا با آغاز سده دوازدهم هجری ثابت می کند (بنگرید یادداشت‌های آقای گلچین معالی بر شرح تذکره نصر آبادی. تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱،

اول در ذکر رجال شاعر در عهد صفویست که بسه فرقه منقسم گردیده‌اند: مقربان و امرای ایران - امرا و خوانین هند - وزرا و مستوفیان و کتاب دفترخانه همایون اعلی. صف دوم سادات و بزرگان و محترمان. صف سوم عالمان - خوشنویسان - فقرا و درویشان. صف چهارم که مهمترین و مشروحترین بخش تذکره است در ذکر شعراست. در «فرقه اول» ازین صف سخن از شاعران عراق و خراسان می‌رود و در «فرقه دوم» از شاعران فرارود (ماوراءالنهر) و در فرقه سوم از شاعران هندوستان. صف پنجم در ذکر خویشاوندان میرزا محمدطاهر و خود او. خاتمه در ذکر تواریخ (ماده تاریخها) و لغزها و معماهای متقدمان و متأخران که بدو «دفعه» و هر دفعه بسه «حرف» منقسم می‌گردد.

این تذکره سودمند یک بار بهمت مرحوم وحید دستگردی بسال ۱۳۱۷ شمسی بطبع رسید و آن، بویژه فهرستی که برایش ترتیب یافته، خالی از نقصهایی نیست.

۲- اثر دیگر نصرآبادی گلشن خیالات نام دارد که از آن نسخه‌هایی در دستست^۱ و آن مجموعه‌ییست از چند داستان تعریفی مخلوط از نظم و نثر که بعضی از آنها تماماً بشعر است.

۳- از نصرآبادی مکتوبی در دستست که در کتابخانه مرحوم باستانی راد بود و مرحوم استاد عباس اقبال آشتیانی آن را در شماره چهارم سال دوم مجله یادگار (ص ۴۷ - ۵۰) عیناً بطبع رسانید. این مکتوب را نصرآبادی بمیرزا قاسم خلوت نشین عباس آبادی تبریزی اصفهانی مشهور به «بزر» از تاجرزادگان و رجال متعین عهد شاه سلیمان نوشته و در آن از بدرفتاری پسرش گله کرده است. میرزا محمدطاهر برای وصول کردن حواله میرزا قاسم بسراغ صندوقدار او خواجه‌التغات رفته و دچار بی‌اعتنایی و بدرفتاری پسر

۱- بنگرید به: فریمه ج ۹، ش ۶۴۳ و ج ۱۱، ش ۲۲۶؛ کتابخانه ملی ملک بشماره:

۴۶۷۱/۱۵؛ کتابخانه مرکزی دانشگاه، ج ۹، ص ۱۲۱۵ و نسخه‌های دیگر.

میرزا قاسم گردیده و در نامه مذکور ماقع را با تعبیرهای ادیبانه و سرزنشها و ملامتها و رهنمایهای حکیمانه شرح داده است.

میرزا محمد طاهر در ذیل شرح حال خود و نیز در «حرف» اول خاتمه تذکره مقداری از اشعار خود را نقل کرد^۱. از جمله اشعارش مثنوی بیست ذوبحرین و با صنعت تجنیس در همه قوافی که بتقلید از اهلی شیرازی سروده بعضی از داستانهای گلشن خیالات را هم تماماً بشعر در آورده است. ازوست:

تانسیم عطر زلفت بر صبا پیچیده است	عطسه در مغز غزالان ختا پیچیده است
نیست از بحر تعلق در کف دل هیچ چیز	چون حباب این قطره بیجا بر هوا پیچیده است
مانع آمد شد درد از دل عاشق مجوی	قفل این گنجینه را دست قضا پیچیده است
در سرما نیست گردن تافتن از قید عشق	گوش ما را دست تسلیم و رضا پیچیده است
دل شهید آرزو کردیم از تیغ هوس	خون دل ما را چنین بردست و پا پیچیده است

۷۰- محمد ابراهیم نصیری
محمد ابراهیم بن زین العابدین نصیری مجلس نویس

شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵ - ۱۱۳۵) است که از خاندانی معروف بود و نیاکانش در عهد صفویان مشاغل بزرگ داشتند و بنا بر یادداشتی که بسال ۱۳۰۲ هـ در نخستین صفحه نسخه کتابخانه موزه بریتانیا (بشماره 2941 Or.) آمده نصیری نسبتی است بنصیرالدین طوسی دانشمند بزرگ سده هفتم و اگر چنین باشد محمد ابراهیم از اعقاب آن دانشمند جلیل بوده است.

اثر او کتابیست بنام دستور شهریاران در تاریخ سلطنت شاه سلطان حسین از جلوس او در عمارت آینه خانه بسال ۱۱۰۵ هـ تا وقایع سال ۱۱۱۰ هجری که بنثری بسیار مصنوع نگارش یافته و ذکر مطالب آن همراه است با اطناب و درین راه چندان مبالغه شده است که اگر کتاب را بنیکی تلخیص کنند

۱- تذکره نصرآبادی، ص: ۴۶۳ - ۴۶۸ و ۴۸۷ - ۴۹۱.

۲- ضمیمه فهرست پرو، ص ۴۱ - ۴۲.

چندان مطلبی از آن بدست نخواهد آمد. دیباچه کتاب در ستایش خالق و بزرگان دینست که بنثری مزین و آمیخته با آیات و اخبار و عبارات تازی نگارش یافته است. نصیری در «مقدمه» می‌گوید که «در ذکر سبب نظم این کتاب» نوشته بعد از اشاره باینکه پادشاهی سلطان حسین بتمامی موافق اصول شریعت است و نظر بر آنست که این شیوه، سرمشق کارگزاری سلاطین کامکار گردد، «... امر قدرقدر قضا امضا و حکم تقدیر نظیر جهان‌پیما شرف نفاذ و عزّ صدور پذیرفت که کمترین غلامزادگان در گاه جهان پناه محمدابراهیم بن زین العابدین النصیری که از بدو طلوع آفتاب دولت این سلسله علیه باقبال اباً عن جدّ ذره مثال لازم و ملتزم رکاب ظفر انتساب سلاطین جنت مکین این خانواده رفیعه صاحب اجلال بوده، آن پادشاهان قدردان و جهان‌کدخدایان ثروت نشان در ازاء نیکوخدمتیا و جانفشانیا و صوفیگریا ایشان را بمنصب عالیه و خدمات متعالیه مثل تولیت مشاهد مقدسه منوره و روضات متبرکه عرش درجه نجف اشرف و عتبات عالیات و روضه رضویه علی ساکنین الف سلام و الف تحیه و وزارت دیوان اعلی و انشاء ممالک و استیفاء ممالک و مجلس نویسی و سرداری و وزارت مهر و غیرها ممتاز و سرافراز فرموده‌اند، بنا بر زبونی طالع و برگشتگی بخت مدتی مدید و عهدی بعید بود که این بنده اخلاص مغبور بخدمتی مأمور و بنظر عنایت آفتاب توجه ولینعمت خود منظور و نامش در سلک ملازمان و غلامان این آستان عرش بنیان مسطور نبود... که ناگاه کوکب طالعش از حضیض نکال و وبال بذروه علیای مذکور شدن نامش در مجلس بهشت مثال بر آمد...»

در این کتاب خطبه مجلسی دوم در جلوس شاه سلطان حسین که بعربی و فارسی مصنوعی است آمده و آخرین سنه مذکور در آن توشقان‌نیل مطابق مایه و عشر بعد الف (۱۱۱۰) هجریست که سال ششم از جلوس شاه سلطان حسین بود.

۷۱- سید حسن استرآبادی سید حسن بن مرتضی حسینی استرآبادی از مؤلفان اوایل سده دوازدهم هجری و از معاصران شاه سلطان حسین (۱۱۰۵ - ۱۱۳۵) است که کتاب تاریخ سلطانی را بسال ۱۱۱۵ بنام او تألیف کرده و درباره موضوع و سبب تألیف آن چنین گفته است: «داعی کثیرالتقصیر، ابن سید مرتضی الحسینی سید حسن استرآبادی از روی کتب تواریخ احوال و انساب حضرات ائمه معصومین علیهم السلام و ملوک و سلاطین نامدار کامکار و سادات رفیع الدرجات موافق قانون حساب و علم سیاق دفتری طرح نموده بود، بعضی از دوستان تکلیف نمودند که بانضمام تشخیص احوال ملایکه و شیاطین و حکومت بنی الجان و کیفیت آفرینش عالم تا حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و سایر فواید مرقومه بعنوان کتاب در تحت هر باب به بیاض برده شود، لهذا بقلم تحریر در آورده منظور نظر دوستان گردید و بتاریخ سلطانی موسوم شده مشتمل بر سه باب که در صفحه روزگار بیادگار باقی مانده و متوقع است که اگر سهوی یا ترکی واقع شده باشد بقلم اصلاح در آورده و این کمینه را بدعا و فاتحه یاد نمایند...» از سه باب این کتاب سومین آنها «در بیان انساب سلاطین صفیه صفویه ادام الله اقبالهم الی یوم القیام تا زمان نواب خاقان رضوان مکان شاه صفی نورالله مرقده و مراقد آبانه العظام» اهمیت دارد و تلخیصی است از تاریخهایی که پیش از مؤلف درباره صفویان تألیف شد. این قسمت از کتاب تاریخ سلطانی باعنوان «از شیخ صفی تا شاه صفی» بکوشش آقای دکتر احسان اشراقی بسال ۱۳۶۴ در تهران بطبع رسید. نقل قول کوتاهی که از دیباچه کتاب شده نشان دهنده شیوه نگارش سید حسن استرآبادیست.

۷۲- نعمت خان عالی میرزا محمد شیرازی (م ۱۱۲۱ هـ) متخلص به «عالی» و مخاطب به «نعمت خان» و «مقرب خان» و «دانشمند خان» از شاعران و نویسندگان و رجال معروف سده

یازدهم و دوازدهم است که پیش از این^۱ درباره او و آثار منظوم و منثورش سخن گفتم. «رقعات» او بیشتر مکتوبهای اخوانیست و رساله حسن و عشق یا تزویج العشق والحسن و یا کدخدایی حسن و عشق او در حقیقت نوعی از داستانهای تعریفی^۲ است که قبلاً از قلم انداخته‌ام. این اثر را امام بخش صهبائی دهلوی (م ۱۲۷۳ هـ) شرح کرد^۳. حسن و عشق نعمت‌خان چندبار بطبع رسیده است (لکنه ۱۸۴۲ و ۱۸۷۳، دهلی ۱۸۴۴ با شرح). کتابهای خوان نعمت، راحة القلوب، وقایع حیدرآباد نیز هریک بدفعه یا دفعات چاپ شده و بر رویهم نعمت خان عالی هم بسبب خرده‌گیریهای هجومانند خود نسبت ببعضی از معاصران و هم بواسطه خوش ذوقی و نازک طبعی در رقعات و بعضی منشآت مثل خوان نعمت زیاد مورد توجه و آثارش از جمله سرمشقه‌های نویسندگی در میان پارسی‌نویسان هندنشین است. مجموعه‌یی از منشآت او (انشاء نعمت خان عالی) بشماره Add. 16,875 که علاوه بر مکاتیب اخوانی حاوی بعضی دیگر از اثرهای او، مثل رساله در هجو حکما و شاهنامه بهادرشاه در یک سال و نیم اول پادشاهی او، و رساله طولانی در «وقایع محاصره قلعه دارالجهاد حیدرآباد» نیز هست، در کتابخانه موزه بریتانیا ملاحظه شد^۴، این نامه که در طلب قلم بدوستی نوشته است از آنجا نقل می‌شود: «منشی نون والقلم نقش بوقلمونی روزگار از روزنامه احوال آن والی قلمرو محبت مرفوع القلم داشته‌کدورت را از خاطر عاطر وحشی، و فرحت را باطبع انسی دارد. سخن‌شناسا، بجدوت ذهن مستقیمت که خط‌نسخ بر خط استواکشیده

۱- همین جلد، ص ۱۳۶۲ - ۱۳۶۶.

۲- Visionnaire

۳- درباره اصل و شرح کتاب مذکور بنگرید بفرهست نسخ خطی موزه ملی پاکستان، ص

۴۲۹ و ۴۳۰.

۴- فرهست ریو، ص ۷۴۴. و نیز در باره منشآت نعمت‌خان بنگرید بترجمه تاریخ ادبیات

فارسی، دکتراته، ص ۲۴۳ و ۲۴۴.

قسم، و بطیب خلق عظیمت که نرخ ریحان شکسته سو گند که دوات محبره
 محب از قلم چون دیده اعمی از خط شعاعی یک قلم تهی گردیده و کلیم
 ناطقه که از معجزه سخن بد بیضا مینمود بی عصای خامه اعجازش بمقام عجز
 رسیده، مبارز فکرت بی این نیزه خطی حلقه‌های زره را از دوایر حرف چگونه
 تواند گشود و شهسوار طبیعت بدون این چوگان چسان گوی نقطه را از میدان
 صفحه تواند ربود...» انشاء خوشی هم در تعریف شیراز در این مجموعه دیده
 می‌شود.

ملاشاه محمد بن محمد دارابی شیرازی که در شعرگاه
 ۷۳- شاه محمد دارابی^۱ عارف و گاه شاه تخلص می‌کرده، از مؤلفان و
 شاعران سده یازدهم هجریست که شاید تا اوایل سده دوازدهم زیسته باشد.
 شرح حالش باجمال در تذکره نصرآبادی (ص ۱۸۶) و در کتاب
 لطائف‌الخیال خود شاه محمد آمده است. وی تحصیلات خود را در ایران انجام
 داد و مدتی در خدمت شیخ بهاء‌الدین عاملی شاگردی کرد و بعد از آن
 سفرهایی چند بمکه و مدینه و عتبات و هندوستان نمود و در بازگشت از هند
 مدتی نزد سید نورالدین مرعشی بمقابله کتابهای حدیث سرگرم بود و در سال
 ۱۰۷۶ بتألیف کتاب لطائف‌الخیال پرداخت و بعد بایران برگشت و در فاصله
 سالهای ۱۰۸۳ - ۱۰۹۰ که نصرآبادی تذکره خود را تألیف می‌کرد در
 اصفهان بسر می‌برد و با آنکه تذکره او پیشتر از آن تمام شده بوده

۱- درباره او بنگرید به:

• تذکره نصرآبادی، ص ۱۸۶.

• تاریخ تذکرمهای فارسی، آقای احمد گلچین معانی، ج ۲، نهران ۱۳۵۰، ص ۸۷ -

• ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء، ج ۵، قم ۱۴۰۳، ص ۲۷۴ - ۲۷۵.

• صحف ابراهیم، در حرف ش.

نصر آبادی گفته است که «تذکره شعرا می نویسد» یعنی سرگرم کار آنست، و این بدان معنیست که گویا اطلاعات تازه‌یی بر کتاب می‌افزود یا در آن تجدید نظر می‌کرد.

ملا شاه محمد غیر از لطایف‌الخیال کتابی بنام لطیفه غیبیه در شرح بعضی از نکته‌های دیوان حافظ دارد که در تهران بچاپ سنگی رسید؛ و نیز کتابی دیگر بنام معراج‌الکمال در اخلاق ازو باز مانده است.

و اما تذکره لطایف‌الخیال که مهمترین اثر اوست، تذکره بیست عمومی که بنظم جغرافیایی در شرح حال شاعران متقدم و متأخر ترتیب یافته و ملا شاه محمد تألیف آن را بسال ۱۰۷۶ آغاز کرد و بسال ۱۰۷۸ بانجام رساند و آن در دو جلد است: در جلد اول ترجمه حال شاعران فارس و توابع - اصفهان و توابع - ایلها و اویماقها و اتراک - کاشان - شرح حال مؤلف آمده، و در جلد دوم از شاعران آذربایجان و توابع - شوشتر - گیلان - مازندران - استرآباد - یزد - کرمان و توابع - خراسان و توابع - قندهار و سیستان - ماوراءالنهر - هندوستان - روم و نجف و کربلا سخن رفته است.

نصر آبادی ازین ملا شاه محمد ببنیکی بسیار یاد کرده و نقل قول او درینجا خالی از فایده نیست: «ملا شاه محمد از ولایت دارابست، طالب علم منقحی است، مدتی در هند بود، درین سال تشریف آوردند، تذکره شعرا می‌نویسد، امید که موفق باشد. مدتی که در هند بود تا در آنجا بود فیض بهمه کس می‌رسانید چنانچه (= چنانکه) هر سال برای همه همسایگان و مردم دیگر مبلغی می‌فرستاد و الحال که آمده هم فیض او بفقرا و مستحقین می‌رسد، و توفیق این معنی یافته، غرض که مرد بسیار خوبیست و پاره‌یی تحصیل هم کرده در هر علم آگاهی دارد...». در صحف ابراهیم هم ترجمه حالش در حرف «ش» آمده است، و از پایان حیات او خبری نداریم جز اینکه میرزا عبدالله افندی اصفهانی (م ۱۱۳۱ هـ) در ذیل حال قاضی نورالله شوشتری و بازماندگان، در کتاب خود ریاض‌العلماء (ج ۵، ص ۲۷۴) اشاره‌یی بملا

شاه محمد بن ملا محمد شیرازی دارد و گوید که او اکنون ساکن شیراز است و
ازینجا معلوم می شود که در اوایل سده دوازدهم زنده بوده است. ازوست:
عمر ما چون باد بگذشت و نشان معلوم نیست
از سبک سیری پی این کاروان معلوم نیست
صاف دل غمگین نمی گردد زحرف دل خراش
جای زخم تیغ در آب روان معلوم نیست
راحت واماندگی راهرو در منزل است
زشتی اعمال ما در این جهان معلوم نیست

• •

بی رخت دریای خون در چشم تر دارم بیا
غم بجان آتش بدل سودا بسر دارم بیا
تا ز راه آمدن ننشیندت بر دل غبار
طرفه گلریزان اشکی در نظر دارم بیا
رونمای خاک پایت را زمروارید اشک
در کف هر تار مژگان صد گهر دارم بیا
همچو شاه از بهر پای اندازت ای سرو روان
پاره های لعل و یاقوت جگر دارم بیا

• •

جهدی کن و در راه خدا پا بردار
زاد ره آخرت زدنییا بردار
با دست تهی مرو بدرگاه کریم
آب از ساحل برای دریا بردار

بیدل عظیم آبادی، شاعر نو آور و توانای این عهد
 ۷۴- بیدل
 مجموعه‌هایی از منشآت دارد بدین شرح: ۱- چهار
 عنصر در شرح مقتدایان بیدل در سلوک راه طریقت و ذکر احوال او. بسیاری
 از مطالب که میان اهل طریقت رایجست در مطاوی این مطالب آمده و
 تمام کتاب با نثر مزین مصنوع نوشته شده است و نثرش بروشنترین وجهی
 سبک او را در غزلهایش نشان می‌دهد: ۲- رقعات بیدل که مجموعاً ۲۸۹
 مکتوب اخوانیست در همان سبک معهود نویسنده: ۳- نکات بیدل که از ۷۵
 نکته تشکیل می‌شود در شرح مدارج و مقامات سلوک و ریاضت و اشاره
 بحقایق عرفان و یا شرح بعضی تعبیرات و مصطلحات عارفان. هر نکته‌یی
 بنثری شروع می‌شود و با آن شعرهایی از مثنوی و غزل و رباعی می‌آید، گاه
 هم یک نکته بشکل حکایت یا تمثیل ذکر می‌شود. نکات بیدل با نثری ساده
 و عبارتهایی منسجم و پخته نگارش یافته است و این نثرها همگی در کلیات
 بیدل که در کابل طبع شده ملاحظه می‌شود و از آنها و از بدایع‌الدهور او
 نسخه‌های خطی بسیار در کتابخانه پراکنده است. از رقعات اوست در معذرت
 و شکوة کاهلی:

«بیدلم بیدل مرا جز هیچ بودن ساز کو
 از عدم می‌جوشم انجامم چه و آغاز کو
 قطره گردانم طراوت از کجا سامان کنم
 وریگویم ذره‌ام چون ذره‌ام پرواز کو
 باین بضاعت اگر نفس موهوم مصروف دعای آن جناب نباشد، زهی
 حرمان؛ و باین استطاعت اگر تصور معدوم از یاد آن جمال امداد نیندیشد،
 خهی خسران. بجا نیاوردن بعضی شرایط رسوم بی‌اختیار است، که بیدلان را از
 عالم نیستی بخود رسیدن، اندکی درنگ دارد، و از جهان معدومی، بخیال
 اعتبارات چشم‌گشودن فرصتی می‌شمارد. جوهر آیینة این احوال زبان
 عذرخواهیست، عرق شرم این اوضاع شبنم بساط عجز نگاهی.
 مارا زخیال تو جدایی چه خیالست
 آیینة ما ذره خورشید مثالست
 در آب و گهر فاصله جز نام نباشد
 از عالم نزدیکی و دوری چه سوالست»

۷۵- ابوالفتح بن مظفر
 دوازدهم هجری، صاحب کتاب « نوادرالنقول فی

مآثرالعقول» است که آن را بشیوه لطائف الطوائف فخرالدین علی صفی (م ۹۳۹) و با استفاده از کتابهایی چند تنظیم نمود. این کتاب مجموعه‌یست از داستانهای کوتاه که مؤلف آنها را برای فرزندش محمد نثارعلی بسال ۱۱۵۱ فراهم آورد. نسخه‌ی ازین کتاب بشماره Add.25,834^۱ که گویا نسخه منحصربست^۲، در کتابخانه موزه بریتانیا ملاحظه شد. مؤلف در مقدمه گفته است که: «چون... اثر عنایت ایزدی بر دل فایض شد... خواستم کتابی موجز پارسی بسازم و حکایات نادر خوش آیند، چنانکه طبع هر یکی مایل آن باشد، از محلهای مختلف که در نظر می‌آید یکجا تألیف سازم، اما بحکم الامور مرهونه بالمواقیت آن آرزو در توقف و آن تمنا در تعطیل می‌بود... تا که فرزندی و شرة الفوادی و قره عینی سیدی سندی محمدنثارعلی افاضته‌الله بالطایف الخفی والجلی بدان اندیشه واقف و بآن فکر مطلع شد و آن معنی را التماس نمود...» پس بر این کار همت گماشتم و «از کتب معتبر چنانکه [تاریخ] طبری تألیف محمدبن جریر و جامع الحکایات ترقیم نورالدین محمدعوفی و تاریخ فخرالدین داود بناکتی و ترجمه تاریخ قاضی شمس‌الدین بن خلکان و موعظت نامه کیکاوس بن سکندر بن قابوس که بجهت فرزند خود گیلانشاه نوشته و تاریخ آل سلجوق تصنیف محمدبن ابی عبداللہ النظام الحسینی و سیرالنبی المسمی بمعارج النبوه فی مدارج الفتوه و از کتب دیگر التقاط کردم و از اطالت و اکثار احتراز واجب شمردم... و هرچه از کتب فارسی بنوشتم عبارت آن کتاب را بعینه درج کردم و آنچه از کتب تازی مطالعه نمودم آن را با لباس فارسی پوشاندم و ترجمه‌اش ذکر کردم تا

۱- فهرست نسخه‌های فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا، ریو، ص ۷۶۹.

۲- با اعتماد بر قول دکتر هرمان اته (ترجمه تاریخ ادبیات فارسی، ص ۲۳۵). در اینجا

شماره کتاب Or.25,834 به‌پای شده ولی درست همانست که در متن آورده‌ام.

فهم همگنان آن را دریابد و هر کرا در عربیت ممارست نباشد از اخبار پیشینیان محروم نماند. قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم: کلموا الناس علی قدر عقولهم، قطعه:

با یارنو از غم کهن باید گفت لابد بزبان اوسخن باید گفت
لاتفعل وافعل نکنند چندان سود چون باعجمی کن و مکن باید گفت
و عروسانی را که قرن‌ها در حجاب عربیت مستور بودند و دست
فارسی‌خوانان از دامن انتفاع آنان کوتاه بود بر سریر بیان جلوه دادم و از آن
پرده خفا بدر آوردم تا طالبان سهولت و آسانی بمراد خود برسند چه مقصود
از تألیف این کتاب فهم عوام خلق بوده است لهذا از عبارات بلند و معنی مفلق
دست برداشتم و از استعمال الفاظ عربیه و از استعارات بدیعه اجتناب نمودم و
مراعات اسجاع و قوافی نکردم تا رخساره قصه بناخن ملالت خراشیده نگردد
و مقصود حکایات فوت نشود، فرد:

آرایش کردن زحد بیش رخساره قصه را کند ریش...

و اساس این نمیقه انیقه بر بیست و یک باب نهادم: باب اول در ذکر
معجزات باهره و آیات بینات ظاهره [نبی اکرم] صلی الله علیه و سلم؛ باب
دویم در حکایات خلفای اربعه رضوان الله علیهم؛ باب سیوم در ذکر نکات ائمه
معصومین و صحابه کرام؛ باب چهارم در ذکر اولیا و صلحای این امت؛ باب
پنجم در ذکر حکایات علمای کبار؛ باب ششم در ذکر الفاظ حکما متضمن
وعظ و اندرز؛ باب هفتم در ذکر سلاطین عالیمقدار و پادشاهان نامدار؛ باب
هشتم در ذکر حکایات وزرا و امرا و مقربان ایشان؛ باب نهم در ذکر نکات
ارباب دیوان و منشیان و ادیبان و غیره؛ باب دهم در ذکر حکما و معالجات
ایشان و منجمین؛ باب یازدهم در ذکر شعرا و بدیعه گفتن ایشان در محلها؛
باب دوازدهم در ذکر لطایف اعراب و فصحا و بدایع النکات؛ باب سیزدهم
در ذکر تعبیر خواب و عجیبه ابن سیرین؛ باب چهاردهم در ذکر اسخیا
رحمات الله علیهم؛ باب پانزدهم در ذکر بخیلان و طفیلیان و برخورداران؛ باب

شانزدهم در حکایات عجیبه متفرقه متضمن قدرت آله؛ باب هفدهم در ذکر زنان و کودکان و غلمان و کنیزان زیرک؛ باب هجدهم در ذکر احمقان و کذابان و مدعیان نبوت؛ باب نوزدهم در ذکر لطایف ظرفا از مردان و زنان؛ باب بیستم در حکایات عجیبه حیوانات و احوال امصار؛ باب بیست و یکم در مزاح و مزخرفات سایر انام...». کتاب مفصل و نشر آن همچنانکه مؤلف وعده داده است ساده و حکایات آن مستند و ازینروی حاوی اطلاعات بسیار سودمندست.

۷۶- والہ داغستانی'
خان زمان بهادر ظفر جنگ علی قلی خان والہ
داغستانی از امیران و شاعران و مؤلفان سده دوازدهم
است که تذکره خود موسوم به ریاض الشعرا را درست در پایان عهد مورد
مطالعه ما یعنی بسال ۱۱۶۱ تألیف کرد. وی بسال ۱۱۲۴ در اصفهان متولد

۱- درباره او بنگرید به:

- خانمہ ریاض الشعرا والہ کہ ویژه بیان حال اوست.
- همین کتاب و همین جلد، ص ۱۴۱۸ - ۱۴۲۰ کہ حاوی اشارہ بیست ہداستان عشق والہ بخدیجہ سلطان دختر عم والہ کہ موضوع مثنوی والہ و سلطان گردیدہ است و خوانندہ باید بآن مراجعہ کند زیرا در این گفتار از تکرار آن مطلب خودداری شد.
- مثنوی والہ و سلطان فقیر دہلوی، و مقدمہ آن بقلم ممتاز حسن، کراچی ۱۹۷۱.
- خزائنہ عامرہ، غلامعلی آزاد، ہند ۱۹۰۰، ص ۴۴۶ - ۴۵۰.
- فہرست نسخہای خطی فارسی موزہ بریتانیا، ص ۳۷۱ و ضمیمہ آن، ص ۸۰.
- تاریخ تذکرہای فارسی، احمد گلچین معانی، ج ۱، نہران ۱۳۴۸، ص ۶۵۰ - ۶۶۶ و منقولاتی کہ در آنجا از «مردم دیدہ» تألیف عبدالحکیم حاکم لاهوری، و خزائنہ عامرہ، و تذکرہ صبح گلشن تألیف سیدعلی حسن خان بہوپال خواہید دید.
- آتشکدہ آذر، چاپ بمبئی ضمن احوال معاصران.
- مجمع الفصحاء، رضاقلیخان ہدایت، چاپ قدیم نہران، ج ۲، ص ۵۵۸.
- نتایج الافکار، ص ۷۵۰.

شد و در ۱۱۷۰ هـ در دهلی درگذشت. نسبش به عباس بن عبدالمطلب می‌رسید و جدّ اعلای او در عهد مغول بداغستان رفت و در آنجا ماند و خاندانش در آن دیار بساط ریاست گسترده تا آنکه در عهد شاه‌عباس یکم یکی از بزرگان آن طایفه باصفهان رفت و بخدمت آن پادشاه درآمد و لقب صفی قلیخان و بیگلربیگی ایروان بدو تفویض گردید.

یکی از پسران صفی قلیخان فتحعلی خان اعتمادالدوله وزیر شاه سلطان حسین تا سال ۱۱۳۳ هـ است که پیش ازین^۱ نام او را دیده‌اید و برادرزاده او لطفعلی خان داغستانی همانست که توانست جلو نخستین حمله محمود غزایی را بگیرد و او را که از آشفته‌گی احوال ایران در عهد شاه سلطان حسین استفاده کرده و سیستان و کرمان را تسخیر نموده و بفارس تاخته بود، شکست دهد^۲. برادر فتحعلی خان اعتمادالدوله، مهر علیخان چهارپسر داشت که محمدعلی از همه آنها کوچکتر بود که او هم مثل دیگر اعضای خاندان بکارهای لشکری و کشوری اشتغال داشت و علی‌قلی خان واله پسر اوست که بعد از غلبه افغانان بر اصفهان به هندوستان هجرت کرد و بخدمات لشکری و کشوری در دستگاه تیموریان هند پرداخت و بعهد محمدشاه (۱۱۳۱ - ۱۱۶۱ هـ) و احمدشاه (۱۱۶۱ - ۱۱۶۷ هـ) و عالمگیرثانی (۱۱۶۷ - ۱۱۷۳ هـ) درجات و مناصب عالی با لقب «خان زمان بهادر ظفر جنگ» یافت و در عزت و نعمت بسر می‌برد تا در چهل و شش سالگی بسال ۱۱۷۰ هـ در دهلی درگذشت.

واله نویسنده و شاعری سخن سنج و مردی خوش قریحه و آزاده‌خوی بود. اثر مهم و ارزنده‌اش تذکره ریاض الشعراست در یک مقدمه و بیست و هشت روضه (معادل بیست و هشت حرف) و خاتمه در ذکر احوال مؤلف، که مجموعاً انشایی ساده و روان و دور از تصنع دارد و واله بسال ۱۱۶۱ یعنی در سی و هفت سالگی از تألیف آن فارغ شد و در سبب تألیف آن چنین

۱- همین جلد، ص ۲۹ - ۳۰.

۲- ایضاً همانجا.

نوشت که «غرض راقم در تسوید این اوراق آنست که بقدر مقدور اشعار بلند و افکار ارجمند فراهم آید و اینکه جمعی کثیر از موزونان را ذکر نماید». آقای گلچین معانی مؤلف تاریخ تذکره‌های فارسی ریاض الشعرای والد را انتحال و تلخیصی از عرفات‌العاشقین تقی‌الدین اوحدی بلیانی دانسته و نوشته است که با این حال علی‌قلی‌خان «در ذکر ولی‌نعمت خویش حق نعمت را از یاد برده او را بباد انتقاد» گرفته است، ولی بهر حال نباید از بعضی مطالب قابل توجه و نقدهای جالب که درین کتاب است غافل بود. نسخه‌های خطی این کتاب کم نیست.

علی‌قلی‌خان بهادر شعر می‌ساخته و بقول هدایت «قرب چهار هزار بیت دیوان داشته». حاجی لطفعلی بیگ آذر درین باب نوشته است «شعری که ناخنی بدل زند ازو مسموع نشد» اما هدایت دلیل این بی‌لطفی را آن دانسته که والد در تذکره خود از آذر چنانکه باید یاد نمود و «چون آن تذکره بایران رسید حاجی نیز احوال نیکو ازو ذکر نکرده است». انتخابهایی از اشعار و مضمونهای خوبی که دارد در تذکره‌ها دیده می‌شود. مولانا محمد قدرت‌الله گوپاموی هندی درباره شعر والد می‌نویسد: «در فنون نظم عارج معارج فصاحت است و سالک مسالک بلاغت، طبع شریفش گنجینه جواهر معانی و فکر لطیفش خزینه نقود خوش بیانی، منظوماتش به ادابندی مضامین تازه دلپذیر است و منشوراتش بایراد عبارات پاکیزه بی‌نظیر، از آنجا که کلام فصاحت نظامش بیشتر حالیه واقع گشته نمک‌پاش جراحات دردمندان است و گفتار شکر بارش روح افزای بلند طبعان...»

ذکر این نکته در پایان مقال لازم است که هدایت سال وفاتش را سنه ۱۲۶۵ نوشته و این درست بنظر نمی‌آید. صاحب نتایج الافکار همان سال ۱۱۷۰ (سنه سبعین و مائة و الف) را مرقوم داشته است. و میرغلامعلی آزاد در خزانه عامره هم از سنه «سبعین و مائة و الف» درین باره یاد کرده و ماده تاریخی را که فقیر دهلوی در مرگ دوستش بنظم کشیده نقل نموده است که

از آن هم ۱۱۷۰ مستفاد می‌شود:
 ظفر جنگ امیر گهرسنج معنی
 طلب کرد دل سال تاریخ فونش
 ازوست منتخبات زیرین از چند غزل:
 اندیشه کس راه بکنه توندارد
 بحکم قضا از جهان کرد رحلت
 خرد گفت «پیوست واله برحمت»
 هر چیز که هست از تونشان هست و نشان نیست

آمد بپوشش من و ننشسته بازرفت
 کوتاه شد فسانه عمر دراز خضر
 ای من هلاک آنکه بدین خشم و ناز رفت
 هر جا حدیث آن سرزلف دراز رفت

چو شمع قصه شوقم بانتهانرسید
 چو گردباد بگرد سرت نگردیدم
 دمید صبح و مرابانو گفتگو باقیست
 شدم غبار و همان دردل آرزو باقیست

چون بقاف عدم راه تماشا افتاد
 قطره بودم سرهمچشمی بحرم بنظر
 هر کجا دیده گشودم همه عنقا دیدم
 نظر از خویش چو بستم رخ دریا دیدم

همرنگ شعلهام گهرکان آتشم
 رمز بیان عشق نفهمد کسی چو من
 آتش بود تن من و من جان آتشم
 پروانه طینتم که زبان دان آتشم

این ترانها نیز ازوست:

در معرکه عشق ستبیز دگرسست فتح دگر آنجا و گریز دگرسست
فریاد و فغان و گریه و ناله و آه اینها هوسست و عشق چیز دگرسست

از سینه ریش هرچه خواهی بردار زینجا کم و بیش هرچه خواهی بردار
جان و دل و صبر از توام نیست دریغ غیر از غم خویش هرچه خواهی بردار

من زنده بدوستم نمیرم هرگز مغزی بی پوستم نمیرم هرگز
هر کس که نه اوست مرده اش دان زازل من خود همه اوستم نمیرم هرگز

خیزید ز راه من که عاشق شده ام ترسید ز آه من که عاشق شده ام
در دوزخ هجر می گذازم شب و روز اینست گناه من که عاشق شده ام

آمد خط یار جمت و جویی کردم موی ز آن طره داشت، بویی کردم
آخر ز آن مو که رشته جانم بود پیراهن صبر را رفویی کردم

رحمی ننمود یار بر زاری من غم داد و نکرد هیچ غمخواری من
از تیغ جفا بریخت خونم آخر این بود نتیجه وفاداری من

میرزا برخوردار بن محمود ترکمان فراهی متخلص به
۷۷- ممتاز فراهی^۱ ممتاز و معروف به ممتاز فراهی از نویسندگان و
منشیان دوران شاه سلطانحسین (۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ هـ) است. وی شرح حال
خود را بتفصیل در دیباچه کتاب محبوبالقلوب آورده و خلاصه آن چنین
است که آغاز زندگانی را در زادگاه خود فراه گذراند و همانجا بکسب ادب و
دانش پرداخت و خیلی زود بنویسندگی و شاعری روی آورد. سپس از فراه
بمرو شاهجهان رفت و بخدمت حاکم آنجا اصلان خان درآمد و دو سال در آن
شهر بسر برد و بعد از آن باصفهان سفر کرد و ملازم و منشی حسن قلی خان
قورچی باشی شاملو گردید و درین شهر نخستین بار مجموعه‌یی از حکایات بنام
رعنا و زیبا ترتیب داد و آنها را بقول خود «بزیورهای الوان نکات و
استعارات»^۲ بیاراست چنانکه مورد توجه اهل زمان گردید و همین توجه و
تشویق او را بر آن داشت تا حکایت‌هایی نو بر آنچه بود بیفزاید و آنها را بنا بر
ویژگیهای اخلاقیشان بچند دسته منقسم سازد. پس «آن را بمقدمه و شش باب
و خاتمه مرتب گردانید و به محفل آرا موسومش ساخت و در هر بابی از هر نحو

۱- درباره او بنگرید به:

- شرح حالی که از خود در دیباچه کتاب محبوبالقلوب آورده است؛ و بمقدمه ناشر همان کتاب، چاپ امیرکبیر، تهران ۱۳۳۶ (بنام شمس و فقهه).
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، ریو، ص ۷۶۷ - ۷۶۸.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، بلوشه، ج ۴، ص ۷۱ - ۷۳.
- فهرست کتابخانه ایندیاناپلیس، ج ۱، ستون ۵۲۷ - ۵۲۸.
- ترجمه تاریخ ادبیات فارسی، هرمان اته، ص ۲۳۶.
- ۲- شمس و فقهه، چاپ تهران، ص ۱۳.

مقدماتی که از خصوصیات و لوازم آن بود بمعرض تحریر در آورد»^۱.
چند گاهی بعد «پنجه حب الوطن آویخته دامن خاطر» مؤلف شد و او را از اصفهان بفراه و از آنجا بهرات و مشهد و سرانجام بالکای «درون»^۲ نزد حاکم آنجا منوچهر بن قرچقای کشید و او مدتی را درین ناحیت بخوشی گذراند لیکن در جنگهای سرحدی که با طایفه‌های متمرّد در گرفت کتاب محفل آرای وی با آنچه داشت بغارت رفت و او بعد از مدتی در خوشان (قوچان کنونی) دیگر بار بگرد آوردن حکایتها و تحریر و تألیف تازه آنها همت گماشت و این بار آن را محبوب القلوب نامید و در دیباچه و مقدمه و پنج باب و خاتمه تنظیم نمود، و این همانست که بنسبت یکی از حکایات شیرین باب دوم که خود مجموعه‌یی از داستانها را بدنبال می‌آورد به شمه و قهقهه اشتهار یافت.

دیباچه و بسیاری از درآمدهای قصص و حکایات درین کتاب دارای نثری مصنوع و مغلق همراه با اطناب و دراز کشی بیهوده و نابهنجار در سخن است ولی چون ازین موردها بگذریم یعنی وقتی که گفتار مؤلف با روایت و نقل همراه شود، از مبالغه در اطناب و صنعت در کلامش کاسته می‌شود و سخن وی چنان با تصنع و اطناب و اغلاق همراه نیست که مقصود اصلی فراموش گردد و خواننده از درک معنی باز ماند.

در دیباچه کتاب بعد از حمد و ستایش خداوند و پیامبر و امامان، سرگذشت مؤلف آمده و از سبب تألیف کتاب سخن رفته است، و مقدمه دارای پنج مقاله در بعضی از مبحثهای تدبیر منزل و تهذیب نفس و آداب معاشرت و ضیافت و اکل و شرب و شکرگزاری نعمتهای الهیست که با آنها حکایتها و با

۱- ایضاً همان صفحه ۱۳.

۲- «درون از اقلیم چهارم است، در سنوات سابقه و قرون ماضیه در تصرف و البان خوارزم بود، در زمان خاقان گیتی ستان شاه عیسی ماضی انارالله برهانه اضافه ممالک محروسه گردید، و در درون قلمه‌ایست که دست تصرف سلاطین از دامن خاکریزش کوتاه است». کتاب مختصر مفید، محمد مفید مستوفی، ویرساده ۱۹۸۹ بتصحیح آقای دکتر سیف‌الدین نجم‌آبادی، ج ۱ ص ۲۱۷.

حکایتها نتیجه‌های اخلاقی همراه است. بابهای پنجگانه کتاب اینهاست: باب اول در آداب معاشرت و قواعد سخن گفتن؛ باب دوم در نیکوکاری و فواید اجتناب از مردم آزاری؛ باب سوم در بیان تسلیم و رضا و کیفیت بخت و اقبال؛ باب چهارم در بیان آداب مصاحبت و کیفیت رفتار با خلق؛ باب پنجم در بیان قناعت و سخاوت و همت و بیان آفت حسد؛ خاتمه حکایت رعنا و زیبا و بیان مکر زنان و مردان.

در آغاز هریک از بابهای یاد شده محبوب‌القلوب شرحی درباره موضوع آن باب آمده و سپس حکایت‌هایی بتناسب نقل و از آن نتیجه اخلاقی گرفته شده و بدین ترتیب کتاب در اصل و اساس مبنای اخلاقی یافته است و ایراد حکایات در ذیل چند مبحث اخلاق و برای توضیح و تبیین مقصود و اثبات بیان مؤلف در آن مباحث‌هاست. از جانبی دیگر می‌توان این کتاب را در زمره کتابهایی آورد که در آنها حکایات برگرد یک یا چند محور گرد آمده‌اند.

در باب دوم محبوب‌القلوب، بعد از ایراد چند حکایت، داستان گنجور عابد و شمس و قهقهه وزیر گنجانیده شده که خود دارای چندین حکایت است و بسبب وجود همین داستان مفصل و حکایت‌های مربوط بآنست که کتاب محبوب‌القلوب را شمس و قهقهه نیز نامیده‌اند، و هم ازین حکایت نسخه‌های مستقل جداگانه‌ی ترتیب یافته است زیرا خود مقدمه‌ی مستقل دارد و مؤلف در آن مقدمه با انشاء بسیار مغلط سبب تألیف و تحریر آن را بیان می‌کند و نیز معلوم می‌دارد که آن را در هرات بعهد حکومت صفی قلی خان تنظیم نموده است.^۱

حکایت رعنا و زیبا هم که در خاتمه کتاب گنجانده شده، ظاهراً تمام یا بازمانده‌ی بی از مجموعه حکایاتیست که ممتاز فراهی نخستین بار فراهم آورده

۱- بنگرید به محبوب‌القلوب مشهور بشمس و قهقهه چاپ تهران ۱۳۳۶، ص ۱۲۱ بید و

نیز رجوع شود بفرست نسخه‌های فارسی در کتابخانه ملی پاریس، ج ۴، ص ۷۲ - ۷۳.

بود.

شیوه نگارش در این کتاب همانست که پیش ازین گفته شد، فقط این نکته را باید افزود که میرزا برخوردار نثر خود را با شعر در آمیخته و هر جا که لازم دیده از شعر خود یا از شاعران متقدم بیتهایی بر کتاب افزوده است. شعر او پایین تر از حد متوسط است و همچنانکه گفتم در آن ممتاز تخلص می کرد. ازوست:

عدل نوریست کز آن ملک منور گردد وزن سیمش همه آفاق معطر گردد
عدل پیش آر و مراد دل درویش بر آر تا ترا آنچه مرادست میسر گردد

..

صبر شمعیت آفتاب ضیا که رسد نور پرتوش همه جا
هر که در راه صبر پای نهد روز گارش بچشم جای دهد

۷۸- میرزا مهدیخان منشی^۱ میرزا محمد مهدی بن محمد نصیر استرآبادی^۲ یکی از چند نویسندگان و مترسل دفترخانه با دارالانشاء نادری^۳

۱- درباره او بنگرید به:

• صبح گلشن، سیدعلی حسن، ذیل حرف م.

• فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، علی نقی منزوی، ص ۲۷۱ - ۲۷۵.

• شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، مهدی بامداد، ج ۴، تهران ۱۳۵۷.

ذیل نام مهدی، ص ۱۷۱ - ۱۷۲.

• دولت نادرشاه از «ک.ز. اشرفیان» و «م.ر. آرونوا» ترجمه حمید امین، چاپ دوم،

تهران ۲۵۳۶ شاهنشاهی (= ۱۳۵۶ شمسی هجری)، ص ۵ - ۷.

• فهرست کتابهای چاپی فارسی، خانباامشار، ج ۲ تهران ۱۳۵۱.

• فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا، چارلز ریو، ص ۱۹۲ - ۱۹۵ و

ضمیمه آن ص ۴۳.

و معروفتر از همه آنهاست که از همه باو نزدیکتر بود. از گزارش حالش اطلاع کافی در دست نداریم و بعید نیست که در آغاز کار خود بدستگاه فتحعلی خان قاجار در خراسان رفته و بعد از کشته شدن او بحوزه فرماندهی نادرقلی افشار انتقال یافته باشد. بعد از آن تا زمان کشته شدن نادرشاه افشار (جمادی الثانی سال ۱۱۶۰ هـ) متصدی خدمات دولتی بوده و اندک سالی پس از آن بدرود حیات گفته است.

بعضی از مؤلفان^۱ تصور کرده‌اند که میرزا مهدیخان استرآبادی در شعر کوکب تخلص می‌کرده است و این بدان سبب است که او را با میرزا مهدی کوکب ابن میرزا یوسف تبریزی اشتباه کرده‌اند. نام این میرزا مهدی کوکب در تذکره‌هایی مانند صبح گلشن (ذیل حرف ک) و ریاض العارفین آفتاب رای لکهنوی (باز ذیل حرف ک. نسخه چاپی ۱۹۸۲ میلادی ج ۲، ص ۱۵۱) آمده است.^۲

میرزا مهدیخان از جمله نزدیکترین درباریان بنادرشاه بود و در غالب سفرهای جنگی و غیرجنگی او را همراهی می‌کرد و بسیاری از مکاتبات رسمی



* فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، بلوژن، ج ۱، ص ۳۰۱ - ۳۰۲.
 ۲- در کتاب دولت نادرشاه آمده است: «اسم کامل میرزا مهدی نظام‌الدین محمدحاج‌الحسین الصفوی است» و مؤلفان کتاب او را از خاندان صفوی دانستند که در استرآباد دنیا آمد (ص ۵).

۳- «... منشیان عطاردنشان و نویسندگان دفترخانه همایون و اشراف سرکار خاصه شریفه از قبیل میرزا مهدیخان منشی استرآبادی و میرزا مؤمن خان ابیوردی و میرزا حسین اصفهانی مشهور بجویی که نویسندگان دارالانشاء بودند...» (نامه عالم آرای نادری تألیف محمد کاظم وزیر، دفتر اول چاپ مسکو ۱۹۶۲، ص ۲۹۲/۲).

۱- مانند خانابامشار (در مأخذ یاد شده) ولاکهارت در کتاب «نادرشاه» (بانگلیسی).
 ۲- در مجمع الفصحاء هدایت نام چند کوکب دیگر از شیراز و خراسان و مازندران دیده می‌شود (ج ۲، ص ۴۲۶ و ۴۲۹) که البته درین گفتار مطرح نیستند. و نیز درباره این نکته بنگرید به فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه، ج ۲، آقای علی‌نقی منزوی، ص ۲۷۲ - ۲۷۳.

او را می‌نوشت و سمت وقایع نگاری دربار نیز بدو مفوض بود و در سال ۱۱۵۱ هـ از نادر مرتبه خانی یافت.

در اوایل سال ۱۱۵۸ که عثمانیان در جنگ ابروان از نادرشاه شکست خوردند، درخواست مصالحه نمودند و در اواخر سال ۱۱۵۹ نماینده‌یی باصفهان فرستادند. نادر در جواب دو نماینده از جانب خود برای عقد معاهده صلح بدربار عثمانی فرستاد که یکی از آن دو میرزا مهدیخان استرآبادی و دیگری مصطفی‌خان شاملو بود. این هیأت بر سر راه خود از کشته شدن نادر (جمادی الثانی ۱۱۶۰) آگاه شدند و بایران باز گشتند. میرزا مهدیخان از آن پس گوشه‌گیری اختیار نمود تا درگذشت.

وی بزرگترین منشی عهد خود در ایران بود و سبک اصلی و غالبش در انشاء ادامه روش مترسلان و مؤلفان متصنع قرن هفتم و هشتم هجری خاصه و صاف‌الحضرة^۱ است. مهمترین آثاری که از او باز مانده تاریخ جهانگشای نادری و دره نادره و سنگلاخ و مبانی‌اللغه و منشآتست.

تاریخ جهانگشای نادری که بزبان فرانسوی^۲ و انگلیسی^۳ ترجمه شده چند بار در تبریز و تهران و بمبئی بطبع رسید و آن را «تاریخ نادری» نیز نامند. میرزا مهدیخان در مقدمه این کتاب خود را «از چاکران حضور و بضبط وقایع مأمور» توصیف کرده است. در بعضی از نسخ این کتاب خاتمه‌یی بنام محمدحسن خان رئیس ایل قاجار افزوده شده که مورخ است بتاریخ ۱۱۷۱ هـ^۴ و این قسمت در ترجمه فرانسوی کتاب هم دیده می‌شود، و اگر الحاقی نباشد میرزا محمد مهدی استرآبادی سالها بعد از قتل نادر زنده و بعلت قرب جوار در

۱- همین کتاب، ج ۳، ص ۱۲۵۹ - ۱۲۶۲.

۲- ترجمه سرویلیام جونز (Sir William Jones) ذیل عنوان:

Histoire de Nader Chah, Paris 1770.

۳- ترجمه سرویلیام جونز مذکور، چاپ لندن ۱۷۷۳.

۴- فهرست ریو، ص ۱۹۳.

خدمت خانان قاچار بوده است. بعضی دیگر از نسخه‌های این کتاب^۱ همراه با «دیباچه نکاح میرزا مهدیخان بجهت رضاقلی میرزا» است که با نثری مصنوع نگارش یافته است ولی نثر متن این کتاب بخلاف دره نادره و بجز آغاز فصلها و موردهایی که مؤلف در آنها بمقدمه چینی پرداخته ساده و دور از تکلف است.^۲

دره نادره دارای همان مطلبهای تاریخ جهانگشای نادریست و امتیاز آن در انشاء مزین و بسیار مصنوع پیروی از شیوه و صاف الحضره است، و مؤلف در مقدمه ازین اثر خود بعنوان یک سرمشق انشاء یاد می‌کند و پیداست که مقصود انشاء مصنوع و پیچیده‌یست که در آن اوان میان اهل قلم رواج داشت. بجهت همین تصنع و تکلف زائد از حد و زیاده‌روی در آوردن مفردات و مرکبات مهجور نازی است که نسخه‌های خطی و چاپی این کتاب همواره با حاشیها و یادداشتهای بسیار همراه است. این کتاب، بیشتر بصورت یک کتاب درسی در سطح بالا، بارها در تهران (۱۲۷۱ ه.ق و ۱۳۱۱ ه.ق و باز) و تبریز (۱۲۷۴ ه.ق و باز) و بمبئی (۱۲۹۳ ه.ق و باز) و کلکته (۱۸۴۵ میلادی و باز) و لاهور (۱۹۲۱ میلادی) بطبع رسیده است. بهترین کاری که درباره این کتاب شده رساله دکتبری آقای دکتر سید جعفر شهیدی استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهرانست که با مقدمه و توضیحات کافی و رفع مشکلات لغوی همراه است و بسال ۱۳۴۱ خورشیدی بهزین انجمن آثار ملی در تهران چاپ شد.

از کتاب انشاء یا منشآت میرزا مهدیخان نسخه شماره Suppl.2058 کتابخانه ملی پاریس دیده شد و آن مجموعه‌یست از غالب نامه‌هایی که بقلم او نگارش یافته است با دیباچه مصنوعی که بر آن نگاشته و آن را بنام امامقلی میرزا پسر

۱- مثل نسخه شماره Add.25,790 (فهرست ریو، ص ۱۹۴)

۲- در پاره‌یی دیگر از نسخه‌های این کتاب واقعه قتل نادر و رویدادهای عهد شاهرخ نواده نادر، علی‌شاه و جز آن تا سال ۱۱۶۱ هم آمده است.

نادر در آورده و بدو اهداء کرده است. این مجموعه مشتمل است بر عروسی نامه رضاقلی میرزا و نامه‌های متعدد و مختلف دولتی، سلطانی، اخوانی، شخصی (مثل موضوع وقف کتابخانه‌اش و وقف مزرعه و جز آن). این نامه‌ها را از حیث شیوه نگارش آنها می‌توان بدو دسته تقسیم کرد: بعضی بنثر مزین و متکلف نگارش یافته و بعضی دیگر از جمله نثرهای نسبتاً ساده هستند. مثلاً میر محراب بیگ وزیر هرات در قلعه شروع بساختن بناهای عالی برای خود کرده بود و میرزا مهدی او را بدینگونه از عواقب کارش بر حذر داشت: «آنکه امیر محراب بیگ وزیر هرات بداند که درین وقت بعرض رسید که آن وزارت پناه در قلعه هرات طرح عمارات عالیه و قهوه‌خانه و خلوت سرا و حرم سرا ریخته‌اند و املاک و مستغلات بر راه انداخته، همچنانکه تدبیر او عرصه را بر دشمن تنگ کرده بود، وسعت دستگاه او عرصه را بر اهل قلعه تنگ کرده، ما و کلاء عالی که در رعایت سرای دهر و در هر ملک و شهر رتبه سروری داریم، همیشه خانه بدوش و از ساغر رحمت و رنج خوناب‌نوش؛ و آن وزرات پناه که ادنی چاکر این خاندانست، باوصف آنکه او را بهیچ وجه حقی از تسخیر آب و گل آن دیار نیست، بچه جهت ریشه تصرف در آن سرزمین فرو برده و راه و رسم خدمت را فراموش کرده...». گاهی، بویژه در نامه‌هایی که بسلاطین نگاشته، عبارتهای منشیانه زیبا و مقرون به‌مهارت دارد مانند این نامه که بخوندگار روم نوشته شده است: «چندانکه اشهب زرین ستام مهر در میدان سپهر گرم جولان، و شبرنگ مشکین لگام ماه منزل نورد عرصه آسمانست، عنان سمند رعنا خرام عمر و زندگانی، و زمام جواد سعادت رکاب دولت و کامرانی در کف آمال و سرپنجه اقبال آن برادر بی همال باد. بعد از طی مراحل اشتیاق که ادهم قلم در نخستین مرحله پای اظهارش لنگ و پهن دشت صفحه برای جولان خیل بیانش تنگ است، مشهود رأی مواخات مسیر می‌دارد که چون توسن دل بی‌قرار در وادی استخبار حقایق حالات سعادت دلالات عزیز عرق ریز شتاب، و نعل آتشین اشهب خاطر از حدت شوق

ملاقات گرامی در آتش التهاب می‌باشد، درین وقت که کسی روانه حضور بود بتحریر این نمیقاًالوداد مبادرت نموده...». این مجموعه بزرگ است و قسمتی از آن در مخزن الانشاء (ص ۲۴ - ۱۲۵) بسال ۱۲۷۳ ه. ق در تهران و بهره‌ی دیگری بتنهایی در سال ۱۲۸۵ ه. ق در تهران و بخشی بنام انشاءالدرر در بمبئی چاپ شده است.^۱

کتاب سنگلاخ در لغت ترکی است و مؤلف در دیباچه آن گفته است که چون از جوانی باز دیوان امیرعلی شیرنویسی را مرور می‌کرد بر آن شد که تا معانی واژه‌های ترکی آن را توضیح دهد، و اگرچه پیش از چندتن کتابهایی درین باب نوشته‌اند ولی او درین باب بشرح و تفصیل بیشتری توجه کند، و این کار را در زمانی انجام داد که وظیفه و قایع‌نگاری دربار نادرشاه افشار برعهده او بود. کتاب سنگلاخ را محمد خونی برای عباس میرزا فرزند فتحعلی‌شاه قاجار تلخیص کرد و آن را «خلاصه عباسی» نامید.^۲

مبانی‌اللغه یا مبادی‌اللغه پیش گفتاریست که برای کتاب سنگلاخ در لغت ترک نگاشت و آن بسال ۱۹۱۰ در بمبئی بطبع رسید.^۳

۱- درباره چاپهای این مجموعه بنگرید به الذریعه شیخ آقابزرگ تهرانی، جلدهای ۲ (ص

۳۹۲ و ۳۹۴) و ۳ (ص ۱۶۹) و فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۲۷۴.

۲ و ۳- ایضاً فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۲۷۵.

فهرست عام

اعلام تاریخی و جغرافیایی و اماکن

و اسامی کتب و فرق

واقوام

فهرست عام این کتاب که با صرف وقت و هزینه فراوان بوسیله دو دانشجو به نامهای اکرم سمیعان آهویی و مهناز بهروزی تهیه شده و در ایام مسافرت بنده به اروپا به چاپ رسیده بود نمونه اعلای بی‌دقتی، مسئولیت‌نشاسی و لغزش و خطا بود. شبهای زیادی را تا نیمه به تصحیح نمونه سفید صفحه‌بندی شده کتاب گذراندم. بدبختانه به بی‌نظمی الفبایی آن نمی‌توانستم دست بزنم و درهم بریزم. خواننده گرامی باید عنداللزوم نام موردنظر خود را بیش از حد معمول بجوید تا بیابد. امیدوارم در چاپهای بعدی کتاب توفیق بایم تا این فهرست را به دور بریزم و از نو فهرستی بدست خود تهیه و جایگزین کنم.

۱ - فهرست اعلام تاریخی *

<u>آ</u>	
آرنولد لوبکی: ۱۲۲	آبراهام اکشلن سیسی: ۲۹۸
آزادبخت: ۱۵۲۲	آنتی: ۵۷۹
آصف برخیا: ۱۶۵۰	آدم: ۱۴۷۵، ۱۵۱۱، ۱۵۲۳، ۱۵۵۲
آصف الدوله: رش به قوام‌الدین فزونی	۱۵۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۶۷، ۱۶۷۵
آصفخان: رش به قوام‌الدین فزونی	۱۶۸۴، ۱۷۰۰، ۱۷۲۸
آصفی: رش به زین‌الدین محمود آصفی	آدم بن سید اسمعیل موسوی: ۱۴۶۰
آفتاب رای لکنیو: ۱۶۱۲، ۱۶۸۱، ۱۷۰۵	آذرباد: ۱۴۹۴
۱۷۳۰، ۱۷۶۵، ۱۷۷۴	آذربسیگدلی: ۴۰۲، ۵۸۸، ۶۳۷، ۶۵۶
آفرین لاهوری: ۴۸۶، ۵۳۴، ۵۷۳، ۶۰۱	۶۵۷، ۶۶۲، ۶۸۶، ۶۹۷، ۷۳۰، ۷۴۷
۱۴۰۳، ۱۴۰۸	۷۶۳، ۷۸۳، ۷۹۴، ۸۰۰، ۸۰۸، ۸۲۴
آقابانی: ۸۹۳	۸۲۹، ۸۷۸، ۹۰۴، ۹۳۰، ۹۵۳، ۹۶۸
آقابزرگ نهرانی: رش به شیخ آقابزرگ نهرانی	۱۰۳۵، ۱۰۶۲، ۱۱۱۲، ۱۱۳۵، ۱۲۳۰
آقا خضر: ۸۹۳، ۱۷۴۰	۱۲۷۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۷۹۹
آقا جمال خوانساری: ۱۸۰، ۲۴۴، ۲۷۱	آذرشاه: ۱۵۲۵
۳۱۶، ۱۴۶۷، ۱۴۷۷	آذرک شاری: ۵۸۵
آقا حسین: رش به آقا حسین خوانساری	آذرکیوان: ۱۴۸۰
آقا حسین خوانساری: ۱۰۶، ۱۸۰، ۱۸۱	آذری: ۹۰۲
۱۸۸، ۲۳۴، ۲۴۴، ۲۵۳، ۳۱۴، ۳۱۶	آرنور کریستن‌سن: ۱۵۱۱
۳۱۷	آرزو: رش به سراج‌الدین علی خان آرزو
آقا حکیم شیرازی: ۲۳۸	

* شماره‌هایی که با حروف سیاه نشان داده شده، مواردیست که شرح احوال کسی در بین آن صحایف آمده است.

الف

آقا رحیم ارباب: ۲۳۷

- آقا رستم (پادشاه مازندران): ۹۹
 آقا رضا امیدی: ۵۴۹
 آقا رضی قزوینی: رش به رضی الدین محمد بن حسن قزوینی
 آقا شاپور نهرانی: ۱۰۵۹، ۱۰۹۷-۱۱۱۲
 آقا صفی اصفهانی: رش به صفی اصفهانی
 آقا علی مدرس تبریزی: ۳۲۲
 آقا محمد صادق: ۷۳۷
 آقا محمد صالح خلخالی: ۳۱۲
 آقا محمد علی بهبهانی: ۲۶۷
 آقا محمد هادی مازندرانی: رش به آقا هادی مازندرانی
 آقا هادی مازندرانی: ۴۱۳، ۴۱۴
 آقا مسیب جیت گر: ۵۱۲
 آقا یمن: ۱۲۲۷
 آلبوکرک: ۵۸۱، ۵۸۲
 آلب ارسلان سلجوقی: ۱۵۹۹
 آلفونس دالبوکرک: رش به آلبوکرک
 آناندان: ۳۱۱
 آنژ دوسن ژوزف: ۳۶۱
 آنژ یوللو: ۱۵۸، ۱۹۷
 آنتونی جنکین سن: ۱۷، ۵۴، ۷۴
 آنتونی شرلی: ۲۲، ۵۴، ۹۵
 آنکتیل دوپرون: ۱۴۸۲، ۱۷۶۹
 آنندان کشمیری: ۳۱۱، ۱۴۸۲
 آبتی: ۲۹۷
 ابراهیم: ۱۶۲۰
 ابراهیم: ۱۶۳۳
 ابراهیم (پسر پولاد ازبکی): ۵۰
 ابراهیم ادهم: ۵۹۷، ۱۵۸۱، ۱۶۵۰، ۱۷۴۷
 ابراهیم بن زین العابدین: ۱۵۶۹
 ابراهیم بن سلیمان فطیفی بحرانی: ۱۷۷، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۱۷
 ابراهیم بن علی کفمی: ۲۵۳
 ابراهیم بن مالک بن اشتر نخعی: ۱۵۱۰
 ابراهیم بن ولی الله حسینی استرآبادی: ۱۴۷۴
 ابراهیم پاشا: ۵۷۶، ۶۷۵، ۱۶۱۹
 ابراهیم پورداد: ۱۴۸۱
 ابراهیم خان: ۱۶۷۵، ۷۵۰، ۱۳۵۴، ۱۵۸۷
 ابراهیم خان بن محمد یگ ابن امیر علاء الملک
 بن جهان شاه: ۷۳۰
 ابراهیم شاه: ۱۵۲۷، ۱۶۳۰
 ابراهیم شیرازی (پسر ملا صدرا): ۲۴۴، ۲۸۱، ۳۲۰
 ابراهیم علی بن شربی: ۱۶۴۴
 ابراهیم صغیری: ۱۵۲۱
 ابراهیم صفوی: ۴۹۲، ۴۹۶، ۴۹۹، ۵۳۲
 ۱۶۷۸
 ابراهیم عادل شاه: ۱۴۹۹، ۱۵۲۴
 ابراهیم فاروقی: ۳۷۵
 ابراهیم قانونی: ۴۵۱
 ابراهیم نیازی: ۴۰۱
 ابرخس (هیارخس): ۳۳۷

- ابرفرنگی: ۱۵۲۳
 ابونویوس: ۳۵۰
 ابن ابی النجود: رش به عاصم بن ابی النجود
 ابن العربی: رش به محی الدین عربی
 ابن الندیم: ۱۲۱
 ابن الوندی: رش به قاسم بن محمد
 ابن بابویه قمی: رش به شیخ صدوق ابن بابویه قمی
 ابن بزاز: ۱۴۰
 ابن بهلول لودی: ۳۵۸
 ابن اثیر: ۹۷۰، ۱۵۱۰، ۱۶۶۶
 ابن حاجب: ۲۹۸، ۳۰۵، ۴۱۳، ۱۶۴۵
 ۱۶۶۸
 ابن حجر مکی: ۸۴۰
 ابن حمام خوانی: ۶۲۳
 ابن خلکان: ۱۶۶۷، ۱۷۹۵
 ابن خلف تبریزی: رش به محمد حسین بن حلف تبریزی
 ابن رشد: ۱۶۴۴
 ابن روزبهان خنجی: رش به فضل... روزبهان خنجی
 ابن صدرالدین شروانی: ۲۴۷
 ابن طائوس حلی: ۱۲۶
 ابن عبدالکریم عاملی: رش به لطف... ابن عبدالکریم عاملی
 ابن العربی: ۱۶۰۴
 ابن علی بیگ: رش به باریک بیگ پرنساک
 ابن علی بیگ
 ابن غضائری: ۴۱۷
 ابن نهد حلی: ۱۲۷، ۲۰۵، ۱۴۶۵، ۱۶۲۵
 ابن قتیبه: ۱۶۶۶
 ابن کمال پاشا: رش به احمد بن سلیمان
 ابن محمد بن حسن عاملی: رش به شیخ علی بن محمد بن حسن علی عاملی
 ابن محمد حسین قمی: رش به محمد طاهر بن محمد حسین قمی
 ابن محمد موسوی سیرواری: رش به سید محمد بن محمد موسوی سیرواری
 ابن مسکویه: ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۶۱۰، ۱۶۶۶
 ابن مقفع: ۱۶۶۶
 ابن منبه: ۱۶۶۶
 ابن میثم بحرانی: ۱۲۷
 ابن هجر هشمی: ۱۷۰۶
 ابن یوسف شیرازی: ۲۴۵، ۲۶۰، ۳۱۱، ۴۰۰، ۴۱۶، ۶۱۲، ۶۳۷، ۸۳۹، ۹۶۶
 ۱۱۸۱، ۱۳۴۷، ۱۴۷۱، ۱۶۶۰
 ابوالبرکات نیری مولتانی لاهوری: ۱۲۶۱
 ۱۵۲۱، ۱۵۹۷، ۱۷۴۷ - ۱۷۵۰، ۱۷۶۶
 ابوالحسن: ۱۰۱۸
 ابوالحسن آصفغان: رش به آصفغان
 ابوالحسن بن احمد ایوردی: ۳۴۸، ۶۸۵
 ابوالحسن احمد باوردی: ۶۸۳
 ابوالحسن بن محمد طاهر عاملی: ۲۶۶
 ابوالحسن تربتی: ۴۸۲، ۴۸۳
 ابوالحسن زوری: ۱۴۶۸
 ابوالحسن شریف عاملی: ۲۴۹
 ابوالحسن قطبشاه: ۱۴۹۲، ۱۵۹۸
 ابوالحسن کاشانی: ۱۸۶

- ۰۷۸۹ ۰۵۲۴ ۰۴۸۵ ۰۴۵۷ ۰۴۵۶ ۰۴۵۲
 ۰۸۴۸ ۰۸۴۴ ۰۸۴۲ ۰۸۴۱ ۰۸۰۴ ۰۸۰۰
 ۰۱۱۹۴ ۰۹۰۱ ۰۸۸۶ ۰۸۷۱ ۰۸۵۲ ۰۸۵۱
 ۰۱۴۸۱ ۰۱۴۵۷ ۰۱۴۵۰ ۰۱۴۴۹ ۰۱۲۷۵
 ۰۱۵۴۷ ۰۱۵۴۵ ۰۱۴۹۷ ۰۱۴۸۹ ۰۱۴۸۲
 ۰۱۵۸۳ ۰۱۵۷۳ ۰۱۵۵۵ ۰۱۵۵۱ ۰۱۵۴۸
 ۰۱۶۸۶ ۰۱۶۳۴ ۰۱۶۳۰ ۰۱۶۰۲ ۰۱۵۹۷
 ۱۷۵۷ ۰۱۷۰۲ - ۱۶۹۶
 ابوالفضل قاضی: ۱۵۳۰
 ابوالفضل کازرونی: ۱۶۹۹ ۰۲۴۷
 ابوالفضل محمد الدفتری: ۱۶۰۵
 ابوالفضل منشی شیرازی: ۱۶۱۱ ۰۱۶۲۶ -
 ۱۶۲۷
 ابوالفیض فیضی فیاضی اکبرآبادی: رش به
 فیضی فیاضی
 ابوالفضل منشی: ۱۴۸۷
 ابوالقاسم بن محمدرضا مجلس نویسنده نصیری:
 ۴۰۵
 ابوالقاسم بصری: ۱۵۳۸
 ابوالقاسم دولتشاهی: ۸
 ابوالقاسم طاهری: ۰۶ ۰۷۹ ۰۱۱۱ ۱۴۰
 ابوالقاسم کازرونی: ۱۰۴۸ ۰۲۹۹
 ابوالقاسم محمد بن علی کاشی: ۱۶۶۷
 ابوالمحاسن حسین بن حسن گرگانی: ۲۵۲
 ابوالمسعود محیی‌الدین محمد حنفی: ۲۱۴
 ابوالمظفر محمود سلطان (پدر عیید... خان):
 ۳۵۵
 ابوالمکارم: ۱۱۲۶ ۰۱۱۲۷
 ابوالمنصور کوچکونجی خان ازبیک: ۰۳۵۵
 ۵۰۹
 ابوالحسن کمره‌یی: ۱۰۱۸
 ابوالحسن محمد بن سلیمان: ۱۶۶۷
 ابوالحسن محمد بن یوسف عامری نیشابوری:
 ۱۴۹۲
 ابوحنیفه دینوردی: ۱۶۶۶
 ابوالخیر خان اوزبیک: ۰۳۵۵ ۰۱۵۵۴ ۱۶۲۲
 ابواسماعیل عبدالله انصاری: ۱۱۲۶
 ابوالعباس سفاح: ۱۹۱
 ابوالعباس نجاشی: ۴۱۷
 ابوالغازی سلطان ابوسعید: ۰۳۵۵ ۰۵۰۹
 ابوالغازی سلطان عبداللطیف بهادرخان: ۱۵۵۴
 ابوالفتح بن مظفر: ۰۱۵۵۰ ۱۷۹۵ - ۱۷۹۷
 ابوالفتح بیگ بایندر: ۶۵
 ابوالفتح بیگ ترکمان: ۶۱۴
 ابوالفتح رازی: ۱۶۲۴
 ابوالفتح مسیح‌الدین گیلانی: ۰۳۵۵ ۰۴۶۶
 ۰۸۲۴ ۰۸۰۳ ۰۸۰۲ ۰۷۸۰ ۰۵۵۳ ۰۵۰۵
 ۰۱۵۹۶ ۰۱۱۰۴ ۰۱۰۰۸ ۰۸۴۵ ۰۸۲۵
 ۱۷۰۶
 ابوالفتح محمد بن ابوسعید حسینی شریفی:
 ۲۵۲
 ابوالفتح مطرزی خوارزمی: ۳۹۰
 ابوالفتح رازی: ۱۴۷۵
 ابوالفرج بن الجوزی: ۱۶۶۶
 ابوالفضل احمد بن محمد میدانی نیشابوری:
 ۳۹۰
 ابوالفضل بن مبارک: ۰۳۸۷ ۰۸۳۸ ۰۸۴۰
 ۸۴۲ ۰۸۴۱
 ابوالفضل بیهقی: ۱۷۱۸ ۰۱۶۶۷
 ابوالفضل علامی: ۰۴۹ ۰۴۸ ۰۴۷ ۰۱۴ ۰۱۶

- ابوالنجم بن غالب نصرانی: ۱۶۴۵
 ابوالوفاء بوزجانی: ۲۳۰، ۳۵۰
- ابوطاهر طرسوسی: رش به ابوطاهر محمد بن
 حسن طرسوسی
- ابوطاهر محمد بن حسن طرسوسی: ۱۹۲
- ابوعبدالله خلف صدق میرمحمد مؤمن عرشی:
 رش به هاشمی کرمانی
- ابوعبدا... ذهبی: ۱۶۶۶
- ابوعبدا... محمد بن یوسف بن الکنج الشافعی:
 ۱۴۱
- ابوعلی حسن بن علی نیشابوری: ۱۷۳۰
- ابوعلی سینا: ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۱، ۲۸۰،
 ۲۸۲، ۲۸۴، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۲، ۳۴۳،
 ۳۵۹، ۴۳۰، ۴۶۵
- ابوعلی الخازن احمد بن محمد: رش به ابن
 مکیه
- ابوعمر محمد بن عمر کشی: رش به کشی
- ابوقاسم خان نمکین: ۱۵۹۷، ۱۶۹۶-
 ۱۶۹۷
- ابومسعود: ۱۶۶۵
- ابومسلم خراسانی: ۱۹۰، ۱۹۱، ۵۸۶،
 ۱۵۰۶، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۴، ۱۶۵۷
- ابومسلم مروزی: رش به ابومسلم خراسانی
- ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی: رش به
 ناصر خسرو
- ابومنصور احمد بن ابوطالب طبرسی: ۱۶۲۵،
 ۱۶۷۷
- ابومنصور جمال‌الدین حسن عاملی: ۲۶۹
- ابومنصور وهسودان بن ملان: ۴۲۸
- ابومنصور هروی: رش به ابومنصور موفق بن
 علی هروی
- ابومنصور موفق بن علی هروی: ۱۲۰
- ابوبکر: ۷۱، ۹۶، ۱۳۴، ۱۶۴، ۵۸۹،
 ۱۵۸۱
- ابوبکر رمانی: ۱۵۳۵
- ابوبکر سعد: ۷۴۸
- ابوتراب بیک فرقی: ۶۲۰، ۸۶۹
- ابوتراب عبدالصمد: ۱۰۴۰، ۱۰۴۱
- ابوتراب محروم رازی: ۵۱۵، ۸۰۱
- ابوتمام: ۱۵۳۵
- ابوحامد: ۱۵۹۲
- ابوحفص سفدی: ۳۶۸، ۳۷۸
- ابوحنیفه النمان: ۱۴۲
- ابوحنیف لوط بن یحیی الازدی: ۱۵۱۵
- ابوجعفر مقرئ بیقی: ۳۹۰
- ابوجعفر محمد تقی استرآبادی: ۳۴۳
- ابوذر غفاری: ۱۴۷۲، ۱۴۹۶
- ابوریحان بیرونی: ۲۳۰
- ابوسعید ابی‌الخیر: ۲۲۶، ۸۴۰، ۱۵۸۱
- ابوسعید بهادرخان: ۱۶۳۹، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴
- ابوسلمه خلال: ۱۹۱
- ابوشحمة: ۱۴۹۱
- ابوطالب خانجهان: ۴۸۱
- ابوطالب خان تبریزی: ۹۶۷، ۹۷۳
- ابوطالب کلیم کاشانی: رش به کلیم کاشانی
- ابوطالب فندرسکی اصفهانی: ۵۹۰، ۵۹۱،
 ۵۹۷
- ابوطالب محمد تبریزی: ۱۰۵۶
- ابوطالب میرزا (برادر شاه‌عباس اول): ۱۰۹

- ابونصر فراهی: ۴۱۲
 ابونجم ایاز اویماق: رش به ایاز
 ابونصر حسن: رش به اوزون حسن
 ابونصر عتی: ۱۶۶۶
 ابوهاشم عثمانی کوفی: ۲۱۹
 ابویزید خلخالی: ۶۸۵
 اثر شیرازی: ۱۳۵۸-۱۳۶۲
 اثیرالدین ایسری: ۲۹۸، ۳۰۵، ۵۶۸
 ۱۶۶۷، ۱۶۴۴
 اثیرالدین حسین: ۹۹۲
 اثیر اخیکتی: ۹۸۰، ۹۸۲
 احسان اشراقی: ۱۷۸۹
 احسان مشدی: ۱۳۲۷
 احمد: رش به احمد خان
 احمد احسانی: ۳۲۲
 احمد اردبیلی: رش به احمد بن محمد اردبیلی
 احمد اردکانی: ۳۲۲
 احمد بن اعثم کوفی: ۱۵۳۴
 احمد بن بهلول بن جمال کم گو: ۱۵۵۷
 احمد بن حاجی محمد سکاکی طبری: ۲۴۵
 احمد بن خضر اسکویی: ۳۹۲
 احمد بن زین العابدین عاملی: رش به سید
 احمد بن زین العابدین علوی عاملی
 احمد بن سلیمان: ۳۹۲، ۳۹۶، ۱۶۱۶-۱۶۱۹
 احمد بن سهل مروزی: ۱۵۲۹
 احمد بن فهد حلی: ۱۶۲۵
 احمد بن محمد اردبیلی: ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۱۸
 ۲۱۹، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۶۷، ۲۶۹
 ۲۷۴، ۱۴۷۲، ۱۴۷۵
 احمد بن مصطفی: رش به طاش کبری زاده
 ۱۷۶۶
 احمد بن میرمنشی قمی: ۵۰۱
 احمد تاج بخش: ۷۹، ۰۷
 احمد خان: ۵۰۵، ۵۰۶
 احمد خلخالی: ۶۸۵
 احمد زمخساری: ۱۵۱۴
 احمد سوریهاری: ۳۷۱، ۳۸۶
 احمد سبلی خوانساری: ۱۷۴۴، ۱۷۷۶
 احمد شاه: ۱۷۹۸
 احمد شاه درانی: ۳۶۴، ۵۸۴
 احمد عاصم عتایی: ۳۸۵
 احمد علی هاشمی سندیلوی: ۹۵۰، ۹۶۶
 ۱۰۵۶، ۱۱۵۸، ۱۲۰۴، ۱۲۱۲، ۱۵۲۴
 احمد فوقی بردی: ۶۳۱
 احمد قزوینی: ۲۹۱
 احمد کسروی: ۶، ۱۳۹، ۴۳۰
 احمد کمانچه‌ای: ۸۴
 احمد گلچین معانی: ۴۷۱، ۵۰۱، ۵۱۰
 ۵۱۶، ۶۳۳، ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۸۰، ۶۹۴
 ۷۳۲، ۷۶۱، ۷۷۷، ۸۰۲، ۸۳۲، ۸۷۷
 ۹۵۰، ۹۹۴، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۱۷
 ۱۰۲۷، ۱۰۳۳، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۶۹
 ۱۱۴۸، ۱۲۸۵، ۱۳۷۲، ۱۵۳۳، ۱۵۴۱
 ۱۵۵۳، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۳، ۱۶۲۱
 ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۴۶، ۱۶۵۳، ۱۶۷۷
 ۱۶۹۸، ۱۷۱۳، ۱۷۲۲، ۱۷۳۰، ۱۷۳۷
 ۱۷۴۷، ۱۷۷۰، ۱۷۸۰، ۱۷۸۵، ۱۷۸۱
 ۱۷۹۷، ۱۷۹۹
 احمد گیلانی: ۱۲۵۷
 احمد منزوی: ۱۵۷۵، ۱۶۳۸، ۱۷۵۹
 ۱۷۶۶

ارغون شاه: ۱۶۵۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۵۱	احمد مولوی: ۲۲۳
۱۶۵۲، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵	احمد هروی: ۴۴۷
ارمیا: ۱۵۲۳	اختیارالدین تربتی: ۱۴۸۵
ازدها سلطان: ۷۳۷	ادریس کوشکوا: ۱۶۰۴
استاذالشیر: رش به خواجه نصیرالدین طوسی	ادگار بلوشه: ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۹۷، ۳۰۵
استانلی لینی پول: ۱۴، ۷	۳۲۶، ۳۴۴، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۳
اسحق بن ابراهیم اسکویی: ۱۶۵	۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۰۶
اسحق موصلی: ۱۵۳۵	۴۰۷، ۴۵۷، ۶۰۱، ۶۱۴، ۶۴۴، ۶۴۵
اسدخان: ۱۳۴۱	۷۰۱، ۷۵۱، ۹۶۷، ۱۲۵۷، ۱۳۱۴
اسدالعلما علی شیر سرهندی: ۳۷۴	۱۴۸۱، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۴، ۱۵۳۳
اسد قه خوان: ۴۶۵، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴	۱۵۵۴، ۱۶۰۳، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۲
اسدی طوسی: ۳۶۸، ۳۶۹، ۵۹۲، ۵۹۳	۱۶۱۶، ۱۶۱۸، ۱۶۴۳، ۱۶۵۹، ۱۶۷۳
۱۳۰۸	۱۶۷۴، ۱۶۸۸، ۱۷۱۸، ۱۷۲۶، ۱۷۴۲
اسرائیل اری: ۵۶	۱۷۸۰، ۱۸۰۲
اسفندیار: ۱۸۹، ۱۴۹۴، ۱۵۱۹، ۱۵۸۷	ادوارد بیرون: ۷، ۲۷، ۳۱، ۶۹، ۷۰، ۷۲
اسکندربیک ترکمان: رش به اسکندر بیک	۹۷، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۴۷
منشی	۱۴۸، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۶، ۲۰۶، ۲۳۵
اسکندربیک منشی: ۵، ۱۴، ۳۷۷، ۴۰۲	۲۴۲، ۳۱۹، ۳۲۶، ۳۲۸، ۴۰۴، ۵۸۷
۶۸۴، ۶۹۵، ۷۶۱، ۷۹۳، ۸۱۹، ۸۲۸	ادهم واعظ خلخالی: ۱۴۹۷
۹۲۹، ۹۴۴، ۹۴۵، ۱۰۷۸، ۱۱۱۱	ارجمند آزاد کشمیری: ۵۹۷
۱۱۲۰، ۱۱۲۶، ۱۱۵۱، ۱۵۶۶، ۱۶۶۹	ارجمند بانو: ۱۷۶۶
۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۷۴۲، ۱۷۷۶	اردستانی: ۱۸۷
اسکندر پاشا: ۱۶۶۵	ارجاسب امیدی رازی تهرانی: رش به امیدی تهرانی
اسکندر مقدونی: ۷۱، ۳۷۳، ۴۵۶، ۵۹۲	ارسطو: ۲۳۵، ۲۸۳، ۳۰۳، ۳۲۷، ۳۳۸
۷۱۶، ۱۴۹۴، ۱۵۳۶، ۱۵۶۱، ۱۵۷۹	۱۵۸۷، ۱۴۹۴
۱۶۴۹، ۱۷۸۱	اردشیر گرمانی: ۳۸۰
اسلام خان: رش به ضیاءالدین حسینی	ارسلان جاذب: ۷۸۹
اسلام خان مشدی: ۱۳۲۶	ارسلان طوسی: ۷۸۸-۷۹۱
	ارتد: ۱۵۲۸

اشراق: رش به میرمحمدباقر داماد	اسماعیل بن عبدالله شروانی: ۲۴۷
اصالت خان: ۱۵۵۷	اسماعیل بن محمد مازندرانی: ۱۹۶
اصغر بن محمدیوسف قزوینی: ۱۴۶۵	اسماعیل پاشا: ۴۶، ۲۵۵، ۲۸۹، ۴۰۹
اصلان خان: ۱۸۰۲	۴۶۵، ۶۸۷، ۶۹۵، ۶۹۷، ۷۰۶، ۷۲۹
اظهری شیرازی: ۵۵۰، ۵۵۱، ۱۱۸۱-	۷۷۷، ۸۱۶، ۸۲۷، ۸۶۶، ۸۸۳، ۹۳۷
۱۲۶۳، ۱۲۶۱، ۱۱۸۳	۹۵۰، ۹۷۷، ۹۷۹، ۱۰۲۴، ۱۳۱۳
اعتبار خان: ۴۰۷	۱۳۲۱، ۱۳۲۴، ۱۴۸۶، ۱۵۸۳، ۱۵۸۶
اعتقاد خان: رش به آصفخان	۱۶۰۳، ۱۶۰۹، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۶
اعتمادالدوله حاتم بیگ: ۳۸۲	۱۶۱۷، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۷، ۱۶۵۹
اعتمادالدوله غیاث بیگ نهرانی: ۸۰۳	اسماعیل ذیحی: ۵۷
۱۳۲۷، ۱۲۴۲	اسماعیل سامانی: ۱۶۵۰
اعتمادالدوله غیاث‌الدین محمدنهرانی: رش به	اسماعیل عادلشاه: ۴۴۷، ۶۶۴
غیاث‌الدین محمد	اسماعیل میرزا (برادرزاده شاه اسماعیل
اعتمادالدوله محمد مؤمن خان شاملو: ۱۳۸۷	صفوی): ۱۰۹
اعتمادالدوله میرزا طاهر قزوینی: رش به وحید	اسماعیل میرزا: رش به شاه اسماعیل دوم
قزوینی	اسیر: ۵۲۳
اعجاز شاهجهان آبادی: ۴۸۵	اسیری: ۵۸۸
اعظم خان: ۱۷۵۲	اسیری رازی: ۴۵۷، ۵۸۸
افزیموارخان شاملو: ۱۶۶۱	اسیر شهرستانی: رش به میرزا جلال‌الدین اسیر
افراسیاب: ۶۱۹، ۱۶۵۰	اسیری لاهیجی: ۵۸۸
افصح: رش به کمالی شیرازی	اسپرنگر: ۷۰۶، ۱۱۸۴، ۱۱۸۶، ۱۳۲۶
افضل‌الدین صدر ترکه اصفهانی: ۱۴۷۹	۱۳۴۰
افضل‌الدین علامی: ۱۲۳۷	اشرف: ۱۵۲۸
افضل‌الدین کاشانی: ۲۳۶	
افلاطون: ۲۸۳، ۳۱۱، ۱۴۹۴، ۱۵۸۷	اشرف افغان: ۲۴، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۴
اقبال بقمایی: ۱۹۰، ۱۹۲	۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۱۵۵۹، ۱۵۶۹
اندسی مشهدی: ۴۹۹، ۶۱۷، ۸۳۲، ۸۳۸	
اکبرشاه گورکانی: ۱۳، ۱۴، ۴۳، ۴۴، ۴۷	اشرف‌الدین علی: ۳۰۳
۴۸، ۴۹، ۲۷۶، ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۵۲، ۳۵۵	اشکبوس: ۱۵۲۰
۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۷	اشکی قمی: ۴۵۷، ۶۹۹، ۶۹۴

الغریبگ: ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۵۵	۴۶۰، ۴۵۴، ۴۵۲، ۴۵۰، ۴۱۲، ۳۹۷
الغریبگ نیموری: ۲۷۹	۴۶۸، ۴۶۷، ۴۶۶، ۴۶۵، ۴۶۲، ۴۶۱
ابوالقاسم ابوالغلی حیدر: ۱۵۹۹	۴۸۰، ۴۷۶، ۴۷۵، ۴۷۴، ۴۷۲، ۴۷۰
الله دادالعلما: ۸۴۳	۵۷۶، ۵۱۸، ۵۰۵، ۵۰۰، ۴۸۹، ۴۸۹
الله داد فیضی سرهندی: ۳۷۴، ۳۷۱	۵۹۷، ۵۹۶، ۵۹۵، ۵۸۸، ۵۸۲، ۵۸۱
الله وردیخان: ۲۲، ۵۳، ۲۳۸، ۵۷۹، ۱۲۸۹	۷۰۳، ۷۰۲، ۶۹۱، ۶۱۴، ۶۰۳، ۵۹۹
الله یار عثمانی بلگرامی: ۱۵۰۱	۷۵۵، ۷۳۲، ۷۳۱، ۷۱۹، ۷۰۶، ۷۰۵
الکندر خان، ۷۱۶، ۱۰۲۵	۸۱۵، ۸۰۳، ۸۰۲، ۷۹۳، ۷۸۹، ۷۸۸
المتعلی بالله ابوالقاسم احمد: ۶۶۲	۸۴۳، ۸۴۲، ۸۴۱، ۸۴۰، ۸۲۵، ۸۱۶
المتنصر: ۶۶۲	۸۵۱، ۸۵۰، ۸۴۹، ۸۴۸، ۸۴۷، ۸۴۵
المصطفی لیدین الله نزارین المتنصر ابونعمیم	۸۹۸، ۸۸۵، ۸۸۴، ۸۷۴، ۸۷۱، ۸۶۵
ممدین الظاهر: ۶۶۲، ۶۶۳	۹۲۱، ۹۲۰، ۹۰۷، ۹۰۲، ۹۰۱، ۸۹۹
القاص میرزا: ۱۲، ۱۰۸، ۴۹۷، ۴۹۸	۹۹۰، ۹۸۹، ۹۵۲، ۹۳۱، ۹۲۹، ۹۲۴
۴۹۹	۱۰۳۳، ۱۰۲۶، ۱۰۰۸، ۱۰۰۱، ۹۹۳
الوند میرزای آق قویونلو: ۱۳۰	۱۲۰۴، ۱۱۲۰، ۱۱۱۵، ۱۰۹۹، ۱۰۹۸
الوند میرزای بایندری: ۶۴، ۹۶، ۹۷، ۱۵۷	۱۲۸۵، ۱۲۶۱، ۱۲۴۷، ۱۲۳۷، ۱۲۳۷
۱۶۳	۱۴۸۱، ۱۴۵۷، ۱۴۵۴، ۱۴۵۲، ۱۳۴۱
السی اسدآبادی: ۹۳۹، ۱۰۳۵، ۱۱۸۳-	۱۵۳۳، ۱۵۰۵، ۱۵۰۳، ۱۴۹۳، ۱۴۸۲
۱۳۷۴، ۱۲۰۵، ۱۱۹۲	۱۵۵۶، ۱۵۵۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۵، ۱۵۳۹
السی همدانی: ۴۶۱، ۴۶۵، ۵۰۰، ۵۱۲	۱۵۸۷، ۱۵۸۶، ۱۵۷۳، ۱۵۷۲، ۱۵۵۷
۵۱۶، ۶۳۰	۱۶۴۳، ۱۶۳۷، ۱۶۳۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۶
الیاس: ۱۷۴۷	۱۶۸۴، ۱۶۸۲، ۱۶۶۴، ۱۶۵۲، ۱۶۴۷
الیرابت: ۵۴	۱۶۹۹، ۱۶۹۸، ۱۶۹۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۶
امام حسن مجتبی: ۱۷۷، ۱۵۱۳، ۱۵۵۹	۱۷۰۴، ۱۷۰۳، ۱۷۰۲، ۱۷۰۱، ۱۷۰۰
امام حسین، ۱۴۱، ۳۱۶، ۶۲۴، ۶۶۵	۱۷۳۳، ۱۷۲۴، ۱۷۱۷، ۱۷۱۲، ۱۷۰۶
۷۹۴، ۷۹۵، ۹۸۰، ۱۵۱۳، ۱۵۱۵	۱۷۵۷، ۱۷۵۱، ۱۷۴۱
۱۵۵۹، ۱۵۸۱	اکثم بن صفی: ۱۴۹۴
امام رضا: ۳۳۹	اکسیر: رش به محمد عظیم بن محمد جمفر
امام زمان: ۹، ۳۱، ۳۲، ۳۷، ۸۵، ۱۴۰	اکسیر
۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۷۳	الحر العاملی: ۱۰۳۹، ۱۳۰۲

امیرالامرا: رش به ابوطالب خانجہانی	۳۱۸، ۲۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۷۶، ۱۷۴
امیرالمؤمنین (لقب سلطان عثمانی از طرف اشرف): ۱۹۸، ۱۹۷، ۳۹	امام صادق: ۲۵۳، ۱۹۱، ۱۷۶، ۱۷۵
امیریگ: ۵۱۳	۲۸۳، ۱۵۰۷، ۱۴۷۰
امیر تیمور صاحبقران: ۱۶۵۸، ۱۶۵۱	امام علی بن حسین بن علی (زین العابدین):
۱۶۶۳	امام عمر نسفی: ۷۱۶
امیر تیمور گورکان: ۱۷، ۴۷، ۶۵، ۶۶	امام فخر رازی: ۱۶۳۲، ۱۶۰۸، ۱۴۸۵
۱۷۱، ۷۷، ۷۹، ۸۴، ۸۵، ۱۰۳، ۱۲۸	امامقلی بیگ: ۵۳۰
۱۹۹، ۲۰۰، ۱۵۷۷، ۱۶۵۸، ۱۷۲۳	امامقلی خان: رش به امامقلی خان استاجلو
۱۷۲۷، ۱۷۳۴، ۱۷۴۶، ۱۷۷۵، ۱۷۸۱	امامقلی خان استاجلو: ۵۳، ۳۶، ۲۶، ۲۲
امیر جلال: ۱۵۳۹	۹۰، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۳۸، ۴۹۲
امیر جعفر کاشی: ۵۱۳	۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰
امیر جلال الدین محمد تبریزی: ۱۰۱	۱۱۲۹، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۲۰۴
امیر جمال الدین محدث: ۷۱۶	امامقلی ازبک: ۱۲۰۴
امیر جمال الدین محمد استرآبادی: ۱۸۴	امامقلی میرزا: ۱۸۰۹، ۱۸۰۸، ۱۱۰، ۳۵
امیر حاج انسی: ۱۳۱	امام محمد باقر: ۲۸۳، ۲۵۳
امیر حسن: رش به امیر محمد حسن	امام محمد غزالی طوسی: ۳۰۱، ۲۲۴، ۲۰۷
امیر حسن بیگ بایندر: ۱۴۴، ۱۴۰	۳۳۴، ۱۶۴۴
امیر حسن بیگ روملو: ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۶۵	امام موسی کاظم: ۱۴۷۰
۷۰، ۸۰، ۹۲، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰	امام محی الدین بحیبی بن شرف النوری
۱۰۱، ۱۱۶، ۱۳۰، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۰	(الشافعی) ۱۶۶۸
۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۳	امام نجم الدین عبدالغفار قزوینی: ۱۶۱۲
۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۷۵	امان الله امانی: رش به میرزا امان الله امانی
۴۲۶، ۶۷۲، ۶۸۰، ۶۸۳، ۶۸۵، ۷۱۷	امان الله حبیبی: ۳۷۱، ۳۸۹، ۸۸۱-۸۸۳
۷۱۸، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۸	امانی: رش به امان الله حبیبی
۱۴۴۹، ۱۵۵۱، ۱۵۵۶، ۱۶۵۹، ۱۶۶۳	امانی: رش به محمد مازندرانی
۱۶۶۵، ۱۶۶۹-۱۶۷۵، ۱۶۸۰، ۱۷۱۶	امید همدانی: ۴۹۰، ۱۴۱۴-۱۴۱۷
امیر حسن روملو: رش به امیر حسن بیگ روملو	امیدی تهرانی: ۴۷۹، ۴۸۸، ۶۰۶
امیر حسین خان: رش به خان زاده دانشمند	۱۶۸۸
	امیر اصلان: ۱۰۹

۱۶۰۶، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷	بختیاری
۱۶۶۲، ۱۸۱۰، ۴۷۳، ۵۲۴	امیرحسبی عابدی: ۱۰۰۷، ۱۰۰۹
امیرغیاث‌الدین محمد اصفهانی: ۱۶۱	امیرحسینی: ۹۳۰
امیرغیاث‌الدین منصوربن امیرصدرالدین محمد	امیرحمزه صاحبقران: رش به حمزه بن آذرک
حسینی دشتکی شیرازی: رش به غیاث‌الدین	شاری
منصور دشتکی شیرازی	امیرحمزه بن عبدالمطلب ۱۵۰۵، ۱۵۰۶
امیر فخرالدین حسینی: ۲۹۸	۱۵۰۸، ۱۵۱۰، ۱۵۱۲، ۱۷۳۵
امیرفایم: ۸۹۹	امیرخسرو دهلوی: ۲۲۱، ۳۹۰، ۵۱۶
امیرقوام‌الدین محمد: ۱۶۲۵	۵۵۹، ۵۹۴، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۵، ۶۶۶
امیر محراب بیک: ۱۸۰۹	۶۶۸، ۷۱۵، ۸۰۱، ۹۶۸، ۱۰۰۹، ۱۰۶۴
امیرمحمدحس (پدر محمد هاشم آصف):	۱۳۷۸
۹۱، ۸۱	امیرخلیل شروانشاه: رش به سلطان خلیل
امیرمحمدحسین بن امیر محمد صالح	امیرخواندمیر محمد: ۱۵۵۱، ۱۵۵۳
خاتون آبادی: ۱۹۶	امیرسید حسین کرکی عاملی: ۱۹۴
امیر محمود: ۱۵۶۳	امیردوانتون: ۶۵
امیرمحمودبیگ مهردار: ۱۸۴	امیر روزبهان صبری: ۹۳۸
امیرمعین‌الدین سیدابوالفتح محمدبن عبدالباقی	امیر سید اصبیل‌الدین عبدا... حسینی: ۱۶۰۶
حسینی شریفی شیرازی: رش به میرزا مخدوم	امیر شرف‌الدین خان بن شمس‌الدین بدلیسی:
امیر نعمت... حلی: ۱۸۴	رش به شرف خان بدلیسی
امیری خراسانی: ۱۶۴۶	امیرشمس‌الدین محمد کارخانه آقاسی: رش به
امیر یاراحمد اصفهانی: رش به یاراحمد	شمس‌الدین محمد کارخانه آقاسی
اصفهانی	امیرشمس‌الدین محمد کرمانی: ۷۹۳
امیریحیی بن عبداللطیف سیفی قزوینی: رش به	امیر صامی: ۶۰۸
میریحیی قزوینی	امیر صدرالدین محمد بن شرف‌المله ابراهیم:
امیرنظام‌الدین: ۷۶۴	رش به صدرالدین محمد دشتکی شیرازی
امیربنوس محمدصوفی مروی: ۷۱۵	امیر صدرالدین موسوی میرفندرسکی
امیرو گوهری: ۱۳۲۲	امیر عبدالوهاب: ۱۶۱
امیری فیروز کوهی: ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳	امیر عبداله‌الحسینی: رش به میرعبداله بن مظفر
امین‌احمد رازی: ۱۲۵، ۳۷۵، ۳۷۶، ۴۰۲	امیرعلی شیرنوایی: ۳۹۴، ۳۹۹، ۶۲۶
۴۵۱، ۴۵۵، ۴۶۴، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۹	۶۴۸، ۴۴۹، ۹۶۸، ۱۵۷۸، ۱۵۹۰

اونچند کایات: ۱۵۲۲	۰۶۳۲ ۰۶۳۱ ۰۶۳۰ ۰۶۲۹ ۰۵۸۳ ۰۴۸۸
اوحدی مراغی: ۰۵۲۳ ۰۵۹۴	۰۶۵۹ ۰۶۵۵ ۰۶۵۴ ۰۶۴۹ ۰۶۴۸ ۰۶۳۷
اوحداالدین عبدا... بن ضیاءالدین: ۱۷۳۰	۰۶۸۶ ۰۶۸۵ ۰۶۸۴ ۰۶۸۲ ۰۶۷۲ ۰۶۷۱
اوجی کشمیری: ۰۴۹۴ ۰۵۰۳ ۰۶۱۷	۰۷۴۸ ۰۷۴۷ ۰۷۰۵ ۰۷۰۱ ۰۶۹۷ ۰۶۹۵
اودیتچند کایتبه: ۱۵۴۳	۰۸۲۰ ۰۸۱۹ ۰۷۹۹ ۰۷۸۸ ۰۷۵۷ ۰۷۵۵
اورخان: ۱۶۰۵	۰۹۲۳ ۰۹۱۸ ۰۸۹۳ ۰۸۳۹ ۰۸۲۵ ۰۸۲۴
اوزون حسن: ۰۱۲۹ ۰۶۸۲	۰۱۰۰۹ ۰۱۰۰۸ ۰۹۹۵ ۰۹۷۳ ۰۹۵۳ ۰۹۲۹
اورنگ‌زب عالمگیر: ۰۱۲۰۹ ۰۱۲۲۸	۰۱۴۵۰ ۰۱۱۰۱ ۰۱۱۰۰ ۰۱۰۹۸ ۰۱۰۴۸
۰۱۲۳۸ ۰۱۲۴۵ ۰۱۳۲۱ ۰۱۳۲۲ ۰۱۳۴۰	۰۱۶۱۲ ۰۱۵۹۱ ۰۱۵۶۷ ۰۱۵۰۱ ۰۱۵۰۰
۰۱۳۴۱ ۰۱۳۴۵ ۰۱۳۶۳ ۰۱۳۷۳ ۰۱۳۷۷	۰۱۶۳۶ ۰۱۶۳۵ ۰۱۶۳۴ ۰۱۶۱۴ ۰۱۶۱۳
۰۱۳۹۴ ۰۱۳۹۸ ۰۱۴۱۲ ۰۱۴۵۴ ۰۱۴۵۶	۱۶۸۸ ۰۱۶۸۲
۰۱۴۹۱ ۰۱۴۹۳ ۰۱۴۹۴ ۰۱۵۳۹ ۰۱۵۴۱	امین‌الدین فضل‌الله روزبهان خنجی اصفهانی:
۰۱۵۴۳ ۰۱۵۵۷ ۰۱۵۷۰ ۰۱۵۷۱ ۰۱۵۷۲	رش به فضل... روزبهان خنجی
۰۱۵۷۴ ۰۱۵۸۷ ۰۱۵۹۸ ۰۱۷۱۱ ۰۱۷۵۷	امین نصرآبادی: ۶۲۸
۰۱۷۶۶ ۰۱۷۷۰	انورجیت دهیر: ۱۵۲۸
اطولوقوس بیثانی: ۳۵۰	انسان: ۵۶۸
اولجایتوخان: ۰۳۴۵ ۰۶۸۰	انوری: ۰۳۶۹ ۰۳۷۴ ۰۳۹۰ ۰۵۴۹ ۰۵۶۹
اولیاء چلبی: ۰۴۲۹ ۰۴۳۰	۰۷۹۴ ۰۸۰۴ ۰۹۰۰ ۰۱۰۹۱ ۰۱۱۵۹
اولیاء محمد ظلی بن درویش: رش به اولیاء چلبی	۱۲۴۸ ۰۱۲۰۶
اویس میرزا: ۶۷	انوشیروان: ۰۲۳ ۰۳۴ ۰۱۵۵ ۰۱۹۲ ۰۱۴۹۲
اوجی نطنزی: ۰۱۱۱۲ ۰۱۱۳۵ ۰۱۱۴۴	۱۴۹۴
۰۱۱۴۷ ۰۱۱۹۸	انیسی شاملو: ۰۴۹۹ ۰۵۹۷ ۰۸۷۳ ۰۸۷۶
ایوب: ۱۵۲۱	۹۷۰ ۰۹۲۲
	اهلی خراسانی: ۶۳۸
	اهلی شیرازی: ۰۵۲۴ ۰۶۰۶ ۰۶۰۸ ۰۶۱۰
	۰۶۱۱ ۰۶۱۲ ۰۶۲۲ ۰۶۲۶
	ایرج افشار: ۰۱۷۴۲ ۰۱۷۴۳ ۰۱۷۴۴
	۰۱۷۸۰ ۰۱۷۸۲ ۰۱۷۸۳
	ایلبرس خان: ۵۰
	الفتی: رش به قلیج خان

ب

باباطالب اصفهانی: ۴۵۸

بابا فغانی: ۰۵۱۶ ۰۵۲۴ ۰۵۲۷ ۰۵۴۴ ۰۵۴۸

۰۵۴۹ ۰۶۴۵ ۰۶۹۶ ۰۶۹۸ ۰۷۰۴ ۰۷۰۶

- ۱۱۹۵
 بابا کمال خجندی: ۱۷۴۷
 بابا لعل داس: ۱۷۶۶
 بابا نصیبی گیلانی: رش به نصیبی گیلانی
 بابر: رش به ظهیرالدین بابر تیموری
 ماریک بیگ برناک ابن علی بیگ: ۶۵
 باستانی راد: ۱۷۸۶
 بافیای مصنف: ۱۱۳۶
 بانو بیگم: رش به ممتازمحل
 بایزید ایلدرم: ۱۶۰۵
 بایزید بسطامی: ۱۲۵، ۲۰۳، ۲۱۳، ۲۱۹
 ۱۷۴۷
 بایزید: ۱۵۶۴
 بایزید شاسی (عش: ا. س): ۱۳، ۴۵، ۱۶۲
 ۳۴۴، ۱۶۳
 بایزید رومی: ۹۹
 بایزید عثمانی (اول): ۴۴
 بایزید هروی: ۴۵۸
 بایسنقر میرزا: ۱۵۹۵
 بایندری: رش به الوند میرزای بایندری
 بخت النصر: ۱۷۱۲
 بخشی بیگ نکلو: ۹۸۹
 بخشی الملک همت خان ولد اسلام خان
 بدخشی: ۹۸۰
 بدخشی: ۴۷۵
 بدرالدین بن عبدالسلام بن ابراهیم حسینی
 کشمیری: رش به بدری کشمیری
 بدری کشمیری: ۵۹۵، ۷۱۳-۷۱۷
- بدیع الجمال: ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۳۳
 بدیع الزمان: ۱۵۲۰
 بدیع الزمان میرزا: ۶۵، ۱۵۲۰، ۱۶۰۹
 ۱۶۱۱
 براون: رش به ادوارد براون
 برزویه: ۱۴۹۴، ۱۷۰۰
 برنارد دارن: ۱۷۰۹، ۱۷۱۳
 برهان: رش به محمدحسین بن خلف تبریزی
 برهان اول: رش به برهان نظام الدین شاه هندوی
 برهان الملک: ۸۱۵
 برهان الدین عطاء... حسینی نیشابوری: ۴۰۱
 برهان نظام الدین شاه هندوی: ۳۷۷
 برهان نظامشاه: ۶۴۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۱۶۳۰
 ۱۶۵۴، ۱۶۵۵
 برهمس حصاری: ۱۵۳۶، ۱۵۳۷
 برهمس لاهوری: ۱۲۳۶، ۱۲۴۱
 بزرگمهر: ۱۴۹۴، ۱۵۳۳، ۱۶۸۴، ۱۷۰۰
 بزومی: ۴۶۵
 بشرین سلیمان انصاری: ۱۲۵۲
 بطلمیوس: ۳۳۷
 بقراط: ۲۸۲، ۲۸۳
 بکتاش بیگ: ۵۰۳، ۷۶۵
 بکتاش خان استاجلو: ۱۰۵۷، ۱۰۵۸
 بگی آغا: رش به علمشاه خاتون
 بلقیس: ۹۷۰، ۱۶۵۰
 بنایی: ۶۹۶
 بنایی هروی: ۵۴۹، ۶۰۶، ۶۰۸
 بندرداس: رش به خوشگو
 بندعلی: ۱۳۹۸

- بوداق اظهري شیرازی: رش به اظهري شیرازی
 بوقالمشق: ۱۶۰
 بهاءالدین زکریای مولتانی: ۱۶۲۰
 بهاءالدین علی بن عیسی اربلی: ۱۶۲۵
 بهاءالدین محمد اصفهانی: ۱۴۶۴
 بهاءالدین ولدبلخی: رش به سلطان العلماء
 بهادر: ۳۶۶
 بهادرشاه ثانی: ۴۸، ۴۶۳
 بهادر خان: ۷۰۲، ۷۱۴
 بهادر خان (سلطان گجرات): ۷۵۶
 بهارمعل: ۱۵۳۹
 بهاءالدین ابوالحسن علی بن عیسی بن فخرالدین -
 ابی الفتح اربلی: رش به بهاءالدین اربلی
 بهاءالدین اربلی: ۲۶۱، ۱۴۶۸
 بهاءالدین علی قاری: ۱۴۶۳
 بهاسکراجماری: ۳۵۲
 بهبودیگ: ۹۶
 بهرام: ۵۵۳، ۱۵۲۰
 بهرام جوین: ۳۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۱
 ۱۵۳۲، ۱۵۳۴، ۱۶۴۹، ۱۶۵۱
 بهرام شاه: ۱۵۲۴، ۱۷۰۰
 بهرام گور: رش به بهرام جوین
 بهرام میرزا (برادر شاه نهماسب): ۱۰۸،
 ۴۲۴، ۴۸۳، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۷۳۰
 ۷۷۷، ۸۶۵، ۱۱۷۱، ۱۶۳۸، ۱۶۶۰
 ۱۶۹۷، ۱۶۷۰
 بهزاد: ۱۵۲۰
 بهرهور بانو: ۱۷۵۷
 بهروز بازرگان: ۱۵۲۸
 بهلول لودی: ۳۷۲
 بهمن: ۱۴۹۴، ۱۵۱۹، ۱۵۸۷
 بهمنیار: ۲۸۲
 بهریت رای بیغم براگی: ۴۸۵
 بهوهین خواص خان: ۳۵۸
 بیدل دهلوی: ۵۸، ۴۸۵، ۱۶۰۱، ۱۷۹۴، ۴۷۷
 بیرام خان: رش به محمد بیرام بدخشانی
 بیرم: رش به محمد بیرام بدخشانی
 بیژن: ۶۱۹
 بیس برای: ۱۵۳۹
 بیضاوی: رش به فاضی بیضاوی
 بیشتس کشمیری: ۴۳۸، ۵۹۸، ۱۳۳۱،
 ۱۳۲۶
- پ**
- پادری پول سیمون: ۱۰۴
 پادری یوسف میخی انگریزی: ۱۵۱۶
 پادشاه جمشیدنشان: رش به سلطان حسین
 صفوی
 پادشاه دین پناه: رش به نهماسب اول
 پادشاه عالم پناه: رش به شاه اسمعیل دوم
 پادشاه مرتضوی خصال: رش به شاه اسماعیل
 اول صفوی
 پاروانی: ۱۵۳۹
 پتر بزرگ: ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۸
 پدر گابریل: ۲۷۶
 پدر کزاویه: رش به ژروم کزاویه
 پرنوی شیرازی: ۶۴۸، ۶۵۳

نقی اعتمادالدوله: رش به میرزا تقی اعتمادالدوله	پرفسور زاخو: ۱۶۷۸ پرویز: ۴۹ پرویز رجیبی: ۶۴
نقی شوشتری: ۱۴۹۳	بربخان خانم: ۱۰۸، ۷۵۱، ۷۹۳
نقی الدین ابراهیم عاملی: ۱۴۶۷	بنون: ۶۰۱
نقی الدین محمد اوحدی بلیانی: ۰۳۷۱، ۰۱۲۴	پورسون حسین: رش به سلطان حسین صفوی پولادیگ: ۵۳ پیامی: ۴۵۷
۰۵۱۰، ۰۴۷۱، ۰۴۶۵، ۰۴۵۶، ۰۳۸۱، ۰۳۷۵	پیترو دلاواله: ۰۸۵، ۰۱۱۲، ۰۱۱۶، ۳۸۱
۰۵۱۲، ۰۵۱۵، ۰۵۱۶، ۰۶۱۶، ۰۶۲۹، ۰۶۳۳	بیرسلطان خلیفه: ۱۶۷۱ بیرعلی بیگ: ۴۶۹
۰۶۴۲، ۰۶۴۵، ۰۶۴۸، ۰۶۴۹، ۰۶۵۰، ۰۶۵۴	بیرمحمد خانجهان: ۱۷۱۲، ۰۱۵۰۰
۰۶۵۵، ۰۶۵۷، ۰۶۶۲، ۰۶۷۴، ۰۶۸۰، ۰۶۸۶	پیروی ساوخی: ۴۵۷
۰۶۹۴، ۰۶۹۵، ۰۶۹۷، ۰۷۴۱، ۰۷۴۲، ۰۷۴۳	
۰۷۴۶، ۰۷۵۵، ۰۷۶۱، ۰۷۶۳، ۰۷۶۵، ۰۸۰۰	
۰۸۰۱، ۰۸۰۲، ۰۸۱۸، ۰۸۲۰، ۰۸۳۳، ۰۸۳۴	
۰۸۳۵، ۰۸۵۸، ۰۸۶۰، ۰۸۶۶، ۰۸۶۹، ۰۹۰۱	
۰۹۰۴، ۰۹۰۶، ۰۹۲۰، ۰۹۲۱، ۰۹۲۲، ۰۹۳۳	
۰۹۳۷، ۰۹۳۸، ۰۹۵۸، ۰۹۶۰، ۰۹۶۶، ۰۹۶۸	
۰۹۷۳، ۰۹۸۹، ۰۹۹۰، ۰۹۹۲، ۰۹۹۵، ۰۹۹۶	
۰۱۰۰۰، ۰۱۰۰۵، ۰۱۰۱۲، ۰۱۰۱۷، ۰۱۰۱۸	
۰۱۰۳۵، ۰۱۰۴۷، ۰۱۰۴۹، ۰۱۰۵۱، ۰۱۰۵۲	
۰۱۰۵۶، ۰۱۰۵۷، ۰۱۰۶۲، ۰۱۰۷۷، ۰۱۰۷۸	
۰۱۰۹۸، ۰۱۰۹۹، ۰۱۱۰۰، ۰۱۱۰۲، ۰۱۱۲۷	
۰۱۱۲۹، ۰۱۱۳۰، ۰۱۱۳۶، ۰۱۱۴۷، ۰۱۱۴۸	
۰۱۱۸۵، ۰۱۱۸۶، ۰۱۱۹۶، ۰۱۵۸۹، ۰۱۵۹۳	
۰۱۶۲۱، ۰۱۶۴۵، ۰۱۶۴۶، ۰۱۶۴۷، ۰۱۶۵۳	
۰۱۶۶۴، ۰۱۶۶۶، ۰۱۶۸۹، ۰۱۷۰۵، ۰۱۷۰۸	
۰۱۷۱۴، ۰۱۷۱۵، ۰۱۷۲۲، ۰۱۷۲۴، ۰۱۷۲۵	
۰۱۷۳۰، ۰۱۷۳۳، ۰۱۷۳۹، ۰۱۷۴۰، ۱۷۹۹	
نقی الدین کاشی: ۰۶۷۹، ۰۴۹۴، ۰۶۹۷، ۰۶۹۸	تابعی خوانساری: ۰۶۲۹، ۰۷۶۵ تائیر تبریزی: ۰۵۱۴، ۰۵۵۸ تاج الدین ابوالفضل: ۱۷۲۳ تاج الدین حسین: ۱۴۷۴ تاجرباشی: رش به محمدتقی تاجرباشی تاراجند: ۱۴۸۲ تامیر یحیی کاشی: ۱۳۷۴ تاورنیه: ۱۱۷ تجلی: رش به علی رضا اردکانی شیرازی تحسین الدین: ۱۵۴۰ تراب: ۶۲۵ تشیبی کاشانی: ۴۵۷ تفتازانی: رش به سعدالدین تفتازانی تقیای شوشتری: ۰۵۱۵، ۰۸۰۱
۰۷۳۰، ۰۷۳۱، ۰۷۳۵، ۰۷۳۶، ۰۷۳۷، ۰۷۳۸	
۰۷۴۶، ۰۷۴۷، ۰۷۴۸، ۰۷۶۱، ۰۷۶۵، ۰۷۷۷	
۰۷۸۳، ۰۷۹۲، ۰۷۹۴، ۰۸۰۴، ۰۸۱۸، ۰۸۲۷	

ت

۰۴۹۷	۰۴۹۶	۰۴۹۵	۰۴۹۳	۰۶۷۵	۰۶۶۶	۰۸۳۲	۰۸۳۳	۰۸۳۴	۰۸۳۹	۰۸۶۹	۰۸۷۶
۰۵۰۵	۰۵۰۴	۰۵۰۳	۰۵۰۲	۰۴۹۹	۰۴۹۸	۰۸۷۷	۰۸۹۸	۰۹۰۴	۰۹۳۷	۰۹۳۸	۰۹۵۰
۰۵۸۸	۰۵۸۷	۰۵۸۱	۰۵۷۷	۰۵۷۵	۰۵۰۸	۰۹۵۲	۰۹۵۹	۰۹۶۰	۰۹۷۷	۰۹۸۰	۰۹۸۲
۰۶۲۸	۰۶۲۳	۰۶۲۲	۰۶۱۷	۰۶۰۲	۰۵۹۵	۰۱۰۰۷	۰۱۰۰۸	۰۱۰۰۹	۰۱۰۱۹	۰۱۰۷۵	۰۱۰۷۵
۰۶۸۵	۰۶۸۳	۰۶۸۱	۰۶۷۱	۰۶۶۵	۰۶۳۳	۰۱۰۷۷	۰۱۰۹۹	۰۱۱۹۴	۰۱۱۹۷	۰۱۵۸۸	۰۱۵۸۸
۰۷۰۶	۰۷۰۲	۰۷۰۱	۰۶۹۸	۰۶۹۵	۰۶۸۷	۰۱۵۹۲	۰۱۷۱۳	۰۱۷۱۶	۰۱۷۲۲	۰۱۷۲۴	۰۱۷۲۴
۰۷۴۸	۰۷۵۰	۰۷۴۸	۰۷۳۰	۰۷۲۱	۰۷۱۸	۰۱۷۳۹	۰۱۷۴۰				
۰۷۹۳	۰۷۶۴	۰۷۶۲	۰۷۶۱	۰۷۵۱	۰۷۵۰	نقی‌الدین محمد بن شیخ محمد الدرجاتی التستری: رش به ققی شوشتری					
۰۸۸۱	۰۸۲۸	۰۸۲۴	۰۸۱۹	۰۸۱۵	۰۷۹۴	نقی‌الدین محمد ذکری کاشانی: ۷۳۵					
۰۱۰۵۷	۰۱۰۴۱	۰۱۰۴۰	۰۹۲۱	۰۹۲۰	۰۹۲۰	نقی‌الدین نسابه شیرازی: ۹۳۸					
۰۱۴۶۸	۰۱۴۴۲	۰۱۳۱۱	۰۱۱۹۳	۰۱۱۱۱	۰۱۱۱۱	توماس هربرت: ۸۴، ۱۱۱، ۱۱۶					
۰۱۵۰۷	۰۱۴۸۷	۰۱۴۸۶	۰۱۴۸۳	۰۱۴۷۴	۰۱۴۷۴	ققی موسوی: ۷					
۰۱۵۶۰	۰۱۵۵۶	۰۱۵۱۸	۰۱۵۱۶	۰۱۵۰۹	۰۱۵۰۹	تیم انصاری: ۱۵۳۰					
۰۱۵۶۶	۰۱۵۶۵	۰۱۵۶۴	۰۱۵۶۳	۰۱۵۶۲	۰۱۵۶۲	نور: ۱۷۳۴					
۰۱۶۱۵	۰۱۶۱۴	۰۱۶۱۳	۰۱۶۰۸	۰۱۶۰۷	۰۱۶۰۷	تهرانی: رش به محمد شفیق تهرانی					
۰۱۶۳۰	۰۱۶۲۹	۰۱۶۲۰	۰۱۶۲۴	۰۱۶۱۶	۰۱۶۱۶	تک چند چند: ۱۵۴۱					
۰۱۶۵۲	۰۱۶۴۶	۰۱۶۳۹	۰۱۶۳۵	۰۱۶۳۳	۰۱۶۳۳	تهماسب اول: ۱۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴					
۰۱۶۷۲	۰۱۶۶۹	۰۱۶۶۱	۰۱۶۵۸	۰۱۶۵۵	۰۱۶۵۵	۰۱۵، ۰۱۶، ۰۱۷، ۰۱۸، ۰۱۹، ۰۲۴، ۰۴۳، ۰۵۲					
۰۱۶۹۲	۰۱۶۸۹	۰۱۶۸۲	۰۱۶۷۵	۰۱۶۷۳	۰۱۶۷۳	۰۵۴، ۰۵۹، ۰۶۷، ۰۷۰، ۰۷۱، ۰۷۳، ۰۷۴، ۰۷۵					
۰۱۷۷۶	۰۱۷۲۹	۰۱۷۲۴	۰۱۷۱۴	۰۱۶۹۳	۰۱۶۹۳	۰۷۹، ۰۸۰، ۰۸۴، ۰۸۵، ۰۸۹، ۰۹۲، ۰۹۹، ۰۱۰۰					
۰۳۰	۰۳۹	۰۳۷	۰۳۳	۰۳۵	۰۳۰	تهماسب دوم: ۰۳۰، ۰۳۹، ۰۳۷، ۰۳۳، ۰۳۵					
۰۱۵۵۹	۰۱۰۶	۰۱۰۴	۰۹۱	۰۵۶	۰۵۶	۰۱۱۱، ۰۱۰۹، ۰۱۰۸، ۰۱۰۳، ۰۱۰۲، ۰۱۰۱					
تهماسب قلی بیگ عرشی: ۱۳۱۴						۰۱۱۸، ۰۱۳۳، ۰۱۳۸، ۰۱۴۱، ۰۱۴۲، ۰۱۴۳					
تهماسب قلی بیگ یزدی: ۱۳۱۴						۰۱۴۸، ۰۱۴۹، ۰۱۵۰، ۰۱۵۲، ۰۱۵۳، ۰۱۵۴					
تهماسب میرزا: رش به شاه تهماسب اول						۰۱۶۲، ۰۱۶۷، ۰۱۶۹، ۰۱۷۰، ۰۱۷۴، ۰۱۷۵					
تهماسب میرزا: رش به شاه تهماسب اول						۰۱۷۶، ۰۱۷۷، ۰۱۷۸، ۰۱۸۳، ۰۱۸۴، ۰۱۹۳					
تهماسب میرزا: رش به شاه تهماسب دوم						۰۱۹۴، ۰۲۰۱، ۰۲۵۶، ۰۲۶۱، ۰۲۶۸، ۰۲۶۹					
تهماسب میرزا: رش به شاه تهماسب دوم						۰۲۷۳، ۰۲۸۰، ۰۲۸۵، ۰۲۹۳، ۰۳۰۰، ۰۳۴۸					
تهماسب میرزا: رش به شاه تهماسب دوم						۰۳۶۲، ۰۳۷۶، ۰۳۷۷، ۰۴۰۲، ۰۴۰۷، ۰۴۲۴					
تهماسب میرزا: رش به شاه تهماسب دوم						۰۳۲۵، ۰۴۵۰، ۰۳۴۵۳، ۰۴۵۷، ۰۴۵۸، ۰۴۶۲					

۱۹۶۸، ۱۹۷۰، ۱۰۹۳، ۱۱۵۰، ۱۲۶۸
 ۱۳۷۸، ۱۴۶۱، ۱۵۹۵، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰
 ۱۶۲۱، ۱۶۴۳، ۱۶۶۲، ۱۶۶۸، ۱۷۲۴
 جامی فیصری: ۸۷

تیمور حسینی: ۶۱۱

تیمور قآن: ۱۵۵۴، ۱۵۵۸

تیمور گورکان: رش به امیر تیمور گورکان

تیمور: ۱۵۲۰

جان بیگ: ۱۲۴۷

جانی بیگ: ۴۶۴، ۴۷۲، ۸۲۸، ۹۳۳

جانی بیگ سلطان بن سلطان ابوالحیرخان:

۵۱۱

جانی محمد کاظم بن فتح الدین محمد کاشانی

فتح خانی: ۳۵۶

جاهی: رش به ابراهیم صفوی

جبرئیل: ۵۵۳

جدایی: ۴۵۷

جذبی: ۴۵۷

جرجیسی: ۱۵۷۹

جیمی همدانی: ۹۳۹

حمبر الیاسی: ۱۵۲۴

حمبر: رش به قوام الدین قزوینی آصفخان

حمبرین محمدالصادق: رش به امام صادق

حمبریگ آصفخان: رش به میرزا حمبریگ

آصفخان

حمبریگ قزوینی: رش به میرزا حمبریگ

آصفخان

حمبرخان: ۱۷۲۰

حمبر سروفند: ۵۹۱

حمبر شمار: ۵۸۵

حمبر هروی: ۴۷۵

جلایی هجویری: ۲۲۴

جلال اسیر: ۵۹، ۱۲۵، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴

ث

ثابت: ۵۲۴

ثابت اله آبادی: ۴۸۶، ۱۳۹۷، ۱۴۰۳

ثمره شجره بوستان امامت: لقب شاه اسمعیل

صفوی

ثنایی مشهدی: ۴۳۸، ۴۵۷، ۴۶۸، ۴۷۴

۴۹۶، ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۵

۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱

۵۳۲، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۹۵، ۷۳۰

۷۳۱، ۷۷۷-۷۸۷، ۷۹۳، ۸۲۵، ۸۲۸

۸۲۹، ۱۲۷۹

ج

جابر بن حیان: ۱۲۰

جارا... زمخشری: ۳۹۰، ۱۴۷۵

جاماسب: ۱۵۸۷

جامسی: ۲۲۴، ۲۸۰، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰

۴۰۶، ۴۱۳، ۴۵۸، ۵۲۰، ۵۲۴، ۵۴۹

۵۵۲، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۴، ۵۹۶، ۵۹۷

۶۱۲، ۶۱۳، ۶۵۵، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹

۶۹۶، ۷۱۵، ۷۲۱، ۷۲۴، ۷۵۲، ۷۵۵

جمال‌الدین محدث: ۱۶۶۷	۵۵۷۰، ۵۵۶۰، ۵۵۵۷، ۵۵۴۹، ۵۵۴۸، ۵۵۳۷
جمال‌الدین محمد: رش به جمال سیدی	۰۹۶۷، ۰۱۰۶۲، ۰۱۱۲۸، ۰۱۲۱۲، ۰۱۲۲۳
جمال‌الدین محمد استرآبادی: رش به	۰۱۲۶۷، ۰۱۲۷۹، ۰۱۳۳۵، ۰۱۳۳۶، ۱۳۹۴
امیر جمال‌الدین محمد استرآبادی	جلال‌الدین اسکندر: ۳۵۸
جمال‌الدین محمود شیرازی: ۲۳۴	جلال‌الدین اکبر: رش به اکبرشاه
جمال سیدی: ۸۰۰	جلال‌الدین خواندمیر تبریزی: ۶۸۱
جمالی بن حسن شوشتری: ۵۷۷	جلال‌الدین دوانسی: ۰۶۸۳، ۰۶۸۲، ۰۶۴۹
جمشید: ۱۷۳۸، ۰۱۷۰۰، ۰۱۶۵۱، ۰۱۴۹۴	۱۴۷۲
جمن: ۶۰۱	جلال‌الدین سلطان محمد: ۷۵۲
جنکین سن: رش به آنتونی جنکین سن	جلال‌الدین سیادت لاهوری: ۴۸۵
جنوبی بدخشانی معانی: ۰۴۵۴، ۰۶۱۰، ۰۶۱۱	جلال‌الدین صدر: ۰۱۰۴۹، ۰۱۰۵۱
جنوبی قندهاری: ۸۳۴	جلال‌الدین طهرانی: ۳۴۹
جنید: ۱۷۴۷، ۰۱۶۳۳، ۰۲۱۳	جلال‌الدین محمد اودهی: ۱۶۲۰
جنیدبن صدرالدین ابراهیم: ۰۱۳۰، ۰۱۲۹	جلال‌الدین محمد بلخی: رش به مولوی
۰۱۴۰، ۰۱۴۲، ۰۱۴۴، ۰۱۴۵، ۰۱۴۶، ۰۱۴۷	جلال‌الدین محمود نهائیری: ۰۲۲۴، ۰۲۲۵
۲۰۱	جلال‌الدین محمد طباطبایی: ۰۴۶۱، ۱۱۵۱
جوادین اسعد کاظمی: ۰۲۵۰، ۰۳۵۱	جلال‌الدین میرانشاه: ۴۷
جوانمرد علیخان: ۵۰۹	جلالی هندی: ۴۵۴
جوحی (پسر چنگیزخان): ۵۰	جم: ۴۹۶
جونس هانوی: ۱۰۵	جمال‌الدین ابومنصور حسن حلی: رش به
جوهر: ۰۱۵۲۶، ۰۱۵۲۷	علامه حلی
جویای تبریزی: ۰۵۱۴، ۰۵۲۴، ۰۵۳۴، ۰۱۲۷۶	جمال‌الدین احمدبن فهد حلی: رش به ابن فهد
۰۱۴۰۹، ۱۳۵۳-۱۳۵۸	حلی
جهان آرا بیگم: ۰۲۲۸، ۱۵۸۳	جمال‌الدین حسن بن شهیدثانی زین‌الدین بن
جهاندار سلطان: ۰۴۹، ۱۷۵۷	علی عاملی: ۲۶۶
جهان‌سوز: ۱۵۲۰	جمال‌الدین حسین اینجو: ۰۳۶۹، ۰۳۷۱، ۰۳۷۶
جهان‌شاه: ۰۶۵۶، ۱۵۹۵	۰۳۷۷، ۰۳۷۸، ۰۳۷۹، ۰۳۸۰، ۰۳۸۱، ۰۳۸۴
جهان‌شاه قراقریونلو: ۰۱۴۰، ۱۴۴	۳۹۵
جهانگیر: رش به نورالدین جهانگیر	جمال‌الدین خوانساری: ۳۰۸
جهانگیر قائم مقامی: ۱۳۹	

جیبی بیگم: ۱۶۶۷، ۱۶۵۲

حانم کاشی: ۵۲۵

حاج انسی: ۶۰۶، ۶۰۷

حاج مقیم: ۲۳۷

ج

حاج خلیفه: ۲۵۵، ۲۸۹، ۲۹۷، ۳۴۴

۳۴۶، ۳۵۶، ۳۸۲، ۳۸۶، ۳۹۲، ۳۹۳

۴۰۱، ۴۱۳، ۶۳۳، ۶۵۴، ۷۰۶، ۱۵۷۶

۱۵۸۶، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۸، ۱۶۱۲

۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۲۷، ۱۶۳۴، ۱۶۴۱

۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵

۱۶۸۸

حاج زین العطار: ۳۶۳

حاج ملاهادی سبزواری: ۱۸۷، ۳۲۳، ۲۶۹

حاج میرزا سیدحسن شیرازی: ۲۹۹

حاج میرزا معصوم علیشاه: ۱۶۸۸

حاجی اسلم سالم: ۴۸۴

حاجی حبیب الله کاشانی: ۱۳۰۶

حاجی داود قلی شاه: ۱۷۷۷

حاجی ربیع مغربی دهلوی: ۱۵۴۱، ۱۵۴۹

حاجی محمد اسلم: ۱۲۸۵

حاجی محمدجان مشهدی: رش به قدسی مشهدی

حاجی محمد قلیخان قاجار: ۱۵۶۰

حاجی محمدحسین خان مروی: ۲۹۳

حاجی معتمدالدوله فرهاد (میرزای قاجار):

رش به فرهاد میرزای قاجار

حاجی معصومعلی: ۱۳۱۱، ۱۳۱۲

حاجی میرزاحسن نسایی: ۱۳۵۸، ۱۳۵۹

حاجی میرزاحسین نوری: ۱۶۸، ۲۵۸

حاذق گیلانی: ۴۶۱

حافظه: ۴۶، ۱۱۸، ۲۱۴، ۳۷۴، ۴۵۶

۵۰۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۴۹، ۶۹۶، ۹۰۵

چارلز ریو: ۳۱۱، ۳۱۸، ۳۲۶، ۳۵۳

۳۶۲، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۱، ۳۹۲، ۴۰۱

۴۰۵، ۴۰۸، ۴۱۰، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۹۷

۵۹۹، ۶۰۱، ۶۱۳، ۶۳۱، ۶۳۷، ۷۰۱

۷۵۱، ۷۷۸، ۸۱۸، ۸۳۹، ۸۵۸، ۹۶۷

۱۰۱۲، ۱۰۱۷، ۱۰۳۱، ۱۰۴۰، ۱۱۰۰

۱۱۱۸، ۱۱۶۷، ۱۳۵۹، ۱۴۸۱، ۱۴۸۸

۱۴۹۴، ۱۴۹۹، ۱۵۰۱، ۱۵۳۹، ۱۵۴۳

۱۵۴۵، ۱۵۵۴، ۱۵۵۹، ۱۵۶۳، ۱۵۸۷

۱۵۹۶، ۱۶۰۳، ۱۶۱۲، ۱۶۳۴، ۱۶۴۸

۱۶۵۴، ۱۶۵۹، ۱۶۶۵، ۱۶۸۸، ۱۷۲۲

۱۷۲۷، ۱۷۳۹، ۱۷۴۲، ۱۷۵۱، ۱۷۵۶

۱۷۵۹، ۱۷۷۰، ۱۷۸۰، ۱۷۹۵، ۱۸۰۲

۱۸۰۵

چنور بهوج: ۱۵۳۹

چلبی: ۱۶۲۸

چلبی شمس الدین امیرعابد: ۱۶۲۸

چندربهان برهمن اکبرآبادی: ۴۴۹، ۴۸۵

۵۵۸-۱۷۷۶-۱۷۷۷

چنگیز منول: ۵۰، ۶۶، ۶۷، ۷۹، ۱۶۱۶

۱۶۵۷، ۱۶۸۴، ۱۷۲۹، ۱۷۳۴، ۱۷۷۵

ح

حانم خان: ۱۵۷۵

حانم طائی: ۱۶۵۱

حزین لاهیجی: ۳۸۹	۱۰۹۳، ۱۰۶۴، ۱۰۴۳، ۱۰۰۱، ۹۱۷
حسبی نظری: ۵۲۶، ۵۲۵	۱۷۰۷، ۱۵۹۳، ۱۳۱۷
حسام‌الدین چلبی: ۱۶۲۸	حافظ ابرو: ۱۱۵، ۱۶۶۷
حسام‌الدین راشدی: ۱۶۵۲، ۱۶۴۶، ۱۵۰۳	حافظ ابونعیم اصفهانی شافعی: ۱۴۱
حسام‌الدین گرای خان: ۱۰۹۲	حافظ اوبسی: ۳۷۴، ۳۷۱
	حافظ تش بن میرمحمد بخاری: ۱۵۷۷
	حافظ جلاجل: ۸۴
حسن بصری: ۱۷۴۷، ۱۵۸۱، ۱۵۳۱	حافظ دوست محمد خوافی: ۸۴
	حافظ صابر برقاق: ۸۴
	حافظ صابونی قزوینی: ۶۳۱
حسن بن حسن سبزواری: ۱۷۲۸	حافظ محمدین طلحه شافعی: ۱۴۱
حسن بن حسین قراحصاری: ۳۹۱	حافظ محمد سعید بن حافظ کرم‌الله بن حافظ
حسن بن روزبهان شیرازی: ۱۶۰۷، ۱۴۸۵	سلمان: ۱۴۹۱
۱۶۲۶، ۱۶۰۸	حافظ مظفر قمی: ۸۴
حسن بن سید جعفر عاملی کرکی: رش به	حافظ هاشم: ۸۴
سید حسن بن سید حسین جعفر عاملی کرکی	حالی: ۴۵۷
حسن بن سید فتح... هندی: ۶۱۳	حالی گیلانی: ۷۹۳
حسن بن عبدالرزاق لاهیجی: ۱۴۶۵	حامد بن فضل‌الله جمالی کتبی: ۱۵۸۲
حسن بن علی بن اشرف منشی: ۱۴۸۸	۱۶۲۱-۱۶۱۹
حسن بن گل محمد: ۴۰۷	حبیب‌الله ساوجی: ۱۶۴۸، ۱۶۴۶، ۱۵۶۲
حسن بن محمد الخاکی: ۱۵۵۶	۱۶۶۰
حسن بن محمد نیشابوری: ۳۴۶	حجاج بن یوسف ثقفی: ۱۵۳۸، ۱۵۳۴
حسن بصری: ۱۴۹۴	حجام: ۱۵۳۵، ۱۵۲۴
حسن بیگ: ۴۸۷	حجیه‌الدین: ۱۱۸۴
حسن بیگ عتایی: رش به عتایی نکلو	حرالماملی: ۲۱۸، ۲۴۳، ۳۱۹، ۳۲۶
حسن بیگ بایندر: رش به امیر حسن بیگ	۱۷۰۵، ۱۴۸۷، ۴۱۸، ۳۳۳
بایندر	حرفی مصنف: ۱۱۳۵
حسن بیگ حلواجی اوغلی: ۱۱۶، ۱۸	حرفی ساوجی: ۴۶۷
حسن بیگ خاکی: ۱۷۱۷-۱۷۱۶	حرفی کشمیری: ۴۵۸
حسن بیگ رفیع قزوینی: ۴۶۳، ۴۸۸، ۵۵۹	حزنی اصفهانی: ۴۵۷، ۵۲۵، ۵۶۸

- حسن خان بهوپال: ۱۷۹۷
 حسن جلبي: ۲۲۲
 حسنخان شاملو: ۰۳۴، ۰۳۵، ۰۴۰، ۰۴۹، ۰۵۰، ۰۵۰۳
 ۰۱۱۱۱، ۰۱۱۱۴، ۰۱۱۲۸، ۰۱۱۳۵، ۰۱۱۳۶
 ۰۱۱۴۴، ۰۱۱۵۱، ۰۱۲۶۷، ۱۸۰۲
 ۲۸۶
 حسین خان قزوینی: ۱۷۷۴
 حسین خان قورچی: ۱۱۱
 حسین ظنبره‌یی: ۸۴
 حسینعلی شاه‌فرسی: ۵۷۶
 حسین عقربی رستم‌داری: ۰۷۳، ۰۲۸۰، ۰۲۸۵
 حسینقلی خان: رش به محمود علرانی
 حسینقلی خلفا: ۰۹۴، ۲۰۲
 حسین کاشی مورخ: ۰۵۱۵، ۰۸۰۱، ۰۸۶۹
 حسین کیای جلای: ۶۵
 حسین میدی: ۶۲۵
 حسین میرزا (خراسانی): ۶۵
 حسین میرزا: ۴۷۳
 حسین نجوانی: ۰۱۵۱۶، ۱۶۷۸
 حسین نخعی: ۰۶۲۹، ۷۶۱
 حسین نقشی لاهوری: ۵۴۵
 حسین نوری: رش حاج میرزا حسین نوری
 حسین وحدت کوه بنانی: ۱۷۷۸
 حشمت علی: ۴۰۸
 حضرت خضر: ۵۴۶
 حضرت داود: ۱۶۵
 حضرت سلیمان: ۰۱۵۳۱، ۰۱۵۳۸، ۱۶۵۰
 حضرت محمد (ص): ۰۱۴۷۶، ۰۱۴۷۸
 ۰۱۵۱۳، ۰۱۵۳۱، ۰۱۵۵۸، ۱۵۷۹
 حضرت مریم: ۲۷۶
 حضرت مهدی: ۱۶۱۶
 حضرت میرزا میرک: ۱۷۶۰
 حضرت نوح: ۰۱۶۵۶، ۱۶۶۷
 حضرت یوسف: ۰۴۴۱، ۰۴۴۷، ۰۴۷۸، ۴۹۶
 حفظ الله خان: ۱۳۵۴
 حسن صباح: ۱۷۸۱
 حسن طبیب شیرزائی فسانی: رش به میرزا
 حسن طبیب شیرزائی فسانی
 حسن کارکیا: ۵۰۴
 حسن کاشی: ۶۲۴
 حسن میمندی: ۱۵۲۱
 حسن انصاری: ۳۸۴
 حسن بایقرا: رش به سلطان حسین بایقرا
 حسین بن آقا جمال‌الدین خوانساری: رش به
 آقا حسین خوانساری
 حسین بن شهاب‌الدین: رش به محدث عاملی
 حسین بن شهاب‌الدین کرکی عاملی: ۴۱۵
 حسین بن طاهر ذوالیمینین: ۱۶۵۷
 حسین بن علی: رش به امام حسین
 حسین بن علی بن عبدالعالی: ۳۰۰
 حسین بن منصور حلاج: ۰۲۰۳، ۰۲۱۳، ۰۲۱۹
 ۰۸۷۹، ۱۱۰۱
 حسین پرنو بیضاوی: ۰۱۱۳۱، ۱۱۶۱
 حسین خان شاملو: ۰۴۹۲، ۰۵۰۳، ۰۱۱۱۱
 ۰۱۱۲۸، ۰۱۱۴۵، ۱۶۶۰

- حقیقی: ۶۲۶، ۴۵۱، ۳۹۹، ۳۹۸
 حکمت: رش به علی اصغر حکمت
 حکیم آذری: ۴۴۶
 حکیم ابوالفتح: رش به ابوالفتح مسیح الدین
 گیلانی
 حکیم پرنوی: ۶۱۶
 حکیم تاج الدین حسین: ۱۰۲۵
 حکیم حاذق: ۱۳۶۳، ۱۱۲۰۳، ۸۲۵، ۴۶۹
 حکیم خوشحال: ۸۲۵
 حکیم داود تقرب خان: ۱۲۴۶، ۱۰۷۱
 حکیم دوائی گیلانی: ۴۶۰
 حکیم رکفای مسیح: رش به حکیم رکفای
 کاشی
 حکیم رکفای کاشی: ۴۹۹، ۴۹۳، ۴۸۸
 ۵۱۴، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۸
 ۱۰۶۱، ۶۲۱، ۵۹۸، ۵۵۵
 حکیم الملک ۱۵۹۸
 حکیم المعالی شیخ حسن طیب شیرازی: رش
 به شهرت شیرازی
 حکیم شاه محمد قزوینی: ۱۱۶۴۱، ۱۴۹۹
 ۱۶۴۵
 حکیم شاه بن حاجی محمد مبارک قزوینی:
 رش به حکیم شاه محمد قزوینی
 حکیم شرف الدین حسن بن حکیم ملاحسین
 اصفهانی: رش به شقایب اصفهانی
 حکیم شقایب: ۵۲۷، ۵۲۶، ۳۶۲، ۳۶۱
 ۵۳۸، ۵۹۶، ۶۱۳، ۶۲۹، ۶۳۱، ۱۰۲۵
 ۱۰۷۵-۱۰۸۲، ۱۱۲۸، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶
 ۱۳۹۹، ۱۴۸۶، ۱۶۴۱
 حکیم شقایب اصفهانی (شقایب ثانی):
 ۱۶۴۱، ۱۶۸۴، ۱۰۹
 ۷۹۳، ۶۸۴
- ۱۶۴۱، ۱۶۴۰
 حکیم شقایب خان: ۱۷۶۰
 حکیم علی گیلانی: ۱۰۲۵
 حکیم عین الملک: ۱۵۹۶، ۱۸۴۹
 حکیم فتح الدین: ۱۳۶۳، ۱۳۶۲
 حکیم فغفور: رش به فغفور گیلانی
 حکیم فراری گیلانی: رش به فراری گیلانی
 حکیم قطب: ۴۸۸
 حکیم کاشانی: ۱۱۱۸، ۱۰۶۲
 حکیم کوچک: رش به فاضل سعید قمی
 حکیم محسن: ۱۳۶۳
 حکیم محمد حسین: ۳۴۱
 حکیم محمد مومن: ۳۶۲
 حکیم ملا: ۳۶۲
 حکیم نصیرا: ۴۸۸، ۳۶۲
 حکیم نورالدین محمد بن ملا عبدالرزاق
 گیلانی: رش به حکیم فراری گیلانی
 حکیم همام: ۴۶۸، ۴۶۷، ۴۶۶، ۳۵۵
 ۱۵۹۶
 حکیم یوسفی: ۴۰۶
 حلیمی: ۳۹۱
 حمدا... مستوفی: ۱۴۰
 حمزه بن آذرک شاری: ۵۸۵
 حمزه بن صد: ۱۵۱۳
 حمزه بن عبدا... خارجی: رش به حمزه بن
 آذرک شاری
 حمزه بن عبدالمطلب: ۵۸۶، ۵۸۵
 حمزه میرزا: ۹۵، ۹۴، ۲۰، ۱۹، ۱۸
 ۷۹۳، ۶۸۴، ۱۰۹

خ

- حمدا... مستوفی: ۱۶۳۴، ۱۶۶۷
 حمیدالدین ناگوری: ۱۶۲۰
 حمید امین: ۱۸۰۵
 حسین بن اسحق: ۳۵۹
 حیاتی کاشانی: ۱۰۰۹
 حیاتی گیلانی: ۴۵۷، ۴۶۸، ۴۷۴، ۵۰۵
 ۷۳۱، ۵۹۸
 حیدرین جنیدبن صدرالدین ابراهیم: ۱۸۷
 ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶
 ۲۰۱، ۱۶۲
 حیدرین علی حسینی رازی: ۱۵۵۷
 حیدرین محمد خوانساری: ۱۴۷۵
 حیدرسلطان ازبک شیانی: ۷۰۲
 حیدر صفوی: رش به حیدرین جنیدبن
 صدرالدین ابراهیم
 حیدر فقه‌خوان: ۸۴، ۱۵۰۳
 حیدر قلیخان: ۵۷۶
 حیدر کرار: رش به علی بن ابی طالب
 حیدر میرزا: ۱۷، ۹۳، ۹۴، ۴۰۲
 حیدر: ۱۵۳۳
 حیدری (شاگرد لسانی): ۴۹۰، ۶۰۸، ۶۳۹
 ۶۷۲
 حیدری باذل: ۵۹۰
 حیدری تبریزی: ۴۵۸
 حیدری نونی: ۵۸۷، ۵۸۸، ۶۰۶، ۶۰۸
 ۶۲۳، ۶۲۷، ۶۲۹، ۷۹۳
 حیان مالی: ۱۰۱۲، ۱۰۱۳
 خالد جوهری: ۱۵۲۴، ۱۵۳۵
 خانان اسکندرشان: رش به شاه اسماعیل
 صفوی
 خاقان شاه: ۱۵۲۰، ۱۵۲۸
 خاقانی: ۳۶۹، ۳۷۴، ۳۹۰، ۵۲۲، ۵۲۳
 ۵۴۹، ۵۶۹، ۷۸۳، ۷۹۴، ۸۰۴، ۹۷۲
 ۱۰۶۴، ۱۰۷۹، ۱۰۹۳، ۱۲۴۷، ۱۷۲۵
 خاضع: ۱۲۷۶
 خالدین ولید: ۱۷۱۲
 خالص: ۵۶۸
 خان احمد گیلانی: ۸۲۸، ۱۰۲۵، ۱۵۹۶
 خان: ۱۵۲۱
 خان جهان لودی: ۱۷۱۳
 خان اعظم کوکلتاش: ۴۷۵
 خان بابا: خان بابامشار: ۱۸۰۵، ۱۸۰۶
 خان خانان: رش به محمد بیرام بدخشانی
 خان خانان: رش به عبدالرحیم بن محمد بیرام
 خان
 خان خانان سپهسالار: رش به مهابتخان زمانه
 ییگ
 خان خاص محلی: رش به محب علی خان
 خان زاده فیروز جنگ: رش به امان... حسین
 خان زاده دانشمند بختیاری: ۷۶۳
 خان زمان: ۴۷۵
 خان زمان: رش به امانی
 خان زمان: رش به امان... حسینی
 خان زمان: رش به علی قلی خان شاملو

- خان زمان بهادر: رش به میرزا امان... امانی
 خانش بیگم: ۷۶۴
- خان عدالت شمار: رش به امام قلیخان
 خان میرزا (پسر معصوم بیگ): ۳۴۸
- خاورشاه: ۱۵۲۳، ۱۵۳۷
- خدابنده میرزا: رش به محمد میرزا پسر
 شاه عباس
- خدام امامت آشتیان: لقب پروان شاه اسماعیل
 خداوردی افشار: ۴۱۸
- خدیجه بیگم: ۱۴۱۸، ۱۴۰۲، ۱۴۰، ۱۲۹
- خرم: ۵۸۱
- خردک آهنگر: ۱۵۱۴
- خسرو: ۸۵۳، ۴۹
- خسرو اول ساسانی: رش به ابوشیروان
 خسروپاشا: ۳۰۵، ۲۴
- خسرو پرویز: ۱۱۲۲، ۱۶۶۹
- خسرو ثانی: رش به ضمیری اصفهانی
 خسروی قانی: ۴۵۷
- خضر: ۱۷۴۷
- خضرای نهاوندی: ۱۷۱۵
- خضری خوانساری: ۵۱۸
- خضری قزوینی: ۵۱۸
- خطائی: رش به شاه اسماعیل اول
 خطیب ابوالفضل کازرونی: ۸۴۰
- خطیب قزوینی: ۴۱۵
- خلف بن احمد: ۱۷۲۳
- خلف بیگ: ۱۷۳۵
- خلاق المغانی: رش به کمال الدین اسماعیل
 اصفهانی
- خلاق المغانی ثانی: رش به کلیم کاشانی
- خلیفه سلطان: ۱۳۴۷، ۴۰۴
- خلیفه مسلمین (لقب سلطان عثمانی از طرف
 اشرف): ۲۱۷، ۱۹۷، ۴۹
- خلیل... (پسر میرمیران): ۵۰۲
- خلیل خان افشار: ۱۰۸
- خلیل سلطان: ۱۵۶، ۱۵۵
- خواجهگی بلخی: ۴۰۱
- خواجه آصفی: ۵۳۴
- خواجه آقانا: ۱۷۳۹
- خواجه ابوالحسن تربتی: ۱۲۴۱، ۱۲۴۲
- ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶
- خواجه احمد مقیم هروی: ۱۶۸۴، ۱۶۸۵
- خواجه ارجاسب نهراسی: ۷۳۶، ۱۰۹۸،
 ۱۰۹۹
- خواجه اصفهانی: رش به خواجهی اصفهانی
 خواجه افضل الدین ترکه اصفهانی: ۸۱۸
- خواجه امیربیک کججی مهرداد: ۷۰۱
- خواجه ایوب ماوراءالنهری: ۴۵۴
- خواجه بهاء الدین: ۱۵۳۱
- خواجه جلال الدین محمود شیرازی: ۶۸۳
- خواجه حافظ غیاث: ۳۴۵
- خواجه حبیب...: ۱۷۱۲، ۱۰۲
- خواجه حسن نزاری: ۱۵۷۷
- خواجه حسین ثنایی مشهدی: رش به ثنایی مشهدی
 خواجه حسین مروی: ۴۵۷، ۸۴۰
- خواجه خواجهگی: ۲۷۹، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸،
 ۱۶۸۸
- خواجه دهدار: رش به خواجه محمدین
 ابومحمد محمودین محمد دهدار شیرازی

- خواجه راجکرن: ۱۵۴۴
 خواجه زاده برسوی: ۱۶۴۴
 خواجه زین العابدین عبداللومن شیرازی: رش
 به عبدی بیگ شیرازی
 خواجه زین الدین علی بلوی شیرازی: ۸۰۰
 خواجه سرافراز: رش به خواجه مگردیج
 خواجه سعیدالدین سعد: ۷۱۴
 خواجه سلطان احمد: ۱۷۰۲
 خواجه شاپور: ۴۷۹
 خواجه شریف خان: ۱۳۴۲
 خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی: رش
 به حافظ
 خواجه شیخ سعیدالدین: ۳۷۳
 خواجه طبیب بخاری: ۳۹۳
 خواجه ظهیرالدین عمدا... اصفهانی: ۹۳۷
 خواجه عمدا... امامی: ۹۳۷
 خواجه عمدا... انصاری: ۱۴۹۲، ۸۸۲، ۱۷۳۵، ۱۶۸۵
 خواجه عبدالحی منشی: ۶۸۳
 خواجه علی بن صدرالدین موسی صفوی:
 ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۳۰
 خواجه عصمت بخاری: ۶۵۷
 خواجه عمادالدین محمود گاوآن: ۹۰۳
 خواجه غیاث الدین مستوفی: ۶۷۳، ۶۷۱
 خواجه غیاث: ۱۳۲۶
 خواجه غیاث الدین محمد مشهدی: ۷۷۷
 خواجه قاسم مستوفی: ۱۰۰۴
 خواجه کلان غوریانی: ۱۰۲
 خواجه کریم الدین حبیب... ساوجی: ۳۷۴
 خواجه محمد بن ابومحمد محمود بن محمد دهمدار
 شیرازی: ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۱۴۶۲، ۱۴۶۴
 ۱۴۶۴
 خواجه محمد بن اسحاق بخاری: رش به
 شوکت بخاری
 خواجه محمد اسلام: ۷۱۴
 خواجه محمد پارسا: ۶۵۷
 خواجه محمد شریف هجری: ۱۰۹۸، ۱۶۸۸
 خواجه محمد ظاهر: ۱۰۹۸، ۱۶۸۸
 خواجه محمد صفی: ۱۰۰۴
 خواجه معین الدین سعزی: ۲۶۲۰
 خواجه میرخوانی: ۱۵۷۲
 خواجه مگردیج: ۸۲
 خواجه ملا: رش به فصل... بن روربهان
 خنجی اصفهانی
 خواجه مولانای اصفهانی: ۷۱، ۱۶۱
 خواجه میراحمد: ۷۹۲
 خواجه میرجمال الدین عطاء... بن فضل الله
 حسینی دشتکی شیرازی: ۱۵۷۸
 خواجه میرزا احمد نهرانی: ۱۶۸۹
 خواجه نصیرالدین طوسی: ۱۳۵، ۲۷۱
 ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۸۴، ۲۹۸، ۲۹۹
 ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۲۷، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸
 ۳۵۰، ۱۰۱۸، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۷۶
 ۱۴۹۶، ۱۶۱۰، ۱۷۸۷
 خواجه نصیرالدین خواجه محمود بن خواجه
 بیگ: رش به نصیرای همدانی
 خواجه نظام الملک: ۱۵۳۲، ۱۶۵۹
 خواجه نصیر... هروی: ۱۵۷۸، ۱۷۱۲-
 ۱۷۱۳
 خواجه: ۵۲۰، ۵۲۳، ۵۹۲، ۵۹۳

۰۲۲۷، ۰۲۲۸، ۰۳۵۳، ۰۴۵۰، ۰۴۶۱، ۰۴۶۲،	خواجهبوسی: رش به محمد اسمعیل بن
۰۵۸۲، ۰۶۰۴، ۰۸۴۵، ۰۱۲۲۸، ۰۱۲۳۷،	محمدحسین مازندرانی
۰۱۲۳۸، ۰۱۲۸۶، ۰۱۳۱۳، ۰۱۳۶۲، ۰۱۴۵۲،	خواجهوی کرمانی: ۷۵۲
۰۱۴۵۴، ۰۱۴۵۵، ۰۱۴۵۶، ۰۱۴۵۷، ۰۱۴۶۲،	خوارزمشاه: ۱۵۲۸
۰۱۴۸۱، ۰۱۵۸۳، ۰۱۵۸۴، ۰۱۵۸۵، ۰۱۷۶۶،	خوافی: رش به میرعبدالرزاق خوافی
۱۷۷۰	خواندمیر: رش به غیاثالدین خواندمیر
داریوش: رش به داریوش هخامنشی	خوانساری: ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۲۹
داریوش هخامنشی: ۲۳	خورشاهبن قباد حسینی: ۰۴۸۶، ۰۱۵۵۵،
داماد: رش به میرشمسالدین	۱۶۵۹-۱۶۵۴
داودبن شیخ محمد کربلایی: ۱۴۶۷	خوشدل: ۵۷۶
داود قلیبن ولی قلی شاه: ۰۱۲۱۲، ۰۱۲۴۶،	خوشحال چند: ۱۵۵۸
۰۱۲۶۶، ۰۱۲۷۱	خوشگلو: ۰۳۸۱، ۰۱۰۷۱، ۰۱۲۶۶، ۰۱۳۷۳،
دانشمندخان: ۰۱۲۰۹، ۰۱۳۶۳	۰۱۳۷۴، ۰۱۶۹۸
دانیال: ۴۷۲	خیالی: ۰۴۲۴، ۰۵۳۷
دخلی اصفهانی: ۴۵۸	خیام: ۰۷۹، ۰۱۳۴، ۰۱۳۸، ۰۱۳۹، ۰۱۴۴،
دده: رش به شیخ اسماعیل انقروی مولوی	۰۱۴۸، ۰۱۵۱، ۰۱۵۶، ۰۱۵۷، ۰۱۵۹، ۰۱۷۰،
در دریای ولایت: لقب شاه اسماعیل صفوی	۰۲۰۰، ۰۲۹۷، ۰۲۹۹، ۰۳۰۰، ۰۳۰۴، ۰۳۴۵،
دردی سمرقندی: ۰۴۵۴، ۰۶۲۶	۸۶۰
درویش بهرام سقای ماوراءالنهری: ۴۵۸	خیامپور: ۰۶۷۶، ۰۷۳۰، ۰۸۱۸، ۰۸۲۸، ۰۸۳۳،
درویش حسین سالک شیرازی: ۹۷۸	خیرات خان: ۲۳۷
درویش علی: ۲۲۲	
درویش فانی: ۱۴۹۴	
درویش محمد بساول: رش به محمد بساول	
درویش واله: ۰۱۱۲۹، ۰۱۲۶۷	
دقیانوس: ۱۵۳۸	
دکتر آفتاب اصفری: ۰۱۲۹۸، ۰۱۷۳۹، ۰۱۷۵۹،	دارا: ۰۴۹، ۱۵۸۷
دکتر ارشد: ۸۳۹	داراب بیگ جوینای کشمیری: رش به جوینای
دکتر تاراچند: ۱۷۶۹	نیریزی
دکتر جلالی نائینی: ۰۱۵۴۵، ۰۱۷۶۷، ۰۱۷۶۸،	داراب خان: ۴۷۳
دکتر سیدجعفر شیدی: ۱۸۰۸	داراب شاه: ۱۵۴۳
	داراشکوه: ۰۴۸، ۰۴۹، ۰۱۹۲، ۰۲۰۰، ۰۲۱۴،

- دوالتون: رش به امیر دوالتون
 دوالتون مصری: ۱۷۳۹
 ذوقی اردستانی: ۵۱۸
 ذوقی کاشی: ۵۱۸
- ر
- رابرت شرلسو: ۰۲۲، ۰۵۴، ۰۵۵
 ۰۷۸، ۰۹۵
 راتاں سینگه: ۱۳۶۹
 راج بی: ۱۵۴۰
 راجه جی سنگ سرائی: ۳۵۳
 راجه منیره: ۱۵۴۴
 رازی: رش به محمد بن زکریای رازی
 راسح لاهوری: ۱۴۱۲
 راست روشن: ۱۵۳۲
 رافائل دو مان: ۵۵
 راقم مشہدی: ۰۵۱۴، ۰۵۳۲، ۱۳۲۶-
 ۰۱۳۳۰، ۰۱۳۳۴، ۰۱۳۳۶، ۰۱۳۳۹، ۱۳۵۲
 رای آندرام: ۱۵۴۳
 رای بیندرا بان: ۱۷۱۱
 رای کرپادیاں: ۱۵۴۳
 رای ویکرامادی تی: ۱۵۳۹
 رانجی: ۰۶۰۱، ۱۴۰۵
 راجب برنیشا: ۱۵۷۹
 رای نیکچندبهارا: ۳۷۱
 ربیع انجب دهلوی: ۶۰۰
 ربیع مغربی دهلوی: رش به ربیع انجب
 دهلوی
 رجیلمی تبریزی: رش به ملا رجیلمی تبریزی
- دکتر گ. ل. نیکو: ۰۱۲۵۶، ۱۲۸۵
 دکتر محمدباقر استاد دانشگاه پنجاب: ۱۳۵۵
 دکتر محمدجمہر محبوب: ۱۵۱۴
 دود مورکوئن: ۵۵
 دورگری: ۳۶۵
 دورمیش خان شاملو: ۰۳۷۴، ۰۶۸۱، ۰۱۵۶۲
 ۰۱۶۴۸، ۰۱۶۶۰
 دورمیش خان بن عبدی بیگ فراچی: ۱۶۶۰
 دولتخان لودی: ۱۷۱۲
 دولتخان گوالیاری: رش به ملا طوری
 دولتشاہ سمرقندی: ۰۱۶۶۲، ۰۱۶۷۹، ۰۶۸۵
 ۱۷۲۴
 دولتشاہی: رش به ابوالقاسم دولتشاہی
 دھوم راس لاهوری: ۱۲۳۶
 دیبی داس کابنہ: ۱۵۴۷
 دیسقوریدوس: ۱۱۴
 دیوانہ: رش به سعدالدین احمد
 دیوانہ: رش به قاسم مشہدی
 دیوسلطان روملو: ۰۱۰۱، ۶۸۱
 دین محمدخان ازبک: ۸۲۸
- ذ
- ذیحی: رش به اسمیل ذیحی
 ذیحی یزدی: ۰۱۲۵۲، ۱۲۵۵
 ذوالفقار بن اسدخان: ۱۴۱۶
 ذوالفقار شیروانی: ۶۱۰
 ذوالفقار علی خان: ۱۷۷۸
 ذوالقرنین: رش به اسکندر مقدونی
 ذوالمجانین: رش به آقاسین خوانساری

رشید بن فضل: ۱۶۶۷: ۰۰۰	رحمن: ۴۷۳
رشیدی: رش به عبدالرشید تقوی	
رضازاده شفق: ۰۶، ۱۵۷۶، ۱۶۰۰، ۱۲۱۲	رحیم عقیقی: ۳۷۷
۱۵۱۵، ۱۵۷۹، ۱۵۹۵، ۱۶۱۶، ۱۶۴۷	
۱۷۵۹، ۱۶۶۰	رحیمی: ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۱، ۵۳۱
رضاقلی خان هدایت: ۰۳۱۲، ۰۳۲۶، ۰۳۸۰	رحیموف: ۰۷۴۶، ۰۷۴۹، ۰۷۵۱
۰۴۷۱، ۰۶۵۵، ۰۶۵۶، ۰۶۵۷، ۰۶۵۹، ۰۶۶۲	رزق: ۱۷۰۳: ۰۰۰
۰۷۰۰، ۰۷۳۲، ۰۸۰۰، ۰۸۰۸، ۰۸۳۰، ۰۸۳۹	رستم خان بن جانی بیگ: ۵۰۹
۰۸۴۴، ۰۱۰۶۳، ۰۱۰۶۹، ۰۱۰۷۱، ۰۱۲۳۵	رستم خان شیانی: ۵۱۱
۰۱۲۷۱، ۰۱۳۱۱، ۰۱۶۱۹، ۰۱۶۵۹، ۰۱۷۰۵	رستم زال: ۰۱۸۹، ۰۱۸۹، ۱۵۲۹
۰۱۷۰۸، ۰۱۷۹۷، ۱۷۹۹	رستم مولوی: ۳۹۱
رضاقلی میرزا: ۰۴۱، ۰۱۰۷، ۰۱۱۰، ۱۵۵۹	رستم میرزا: ۰۴۵۹، ۰۴۸۳، ۰۸۶۵، ۰۸۶۶
رضای کاشی: ۰۵۱۵، ۸۰۱	۰۸۹۳، ۱۱۷۱
رضایی: رش به جلال‌الدین صدر	رستم میرزابن سلطان حسین میرزابن بهرام
رضوان شاه: ۱۵۳۵	میرزا بن اسمعیل: رش به رستم میرزا
رضی‌الدین آرتیمانی: ۰۱۲۴، ۰۱۲۵، ۰۵۰۰	رستم‌داری: ۴۹۲
۱۰۶۹-۱۰۷۵، ۱۰۸۳، ۱۱۷۵، ۱۳۰۷	رسمی قلندر: ۰۴۷۴، ۸۸۵
رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل الطبرسی:	رسمی یزدی: رش به رسمی قلندر
۱۶۲۵، ۱۴۸۷	رسول اکرم: ۰۱۹، ۰۹۹، ۰۱۳۴، ۰۱۴۲، ۰۱۴۷
رضی‌الدین علی بن طاووس حسینی: ۱۶۲۵	۰۱۶۲، ۰۱۶۳، ۰۱۸۹، ۰۲۰۴، ۰۲۱۱، ۰۲۲۴
رضی‌الدین محمد بن حسن قزوینی: ۰۲۶۶	۰۲۵۵، ۰۲۵۸، ۰۲۸۳، ۰۲۸۶، ۰۳۲۴، ۰۳۳۲
۴۱۵	۰۳۳۷، ۰۳۷۳، ۰۵۰۷، ۰۵۸۴، ۰۵۸۵، ۰۵۸۶
رضی‌الدین محمد بن محمد شفیع: ۰۴۰۴	۰۵۸۸، ۰۵۸۹، ۰۵۹۰، ۰۵۹۲، ۰۵۹۳، ۰۶۰۷
۴۰۵	۰۶۱۲، ۰۶۲۲، ۰۶۲۳
رضی دانش: ۰۴۶۱، ۰۴۶۳، ۰۵۵۷، ۰۵۶۸	رسول جعفریان: ۱۵۱۱
رضی دانش مشهدی: رش به میرزا رضی	رش: ۲۸۸
مشهدی	رشیدخان بهادر: ۱۵۱۹
رضی قزوینی: ۴۱۵	رشید یاسمی: ۰۷، ۰۲۷، ۰۳۱، ۰۶۹، ۰۷۰، ۰۷۲
رفیع‌الدین حسین: ۰۳۵۸، ۰۴۰۶	۰۱۰۶، ۰۷۶۱، ۱۶۶۰
رفیع‌الدین حیدر حسینی طباطبایی: ۱۴۷۶	رشید: ۱۵۲۸

ز

- رفیع خان: رش به محمد باذل
رفیعی کاشانی: رش به میرحیدر معماپی
رفیع‌الدین رفیعی: ۹۲۸
رفیع‌الدین خراسانی: ۸۷۲-۸۷۰
رکن‌الدین محمود کازرونی: ۱۰۳
رکن‌السلطان محمد نیشابوری: ۷۰۵
رکن‌السلطنه محمدخان شرف‌الدین اوغلی:
۱۵۶۳
رکن‌الدین ابوالفتح بن صدرالدین عارف: ۱۶۳
رکن‌الدین خورشاه: ۶۶۳
رکن‌الدین علی: رش به مسیح کاشانی
رکنای کاشی: ۱۷۳۰، ۱۱۹۳، ۴۶۱
رمزی کاشانی: ۱۳۰۹، ۱۳۰۶، ۵۱۳
روح‌الدین میرجمله اصفهانی: ۴۸۷، ۴۹۶
۱۵۹۸، ۱۱۷۲، ۱۱۲۷-۱۱۱۷، ۶۱۳
روح‌الله حسینی اصفهانی: ۱۵۶۵
روحی انارجانی: ۴۲۹، ۴۳۰
روحی تبریزی: رش به روحی انارجانی
رودکی: ۱۵۶۰، ۱۲۱۶، ۳۹۰
روزبهان خنجی اصفهانی: ۱۷۰۶
روغنی: ۴۵۸
روملو: رش به امیرحسن بیگ روملو
رهایی مروی: ۶۱۴
رهمی نیشابوری: ۱۷۰۰، ۴۵۸
روی فریراداند رادا: ۵۸۰، ۵۷۹
رئیس محمد کره ابرقوهی: ۹۷، ۶۵
رشلیو: ۲۷۶
- زال: ۱۸۹
زرتشت: ۱۴۷۷
زقوم شاه: ۱۵۱۳
زکی همدانی: ۱۰۳۱-۱۰۳۵، ۵۱۲
زلاه: ۱۵۲۵
زلالی خوانساری: ۵۱۶، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۷۹، ۶۱۳، ۹۶۵-۹۷۷
۱۳۳۶، ۱۳۶۸
زلیخا: ۹۷۰، ۹۸۵، ۱۱۲۵، ۱۲۵۸، ۱۲۶۸، ۱۲۸۴
زکریابن محمدبن محمود قزوینی: ۱۴۹۹، ۱۵۰۲
زمانه بیگ مهابتخان خانخانان: ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۲، ۴۹۲، ۹۳۹، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵
۱۰۳۶، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۹۶، ۱۵۰۵
۱۵۹۸، ۱۷۳۶، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵
زمانی یزدی: ۵۰۱، ۵۴۹، ۹۱۷-۹۱۹
زوبن طهماسب: ۱۶۵۰
زهراداعی: ۱۶۷۷
زهره: ۱۵۲۳
زیبا: ۶۰۱
- زیب‌النساء بیگم: ۴۶۳، ۴۸۲، ۵۱۸
زین‌الدین علی بیگ انجدانی: ۹۵۷، ۹۵۹
زین‌الدین الاسفرغانی: ۲۲۴
زین‌الدین بن علی عاملی: رش به شهید ثانی
زین‌العابدین: ۱۵۶۵، ۲۵۲
زین‌العابدین بن محمد جواد نوری: ۳۲۲

۱۳۰۰
 سالک کاشانی: ۱۲۱۰
 سالک یزدی: ۰۵۱۸، ۰۴۶۳، ۱۲۰۹-۱۲۱۱
 سالم: رش به محمدبیک بن ابوالفتح بیک
 ترکمان
 سالم کشمیری: رش به حاجی محمد اسلم
 سام: ۱۷۰۰
 سام میرزا: ۰۱۲، ۰۱۰۸، ۰۲۹۹، ۰۳۹۹، ۰۴۰۲،
 ۰۴۲۴، ۰۴۲۵، ۰۴۹۷، ۰۴۹۸، ۰۴۹۹، ۰۵۸۷،
 ۰۶۲۶، ۰۶۳۲، ۰۶۳۷، ۰۶۳۸، ۰۶۳۹، ۰۶۴۲،
 ۰۶۴۵، ۰۶۴۹، ۰۶۶۴، ۰۶۷۲، ۰۶۹۴، ۰۷۱۹،
 ۰۷۲۳، ۰۷۴۶، ۰۷۴۷، ۰۷۴۹، ۰۷۴۶، ۰۱۴۶۸،
 ۰۱۴۶۹، ۰۱۴۷۶، ۰۱۴۹۶، ۰۱۵۶۱، ۰۱۵۶۶،
 ۰۱۵۶۷، ۰۱۵۶۸، ۰۱۵۹۱، ۰۱۵۹۹، ۰۱۶۰۸،
 ۰۱۶۰۹، ۰۱۶۱۲، ۰۱۶۱۳، ۰۱۶۴۶، ۰۱۶۴۸،
 ۰۱۶۵۲، ۰۱۷۰۹، ۰۱۷۴۴، ۰۱۷۷۶، ۰۱۷۸۹
 سام نریمان: ۰۵۹۲، ۱۵۲۰
 سامری: ۰۴۵۸، ۵۱۹
 سامی: رش به سام میرزا
 سبط حسین رضوی: ۴۶۳
 سبکتکین: ۰۱۵۷۱، ۰۱۶۸۴، ۰۱۶۸۶، ۱۷۰۰
 سنی‌النساء بیگم: ۰۱۰۶۰، ۰۱۰۶۱، ۱۱۹۴
 سعایی استرآبادی: ۰۸۵۸-۰۸۶۵، ۸۹۳
 سعایی شوشتری: رش به سعایی استرآبادی
 سعایی نجفی: رش به سعایی استرآبادی
 سراب: رش به ملا محمد گیلانی
 سراج: رش به محمدقاسم اصفهانی
 سراج‌الدین حسین: رش به عارف ایگی
 سراج‌الدین عبد... صوفی شکاری: ۲۲۵
 سراج‌الدین علی خان آرزو: ۰۳۷۱، ۰۳۸۸

زین‌الدین خوافی: ۶۲۵
 زین‌الدین علی‌نقی کمره‌بی: رش به شیخ
 علی‌نقی کمره‌بی
 زین‌الدین علی بدخشی: ۱۴۷۶
 زین‌الدین محمود آصفی: ۰۷، ۰۶۹۱، ۶۹۶
 زین‌الدین محمود بن عبدالجلیل واصفی،
 تاشکندی: ۱۶۲۱
 زین‌العابدین: ۰۲۵۲، ۱۵۶۵
 زینل خان سپهسالار: رش به زینل خان شاملو
 زینل خان: ۱۵۳
 زینل خان شاملو: ۰۲۶، ۳۶

ژ

ژروم گزایوه: ۱۵۸
 ژوست دویوو: ۲۷۷
 ژرم گزایوه: ۰۲۷۶، ۲۷۷
 ژول مول: ۱۷۱۰

س

سادات ناصری: ۰۱۴، ۰۳۰۶، ۰۳۱۰، ۰۴۰۲،
 ۰۴۷۱، ۰۶۴۲، ۰۶۷۳، ۰۶۸۰، ۰۷۲۹، ۰۷۳۵،
 ۰۷۶۰، ۰۷۷۷، ۰۸۱۸، ۰۸۲۸، ۰۸۳۰، ۰۹۵۰
 ۰۱۰۵۶، ۰۱۰۹۷، ۰۱۳۰۳، ۰۱۳۴۷، ۱۶۵۹
 ساروتقی: رش به میرزا تقی اعتمادالدوله
 ساطع: ۱۲۴۴
 ساعد: ۱۵۲۲
 سالک اصفهانی: ۱۲۱۰
 سالک قزوینی: ۰۵۱۸، ۰۱۲۱۰، ۱۲۹۳-

۱۶۱۸ . ۱۳۲۳ . ۱۲۷۲ . ۱۱۸۶	۱۴۱۸ . ۱۱۴۴ . ۴۸۶ . ۳۸۹
سعیدای سرحد: رش به سرمد کاشی	سراج الدین محمد بن محمود سجاونندی:
سعیدای گیلانی: ۶۱	۱۶۶۸
سعید میرمطهری: ۱۴۵۹	سریرسی سایکس: ۱۹۷ . ۷۹ . ۳۱ . ۷
سعید نعیمی: ۱۶۱ . ۱۹۳ . ۲۲۶ . ۲۹۹	سرجان شاردن: ۱۰۵
۳۰۴ . ۳۴۶ . ۳۴۷ . ۳۴۸ . ۳۵۲ . ۳۵۶	سرخاب: ۱۸۹
۳۶۲ . ۳۷۷ . ۴۲۹ . ۴۳۰ . ۴۶۹ . ۴۷۱	سرخوش: ۴۵۸ . ۵۱۴ . ۵۹۰ . ۱۱۴۷
۶۱۱ . ۶۲۳ . ۶۳۷ . ۶۴۲ . ۶۴۹ . ۶۵۴	۱۱۷۱ . ۱۲۷۱ . ۱۳۲۳ . ۱۳۴۲ . ۱۳۷۲ -
۶۶۲ . ۶۶۵ . ۶۸۲ . ۷۰۱ . ۷۳۰ . ۸۱۸	۱۳۷۶
۸۳۹ . ۸۸۳ . ۱۰۳۱ . ۱۰۴۰ . ۱۵۸۶	سردار خان: ۱۷۳۶
۱۶۰۳ . ۱۶۱۱ . ۱۶۱۳ . ۱۶۱۸ . ۱۶۱۹	سرگرسی: ۳۶۵
۱۶۲۱ . ۱۶۲۲ . ۱۶۲۵ . ۱۶۳۳ . ۱۶۴۲	سرمدی اصفهانی: ۴۵۸
۱۶۴۶ . ۱۶۶۰ . ۱۶۶۴ . ۱۶۹۶ . ۱۶۹۷	سرمد کاشی: ۱۲۳ . ۱۹۲ . ۲۱۴ . ۸۴۵
۱۷۰۵ . ۱۷۱۳ . ۱۷۳۰	۱۲۳۰ . ۱۲۳۸
سعید: ۱۵۳۵	سرور گویا اعتمادی: ۱۵۵۳
سعیدخان: ۷۰۲	سروری بزدی: ۴۶۵
سفیان ثوری: ۱۵۸۱	سرویلیام جونز: ۱۸۰۷
سقای ماوراءالنهری: ۴۳۸	سمد: ۱۵۳۵
سقراط: ۲۸۲ . ۲۸۳ . ۱۴۹۴ . ۱۵۸۷	سعد بن مسعود گوهر فروش: ۱۵۳۸
سکاکی: ۴۱۵	سعدالدین احمد: ۶۱۳
سکندر شاه افغانی: ۳۵۹	سعدالممدین نفتازانی: ۲۹۱ . ۳۰۵ . ۳۲۷
سکندر شاه تغلقی: ۳۵۹	۴۱۵ . ۳۴۸
سکندر شاه گجراتی: ۳۵۹	سعدالدین حسن مفتی: ۱۶۶۷
سکندر شاه لودی: ۳۵۸ . ۳۷۲ . ۴۴۹	سعدالدین رهایی خوانی: ۵۹۵
۱۶۲۰	سعدالدین عنایت... خوزانی: ۱۰۳ . ۶۸۱
سکهرام داس: ۳۹۷	سعدالدین محمد حسینی: ۱۷۳۶
سگ لوند: ۶۳۱	سعد... ۵۹۹
سلامی: ۴۷۹	سمدی: ۴۶ . ۳۳۴ . ۳۷۴ . ۳۸۱ . ۳۹۰
سلطان: رش به خان زمان	۴۹۷ . ۵۲۲ . ۵۲۳ . ۵۴۹ . ۶۱۲ . ۶۱۳
سلطان ابراهیم: ۳۷۲ . ۷۳۰ . ۷۷۸ . ۷۷۹	۶۴۵ . ۶۴۹ . ۶۶۶ . ۹۰۵ . ۱۰۶۴ . ۱۰۹۳

سلطان حیدر: رش به حیدر بن جنید بن صدرالدین ابراهیم	۸۷۳، ۸۲۸، ۷۸۴
سلطان خانم: ۴۹۵	سلطان ابراهیم قطب شاه: ۱۶۲۹، ۴۰۲
سلطان خلیل: ۱۵۷، ۱۴۷، ۱۴۴، ۱۴۲	سلطان ابراهیم بن سکندر بن بهلول: ۱۷۱۳
سلطان سلیم ثانی: ۱۶۶۶، ۱۰۹۱	سلطان ابوسعید خان: رش به ابوالغازی سلطان ابوسعید
سلطان سلیمان اول: رش به سلطان سلیمان قانونی	سلطان احمد جلایر: ۱۵۵۴
سلطان سلیم خان عثمانی: ۷۲، ۷۱، ۴۵	سلطان احمد سوم: ۱۹۹، ۳۹
۱۶۳، ۱۶۵، ۱۹۸، ۲۸۸، ۴۰۶، ۵۰۷	سلطان الحکما: ۳۰۳
۵۰۸، ۵۷۶، ۶۴۹، ۱۰۹۱، ۱۵۷۶	سلطان الملما: ۱۶۲۸
۱۵۹۰، ۱۶۰۴، ۱۶۱۱، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹	سلطان ابراهیم ثانی عادلشاه: ۱۷۱۷، ۱۷۱۰
۱۶۴۳، ۱۶۴۴	سلطان بایزید خان ثانی عثمانی: ۲۸۵، ۲۷۱
سلطان سلیمان قانونی: ۴۵، ۱۵، ۱۲	۲۹۲، ۳۹۲، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۴۲
۶۸، ۲۱۴، ۳۵۴، ۴۰۰، ۵۰۷، ۵۰۸	سلطان بهادر خسرو غازی: ۷۵۶
۵۷۶، ۵۷۷، ۵۸۸، ۶۷۵، ۱۴۸۷، ۱۴۹۹	سلطان بهلول لودی: ۱۷۱۳
۱۵۶۴، ۱۶۱۱، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۴۲	سلطان جنید: رش به جنید بن صدرالدین ابراهیم
۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۶۷، ۱۶۹۲	سلطان حسین بایقرا: ۴۵۷، ۴۰۱، ۹۸، ۵۰
سلطان سنجر: ۱۷۲۴، ۱۶۵۱، ۱۶۵۰	۵۲۴، ۵۲۶، ۶۱۰، ۱۵۵۳، ۱۵۷۸
سلطان عبدالعزیز عثمانی: ۴۰۰	۱۵۹۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۲۲
سلطان عبدا...: ۳۸۴، ۳۶۴، ۲۲۰	۱۶۴۲، ۱۷۲۴
سلطان عبدا... قطبشاه: ۱۴۹۷، ۱۴۶۳	سلطان حسین سنجی: ۱۵۷۷
۱۵۹۸، ۱۵۴۰	سلطان حسین میرزا: رش به سلطان حسین بایقرا
سلطان علی بیگ: ۱۲۵	سلطان حسین صفوی: ۴۶، ۲۵، ۲۳، ۹
سلطان علی: رش به خواجه علی بن صدرالدین موسی صفوی	۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۳۷
سلطان علی: ۱۵۲۶	۳۸، ۴۸، ۵۶، ۶۲، ۷۶، ۷۷، ۸۱، ۸۲، ۸۹
سلطان علی طائی اوغلی: ۱۶۷۰	۹۱، ۹۶، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۵۵، ۱۷۳
سلطان علی گونابادی: ۸۲۸، ۳۵۶، ۳۵۵	۱۸۱، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۵۹، ۲۷۷، ۳۴۹
سلطان فیاض: ۱۴۸، ۱۴۷	۳۶۳، ۳۸۳، ۵۹۷، ۶۲۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۸
سلطان قلی قطب شاه: ۱۶۲۹	۱۴۷۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۱، ۱۵۶۹، ۱۷۸۷
	۱۷۸۸، ۱۷۸۹، ۱۷۹۸

سلطان ولد: ۱۶۲۸	سلطان کبیر: رش به سلطان سلیمان قانونی
سلطان یعقوب بایندری: ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵	سلطان محسن: ۱۳۷
۱۶۴۳	سلطان محمد بن درویش محمد مفتی بلخی:
سلطان یعقوب آق قویونلو: ۱۶۰۴	۱۵۰۰
سلم: ۱۷۳۴	
سلم الموات کازرونی: ۳۰۰	
سلمان حسابی: ۵۱۵	
سلمان ساوجی: ۳۷۴، ۶۱۰، ۶۱۱	سلطان محمد خدا بنده: ۱۹، ۱۸، ۱۹، ۲۰
سلمان عراقی: ۱۴۹۸	۳۳، ۷۵، ۸۰، ۹۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۰۹، ۱۴۲۹
سلیم: رش به نورالدین جهانگیر	۴۵۰، ۴۹۵، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۴، ۵۷۶
سلیم: ۱۷۷۱	۶۸۴، ۷۳۰، ۷۶۱، ۷۹۳، ۸۱۹، ۹۵۹
سلیم تهرانی: ۱۲۵، ۵۳۸، ۵۷۷، ۵۶۲	۱۱۲۰، ۱۱۵۷، ۱۱۹۳، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶
۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۹۸، ۵۹۹	۱۵۷۲، ۱۵۷۵، ۱۵۸۷، ۱۶۶۱، ۱۶۷۳
۱۱۵۱، ۱۱۵۸-۱۱۶۷، ۱۱۷۳	۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۹، ۱۶۸۹، ۱۷۳۱
سلیم جوهری: ۱۵۳۸	۱۷۷۵
سلیم واسطی: ۱۵۳۳	سلطان محمد چنگی: رش به محمد چنگی
سلیم یزدی: ۵۹۸	سلطان محمد خان ثالث: ۱۶۹۳
سلیمان: ۲۷۷، ۹۷۰	سلطان محمد قطب شاه هندی: ۲۷۳
سلیمان قانونی: رش به سلطان سلیمان قانونی	۱۴۷۰، ۱۴۷۶، ۱۵۷۶
سلیمه بیگم خرم: ۱۶۴۷	سلطان محمود خان والی: ۷۱۸، ۷۲۴
سلیمی: رش به سلطان سلیم عثمانی	سلطان محمود طنبره‌یی: رش به محمود
سلیمی تونی: ۶۲۴	طنبره‌یی
سماء‌الدین کنبو: ۱۶۲۰	سلطان مراد: ۶۵
سمرخ: ۱۵۲۵	سلطان مراد آق قویونلو: ۱۶۰
سمن شاه: ۱۵۲۷	سلطان مراد بخش: ۱۷۳۳، ۱۷۷۰
سکندر فیلقوس: ۱۶۵۶	سلطان مراد خان رابع: ۱۰۹۱
ستان پاشا: ۱۹	سلطان مراد خان عثمانی: ۳۹۳
سنابسی: ۳۳۴، ۳۷۴، ۵۹۸، ۶۱۲، ۶۱۳	سلطان مراد چهارم: ۲۴، ۴۱، ۱۶۶
۶۳۲، ۷۱۵، ۷۵۰، ۹۶۹، ۱۰۷۷، ۱۰۹۳	سلطان مراد سوم: ۱۹، ۱۹۴، ۵۷۶
۱۵۳۰، ۱۰۹۹	۱۵۹۵، ۱۶۹۳

سیدحسین بن سیدحیدر کرکی عاملی: ۲۴۳	سنجرکاشانی: ۴۵۷، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲
سیدحسین بن سیدضیاءالدین کرکی عاملی: ۲۴۳	۴۹۳، ۵۱۴، ۶۱۸، ۹۲۳، ۹۳۰، ۹۳۱-
سیدحسین حسینی خلخالی: ۲۹۲، ۲۹۱	۱۱۷، ۹۵۱، ۹۳۷
سیدحسن شاه: ۱۶۳۰	سودی: ۲۲۲
سیدحسین عقیلی رستمدراری: رش به حسین عقیلی رستمدراری	سودی بستوی: ۳۹۳
سیدحیدر آملی: ۲۰۵	سوزنی: ۱۰۷۸
سیدخضر نوشاهی: ۱۵۷۵	سون هدین: ۶۲
سیدخلیل...: ۴۴۵، ۴۴۶	سهراب: ۱۸۹
سید ذوالفقار علی حسینی اردستانی: ۱۴۸۰	سهمی بخاری: ۴۵۸، ۴۷۵
سید سجادین بدران مشعشی: ۱۳۸	سهوالسان: رش به لسانی شیرازی
سید شریف گرگانی: ۱۹۳، ۲۵۲، ۲۷۳	سبوش: ۱۶۵۱
۲۹۲، ۲۹۱	سیالکونی مال: ۳۷۱
سید شریف معنائی: ۳۹۸، ۴۰۰	سید: ۵۱۷
سید شیرین محمد حویزی مشعشی: ۱۵۱۶	سید احمدبن زین العابدین بن علوی عاملی:
سید صدرجهان مفتی: ۸۲۵	۱۹۲، ۲۵۲، ۲۷۱، ۲۷۷، ۴۶۴
سید ظهیرالدین مرعشی: ۱۶۱۴	سید احمد: ۱۰۲۵
سید عارف نوشاهی: ۱۵۷۵، ۱۵۹۶	سید احمد اشکوری: ۱۵۱۳
۱۷۷۷، ۱۷۷۴، ۱۷۴۸، ۱۵۹۸	سید امیر محمدشرف عاملی: ۱۴۷۶
سید عبدا...: ۴۱۵، ۲۴۴	سید برهان‌الدین محقق: ۱۶۲۸
سید عبدا... بن سید نورالدین شوشتری: ۱۵۷۸	سیدالشهداء: رش به حمزقین عبدالمطلب
سید عبدا... بن محمدرضای کاظمی: ۱۴۷۱	سیدجلال نهرانی: ۱۶۳۸
سید عبدا...: رش به عبدا... مشعشع	سید جلال‌الدین بخاری: ۱۶۲۰
سید عبدالعزیز طباطبایی: ۱۴۸۷	سیدالعلماء: رش به سلطان‌الحکما
سید عبدا... لبنانی: ۱۷۳۰	سید جعفر بن محمدحسن جعفری: ۱۶۱۴
سید عبدالوهاب بن علی استرآبادی: ۱۶۲۴	سیدحسن استرآبادی: ۱۷۸۹ - ۱۷۹۱
	سیدحسن رسول‌نما: ۱۵۸۵
	سیدحسن بن سیدحسین موسوی: ۱۰۴۱
	سیدحسن بن سیدجعفر عاملی کرکی: ۱۰
	سیدحسن بن مرتضی: ۱۵۶۱
	سیدحسن غزنوی: ۱۷۰۸

- سید مرتضی علم‌الهدی: ۱۸۸۱
سید مفضل خان: ۱۵۵۸
سید میرزا: رش به سید نعمه... جزائری
شوشتری
سید میرزا ابوالفتح: ۲۹۱
سید میرزا محمدبن شرف‌الدین علی‌بن
نعمه... جزائری: رش به سید نعمه...
جزائری شوشتری
سید نجم‌الدین ابوالقاسم محمد میانکالی کابلی:
رش به گاهی کابلی
سید نصر... تقوی: ۲۶۱
سید نعمه... جزائری شوشتری: ۱۸۲، ۱۷۸
۲۰۷، ۲۱۵، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۴
۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۲۹، ۳۳۰، ۳۳۲
۴۱۳
سید نورالدین مرعشی: ۱۷۹۱
سید نورالدین علی شوشتری: ۲۴۴
سید نورالدین علی‌بن حسن موسوی عاملی:
۳۰۶، ۱۸۶
سید نورا...: ۲۰۵، ۴۴۵
سید هاشم احسانی: ۱۴۴
سید هاشم‌بن سلیمان بحرانی: ۲۴۹
سیان نوری: ۲۱۹
سیاوش: ۶۱۹
سیف خان: ۱۳۴۰، ۱۳۴۲
سیف‌الدین: ۱۷۰۳
سیف‌الدین احمدبن قطب‌الدین یحیی‌بن
محمدبن سعدالدین مسعود تفتازانی: رش به
مولانا سیف‌الدین احمد تفتازانی
- سید علی‌حسن: ۱۰۶۹، ۹۵۸، ۳۸۱
۱۸۰۵، ۱۳۵۴
سید علیخان شیرازی: ۳۳۳
سید علیخان کبیر: ۴۱۰، ۳۰۶، ۳۰۳
۴۱۸، ۴۱۶، ۴۱۵، ۴۱۴
سید علیخان مدنی: رش به سید علیخان کبیر
سید علی‌اکبر ختایی: ۱۵۷۶
سید قوام‌الدین محمد نور بخشی: ۱۶۳۰
سید ماجد حسینی: ۱۴۸۷
سید مجدالدین محمدبن ابی طالب حسینی:
۱۵۴۷
سید محمدباقر ابن محمد مومن سبزواری:
۳۴۳
سید محمدبن عبدالرسول برزنجدی شهرزوری:
۲۷۳
سید محمدبن فلاح شوشتری مشتمی: ۲۰۵
سید محمدبن فلاح واسطی: ۱۳۶
سید محمدبن محمود موسوی سبزواری:
۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۰۶، ۲۱۶
سید محمد ترابی: ۱۴۸۷، ۱۴۹۷، ۱۵۱۳
سید محمدحیدر عاملی: ۲۵۰
سید محمدسعید فیایی: ۲۵۰
سید محمدصادق طباطبایی: ۱۰۵۰
سید محمد طاهری شهاب ساروی: ۱۵۹۰
سید محمد فندرسکی: ۳۱۴
سید محمد شمشع: ۱۳۶، ۱۴۶
سید محمد مشکات بیرجندی: ۳۱۲، ۳۲۶
سید محمد نوربخش: ۱۳۶، ۱۴۶، ۶۴۲
سید محمود فرخ: رش به محمود فرخ
سید مرتضی بن داعی رازی: ۲۰۳

۵۰۸ ۵۷۵ ۵۸۳ ۵۹۳ ۶۱۰ ۶۲۲
 ۶۳۷ ۶۴۱ ۶۴۲ ۶۴۹ ۶۶۳ ۶۶۶
 ۶۷۵ ۶۷۶ ۶۸۱ ۷۱۸ ۷۱۹ ۷۲۱
 ۷۳۰ ۷۶۴ ۷۷۸ ۸۶۵ ۱۱۸۱ ۱۳۰۳
 ۱۴۴۲ ۱۴۷۲ ۱۴۸۵ ۱۵۰۹ ۱۵۶۰
 ۱۵۶۲ ۱۵۶۳ ۱۵۶۴ ۱۵۶۵ ۱۵۶۸
 ۱۵۷۸ ۱۵۹۱ ۱۵۹۵ ۱۵۹۹ ۱۶۰۴
 ۱۶۰۹ ۱۶۱۱ ۱۶۱۳ ۱۶۱۶ ۱۶۲۱
 ۱۶۲۹ ۱۶۳۳ ۱۶۳۸ ۱۶۴۶ ۱۶۴۸
 ۱۶۵۲ ۱۶۵۸ ۱۶۵۹ ۱۶۶۳ ۱۶۹۲
 ۱۷۰۹ ۱۷۲۴ ۱۷۲۹ ۱۷۳۳ ۱۷۷۶
 ۱۷۷۸
 شاه اسماعیل دوم: ۹ ۱۳ ۱۷ ۱۸ ۷۵
 ۷۹ ۸۰ ۹۴ ۱۰۳ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹
 ۱۱۴ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۷۶ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵
 ۲۰۲ ۲۷۳ ۴۰۱ ۴۵۰ ۴۹۵ ۴۹۶
 ۴۹۸ ۴۹۹ ۶۲۲ ۶۲۷ ۷۳۰ ۷۶۱
 ۷۶۲ ۷۶۴ ۷۷۱ ۷۷۸ ۷۷۹ ۷۸۱
 ۷۹۳ ۸۱۹ ۸۲۰ ۱۳۱۴ ۱۵۶۵
 ۱۵۶۶ ۱۶۷۴ ۱۶۷۹ ۱۶۹۳ ۱۷۲۴
 ۱۷۷۶
 شاه اسماعیل خطابی : رش به شاه
 اسماعیل اول
 شاه برهان خلیل... ۱۳۱۱ ۱۳۱۴
 شاه جعفر: ۴۴۸ ۶۶۵
 شاه جهان: ۲۵ ۴۷ ۴۹ ۱۰۵ ۱۹۲
 ۲۰۰ ۲۱۴ ۲۲۷ ۲۲۸ ۳۱۱ ۳۵۳
 ۳۵۹ ۳۶۵ ۳۸۱ ۳۸۷ ۴۱۰ ۴۵۰
 ۴۶۰ ۴۶۲ ۴۷۶ ۴۸۶ ۴۸۱ ۴۸۲
 ۵۱۴ ۵۷۷ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۹۰ ۶۰۴

سیف‌الدین محمد حسینی: ۱۶۳۴
 سیف‌الدین محمد فرغانی: ۸۸ ۱۹۰ ۱۰۹۴
 سیف‌الدین نجم آبادی: ۱۷۸۰ ۱۷۸۴
 ۱۸۰۳
 سیف‌الملک: ۱۵۲۱ ۱۵۲۲ ۱۵۳۳
 سیف‌المظفر نوبهاری: ۱۵۸۱
 سیفی بخارایی: ۳۹۸
 سینه چاک: رش به ملا یوسف مولوی

ش

شاپورین اردشیر: ۱۶۵۰
 شاپور نهرانی: ۱۶۸۸
 شاه‌ابوالحسن: ۴۴۸
 شاه‌ارزانی: ۳۶۰ ۳۶۱
 شاه اسماعیل (اول) صفوی: ۵ ۸ ۹ ۱۰
 ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۶ ۱۷ ۳۲ ۳۳ ۳۹
 ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۵۰ ۵۱ ۵۲
 ۵۹ ۶۰ ۶۲ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸
 ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۹ ۸۰ ۸۵ ۹۲
 ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۱ ۱۲۶ ۱۲۹
 ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۶ ۱۳۷
 ۱۳۸ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷
 ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۴
 ۱۵۵ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۳
 ۱۶۵ ۱۷۰ ۱۷۴ ۱۷۷ ۱۸۴ ۲۰۰
 ۲۰۲ ۲۲۹ ۲۴۲ ۲۵۶ ۲۶۹ ۲۷۹
 ۲۹۳ ۳۰۰ ۳۴۵ ۳۵۸ ۳۷۴ ۳۷۵
 ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۴۸ ۴۸۳ ۴۹۵
 ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۹ ۵۰۲ ۵۰۴ ۵۰۶

۱۷۲۳، ۱۶۷۳، ۱۶۵۸	۰۱۰۵۷، ۰۱۰۴۹، ۰۱۰۳۶، ۰۹۶۸، ۰۸۷۲
شاهرضای سیزواری: ۱۲۶۶	۰۱۱۵۰، ۰۱۱۴۹، ۰۱۱۴۸، ۰۱۱۲۲، ۰۱۰۶۱
شاهزاده ایران: ۱۵۲۷، ۱۵۲۶	۰۱۱۹۶، ۰۱۱۸۶، ۰۱۱۸۵، ۰۱۱۷۳، ۰۱۱۶۰
شاهزاده بهرام: ۱۵۴۳، ۱۵۳۷	۰۱۲۴۲، ۰۱۲۳۴، ۰۱۲۲۸، ۰۱۲۲۴، ۰۱۲۰۴
شاهزاده پرویز: ۱۷۵۲، ۱۰۲۶، ۰۹۲۱	۰۱۲۷۵، ۰۱۲۷۴، ۰۱۲۶۱، ۰۱۲۴۶، ۰۱۲۴۵
شاهزاده تاج الملوک: ۱۵۳۸	۰۱۳۱۳، ۰۱۳۱۲، ۰۱۲۸۶، ۰۱۲۸۵، ۰۱۲۷۶
شاهزاده حسین: ۱۱۷۱، ۰۸۶۵، ۰۴۸۶	۰۱۴۴۹، ۰۱۳۵۲، ۰۱۳۴۰، ۰۱۳۲۶، ۰۱۳۲۱
شاهزاده خرم: ۱۴۵۵، ۱۰۳۶، ۰۱۰۰۱	۰۱۵۲۱، ۰۱۵۰۲، ۰۱۴۵۶، ۰۱۴۵۵، ۰۱۴۵۴
شاهزاده دانیال: ۰۸۸۶، ۰۸۸۵، ۰۸۸۴، ۰۸۷۱	۰۱۵۷۴، ۰۱۵۷۳، ۰۱۵۵۷، ۰۱۵۴۵، ۰۱۵۳۹
۱۲۴۲	۰۱۵۷۶، ۰۱۵۷۱، ۰۱۵۶۸، ۰۱۵۸۳، ۰۱۵۷۶
شاهزاده جوانبخت: ۱۵۲۸	۰۱۷۴۶، ۰۱۷۳۳، ۰۱۷۲۷، ۰۱۷۲۶، ۰۱۷۲۱
شاهزاده سلیم: ۰۱۶۶، ۰۱۱۳، ۰۴۹، ۰۴۷	۰۱۷۶۰، ۰۱۷۵۷، ۰۱۷۵۵، ۰۱۷۵۲، ۰۱۷۵۰
۰۴۰۷، ۰۳۸۹، ۰۳۷۹، ۰۳۷۷، ۰۲۷۶، ۰۲۷۲	۰۱۷۷۶، ۰۱۷۷۰، ۰۱۷۶۶، ۰۱۷۶۵، ۰۱۷۶۲
۰۴۷۲، ۰۴۶۵، ۰۴۶۲، ۰۴۶۰، ۰۴۵۸، ۰۴۵۰	۰۱۷۷۷، ۰۱۷۷۹، ۱۸۰۲
۰۵۸۱، ۰۵۷۸، ۰۴۸۳، ۰۴۸۱، ۰۴۸۰، ۰۴۷۶	شاه جهانگیر هاشمی کرمانی: رش به هاشمی
۰۸۶۵، ۰۸۴۹، ۰۸۴۲، ۰۸۰۳، ۰۵۹۹، ۰۵۹۶	کرمانی
۰۸۸۵، ۰۸۹۹، ۰۸۹۰، ۰۹۰۷، ۰۹۰۸، ۰۹۱۱	شاه حبیب... غازی: ۴۴۶
۰۹۲۱، ۰۹۲۲، ۰۹۲۴، ۰۹۳۹، ۰۹۹۰، ۰۹۹۳	شاه حسن: رش به فخرالدین حسن
۰۹۹۴، ۱۰۰۰۸، ۱۰۰۰۹، ۱۰۰۲۶، ۱۰۰۴۹	شاه حسن انجوی شیرازی: رش به فخرالدین
۱۰۵۸، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۹۱	حسن
۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲	شاه حسین سیستانی: ۱۷۲۵، ۱۷۲۲، ۱۵۷۸
۱۱۵۰، ۱۱۷۱، ۱۱۸۵، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶	شاه حمید: ۸۳۴۱
۱۲۰۴، ۱۲۴۱، ۱۲۶۱، ۱۲۷۳، ۱۴۵۴	شاه حیدر: ۱۶۳۰، ۱۶۶۶، ۱۴۴۸
۱۴۵۵، ۱۴۷۹، ۱۴۸۹، ۱۴۹۳، ۱۵۰۴	شاه خلیل...: ۷۶۵، ۷۶۴
۱۵۰۵، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۳۹، ۱۵۴۶	شاه دین پناه: رش به شاه تهماسب اول
۱۵۵۵، ۱۵۷۳، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۶۳۷	
۱۶۸۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۴، ۱۷۰۶، ۱۷۱۰	
۱۷۱۲، ۱۷۱۷، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱	شاهد صادق: ۱۰۱۹، ۰۹۹۴
۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۳۱، ۱۷۳۳، ۱۷۳۵	شاهرخ: ۱۸۰۸
۱۷۳۸، ۱۷۴۱، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۷	شاهرخ بن تیمور: ۰۵۷۵، ۰۷۲۱، ۰۱۵۹۵

۱۷۷۰ شاه عالم بیهادر: ۳۶۴، ۱۵۰۲، ۱۵۲۲،
 ۱۵۲۶، ۱۵۳۷، ۱۵۷۱، ۱۵۸۷، ۱۵۳۶
 شاه عباس دوم: ۱۰، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۵۵،
 ۵۶، ۷۵، ۸۱، ۹۰، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۱۷،
 ۱۳۳، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۶، ۲۱۷،
 ۲۳۷، ۲۴۵، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۷، ۳۲۹،
 ۳۳۶، ۳۴۱، ۳۶۶، ۴۰۴، ۴۹۷، ۵۰۲،
 ۵۱۳، ۱۰۲۰، ۱۱۱۲، ۱۱۸۲، ۱۲۷۵،
 ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۳۰۲، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸،
 ۱۳۴۹، ۱۴۶۶، ۱۴۶۸، ۱۴۷۷، ۱۴۹۵،
 ۱۴۹۶، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۸، ۱۵۹۹،
 ۱۷۷۵، ۱۷۷۸، ۱۷۸۴
 شاه عباس صفوی: ۵، ۸، ۱۰، ۱۷، ۱۸،
 ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸،
 ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۳، ۴۸، ۵۳،
 ۵۴، ۵۵، ۶۵، ۶۸، ۷۰، ۷۴، ۷۵، ۷۶،
 ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴،
 ۸۵، ۹۰، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۴،
 ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۶،
 ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹،
 ۲۰۲، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۷۳، ۲۹۳، ۳۰۶،
 ۳۱۰، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۶۲، ۳۸۲،
 ۴۰۷، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۵۰، ۴۵۷،
 ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۰،
 ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۶،
 ۵۷۷، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۹۷، ۶۱۵،
 ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۹، ۶۸۴،
 ۶۸۵، ۶۹۵، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴،
 ۸۷۳، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۸۱، ۹۱۸، ۹۲۱،
 ۹۳۰، ۹۳۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۵۹، ۹۶۰

۱۷۷۰ شاهزاده سلطانم: ۱۶۳۰
 شاهزاده گل: ۱۵۲۷
 شاهزاده محمد اکبر: ۱۷۸۱
 شاهزاده مراد: ۸۴۲، ۸۵۶، ۸۷۱، ۹۰۲،
 ۱۲۴۷، ۱۴۵۵
 شاهزاده ملک احمد: ۱۵۲۹
 شاه سلیمان صفوی: ۹، ۱۱، ۲۳، ۲۶، ۲۸،
 ۳۶، ۶۷، ۷۵، ۷۷، ۸۹، ۹۰، ۱۰۵، ۱۰۶،
 ۱۱۲، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۸،
 ۲۰۰، ۲۳۷، ۲۵۹، ۲۷۲، ۳۱۵، ۳۴۹،
 ۳۶۲، ۳۶۳، ۴۹۷، ۱۱۱۲، ۱۲۷۵،
 ۱۲۷۶، ۱۳۰۲، ۱۳۲۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸،
 ۱۳۴۹، ۱۳۵۲، ۱۳۶۷، ۱۴۶۶، ۱۴۷۱،
 ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۳،
 ۱۵۹۱، ۱۷۷۵، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۵،
 ۱۷۸۶
 شاه شجاع: ۹، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۶، ۳۸،
 ۴۱، ۵۵، ۷۵، ۹۰، ۹۱، ۱۰۴، ۱۰۵،
 ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۶۶، ۱۶۷، ۳۱۰،
 ۳۱۱، ۳۴۹، ۴۹۷، ۵۱۳، ۶۱۱، ۱۴۵۶،
 ۱۵۹۸، ۱۷۵۲، ۱۷۵۵
 شاه صفی: رش به سام میرزا
 شاه طاهر دکنی: ۱۳۳، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۸۶،
 ۶۶۲-۶۷۰، ۱۵۹۵، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰،
 ۱۶۳۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵
 شاه طاهر بن شاه رضی الدین حسینی خواندی
 انجدهای: رش به شاه طاهر دکنی
 شاه عادل: ۱۳۴۲

شاه محمد قزوینی: ۱۵۹۰	۰۹۶۷، ۰۹۶۹، ۰۹۷۰، ۰۹۸۹، ۰۱۰۱۸، ۰۱۰۱۹
شاه محمود حسنی شیرازی: ۱۰۴۱	۰۱۰۲۵، ۰۱۰۳۳، ۰۱۰۴۱، ۰۱۰۴۲، ۰۱۰۷۰
شاه محمود ثانی: ۱۶۵۸	۰۱۰۷۶، ۰۱۰۷۸، ۰۱۰۸۳، ۰۱۰۹۹، ۰۱۱۱۱
شاه مراد خوانساری: ۸۴	۰۱۱۱۲، ۰۱۱۲۱، ۰۱۱۲۷، ۰۱۱۳۵، ۰۱۱۵۹
شاه مرنضی: ۳۲۹	۰۱۱۸۲، ۰۱۱۸۴، ۰۱۱۹۴، ۰۱۱۹۵، ۰۱۲۱۳
شاه نظام شیخ برهان: رش به برهان نظامشاه	۰۱۲۱۴، ۰۱۲۶۷، ۰۱۲۷۲، ۰۱۲۸۹، ۰۱۳۰۲
شاه نظر قمشینی: ۸۹۳، ۰۴۷۴	۰۱۴۷۳، ۰۱۴۷۵، ۰۱۴۷۷، ۰۱۴۸۳، ۰۱۴۹۶
شاه نعمیه... باقی: ۷۶۴	۰۱۴۹۷، ۰۱۵۶۳، ۰۱۵۶۵، ۰۱۵۶۶، ۰۱۵۶۹
شاه نعمیه... ولی: ۰۴۴۵، ۰۴۴۶، ۰۵۰۲	۰۱۵۹۹، ۰۱۶۷۹، ۰۱۶۸۰، ۰۱۶۸۴، ۰۱۷۲۲
۰۶۵۴، ۰۶۵۵، ۰۶۵۶، ۰۶۵۷، ۰۷۶۴، ۰۱۳۱۰	۰۱۷۲۳، ۰۱۷۲۵، ۰۱۷۲۸، ۰۱۷۳۱، ۰۱۷۴۲
۱۵۸۱، ۰۱۳۱۱	۰۱۷۴۳، ۰۱۷۴۴، ۰۱۷۷۵، ۰۱۷۷۸، ۰۱۷۹۸
شاه نعمیه... یزدی: ۱۶۳۰، ۰۶۷۳	۱۸۱۵، ۰۱۸۰۳
شاه نورالدین نعمه... ولی: رش به شاه نعمه... ولی	شاه عباس سوم: ۰۳۲، ۰۳۷، ۰۳۰، ۰۳۹۴
شاهنوازخان: ۰۴۷۳، ۰۱۱۷۱، ۰۱۱۷۲	۱۵۵۹
شاهنوار خان شیرازی: ۹۳۲	شاه عباس کبیر: رش به شاه عباس صفوی
شاهنواز خان: رش به گرگین خان	شاه علی اکبر بن محمد: ۰۱۴۶۱، ۰۱۷۲۳
شاهنواز خان: رش به میرعبدالرراق حوافی	شاه فتح محمد قادری: ۱۵۸۵
شاردن: ۰۷۷، ۱۴۹	شاه قاسم انوار: ۰۶۵۴، ۰۶۵۶، ۰۶۵۷، ۰۷۵۰
شارق علی: ۵۳	شاه قاسم فهیمی قزوینی: ۱۲۵
شانی تکلو: ۰۵۰۱، ۰۵۰۲، ۰۵۲۶، ۰۵۵۱	شاه قاسم یزدی: ۲۵۰
۰۶۲۳، ۰۹۴۲، ۰۹۴۹، ۰۹۵۰	شاهقلی بابای تکلو: ۱۶۵
شایسته خان: رش به ابوطالب خانجهان	شاه قلی بیگ: رش به قلی بیگ
شاهی: ۶۹۶	شاهقلی خلیفه مهر دار: ۰۱۶۷۰، ۰۱۶۷۲
شبللی نعمانی: ۰۱۱۴، ۰۲۰۳، ۰۷۹۹، ۰۸۴۲	شاه قوامالدین اصفهانی: ۱۶۳۰
۰۸۹۷، ۰۹۰۰، ۰۱۰۵۶، ۰۱۰۵۹، ۰۱۲۷۲	شاه لاهوری: ۴۸۵
شجاعالدین الیاس روحی: ۰۲۹۰، ۲۹۱	شاه محبا...: ۴۴۶
شجاعالدین غضنفرکاشانی کره جاری: ۰۶۲۹	شاه محبالدین حبیبالله: ۱۳۱۱
۷۶۵	شاه محمد دارابی: ۱۷۹۱
شداد: ۱۶۴۹	شاه محمد سریانی: رش به محمد سریانی
	شاه محمد حکیم بن همایون: ۱۴۸۸

- شکر... شروانی: ۲۸۵
- شکوهی همدانی: ۵۱۲، ۵۰۱
- شکوهی یزدی: ۵۱۶
- شکیبی اصفهانی: ۶۱۷، ۴۷۴، ۴۷۲، ۴۵۷
- ۸۲۸، ۸۷۴، ۹۰۳، ۹۳۷-۹۴۳، ۹۵۱
- شمخال خان سلطان: ۱۰۹
- شمسای شیرازی: ۱۷۶۳، ۱۷۶۲
- شمس الانام شیرازی: ۸۰۱
- شمس الدین بن خلکان: ۱۷۹۵
- شمس الدین بن حاجی شرف بن ضیاءالدین:
- ۱۶۹۳، ۱۶۹۲
- شمس الدین عاملی: ۲۶۴، ۲۰۵، ۱۲۷
- ۱۴۷۰
- شمس الدین علی خلخالی: ۳۵۱
- شمس الدین عبدالله خاکی شیرازی: ۱۷۱۶
- شمس الدین فقیر دهنوی: ۶۰۲
- شمس الدین محمد بن احمد خضری: رش به
- شمس الدین محمد خضری
- شمس الدین محمد حسین حکیم: ۱۴۹۳
- ۱۴۹۴
- شمس الدین محمد خضری: ۲۳۲، ۱۶۰
- ۲۴۴، ۲۷۱، ۳۰۴، ۳۰۸، ۳۱۴، ۳۲۷
- ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۶۵، ۳۸۵، ۴۶۴، ۱۶۳۰
- شمس الدین محمد بن اشرف حسینی سمرقندی:
- ۲۹۱
- شمس الدین محمد بن مبارکشاه: ۳۰۶، ۳۰۴
- شمس الدین محمود بن محمود شهرزوری:
- ۱۵۸۶
- شدید: ۱۶۴۹
- شراری همدانی: ۱۰۳۱، ۴۷۴
- شرف الدین اسماعیل یمنی الشافعی: ۱۶۶۸
- شرف الدین حسین حسینی ابراهیمی: ۱۶۷۷
- شرف: رش به شرف جهان قزوینی
- شرف الدین علی بافقی: ۷۶۲
- شرف الدین علی یزدی: ۳۹۸، ۷۱۶، ۶۸۱
- ۱۶۶۷، ۱۶۰۵، ۱۴۴۷، ۴۰۰
- شرف الدین شفروه: ۳۹۰
- شرف الدین علی پیام اکبرآبادی: ۴۸۶
- شرف جهان قزوینی: ۵۱۵، ۵۰۰، ۴۹۶
- ۵۲۳، ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۴۹، ۶۱۴، ۶۱۷
- ۶۷۹-۶۹۱، ۶۹۵، ۶۹۶، ۹۲۱، ۱۶۳۰
- ۱۶۷۹
- شرف خان بدلیسی: ۱۶۹۶، ۱۶۹۱
- شروانشاه: ۱۵۹۵
- شریفا: ۸۶۶، ۵۱۳، ۵۱۲
- شریف تبریزی: ۶۳۹، ۶۲۹، ۶۲۸، ۵۲۵
- ۶۷۴، ۶۷۱
- شریف گاشی: ۵۹۷
- شعبان سروری: ۳۸۱
- شعوری گاشی: ۵۱۸
- شعوری مهدی: ۵۱۸
- شفر: ۱۵۷۶
- شفای اصفهانی: ۱۰۸۳-۱۰۷۵
- شفیای اعمی شیرازی: رش به اثر شیرازی
- شفیمی: رش به ضیاءالدین اردوبادی
- شفیمی: رش به میرحسین معمای
- شفیمی خوزانی: ۵۰۰

- شمس‌الدین محمد شیرین مغربی شیرازی: ۱۲۷۳، ۱۲۷۲
 شمس‌الدین محمد جوینی: ۱۶۰۷، ۳۴۶
 شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان جوینی: ۵۹۰
 شمس‌الدین محمد کارخانه آقاسی: ۹۱
 شمس‌الدین محمد گیلانی: ۲۷۱، ۲۴۸، ۲۲۵، ۳۲۶، ۳۵۱
 شمس‌الدین محمد لاهیجی: ۶۴۲
 شمس‌الدین محمود اصفهانی: ۲۷۱
 شمس‌الدین مشهدی: ۱۴۰۴
 شمس‌الشمرا کمال‌الدین محتشم کاشانی: رش به محتشم کاشانی
 شمسی زرین قلم: ۴۶۵
 شمس قیس رازی: ۳۹۶
 شمعون بن حمون: ۱۵۳۵، ۱۲۵۲
 شمعی: ۲۲۲
 شوکت: رش به شوکت بخاری
 شوکت بخاری: ۵۳۰، ۵۲۳، ۵۰۳، ۵۹۱، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۴۸، ۵۶۰، ۵۷۰، ۱۳۲۷
 شهاب‌الدین احمد خان: ۱۶۸۲
 شهاب‌الدین احمد عبادی: ۴۱۳
 شهاب‌الدین توارینی: ۲۷۳
 شهاب‌الدین شاهجهان: رش به شاه جهان
 شهاب‌الدین محمد صاحبقران ثانی شاهجهان: ۱۳۱۳
 شهاب معمای: رش به حفیری
 شهرت شیرازی: ۱۳۹۴-۱۳۹۷
 شهربانو: ۱۵۲۶، ۱۵۱۵
 شهریار: ۴۸۲، ۴۹۱
 شهزاده شهریار: ۱۲۶۱
 شهید اول: رش به شمس‌الدین عاملی
 شهید ثانی: ۲۰۵، ۲۱۷، ۲۶۴، ۲۶۷
 ۳۳۲، ۳۰۶
 شهیدی: رش به شیخ علی بن محمد بن حسن عاملی
 شبان: ۵۰
 شبک خان: ۵۰، ۵۱، ۹۹، ۱۶۲، ۱۹۹
 ۵۰۹، ۵۸۳، ۶۴۲، ۱۳۰۳، ۱۶۲۱
 ۹۶۲
 شیخ آقابزرگ نهرانی: ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۹۹
 ۱۵۱۶، ۱۵۶۷، ۱۶۲۴، ۱۸۱۰
 شیخ ابراهیم قطیفی بحرانی: رش به ابراهیم بن سلیمان قطیفی بحرانی
 شیخ ابواسحق ابتجو: ۱۵۵۹
 شیخ ابوالخیر: ۴۶۰
 شیخ ابوالقاسم اردستانی: رش به قاسم اردستانی
 شیخ ابوالقاسم انصاری: ۱۵۹۲
 شیخ ابومحمد خالدی دهلوی: ۱۵۸۵
 شیخ ابوالمؤید محمد بن خطیرالدین: ۲۲۵
 شیخ اسماعیل انقروی مولوی: ۲۲۳، ۳۰۲
 شیخ ابویزید خلخالی: رش به ابویزید خلخالی
 شیخ احمد افلاکی: ۱۶۲۸
 شیخ احمد سهرندی: ۱۳۴۱
 شیخ احمد زرگر: ۹۱۸
 شیخ احمد زنده‌بیل: ۷۸۹
 شیخ اشراق: ۳۰۸، ۳۲۴، ۳۲۷
 شیخ الله دینانین شیخ عبدالرحیم: ۱۵۸۴

- شیخ الاسلام شمس‌الدین احمد بن سلیمان روحی
حنفی: رش به کمال پاشازاده
- شیخ برهان‌الدین سیکری وال: ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۶
- شیخ بهاء‌الدین محمد بن حسین بن عبدالصمد
عاملی اصفهانی: رش به شیخ بهایی
- شیخ بهایی: ۱۰، ۱۷۹، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۹۳، ۳۰۶، ۳۱۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۳۱، ۴۳۲، ۱۰۳۹-۱۰۴۷، ۱۱۴۶۴، ۱۱۴۶۷، ۱۱۴۷۰، ۱۱۴۷۳، ۱۷۹۱
- شیخ جعفر بحرانی: ۲۴۴
- شیخ جعفر بن کمال‌الدین زین‌القراء بحرینی:
۲۴۶
- شیخ جعفر کاشف‌الغطاء نجفی: ۲۶۳
- شیخ جلال‌الدین فریدون: رش به چلبی
- شیخ جمال‌الدین احمد بن فهد حلّی: رش به
ابن فهد حلّی
- شیخ جمال‌الدین مطهر حلّی: ۱۷۱
- شیخ جمال‌الدین ابو عمرو عثمان: رش به ابن
حاجب
- شیخ جمالی: ۴۴۹
- شیخ حسن کشمیری: ۱۲۸۵
- شیخ حسین بن عبدالصمد: ۳۰۶
- شیخ حسین جیلانی لبنانی: ۲۵۳
- شیخ حسین صوفی جشتی: ۴۵۸
- شیخ حسین کمانگر: ۱۷۴۶
- شیخ خضر: ۱۷۹، ۸۴۰
- شیخ رمضان بهشتی رومی: ۲۹۱
- شیخ‌زاده فایض نیردانی: ۱۵۹۰
- شیخ‌زاده لاهیجی: رش به فدایی شیرازی
- شیخ ساقی: ۴۵۷
- شیخ سعید کازرونی: ۷۱۶
- شیخ سماء‌الدین جشتی: ۱۶۲۰
- شیخ سیواسی: رش به شیخ عبدالمجید
- شیخ شاه ابراهیم صفوی: ۱۴۴
- شیخ شمس‌الدین تبریزی: ۱۶۲۸
- شیخ شهاب: ۳۸۶
- شیخ شهید شهاب‌الدین بحیبی سهروردی:
۳۰۸، ۳۰۲
- شیخ صدوق ابن بابویه قمی: ۲۵۶، ۱۳۰۶، ۱۶۲۵، ۱۴۶۹
- شیخ صدوق محمد بن علی بن موسی: رش به
شیخ صدوق ابن بابویه قمی
- شیخ صفی: رش به شیخ صفی‌الدین اردبیلی
- شیخ صفی‌الدین اردبیلی: ۳۱، ۳۲، ۵۷، ۷۳، ۸۵، ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۷۵۱، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۵، ۱۶۳۳، ۱۶۶۱، ۱۷۸۹
- شیخ صنعان: ۱۵۲۵، ۱۵۳۴
- شیخ عباس قمی: ۲۶۰
- شیخ عبدالجلیل رازی: ۱۸۹
- شیخ عبدالحسین کمره‌بی: ۹۶۸
- شیخ عبدالحق محدث دهلوی: ۱۷۴۶
- شیخ عبدالرزاق کاشی: ۲۲۷
- شیخ عبدالقادر جیلانی: ۱۷۴۷
- شیخ عبدالقدوس کنکوی: ۲۲۵

- شیخ عبدالنبی گنگوی: ۸۴۷، ۸۴۱
 شیخ عبدالنبی گنگوی: ۸۴۷، ۸۴۱
 شیخ عبد... بی صالح لاهیجی محداسی: ۲۶۵، ۲۶۳
 شیخ عبدالنجمید: ۱۱۴۹، ۲۲۳
 شیخ عزت‌الله بنگالی: ۱۵۳۸
 شیخ علی الحویری: ۲۴۴
 شیخ علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی: ۱۱۶
 ۰۸۹، ۰۱۶۹، ۰۱۷۱، ۰۱۷۷، ۰۱۷۸، ۰۱۸۳
 ۰۱۸۴، ۰۱۸۵، ۰۲۰۵، ۰۲۴۲، ۰۲۴۳، ۰۲۵۶
 ۰۲۶۷، ۰۲۶۸، ۰۳۰۰، ۰۳۰۶، ۰۳۰۷، ۰۳۰۹
 ۰۱۵۱۶، ۰۱۵۱۸، ۰۱۶۱۶، ۰۱۶۲۴، ۰۱۶۷۷
 شیخ علی بن سبیل بن ازهر اصفهانی: ۱۳۳۴
 شیخ علی بن هلال جزائری: ۲۰۵
 شیخ علی بن محمد بن حسن عاملی: ۲۱۷
 شیخ علی خان اعتماد السلطنه: ۱۳۳۰، ۱۳۴۷
 شیخ علیخان زنگنه: رش به علیخان زنگنه
 شیخ علی خواجہ: ۱۶۳۳
 شیخ علی شہیدی عاملی: ۱۸۹، ۲۰۹، ۳۳۲
 شیخ علی عاملی: رش به شیخ علی بن محمد بن حسن عاملی
 شیخ علی نقی کمرہیی: ۱۲۴، ۱۶۷، ۱۷۳
 ۰۲۶۱، ۰۵۲۵، ۰۵۲۶، ۰۶۲۶، ۱۴۶۸
 شیخ علی نقی کمرہیی طغایی شیرازی: رش به
 شیخ علی نقی کمرہیی
 شیخ عزالدین علی نقی کمرہیی: ۱۰۱۹
 ۱۰۲۰، ۱۰۴۰، ۱۰۴۴
 شیخ علی هضم رابع: رش به شیخ علی شہیدی عاملی
 شیخ بیضی هندوستانی: ۱۵۹۷
 شیخ بیضی صرفی: ۱۷۴۶
 شیخ لطف...: ۲۳۷، ۳۴۱
 شیخ لطف... بن عبدالکریم عاملی: ۱۷۳
 شیخ الاسلام سہاء الدین محمد بن حسین بن عبدالصمد عاملی: رش به شیخ سہابی
 شیخ الفایفہ محمد بن حسن طوسی: ۲۰۹
 ۰۲۵۷، ۰۲۶۶، ۴۱۷
 شیخ ماجد بحرانی: رش به ماجد بن محمد صادق بحرانی
 شیخ مبارک: ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۸، ۸۵۰
 شیخ مجوسی: رش به محمد ظاهر بن محمد حسن فی
 شیخ محسن کشمیری: رش به فانی کشمیری
 شیخ محمد: ۲۵۹
 شیخ محمد بدختی: ۲۹۰
 شیخ محمد بن علی احسانی: ۲۰۵
 شیخ محمد الخاتون: ۱۴۹۷
 شیخ محمد بن حسن الحر العاملی: ۱۲۷، ۱۳۶
 ۲۵۸، ۲۵۹
 شیخ محمد بن حسن بن شہید ثانی: ۳۳۰
 شیخ محمد بن محمد: ۱۶۱۴
 شیخ محمد حسن: رش به حر العاملی
 شیخ محمد عظیم: ۱۵۳۴
 شیخ محمد علی حریر لاهیجی: ۱۳۳۱
 ۱۳۳۳، ۱۳۳۵، ۱۳۵۹، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹
 ۱۳۸۷
 شیخ محمد علی ماهر اکبر آبادی: رش به میرزا معزموسوی خان
 شیخ محمد غوثی مندوی: ۹۰۰، ۹۳۷
 شیخ محمد مراد نقشبندی: ۱۵۸۵

صائب تبریزی: ۴۶۱، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۷،
 ۵۱۴، ۵۱۷، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۹،
 ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۳۸،
 ۵۳۹، ۵۴۷، ۵۵۵، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲،
 ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۳،
 ۵۹۷، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۲، ۱۰۶۲،
 ۱۰۷۷، ۱۱۶۲، ۱۱۶۷، ۱۱۹۷، ۱۲۱۳،
 ۱۲۱۴، ۱۲۴۳، ۱۲۷۱-۱۲۸۴، ۱۳۲۷،
 ۱۳۳۰، ۱۳۴۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۹۰،
 ۱۳۹۴، ۱۷۷۱، ۱۷۷۸
 صابر: ۷۶۷
 صابر برفاق: رش به حافظ صابر برفاق
 صاحبقران ثانی: رش به شاه جهان
 صاحبقران: رش به حمزه بن آذرک شاری
 صاحب بن عباد: ۱۸۸
 صاحب الامر: رش به امام زمان
 صادق: ۱۶۱۳
 صادقی بیگ صادقی افشار: رش به صادقی
 افشار
 صادقی افشار: ۴۲۹، ۵۰۰، ۵۱۲، ۵۱۳،
 ۵۷۷، ۶۷۵، ۷۳۰، ۷۳۶، ۷۷۷، ۷۱۸،
 ۷۲۸، ۸۲۹، ۸۳۳، ۸۵۹، ۱۰۲۴
 صادقی کتابدار: ۶۷۱، ۹۵۸، ۱۰۱۷،
 ۱۰۹۷، ۱۱۹۷
 صافی اردوبادی: ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۱۳۵
 صالحی هروی: ۴۵۷
 صبوحی: رش به ملا حسین
 صبوحی جنتایی: ۴۵۸
 صبوحی کابلی: ۴۵۸
 صحیفی: ۶۱۷

شیخ محمدمادی: رش به رمزی کاشانی
 شیخ محمد بن حسین افضل حاذقی گیلانی:
 ۲۴۷
 شیخ محمود شبستری: ۳۳۴، ۱۴۷۲، ۱۶۰۴
 شیخ منجم: ۱۵۴۴
 شیخ نجم الدین ابو حفص عمر بن محمد نسفی:
 ۱۶۴۴
 شیخ نظام الدین عبدالشکور تهاپسری: ۲۲۴،
 ۲۲۵
 شیخ نظام الدین محمد اولیاء: ۱۵۸۵
 شیخ نور الدین علی بن حسین بن عبدالعالی
 کرکی عاملی: رش به شیخ علی بن حسین بن
 عبدالعالی کرکی
 شیخ مفید: ۲۷۴، ۱۴۷۱، ۱۴۷۷
 شیخ یوسف بن احمد بحرانی: ۲۰۸، ۲۱۵،
 ۳۲۰، ۳۳۱، ۳۳۳
 شیخی نوپچی: ۱۴۴۸
 شیدای فتحپوری: ۴۸۵، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۹۹،
 ۶۱۵، ۶۲۹، ۱۲۹۰-۱۲۹۶
 شیرازی: ۴۹۱
 شیر علیخان لودی: ۹۶۶، ۹۸۲، ۱۱۴۷،
 ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۷۱، ۱۲۱۲، ۱۲۳۴،
 ۱۲۷۱، ۱۲۸۵، ۱۳۷۶
 شیر شاه افغان: ۱۳، ۵۹، ۴۵۲، ۱۷۱۳
 صائبی ثانی: رش به ناصر علی سرهندی

- صدرالدین بن شرف جهان قزوینی: ۵۰۰
 صدرالدین عارف: ۱۶۲۰
 صدرالدین علی بن معصوم بن احمد: رش به
 سید علیخان کبیر
 صدرالدین عیسی: ۱۶۲۱
 صدرالدین محمد: ۶۸۵، ۶۸۴
 صدرالدین محمد: ۳۵۳، ۳۰۳
 صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی قوامی:
 رش به ملا صدرالدین ابراهیم شیرازی
 صدرالدین محمد بن ابراهیم دشتکی شیرازی:
 رش به صدرالدین محمد دشتکی شیرازی
 صدرالدین محمد دشتکی شیرازی: ۱۱۱۸،
 ۲۳۸، ۲۷۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۰، ۳۰۱،
 ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۳۹، ۶۸۳
 صدرالدین محمد زبردستخان: ۱۵۸۷
 صدرالدین موسی بن صفی الدین اردبیلی:
 ۱۶۳۳، ۱۴۴
 صدرالعلماء: رش به صدرالدین محمد دشتکی
 شیرازی
 صدرالمآلین صدرالدین محمد بن ابراهیم قوامی
 شیرازی: رش به ملا صدرالدین ابراهیم
 شیرازی
 صدرتانی: رش به صدرالدین محمد
 صدر: ۱۵۲۱
 صدرالدین خان استاجلو: ۱۶۷۰
 صدر خواجو: ۲۳۷
 صدفی: ۷۹۳، ۶۰۸
 صدیق محمد حسین خان: ۷۸۹، ۹۶۶،
 ۱۲۰۴، ۱۳۰۲
 صدرعلی: ۳۹۴
- صغری: ۶
 صف شکن خان: رش به میرزا لشکری
 صفی اصفهانی: ۱۲۵، ۱۰۰۲، ۱۰۰۷،
 ۱۴۴۱
 صفی سیرواری: ۹۷۰
 صفی صفاغانی: ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳
 صفی قلی بیگ شاملو: ۱۰۰۴، ۱۳۰۷،
 ۱۳۲۷، ۱۳۳۴، ۱۳۵۲
 صفی قلی خان: رش به واله داغستانی
 صفی قلی خان: ۵۰۳
 صفی میرزا: رش به شاه سلیمان صفوی
 صفی میرزا: ۹۷۲، ۱۰۲۰، ۱۰۸۸، ۱۱۱۲،
 ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۴۵، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰،
 ۱۱۸۲، ۱۱۹۶، ۱۲۱۴، ۱۲۷۶، ۱۳۰۲،
 ۱۳۰۶، ۱۳۴۷
 صفی میرزا: رش به محمد باقر میرزا
 صفی یزدی: ۱۰۰۴
 صفیای اصفهانی: رش به صفی اصفهانی
 صفیه سلطان: ۷۶۴
 صلابی: رش به میرجلال الدین حسین
 صلاح الدین یوسف: ۱۶۴۵
 صمصام الدوله شاهنواز خان: رش به
 میر عبدالرزاق خوافی
 صوفی اصفهانی: ۱۰۴۷، ۱۰۵۶
 صوفی کازرونی: ۱۰۴۸
 صوفی مازندرانی: ۵۱۸
 صوفی همدانی: ۱۰۴۸
 صیدی نهرانی: ۴۶۱، ۱۱۷۴، ۱۲۲۳-
 ۱۲۴۳، ۱۲۲۷

ض

- طاهر غنی کشمیری: رش به غنی کشمیری
 طاهری: رش به ابوالقاسم طاهری
 طاهری شهاب: ۱۰۶۲، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۶۳
 طبرسی: ۱۴۷۵، ۱۲۶۸، ۲۶۱
 طرحی شیرازی: ۸۰۷، ۸۰۱، ۸۰۰، ۵۱۶
 طغانشاه: ۱۷۲۴
 طغترای مشهدی: ۱۷۷۰، ۱۷۱۸، ۵۵۷
 ۱۷۷۴
 ظفرل یک سلجوقی: ۱۶۵۱
 طفیلی ابدال: ۴۲۵
 طوقی تبریزی: ۵۲۵
 طهماسب‌قلی بیگ بزدی: ۶۱۴

ظ

- ظریفی: رش به حسن چلبی
 ظلمت عبار: ۱۵۲۳
 ظفرخان احسن‌الله نربتی: ۵۷۸، ۵۷۰، ۴۸۳
 ۱۱۸۵، ۱۲۴۱-۱۲۴۵، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴
 ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۸۶
 ظفر: رش به بهادر شاه‌ثانی
 ظهوری ترشیزی: ۵۲۱، ۴۸۶، ۴۷۴، ۴۴۸
 ۵۲۳، ۵۲۸، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۱، ۶۰۶
 ۶۰۸، ۶۱۸، ۷۹۴، ۸۴۳، ۸۴۶، ۹۰۳
 ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۷۷-۹۸۸، ۱۰۳۳
 ۱۶۰۰، ۱۶۱۷-۱۷۱۷
 ظهیرالدین بابر: ۶۷، ۵۹، ۴۷، ۴۶، ۱۳
 ۱۱۳، ۱۱۹، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۶، ۴۲۱
 ۴۴۵، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۸
 ۴۶۹، ۴۸۴، ۵۷۸، ۱۴۸۶، ۱۴۹۹

ط

- طارق بن زیاد: ۱۵۱۷
 طاش کبری زاده: ۲۸۸، ۲۸۷، ۴۶
 طافقالکبری: رش به خواجه محمدبن
 ابومحمد محمود بن محمد دهمدار شیرازی
 طالب: ۶۰۴، ۵۶۹، ۵۶۳، ۵۱۱، ۴۸۸
 طالب: ۱۵۲۸
 طالب آملی: ۴۶۵، ۱۲۶، ۱۱۳، ۵۸
 ۴۸۷، ۴۹۱، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۳۲، ۵۳۶
 ۵۳۸، ۵۴۸، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۹
 ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۶، ۶۳۰
 ۱۰۵۶-۱۰۶۹، ۱۱۰۳، ۱۱۵۰، ۱۱۹۴
 طالبای کلیم: رش به کلیم کاشانی

۱۵۵۸	۱۵۳۲	۴۳۰	۱۹۸	۱۶۶	۱۶۱۰	۱۶۰۹	۱۵۷۲	۱۵۷۰	۱۵۵۳
				۱۷۸۷	۱۶۸۵	۱۶۳۷	۱۶۳۰	۱۶۲۰	۱۶۱۱
	۱۷۹۸	۱۴۱۷	۱۹۱	عباس بن عبدالمطلب:	۱۷۳۳	۱۷۰۰	۱۶۹۹	۱۶۸۶	
	۱۲۶۷	۱۱۱۲	۵۰۳	عباسقلی خان شاملو:	۲۲۰				ظہیرالدین محمد حسینی اردستانی:
				۱۳۳۴					ظہیر فاریابی:
				عباس میرزا: رش بہ شاہ عباس صفوی	۵۵۹	۵۲۳	۳۹۰	۳۷۴	۱۰۹۴
				عباس میرزا: رش بہ شاہ عباس دوم					ظہیری نغوشی:
				عباس میرزای نایب السلطنہ: ۳۵۱					۱۷۱۸
				عبدالباقی قصہ خوان: ۴۶۵					

ع

۵۲۶	۵۲۴	۴۶۸	عبدالباقی نہاوندی:						عابد خان: ۱۶۸۵
۷۷۸	۷۷۷	۶۸۲	۵۵۲	۵۳۱	۵۲۷				عادل خان: رش بہ شاہ تہماسب اول
۷۹۹	۷۸۳	۷۸۲	۷۸۱	۷۸۰	۷۷۹				عادلخان: ۱۶۵۹
۹۳۸	۹۰۴	۹۰۱	۸۳۹	۸۰۹	۸۰۰				عادللی: رش بہ شاہ اسماعیل دوم
۱۰۰۵	۹۸۲	۹۸۱	۹۸۰	۹۵۲	۹۵۰				عارف ایگی: ۵۵۱
۱۰۳۶	۱۰۲۶	۱۰۰۹	۱۰۰۸	۱۰۰۷					۹۹۲
۱۶۸۱	۱۵۸۷	۱۵۰۳	۱۱۸۵	۱۱۸۴					۱۰۰۰
				۱۷۳۹	۱۷۴۲	۱۷۵۱			عارف لاهیجی: ۵۱۵
				عبدالباقی ولی دشت بیاضی: رش بہ ولی					عاصم بن ابی النجود: ۲۴۵
				دشت بیاضی					عاصم بن صفوان: ۱۵۲۲
				عبدالجبار استرآبادی: ۵۰۵					عاقل خان خوافی: ۴۶۳
									عاقل خان رازی: ۱۵۴۳
									عالمگیر پادشاہ: رش بہ محی الدین اورنگ
									زیب
									عالمگیر ثانی: ۱۷۹۸
									عالی شیرازی: ۱۳۶۲
									۱۶۰۰
									۱۷۸۹
									۱۷۹۱
									عالی نیشابوری: ۵۷۳
									۱۳۸۹
									۱۳۹۳
									عباس اقبال آشتیانی: ۷
									۸۳
									۷۹
									۱۴
									۱۵۷۴
									۱۵۷۳
									عبدالحق بن سیف الدین ترک دہلوی شیرازی:

- ۱۴۶۱ عبدالستار لاهوری: ۱۵۸۲، ۲۷۶
- عبدالحی حبیبی: ۱۵۸۲، ۱۵۵۳
- عبدالرحمن: ۳۵۴
- عبدالرحمن بن حسین: ۴۱۰
- عبدالرحمن بن عبدالرسول چشتی: ۱۵۸۴
- عبدالرحمن بن الکریم عباسی برهانپوری: ۱۴۹۷
- عبدالرحیم بن احمد سوریهاری: ۳۷۱، ۳۷۰
- عبدالرحیم بن احمد عبادی: ۴۱۵
- عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پوری: ۴۱۱
- عبدالرحیم خان خانان: ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۵۸
- ۴۵۹، ۴۶۴، ۴۷۱، ۴۷۵، ۴۸۳، ۴۵۶
- ۴۵۸۱، ۴۶۱۷، ۴۶۱۸، ۴۷۸۰، ۴۷۹۳، ۴۸۰۲
- ۴۸۰۳، ۴۸۰۹، ۴۸۷۱، ۴۸۷۴، ۴۸۸۴، ۴۸۸۵
- ۴۸۹۳، ۴۸۹۸، ۴۸۹۹، ۴۹۰۱، ۴۹۰۳، ۴۹۰۵
- ۴۹۰۷، ۴۹۳۸، ۴۹۳۹، ۴۹۴۰، ۴۹۵۱، ۴۹۷۸
- ۴۹۸۱، ۴۹۸۳، ۴۹۸۴، ۴۹۸۵، ۴۹۸۶
- ۴۹۸۷، ۴۹۸۸، ۴۹۸۹، ۴۹۹۰، ۴۹۹۱، ۴۹۹۲
- عبدالعلی بیرجندی: رش به ملا عبدالعلی بیرجندی
- عبدالعلی تبریزی: ۱۵۹۸
- عبدالعلی کارنک: ۱۶۳۳
- عبدالعلی وقایع نگار: ۱۵۶۹
- عبدالعلی محوی اردبیلی: ۸۹۳، ۸۹۲
- عبدالعلیم: ۱۵۲۹
- عبدالغفار صدیقی حسینی حوانساری نیشابوری
- هروی: ۴۰۶
- عبدالغفور: ۳۲۹
- عبدالغفور حسینی مدنی تنوی: ۳۸۷
- عبدالغفور لاری: ۴۰۶، ۴۱۳، ۱۶۶۹
- عبدالفتاح فومنی: ۱۷۰۸، ۱۷۰۹
- عبدالغنی بیک کابلی کشمیری: ۵۹۷
- عبدالفتاح فومنی: ۴۶۶، ۵۰۴، ۱۵۷۸
- عبدالقادر بدلونی: ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۶، ۵۹۹
- ۷۰۳، ۷۲۹، ۷۵۵، ۷۵۸، ۷۸۹، ۸۰۰
- عبدالرزاق خوافی: رش به میر عبدالرزاق خوافی
- عبدالرزاق بیگ بن نجفقلی خان دنبلی: ۱۵۱۵
- عبدالرزاق گیلانی: ۱۲۰۳
- عبدالرشید عبدالغفور حسینی مدنی تنوی: رش به عبدالرشید تنوی
- عبدالرشید تنوی: ۳۷۱، ۳۸۷، ۳۸۸، ۴۱۰
- عبدالرؤف المناوی الحدادی: ۲۵۹

- ۸۷۳، ۸۲۵، ۵۹۵، ۵۱۰، ۴۹۵
 عباد... خان فیروز جنگ: ۳۶۵، ۱۰۵۹،
 ۱۱۵۰، ۱۱۱۲
 عباد... قطب شاه: ۱۲۰۹
 عباد... عباسی: ۳۷۱، ۳۸۶
 عباد... مشعشع: ۳۰، ۳۱، ۱۳۸
 عبدالمجید: ۴۱۲
 عبدالمومن خان: ۲۲
 عبدالمطلب: ۵۸۵
 عبدالنبی العثمان الشطاری: ۲۲۵
 عبدالنسی فخرالزمانی: ۴۷۱، ۴۷۷، ۴۸۹،
 ۶۲۱، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۵،
 ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۲۴، ۷۷۷، ۷۹۹، ۸۰۰،
 ۸۰۱، ۸۰۴، ۸۳۵، ۸۶۶، ۸۸۴، ۸۸۵،
 ۸۹۹، ۹۰۱، ۹۰۴، ۹۰۷، ۹۲۴، ۹۳۸،
 ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۶۰، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۲،
 ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۰۱، ۱۰۰۵، ۱۰۰۸،
 ۱۰۱۳، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۳۷، ۱۰۴۸،
 ۱۰۴۹، ۱۰۵۲، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۶۲،
 ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۳، ۱۱۲۷،
 ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۶، ۱۱۴۸، ۱۱۹۵،
 ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۴۹، ۱۵۸۰، ۱۵۹۱،
 ۱۵۹۷، ۱۷۳۵-۱۷۳۹
 عبدالواحد بن محمد مفتی: ۱۵۷۸
 عبدالواحد شوشتری: ۱۷۰۶
 عبدالواسع: ۱۵۹۴
 عبدالودود اظهر دهلوی: ۵۹۹، ۱۵۴۷
 عبدالوهاب: رش به امیر عبدالوهاب
 عبدالوهاب بن جلال‌الدین محمد همدانی:
 ۱۶۲۷، ۱۵۸۲
- ۸۰۳، ۸۴۲، ۸۴۴، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸،
 ۸۴۹، ۸۸۳، ۹۲۰، ۹۵۱، ۹۷۹، ۱۴۵۷،
 ۱۵۳۹، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۵۵،
 ۱۵۷۱، ۱۶۳۷، ۱۶۸۴، ۱۷۰۶
 عبدالقادر بیدل دهلوی: ۴۶۳، ۵۱۷، ۵۱۸،
 ۵۲۳، ۵۳۰، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۴۲، ۵۵۹،
 ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۸، ۵۷۰، ۵۷۳، ۱۲۱۶،
 ۱۲۳۸، ۱۳۳۵، ۱۳۷۶، ۱۳۸۶، ۱۴۶۲
 عبدالقادر مراغی: ۳۵۴
 عبدالکریم کاشی: ۹۶۰، ۹۶۱
 عبداللطیف بن عباد... عباسی: ۳۷۰، ۳۷۱،
 ۳۸۶، ۱۰۵۰
 عبداللطیف خان: ۵۰۹، ۱۵۷۹، ۱۷۲۹
 عبداللطیف کازرونی: ۲۴۹
 عبدالله: ۱۵۳۷، ۱۵۶۷
 عباد... افندی: ۴۱۸، ۱۶۶۷، ۱۶۷۵،
 ۱۷۰۵، ۱۷۰۷، ۱۷۹۲
 عباد... بن اسمعالباقعی الیمتی: ۱۵۸۳،
 ۱۶۶۶
 عباد... بن حسن بن حسن بن علی: ۱۹۱
 عباد... بن صفی: ۳۶۵
 عباد... بن محمد: ۲۲۲
 عباد... بن نورالدین شوشتری جزائری: رش
 به سید عباد... بن سیدنورالدین شوشتری
 عباد... خان ازبک: ۶۵۷، ۷۱۶، ۷۶۵،
 ۸۲۸، ۸۶۵، ۱۱۲۷
 عباد... خان استاجلو: ۳۶۲
 عبدالله خان بن اسکندر خان شیانی: ۱۵۰۱
 عباد... خان ثانی (ازبکی): ۲۱، ۲۲

- عبدالوهاب صابونی: ۴۰۱
 ۰۴۷۴، ۰۵۱۵، ۰۵۱۶، ۰۵۲۱، ۰۵۲۲، ۰۵۲۳
 عبدی شیرازی: رش به عبدی بیگ نویدی
 ۰۵۲۴، ۰۵۲۵، ۰۵۲۶، ۰۵۲۷، ۰۵۲۸، ۰۵۲۹
 عبدی بیگ نویدی: ۰۵۹۴، ۰۵۹۵، ۰۶۱۳
 ۷۵۴-۷۴۶
 عبدی گونابادی: ۶۱۴
 عیدالله بن زیاد: ۱۵۱۰
 عیدا... بن فضل... خیصی: ۲۹۲
 عبیدا... بن محمودخان: رش به عبیدا...
 خان
 عیدا... احرار نقشبندی: ۱۰۵۹، ۱۱۵۰
 عبیدا... خان ازبک: ۰۱۲، ۰۵۱، ۰۷۰، ۰۱۰۲
 ۰۱۴۱، ۰۱۴۶، ۰۱۶۳، ۰۱۶۴، ۰۱۶۷، ۰۳۵۵
 ۰۴۹۵، ۰۵۰۹، ۰۵۱۰، ۰۱۱۲۷، ۰۱۴۸۵
 ۰۱۵۵۴، ۰۱۵۷۷، ۰۱۶۶۰، ۰۱۶۶۱، ۰۱۶۷۰
 ۰۱۶۷۲، ۰۱۷۲۴
 عید زاکانی: ۶۳۱
 عیدی: رش به عبیدا... خان ازبک
 عتایی نکلو: ۰۸۱۵، ۰۹۸۹، ۰۹۹۲
 عتایی نجفی: ۰۴۵۷، ۰۶۰۸، ۰۸۹۵-۸۱۸
 عثمان بن عفان: ۰۷۱، ۰۹۶، ۰۱۶۴، ۰۵۸۸
 ۱۵۸۱
 عثمان پاشا: ۰۲۰، ۰۵۷۷
 عجزی تبریزی: ۵۰۲
 عذرا: ۱۵۲۳
 عراقی: ۳۳۴
 عربشاه: ۵۰
 عرشى دهلوی: ۰۴۴۸، ۰۵۳۰، ۰۶۵۴، ۰۶۵۵
 ۰۶۵۶، ۰۱۰۳۳، ۰۱۳۱۰-۱۳۱۶، ۰۱۵۵۰
 ۱۷۷۹
 عرفی شیرازی: ۰۳۳۴، ۰۴۵۷، ۰۴۶۷، ۰۴۶۸
 ۰۵۱۴، ۰۵۱۶، ۰۵۲۱، ۰۵۲۲، ۰۵۲۳
 ۰۵۲۴، ۰۵۲۵، ۰۵۲۶، ۰۵۲۷، ۰۵۲۸، ۰۵۲۹
 ۰۵۴۴، ۰۵۴۸، ۰۵۵۱، ۰۵۵۲، ۰۵۵۳، ۰۵۶۰
 ۰۵۹۶، ۰۶۰۶، ۰۶۰۸، ۰۶۰۹، ۰۶۱۳، ۰۸۰۰
 ۰۸۱۴، ۰۸۷۸، ۰۹۰۳، ۰۱۰۶۴، ۰۱۴۵۰
 ۰۱۷۳۱، ۱۷۴۰
 عزنی شیرازی: ۱۲۸۸
 عزالدین حسین بن کرکی عاملی: ۱۰۴۱
 عزالدین جعفر آملی: ۰۲۷۴، ۱۴۷۴
 عزالدین حسین بن عبدالصمد جبل عاملی:
 ۰۲۴۳، ۲۶۸
 عزالدین حسین عاملی: رش به عزالدین حسین
 بن عبدالصمد جبل عاملی
 عزالملک: ۱۵۳۴
 عزیز شاه: ۱۵۲۶
 هگری میرزا: ۰۷۵۶، ۰۷۵۷
 عصام‌الدین ابراهیم بن محمد بن عربشاه
 اسفرائینی: ۰۲۴۷، ۰۲۸۰، ۰۲۹۰، ۰۲۹۱، ۰۲۹۲
 ۰۴۱۳، ۰۸۴۰، ۱۶۶۹
 عضدالدوله: ۱۵۳۵
 عضدالدوله: رش به جمال‌الدین حسین اینجو
 عضدالدوله شیرازی: ۰۴۶۷، ۰۶۳۲، ۱۴۵۳
 عضدی: ۳۰۳
 عطار نیشابوری: ۰۲۲۴، ۰۱۰۹۳، ۰۱۰۹۴
 ۱۳۸۹
 عطاءالملک جوینی: ۰۱۶۰۵، ۱۶۶۷
 عطاء... رشیدی ابن احمد نادر: ۰۳۵۲
 ۳۵۳
 عظیمیا نیشابوری: ۰۵۱۴، ۰۶۱۳، ۰۱۲۴۶

علم الهدی محمد: ۱۴۹۶، ۳۲۹
 علمشاه خاتون: ۱۲۹
 علوی: رش به احمد بن خضر اسکویی
 علی ابراهیم خان خلیل: ۰۴۶۵، ۰۵۲۷، ۰۵۲۸
 ۰۶۳۷، ۰۶۴۲، ۰۶۴۵، ۰۶۴۸، ۰۶۸۰، ۰۷۰۰
 ۰۷۱۷، ۰۷۲۹، ۰۷۳۵، ۰۷۴۱، ۰۷۷۷، ۰۷۹۲
 ۰۷۹۹، ۰۸۳۳، ۰۸۳۹، ۰۸۵۸، ۰۸۸۳، ۰۹۳۷
 ۰۹۵۰، ۰۹۱۹، ۰۱۰۲۴، ۰۱۰۵۶، ۰۱۲۱۲
 ۰۱۲۳۴، ۰۱۲۷۱، ۰۱۲۷۲، ۰۱۳۴۷، ۰۱۵۲۴
 ۰۱۶۱۹، ۰۱۶۲۱، ۱۷۳۰
 علی احمد نشانی لاهوری: ۵۴۵
 علی اصغر حکمت: ۰۷، ۰۶۴۸، ۰۱۱۵۱
 ۰۱۶۴۱، ۰۱۶۴۳، ۰۱۶۴۶، ۱۶۴۷
 علی اکبر حسینی اردستانی: ۱۷۴۶، ۱۷۴۷
 علی اکبر دهخدا: ۴۱۱
 علی بن ابی طالب: ۰۱۱، ۰۱۳۳، ۰۱۳۴، ۰۱۳۷
 ۰۱۴۱، ۰۱۴۲، ۰۱۵۰، ۰۱۵۲، ۰۱۵۹، ۰۱۷۰
 ۰۱۸۹، ۰۲۰۱، ۰۲۱۱، ۰۲۱۳، ۰۲۷۳، ۰۲۹۸
 ۰۳۰۷، ۰۳۴۰، ۰۴۷۰، ۰۴۹۰، ۰۵۰۱، ۰۵۸۷
 ۰۵۸۹، ۰۵۹۲، ۰۵۹۳، ۰۶۳۷، ۰۶۶۶، ۰۷۲۴
 ۰۷۷۹، ۰۹۴۵، ۰۱۲۳۱، ۰۱۴۱۵، ۰۱۴۱۶
 ۰۱۴۱۸، ۰۱۴۷۱، ۰۱۴۷۴، ۰۱۴۹۱، ۰۱۴۹۴
 ۰۱۵۱۱، ۰۱۵۱۲، ۰۱۵۱۳، ۰۱۵۱۵، ۰۱۵۳۵
 ۰۱۵۷۸، ۰۱۵۸۱، ۰۱۶۵۷، ۰۱۶۷۴، ۰۱۶۸۱
 ۱۷۲۹
 علی بن جمشید نوری: ۳۲۲
 علی بن حسن زواری: ۰۲۵۲، ۰۲۵۳، ۰۲۶۱
 ۰۱۴۶۵، ۰۱۵۷۹، ۰۱۶۲۳، ۱۶۷۶
 علی بن حسین: ۲۴۸

۱۳۲۷، ۱۳۳۴-۱۳۵۱، ۱۳۵۳
 عظیمای اکسیر: رش به محمد عظیم بن
 محمد جعفر اکسیر
 عظیم الملک ۱۵۳۷
 عقیق الدین بن نورالدین کاشانی: ۱۵۸۰
 عقل حادی عشر: رش به خواجه نصیرالدین
 طوسی
 عقیل کوثری: ۰۴۹۳، ۰۵۹۷
 علامه جلال الدین دوانی: رش به جلال الدین
 دوانی
 علاء الدوله حسین بن میرزا رفیع الدین محمد:
 ۱۴۹۶
 علامه حسینی: ۰۱۲۷، ۰۲۶۶، ۰۲۶۷، ۰۲۶۸
 ۰۲۷۱، ۲۷۲
 علاء الدوله اسماعیلی: ۱۶۷۲، ۱۶۷۷
 علاء الدوله بن یحیی قزوینی: ۵۸۱
 علاء الدوله حسین: رش به خلیفه سلطان
 علاء الدوله تبریزی: ۳۵۸
 علاء الدوله سمنانی: ۸۴۰
 علاء الدوله فوشچی: رش به علاء الدوله علی بن
 محمد فوشچی
 علاء الدوله علی بن محمد فوشچی: ۲۷۱
 علاء الدوله کامی: ۱۶۳۴، ۱۶۳۵
 علاء الدوله لاری: ۱۶۶۴
 علاء الدین نکش: ۱۷۲۴
 علاء الدین همایونشاه بهمنی: ۴۴۶
 علاء الملک محمد علی: ۲۷۳
 علائی بن محبی واعظ شیرازی: ۲۲۳
 علامی: رش به ابوالفضل علامی
 علامی شیخ بهاء الدین محمد: ۱۰۳۲

- علی بن حسین عبدالعالی کرکی: رش به شیخ
 علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی
 علی بن طاوس: ۳۳۷
 علی بن طیفور بسطامی: ۱۴۹۲
 علی بن عبدالعالی: رش به شیخ علی بن حسین
 بن عبدالعالی کرکی
 علی بن عبدا... بن محمد حسینی: ۱۷۰۵
 علی بن محمد: ۱۷۲۹
 علی بن موسی جعفر: ۹۴۷
 علی بن موسی الرضا: ۱۳۳۶، ۷۱۸
 علی بیگ: ۵۳
 علی تبریزی: رش به میرسد علی تبریزی
 علی خان زنگنه: ۹۱، ۲۶
 علیرضای اردکانی شیرازی: ۳۱۷، ۱۷۳
 ۳۱۸
 علیرضای خوشنویس: ۵۰۲
 علی شاه: ۱۸۰۸
 علی شکریک بهارلو: ۴۶۹
 علی شیر قانع تنوی: ۶۰۰
 علی طائری: ۱۴۹۹
 علیقلی: ۲۷۷
 علیقلی خان ازبک: ۱۶۶۴
 علیقلی خان شاملو: ۷۰۲، ۱۰۷، ۱۹۵، ۲۱
 ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۵۶، ۸۷۳، ۱۰۲۵، ۱۳۰۷
 ۱۴۱۸
 علیقلی خان ظفرچنگ داغستانی: ۱۴۱۸
 علیقلی خان واله داغستانی: رش به واله
 داغستانی
 علی عادلشاه: ۱۵۲۴، ۸۱۵
 علی عبرتی عظیم آبادی: ۱۰۵۶
- علی عظیم: ۱۳۴۲
 علی کر: ۳۹۹
 علی نقی خان کمره‌بسی: ۱۰۱۷، ۴۰۷-
 ۱۷۱۵، ۱۷۱۴، ۱۷۱۳، ۱۰۲۴
 علی نقی قمی: ۵۱۲
 علی نقی منزوی: ۲۹۷، ۴۰۰، ۴۱۷
 ۱۷۷۱، ۱۷۵۰، ۱۵۱۶
 علی نوروز خان: ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۸۰۵
 ۱۸۰۶
 علی مردانشاه: ۵۷۷
 علی الواعظ البیرجندی: ۱۵۷۹
 عمادالدین محمود: ۴۴۶
 عمادالدین محمود بن محمود طیب
 شیرازی: رش به عماد طیب
 عمادالدین عبدا... بغدادی: ۳۴۶
 عمادالدین بن کثیر: ۱۶۶۶
 عمادالدین یحیی بن احمد کاشی: ۲۹۱
 عماد طیب: ۳۶۲
 عمادالملک فیروزچنگ: ۱۴۱۸، ۱۶۵۹
 عمادی شهریاری: ۹۸۰، ۹۸۲
 عمارین یاسر: ۱۵۱۵
 عمر بن جریر طبری: ۱۶۶۶
 عمر بن خطاب: ۹۶، ۱۶۸، ۲۱۱، ۵۸۸
 ۱۲۵۲
 عمر بن حمزه بن عبدالمطلب: ۵۸۶
 عمق بخاری: ۳۹۰
 عوفی: ۱۵۲۳، ۱۶۵۲، ۱۶۶۷، ۱۷۲۸
 ۱۷۹۵

ف

فارابی: ۲۸۴، ۲۹۴، ۳۰۳، ۳۰۸، ۳۴۳، ۴۰۸، ۳۹۰
 فارابی کابلی: ۴۵۸
 فاضل ابهری: ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۱۰، ۱۵۷۹، ۱۶۱۷، ۱۶۱۶
 فاضل جواد: ۲۵۰
 فاضل خان: ۱۳۵۴
 فاضل خان تونی: ۱۲۴۵
 فاضل خنجی: رش به فضل... بین روزبهان
 فاضل هندی: رش به بیه‌الدین محمد اصفهانی
 فاطمة الزهراء: ۲۵۸، ۱۵۸۱
 فانی کشمیری: ۴۸، ۵۱۴، ۵۲۴، ۱۲۸۵-
 ۱۴۸۰، ۱۲۸۸
 فتحعلی بن کلینبی میانلو: ۳۹۴
 فتحعلی خان اعتمادالدوله: ۳۰، ۳۶، ۱۷۹۸
 فتحعلی خان قاجار: ۳۲، ۳۹، ۴۲، ۱۵۶، ۱۸۱۰، ۱۸۰۶
 فخرالدین اسمدگرگانی: ۷۶۸
 فخرالدین بن محمد نجفی: ۲۵۴
 فخرالدین ترکستانی: ۱۵۱۳
 فخرالدین حسن: ۳۷۶، ۳۷۷
 فخرالدین داود بناکتی: ۱۷۹۵
 فخرالدین ساکی: ۸۱۹، ۱۱۱۹
 فخرالدین طریحی نجفی: ۴۱۰
 فخرالدین عراقی همدانی: ۶۱۰، ۶۲۰
 فخرالدین علی صفی: ۵۹۷، ۱۵۵۰

غیاث‌الدین محمد تهرانی: ۴۶۰، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۲، ۱۰۹۸، ۱۱۰۱، ۱۱۰۳
 غیاث‌الدین محمد اعتمادالدوله: ۱۶۸۸
 غیاث‌الدین محمد رازی تهرانی: ۹۹۰، ۹۹۴، ۱۰۵۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۳
 غیاث‌الدین محمد میرمیران: ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۹۳، ۹۷۸، ۱۳۱۴
 غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی: ۱۱۸، ۱۴۹، ۱۶۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۷۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۹، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۴۷، ۳۵۸، ۴۱۰، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۵، ۶۹۴، ۷۱۸، ۷۱۸، ۱۰۷۶، ۱۴۷۲، ۱۴۸۶، ۱۵۹۲، ۱۶۶۴
 غیاثی حلویی: رش به غیاثی شیرازی
 غیاثی شیرازی: ۱۰۸۷-۹۰: ۱
 غیاثی منصف: رش به منصف اصفهانی
 غیاث بزاز: رش به خواجه غیاث‌الدین محمد مشهدی شابی
 غیاث‌الدین خواندمیر: ۶۸۱
 غیاث‌الدین علی اصفهانی: رش به منصف اصفهانی
 غیاث‌الدین علی ابگی: ۹۹۲
 غیرنی شیرازی: ۴۵۷، ۵۱۵، ۸۰۱
 غیوریگ شیرازی: ۴۷۵
 غیوری حصار: ۴۵۸

- فخرالدین محمد خان: ۵۹۰
 فخر داعی: ۱۰۵۶، ۰۸۴۲، ۰۸۳۹، ۰۷۹۹
 فخرالزمان عبدالنبی بن خلف تبریزی: رش به
 عبدالنبی فخرالزمانی
 فخرالزمانی فروینی: رش به عبدالنبی فخرالزمانی
 فخرالمحققین حلی: ۲۷۴، ۰۱۲۷
 فخر رازی: ۳۰۸
 فخر مدبر: ۳۶۵
 فخری هروی: ۰۶، ۰۵۱، ۰۵۰۷، ۰۵۱۰، ۰۱۴۸۸، ۰۱۵۹۰، ۰۱۶۴۳-۰۱۶۴۵، ۰۱۶۵۴
 فدایی: رش به قوام‌الدین فروینی
 آصفخان
 فدایی شیرازی: ۶۴۱-۶۴۳
 فرانکلین: ۱۵۴۱
 فرخ‌بیار شروانشاه: ۱۵۱
 فرخی: ۰۵۲۲، ۰۹۹۵
 فرخ سیر: ۰۴۹، ۰۱۲۴۴، ۰۱۳۷۳، ۰۱۳۸۹
 ۰۱۳۹۰، ۰۱۳۹۴، ۰۱۵۵۸، ۰۱۵۷۲
 فردوسی: ۰۱۸۹، ۰۳۶۹، ۰۴۹۷، ۰۵۲۲، ۰۵۴۹
 ۰۵۶۲، ۰۵۹۲، ۰۶۱۵، ۰۷۲۲، ۰۷۸۱، ۰۱۰۹۳
 ۰۱۴۹۳، ۰۱۵۹۳، ۱۷۰۷
 فردیناند: ۶۹
 فرخ‌شاه: ۰۱۵۲۸، ۰۱۵۲۹
 فرخزاد: ۱۵۳۰
 فرشته: رش به محمدقاسم فرشته
 فرصت‌الدوله شیرازی: ۰۲۳۸، ۲۹۹
 فرفوربوس: ۳۳۸
 فرقتی جوشقانی: ۰۱۲۴، ۰۸۶۹، ۰۹۵۷-۰۹۶۵
 فرنگیس: ۱۵۳
 فرهاد: ۰۶۵۳، ۰۶۷۶
 فرهاد پاشا: ۱۹
 فرهاد خان: ۱۱۱۱
 فرهاد میرزای قاجار: ۲۳۸
 فریبی: رش به شاپور تهرانی
 فریدالدین مسمود گنج شکر دهلوی: ۰۸۴۵، ۱۶۲۰
 فریدون: ۰۱۵۱، ۰۵۹۲، ۰۶۶۷، ۰۱۶۵۰، ۱۷۳۴
 فریدون بیگ: رش به فریدون بیگ مشی
 فریدون بیگ مشی: ۰۷۱، ۱۶۳
 فریدون محمد: ۱۶۲۲
 فسونی شیرازی: ۰۴۵۸، ۰۶۰۸
 فصیحی: ۰۵۰۳، ۰۵۱۷، ۰۶۲۰
 فصیح محمد: ۴۱۲
 فصیحی هروی: ۰۹۶۰، ۰۱۱۱۲، ۰۱۱۲۶-
 ۰۱۱۳۴، ۰۱۱۳۵، ۰۱۲۱۳، ۰۱۲۱۴، ۰۱۲۶۶
 ۱۳۴۸
 فضل بن ربیع: ۱۵۳۸
 فضل... جمالی دهلوی: ۴۸۵
 فضل... خنجی: رش به فضل... بن
 روزبهان خنجی
 فضل... بن اسد... حسینی سمنانی: ۱۵۸۳
 فضل... بن روزبهان خنجی اصفهانی: ۰۵۱
 ۰۱۴۶، ۰۱۴۷، ۰۱۶۱، ۰۲۷۲، ۰۱۴۴۱، ۰۱۴۸۵
 فضل بن شادان نیشابوری: ۱۴۷۱
 فضولی بغدادی: ۰۸۷، ۰۱۲۵، ۰۴۲۵، ۰۶۲۶
 ۰۶۷۴-۰۶۷۹
 فطرت: ۵۶۸

فیضی اصفهانی: ۵۱۸، ۵۲۱، ۸۴۳	فغانی: رش به بابافغانی
فیضی اکبرآبادی: ۵۱۸، ۵۲۳، ۶۰۶	فغفور: ۱۵۲۰
فیضی تربتی: ۵۱۸، ۸۴۳	فغفور لاهیجانی: ۴۷۴، ۵۰۵، ۵۱۷، ۶۲۰
فیضی دکنی: رش به فیضی فیاضی	فقیرا... لاهوری: رش به آفرین لاهوری
فیضی سرهندی: ۵۱۸	فقیر دهلوی: ۴۸۵، ۱۳۴۳، ۱۳۱۷
فیضی فیاضی: ۴۸، ۲۵۲، ۴۵۷، ۴۵۹	۱۷۹۹، ۱۷۹۷، ۱۳۲۰
۴۶۷، ۴۸۵، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵	فکرت: رش به میرعبدالرزاق خوانی
۵۲۶، ۵۲۷، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۵۱، ۵۹۶	فکری مشهدی: ۴۵۸
۵۹۹، ۶۱۳، ۶۲۷، ۷۰۳، ۷۵۶، ۸۰۲	فن هامر: ۱۶۶
۸۰۴، ۸۰۵، ۸۳۸-۸۵۷، ۹۰۱، ۹۲۹	فقیه کاظمی: رش به قاسم بن محمد
۹۵۲، ۹۷۹، ۹۸۵، ۱۰۶۴، ۱۵۴۵	فلوطین: رش به فلوطینس
۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹	فلوطینس: ۳۳۸
فیض کاشانی: رش به ملامحسن فیض	فنائی: ۵۸۲
کاشانی	فنائی جفتایی: ۵۸۲
	فنائی مشهدی: ۵۸۲
	فوجی نیشابوری: ۱۲۴۶-۱۲۵۱، ۱۳۵۱
	۱۳۵۳

ق

قابوس وشمگیر: ۱۶۵۷	قهی رازی: ۴۵۷، ۵۲۵
قارون: ۷۱۷	قهی قزوینی: رش به شاه قاسم قهی قزوینی
قاری: ۹۳۳	قیاض لاهیجی: ۱۲۳۰-۱۲۳۴
قاسم اردستانی: ۵۲۸، ۷۴۱-۷۴۶	قیاض: رش به ملا عبدالرزاق قیاض لاهیجی
قاسم ارسلان مشهدی ۴۵۸	قسی
قاسم انوار: ۱۷۴۷	قیثاغورث: ۱۴۹۴، ۱۵۸۷
قاسم برید: ۱۶۵۹	قیروزبخت: ۱۵۲۲
قاسم بن محمد: ۲۶۱	قیروزبن بزدجرد: ۱۶۴۹
قاسم بیگ بن جهانگیر بیگ بن علی بیگ: ۶۵	قیروزآبادی: ۴۰۹، ۴۱۰
قاسم بیگ تبریزی: ۴۶۰	قیروز شاه بن ملک داراب: ۱۵۰۳، ۱۵۰۶
قاسم بیگ نامی: ۶۶۵	۱۵۲۴، ۱۵۲۵
قاسم بیگ هجری شمشیرگرفتمی: رش به هجری	قیروز: ۱۵۲۰، ۱۵۲۸، ۱۵۳۷
قسی	

- قاسم خان جوینی: ۱۷۵۲، ۱۵۵۸
- قاسم دیوانه: ۱۵۳۷، ۱۶۵۸
- قاسم شاه: ۶۶۳
- قاسم قانونی: ۸۴
- قاسم کاشی: ۰۶۲۶، ۰۶۰۸، ۰۴۵۷، ۰۴۵۴
- ۶۲۷
- قاسم لاهوری: ۱۵۸۲، ۰۲۷۶
- قاسم مشدی: ۱۱۶۷-۱۱۷۰
- قاسمی گنابادی: ۰۵۹۳، ۰۵۷۵، ۰۴۹۶، ۰۴۲۵
- ۰۵۹۵، ۰۶۱۳، ۰۶۱۷، ۰۷۱۷-۰۷۲۹، ۰۷۳۵
- قاسمی مازندرانی: ۴۵۸
- قاسمی ابوالولید محمد بن رشد المالکی: رش به
ابن رشد
- قاسمی احمد غفاری: ۰۱۵۵۵، ۰۱۵۵۰
- ۱۶۱۲-۱۶۱۶، ۰۱۶۱۸، ۰۱۶۸۰، ۱۷۲۸
- قاسمی احمد قمی: ۰۱۵۶۱، ۰۶۸۵، ۰۶۸۴
- ۰۱۵۶۵، ۰۱۵۹۰، ۰۱۶۶۵، ۱۶۷۷-۰۱۶۸۱
- ۱۷۴۳
- قاسمی اختیارالدین حسن بن غیاث‌الدین حسینی
زواره‌یی: ۱۶۰۷-۱۶۱۱
- قاسمی بیضاوی: ۰۱۶۶۷، ۰۳۰۵، ۰۲۹۸، ۰۲۴۷
- ۱۶۶۸
- قاسمی جهان: ۰۶۸۱، ۰۶۸۰، ۰۶۷۹، ۰۶۱۴
- ۰۶۸۲، ۰۶۸۳، ۱۶۳۰
- قاسمی دلوری: ۵۸
- قاسمی روح... قزوینی: ۶۸۲
- قاسمی زاده: ۳۴۴، ۳۴۳
- قاسمی زاده رومی: رش به میرم جللی
- قاسمی زکریا بن محمد انصاری: ۲۴۷
- قاسمی سعید قمی: ۰۳۳۶، ۰۲۹۶، ۰۲۸۱، ۰۲۴۵
- ۳۴۰، ۳۴۱
- قاسمی سیب‌الله حسینی قزوینی: ۶۸۰
- قاسمی صالح قره‌باغی شروانی: ۲۴۷
- قاسمی ضیاء‌الدین نورالدین سید شریف بن سید
جمال‌الدین نورالدین شمس‌الدین محمد شاه
حسینی مرعشی: رش به قاسمی نورالله شوشتری
- قاسمی عسکر: ۰۸۱۸، ۰۸۱۹
- قاسمی عضد‌الدین ایچی: ۲۹۰
- قاسمی علاء‌الدین عبدالخالق قاسمی زاده
کهرودی: ۲۷۱
- قاسمی کمال‌الدین میرحسین بن معین‌الدین
حسینی میدی: رش به قاسمی میرحسین میدی
- قاسمی محمد: ۰۱۶۱۳، ۰۲۲۴، ۰۶۵
- قاسمی محمد کاشانی: ۶۸۱
- قاسمی مسافر: ۱۸۵
- قاسمی معزالدین: ۸۱۸
- قاسمی میرحسین میدی: ۰۱۶۱، ۰۲۹۰، ۰۲۹۷
- ۰۲۹۹، ۰۱۶۳۰، ۱۶۶۷
- قاسمی نورا... شوشتری: ۰۱۶۲، ۰۱۹۴، ۰۲۷۰
- ۰۲۷۲، ۰۲۷۳، ۰۲۸۰، ۰۲۹۹، ۰۴۱۵، ۰۶۳۷
- ۰۶۶۲، ۰۶۶۴، ۰۱۵۱۶، ۰۱۵۱۸، ۰۱۵۷۹
- ۰۱۵۹۳، ۱۷۰۵-۰۱۷۰۸، ۱۷۹۲
- قاسمی نورالدین محمد اصفهانی: رش به نوری
اصفهانی
- قاسمی هندی: ۲۳۷
- قائل: رش به تقی‌الدین محمد اوحدی بلیانی
- قائم آل محمد: رش به امام زمان
- قیاد: ۰۱۹۰، ۰۱۴۹۴، ۰۱۵۳۳، ۱۷۳۳
- قبیاق خان خواجملی بیگ بلخی: ۰۱۵۵۷

- ۱۷۳۵، ۱۷۳۳ قطب‌الدین بختیار کاکلی: ۱۷۵۶، ۱۶۲۰
- قطب‌الدین بغدادی: ۴۳۴
- قطب‌الدین خان غزنوی: ۷۳۱
- قطب‌الدین شیرازی: ۳۲۲
- قطب‌الدین شاه‌لعل قطبی: ۴۰۳
- قطب‌الدین عبداللہ بن محیی: ۱۵۹۵، ۱۶۱۱-
۱۶۱۲
- قطب‌الدین محمد بن محمد بروسی رازی:
۱۶۳۲
- قطب‌الدین محمد تبریزی: ۲۸۲
- قطب‌الدین محمد ثالث: ۱۷۲۳
- قطب‌الملک: ۱۶۵۹
- قطران تبریزی: ۳۶۸
- قلی بیگ: ۵۳
- قلی میلی: ۵۲۸، ۵۳۲
- قلیج خان: ۷۰۶، ۱۰۵۹
- قلی خان: ۱۵۸
- قمرچهره: ۱۵۲۰
- قوام‌الدین رازی: ۲۹۲
- قوام‌الدین عبدا... رش به کامل جهرمی
- قوام‌الدین میرزا قوام‌الدین جعفرین بدیع‌الزمان
- بن آقا ملای دوانداری قزوینی: رش به
- میرزا جعفر بیگ آصفخان
- قوام‌الدین قزوینی ۳۱۰، ۴۵۷
- ۴۶۰، ۴۸۳، ۴۹۲، ۵۱۵، ۵۴۹، ۵۵۶، ۵۹۶
- قوسی تبریزی: ۵۱۸
- قوسی شوشتری: ۵۱۸
- قوشچی: ۳۰۵، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۷، ۳۴۴
- قیدی شیرازی: ۴۵۷، ۵۱۵، ۸۰۱
- قصر روحی: ۷۱
- ۴۷۱، ۳۸۹، ۳۲۶ قیچاق خان امامقلی بیگ:
- قدرت‌آله... گوپاسوی هندی: ۶۴۲، ۶۳۷
- ۷۳۰، ۷۷۷، ۷۸۰، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۶۰
- ۹۰۴، ۹۷۳، ۹۷۷، ۱۱۰۱، ۱۱۲۸
- ۱۲۳۱، ۱۳۵۹، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۹۸
- ۱۶۱۲، ۱۶۱۹، ۱۶۶۰، ۱۷۹۹
- قدرتی اصفهانی: ۵۱۳
- قدری شیرازی: ۵۰۳، ۵۱۵، ۵۷۹، ۵۸۱
- ۸۰۱
- قدسی کربلایی: ۴۵۸
- قدسی مشهدی: ۴۹۰، ۴۹۱، ۵۱۷، ۵۱۸
- ۵۱۹، ۵۲۱، ۱۱۴۷-، ۱۱۵۸، ۱۱۶۱
- ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۸۵، ۱۲۴۳
- ۱۲۶۱، ۱۲۶۳، ۱۳۷۳، ۱۷۷۱
- قدوسی: رش به سعدالدین احمد
- قراری گیلانی: ۲۰۴، ۴۵۷، ۸۲۴-۸۲۷
- قرايوسف ترکمان: ۱۵۵۴
- قریبی: ۴۵۸
- قرلباش: رش به آقا رضا امیدی
- قرلباش خان: رش به امید همدانی
- قسمت: رش به علی نقی قمی
- قصاب: ۵۸
- قسطنین لوقا البعلبکی: ۳۱۴
- قطب: رش به قطب‌الدین
- قطب‌الدین: ۱۱۹۴
- قطب‌الدین بختیار اوشی: ۱۵۸۴، ۱۶۲۰

ک

- ک.ر. اشرفیان: ۱۸۰۵
- کابل: رش به زمانه بیگ مهابتخان خانخانان
- کاتب چلبی: رش به حاج خلیفه
- کاتبی: ۵۵۱
- کاتبی نیشابوری: ۱۶۲۱
- کاردینال بلارمن: ۲۷۶
- کاشف: ۱۷۶۲
- کاشفی سبزواری: ۹۷۰
- کام بخش: ۴۹
- کامران میرزا: ۱۶۶۱
- کامروپ: ۱۵۴۰، ۱۵۴۱
- کام لئا: ۱۵۴۰، ۱۵۴۱
- کامل جهرمی: ۴۷۴، ۶۲۰، ۱۰۰۰-۱۰۰۳
- کامی: رش به فرقتی جوشقانی
- کامی: رش به میرزا علاءالدوله قزوینی
- کامی سبزواری: ۴۵۷، ۵۸۱، ۶۰۸
- کاووس: ۱۸۹
- کاهی کابلی: ۷۵۵-۷۶۰
- کبیثان تمر: ۵۸۰
- کرامت نژاد: لقب شاه اسماعیل صفوی
- کرکی: رش به سیدحسن بن سیدجعفر عاملی
- کرکی
- کروسینسکی: ۲۷، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۲
- کریم: ۵۱۴، ۱۲۴۶
- کریمخان زند: ۱۷۷
- کریم دشت بیاضی کوهستانی: ۴۱۲
- کسایی مروزی: ۵۶۲
- کسروی: رش به احمد کسروی
- کسری: ۱۹۰، ۱۷۲۳
- کشی: ۴۱۷
- کشنداسی باسدیو لاهوری: ۱۵۳۹
- کفایت خان: ۵۹۰
- کفری: ۴۷۴
- کلامی: ۴۷۹
- کلان غوریانی: رش به خواجه کلان غوریانی
- کلبر: ۵۵
- کلیم کاشانی: ۱۱۴، ۱۲۶، ۱۹۹، ۴۶۱، ۴۸۹، ۴۹۴، ۴۹۵، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۳۲، ۵۳۸، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۸، ۶۰۴، ۶۳۰، ۹۵۱، ۹۶۸، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۷۰-۱۱۸۱، ۱۲۱۳، ۱۲۴۳، ۱۲۶۳، ۱۳۵۴، ۱۳۷۳، ۱۳۹۴، ۱۷۷۰
- کمال پاشازاده: ۱۴۹۷، ۱۵۵۰، ۱۶۱۵
- ۱۶۱۷، ۱۶۱۹
- کمال الدین: ۳۸۸
- کمال الدین اسماعیل: ۵۲۳، ۵۴۹
- کمال الدین اصفهانی: ۱۱۷۱
- کمال الدین افضل بن یحیی گیلانی: رش به
- کمال الدین گیلانی
- کمال الدین: ۱۵۶۶
- کمال الدین حسین بن علی کاشفی سبزواری:

- ۱۶۵۱، ۱۴۸۰
 کیخسرو اسفندیار: ۱۴۸۰
 کیومرث: ۱۵۱۱، ۱۵۱۹، ۱۵۵۲، ۱۵۵۴
 ۱۷۲۹، ۱۶۸۴، ۱۵۶۱، ۱۵۶۰
 کیکاوس بن وشمگیر: ۱۷۹۵
- گ**
- گارسن دوناسی: ۱۳۸۹، ۱۵۲۸، ۶۰۲
 گبستک الکسندر ارومیک: رش به الکسندر
 خان
 گرامی کشمیری: ۱۴۸۵، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴
 ۱۴۱۱، ۱۴۰۹، ۱۵۳۴
 گورد هرداس: ۱۵۴۷
 گرشاسف: ۱۷۲۳
 گرگین خان: ۲۸، ۲۹، ۳۰
 گریگوری بازدم: رش به گرگین خان
 گشتاسب: ۱۵۸۷
 گل اندام: ۱۵۳۷
 گلبدن بیگم: ۱۴، ۱۶، ۱۷۵۲
 گل: ۱۵۲۳
 گلرخ: رش به سکندر شاه لودی
- رش به کمال‌الدین حسین کاشفی
 کمال‌الدین حسین کاشفی: ۸۷
 کمال‌الدین حسین بن خواجه شرف‌الدین
 عبدالحق اردبیلی: ۱۴۷۲
 کمال‌الدین چلبی بیگ: ۶۰۸
 کمال‌الدین سعابی استرآبادی: رش به سعابی
 استرآبادی
 کمال‌الدین شاه‌حسین اصفهانی: ۳۷۵
 کمال‌الدین شیرازی: ۵۰۵
 کمال‌الدین گیلانی: ۳۶۲
 کمال‌الدین محمد بدخشی: ۳۹۸، ۴۰۰
 کمال‌الدین محمد: ۲۸۸
 کمال‌الدین محمد بن موسی بن عیسی‌الدمیری:
 رش به کمال‌الدین محمد الدمیری
 کمال‌الدین محمد الدمیری: ۱۴۹۹، ۱۶۴۳
 کمال‌الدین مسعود شروانی رومی: ۱۹۱
 کمال سبزواری: ۵۸۲، ۵۸۳، ۶۰۸
 کمفر: ۱۱۵
 کوچکنوجی خان: رش به ابوالمنصور
 کوچکونجی خان ازبک
 کوچوم خان: رش به ابوالمنصور کوچکونجی
 خان ازبک
 کوثری همدانی: ۸۷۶-۸۸۱
 کورسلیمان فورجی: ۱۵۵، ۱۵۶
 کوهی همدانی: ۷۶۱
 کیا احمد سلطان گیلانی: ۴۶۶، ۵۰۳، ۵۰۴
 کیا حسین چلاوی: ۹۷
 کیاشاه: ۶۶۳
 کیانی چارج: ۱۵۴۰
 کیخسرو: ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۹، ۶۶۷

ل

ماجدین محمد صادقی بحرانی: ۳۳۵، ۳۳۰	
مادهوراس: ۱۵۴۴	
مارکوپولو: ۱۲۲	لا: ۳۷۱
مازور ژنرال: ۱۷۱۰	لاکهارت: ۱۸۰۶
مالک اشتر: ۱۴۹۶، ۱۴۷۱	لال شیورام داس جیا اکبرآبادی: ۴۸۶
مالک دیلمی قزوینی: ۱۶۷۱	لاهوری: رش به محمد صالح کنو لاهوری
مانی: ۱۵۳۳	لاهیجانی: ۴۸۲
ماهر اکبرآبادی: ۵۱۴	لسان...: رش به ملا شاه بدخشانی
ماهیار نوایی: ۴۳۰، ۴۳۱	لسان الغیب: رش به لسانی شیرازی
ماه: ۱۵۲۳	لسانی شیرازی: ۵۵۲، ۵۲۶، ۵۲۵، ۴۹۰
مبارزخان: ۱۴۱۵	۶۰۶، ۶۲۲، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۲، ۶۳۶
مبارک فیض الله: ۱۴۹۰	۶۴۱، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۹۶، ۷۳۵، ۷۳۶
متبر اداس کنبوه مولتانی: ۴۰۷	۱۷۰۷، ۱۷۷۹
مجازی: ۶۸۴	لطف...: ۱۵۹۶، ۸۲۴
مجاهدالدین خوانساری: ۷۹۳	لطف...: ۴۶۸
مجتبی مینوی: ۱۴۹۳، ۱۷۵۹	لطف...: ۱۹۱
مجدالدین حسینی: ۱۴۸۷، ۱۷۲۷، ۱۷۳۶	لطف...: بن استاد احمد لاهوری: ۳۵۳
مجدالدین فیروزآبادی: ۱۶۶۶	لطف...: بن عبدالکریم عاملی: رش به شیخ
مجدالملک: ۱۵۳۴	لطف...: بن عبدالکریم عاملی
مجدوب تیریزی: ۱۳۱۶، ۱۳۲۰	لطفعلی خان داغستانی: ۲۹، ۳۰، ۳۶
مجلسی: رش به محمدباقر مجلسی	۱۷۹۸
مجلسی: رش به محمدتقی مجلسی	لطفعلی بیگ افشار: ۱۲۵
محب: رش به محمدقلی خان	لقمان حکیم: ۱۴۹۴، ۱۵۲۳، ۱۶۸۴
محب...: اله آبادی: ۴۸۴، ۱۲۸۶	لورنس لاکهارت: ۷، ۸، ۷۹، ۱۰۵، ۱۱۲
محب...: مستوفی: ۲۳۸	۱۱۶
محب علی خان: ۳۶۶، ۴۷۴	لونگین: ۳۳۸
مجلسی: رش به سلطان سلیمان خان قانونی	
محترم: رش به هاشم قصه خوان	
محتشم کاشانی: ۵۲۳، ۵۲۲، ۵۲۱، ۸۸	

م

مأمون عباسی: ۱۴۹۳، ۱۴۹۴

رش به محمدابراهیم نصیری	۵۵۲ ۵۵۱ ۵۳۰ ۵۲۹ ۵۲۸ ۵۲۵
محمدابن محمدبن مرتضی: ۲۶۰	۶۲۸ ۶۲۷ ۶۲۴ ۶۲۳ ۶۰۸ ۶۰۶
محمداسماعیل بن محمدحسین مازندرانی:	۷۹۹ - ۷۹۲ ۷۶۵ ۶۹۵ ۶۳۹ ۶۲۹
۳۰۸ ۲۱۸	۱۰۱۸ ۸۸۸ ۸۸۷ ۸۸۴ ۸۶۹ ۸۲۸
محمداسماعیل خان سامی: ۱۵۴۹	۱۷۱۵ ۱۷۱۳ ۱۳۹۴ ۱۲۳۱ ۱۰۷۸
محمداسماعیل خواجویی مازندرانی: رش به	محتشم السلطه اسفندیاری: ۳۸۳
محمداسماعیل بن محمدحسین مازندرانی	محدث عاملی: ۲۶۵
محمداسماعیل اصفهانی: رش به ملا اسماعیل	محسن فانی کشمیری: ۴۸۴
اصفهانی	محقق ثانی: رش به شیخ علی بن حسین بن
محمداسماعیل منصف نهرانی: ۱۷۶۲ ۸۶۶	عبدالمالی کرکی
۱۷۶۳	محقق حلی: ۲۶۶ ۱۲۷
محمدشرف بن حبیب... طباطبایی: ۳۵۱	محقق خوانساری: رش به آقا حسین
محمدشرف بن عبدالحبیب عاملی: ۲۷۳	خوانساری
محمداعظم شاه اورنگ زیب: ۱۳۴۱	محقق سبزواری: ۱۴۷۳ ۱۸۶
۱۵۱۵ ۱۴۱۲ ۱۳۹۴ ۱۳۶۳	محقق شروانی میرزا محمدبن حسن: ۲۸۷
محمدافضل ثابت اله آبادی: ۴۸۶	محقق قمی: رش به محمد طاهر بن محمدحسین
محمدافضل سرخوش: رش به سرخوش	قمی
محمداکبر: رش به جلالالدین اکبر	محقق کرکی: رش به سیدحسن بن سیدجعفر
محمداکرم بن شیخ محمدعلی: ۱۵۸۵	عاملی کرکی
محمداکرم: رش به غنیمت پنجابی	محمد - مؤلف لعل قطبی: ۴۰۳
محمدامین بن ابوالحسن قزوینی: رش به میرزا	محمد: ۶۶۳
امینا	محمد: ۱۵۵۳
محمدامین رازی: رش به امین احمد رازی	محمد: ۱۵۳۸
محمدامین: رش به ابن صدرالدین شروانی	محمد اخباری: رش به میرزا محمد اخباری
محمدامین: ۲۶۵ ۲۶۴	محمد استرآبادی: ۴۱۸
محمدامین بن میرزا زمان خان بخاری: ۱۵۷۷	محمدابراهیم قزوینی: ۴۱۸
محمدامین عقیلی رستمدراری: ۱۶۷۹	محمد اول: ۱۶۵
محمد اورنگ زیب بهادر: رش به اورنگ	محمدابراهیم نصیری: ۱۷۸۷
زیب عالمگیر	محمدابراهیم بن زین العابدین مجلس نویسی:

- محمد بادل: ۵۹۱، ۵۸۹
 محمدباقر افسح: ۱۷۳۳
 محمدباقر بن عنایتا... تبریزی: ۱۵۵۷
 محمدباقر بن محمدحسین بن محمدباقر: ۳۴۹
 محمدباقر بن محمد مومن سبزواری: رش به ملا
 محمدباقر سبزواری
 محمدباقر حردده کاشی: ۶۱۷، ۴۷۴
 محمدباقر خوانساری: ۲۶۵، ۲۰۸، ۳۱، ۷
 ۳۵۴، ۳۳۹، ۳۱۹، ۲۸۰
 محمدباقر علمی کاشانی: ۹۶۱
 محمدباقر مجلسی: رش به ملا محمدباقر
 مجلسی
 محمدباقر موسوی خوانساری: رش به
 محمدباقر خوانساری
 محمدباقر میرزا: ۱۱۰، ۱۰۳، ۹۶، ۳۵
 محمدباقر نجم ثانی: ۱۴۸۹
 محمدباقر یزدی: ۳۵۰، ۳۴۸
 محمد بختاور خان: ۱۵۵۷
 محمد بدر خزانه بلخی: ۳۹۱، ۳۹۰، ۳۷۱
 محمد بشیرحسین: ۱۵۹۶
 محمد بن ابوبکر رازی: ۴۰۸
 محمد بن ابوطالب زاهدی گیلانی: ۳۶۵
 محمد بن ابی عبدالله نظام حسینی: ۱۷۹۵
 محمد بن احمد: ۱۰۴۱
 محمد بن اسحق: ۱۶۶۶، ۱۵۱۵
 محمد بن اسماعیل بخاری: ۱۶۶۶
 محمد بن اشرف حسینی رستمدری: ۱۴۹۹
 محمد بن ادريس شافعی: ۱۴۱
 محمد بن بدرالدین منشی: ۳۹۳۰
 محمد بن بدرالدین آق حصارى صاروخانی:
 رش به محمد بن بدرالدین منشی
 محمد بن حریر طبری: ۱۷۹۵
 محمد بن حاجی الیاس: ۳۹۶
 محمد بن حسن اصفهانی: ۲۶۸
 محمد بن حسن شروانی: ۴۱۵، ۴۰۹
 محمد بن حسن طبری: ۲۵۰
 محمد بن حسن علی: رش به حرالعالمی
 محمد حقیقه: ۱۵۱۳
 محمد بن زکریا رازی: ۳۵۹، ۳۰۱، ۲۳۰
 محمد بن سلطان حسین طوسی: ۴۰۰
 محمد بن سلیمان بغدادی: رش به فضولی
 بغدادی
 محمد بن صلاح لاری: ۲۹۱
 محمد بن عبدالصبور خوئی: ۳۹۴
 محمد بن عبدالفتاح تنکابنی: رش به محمد
 تنکابنی
 محمد بن عبدالکریم شهرستانی: ۱۴۷۹
 محمد بن عبدا...: ۷۱
 محمد بن علی بن زید ورامینی: ۱۶۲۵
 محمد بن علی استرآبادی: ۲۶۵، ۲۵۰
 محمد بن علی عاملی: ۲۶۷
 محمد بن علی نونداکی: ۴۰۰
 محمد بن قوام بن رستم بن احمد بن محمود بدر
 خزانه بلخی: رش به محمد بدر خزانه بلخی
 محمد بن لارا: ۳۷۴، ۳۷۱
 محمد بن محسن بن سمیع قاری: ۲۴۶
 محمد بن مرتضی: رش به ملامحسن فیض
 کاشانی
 محمد بن محمدزمان کاشانی: ۳۰۷
 محمد بن محمد عارف شیرازی: ۴۹۰

- محمد بن موسی خوارزمی: ۲۳۰
 محمد بن یعقوب کلینی: ۱۴۷۰، ۲۵۷
 محمد بن یوسف هروی: ۱۴۸۶، ۳۶۱
 محمد بیرام بدخشانی: ۱۶۶۹، ۴۵۴، ۴۵۲
 ۱۷۴۱، ۴۷۳، ۴۷۱
 محمد بیرامعلی: رش به محمد بیرام بدخشانی
 محمد بیگ بن ابوالفتح بیگ ترکمان: ۶۱۳
 محمد ثانی: ۱۶۰۵
 محمد بیگ رشکی همدانی: ۶۳۳
 محمد پاشا: ۲۴
 محمد تنکابنی: ۱۴۷۹، ۳۴۱
 محمد تقی بهار: ۱۷۲۳، ۱۶۹۸، ۱۶۲۴
 محمد تقی تاجرباشی: ۸۲
 محمد تقی دانش پژوه: ۱۴۲، ۲۰۷، ۲۸۳
 ۱۷۸۰، ۱۵۱۶، ۳۵۶، ۳۳۷، ۳۰۱
 محمد تقی حسینی: ۲۷۳
 محمد تقی فخر داعی گیلانی: ۱۷، ۷۹، ۱۱۴
 ۱۹۷
 محمد جان قدسی: ۴۶۰، ۵۱۷، ۵۱۹، ۶۲۰
 محمد جان مشهدی: ۵۷۸
 محمد جعفر بن عنایه الله شیرازی: ۸۳۹، ۸۴۹
 محمد جعفر بن محمد صادق لنگرودی: ۳۲۲
 محمد چنگی: ۸۴
 محمد حبیب: ... : ۴۰۹
 محمد حسن: ۱۵۵۹، ۱۵۸۱
 محمد حسن: رش به زلالی خوانساری
 محمد حسن خان: ۱۸۰۷
 محمد حسن دهلوی: ۶۱۵
 محمد حسین برهان: رش به محمد حسین بن
 خلف تبریزی
 محمد حسین بن خلف تبریزی: ۳۶۹، ۳۷۱
 ۳۸۸، ۳۸۶، ۳۸۴
 محمد حسین فاضل تونی: ۳۳۷
 محمد حسین بن میح کاشانی: ۱۱۹۷
 محمد حسین خاتون آبادی اصفهانی: ۱۴۶۸
 محمد حسین دیانت خان: ۱۰۵۹، ۱۰۶۲
 محمد حسین نورس دماوندی: رش به نورس
 دماوندی
 محمد خان: ۱۳۹۸
 محمد خان شیانی: ۱۶۰۹، ۱۷۲۴
 محمد خان شرف الدین اوغلی تکلو: ۱۴۸۷
 محمد خان شیانی: رش به شیک خان
 محمد خدابنده: رش به شاه محمد خدابنده
 محمد خورشید اصفهانی: ۰۸۴، ۱۵۰۳
 محمد خوئی: ۱۸۱۰
 محمد داراشکوه: رش به داراشکوه
 محمد رضا جلال نائینی: ۱۴۷۹، ۱۴۸۲
 ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۹
 محمد رضا: رش به نوعی خوشانی
 محمد رضا (مؤلف شرفنامه محمد شاه): ۵۸۳
 محمد رضا (مؤلف مکاشفات رضوی): ۲۲۳
 محمد رضا: رش به شکیبی اصفهانی
 محمد رضا بن محمد جان عرفان: ۵۷۷
 محمد رضا خوانساری: ۵۱۳
 محمد رضا نصیری طوسی: ۲۴۶
 محمد رضا همدانی: ۴۹۰
 محمد رضایی: ۶۰۱
 محمد رفیع واعظ قزوینی: رش به واعظ قزوینی

محمد زاهد: ۱۳۷۲	محمد شبیانی خان: رش به شیک خان
محمد زمان خان: ۱۳۳۰	محمد صادق: ۱۵۷۴، ۳۶۳
محمد زمان تبریزی: ۳۲۵	محمد صادق همدانی: ۱۷۴۵، ۱۷۴۶
محمد سربانی: ۸۴	محمد صادق کیا: ۱۴۸۳
محمد سعید: رش به سرمد کاشی	محمد صادق مشهدی: ۱۳۲۷
محمد سعید اشرف مازندرانی: ۱۴۶۳، ۱۵۱۴	محمد صالح یتکچی: ۱۰۲
۱۳۵۴، ۱۵۵۸، ۱۵۳۹	محمد صالح بحرانی: ۱۵۱۳
محمد سعید بن محمد مفید: رش به فاضی	محمد صالح روغسی قزوینی: ۱۴۵۳، ۱۴۶۹
سعید قمی	۱۴۷۰
محمد سعید خان بن حیدر سلطان ازبک	محمد صالح کشمی: ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۵۸۱
شبیانی صوبه دار خونپور: رش به بهادر خان	محمد صالح کنبوه لاهوری: ۰۶، ۴۹، ۲۰۰
محمد سلطان: ۵۰۳	۰۴۶۱، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۷۵
محمد سلطان تهنائیری: ۱۵۴۵	۰۱۲۳۴، ۱۴۴۹، ۱۴۵۵، ۱۵۷۴، ۱۵۹۷
محمد شاعر بلگرامی: ۴۸۶	۰۱۷۴۷، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰
محمد شاه: ۱۳۴۲، ۱۳۶۳، ۱۳۷۷، ۱۳۹۴	۰۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۵-۱۷۶۶
۱۷۹۸، ۱۵۵۸	محمد صالح مازندرانی: ۰۳۳۰، ۴۱۴، ۱۰۰۴۲
محمد شاه ثانی: ۳۶۴	۱۳۵۴
محمد شاه قاجار: ۲۰۱	محمد صدیق بهادر: ۱۱۴۷
محمد شاهی بیگ: ۱۵۸	محمد صوفی مازندرانی: ۴۹۴، ۴۵۷
محمد شریف: ۴۷۹	محمد طالبی: ۹۹
محمد شریف بن دوست محمد (معتمد خان): ۱۵۷۳	محمد طاهر: ۲۷۹
محمد شریف الدین یالتقیا: ۲۸۸، ۲۸۹	محمد طاهر: ۴۷۹، ۴۸۰
محمد شریف خان دهلوی: ۳۶۴	محمد طاهر آشنا: ۴۶۱، ۴۸۳، ۵۵۶، ۵۷۰
محمد شریف خان هجری تهرانی: ۷۳۶	۵۷۱
محمد شفیع: ۱۵۰۵، ۱۵۹۱، ۱۷۳۵	محمد طاهر اصفهانی: ۵۱۳
۱۵۹۱	محمد طاهر بن عمادالدین سیزواری: ۱۵۵۶
محمد شفیع تهرانی: ۰۷، ۱۳۰۲، ۱۴۹۵	محمد طاهر بن محمد حسین قمی: ۰۱۷۳، ۰۱۸۶
۱۵۰۵، ۱۵۷۵، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶	۰۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳
محمد شمس الدین: ۶۶۳	۰۲۱۶، ۲۳۲، ۲۸۲، ۳۰۸، ۳۲۱، ۳۳۳
	۱۴۷۴

- محمدطاهر بن محمدحسین نجفی: رش به
محمدطاهر بن محمدحسین
محمدطاهر سبزواری: ۱۷۰۲، ۱۷۰۳
محمدطاهر صف شکن خان: ۱۳۲۱
محمدطاهر غنی: ۴۸۴
محمدطاهر قمی: رش به محمدطاهر بن
محمدحسین قمی
محمدطاهر نصرآبادی: ۲۵، ۲۰۰، ۲۹۸
۳۱۱، ۳۴۱، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۹۹، ۴۰۳
۴۲۵، ۴۵۰، ۴۵۰۱، ۴۵۰۲، ۴۵۲۶، ۴۶۲۷، ۴۶۲۸
۴۸۸۶، ۴۸۷۷، ۴۸۷۸، ۴۸۹۳، ۴۹۱۸، ۴۹۲۳
۴۹۲۴، ۴۹۲۸، ۴۹۲۹، ۴۹۴۵، ۴۹۶۸، ۴۹۷۳
۱۰۱۳، ۱۰۲۶، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۵
۱۰۴۸، ۱۰۷۱، ۱۰۷۶، ۱۰۸۳، ۱۰۹۹
۱۱۱۲، ۱۱۲۲، ۱۱۲۹، ۱۱۳۱، ۱۱۳۵
۱۱۳۶، ۱۱۴۴، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۸۴
۱۱۹۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۸
۱۲۳۰، ۱۲۴۷، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۶۳
۱۲۶۴، ۱۲۶۹، ۱۲۷۸، ۱۲۸۹، ۱۳۱۶
۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۶۷، ۱۳۷۳، ۱۴۴۵
۱۵۶۸، ۱۵۹۰، ۱۷۳۳، ۱۷۴۰، ۱۷۵۱
۱۷۵۲، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۸
۱۷۸۴-۱۷۸۷، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲
محمدطاهر نقاش: ۵۱۲
محمدطاهر وحید قزوینی: رش به میرزا
محمدطاهر وحید قزوینی
محمدطاهر وزیرخان: ۵۹۰، ۵۹۱
محمدطاهر وصلی نهرانی: ۵۹۷
محمدظہیر مخمل باف: ۱۰۰۴
محمدعارف شیرازی: ۱۰۵۶، ۱۰۵۷
- محمد عادلشاه: ۵۷۹
محمد عبدالرشید قادری: ۱۵۸۵
محمد عظیم بن محمدجعفر اکبر: ۵۹۸
محمدعلی (مؤلف منظومه نادری): ۵۸۳
محمدعلی: ۱۷۹۸
محمدعلی نریت: ۳۸۵، ۴۰۲، ۵۰۰، ۶۷۱
۱۲۷۱، ۱۶۶۰، ۱۶۷۸
محمدعلی حبلرودی: ۱۴۹۷، ۱۴۹۸
محمدعلی حزین: ۴۶۳
محمدعلی حسینی نیشابوری: ۱۵۵۸
محمدعلی صائب: رش به صائب تبریزی
محمدعلی کربلایی: ۱۴۶۳
محمدعلی ماهر: ۱۲۵۶
محمدعلی مدرس تبریزی: ۱۶۲۴، ۱۶۴۲
محمدعلی معصوم: ۱۵۴۹
محمدعلی ثار: ۱۷۹۵
محمد غیاث‌الدین: ۳۷۱
محمد غزنوی: ۹۷۰
محمدقاسم: ۱۵۷۵
محمدقاسم امیری: ۵۸۸
محمدقاسم اصفهانی: ۸۰۹
محمدقاسم بن حاجی محمد کاشانی: رش به
محمدقاسم سروری
محمدقاسم بن عبدالقادر: ۱۴۶۱
محمدقاسم خان فوجی: ۵۹۵
محمدقاسم سراجی اصفهانی: ۵۲۴
محمدقاسم سروری: ۳۷۱، ۳۷۶، ۳۷۸
۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۹۲
محمدقاسم فرشته ابن هندوشاه استرآبادی:
رش به محمدقاسم فرشته

- محمد قاسم فرشته: ۰۶، ۰۳۷۲، ۰۳۷۴، ۰۴۴۶، ۰۴۴۹، ۰۱۵۷۱، ۰۱۷۰۹، ۰۱۷۱۲
 محمد قاسم ظرافت لاهوری: ۵۹۷
 محمد قاسم نویدی اصفهانی: رش به نویدی اصفهانی
 محمد قاسم نامی: ۱۵۱۳
 محمد قدرة الله گوپاموی هندی: رش به قدرة... گوپاموی هندی
 محمد قرةطوی روسی: ۲۲۳
 محمد قلی: ۴۰۲
 محمد قلی خان: ۰۳۹۷، ۰۵۰۲، ۰۵۱۲، ۱۰۳۶
 محمد قلی سلیم: ۴۹۳
 محمد قلی قطب شاه: ۰۵۷۶، ۰۵۹۶، ۰۸۶۶، ۰۹۹۳، ۰۱۱۱۸، ۰۱۱۱۹، ۰۱۱۲۰، ۰۱۱۲۲، ۱۱۹۶، ۱۱۲۳
 محمد کاظم وزیر: ۱۸۰۶
 محمد کاظم: ۰۶، ۱۵۶۹
 محمد کاظم بن میرک حسین مظفری سجاوندی: ۱۵۳۷
 محمد کاظم منشی: ۱۵۷۵
 محمد کریم: ۱۵۵۹
 محمد کره: رش به رئیس محمد کره ابرقوهی محمد کمانچه‌یی: ۸۴
 محمد مازندرانی: ۴۰۴
 محمد محسن بن شاه مرتضی بن شاه محمود کاشانی: رش به ملا محسن فیض کاشانی
 محمد مراد: ۰۶۰۰، ۰۱۴۵۵، ۱۵۴۱
 محمد مراد بن عبدالرحمن: ۱۵۰۲
 محمد مرتضی حسینی واسطی: ۴۰۹
 محمد مرسلین: ۱۰۵۶
 محمد مسیح بن محمد صادق: رش به محمد مسیح طیب
 محمد مسیح طیب: ۳۶۳
 محمد مشک فروش شیرازی: ۶۳۶
 محمد مظفر حسین صبا: ۰۴۵۳، ۰۵۸۳، ۰۵۹۹، ۰۶۰۰، ۰۶۱۱، ۰۶۳۷، ۰۶۴۲، ۰۷۳۷، ۰۷۴۷، ۰۸۱۸، ۰۱۳۱۲، ۰۱۶۶۵، ۰۱۶۶۶، ۰۱۶۸۲، ۱۷۴۸، ۱۷۱۸
 محمد معصوم شیرازی: ۰۵، ۰۲۹۷، ۰۱۷۰۵، ۱۷۰۶
 محمد معین: ۳۸۵
 محمد معین اردوبادی: ۱۵۶۲
 محمد مفید بلخی: ۱۷۸۳
 محمد مفید مستوفی: ۰۷۶۱، ۰۱۵۰۱، ۰۱۵۶۱، ۰۱۵۷۸، ۰۱۵۹۲، ۰۱۵۹۳، ۱۷۷۹ - ۱۷۸۴، ۱۸۰۳
 محمد مومن: ۳۲۹
 محمد مومن حسینی استرآبادی: ۰۴۰۲، ۰۴۰۳، ۱۰۳۳، ۱۳۶۷
 محمد مومن بن شاه قاسم میزواری: ۲۴۸
 محمد مومن بن عبدالکریم فاری: ۲۴۶
 محمد مومن حسینی تنکابنی: رش به حکیم محمد مومن
 محمد مومن عرشی: ۵۹۸
 محمد مومن عودنواز موسیقی شناس: ۵۰۵
 محمد مومن وجودی: ۴۷۴
 محمد معصوم شیرازی: ۰۶۳۷، ۰۶۵۵، ۱۰۳۹
 محمد معزالدین جهاندار: ۱۴۱۵
 محمد مهدی جرفادقانی: ۱۵۲۰
 محمد میرزا: رش به سلطان محمد خدابنده

- محمی‌الدین محمدبن محمود بردعی تبریزی: مرتضی نظامشاه: ۱۷۰۹
 ۲۹۰، ۲۴۷
 محمی‌الدین محمدبن مصلح‌الدین مصطفی: مرشد بروجردی: ۵۰۳، ۱۸۷، ۴۶۵
 فوجوی: ۲۴۷
 مختاربن ابوعبیده ثقفی: ۱۵۱۵، ۱۵۱۰
 ۱۶۵۷
 مخدوم‌الملک: رش به ملا عبدا... انصاری
 مخلصای کاشی: رش به مخلص کاشی
 مخلص کاشی: ۱۳۸۹-۱۳۸۶
 مخفی: رش به نورجهان بیگم
 مخفی: رش به زیب‌النساء بیگم
 مخفی رشتی: ۵۱۸، ۱۲۴
 مخفی کوکناری: رش به لاهیجانی
 مدامی: ۴۷۵
 مدرس تبریزی: ۸۵۸
 مدنی: رش به سید علی خان کبیر
 مدهومالت: ۶۰۱، ۶۰۰
 مراد: ۴۷۲
 مراد اول: ۱۶۰۵
 مرادبخش: ۵۸۲
 مرادیگ بایندر: ۶۵
 مراد چهارم: رش به سلطان مراد چهارم
 مراد سوم: رش به سلطان مراد سوم
 مرادی بافقی: ۷۶۲
 مراد ثانی: ۱۶۰۵
 مرتضی خان: ۱۰۳۶
 مرتضی قلی بیگ صفاهانی: ۶۰۰
 مرتضی قلی خان پرناک: ۵۰۳
 مرتضی قلی خان شاملو: ۱۷۴۵
 مرشدقلی سلطان جلایر: ۱۷۲۴
 مرشدقلی حان استاجلو: ۰۸۷۳، ۰۹۵، ۰۲۱
 ۱۰۱۹
 مریم سلطان: ۵۰۴
 مستصمی: ۱۶۷۳، ۰۸۲
 مسعودبن عثمان کوهستانی: ۱۵۵۴
 مسعود یدگلی: رش به مولانا مسعود یدگلی
 مسعود دمشقی: ۱۵۳۴
 مسعود سعد سلمان: ۶۳۲
 مسعود شاه: ۱۵۲۶
 مسعود غزنوی: ۹۷۰
 مسعود کازرونی: رش به رکن مسعود
 کازرونی
 مسیب خان تکلو: ۸۱۹
 مسیح: ۱۶۸۴، ۱۵۴۶، ۱۵۴۴، ۰۵۳۰
 مسیح: رش به حکیم رکنای کاشی
 مسیحا: رش به مسدا...
 مسیحا پانی پتی: ۱۵۴۷، ۰۸۴۹، ۰۵۹۹
 مسیح‌الدین ابوالفتح گیلانی: رش به ابوالفتح
 گیلانی
 مسیح‌الملک محمدیوسف: ۳۶۴
 مسیح کاشانی: ۰۱۰۵۷، ۰۸۳۵، ۰۸۳۴
 ۰۱۲۷۵، ۰۱۲۱۰، ۰۱۲۰۳-۱۱۹۳، ۰۱۰۵۹
 مشتاق علی: ۲۱۲
 مشتری: ۱۵۲۳

- مشرقى مشهدى: ۰۴۹۳، ۰۵۰۰، ۰۵۰۳، ۰۵۰۸۳، ۰۱۱۱۲، ۰۱۱۳۵، ۰۱۱۴۳، ۰۱۱۴۴، ۰۱۰۸۳
 مشفقى بخارى: ۴۵۸
- مظفر گنابادى
 مظفر حسين كاشانى: ۱۰۳۲
 مظفر خان: ۴۶۷
 مظفر سلطان: ۰۱۰۳، ۶۸۱
 مظفر: ۰۱۵۲۸، ۱۵۳۶
 مظفر شاه گجراتى: ۷۳۱
 مظفرالدين حسرنى: ۷۹۴
 مظفرالدين محمد: ۱۴۶۳
 مظفر كاشى: ۵۱۷
 مظفر لنگ: رش به مظفر كاشى
 معاوية بن ابوسفیان: ۱۷۷
 معتصم عاسى: ۱۵۳۰
 معتد خان: ۰۱۷۲۶، ۱۷۲۷
 معتد خان بدخشى: ۰۱۲۲
 معتدالدوله فرهاد ميرزا: ۳۵۱
 معروف كرخى: ۰۲۱۲، ۱۷۴۷
 معزالدين محمد بن سام: ۱۷۰۴
 معزالدين محمد بن ظهيرالدين محمد حسينى
 اردستانى: رش به ملا معر
 معزالدين: ۵۹۱
 معصوم يگ: ۳۴۸
 معصومعلى: ۲۱۲
 معصومه: ۱۵۲۶
 معصوم نامى صفوى: ۵۹۶
 معين: رش به معين اللذة
 معين الدين اسفرازى: ۱۷۸۴
 معين الدين حوينى: ۰۱۶۱۵، ۱۶۱۸
 معين الدين چشتى: ۰۷۸۹، ۰۱۰۴۸، ۰۱۵۸۳
 ۰۱۶۱۲، ۱۷۰۴
 معين الدين بن شرفالدين حاجى محمد فراهى:
- مصطفى بن شعبان سرورى: ۰۲۴۷، ۰۲۲۲
 ۳۹۹، ۰۳۸۱
 مصطفى پاشا: ۱۹
 مصطفى بن خالقداد: ۱۴۷۹
 مصطفى بن خليل الدين: ۲۸۸
 مصطفى بن عيدا...: رش به حاجى خليفه
 مصطفى خان شاملو: ۰۴۱، ۱۸۰۷
 مصطفى حسيني نقرشى: ۴۱۸
 مصطفى قزوینى: ۱۵۰۶
 مصلح الدين شامى لارى: ۱۶۱
 مصلح الدين محمد انصارى لارى: رش به
 مصلح الدين محمد لارى
 مصلح الدين محمد لارى: ۰۲۴۴، ۰۲۴۷، ۰۳۰۴
 ۰۳۰۵، ۰۴۱۳، ۰۴۱۵، ۰۱۵۵۵، ۰۱۶۶۳-
 ۱۶۶۹
 مصيب خراسانى: ۱۵۱۵
 مطلوب: ۱۵۲۸
 مطربى سمرقندى: ۱۵۷۷
 مطهر بن محمد مقدادى: ۱۹۰
 مطهر حلى - شيخ جمال الدين مطهر حلى
 مطيعان نيربوى: ۱۰۷۶
 مظاهر مصفا: ۸۹۷
 مظفر بن حسيني شفايى كاشانى اصفهانى: رش
 به حكيم شفايى
 مظفر بن محمد قاسم بن مظفر گنابادى: رش به

۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۹، ۲۹۲، ۲۹۱	۵۹۰
۱۴۸۴، ۳۵۵، ۳۱۷، ۳۰۶، ۳۰۶، ۳۰۳	معین‌الدین علی حسینی: رش به شاه‌قاسم انوار
۱۶۷۱، ۱۶۶۴، ۱۶۴۲، ۱۶۲۰	معین‌الدین محمدامین بن حاجی محمد فراهی
ملا حبیب... شیرازی: رش به ملا میرزا جان	هرانی: ۱۵۱۸
شیرازی	معین‌الذقة: ۶۳۰
ملا حسین اردبیلی: ۱۸۵	معین‌الدین کتابی: ۱۴۸۹
ملا حسین کاشفی: ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۶۰۸	معین‌الدین محمد: ۱۷۳۰، ۱۷۳۱
۱۶۲۷	معین‌الدین یزدی: ۱۴۴۷، ۱۶۰۵، ۱۶۶۷
ملا حینا: ۱۱۵۹	معین مسکین: رش به معین‌الدین بن
ملا حمید: ۶۰۲	شرف‌الدین حاجی محمد فراهی
ملا خلیل... غازی فروزنی: ۱۱۸۰، ۳۳۰	معنی: رش به ملاسیحای شیرازی
۳۳۱، ۳۳۲، ۱۳۰۲، ۱۴۷۰	مفتی الثقلین: رش به کمال پاشازاده
ملا رحیم‌علی تبریزی: ۱۸۰، ۳۳۶، ۳۴۰	مفضل بن عمر جمفی: ۱۴۷۰
۳۴۳	مقدس اردبیلی: رش به احمد بن محمد اردبیلی
ملا رشدی رستم‌داری: ۱۲۶۳	مقصودبیگ: ۹۵۹
ملا زمانی یزدی: رش به زمانی یزدی	مقصودعلی: ۲۱۲
ملا سامعی: ۹۰۳	مقصودعلی هروی تبریزی: ۱۵۸۶، ۱۵۸۷
ملا سامری: ۱۳۵۳	مقیما: ۵۱۲، ۵۱۳، ۸۶۶، ۱۷۶۲
ملا سعیدا: رش به قاضی سعید قمی	مقیمای مشهدی: ۱۳۳۴
ملا سلطان حسین: رش به سلطان حسین	مقیمی: ۴۷۵
ملا سیری گلپایگانی: ۱۱۲۹، ۱۱۳۰	مکرم خان: رش به میرمحمد اسحق
ملا شاه محمد بن عارف دارابی شیرازی:	ملا آقابابا شهیرزادی: ۱۷۲۵
۱۵۹۳	ملا احمد تونی: ۲۱۸
ملا شاه‌محمد: رش به ملا شاه‌بدخشان	ملا احمد توی: ۸۲۵، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶
ملا شاه بدخشان: ۱۲۲۴ - ۱۲۳۶، ۱۲۸۶	ملا اسماعیل اصفهانی: ۳۲۲
ملا شفیعا یزدی: رش به دانشمند خان	ملا اسماعیل ذبیحی: رش به اسماعیل ذبیحی
ملا شکرا... شیرازی: ۱۲۳۷	ملا اسماعیل ذبیحی یزدی: رش به ذبیحی
ملا شکوهی همدانی: ۱۱۸۶	یزدی
ملا شما: رش به شمس‌الدین محمد گیلانی	ملا اوجی نظیری: رش به اوجی نظری
	ملا جلال‌الدین دوانی: ۱۶۱، ۲۳۴، ۲۷۱

- ملا شهاب‌الدین: رش به حقیری
 ملا شهاب‌الدین نظام‌الدین هروی: رش به حقیری
 ملا شیری: ۱۵۴۵
 ملا صالح مازندرانی: ۴۱۳
 ملا صدرالدین ابراهیم شیرازی: ۲۰۸، ۲۰۴، ۲۳۹، ۲۳۴، ۲۳۲، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۰۹، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۷، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۵
 ۱۲۲۰-۱۲۳۰، ۱۴۶۷
 ملا طرزی: ۱۷۱۸، ۱۵۵۰، ۱۴۹۷، ۴۳۵-
 ۱۷۲۲
 ملا طفرای مشهدی: ۱۶۰۰، ۱۰۳۳، ۹۶۸
 ملا عباس مولوی: ۳۴۱
 ملا عبدالحمید لاهوری: رش به عبدالحمید لاهوری
 ملا عبدالرزاق دانشمند: رش به مولانا عبدالرزاق دانشمند
 ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی قمی: ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۸۴، ۲۹۶، ۳۲۶، ۳۳۷، ۳۴۱، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۹۵
 ملا عبدالرشید دیلمی: ۱۷۶۶
 ملا عبدالشکور: ۱۵۴۳
 ملا عبدالعلی بن محمد بیرجندی: ۱۶۱، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۴۴، ۳۴۷
 ملا عبدالعلی بیرجندی: ملا عبدالعلی بن محمد بیرجندی
 ملا عبدالقوی: ۱۲۲۹، ۲۱۴
 ملا قیدی: ۱۳۵۱، ۱۲۴۶، ۵۱۴
 ملا لطفعلی: ۹۴۵
 ملا عبدا...: ۲۳۷
 ملا عبدا... افتدی: رش به عبدا... افتدی
 ملا عبدا... انصاری مخدوم‌الملک: ۸۴۱، ۸۴۷
 ملا عبدا... بن حسین یزدی: رش به ملا عبدا... یزدی
 ملا عبدا... رنوزی: ۳۲۲
 ملا عبدا... شوشتری: ۲۶۸
 ملا عبدا... یزدی: ۳۲۷، ۳۴۹
 ملا عبدا... بن شهاب‌الدین یزدی: ۴۱۵
 ملا عبدالرشید: ۱۵۰۳
 ملا عبدالمجید مولتانی: ۱۵۲۱
 ملا عبدالنسی فخرالزمانی: رش به عبدالنسی فخرالزمانی
 ملا عبیدی: ۱۲۳۴
 ملا عثمان خطائی: ۴۱۵
 ملا علاء‌الدین علی بن محمد القوشچی: ۱۶۶۷
 ملا علاء‌الملک تونی: ۱۱۴۹
 ملا علیرضا تجلی: ۱۳۵۴، ۱۱۷۵
 ملا علی قوشچی: رش به قوشچی
 ملا علی محمد مهندس اصفهانی: ۳۴۹
 ملا علی نوری: ۳۲۲
 ملا غربتی: ۵۶۸
 ملا غروری شیرازی: ۹۷۲
 ملا فتح... بن ملا شکرا... کاشانی: ۲۵۲، ۱۶۲۴، ۱۴۶۴، ۱۶۷۵
 ملا فرخ حسین ناظم هروی: ناظم هروی
 ملا قطب شده‌باف: ۷۶۲
 ملا قوی: ۱۲۲۹، ۲۱۴
 ملا قیدی: ۱۳۵۱، ۱۲۴۶، ۵۱۴
 ملا لطفعلی: ۹۴۵

۰۲۰۴	۰۲۰۵	۰۲۰۶	۰۲۰۷	۰۲۰۸	۰۲۱۶	ملا کامی سبزواری: ۱۷۴۶
۰۲۴۴	۰۲۵۳	۰۲۵۶	۰۲۶۱	۰۲۶۵	۰۲۶۹	ملا محسن سبزواری واعظ قاری: ۱۴۹۶
۰۳۱۵	۰۳۱۷	۰۴۱۳	۰۱۰۴۱	۰۱۳۵۴		ملا محسن فانی: ۱۲۸۵، ۱۲۵۶
۰۱۴۶۹	۰۱۴۷۱	۰۱۴۷۲	۰۱۴۷۴	۰۱۰۰۷		ملا محسن فیض کاشانی: ۰۱۸۰، ۰۱۸۶
						۰۲۰۴
						۰۲۰۷
						۰۲۰۸
						۰۲۰۹
						۰۲۱۵
						۰۲۱۷
						۰۲۲۷
						۰۲۳۴
						۰۲۴۵
						۰۲۴۸
						۰۲۵۱
						۰۲۵۳
						۰۲۵۶
						۰۲۵۷
						۰۲۶۰
						۰۲۶۵
						۰۲۶۹
						۰۲۷۵
						۰۲۸۲
						۰۲۸۴
						۰۲۸۷
						۰۲۹۶
						۰۳۲۶
						۰۳۲۷
						۰۳۳۶
						۰۳۳۹
						۰۱۰۴۲
						۰۱۴۶۱
						۰۱۴۶۶
						۰۱۴۷۳
						۰۱۴۹۵
						۰۱۴۹۶
						ملا محسن کاشفی: ۱۷۰۰، ۰۶۷۶
						ملا محمد ابن علی کربلایی: ۲۴۶
						ملا محمد امین بن محمد شریف استرآبادی:
						رش به محمد امین
						ملا محمد باقر بن زین العابدین یزدی: رش به
						محمد باقر یزدی
						ملا محمد باقر خراسانی: ۳۱۸
						ملا محمد باقر سبزواری: ۰۱۸۶، ۰۲۰۵، ۰۲۱۷
						۰۱۰۴۲، ۱۴۷۳
						ملا محمد باقر مجلسی: ۰۸۹، ۰۱۶۸، ۰۱۷۲
						۰۱۷۳
						۰۱۸۱
						۰۱۸۲
						۰۱۸۳
						۰۱۸۶
						۰۱۹۰
						۰۱۹۶
						۰۲۰۵
						۰۲۰۷
						۰۲۰۹
						۰۲۱۰
						۰۲۱۶
						۰۲۱۸
						۰۲۲۱
						۰۲۳۲
						۰۲۳۷
						۰۲۴۴
						۰۲۵۳
						۰۲۵۶
						۰۲۵۸
						۰۲۵۹
						۰۲۶۰
						۰۲۶۱
						۰۲۶۶
						۰۲۶۹
						۰۲۷۳
						۰۲۷۴
						۰۲۸۳
						۰۱۴۶۶
						۰۱۴۶۷
						۰۱۴۶۸
						۰۱۴۷۱
						۰۱۴۷۴
						۰۱۴۷۸
						۰۱۴۹۶
						۱۵۸۰، ۱۵۱۶
						ملا محمد تقی بن مقصود علی اصفهانی: رش
						به ملا محمد تقی مجلسی اصفهانی
						ملا محمد تقی مجلسی اصفهانی: ۰۱۸۰، ۰۱۲۰
						ملا محمد حسین نائینی: ۱۵۱۵
						ملا محمد سعید اشرف: ۱۲۷۶
						ملا محمد شفیع گیلانی: ۲۷۵
						ملا محمد طاهر قمی: ۶۶۶
						ملا محمد طاهر کشمیری: رش به غنی
						کشمیری
						ملا محمد قاسم مشهدی: ۱۱۶۷-۱۱۷۰
						ملا محمد عبثی: ۴۰۸
						ملا محمد گیلانی: ۳۱۸
						ملا محمد هادی: ۳۲۹
						ملا محمود بن محمد بن قاضی زاده رومی: رش
						به میرم چلبی
						ملا فرید ابراهیم دهلوی: ۳۵۳
						ملا مسکین: رش به معین الدین بن شرف الدین
						حاجی محمد فراهی
						ملا مسیحای شیرازی: ۳۱۶
						ملا مسیحای گیلانی: ۲۰۴
						ملا مصطفی قاری تبریزی: ۲۴۵
						ملا مظفر گنابادی: ۰۳۴۷، ۰۳۴۸
						ملا معز: ۰۲۱۹، ۰۲۲۰
						ملا میرقاری: ۱۴۶۳، ۱۴۸۸
						ملا منیر: ۰۴۳۵، ۰۴۶۱، ۰۵۵۷
						ملا موسی هزاره‌یی: ۲۴۶
						ملا میان میر: ۱۲۳۴
						ملا میرزا جان شیرازی: ۰۱۸۶، ۰۲۳۴، ۰۲۴۴
						۰۲۷۱، ۰۳۰۵، ۰۳۰۶، ۰۴۱۵

- ملا میرک: ۱۶۷۱، ۱۶۹۸، ۱۶۹۷
 ملا میرقاری گیلانی: ۱۷۳۱
 ملا ندیم: ۱۳۴۳
 ملا نشانی: ۵۱۹
 ملا نظیری: ۱۰۴۹، ۱۴۷۳
 ملا نورا: رش به نورالدین کاشانی
 ملا واصبا: ۱۱۵۹
 ملا هادی سبزواری: ۳۲۳، ۱۸۷، ۲۶۹
 ملا یوسف مولوی: ۲۲۲
 ملک: ۵۳۰
 ملک بهرام: ۱۰۱۸
 ملک جمشید: ۱۵۲۸
 ملک جلال‌الدین سیستانی: ۱۷۲۵
 ملک خاتون: ۱۵۲۲
 ملک شاه حسین سیستانی: رش به شاه حسین سیستانی
 ملک شال: ۱۵۲۲
 ملک قمی: ۵۲۶، ۴۸۶، ۴۷۴، ۴۴۸
 ۵۷۴، ۶۱۵، ۸۴۳، ۸۴۶، ۹۰۳، ۹۴۹-
 ۱۷۱۷، ۱۹۷۹، ۱۹۷۸، ۱۹۵۵
 ملک شاه: ۱۷۸۱
 ملک الشعراء غزالی مشهدی: رش به غزالی مشهدی
 ملک الشعراء میرزا ابوطالب کلیم کاشانی: رش به کلیم کاشانی
 ملک الکلام: رش به ملک قمی
 ملک محمد اصفهانی: ۱۵۲۶، ۱۵۲۵، ۵۱۳
 ملک محمود سیستانی: رش به محمود سیستانی
 ملک مسعود بازرگان: ۴۸۰
- ملک مشرقی: ۱۰۱۸، ۵۹۷
 ملک نصرت خان: ۱۷۷۸
 ملهم کاشی: ۶۱۷
 ممتاز حسن: ۱۷۹۷
 ممتاز فراهی: ۱۴۵۱، ۱۴۴۷، ۱۵۴۹
 ۱۸۰۵، ۱۸۰۲
 ممتاز محل: ۴۸۱، ۴۶۰
 ممتاز محل بیگم: رش به ممتاز محل
 ممتاز محمدسمید اعجاز شاهجهان آبادی: ۴۸۴
 م میرهوف: ۱۲۱
 منصور: ۱۵۲۴
 مومن الدوله اسحق خان: ۳۸۸
 موحدالدین فهیمی کاشانی: ۶۲۲
 موسوی: رش به محمدباقر موسوی
 موسوی خان فطرت: ۵۱۴، ۱۲۷۶، ۱۳۷۳
 مولا سلطانعلی: ۶۸۴
 مولا مصطفی بن یوسف: رش به خواجه زاده برسوی
 مولانا تقی‌الدین محمد شوشتری: ۱۷۰۲
 مولانا جلال‌الدین محمد بلخی: رش به مولوی
 مولانا جلال‌الدین محمد بن کمال‌الدین: ۱۵۶۶
 مولانا جمال‌الدین محمود شیرازی: ۱۶۷۱
 مولانا ابوالحسن احمد ایبوردی: رش به ابوالحسن بن احمد ایبوردی
 مولانا حسن کاشی: ۷۹۴
 مولانا حسین جوهری: ۹۰۰
 مولانا حکیم زلاکی خوانساری: رش به زلاکی خوانساری
 مولانا حکیم‌الدین ادیس بن مولانا حسام‌الدین

- علی بدلیسی: ۱۵۷۶، ۱۶۰۳، ۱۶۰۶، ۱۶۹۲
- مولانا حیدر فصه خوان: رش به حیدر فصه خوان
مولانا خسرو ابرقوهی: ۱۶۱۴
مولانا سعدا... کرمانی: ۱۶۱۴
مولانا سیف‌الدین احمد نقتارانی: ۳۴۵
مولانا شیدی: ۶۹۶
- مولانا شمس‌الدین محمد وحشی: رش به
وحشی بافقی
مولانا عبدالرحیم مشهدی: ۱۶۴
مولانا عبدالرزاق: ۴۶۶، ۵۰۵
مولانا عبدالرزاق دانشمند: ۸۲۴، ۱۵۹۶
مولانا عماد لاری: ۸۴۰
مولانا فتحی بیک: ۸۴، ۱۵۰۳
مولانا فضل خلخالی: ۶۸۵، ۶۸۶
- مولانا کمال‌الدین حسین بن ضمیری اصفهانی:
رش به ضمیری اصفهانی
مولانا کمال‌الدین شیخ حسن القنوی: ۳۴۵
مولانا کمال‌الدین مسمود شروانی: ۳۴۵
مولانا محمد اقدس: رش به اقدس مشهدی
مولانا محمد خورشید اصفهانی: رش به محمد
خورشید اصفهانی
مولانا مسمود بیدگلی: ۶۵
مولانا معین‌الدین واعظ: ۷۱۶
مولانا ملک: ۵۲۵
مولانا میرجان هروی: ۱۱۲۶
مولانا موحد‌الدین فهمی: ۷۶۵
مولانا نورالدین محمد ظهوری: رش به ظهوری
ترشیزی
- مولانا اصفهانی: رش به خواجه مولانا
اصفهانی
مولسوی: ۴۶، ۲۱۱، ۲۲۱، ۲۲۳، ۳۳۴، ۴۵۶، ۶۱۲، ۶۱۳، ۷۵۹، ۱۰۰۹، ۱۰۶۴، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۳۷۴، ۱۳۷۷، ۱۴۰۹، ۱۶۲۸
- مولوی آغا احمد علی احمد: ۶۱۳، ۶۵۹
۷۰۶، ۷۹۹، ۸۳۹، ۱۰۷۵، ۱۱۳۰، ۱۲۰۴
- مولوی محمد مظفر حسین صبا: رش به محمد
مظفر حسین صبا
مومن شاه: ۶۶۳
موبدالفضلاء محمد لاد: ۳۷۸
منالوس اسکندرانی: ۳۵۰
مجنین: رش به جنین
منارام: ۱۵۴۳
- منشی: رش به محمد بن نورالدین منشی
منشی سنجان رای: ۱۵۷۱
منشی غیوری: ۱۵۲۶
- منصف اصفهانی: ۶۱۷، ۸۶۵ - ۸۶۸
منصف شیرازی: ۵۱۲، ۵۱۳
منصف لاهوری: ۸۶۶
منصور: ۱۵۳۵
منصور بن محمد بن علی: ۴۰۷
منصور بن معین‌الدین کاشانی: ۳۴۵
منصور جوهری: ۱۵۳۸
منصور حلاج: ۵۷۲
منصور خان: ۱۷۷۸
منصور دمشقی: ۱۵۳۵
منصور دوانیقی: ۱۹۱، ۱۵۰۹

- منطقی: رش به قاضی میرحسین میدی
منم حکاک شیرازی: ۱۳۷۳، ۵۱۴
منم خان: ۷۰۶
منگو تیمور: ۵۰
منوجهر: ۱۶۵۰
منوجهری دامغانی: ۵۶۲
منوجهر ستوده: ۱۷۲۳، ۱۷۲۲
منوجهر فرجقای: ۱۸۰۳
منوهر: ۶۰۰
منیار: ۴۵۵
منیر لاهوری: ۱۲۶۱، ۵۱۷
مهابت خان زمانه بیگ: ۳۸۹
مهادوا: ۱۵۳۹
مهاردخان اصفهانی: ۱۵۰۲، ۱۵۰۱
مهتر جوهر آفتابه‌چی: ۱۵۷۲
مهتر بمقرب: ۱۷۱۲
مهتر علیخان: ۱۷۹۸
مهدهلیا: رش به مهدهلیا خیرالنساء بیگم
مهدهلیا خیرالنساء بیگم: ۱۹۴، ۲۰، ۱۹، ۱۸
۱۰۹، ۱۰۸
مهدی بامداد: ۱۸۰۵
مهدی: رش به سید محمدبن فلاح واسطی
مهدیخان منشی استرآبادی: ۳۹۴، ۴۱، ۱۶
۱۸۱۰، ۱۸۰۵، ۶۲۶، ۴۳۵
مهدی فکاری شیرازی: ۲۴۷
مهرا: ۱۵۲۳
مهربانو: ۱۵۲۸
مهرجو: ۱۵۳۱
مهرخواه: ۱۵۳۱
مهزعلی: ۱۶۵۱
مهراالنساء: رش به نورجهان بیگم
مهستی: ۱۶۵۲
مهندس: رش به لطف... بن استاد احمد لاهوری
میان عبدالله قادری: ۱۷۶۶
میان هیت خان: ۱۷۱۲
میدی: ۳۳۷
میکا: ۱۵۴۴
میرابوالقاسم فندرسکی استرآبادی: ۲۰۴،
۲۱۴، ۲۸۷، ۳۱۰ - ۳۱۴، ۳۳۷، ۳۴۷
۳۷۰، ۱۲۲۸، ۱۴۸۲
میر ابوالفتح سعیدی: ۲۹۱
میر ابوطالب فندرسکی: ۳۴۷، ۳۱۴
میر ابوالمعالی: ۱۱۴۵
میر ابومحمد: ۱۰۱۴
میراحمدبن میرمحمد حسینی قمی: ۱۰
میراحمد منشی: ۱۶۶۴
میراشکی قمی: رش به اشکی قمی
میرالهی قمی: ۵۲۵
میرالهی همدانی: ۱۳۷۴، ۱۰۳۵، ۹۳۹
میر امین‌الدین حسین دستغیب: ۱۰۱۲
میران حسین: ۱۷۰۹
میر بدیع قاضی هروی: ۱۶۰۹
میرجعفر بیگ کشمیری: رش به بینش
کشمیری
میرجدایی مصور نرمدی: ۶۹۱
میرجلال‌الدین حسین: ۱۱۱۸
میرجلال‌الدین محمد استرآبادی: ۳۰۰
میرجمال حسینی: ۱۶۰۶ - ۱۶۰۷
میرحسین‌الدین محب...: ۱۳۱۱

- میرشاه ابوتراب: ۳۷۷
- میرشاه شمس‌الدین: ۱۳۱۱
- میرشاهی: ۵۲۴
- میرشاه محمود: ۳۷۷
- میرشمس‌الدین شوشتری: ۱۵۱۸، ۱۵۱۶
- میرشمس‌الدین: ۳۰۶
- میرصالح: ۶۹۶
- میرصبری روزبهان اصفهانی: ۵۲۵، ۵۱۴
- میرصدرالدین: ۱۶۷۹
- میرصیدی: ۵۶۸
- میرضیاء‌الدین حسین بدخشانی: ۱۳۹۸
- میرعبدالکریم: ۱۲۳۷
- میرعبدالرزاق خوانی: ۴۱۷، ۳۰۴، ۴۹، ۵
- ۴۶۸، ۴۶۴، ۴۶۲، ۴۵۲، ۳۸۹، ۳۲۶
- ۴۸۳، ۴۸۲، ۴۷۶، ۴۷۲، ۴۷۱، ۴۶۹
- ۵۴۸، ۵۳۲، ۵۲۷، ۵۱۹، ۴۸۹، ۴۸۴
- ۷۰۵، ۷۰۲، ۶۳۷، ۶۲۴، ۵۹۱، ۵۹۰
- ۸۲۴، ۸۰۶، ۷۹۹، ۷۹۲، ۷۸۰، ۷۷۷
- ۸۵۰، ۸۴۸، ۸۴۷، ۸۴۲، ۸۳۹، ۸۲۶
- ۱۰۴۷، ۹۷۷، ۹۳۲، ۹۲۳، ۹۲۱، ۸۸۴
- ۱۱۱۹، ۱۱۱۸، ۱۰۷۵، ۱۰۵۱، ۱۰۴۹
- ۱۱۵۱، ۱۱۵۰، ۱۱۴۹، ۱۱۲۱، ۱۱۲۰
- ۱۲۰۵، ۱۲۰۴، ۱۲۰۳، ۱۱۹۶، ۱۱۷۱
- ۱۲۵۰، ۱۲۴۳، ۱۲۳۷، ۱۲۱۷، ۱۲۱۰
- ۱۳۴۲، ۱۳۳۵، ۱۲۷۷، ۱۲۷۲، ۱۲۶۲
- ۱۵۸۸، ۱۳۷۹، ۱۳۷۸، ۱۳۷۵، ۱۳۷۴
- ۱۶۸۴، ۱۶۳۷، ۱۶۳۶، ۱۶۳۵، ۱۶۳۴
- ۱۷۲۶، ۱۷۱۸، ۱۶۸۹، ۱۶۸۷، ۱۶۸۵
- ۱۷۷۰، ۱۷۲۷
- میرحسین دوست سنبلی: ۱۳۰۱
- میرحسین کفری: ۸۸۴
- میرحسین معمای: ۴۰۱، ۴۰۰، ۳۹۸
- میرحسین میدی: ۱۶۱
- میرحیدرعلی بن حسینی رازی: ۱۷۲۵، ۱۷۲۶
- میرحیدر معمای: ۶۲۷، ۶۲۶، ۵۱۴، ۴۹۰
- ۹۳۱ - ۹۲۸، ۹۲۳، ۷۶۳، ۶۹۵
- میر خیرات علی خان مشتاق اگرمی: ۱۷۱۰
- میرداماد: ۲۵۳، ۲۳۴، ۲۳۲، ۲۰۶، ۲۰۴
- ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۸۷، ۲۸۴، ۲۷۴، ۲۷۰، ۲۶۹
- ۳۱۹، ۳۰۸، ۳۰۹ - ۳۰۶، ۲۹۶، ۲۹۵
- ۱۰۷۸، ۱۰۴۱، ۹۶۷، ۳۳۹، ۳۲۷، ۳۲۵
- ۱۴۷۰، ۱۴۶۴
- میردوستی سمرقندی: ۴۷۴
- میر رضی آرتیمانی: رش به رضی‌الدین آرتیمانی
- میر زین‌العابدین اصفهانی: ۱۴۰۴
- میرسلطان مرادخان: ۱۰۲۵
- میرسید ابراهیم قزوینی: ۲۵۰
- میر سید ابوالفتح: ۷۱۸
- میرسید شریف راقم هروی: ۱۵۷۷
- میرسید صدرالدین بن میر محمدصادق بن میر محمدامین: ۱۵۸۷
- میر عبدالباقی نهبندی: ۸۷۴، ۸۷۳، ۶۸۲
- ۱۰۶۹، ۱۰۰۷، ۹۸۲، ۹۸۱، ۹۷۷، ۸۸۴
- میرسید علی: رش به صیدی تهرانی
- میرسید علی تبریزی: ۱۴
- میرسید علی همدانی: ۱۲۵۶

- میرفضل... مشهدی: ۸۴
- میرعبدالرزاق مصمصامالدوله شاهنواز خان
خوافی: رش به میرعبدالرزاق خوافی
- میرفندرسکی: رش به میرابوالقاسم فندرسکی استرآبادی
- میرعزیزا... حضوری قمی: ۸۱۵
- میرعبدالسلام مشهدی: ۱۱۶۰، ۱۱۶۱
- میرعبدالله مشکین قلم: ۱۷۷۹
- میرعبد... بن میرهاشم: ۱۵۸۱
- میرعسکری: ۶۱۷
- میرقوامالدین تهرانی: ۳۴۱
- میرعلاءالدوله حسنی سیفی قزوینی: ۱۵۹۱، ۱۶۱۲
- میرقوامالدین مرعشی آملی: ۱۳۱
- میرعلی ثانی: رش به ارسلان طوسی
- میرک بخاری: رش به شمس‌الدین محمدبن مبارکشاه
- میرعلی حسینی: ۱۱۱۹
- میرک نقاش: ۵۴۹، ۶۲۰
- میرکمال‌الدین حسین بن محمد لاری: ۳۰۵، ۱۶۶۴
- میرعلی شیرقانع تقوی: ۱۵۴۱
- میرلوحی: رش به سید محمدبن محمد موسوی سبزواری
- میرعقیل کوثری: رش به کوثری همدانی
- میرمحسن رازی: ۵۹۷
- میرعمادالدین محمودبن میرحجقا... حسینی
- میرمحمد احسن ایجاد: ۱۵۷۵
- میرعقیل کوثری: رش به کوثری همدانی
- میرمحمد ارزانی بن میرحاجی مقیم: رش به شاه ارزانی
- میرعماد: ۸۲، ۱۳۴۱، ۱۷۶۶
- میرمحمد اسحق: ۱۴۱۲
- میرعبدالدین محمودبن میرحجقا... حسینی
- میرمحمد تقی جمفری حسینی احمدآبادی: ۱۵۱۹
- میرغلامعلی آزاد بلگرامی: ۳۱۷، ۸۰۳، ۸۳۹، ۸۸۴، ۹۱۸، ۹۳۷، ۹۳۹، ۹۵۱
- میرمحمد باقر داماد: رش به میرداماد
- میرمحمد حسن حسینی نقرشی: ۱۵۶۷
- میرمحمد زمان: ۱۳۶۳
- میرمحمد زمان مشهدی: ۳۰۴، ۱۳۷۳
- میرمحمد زمان راسخ لاهوری: ۴۸۹، ۱۳۴۱، ۱۳۷۴
- میرمحمد شریف: ۱۴۹۷، ۱۵۴۸
- میرمحمد شریف بن شمس‌الدین محمد: رش به کاشف
- میرمحمد شفیق: ۱۶۰۹
- میرعلاءالدوله حسنی سیفی قزوینی: ۱۵۹۱، ۱۶۱۲
- میرعلی ثانی: رش به ارسلان طوسی
- میرعلی حسینی: ۱۱۱۹
- میرعلی شیرقانع تقوی: ۱۵۴۱
- میرعقیل کوثری: رش به کوثری همدانی
- میرعماد: ۸۲، ۱۳۴۱، ۱۷۶۶
- میرعمادالدین محمودبن میرحجقا... حسینی
- میرعبدالدین همدانی: رش به الهی استرآبادی
- میرعیسی بدخشی: ۱۳۹۸
- میرعیسی همت خان: ۶۰۰، ۶۲۱
- میرغلامعلی آزاد بلگرامی: ۳۱۷، ۸۰۳، ۸۳۹، ۸۸۴، ۹۱۸، ۹۳۷، ۹۳۹، ۹۵۱
- میرمحمد حسن حسینی نقرشی: ۱۵۶۷
- میرمحمد زمان: ۱۳۶۳
- میرمحمد زمان مشهدی: ۳۰۴، ۱۳۷۳
- میرمحمد زمان راسخ لاهوری: ۴۸۹، ۱۳۴۱، ۱۳۷۴
- میرمحمد شریف: ۱۴۹۷، ۱۵۴۸
- میرمحمد شریف بن شمس‌الدین محمد: رش به کاشف
- میرمحمد شفیق: ۱۶۰۹
- میرغزوری کاشانی: ۴۷۴
- میرغیاث‌الدین علی: ۱۵۴۶، ۱۶۳۶
- میرفایض نظیری: ۹۰۱
- میرفخرالدین محمد سماکی استرآبادی: ۳۰۶

- میرمحمد صالح دهلوی: رش به محمد صالح کشفی
- میرمحمد علی ماهر: ۱۳۷۴
- میرمحمد غیور کابلی: ۳۸۹
- میرمحمد کاظم حسینی: ۱۵۴۰
- میرمحمد مصوم خواجگی اصفهانی: ۱۵۶۷، ۱۷۴۵، ۱۵۶۸
- میرمحمد مومن استرآبادی: ۱۱۹۶، ۱۱۱۹
- میرمحمد مومن عزیزی فیروزآبادی: ۱۰۱۳، ۱۱۹۶، ۱۱۱۹
- میرمحمد مومن حسینی: ۱۳۶۷
- میرمحمد مومن عرشی: رش به عرشی دهلوی
- میرمحمد هاشم شاه: رش به جهان شاه
- میرمحمد هاشم شاه کاشانی: رش به سنجر کاشانی
- میرمحمد هاشم دهلوی: ۶۵۷
- میرمحمد طرحی شیرازی: ۱۷۳۱، ۳۱
- میرهاشم محدث: ۱۶۱۶
- میرمرشد بروجردی: رش به مرشد بروجردی
- میرمصوم نامی: ۵۹۶
- میرمصوم بهکری: ۱۱۷۵، ۹۸۹، ۹۳۰، ۱۶۸۷
- میرمنیث محوی: رش به محوی همدانی
- میرنجات اصفهانی: ۵۴۹، ۵۴۸، ۵۱۴
- میرمیران محمد حسینی اردستانی: ۴۹۲، ۱۴۱۵، ۱۳۷۲، ۱۳۶۷، ۱۳۳۱
- میرزا ابوالحسن حسینی فراهانی: ۱۱۵۹، ۱۱۶۰
- میرزا ابوالعلی: رش به عالی نیشابوری
- میرزا ابوالمعالی مشهدی: ۱۳۸۹
- میرزا احمد: ۴۷۹
- میرزا ارجمند آزادین عبدالغنی بیک: ۱۵۱۵
- میرزا اسمعالدین محمدبن خواجه غیاث‌الدین مشهدی: رش به راقم مشهدی
- میرنورالهدی: رش به قاضی جهان
- میرویس افغان: ۱۵۵۹
- میرویس: رش به میرویس غلزانی
- میرویس غلزانی: ۲۹
- میرهمايون: ۸۴۰، ۶۹۶
- میریحیی قمی: ۶۲۷
- میریحیی قزوینی: ۱۵۴۶، ۱۵۶۰، ۱۵۳۴-۱۵۳۹
- میریحیی کاشی: ۴۶۱، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۹۹
- میشل: ۵۵
- میلی ترک: رش به میلی هروی
- میلی هروی: ۴۵۷، ۵۲۶، ۷۲۹، ۷۳۵
- میرزا ابراهیم: ۷۷۹، ۸۲۸، ۱۰۰۸
- میرزا ابراهیم ادهم: ۱۲۵، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۱۷۵
- میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی: ۳۷۶، ۳۷۵
- میرزا ابراهیم حسینی همدانی: ۱۰۶۹
- میرزا ابونراب بیگ فرقتی: رش به فرقتی جوشقانی
- میرزا ابوطالب: ۱۵۶۹
- میرزا ابوالحسن حسینی فراهانی: ۱۱۵۹، ۱۱۶۰
- میرزا ابوالعلی: رش به عالی نیشابوری
- میرزا ابوالمعالی مشهدی: ۱۳۸۹
- میرزا احمد: ۴۷۹
- میرزا ارجمند آزادین عبدالغنی بیک: ۱۵۱۵
- میرزا اسمعالدین محمدبن خواجه غیاث‌الدین مشهدی: رش به راقم مشهدی
- میرنعمت... وصلی: ۴۶۵

- میرزا اسماعیل: ۳۷۵
 میرزا امان... امانی: ۴۲۵، ۴۶۱، ۴۷۶، ۴۷۸، ۵۱۴، ۱۵۰۵، ۱۵۹۸
 میرزا امین: ۱۳۴۸
 میرزا امینا: ۱۵۳۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵
 میرزا بابینقر: ۴۵۷
 میرزا برخوردارین محمود ترکمان: رش به ممتاز قراهی
 میرزایگ: ۳۱۰
 میرزا بیگ بن حسن حسینی جنابدی: ۱۵۶۷
 میرزا بیگ موسوی فندرسکی: ۱۵۶۹
 میرزا بدیع الزمان: ۹۲۰
 میرزا تقی اعتمادالدوله: ۲۶، ۱۳۴۷
 میرزا جان باغ نوی: رش به ملا میرزا جان شیرازی
 میرزا جانی بیگ: رش به جانی بیگ
 میرزا جانی عزتی: ۵۱۲
 میرزا جان: ۸۰۵
 میرزا جعفر: ۲۳۷
 میرزا جعفر بیگ آصفخان: ۶۸۵، ۶۸۶
 ۸۲۵، ۸۶۵، ۹۱۹-۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰
 ۱۰۰۴، ۱۰۹۹، ۱۱۰۳، ۱۱۹۵
 میرزا جلال‌الدین اسیر: رش به جلال اسیر
 میرزا جلال‌الدین طباطبای زواره‌بی: ۱۷۴۸، ۱۷۵۹، ۱۷۶۲
 میرزا حسن بیگ رفیع قزوینی: ۸۰۲
 میرزا حسن طیب شیرازی فسایی: ۱۰
 میرزا حسن قمی: ۲۷۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۱۴۷۸، ۱۴۹۵
 میرزا حسین خان قزوینی: ۱۳۴۶، ۱۵۹۹
 میرزا حسین اصفهانی: ۶۶۳، ۶۶۴
 میرزا خان: رش به عبدالرحیم خانخانان
 میرزا حکیم کلانتر: ۱۲۱۰
 میرزا رضی دانش: رش به رضی دانش
 میرزا رضی صدر: ۱۱۱۸
 میرزا رفیع‌الدین محمد بن فتح... قزوینی: رش به واعظ قزوینی
 میرزا رلیمای طباطبایی: ۱۴۷۶
 میرزا سعید مستوفی‌الممالک: ۱۰۸۴
 میرزا سلمان جابری اصفهانی: ۷۹۳
 میرزا سلمان حسینی: ۶۹۵، ۹۲۰
 میرزا سلیمان: ۷۶۵
 میرزا سیدحسن شیرازی: رش به حاج میرزا سیدحسن شیرازی
 میرزا شاهرخ گورکانی: ۴۴۵، ۴۵۷
 میرزا شانی: ۵۰۰، ۱۰۸۳
 میرزا شاه حسین بن امیر ارغون: رش به ارغون شاه
 میرزا شرف‌الدین سیفی حسینی قزوینی: رش به شرف جهان قزوینی
 میرزا شفیع جوزانی: ۱۰۸۳
 میرزا صادق: ۱۵۹۳، ۱۷۸۴
 میرزا صالح اصفهانی: ۱۵۹۳، ۱۷۸۴
 میرزا صالح نقیب رضوی: ۲۳۷
 میرزا صفی: ۱۷۴۸، ۱۷۴۹
 میرزا طاهر: ۱۵۶۰
 میرزا طاهر وحید قزوینی: ۴۳۶، ۱۳۶۹، ۱۴۱۵

میرزا محمدعلی بن علی استرآبادی: رش به محمد بن علی استرآبادی	۱۱۵۹	میرزا عبدا... (وزیر):
میرزا محمدعلی مدرس رشتی چهاردهی: ۲۷۳	۱۶۲۳، ۱۴۷۲، ۱۸۵	میرزا عبدالله: ۱۵۶۸
میرزا محمدقاسم کرمانی: ۱۳۲۱		میرزا عبدالخالق عظیم آبادی هندوستانی: ۱۳۷۶
میرزا محمدقاسم گنابادی: رش به قاسمی گنابادی		میرزا عبدالرحیم تبریزی اصفهانی: ۱۲۷۱
میرزا محمدقلی خان تکلو: رش به میلی هروی		۱۲۷۵، ۱۲۷۲
میرزا محمدقلی سلیم طرشتی تهرانی: رش به سلیم تهرانی	۱۴۰۹	میرزا عبدالغنی قبول کشمیری: ۱۴۰۹
میرزا محمد نائینی: ۲۷۲		میرزا عزیز: ۸۴۱
میرزا محمد مهدی خان استرآبادی: ۱۵۷۰	۱۶۸۵، ۴۵۴	میرزا عسکری: ۱۶۸۵، ۴۵۴
میرزا محمدولی دشت بیاضی: رش به ولی دشت بیاضی	۷۳۱، ۷۱۹	میرزا علاءالدوله قزوینی: ۷۳۱، ۷۱۹
میرزا محمدیوسف قزوینی: ۱۷۷۴، ۱۷۴۴		میرزا علی اکبر: ۲۳۸
میرزا محمود قمی: ۳۲۲	۱۵۵۴، ۱۵۰۳	میرزا غیاث‌الدین علی: ۱۵۵۴، ۱۵۰۳
میرزا مخدوم شریفی: ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۷۳		۱۵۵۶
میرزا مراد: ۴۵۹، ۴۸۳		میرزا فصیح: ۱۷۷۴
میرزا مومن شهرستانی اصفهانی: ۱۲۱۲		میرزا فضلای: ۱۵۶۵
میرزا منشی استرآبادی: رش به مهدیخان منشی استرآبادی		میرزا قوام‌الدین جمفریگ: ۱۵۵۶
میرزا مهدی: ۱۳۸۹	۱۵۷۵	میرزا محمد (دانشمند خان): ۱۵۷۵
میرزا نظام‌الدین احمد: رش به نظام‌الدین احمد	۱۶۰۶	میرزا محمدباقر موسوی خوانساری: ۱۶۰۶
میرزا نظام‌الملک: ۲۳۸		۱۶۲۴
میرزا نظام‌الدین: رش به نظام دستغیب		میرزا محمد بن میرزا بدیع مشهدی: ۱۵۵۷
میرزا نظام‌الدین احمد: ۱۵۹۸		میرزا محمد جلال‌الدین طباطبایی: ۱۴۹۲
میرزا نظام قزوینی: ۱۷۳۶، ۱۷۳۵، ۱۵۰۵		میرزا محمدصادق صادقی اصفهانی: ۱۴۹۱
میرزا نورا... اصفهانی: رش به ضیاء اصفهانی	۱۷۵۲، ۱۷۵۱، ۱۷۵۰	۱۵۴۹، ۱۷۵۲، ۱۷۵۱، ۱۷۵۰
میرزا هندال: ۴۵۴		میرزا محمدصادق مینا: ۱۷۵۰
میرزا یوسف: ۱۳۴۸		میرزا محمدطاهر خان: ۱۲۴۵
		میرزا محمدطاهر وحید قزوینی: ۱۷۹، ۵۳۹
	۱۷۷۴، ۱۵۹۹، ۱۵۶۸، ۱۵۳۱	۱۷۷۴، ۱۵۹۹، ۱۵۶۸، ۱۵۳۱
		میرزا محمدعلی: رش به صائب تبریزی

- میرزای جلوه: ۳۲۲
 مینورسکی: ۱۶۸۰، ۱۶۷۸، ۷
 میرزا محمدحسین نیشابوری: رش به نظیری
 نیشابوری
 میرزا علی بن احمد: ۳۲۸
 میرزا محمدرضا همدانی: رش به امید همدانی
 میرزا محمدرضای قمشینی: ۳۲۲
 میرزا عیسی اصفهانی: ۴۱۸
 میرزا محمد شرفالدین محمدبن محمد رضای
 تبریزی: رش به مجذوب تبریزی
 میرزا محمد شیرازی: رش به عالی شیرازی
 میرزا مهدی کوکب: ۱۸۰۶
 میرزا غیاث‌الدین علی بن آقاملا: ۹۲۱، ۹۲۰
 میرزا فخرای قمی: ۱۳۷۳
 میرزا نصیح‌الدین فصیحی انصاری هروی: رش
 به فصیحی هروی
 میرزا قاسم... بدخشی: ۱۳۴
 میرزا مهدی منشی: ۱۵۵۱، ۱۶۰۰
 ۱۸۱۰-۱۸۰۵
 میرزا محمدیوسف: ۱۵۶۰، ۱۸۰۶
 میرزا وحید قزوینی: ۱۵۶۰
 میلی‌هروی: ۷۲۹، ۷۳۵
 ن
-
- میرزا محمد: رش به مخلص کاشی
 میرزا محمد اخباری نیشابوری: ۱۵۱۶، ۱۴۱
 میرزا محمد استرآبادی: رش به محمد
 استرآبادی
 میرزا محمدباقر خوانساری: رش به محمدباقر
 خوانساری
 میرزا محمدبن محمدرضای قمی: ۲۴۸
 میرزا محمدتقی: ۱۱۱۸
 نادر سمرقندی: ۴۵۴
 نادرشاه افشار: ۵، ۸، ۹، ۲۵، ۳۲، ۳۷
 ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۵۰
 ۵۹، ۶۲، ۶۸، ۸۳، ۹۱، ۱۰۶، ۱۱۰
 ۱۳۸، ۱۵۴، ۱۷۷، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۶۶
 ۳۹۴، ۴۲۷، ۵۸۳، ۵۸۴، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰
 ۱۶۰۰، ۱۸۰۶، ۱۸۰۷، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰
 نادرشاه افغان: ۱۵۵۹
 نادرقلی بیگ افشار: رش به نادرشاه افشار
 نادری ترشیزی: ۴۵۸
 نادم گیلانی: ۴۷۴
 نادم لاهیجانی: ۶۲۹
 نارنجی سلطان بن یاری سلطان شهرزوری:

نشانی احمد: ۱۵۹۵	ناصر خسرو: ۳۱۲، ۳۱۳
نصرآبادی: رش به محمد طاهر نصرآبادی	ناصرالدین محمد شاه: ۳۵۳، ۳۹۳، ۴۰۹
نصرالدین محمد همایون: ۱۳، ۱۴، ۴۳، ۴۷	۱۳۱۶، ۱۴۱۵، ۵۸۳
۴۸، ۴۹، ۵۹، ۸۴، ۸۵، ۳۰۵، ۳۵۶	ناصرالدین همایون: ۴۷، ۴۵۰، ۴۵۲، ۴۵۴
۳۵۷، ۴۰۶	۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۲، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۹۵
نصرالله قاضی: ۱۵۵۵	۶۱۰، ۶۱۱، ۶۲۵
نصرین احمد سامانی: ۱۷۰۰	ناصرعلی سهرندی (سرهندی): ۴۳۹، ۴۶۲
نصرالله بن حسن استرآبادی: ۲۶۷	۵۱۴، ۵۱۷، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۳۴، ۵۳۵
نصرا... زیتونی: ۱۷۱	۵۶۸، ۶۰۱، ۶۲۴، ۶۸۲، ۱۳۴۰ - ۱۳۶۴
نصرا... فلسفی: ۷، ۷۹، ۱۰۳، ۱۱۸	ناظم الاطباء نفیسی: ۱۲۲، ۴۱۱
۵۸۰، ۱۴۸۳	ناظم تبریزی: ۹۵۱، ۱۲۶۹
نصرالبیان: ۱۵۹۲	ناظم هروی: ۵۰۳، ۵۶۰، ۵۶۸، ۵۹۶
نصیبی گیلانی: ۶۴۴ - ۶۴۸، ۵۲۸	۱۲۶۶ - ۱۲۷۰
نصیرا: ۵۵۸	ناظمی: ۱۱۳۵
نصیرا: رش به نصیرالدین	نثاری بخاری: ۵۱۰، ۵۱۱
نصیرالدین حسین به عبدالوهاب بیهبانی: ۲۷۲	نثاری تونی: ۶۲۶
نصیرالدین چراغ دهلی: ۳۸۸	نجاتی گیانی: ۶۱۵
نصیرالدین محمد بن عبدالکریم انصاری	نجف: ۵۶۰
استرآبادی: ۱۴۸۷	نجم الدوله (پسر توسن الدوله اسحاق خان):
نصیرالدین همایون: رش به ناصرالدین همایون	۳۸۸
نصیرای کاشی: ۱۰۶۰	نجم الدین دبیران: ۲۹، ۲۹۸، ۳۰۳، ۳۰۴
نصیرای همدانی: ۴۰۳	۳۰۶
	نجم الدین کبری: ۲۲۶
	نجم ثانی: رش به یار احمد اصفهانی
نظام الدین احمد قزوینی: ۱۶، ۱۴، ۳۶۴	نجیب الدین متوکل: ۱۶۲۰
۳۶۶، ۶۸۲	نور محمد خان: ۵۱۱
نظام الدین احمد گیلانی: رش به نظام الدین احمد	نرون: ۹۷
نظام الدین احمد: ۷۰۰، ۷۵۵	نزارین مستنصر: رش به المصطفی لدین الله
نظام الدین احمد بن ابراهیم بن سلام...: رش	نسلمن: ۳۵۱
	نسیم: ۱۵۲۰، ۱۵۲۳، ۱۵۳۸

ملای دواتدار فزونی: رش به میرزا جعفریگ	به سلطان الحکما
آصفخان	نظام الدین اولیاء: ۱۳۴۲، ۸۴۵، ۲۲۱
نوایی - (دکتر عبدالحسین): ۱۴، ۷، ۱۶	نظام الدین پانی پتی: ۱۴۸۲، ۳۷۰، ۳۱۱
نوح: ۱۴۷۵، ۶۳۰، ۱۵۱	نظیری نیشابوری: ۴۷۳، ۵۴۷، ۴۴۸، ۱۲۳
نوح افندی: رش به نوح افندی حنفی	۴۸۶، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰
نوح افندی حنفی: ۱۶۷، ۱۶۶	۵۵۰، ۵۵۱، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۲۱، ۸۷۴
نورمحمد خان: ۱۲۸۶، ۱۲۸۵	۱۲۴۶، ۱۰۶۴، ۹۵۱، ۹۱۶، ۸۹۷
نورالحق دهلوی: ۱۵۷۱	نعمت خان عالی: ۱۷۸۹ - ۱۷۹۱
نورالدین: ۴۶۸، ۴۶۶	نعمت... بن احمد بن قاضی مبارک رومی:
نوش آفرین: ۱۵۲۳	۳۹۳، ۳۹۲
نظام الدین عبدالملی بن محمدحسین بیرجندی	نعمت... خان عالی: رش به عالی شیرازی
حنفی: رش به ملا عبدالملی بر محمد	نعمت... وصلی: رش به میرنعمت... وصلی
بیرجندی	نعمت... نیمی الدین نعمت... ثانی: رش به شاه نعمت... یزدی
نظام الدین عشرت سیالکونی قرشی: ۵۸۴	نعمی رومی: ۱۰۹۷ - ۱۰۹۰، ۶۲۰
نظام الدین علی خلیفه مرغلانی: ۳۶۶	نعمی نعمت سرا: رش به نعمی رومی
نظام الدین علی: ۱۱۹۳	نفس بن عوض کرمانی: ۳۶۰
نظام الدین علی طباطبائی جهرمی: ۱۰۰۰	نقد علی بیگ: ۷۸، ۵۵
نظام الدین علی کاشی: ۱۰۵۷	نقی: رش به شیخ علی نقی کمره ای
نظام الدین محمد بدآونی: ۱۶۲۰	نقیب بن عبداللطیف حسینی: ۱۵۴۶، ۱۵۴۵
نظام الدین نیشابوری: ۳۵۰	۱۶۳۶، ۱۵۵۵
نظام استرآبادی: ۶۲۲	نگار: ۶۰۱
نظام الملک آصفخان: ۱۴۱۸، ۱۴۱۵	نواب انجم سپاه: رش به امام قلی خان استاجلو
نظام الملک: ۱۷۸۱	نواب عالی: رش به شاه عباس صفوی
نظام بن حسین ساوجی: ۱۰۴۲	نواب غضدالدوله جمال الدین حسین ابنجو: رش
نظام الدین احمد هروی: ۱۶۸۲، ۱۵۷۱	به جمال الدین حسین ابنجو
نظام دستنویس: ۱۰۱۲، ۶۲۰، ۶۱۷ -	نواب مصمص الدوله: رش به میرعبدالرزاق
۱۰۱۶	خوافی
نظام شاه اسماعیل: ۹۵۰	نوام محمد صدیق حسن خان: ۴۵۶
نظام شاه بحر: ۶۶۴، ۶۶۲، ۴۴۸	نواب میرزا قوام الدین بن بدیع الزمان بن آقا
نظام شاه برهان ثانی: ۹۵۱	

نورالدین محمد عوفی: رش به عوفی	نظامشاه مرتضی: ۹۵۱، ۹۵۰
نورالدین کاشانی: ۳۲۹	نظامشاه میران حسین: ۹۵۰
نورالدین قراری: ۱۵۹۶	نظامشاهی: ۱۹۹
نورالدین محمد: ۱۵۹۶، ۰۸۷۴، ۰۸۴۹، ۰۳۵۵	نظام کلاغ: ۶۳۱
نورالدین محمد قاضی خاقانی: ۱۴۸۹	نظام معمایی: ۶۲۶
نورالدین محمدین مرتضی: ۲۴۸، ۰۲۲۷	نظامی: ۰۳۸۹، ۰۳۸۱، ۰۳۷۴، ۰۳۶۹، ۰۳۰۶
نورالدین محمد جهانگیر: رش به نورالدین جهانگیر	۰۳۹۰، ۰۳۹۱، ۰۵۱۵، ۰۵۲۰، ۰۵۲۲، ۰۵۴۹
نورالدین محمد خان: ۵۹۰	۰۵۸۸، ۰۵۹۲، ۰۵۹۳، ۰۵۹۴، ۰۵۹۵، ۰۵۹۶
نورالدین محمد نظیری: ۹۰۷	۰۵۹۷، ۰۵۹۹، ۰۶۱۲، ۰۶۱۳، ۰۶۱۵، ۰۶۲۰
نورالدین نوری: ۶۰۸	۰۶۲۵، ۰۶۵۸، ۰۶۵۹، ۰۷۰۴، ۰۷۰۶، ۰۷۰۷
نورا... اصفهانی: ۵۹۹	۰۷۲۰، ۰۷۲۴، ۰۷۲۷، ۰۷۴۹، ۰۷۵۱، ۰۷۵۲
نورجهان بیگم: ۰۴۸۱، ۰۴۸۰، ۰۴۵۹، ۰۴۵۸	۰۷۶۳، ۰۸۵۰، ۰۸۵۱، ۰۸۵۲، ۰۸۷۴، ۰۹۱۷
۰۴۸۲، ۰۴۸۸، ۰۵۸۱، ۰۹۹۰، ۰۱۰۶۱، ۰۱۰۹۸	۰۹۲۰، ۰۹۲۳، ۰۹۶۹، ۰۹۷۰، ۰۹۷۱، ۰۹۸۲
۰۱۱۴۹، ۰۱۱۷۲، ۰۱۲۲۴، ۰۱۲۳۴، ۰۱۶۸۶	۰۹۹۰، ۰۱۰۷۹، ۰۱۰۹۳، ۰۱۱۳۷، ۰۱۱۹۵
۱۶۸۸، ۱۶۸۹	۱۲۸۶، ۱۳۲۲
نورس دملوندی: ۰۶۰۶، ۰۵۵۱، ۰۵۲۳، ۰۵۱۴	نظیری: ۹۰۲
۰۱۲۷۲، ۰۱۳۳۰، ۱۳۳۲	نورالحسن: ۱۶۹۸
نورعلی: ۲۱۳	نورالحق: ۱۷۰۳، ۱۷۰۴
نوروز: ۱۵۲۲	نورالدین اصفهانی: ۵۲۶، ۵۲۵
نوروز شاه: ۱۵۲۲	نورالدین بن محمد تورا... شروانی: ۲۴۷
نوعی خبوشانی: ۰۵۲۸، ۰۵۲۳، ۰۵۲۲، ۰۴۷۴	نورالدین جهانگیر: ۰۴۷، ۰۴۹، ۰۱۱۳، ۰۱۶۹
۰۵۳۰، ۰۵۵۸، ۰۶۰۰، ۰۶۰۶، ۰۶۱۷، ۰۶۱۸	۰۲۷۲، ۰۲۷۶، ۰۳۷۷، ۰۳۷۹، ۰۳۸۹، ۰۴۰۷
۷۹۴-۸۸۳	۰۴۵۰، ۰۴۵۸، ۰۴۶۰، ۰۴۶۲، ۰۴۶۵، ۰۴۷۲
تورنگ خان: ۷۳۲، ۰۷۳۱	۰۴۷۶، ۰۴۸۰، ۰۴۸۱، ۰۴۸۳، ۰۵۷۸، ۰۵۸۱
نوری اصفهانی: ۸۲۴-۸۱۸	۵۹۹، ۵۹۶
نویدی اصفهانی: ۰۴۴۸، ۰۵۱۸، ۱۱۱۵-	نورالدین: ۸۲۵، ۰۸۲۴
۱۱۱۷	نورالدین شیرازی: ۳۵۹
نویدی تبریزی: ۱۱۱۵	نورالدین عبدالرحمن جامی: رش به جامی
نویدی تهرانی: ۵۱۸	نورالدین عبدا... حکیم شیرازی: رش به
	نورالدین شیرازی

۱۳۲۱، ۱۳۲۴، ۱۳۳۶، ۱۳۵۲، ۱۳۵۴
 ۱۳۶۸، ۱۳۸۶، ۱۳۹۸، ۱۴۰۵، ۱۴۱۴
 ۱۴۹۳، ۱۶۱۲، ۱۶۳۳، ۱۷۰۵، ۱۷۹۷-
 ۱۸۰۴، ۱۸۰۲

وجیه‌الدین سلیمان: ۱۵۹۳

وجیه‌الدین عبدا... لسانی: رش به لسانی
 شیرازی

وجیه‌الدین نسف آقای نکلو: رش به شانی
 نکلو

وحشی جوشقانی: ۸۶۹-۸۷۵

وحشی بافقی: ۵۰۳، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۳،
 ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۴۴، ۵۵۲،
 ۵۹۷، ۶۰۸، ۶۱۳، ۶۲۰، ۶۲۶، ۶۲۸،
 ۶۲۹، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۳۶، ۷۶۰-۷۷۷،
 ۷۹۳، ۸۲۸، ۸۷۸، ۹۲۹، ۹۷۸، ۱۰۱۸،
 ۱۳۱۴

وحشی یزدی: ۵۲۹

وحید قزوینی: ۱۳۵۱، ۱۳۴۶، ۱۵۶۸

وحیدالدین گجراتی: ۴۶۰

وحیدالدین ابوالحسن محمد: ۲۲۴

وحیدی تبریزی: ۴۰۲، ۵۸۷، ۶۲۹، ۶۳۲

وحید دستگردی: ۱۱۶۶۳، ۱۷۸۵، ۱۷۸۶

وحید شوشتری: ۱۷۰۵

وحیدی قمی: رش به وحیدی تبریزی

وصال شیرازی: ۷۶۶، ۷۶۷

وصلی: رش به خواجه محمدظاهر

وفایی: رش به زین‌الدین خوانی

وفایی اصفهانی: ۴۵۷

وقاری: رش به غازی بیگ وقاری

نویدی شیرازی: ۵۱۸، ۱۱۱۵

نویدی نیشابوری: ۴۵۸

نیک اختر: ۱۵۲۳

نیک اقبال: ۱۵۲۶

نیکدخت: ۱۵۴۳، ۱۵۴۹

نیلکه این بهکوتیداس کایه: ۳۹۷

نیکوسیر: ۴۹

نیال چند: ۱۵۳۸

و

واحد: رش به ملا رجبعلی تبریزی

واختانگ ششم: ۳۰، ۳۶

وارث علی سیفی: ۵

وارسته: رش به سیالکوتی مال

واعظ قزوینی: ۵۶۸، ۵۸۳، ۶۳۰، ۱۳۰۱-

۱۳۰۶، ۱۴۹۴

واصبا قندهاری: رش به ملا واصبا

واصفی هروی: ۱۴۷۷، ۱۶۳۱

واضع بخاری: ۱۵۷۷

والمیکی: ۱۵۴۷

واله داغستانی: ۳۸۱، ۴۶۳، ۴۷۶، ۵۲۹،

۵۴۸، ۵۹۰، ۶۰۲، ۶۳۷، ۶۴۲، ۶۴۵،

۶۴۸، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۷، ۶۷۴، ۶۸۰،

۷۱۷، ۷۳۵، ۷۴۶، ۷۶۱، ۸۱۸، ۸۲۰،

۸۲۴، ۸۵۸، ۸۶۹، ۸۷۷، ۹۳۷، ۹۴۵،

۹۷۳، ۱۰۲۴، ۱۰۵۶، ۱۰۹۹، ۱۱۴۴،

۱۲۰۴، ۱۲۱۲، ۱۲۳۴، ۱۲۷۱، ۱۳۰۲،

- و قوعی نیشابوری: ۱۶۸۱، ۱۴۵۷
 وکیل السلطنه: رش به محمد بیرام بدخشانی
 ولادیمیر ایوانف: ۷۸۳
 ولی...: رش به سید محمدین فلاح واسطی
 ولسی دشت بیاضی: ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۲۶
 ۵۳۲، ۵۳۰، ۷۳۰، ۷۳۲، ۸۲۷-۸۳۲، ۱۰۰۱
 ۱۰۵۹
 ولیجان سلطان: ۹۵۹
 ولی سلطان افشار: ۵۰۳
 ولی قلی بیگ شاملو هروی: ۱۲۹۳، ۱۳۰۶
 ۱۳۰۷، ۱۵۶۹، ۱۷۷۷-۱۷۷۹
 ولینسکی: ۵۶
 ون سان دالاندری: ۱۵۲
 ویلس: ۱۵۴۴
 وین چنو دالاندری: ۱۷
 ویلیام اوزلی: ۱۶۱۵
- ه
- هاشمی کرمانی: ۶۱۲، ۶۵۳-۶۶۲
 ۱۶۶۴
 هانری گرین: ۳۰۶، ۳۲۱
 هجری: رش به محمد شریف
 هجری: ۷۳۷
 هجری قمری: ۶۳۸، ۷۳۵-۷۴۱، ۷۶۶
 هدایت: رش به رضا قلیخان هدایت
 هدایت علی اسلام آبادی: ۱۵۲۸
 هرکون بن متهراداس کنبوه مولتانی: ۴۰۷
 هرمان انه: ۵۷۶، ۵۷۸، ۶۰۰، ۶۰۱
 ۱۲۱۲، ۱۲۶۶، ۱۴۸۵، ۱۴۸۹، ۱۵۱۲
 ۱۵۱۵، ۱۵۱۸، ۱۵۳۷، ۱۵۴۵، ۱۵۷۷
 ۱۵۷۸، ۱۵۹۸، ۱۶۱۲، ۱۶۱۶، ۱۶۱۹
 ۱۶۲۷، ۱۶۴۷، ۱۶۵۱، ۱۶۶۰، ۱۶۸۲
 ۱۶۸۸، ۱۶۹۶، ۱۷۰۵، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹
 ۱۷۵۶، ۱۷۵۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۷، ۱۷۹۵
 ۱۸۰۲
 هرمنز: ۱۵۲۷، ۱۶۴۹
 هرمنس: ۳۳۷، ۱۴۹۴
 هروی: رش به فخری هروی
 هزارگیسو: ۱۵۲۲
 هلاکی همدانی: ۵۲۵، ۶۲۷
 هولانگوی مقبول: ۴۶۶، ۱۷۰، ۱۹۸، ۶۶۳
 ۱۵۵۴، ۱۶۵۷
 هلالی جفتایی: ۱۶۴۶
 هلالی: ۵۴۴، ۱۰۳۵، ۱۰۶۹
 همای: ۱۵۸۷
 همادالدین: رش به حکیم هماد
 همادالدین: ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۱۰۲۳
 همایون: رش به حکیم هماد
- هانفی: ۵۴۹، ۵۹۳، ۵۹۴، ۷۱۵، ۷۱۸
 ۷۲۱، ۷۲۴، ۱۶۴۶
 هادی سبزواری: رش به حاج ملا هادی
 سبزواری
 هادی حسن: ۷۵۵
 هارون الرشید: ۵۸۵، ۱۵۲۴، ۱۵۳۴
 ۱۵۳۵، ۱۵۳۸
 هاشمی بخاری: ۵۲۳
 هاشم قصه خوان: ۴۵۸

یحیی لاهیجانی: ۵۲۵	همایون: رش به ناصرالدین محمد همایون
یزدگرد: ۱۵۱۵، ۱۵۵۴، ۱۵۸۴، ۱۶۸۴	همایون: ۱۵۲۵
۱۷۲۹	همایون پادشاه: ۶۶۶، ۶۹۶، ۷۵۵، ۷۵۶
یزیدین معلویه: ۱۲۵	۷۵۸، ۸۴۱، ۱۴۵۲، ۱۴۸۶، ۱۴۹۹
یسوگای بهادر: ۱۶۱۶	۱۵۴۶، ۱۵۵۳، ۱۵۷۲، ۱۵۹۶، ۱۶۲۰
یعقوب بایندری: رش به سلطان یعقوب	۱۶۳۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۷۳
بایندری	۱۶۸۵، ۱۶۹۹، ۱۷۲۷، ۱۷۴۳
یعقوب شاه نورا...: ۶۲۶	همایون قلی: رش به حکیم همایون
یعقوب صدفی کشمیری: ۴۸۴	همت خان: ۱۳۹۸، ۱۵۴۱
یعقوب لیث صفار: ۱۶۵۰	هندو: ۱۷۵۸
یمین الدوله آصف خان: ۱۴۵۵، ۱۴۵۶	هوشنگ پیشدادی: ۱۴۷۷، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳
۱۷۶۶	۱۴۹۴، ۱۷۰۰
یوحنا بن سرافیون: ۳۵۹	هوشنگ هانریا: رش به درویش فانی
یسوسف: ۹۷۰، ۹۸۵، ۱۱۲۵، ۱۱۹۹	هیبت خان بن سلیم خان کاکر: ۱۷۱۲
۱۲۶۸، ۱۲۸۴	هیر: ۶۰۱، ۱۴۰۵
یوسف انصاری: ۱۵۸۳	
یوسف بدیعی: ۳۹۸	
یوسف بن محمد بن یوسف طیب هروی: رش	
به یوسفی هروی	
یوسف بیگ: ۴۲۴	
یوسف بیگ توشمال: ۴۲۵	
یوسف جمال: ۱۵۲۲	
یوسف خان رضوی مشهدی: ۸۸۴	
یوسف سلطان: ۱۱۵۹	
یوسف سلمانی: ۱۵۳۸	
یوسف عادلشاه: ۴۴۷، ۴۴۸	
یوسف قلی بیگ: ۴۶۹	
یوسف مودود: ۸۴	
یوسفی هروی: ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۱، ۱۴۸۶	
۱۵۹۵	
	ی
	یاراحمد اصفهانی: ۶۶، ۶۷، ۱۵۸، ۱۵۹
	۱۶۳
	یاربیگ: ۴۶۹
	باری سلطان شهرزوری: ۴۲۴
	یاسمی: رش به رشید یاسمی
	یاقوت حموی: ۱۵۱۷
	یاقوت مستعصمی: رش به مستعصمی
	یتیم سلطان: رش به دین محمد خان ازبک
	یحیی بن زکریا المفتی: ۱۶۱۹
	یحیی (یوحنا) بن ماسویه: ۳۵۹
	یحیی قزوینی: ۵۸۱

یولقلی ییگ انبسی شاملو، رش به انبسی شاملو

بونس بوفاخان: ۵۱

بونس مغول: ۵۱

۲- فهرست اسامی کتب و رسالات

۰۱۰۹۷	۰۱۱۱۱	۰۱۱۲۶	۰۱۱۳۵	۰۱۱۴۷	
۰۱۱۵۸	۰۱۱۷۱	۰۱۱۸۳	۰۱۱۹۳	۰۱۲۰۹	
۰۱۲۱۲	۰۱۲۲۳	۰۱۲۴۷	۰۱۲۵۵	۰۱۲۶۶	
۰۱۲۷۱	۰۱۲۷۹	۰۱۲۸۸	۰۱۳۰۱	۰۱۳۰۶	
۰۱۳۱۴	۰۱۳۲۱	۰۱۳۴۷	۰۱۳۴۸	۰۱۳۵۸	
۰۱۳۶۷	۰۱۵۸۹	۰۱۶۱۲	۱۶۵۹		
آتشکده یزدان: ۲۹۷					
آثار الشباب: ۷۰۱					
آثار عجم (فرصت الدوله شیرازی): ۲۳۸					
۲۳۹	۲۹۹	۳۰۰			
آثار المصنفین: ۱۶۲۳					
آداب البعث (حسینی سمرقندی): ۲۹۱					
آداب البعث (قاضی ایجی): ۲۹۰					
آداب الحرب والشجاعه (فخر مدبر): ۳۶۵					
آداب السالکین: ۱۴۶۱					
آداب عباسی: ۱۴۶۷					
آداب مناظره (استرآبادی): ۲۹۲					
آذر و سمندر: ۵۹۷	۹۶۸	۹۷۰			
آرایش نگار: ۱۲۷۷					
آسمان هشتم (میرجمله): ۵۹۶	۶۱۳				
آسمان هشتم (روح الامین اصفهانی): ۱۱۲۲					
۱۱۲۳					
آشوب هندوستان: ۵۸۲					
آفتاب عالمتاب: ۷۳۷	۱۲۸۹				
آمال الایمان (در علم کلام): ۳۰۳					
					آ

					آنین اکبری: ۴۵۲، ۴۵۷، ۷۸۹، ۸۴۱
					۹۳۱، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱
					آنین سکندری (عبدی یگ): ۵۹۵
					آنین هوشنگ: ۳۷۲
					آنینه جمال: ۶۹۶
					آنینه حق نما: ۲۷۷
					آنینه خیال: ۷۰۶
					آنینه شاهی: ۱۴۹۵
					آتشکده آذر: ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۱۵، ۳۱۷
					۳۲۶، ۳۲۸، ۴۰۲، ۴۶۹، ۴۹۰، ۴۹۸
					۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۴، ۵۱۰، ۵۲۵، ۵۸۷
					۶۳۷، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۴۹، ۶۵۳، ۶۵۶
					۶۶۲، ۶۶۷، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۴، ۶۸۰، ۶۹۴
					۷۰۰، ۷۱۷، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۳۵
					۷۴۱، ۷۴۶، ۷۷۷، ۷۸۲، ۷۹۲، ۷۹۹
					۸۰۸، ۸۱۹، ۸۲۷، ۸۳۳، ۸۳۹، ۸۵۸
					۸۷۳، ۸۷۷، ۸۸۴، ۸۹۲، ۸۹۷، ۹۱۷
					۹۲۰، ۹۲۸، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۷، ۹۳۸
					۹۴۴، ۹۵۰، ۹۵۲، ۹۵۸، ۹۶۶، ۹۶۷
					۹۷۷، ۹۸۹، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۷
					۱۰۲۴، ۱۰۳۱، ۱۰۳۵، ۱۰۳۹، ۱۰۵۶
					۱۰۶۲، ۱۰۶۹، ۱۰۷۵، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴

- آنسیکلو پدی اسلام: ۶۶، ۱۱۷، ۲۷۴
 ۱۲۱۲، ۵۱۶
 آیات الاحکام اردبیلی: رش به زبده البیان فی
 برهین احکام القرآن
 آیات الاحکام (سترآبادی): ۲۵۰
 آیات الاحکام (شرفی): رش به تفسیر شاهی

الف

- ابواب البیان: ۱۴۹۶
 ابواب الجنان: ۲۶۹، ۱۳۰۲، ۱۴۷۳، ۱۴۹۴
 ابومسلم نامه: ۱۹۰، ۵۸۷، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۵
 اینکبوت: ۱۷۶۸، ۱۷۶۹
 انولوجیا: ۳۳۷
 اخلاق ناصری: ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۶۱۰
 احسن التواریخ: ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۶۵، ۷۰، ۸۰، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۳۰، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۷۵، ۴۲۶، ۴۳۴، ۴۳۷، ۶۳۹، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۹، ۶۸۱، ۶۸۲، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۹، ۱۵۵۱، ۱۵۵۶، ۱۵۶۵، ۱۶۶۰، ۱۶۶۳، ۱۶۶۶، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۳، ۱۶۸۰، ۱۶۹۲، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷
 احسن الدعوات: ۱۲۴۴
 احسن القصص: ۱۵۱۸
 احکام عبارات: ۲۶۹
 احوال الخوافین: ۱۵۷۵
 احوال و اشعار فارسی (شیخ بهائی): ۳۵۲، ۱۰۴۰
 احیاء الملوک: ۱۵۷۸، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴
 اخبار جهانگیری: ۱۷۴۶
 اخلاق جهانگیری: ۱۴۸۹
 اخلاق حکیمی: ۱۴۸۸
 اخلاق حسنی: ۱۴۹۲
 اخلاق شقایب: ۱۴۸۶
 اخلاق شمیة: ۱۴۸۵، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸
 اخلاق طهماسبی: ۱۴۸۷
 اخلاق قطبشاهی: رش به اخلاق حسنی
 اخلاق محسنی: ۱۴۸۵، ۱۶۰۸
 اخلاق منصوری: ۳۰۳، ۱۴۸۶
 اخلاق ناصری: ۲۸۷، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۶۱۰
 اخلاق همایون: ۱۴۸۵، ۱۶۱۰
 ادبیات هند: ۱۳۸۹
 اربعینات: ۲۵۵
 اربعینات (قاضی قمی): ۳۳۷، ۳۳۹
 اربعین (شیخ بهائی): ۲۵۵، ۱۴۷۰
 ۱۴۹۷، ۱۶۶۸
 اردبیل در گذرگاه تاریخ: ۶
 ازهار مشوی و انوار معنوی: ۲۲۳
 اساس الاقتباس: ۱۶۱۰، ۱۶۱۱

- التحفة الهادية: ٣٩٦
 التعليم المسيحي: ٢٧٦
 التكملة في شرح التذكرة (خضري): ٣٤٧، ٣٥٠
 التكملة في شرح التذكرة (يزدي): ٣٥٠
 التهذيب في المنطق (يزدي): ٣٤٩
 الاحاديث القدسية: ٢٥٩
 الاحتجاج على اهل اللجاج: ١٦٧٧، ١٦٢٥
 الحدائق النديه: رش به شرح كبير
 الحدائق الوردية في السوانح المعراجية: ٣٤٠
 الحشائش: ١١٤
 الحق المبين: ١٦٠٤
 الحقائق: ٣٣٤
 الحقائق القدسية والرفائق الانسية: ٣٢١، ٢٢٧
 الحكمة المرشبة: ٣٢٣، ٣٢٢، ٣٢١، ٢٥١
 الحكمة العلوية: ٢٨٢
 الحكمة المتعاليه (ملاصدرا): ٣٢١، ٢٧٥
 ٣٢٣، ٣٢٢
 الجامع: رش به استبصار الاخبار
 الجبر و الاختيار: ٣١٥
 الجزء الذي لا يتجزأ: ٣١٥
 الجمع والمصادر: ٤٠٩
 الجواهر الخمس: ٢٢٥
 الجواهر السنية في الاحاديث القدسية: ٢٥٩
 الحكمة الخالده: رش به جاويدان خرد
 الديات والقصاص: ١٤٧٤، ٢٧٠
 الذريعة: ٢٩٧، ٢٨٢، ٢٠٥، ١٩١، ١٩٠
 ٢٩٩، ٣٠٣، ٣١٩، ٣٢٢، ٣٢٦، ٣٢٨
 ٣٥٢، ٤١٦، ٨٥٨، ٩٥٠، ١٠١٩، ١٠٢٠
 ١٤٦٤، ١٤٧٦، ١٤٧٩، ١٤٩٦، ١٥١٦
 اسرار الاولياء: ٨٤٥
 اسرار الاطباء: ٣٦٤
 اسرار الايات و انوار الينيات: ٢٥٠
 اسرار القرآن: ١٧٣١
 اسرار مكتوم: ٧٠٦، ٦١٣
 اصداق لال: ٦٩٦
 اعلام المحيين: ٢١٧
 اعيان الشيمه: ٣٤١، ٣١٩، ٢٨٢، ٢٠٥
 ١٦١٦، ١٦٠٨
 افسانه الغرائب: ١٥٣٦
 افصح الاحوال: ١٥٧٩
 افصح الاخيار: ١٧٣٣، ١٥٥٧
 افكار الشريف: ٤٠٠
 اقبال نامه جهانگيري: ١٧٢٧، ١٧٢٦
 اكبرنامه: ٨٤١، ٨٠٤، ٤٩، ٤٧، ١٤، ٦
 ٨٥٠، ٨٥١، ٨٨٦، ١١٩٤، ١٤٥٣
 ١٥٧٢، ١٦٤٣، ١٦٤٦، ١٦٣٧، ١٦٨٦
 ١٦٩٨، ١٦٩٩، ١٧٠١، ١٧٥٧
 الابنيه عن حقايق الادويه: ١٢٠
 الاتحاف السنيه بالاحاديث القدسية: ٢٥٩
 الاربعين: ١٤١
 الارشاد في معرفة حجج الله على المباد: ١٤٧١
 الانساب سمعاني: ١٥١٧
 الانصاف: ٣٣٤، ٣٣٥
 البلد الامين والدرع الحصين: ١٤٦٧
 البوارق الملكوتيه: رش به الطلائع والبوارق
 البيان في احوال صاحب الزمان: ١٤١
 التجريد في الحكمة: ٣٠٣
 التحفة الحانويه: ٣٥١

الصحيح جوهرى: ٣٩٠	١٦٢٤، ١٦١٦، ١٦٠٨، ١٥٦٧، ١٥٢١
الصحيحة: ٣٥١	١٦٧٩، ١٧٨٦، ١٨١٠
الصراط المستقيم: ٣٠٦	الذكرى: ٣٥٣
الطريق التقوم فى شرح الصراط المستقيم:	الربوبية: رش به كتاب اتولوجيا
١٧٠٣	الرجال الضمفاء ابن غضائرى: ٤١٧
الطلائع والبارق: ٣٤٠	الردعلى الصوفيه (حرعالملى): ٢١٨
الطهارة: ١٦١٠	الردعلى الصوفيه (خواجوى): ٢١٨
العقد الطهماسي: ٢٦٨	الردعلى الصوفيه الملمونه: رش به الردعلى
الميون والمحاسن: ١٤٧٧	الصوفيه (خواجوى)
الفاظ جليه فى بيان لغات تركية: ٣٩٣	الرسالة الواضحة لاستخراج الايات القرآنيه:
الفتوح اعثم كوفى: ١٦٦٦	٢٤٦
الفرائد البية: رش به شرح صغبر	الروائح السماوية: ٣٠٦
الفيليه ليله: ١٥٤٣، ١٥٣١	الزاهرة: ٤١٤، ١٠٤٢
الفصول المسببه فى اصول الاتمه: ٢٥٨	الاساس: ٣٤٧
الاقاق المين: ٣٠٦، ٣٠٧	السامى فى الاسامى: ٣٩٠
الفوائد الدينيه فى الرد على الحكماء الصوفيه:	السيح الشداد: ٣٠٦
٢٨٢، ٢١٦	الاسفار الاربعه: رش به الحكمة المتعاليه
الفوائد الرضويه: ٣٣٩	السفير فى البيئه: ٣٤٧
الفوائد الضيائيه: ٤١٣	السموم: ١٢٠
الفوائد المدينه: رش به الفوائد المدينه فى الرد	السهام المارقه من اغراض الزنادقه فى الردعلى
على من قال بالاجتهاد والتقليد فى الاحكام	الصوفيه: ٢١٧
الايه	السعادة والاسعاد: ١٤٩٢، ١٤٩٣
الفوائد المدينه فى الرد على من قال بالاجتهاد	الاشارات والتنبيهات: ١٤٥، ١٤٦
والتقليد فى الاحكام الايه: ٢٦٤، ٢٦٥	اللباب فى الفقه: ١٦١٣
الفهرست: ٦٢١	الحاوى الصغير: ١٦١٣
القسطلى (حسينى سمرقندى): ٢٩١، ١٦١١	الاشاعة فى اشراط الساعة: ٢٧٣
الكامل فى التاريخ: ١٥١٠	الشك فى الصلوة: ٢٧٩، ١٤٧٤
الكره المتحركة: ٣٥٠	الشميه فى الحساب: ٣٥٠
الكشف عن القراءات السبع: ٢٤٥، ٣٣٩	الشواهد الربوبيه (ملاصدرا): ٣٢١، ٣٢٣،
الكلمات الطريفه: ٢١٥، ٣٣٤	٣٢٢

- الکلمات الطیبه در حکومت میان میرداماد و
ملاصدرا در اصالت ماهیت اصالت وجود
(فیاض): ۳۲۷
- الکلمات المخزونه: ۳۳۴
- الکلمات المکتونه در دانشهای اهل معرفت و
گفتارهایشان: ۳۳۴
- الکلمات التوریه والایات السریه: ۲۲۷
- الکنى واللقاب: ۲۹۹، ۳۱۹، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۶
- اللالی المستخرجه من کلمات المکتونه: ۳۳۴
- اللوامع الریانیه فی ردالشبهات النصرانیه: ۲۷۷
- اللوامع والمعارض: ۳۰۳، ۳۴۷
- المجالس المحفوظه: ۱۴۷۷
- المبداء والمعاد: رش به الحقایق القدسیه
والرقائق الانسبه
- المبرکات الشاهیه: ۳۶۲
- المحاکات بین الامام والنصیر: ۱۶۳۲
- المحبه البیضاء فی احیاء کتاب الاحیاء: رش
به محبه البیضاء
- الملخص فی الویة: ۳۴۷
- المائل القدسیه (ملاصدرا): ۳۲۱
- المشاعر: ۳۲۱، ۳۲۲
- المصاحف: ۱۴۱
- المظاهر الالیه: ۳۲۱
- المعارف (فیض): ۳۳۳
- المغازی ابن منبه: ۱۶۶۶
- المغازی ابن اسحق: ۱۶۶۶
- المعجم: ۳۹۶
- المغرب فی لغة الفقه: ۳۹۰
- المفاتیح: ۳۲۹
- المقصد الاسنی فی تحقیق ماهیه الحركه و
وجودها: ۳۴۰
- الملل والنحل: ۱۴۷۹، ۱۴۸۱
- المتظم جوزی: ۱۶۶۶
- الموجز فی الطب: ۱۶۴۵
- النفحات الالیه والخواطر الالهامیه: ۳۴۰
- النفحات المکتوبیه: ۲۰۸، ۳۳۱
- النقض: ۱۴۱، ۱۸۹
- النواقض الروافض (شهرزوری): ۲۷۳
- الواردات القلبیه: ۲۸۱، ۳۲۱، ۳۲۳
- الوجیز: ۴۱۸
- الوجیز فی تفسیر القرآن المیز: ۲۴۸
- الوجیز لغت سروری عجم: رش به فرهنگ
سهل و مختصر
- الایضاح (فزوننی): ۴۱۵
- الایقاط من الهجته بالبرهان علی الرجعة: ۲۵۹
- الانوار القدسیه: ۲۸۱، ۳۳۷، ۳۴۰
- الانوار والاسرار: رش به عین الیقین
- امل الآمل: ۱۲۷، ۱۳۶، ۲۰۵، ۲۱۸، ۲۴۳، ۲۵۸، ۲۸۲، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۵، ۳۱۹، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۴۹، ۳۵۲، ۴۱۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۱، ۱۳۰۲، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۸۷، ۱۷۰۵
- ام الملاج: ۳۸۹
- انجمن آرای ناصری: رش به فرهنگ ناصری
- انجیل: ۲۷۵
- اندرز نامه عارف ایگی: ۹۹۶، ۹۹۷
- انموذج العلوم (دوانی): ۲۸۷، ۳۰۲

- انموذج العلوم (شروانی): ۳۱۷
 انوار اسکندری: ۷۴۹
 انوارالتحقیق: ۱۴۹۲
 انوار تجلی (عبدی بیک): ۷۴۹، ۵۹۵
 انوارالتزیل (بیضاوی): ۱۶۶۸، ۲۴۷
 انوارالحکمه (فیض): ۳۳۳
 انوارالربیع فی انواع البدیع: ۴۱۶
 انیس العارفين: ۷۵۰، ۷۴۲
 انیس العاملین: ۱۷۳۱، ۱۴۶۳
 انیس الغافلین: ۱۴۸۸
 انیس المومنین: ۱۵۱۷، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰
 انیس الوحید: ۲۶۱
 اوستا: ۱۱۹، ۳۷۹، ۳۸۰، ۱۴۷۷
 انیس الیال: ۶۵۶
 ابطال الباطل: ۱۷۰۶
 ابطال نهج الباطل و اهمال کشف العاطل:
 ۲۷۲
 ابطال الزمان الموهوم: ۳۰۸، ۳۴۳
 اتحاد العاقل والمقول: ۳۲۱
 اتصاف الماهیه بالوجود (ملاصدرا): ۳۲۱
 اثبات الهدات بالنصوص والممجزات: ۲۵۸
 اثبات واجب (تبریزی): ۳۴۲
 اثبات واجب (خضری): ۳۰۴
 اثبات واجب (سیحای شیرازی): ۳۱۶
 اثبات واجب (مقدس اردبیلی): ۱۴۷۵
 اثبات وحدان اللواجب (ملاشمس): ۳۲۵
 اثنی عشره (حرعاملی): ۲۱۸
 اثنی عشره (شیخ بهائی): ۲۶۹
 اثنی عشره (میرداماد): ۲۶۹
 اجوبه عن مسائل عویصه: ۳۲۱
 احتجاج (طبرسی): ۱۷۱۶، ۱۴۶۸، ۲۶۱
 احوال همایون شاه: ۱۵۷۲
 اخبار الاخیار فی اسرار الابرار: ۱۵۶۲،
 ۱۷۰۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۲
 اخبار آل مظفر: ۱۶۶۷
 اختیار الرجال شیخ الطائفه: ۴۱۷
 اختیارات بدیمی: ۳۶۳
 اخلاق شقایب: ۱۶۳۹
 اخبار الاصفیا: ۱۵۸۳
 احسن الکبار فی مناقب ائمة الاخیار: ۱۶۲۵
 احقاق الحق وازهاق الباطل: ۱۶۹، ۲۷۲،
 ۱۷۰۶
 احیاء علوم الدین (غزالی): ۴۱، ۳۳
 احیای کمال: ۶۹۶
 اصول دین: ۱۴۷۵
 اعتقادات: ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۷۴
 اعتقادات (ابن بابویه قمی): ۲۷۴
 اعتقادات (شیخ بهائی): ۲۷۴
 اعتقادات (محمدباقر مجلسی): ۲۷۴
 اعجاز مصطفوی: ۱۵۸۱
 افضل التواریخ: ۱۵۶۵
 اقبال نامه: ۱۵۱۶، ۵۹۵
 اقبال نامه جهانگیری: ۱۹۲۲، ۱۵۷۳
 اکسیر السعادتین: ۱۰۴۲
 اکسیر العارفين فی معرفة طریق الحق والیقین:
 ۳۲۱
 امان الاخطار: ۱۶۲۶
 انشاء روح افزا: ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۱۵۹۵،
 ۱۶۲۹

- انشاء الدرر: ۱۸۱۰
 انشاء منیر: ۴۶۱
 انشاء هرکرن: رش به ارشاد الطالبین
 انشاء یوسفی: ۴۰۶، ۳۵۸
 انقراض سلسله صفویه: ۸
 ارشاد الازهان (علامه حلی): ۲۶۷
 ارشاد الازهان الی احکام الایمان: رش به
 ارشاد الازهان
 ارشاد الطالبین: ۴۰۷، ۲۲۵
 ارشاد الوزراء: ۱۵۸۷
 استبحار: ۲۶۱، ۲۵۷، ۲۵۶
 استبحار الاخبار: ۲۶۱
 اسرار القرآن: ۱۴۶۳
 اسطrolاب کبیر: ۱۰۴۲
 اسکندرنامه بدری: ۷۱۶
 اسکندرنامه (ضمیری): ۶۹۶، ۵۹۵
 اسکندرنامه (نظامی): ۵۹۳، ۵۹۶، ۵۹۷
 ۱۱۲۳، ۹۷۰، ۸۵۰، ۷۴۹، ۷۱۶، ۶۱۵
 ۱۳۲۲
 اسلام ایرانی: ۳۰۶
 اشارات: ۲۸۲
 اشراق هیاکل النور لکشف ظلمات شواکل
 القرور: ۳۰۲
 اطراف عجایب الآیات والبراهین وارداف
 غرائب حکایات روض الریاحین: ۱۵۸۳
 اظهار الحق و معیار الصدق: ۱۹۱
 اظهار کمال علی اصحاب الحقیقه والحال (ملا
 شمس): ۳۲۵
 انوار سبیلی: ۱۷۰۰
 ایران در زمان صفویه: ۷۹، ۷
 ایرانشهر: ۷۹، ۱۶۶
 ایساغوجی: ۳۳۸، ۱۶۴۲
 ایضاح احقاق الحق: ۲۷۲
 ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون:
 رش به ایضاح المکنون: ۴۶، ۲۴۷، ۲۵۵
 ۲۷۳، ۲۸۹، ۴۶۵، ۶۸۰، ۶۹۴، ۶۹۵
 ۷۲۹، ۷۷۷، ۷۹۹، ۸۱۵، ۸۲۷، ۸۶۵
 ۸۸۳، ۸۹۷، ۹۳۱، ۹۳۷، ۹۵۰، ۹۶۶
 ۹۶۷، ۹۷۷، ۹۷۹، ۱۰۰۴، ۱۰۱۷
 ۱۰۱۸، ۱۰۲۴، ۱۰۴۸، ۱۰۷۵، ۱۱۹۳
 ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۲۱
 ۱۳۳۴، ۱۳۴۰، ۱۳۴۷، ۱۳۷۶، ۱۳۹۴
 ۱۴۸۶، ۱۵۸۶، ۱۶۰۳، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱
 ۱۶۲۴، ۱۶۲۷، ۱۶۵۹
 اصول القوائد: ۳۴۱
 اصول الممارف: ۳۳۴
 اصول کافی: ۳۲۰
 الفتن نامه: ۱۴۹۵
 اوریانی شادها: ۲۲۸، ۱۴۵۴، ۱۸۴۱، ۱۴۸۲
 ۱۷۶۶، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹
- ب**
- بازنامه (بهادر): ۳۶۶
 بازنامه (محب علی خان): ۳۶۶
 بتخانه صوفی: ۱۰۴۹، ۱۰۵۰
 بحر مسجور: ۷۵۰
 بحر مناقب: ۱۶۵۵
 بحار الانوار: ۱۶۸، ۱۸۳، ۲۴۴، ۲۵۹

۷۴۹، ۷۴۸	۱۵۱۶، ۲۶۱، ۲۶۰
بوستان سعدی: ۶۱۲، ۶۱۳، ۷۱۵، ۷۴۸	بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار:
۱۷۳۶، ۱۰۹۳، ۹۷۰، ۷۵۸	۲۵۹
بهادر شاه نامه: ۱۳۶۴، ۱۵۷۵	بحر النوادر: ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸
بهار دانش: ۱۴۹۷، ۱۵۳۳، ۱۵۴۸	بحر الجواهر: رش به جواهر اللفه
۱۷۶۶، ۱۷۵۸، ۱۵۷۴	بحر الفضائل: ۳۷۱، ۳۹۰، ۳۹۱
بهار سخن: ۱۵۷۴، ۱۵۹۸، ۱۷۶۵، ۱۷۷۱	بحر المواج: ۱۴۶۴، ۱۴۶۵
بهارستان شاهی: ۱۵۷۵	بختیار نامه: ۱۵۰۴، ۱۵۲۹، ۱۵۳۳
بهارستان جامی: ۱۴۶۲، ۱۵۷۵، ۱۶۴۲	۱۵۳۵
۱۷۲۳، ۱۶۹۸، ۱۶۶۲	بدایع الانشاء: ۱۵۹۵
بهارستان سخن: ۱۲۴، ۲۱۴، ۳۰۰، ۳۱۷	بدایة الشمر: ۶۹۶
۴۶۹، ۴۶۳، ۴۶۲، ۴۶۱، ۳۸۹، ۳۲۶	بدایع السحر فی صنایع الشمر: ۱۶۲۶
۴۸۸، ۴۸۲، ۴۸۱، ۴۷۸، ۴۷۶، ۴۷۱	بدایع الوقایع: ۷، ۱۵۷۷، ۱۶۲۲
۴۸۹، ۴۸۷، ۵۱۹، ۵۱۸، ۵۱۷، ۴۸۹	بدایع الدهور: ۱۴۶۲، ۱۷۹۴
۵۴۴، ۵۴۸، ۵۷۱، ۵۸۷، ۵۹۰، ۶۲۴	بدایة الهدایه: ۲۵۸
۶۳۰، ۶۳۷، ۶۶۲، ۶۶۴، ۶۹۴، ۷۰۰	بدایع الانشاء: رش به انشاء یوسفی
۷۰۳، ۷۰۵، ۷۱۷، ۷۶۱، ۷۷۱، ۷۸۱	بديع الزمان نامه: ۱۵۲۰
۷۸۲، ۷۹۲، ۷۹۵، ۷۹۹، ۸۰۶، ۸۰۷	بركات المشهد المقدس: ۱۴۷۰
۸۰۹، ۸۳۹، ۸۴۲، ۸۴۶، ۸۵۸، ۸۵۹	برهان قاطع: ۳۴۰، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۲
۸۷۲، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۹۷، ۸۹۹	۳۸۰، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۴
۹۰۰، ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۴۹، ۹۶۶	برهان الفتوح: ۱۵۵۸
۹۷۷، ۹۸۰، ۱۰۱۷، ۱۰۳۹، ۱۰۵۶	برهان مآثر: ۱۵۷۵
۱۰۶۹، ۱۰۷۱، ۱۰۷۵، ۱۱۱۸، ۱۱۴۷	بستان خیال: ۱۶۴۸
۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۸، ۱۱۶۰، ۸۱۶۷	بستان السیاحه: ۳۰۴
۱۱۷۲، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۹۶، ۱۲۰۴	بساتین السلاطین: ۱۵۷۶
۱۲۱۰، ۱۲۱۴، ۱۲۲۸، ۱۲۳۶، ۱۲۳۸	بشارة الشیخه: ۲۱۵
۱۲۵۵، ۱۲۵۷، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲	بمض فضائح الروافض: ۲۷۳
۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۸۵	بقیه نقیه: ۱۵۹۰
۱۳۰۱، ۱۳۳۳، ۱۳۳۵، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱	بنگ و باده (مثنوی): ۱۲۵
۱۳۴۲، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۶۲، ۱۳۷۲	بوستان خیال (نوید شیرازی): ۶۱۳، ۷۴۶

پنج گنج نظامی: رش به خمه نظامی ۰۱۳۷۳ ، ۰۱۳۷۴ ، ۰۱۳۷۵ ، ۰۱۳۷۶ ، ۰۱۳۷۹
 پنج نامه فیضی: ۰۸۵۰ ، ۰۸۵۱
 پیش آمد احوال (کره جاری): ۰۶۲۹

ت

تاج التواریخ: ۰۱۶۶۷
 تاج القصص: ۰۷۱۶
 تاج العروس من جواهر القاموس: ۰۴۰۹
 تاج المصادر: ۰۳۹۰ ، ۰۴۱۱
 تاج المآثر: ۰۱۶۸۶
 تاج المتاقب فی فضائل الائمة: ۰۱۴۷۲
 تاریخ ابراهیمی: رش به تاریخ همایونی
 تاریخ ابراهیم شاهی: ۰۱۶۸۷
 تاریخ ابن اعثم: ۰۷۱۶ ، ۰۱۷۸۴
 تاریخ آل سلجوق: ۰۱۷۹۵
 تاریخ ابوالخیر خانی: ۰۱۵۵۴
 تاریخ ابوتیبه دینوری: ۰۱۶۶۶ ، ۰۱۷۲۸
 تاریخ الحکما شهرزوری: ۰۱۷۲۸
 تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفوی تا
 زمان حاضر: ۰۱۶۶۰
 تاریخ ادبیات ایران (براون): ۰۷ ، ۰۲۷ ، ۰۳۱ ، ۰۶۹ ، ۰۷۰ ، ۰۷۲ ، ۰۹۷ ، ۰۱۰۶ ، ۰۱۱۲ ، ۰۱۴۷ ، ۰۱۴۸ ، ۰۱۵۸ ، ۰۱۶۳ ، ۰۱۶۶ ، ۰۱۸۹ ، ۰۲۰۶ ، ۰۲۳۵ ، ۰۲۴۲ ، ۰۳۱۱ ، ۰۳۱۹ ، ۰۳۲۶ ، ۰۳۲۸ ، ۰۴۰۴ ، ۰۵۸۵ ، ۰۵۸۷ ، ۰۱۲۷۱
 تاریخ ادبیات ایران (هرمان اته): ۰۱۲۱۲ ، ۰۱۲۶۶ ، ۰۱۴۸۹ ، ۰۱۵۱۵ ، ۰۱۵۷۹ ، ۰۱۵۹۵
 تاریخ ادبیات فارسی: ۰۵۷۶ ، ۰۵۷۷ ، ۰۵۷۸

بهار عجم: ۰۳۷۱
 بهار و خزان: ۰۶۹۶
 بهجة الدارین: ۰۳۰۸
 بهرام نامه (روح الامین اصفهانی): ۰۱۱۲۳
 بهگود گیتا: ۰۱۴۸۱
 بهجت افزا: ۰۱۵۲۰
 بهجة العالم: ۰۱۵۰۱
 بهجة المباحث: ۰۱۷۲۸
 بهمن نامه: ۰۹۰۲ ، ۰۹۰۳
 بیاض میرزا بیدل: ۰۷۵۸ ، ۰۱۰۲۷ ، ۰۱۲۱۱
 بیان احوال موجودات: ۰۳۲۶
 بیان اعتقادات قلبیه: ۰۲۷۴
 بیج گنت: ۰۳۵۲
 بیست باب بیرجندی: ۰۳۴۸
 ینش ابصار ینش کشمیری: ۰۱۳۲۲ ، ۰۱۳۲۴

پ

پادشاه نامه: رش به شاه جهان نامه کلیم
 پادشاه نامه قزوینی: ۰۱۵۷۳ ، ۰۱۵۷۴
 پادشاه نامه لاهوری: ۰۱۶ ، ۰۴۹ ، ۰۱۹۹ ، ۰۲۰۰ ، ۰۴۶۱ ، ۰۱۲۳۴ ، ۰۱۴۴۹ ، ۰۱۴۵۶ ، ۰۱۴۵۷ ، ۰۱۵۷۳ ، ۰۱۵۷۴
 پادشاه نامه میرحیی کاشی: ۰۵۷۷
 پادشاه نامه شاهجهانی: رش به فتوحات
 شاهجهانی
 پازند: ۰۳۷۹
 پژوهش در کتاب قصص الخاقانی: ۰۱۴

تاریخ ادبیات در ایران ۱۹۱۲

	۶۰۱، ۶۰۰
تاریخ پادشاهی شاه اسماعیل با عالم آراء شاه اسماعیل: ۱۵۶۲، ۱۵۶۳	تاریخ الفی: ۸۲۵، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۶۸۴، ۱۷۰۱، ۱۷۲۶
تاریخ پادشاهی شاه نهماسب: ۱۵۶۲، ۱۵۶۳	تاریخ اکبری: ۴۵۲
تاریخ جهان آرا: ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶	تاریخ الهی: ۱۴۵۳
تاریخ جهانگیری: ۱۵۷۷	تاریخ انبیا: ۱۵۷۹
تاریخ جهانگشای جوینی: ۱۶۰۵، ۱۶۶۷، ۱۸۰۷	تاریخ انقلاب ایران: ۱۰۶
تاریخ جهانگشای نادری: ۱۸۰۷، ۱۸۰۸	تاریخ ایران: ۷، ۳۱، ۷۹، ۱۹۷
تاریخ حافظ ابرو: ۱۵۵۶، ۱۶۶۷، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷	تاریخ ایلچی نظامشاه: ۱۵۵۵، ۱۶۵۴
تاریخ خاندان بایندری: ۵۱	تاریخ باکتی: ۱۶۶۶، ۱۷۹۵
تاریخ خان جهانی مخزن افغانی: ۱۵۷۸	تاریخ ببری: ۱۶۸۷
تاریخ خسروی ابوالحسن: ۱۶۶۶	تاریخ بدوئی: ۱۴۹۳
تاریخ خلد برین: ۱۳۴۸	تاریخ بهادر شاهی: ۱۶۸۷
تاریخ این خلکان: ۱۷۹۵	تاریخ بهمنی: ۱۶۸۷
تاریخ خوزستان: ۱۳۸	تاریخ بیہقی: جامع تاریخ آل سبکتکین تاریخ ترکستان: ۱۵۷۷
تاریخ چنگیزخان: ۷۱۶	تاریخ العالم ابو عبدالله ذہبی: ۱۶۶۶
تاریخ دلگشا: ۱۷۵۷	تاریخ الامم والملوک: ۱۶۶۶
تاریخ راقم: ۱۵۷۷	تاریخ تحفة الکرام: ۶۰۰
تاریخ رشیدی: ۷۱۶	تاریخ تذکرہهای فارسی: ۵۰۱، ۵۱۰، ۵۱۶، ۵۸۴، ۶۳۳، ۶۶۴، ۶۶۶، ۷۰۰، ۸۰۲، ۹۳۷، ۹۶۷، ۱۳۶۷، ۱۳۷۲، ۱۵۰۳، ۱۵۴۱، ۱۵۵۳، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۸، ۱۵۹۰، ۱۵۹۲، ۱۵۹۵، ۱۶۱۲، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۶، ۱۶۴۲، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۵۹، ۱۶۶۴، ۱۶۶۶، ۱۶۷۷، ۱۶۸۵، ۱۶۸۸، ۱۶۹۰، ۱۶۹۸، ۱۷۱۳، ۱۷۱۷، ۱۷۲۵، ۱۷۳۰، ۱۷۳۵، ۱۷۳۹، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۵، ۱۷۴۷، ۱۷۷۴، ۱۷۷۸، ۱۷۸۰، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۹۱،
تاریخ روابط ایران و اروپا در دورہ صفویہ: ۵۸۰	
تاریخ ریاضیات: ۳۴۹، ۳۵۲	
تاریخ سلاطین صفویہ: ۵	
تاریخ سلسلہ امرای ازبک: ۵۱	
تاریخ سلطانی: ۱۵۶۱، ۱۷۸۹	
تاریخ سند: ۱۶۸۷	
تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس: ۶، ۱۷، ۶۹، ۷۷، ۷۹، ۸۴، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۴۰،	

۱۷۰۹	۱۶۶، ۱۶۵، ۱۵۸، ۱۵۳، ۱۴۷، ۱۴۶
تاریخ مبارکشاهی: ۱۷۸۴، ۱۶۸۷	تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران: ۷۹، ۷
تاریخ محمدشاهی: ۱۵۵۸	۱۱۶، ۱۱۲، ۱۰۵
تاریخ محمدی: ۱۳۹۸، ۱۴۰۴، ۱۶۸۷	تاریخ شاه اسمعیل: ۹۹
۱۷۴۱	تاریخ شاهجهانی: ۱۲۰۵
تاریخ محمدبن اسماعیل بخاری: ۱۶۶۶	تاریخ شاه صفی: ۱۵۶۷
تاریخ محمود (تاریخ غازانی): ۷۱۶	
تاریخ محمود شاهی هندویی: ۱۶۸۷	
تاریخ مختصر تحول نظم و نثر پارسی: ۶۲۳	تاریخ طاهری: ۱۵۷۵
تاریخ مسعودی: ۱۶۶۶	تاریخ طبری: ۱۷۹۵، ۱۶۵۵، ۷۱۶
تاریخ مظفرشاهی: ۱۶۸۷	تاریخ طهماسبی: ۱۵۶۹
تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه: ۷، ۷۷، ۷۹، ۸۳، ۱۶۶	تاریخ عباسی: ۱۵۶۶
تاریخ مفصلی: ۱۵۵۸	تاریخ عباسنامه: ۱۷۹
تاریخ مضمینان: ۱۳۹	تاریخ عبداللہ بن سعد الیامی: ۱۶۶۶
تاریخ منصومی: ۱۵۷۵	تاریخ عثمانی: ۱۶۶
تاریخ میرزا حیدر: ۱۶۸۷	تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی: ۱۱۴
تاریخ نادرشاهی: ۷	۱۴۹۳، ۳۳۸، ۱۴۶
تاریخ ناصری: ۱۶۸۷	تاریخ عمادالدین کثیر: ۱۶۶۶
تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان پارسی تا قرن دهم: ۱۶۱، ۱۹۳، ۲۲۶، ۲۹۹، ۳۰۴	تاریخ فرشته: ۶، ۳۵۸، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۴۹
۳۰۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۴، ۳۵۶	۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۶۹، ۴۶۲، ۴۶۴
۳۵۸، ۳۶۲، ۳۷۷، ۳۸۱، ۴۶۹، ۴۷۸	۸۴۵، ۱۶۸۶، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱
۶۱۱، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۳۷، ۶۴۹، ۶۵۴	تاریخ فتوحات عالمگیر شاه: ۱۳۶۴
۶۶۲، ۶۶۵، ۶۷۱، ۶۸۰، ۶۸۲، ۶۹۱	تاریخ فیروزشاهی ضیاء برنی: ۱۶۸۷
۶۹۴، ۷۰۱، ۷۱۷، ۷۳۰، ۷۳۶، ۷۴۲	تاریخ فوجاق خانی: ۱۷۳۴، ۱۷۳۳، ۱۵۵۷
۷۴۶، ۷۵۱، ۷۶۱، ۷۷۷، ۸۱۵، ۸۱۸	تاریخ الوزراء: ۱۶۶۷، ۱۶۳۴، ۱۵۶۲
۸۲۸، ۸۳۳، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۲، ۸۵۹	تاریخ کثیر: ۱۵۷۷
۸۶۹، ۸۷۳، ۸۸۳، ۹۱۷، ۹۲۸، ۹۳۱	تاریخ کشمیر: ۱۶۶۷، ۱۶۳۴، ۱۵۷۵
۹۳۷، ۹۴۴، ۹۵۰، ۹۵۸، ۹۷۷، ۱۰۰۴	۱۶۸۷
	تاریخ گزیده: ۷۱۶
	تاریخ گیلان: ۴۶۶، ۵۰۴، ۱۵۶۷، ۱۷۰۸

تحفه سامی: ۲۹۷، ۳۹۹، ۴۰۲، ۴۲۴	۱۰۷۵، ۱۰۴۸، ۱۰۱۸، ۱۰۱۷، ۱۰۰۹
۴۲۵، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۸۷	۱۲۸۵، ۱۱۸۴، ۱۱۳۰، ۱۱۰۰، ۱۰۹۸
۵۹۷، ۶۲۶، ۶۳۲، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۲	۱۴۹۴، ۱۴۸۷، ۱۴۸۶، ۱۴۷۲، ۱۳۱۴
۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۶۲، ۶۷۱	۱۶۰۹، ۱۶۰۸، ۱۶۰۳، ۱۵۸۶، ۱۵۸۰
۶۷۴، ۶۹۴، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۴۶، ۷۴۷	۱۶۱۹، ۱۶۱۸، ۱۶۱۲، ۱۶۱۱، ۱۶۱۰
۷۹۲، ۱۵۹۱، ۱۶۰۸، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳	۱۶۳۴، ۱۶۳۳، ۱۶۲۵، ۱۶۲۴، ۱۶۲۲
۱۶۶۰، ۱۶۶۲	۱۶۶۴، ۱۶۶۰، ۱۶۵۴، ۱۶۵۳، ۱۶۴۲
تحفه شاهی و عطیة الہی: ۱۴۷۶	۱۶۸۸، ۱۶۸۱، ۱۶۷۷، ۱۶۷۱، ۱۶۶۹
تحفه سلیمانی: ۱۴۷۱	۱۷۰۲، ۱۶۹۸، ۱۶۹۷، ۱۶۹۶، ۱۶۹۱
تجرید المعانی: رش به تجرید الکلام	۱۷۳۰، ۱۷۱۶، ۱۷۱۳، ۱۷۰۵، ۱۷۰۳
تجرید الکلام: ۲۷۱، ۱۴۶۴، ۱۴۷۶	۱۷۳۹
تحریر وسائل الشیعه و مسائل الشریعه: ۲۵۸	تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان:
تحریم الفنا: ۲۱۷	۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۵، ۱۶۸۱، ۱۶۸۵
تجزیة الامصار: ۱۴۴۷، ۱۶۰۵	۱۶۸۶، ۱۶۹۸، ۱۷۰۳، ۱۷۱۳، ۱۷۲۶
تحفة الابرار: ۲۱۶، ۱۴۶۶، ۱۴۹۶	۱۷۳۹، ۱۷۴۵، ۱۷۵۰ و ۱۷۵۱، ۱۷۵۶
تحفة الاحباب: ۳۷۱، ۳۷۴، ۱۶۲۶	تاریخ واسط: ۱۶۱۴
تحفة الاحرار: ۶۱۲	تاریخ همایونی: ۱۵۵۳، ۱۵۶۶، ۱۵۷۲
تحفة الاحیاء: ۱۵۵۷	تاریخ وصاف: ۱۶۶۷، ۱۷۵۹، ۱۴۴۷، ۱۶۰۵
تحفة الامین: ۱۴۱، ۱۵۱۶، ۱۵۱۸	۱۸۰۷
تحفة الحانیه در اسطرلاب: ۳۴۷	تاسوعات فلوطینس: ۳۳۸
تحفة الحیب: ۱۶۴۸	تالیف شریف: ۳۶۴
تحفة الحکایات: ۱۵۳۷	تبصرة الموام: ۲۰۳، ۱۴۸۱
تحفة الحرمین: ۱۷۲۵	تبیان نافع: ۳۸۵
تحفة الزائر: ۱۴۶۷	تجارب الامم: ۱۶۶۶، ۱۴۴۷
تحفة السادة: ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۸۲	تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار: ۱۶۰۵
تحفة السلطانیة: ۴۰۷	تتمیم امل الامل: ۴۱۸
تحفة الانوار: ۱۷۷۷	تجلیات عباسیة: ۱۵۶۷
تحفة المجایب: ۱۴۹۹	تحائف رشیدیہ: ۱۵۸۵
تحفة الفصحا: ۱۷۷۷	تحفة الابرار: ۱۴۹۶
تحفة القراء: ۲۴۵، ۲۴۶	تحفة المالم: ۱۵۶۹
تحفة المجالس: ۱۴۸۷، ۱۵۳۸	تحفة المراقین: ۱۷۲۵، ۱۰۷۹، ۱۹۷۲

۱۷۰۹ ، ۱۶۸۲ ، ۱۶۸۱ ، ۱۶۶۴ ، ۱۶۵۲	تحفة الملوك: ۱۵۴۸
۱۷۶۰ ، ۱۷۵۹ ، ۱۷۴۷ ، ۱۷۳۹ ، ۱۷۱۹	تحفة المومنين: ۳۶۳
۱۷۷۴	تحفة جامي: ۶۱۲
تذكرة السلاطين جنتا: ۱۶۴۶ ، ۱۵۷۵	تحفة سليمانی: ۳۶۳
تذكرة شاه طهماسب: ۱۷ ، ۱۵ ، ۱۱ ، ۶	تحفة ميمونه: ۶۱۵
۱۷۴ ، ۱۵۴ ، ۱۵۳ ، ۱۰۱ ، ۹۳ ، ۷۵ ، ۱۹	تحقيق البيهقي: ۳۰۴
۱۶۶۰ ، ۴۹۸ ، ۲۹۹ ، ۱۷۵	تدوين ديوان محتشم كاشاني: ۱۷۱۵
تذكرة شمع انجمن: ۴۵۶	تذكرة الاولياء: ۱۵۸۵ ، ۹۷۰ ، ۲۲۴
تذكرة شوستره: ۱۵۷۸	تذكرة قلائمه: ۱۴۷۷
تذكرة العارفين: ۱۶۷۶	تذكرة الشعراء: ۶۷۱ ، ۶۶۲ ، ۶۴۵ ، ۵۰۰
تذكرة عرفان: ۱۷۳۱	۶۶۵ ، ۷۴۱ ، ۷۷۷ ، ۸۲۷ ، ۸۵۸ ، ۹۲۸
تذكرة مرآت آفتاب نما: ۱۳۹۸ ، ۱۳۸۶	۹۴۴ ، ۹۶۶ ، ۱۰۱۷ ، ۱۰۲۴ ، ۱۰۹۷
تذكرة الملوك: ۷	۱۱۱۱ ، ۱۱۱۲ ، ۱۱۲۶ ، ۱۱۴۷ ، ۱۲۱۲
تذكرة مقالات الشعراء: ۶۰۰	۱۲۴۷ ، ۱۲۶۶ ، ۱۳۰۲ ، ۱۵۸۹ ، ۱۶۶۲
تذكرة ميخانه: ۴۷۱ ، ۴۶۵ ، ۴۵۶ ، ۱۲۴	۱۶۷۹ ، ۱۶۴۶ ، ۱۶۴۷ ، ۱۶۴۸ ، ۱۶۵۱
۴۹۱ ، ۴۹۰ ، ۴۸۹ ، ۴۷۸ ، ۴۷۷ ، ۴۷۶	تذكرة پيمانه: ۱۲۴۷ ، ۱۰۸۸ ، ۸۷۷ ، ۶۳۷
۵۱۲ ، ۵۱۰ ، ۵۰۴ ، ۵۰۳ ، ۴۹۶ ، ۴۹۴	۱۲۸۵ ، ۱۳۱۶ ، ۱۷۴۷ ، ۱۷۷۰
۵۴۹ ، ۵۴۸ ، ۵۱۸ ، ۵۱۷ ، ۵۱۵ ، ۵۱۴	تذكرة حسيني: ۱۳۶۳ ، ۱۳۰۱ ، ۱۲۶۶
۶۸۰ ، ۶۵۰ ، ۶۴۹ ، ۶۴۸ ، ۶۲۱ ، ۶۱۷	۱۴۱۱
۷۶۱ ، ۷۲۳ ، ۷۲۱ ، ۶۸۳ ، ۶۸۲ ، ۶۸۱	تذكرة حزين: ۱۳۳۴ ، ۱۳۳۳ ، ۱۳۳۰
۸۳۹ ، ۸۳۵ ، ۸۳۲ ، ۷۷۹ ، ۷۷۷ ، ۷۶۳	۱۳۳۵ ، ۱۳۴۷ ، ۱۳۵۸ ، ۱۳۶۷ ، ۱۳۷۰
۸۸۵ ، ۸۸۴ ، ۸۸۳ ، ۸۷۳ ، ۸۶۶ ، ۸۶۵	۱۳۸۹ ، ۱۳۸۶
۹۲۰ ، ۹۰۳ ، ۹۰۱ ، ۸۹۹ ، ۸۹۷ ، ۸۹۳	تذكرة سرخوشي: ۱۲۱۰ ، ۱۱۲۶ ، ۹۷۷
۹۴۰ ، ۹۳۸ ، ۹۳۷ ، ۹۳۱ ، ۹۲۸ ، ۹۲۱	۱۲۲۳ ، ۱۲۵۵ ، ۱۲۵۶ ، ۱۲۶۶ ، ۱۲۷۱
۹۶۲ ، ۹۶۰ ، ۹۵۸ ، ۹۵۲ ، ۹۵۱ ، ۹۵۰	۱۳۰۲ ، ۱۳۴۷
۱۰۰۳ ، ۱۰۰۰ ، ۹۹۵ ، ۹۹۲ ، ۹۸۹ ، ۹۷۷	تذكرة غني: رش به تذكرة الشعراء
۱۰۲۴ ، ۱۰۱۳ ، ۱۰۱۲ ، ۱۰۰۸ ، ۱۰۰۷	تذكرة روز روشن: ۴۰۱ ، ۳۹۹ ، ۳۲۸
۱۰۳۵ ، ۱۰۳۳ ، ۱۰۳۲ ، ۱۰۲۷ ، ۱۰۲۶	۴۵۳ ، ۴۵۵ ، ۴۵۶ ، ۴۶۵ ، ۴۷۸ ، ۵۸۱
۱۰۵۲ ، ۱۰۵۱ ، ۱۰۵۰ ، ۱۰۴۸ ، ۱۰۴۷	۵۸۲ ، ۵۸۳ ، ۵۹۹ ، ۶۰۰ ، ۶۱۱ ، ۶۲۱
۱۰۷۵ ، ۱۰۶۹ ، ۱۰۶۲ ، ۱۰۵۸ ، ۱۰۵۶	۱۵۴۱ ، ۱۵۴۹ ، ۱۶۰۵ ، ۱۶۳۴ ، ۱۶۳۷

تذکره واقعات: رش به تاریخ همایونی	۱۱۰۷۷	۱۱۰۷۸	۱۱۰۹۷	۱۱۱۰۰	۱۱۱۰۱
تذکره بدیضا: ۱۲۸۹، ۱۴۰۴	۱۱۲۶	۱۱۲۷	۱۱۳۱	۱۱۳۵	۱۱۳۶
ترانه وصال: ۶۹۶	۱۱۴۷	۱۱۴۸	۱۱۹۳	۱۱۹۵	۱۲۴۱
ترجمان اللغة: ۴۰۹	۱۴۴۵	۱۵۰۳	۱۵۰۴	۱۵۰۵	۱۵۰۶
ترجمه ابی مسلم: ۱۹۱	۱۵۴۹	۱۵۹۱	۱۵۹۷	۱۶۹۸	۱۷۳۵
ترجمه احسن التقاسیم: ۱۶۰۴	۱۷۳۶	۱۷۳۷			
ترجمه الخواص: ۱۶۲۴	تذکره نصرآبادی:	۶۶۲	۶۷۴	۷۵۵	
ترجمه اعتقادات: ۱۶۲۵	۷۶۱	۷۹۲	۸۶۶	۸۷۲	۸۷۷
ترجمه الدرالنظیم: ۲۴۵	۹۱۷	۹۲۰	۹۲۸	۹۲۹	۹۴۴
ترجمه اوبانیساد: ۱۷۶۶	۹۵۸	۹۶۶	۹۶۷	۹۷۲	۱۰۰۰۳
ترجمه تاریخ ادبیات ادوارد براون: ۸۹۷	۱۰۰۷	۱۰۱۴	۱۰۱۷	۱۰۱۸	۱۰۲۴
۹۶۷	۱۰۲۶	۱۰۳۱	۱۰۳۹	۱۰۴۸	۱۰۵۶
ترجمه تاریخ ادبیات هرمان اته: ۱۶۸۵	۱۰۶۹	۱۰۷۱	۱۰۷۵	۱۰۷۶	۱۰۷۸
۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۵۱۲، ۱۵۱۸	۱۰۸۳	۱۰۸۷	۱۰۹۷	۱۱۰۰	۱۱۱۸
۱۵۱۹، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۶	۱۱۲۰	۱۱۲۶	۱۱۳۰	۱۱۴۴	۱۱۴۷
۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰	۱۱۵۸	۱۱۵۹	۱۱۷۰	۱۲۰۴	۱۲۰۹
۱۵۴۳، ۱۵۴۵، ۱۵۴۹، ۱۵۵۴، ۱۶۰۹	۱۲۱۰	۱۲۱۴	۱۲۲۳	۱۲۲۸	۱۲۴۱
۱۶۱۲، ۱۶۱۶، ۱۶۱۹، ۱۶۴۷، ۱۶۵۳	۱۲۴۶	۱۲۵۵	۱۲۶۰	۱۲۶۲	۱۲۶۶
۱۶۸۸، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۸، ۱۷۵۶	۱۲۶۹	۱۲۷۱	۱۲۷۸	۱۲۸۵	۱۲۸۸
۱۷۶۵، ۱۷۷۰، ۱۷۷۷، ۱۷۹۵، ۱۸۰۲	۱۳۰۱	۱۳۰۶	۱۳۰۷	۱۳۱۶	۱۳۳۰
ترجمه تفسیر امام حسن عسکری: ۱۶۲۵	۱۳۳۳	۱۳۴۰	۱۳۴۱	۱۳۴۷	۱۳۵۱
ترجمه توحید مفضل: ۱۴۷۰	۱۳۵۳	۱۳۷۲	۱۳۷۶	۱۴۹۶	۱۵۶۷
ترجمه حکیم شاه محمد قزوینی: ۱۵۹۰	۱۵۹۱	۱۷۳۰	۱۷۳۹	۱۷۵۰	۱۷۵۱
ترجمه رامایانا- (عبدالودود اظهر دهلوی):	۱۷۵۹	۱۷۶۰	۱۷۶۵	۱۷۷۰	۱۷۷۴
۵۹۹	۱۷۷۷	۱۷۸۴	۱۷۸۵	۱۷۷۸	۱۷۹۱
ترجمه رساله اقرب الطرق الی...: ۲۲۶	تذکره الامم:	۱۵۸۰			
ترجمه سفرنامه تلورنیه: ۸۶	تذکره الملوک:	۱۵۷۶			
ترجمه شمرالمجم: ۸۹۷، ۹۰۰، ۱۰۵۹	تذکره النساء:	۱۶۵۲			
۱۱۷۱، ۱۲۷۱، ۱۲۷۴، ۱۲۷۶	تذکره النصیره فی البیئه:	۳۴۶	۳۴۷		
ترجمه صحیفه سجادیه: ۱۴۷۰	تذکره نغمه عندلیب:	۱۳۸۶	۱۴۱۱		

- ۱۷۰۴
- نشریح الافلاک: ۱۰۴۲، ۳۵۱
- نشریح الاقوام: ۱۴۸۳
- تصویر محبت (فیر لاهوری): ۶۰۳
- تعاریف الامراض: ۳۶۱
- تعالیق علی وسائل النبی: ۲۵۸
- تعدیل المیزان: ۳۰۳
- تعلیق امیر خسرو دهلوی: ۱۰۵۹
- تعلیق در مبادی قیاسات (رازی): ۲۹۲
- تعلیقات انولوجیای قمی: ۳۲۷
- تعلیقہ انوارالتنزیل (محمد امین): ۲۴۷
- تعلیقہ (بہشتی روحی): ۲۹۱
- تعلیقہ بر تفسیر بیضاوی (مصلح الدین لاری): ۳۰۵
- تعلیقہ شجاع الدین الیاس رومی: ۲۹۱
- تعلیقہ لطف...: ۲۹۱
- تعلیقہ مصلح الدین بر انوارالتنزیل و اسرار تأویل قاضی بیضاوی: ۱۶۶۸
- تعلیم المسیحی (تعلیم عیسوی لارشیلیو): ۲۷۶
- تعلق نامہ: ۱۶۸۷
- تفسیر ابوالفتح رازی: ۱۶۲۴، ۱۴۷۵
- تفسیر اصفی: ۲۴۵
- تفسیر المصطفی: ۲۴۵
- تفسیر المنشی: رش بہ نزیل التنزیل
- تفسیر بدیع: ۷۰۶
- تفسیر برهان: ۲۴۹
- تفسیر تذکرہ الانبیاء و الامم: ۱۵۷۹
- تفسیر ترجمہ الخواص: ۲۵۲
- تفسیر جلاء الاذهان: ۲۵۲
- تفسیر سورہ انسان یا سورہ دھر: ۲۴۸
- ترجمہ الصلوٰۃ: ۱۴۹۵
- ترجمہ طرایف فی مذهب الطوائف: ۱۶۲۵
- ترجمہ عجایب مخلوقات و غرائب موجودات: ۱۴۹۹
- ترجمہ عدو الداعی: ۱۶۲۵
- ترجمہ قرآن: ۴۱۴
- ترجمہ قطبشاهی: ۱۴۷۰
- ترجمہ قواعد الاحکام: ۱۶۷۷
- ترجمہ کشف اللغۃ: ۱۶۲۵
- ترجمہ گلستان هنر: ۱۶۸۱
- ترجمہ مجالس الفانسی: ۱۶۴۳، ۵۸۷
- ترجمہ مکارم الاخلاق: ۱۶۲۵
- ترجمہ مجمع الخواص: ۵۸۷، ۵۱۲، ۵۰۴
- ۱۰۱۷، ۹۵۸، ۷۷۷، ۷۳۶، ۶۷۵، ۶۷۱
- ۱۱۹۷، ۱۱۰۲، ۱۰۹۵، ۱۰۷۵، ۱۰۲۴
- ترجمہ مدهومالت و منوہر: ۶۰۰
- ترجمہ المناقب: ۱۶۲۵، ۱۴۶۸
- ترجمہ منظوم رامابانا (بدلوئی): ۵۹۹
- ترجمہ منظوم رامابانا (مسیحانی پتی): ۵۹۹
- ترجمہ من الترجمة الاولى: ۱۴۷۹
- ترجمہ نامہ مالک اشتر: ۱۴۹۶
- ترجمہ مہابہارت: ۱۷۰۱، ۱۶۲۷، ۱۵۴۵
- ترجمہ نہج البلاغہ: ۱۴۷۰
- ترجمہ واقعات بابر: ۴۷۴
- ترجمہ البیات شفا (خوانساری): ۳۱۵
- ترجمہ بند نظام دستنیب: ۶۲۰
- ترسل منصور: ۴۰۷
- ترویج الارواح: ۴۰۸
- تزوک جہانگیری: ۸۹۹، ۴۶۰، ۴۵۹
- ۱۶۹۸، ۱۵۷۳، ۱۰۵۹، ۱۰۵۶، ۸۲۴

- تفسیر سوره هل اتی: ۳۰۳
 تفسیر سوره الفتح تا پایان قرآن: ۱۶۴۵
 تفسیر شاهی: ۲۵۲
 تفسیر صافی: ۲۵۱
 تفسیر طبری: ۱۲۶۴
 تفسیر قرآن (تجلی): ۳۱۸
 تفسیر قطب شاهی: ۲۵۰
 تفسیر عروقه الوتقی: ۲۵۶
 تفسیر گازر: رش به تفسیر جلاء الانهان
 تفسیر مرآة الانوار: ۲۴۹
 تفسیر معین: ۲۴۸
 تفسیر منهج الصادقین: ۲۵۲
 تہویم الایمان: ۳۰۶
 تہویم البلدان ابوالوفا: ۱۵۰۲
 تکمیل الصناعه: ۱۶۰۶، ۴۰۱
 تلخیص خلاصۃ الاشعار: ۱۰۱۹
 تلخیص المفتاح: ۴۱۶، ۴۱۵
 تلخیص المقال: ۴۱۸
 تکملة الاخبار: ۷۵۱
 تمیید القواعد (شید ثانی): ۲۶۷
 تکمله اکبرنامه: ۱۷۵۷
 تکملة العیون: ۳۴۹
 تمرنامه: ۵۹۳
 تہیات المنجمین: ۳۴۸
 تہیہ الفانلین: ۱۶۷۶، ۳۸۹
 تہیہ الفانلین و اخزاء المجانین: ۲۱۷
 تنقیح البیان (نصرالله استرآبادی): ۲۶۷
 تنقیح الصحاح: ۴۰۸
 تواریخ شاهی: ۱۵۷۴
 تواریخ قطب شاهی: ۵۷۶
 تورات: ۲۷۷
 توزک جهانگیری: رش به توزک جهانگیری
 توضیح اخلاق: ۱۴۹۶
 تہافت الحکیم شاه محمد قزوینی: ۱۶۴۴
 تہافت التہافت ابن رشد: ۱۶۴۴
 تہافت الفلاسفہ امام محمد غزالی: ۱۶۴۴
 تہذیب: ۲۵۶
 تہذیب الاحکام: ۲۸۳، ۲۶۱، ۲۵۷، ۲۱۹
 تہذیب المنطق والكلام: ۲۹۱
 تہورنامه: ۱۵۷۵
- ث**
-
- ثمرۃ الفواد و نتیجۃ اللوداد: ۵۹۷
 ثواب المناقب: ۱۶۲۷
- ج**
-
- جاماسب نامه: ۲۸۶
 جام جمشید: ۷۴۹، ۷۴۸
 جام گیتی نما: ۲۹۸
 جامع الآیات (انقروی): ۲۲۳
 جامع الامثال: ۱۴۹۸
 جامع التمثیل: ۱۴۹۸، ۱۴۹۷
 جامع عباسی: ۱۰۴۲، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۳۶
 جامع تاریخ آل سبکتکین: ۱۷۲۸، ۱۶۶۷
 جامع التواریخ: ۱۷۲۶، ۱۶۶۷

- جامع الحكایات: ۱۵۴۳، ۱۵۳۶، ۱۵۴۸، ۱۷۹۵
 جامع الفوائد: ۳۵۷
 جامع الفوائد فی نكمله شرح القواعد: ۳۶۸
 جامع الجوامع: ۳۶۲
 جامع مفیدی: ۵۰۳، ۶۳۱، ۷۶۵، ۱۵۶۱
 ۱۵۷۸، ۱۵۹۲، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲
 جامع اللغات: ۱۷۰۱
 جامع المقاصد: ۲۶۷
 جامع المقال فی ما يتعلق باحوال الحديث والرجال: ۲۵۴
 جاویدان خرد: ۱۴۷۷، ۱۴۸۴، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴
 جذب القلوب الی دارالمحیوب: ۱۷۰۳
 جذوات: ۳۰۶
 جرون نامه: ۵۳، ۵۹، ۵۷۹، ۵۸۱
 جزیره مشنوی: ۲۲۲
 جلاء المیون: ۱۴۷۱، ۱۵۸۰
 جلایه محتشم: ۷۹۵
 جمال الصالحین: ۳۲۸، ۱۴۶۵، ۱۴۷۹، ۱۴۹۵
 جمع الغیار: ۱۶۸۱
 جمع مختصر: ۴۰۲
 جنان الجنان: ۳۹۳
 جنگنامه امیرالمومنین: ۱۵۱۳
 جنگ نامه کشم: ۵۳، ۵۸، ۵۹، ۵۷۹، ۵۸۱
 جنایاخیار: ۶۱۳، ۶۹۶
 جواب بر کتاب مصقل صفا در تجلیه و تصفیة آئینه حق نما: ۲۷۷
 جوامع التواریخ: ۱۵۵۶

- جوامع الحكایات ثانی: ۱۵۳۳، ۱۶۵۵، ۱۷۲۸، ۱۶۶۷
 جوامع الكلم: ۲۵۸
 جواهر الاخیار: ۱۵۶۲
 جواهر الكلام: ۲۶۷
 جواهر اللغة: ۳۵۷، ۳۶۱، ۱۴۸۶
 جواهر المجایب: ۱۵۹۰، ۱۶۴۷، ۱۶۵۲
 جواهر نامه روح الامین اصفهانی: ۱۱۲۳
 جواهر نامه همایونی: ۱۴۹۹
 جوک باشت: ۳۱۱، ۱۴۸۶، ۱۴۸۲
 جوهر فرد: ۶۱۳، ۷۴۹
 جوهر مذهب: رش به بیگودگیتا
 جنگ غیانی مذهب: ۶۵۰
 جنگ نامه محمد اعظم شاه: ۱۳۷۴
 جهان آرای غفاری: ۱۷
 جهانگشای جوینی: ۱۵۷۰
 جهانگشای نادری: ۶
 جهانگیر نامه: ۲۰۰، ۱۵۷۳
 جهانگیر نامه سلیمی: ۱۵۷۳
 جهان نامه: ۵۸۲

ج

- جراغ هدایت: ۳۸۸، ۳۸۹
 چهار باغ: ۱۵۹۶
 چهار چمن: ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۷۷۷
 چهار عنصر دانش: ۳۷۱، ۳۸۹، ۱۷۹۴
 چهار مقاله: ۹۷۰

ح

- مخروطات (یزدی): ۳۵۰
 حاشیه بر تحریر خواجه نصیر از کتاب
 الاشکال الکریه: ۳۵۰
 حاشیه بر تفسیر بیضاوی: ۱۶۲۹
 حاشیه بر تفسیر کشاف زمخشری: ۳۰۳
 حاشیه بر تهذیب المنطق والکرام تفتازانی
 (ایوردی): ۳۴۸
 حاشیه بر تهذیب المنطق والکلام تفتازانی
 (مصلح الدین لاری): ۳۰۵
 حاشیه بر حاشیه الفوائد الضیائیه عصام الدین
 (عبادی): ۴۱۳
 حاشیه بر حاشیه الفوائد الضیائیه عصام الدین
 (کردی): ۴۱۳
 حاشیه بر حاشیه الفوائد الضیائیه لاری
 (کردی): ۴۱۳
 حاشیه بر حاشیه خطائی بر مختصر (یزدی):
 ۴۱۵
 حاشیه بر حاشیه خطائی بر مطول (یزدی):
 ۴۱۵
 حاشیه بر حاشیه خطائی بر مطول و مختصر
 (شروانی): ۴۱۵
 حاشیه بر حاشیه خفری بر الهیات تجرید
 (خوانساری): ۳۰۷
 حاشیه بر حاشیه خفری بر الهیات تجرید
 (فیاض): ۳۲۷
 حاشیه بر حاشیه قدیم دوانی (شروانی): ۳۱۷
 حاشیه بر حاشیه قدیم دوانی بر شرح تجرید
 (باغ نوی): ۳۰۵
 حاشیه بر حاشیه مطول میرسید شریف
 (یزدی): ۴۱۵
 حاشیه آداب البعث (میدی): ۲۹۸
 حاشیه اجد جلالیه: ۲۷۱
 حاشیه اسفراینی بر شرح مسعود شروانی: ۲۹۱
 حاشیه التکملة فی شرح التذکره خفری: ۳۵۰
 حاشیه الفوائد الضیائیه (اسفراینی): ۴۱۳
 حاشیه الفوائد الضیائیه (جزائری): ۴۱۳
 حاشیه الفوائد الضیائیه (لاری): ۴۱۳
 حاشیه انوار التنزیل (اسفراینی): ۲۴۷
 حاشیه انوار التنزیل (اسمعیل شروانی): ۲۴۷
 حاشیه انوار التنزیل (حاذقی گیلانی): ۲۴۷
 حاشیه انوار التنزیل (فکاری شیرازی): ۲۴۷
 حاشیه انوار التنزیل (فره باغی شروانی): ۲۴۷
 حاشیه انوار التنزیل (کازرونی): ۲۴۷
 حاشیه انوار التنزیل (محمد انصاری): ۲۴۷
 حاشیه انوار التنزیل (نورا... شوشتری): ۲۴۷
 حاشیه بر اثبات واجب قدیم دوانی (باغ
 نوی): ۳۰۵
 حاشیه بر اشارات (آقا جمال خوانساری):
 ۳۱۶
 حاشیه بر الهیات تجرید (خفری): ۰۱۶۰
 ۳۰۴
 حاشیه بر الهیات شفا (ملاصدرا): ۰۳۲۲
 ۱۶۲۹
 حاشیه بر تحریر افلیدس خواجه نصیر
 (میدی): ۲۹۸
 حاشیه بر تحریر خواجه از کتاب الکریه
 المتحرکه (یزدی): ۳۵۰
 حاشیه بر تحریر خواجه طوسی از کتاب

- حاشیه بر طوابع الانوار قاضی بیضاوی
(مصلح‌الدین لاری): ۱۶۶۸، ۳۰۵
- حاشیه بر قسمت جواهر و امراض از شرح
نجرید فوشجی (فیاض): ۳۲۷
- حاشیه بر کافیة ابن حاجب: ۱۶۶۸
- حاشیه بر مختصر (شهاب‌الدین بردی): ۴۱۵
- حاشیه بر مطالع الانوار ابوالثناء شمس‌الدین
محمود اصفهانی: ۱۶۶۸
- حاشیه بر مطول (باغ نوی): ۴۱۵
- حاشیه بر مطول تفتازانی (مصلح‌الدین لاری):
۳۰۵
- حاشیه بر مطول (جزایری): ۴۱۵
- حاشیه بر مطول (شهاب‌الدین یزدی): ۴۱۵
- حاشیه بر مطول (محمد عاملی): ۴۱۵
- حاشیه تحفة الاحباب واضح بخاری: ۱۵۷۷
- حاشیه تهذیب (استرآبادی): ۲۵۰
- حاشیه تهذیب (دوانی): ۳۰۲
- حاشیه جدید (جلالیه): ۲۷۱
- حاشیه سودا: ۲۹۱
- حاشیه شرح نجرید (ملاشما): ۳۲۵
- حاشیه شرح هدایة الحکمة ابهری (میبدی):
۲۹۸
- حاشیه شمیة (دوانی): ۳۰۲
- حاشیه شمیة (میبدی): ۱۶۱
- حاشیه شمیة: ۱۶۷۱
- حاشیه شمیة شیخ محمد بدخشی: ۲۹۰
- حاشیه شمیة ملا عبدالعلی بن محمد
بیرجندی: ۲۹۰
- حاشیه صفری (شعیان سروری): ۲۴۷
- حاشیه طوابع: ۱۶۱
- حاشیه بر حاشیه یزدی بر تهذیب المنطق
تفتازانی (فیاض): ۳۲۷
- حاشیه بر شرح اشارات (دشتکی شیرازی):
۳۰۳
- حاشیه بر شرح اشارات طوسی (خوانساری):
۳۱۵
- حاشیه بر شرح اشارات طوسی (فیاض):
۳۲۷
- حاشیه بر شرح الہیات شفا (منصور دشتکی
شیرازی): ۳۰۳
- حاشیه بر شرح نجرید فوشجی (حسین
خوانساری): ۳۱۵
- حاشیه بر شرح نجرید فوشجی (شروانی):
۳۱۷
- حاشیه بر شرح تهذیب المنطق والکلام
(جلال‌الدین دوانی): ۳۹۱
- حاشیه بر شرح جدید: ۲۷۱
- حاشیه بر شرح حکمة الاشراف قطب‌الدین
شیرازی (ملاصدرا): ۳۲۱
- حاشیه بر شرح حکمة العین (شروانی): ۳۱۷
- حاشیه بر شرح حکمة العین دبیران (غیاث‌الدین
دشتکی): ۳۰۳
- حاشیه بر شرح شمیة (یزدی): ۳۴۹
- حاشیه بر شرح لمعة (ملاصدرا): ۳۲۰
- حاشیه بر شرح میرک بخارایی بر حکمة العین
دبیران (باغ نوی): ۳۰۶
- حاشیه بر شفا (جمال خوانساری): ۳۱۶
- حاشیه بر شمیة: ۳۴۸
- حاشیه بر شرح میبدی بر هدایة الحکمة ابهری
(مصلح‌الدین لاری): ۳۰۵

- حاشیه غیث اللغات: ۳۸۹
 حاشیه قدیم جلایه (جلال‌الدین دوانی): ۲۷۱
 حاشیه کبری بر انوار التنزیل (شعبان سروری): ۲۴۷
 حقیقات‌الثمار: ۷۴۹
 حبل‌المتین: ۳۰۶، ۲۶۸، ۱۵۶
 حبل‌المتین فی احکام‌الدین: ۱۰۴۲
 حبیب‌السیر: ۱۳۴، ۱۰۱، ۹۷، ۷۱، ۴۷، ۵
 ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۶
 ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۰
 ۱۷۲، ۲۰۰، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۴
 ۳۴۵، ۴۰۱، ۴۵۱، ۶۸۱، ۶۸۳، ۱۴۴۵
 ۱۵۵۱، ۱۵۵۷، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۶۰۶
 ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۳۳، ۱۶۴۶، ۱۶۵۵
 ۱۶۶۰، ۱۶۸۰، ۱۷۲۶، ۱۷۸۴
 حجة الاسلام: ۳۳۱
 حجة الکلام: ۳۰۱
 حدائق الخلد: ۱۷۷۵، ۴۳۶
 حدائق الازهار (عتابی): ۹۹۱
 حدائق البلاغه: ۱۴۱۸
 حدائق الصالحین: ۳۵۱
 حدوث العالم: ۳۲۷، ۳۲۱
 حدود نغزیرات: ۱۴۷۴، ۲۷۰
 حدیث راس الجالوت: ۳۳۹
 حدیقه لاقالیم: ۱۵۰۱
 حدیقه الحقیقه سنابلی: ۶۱۳، ۶۱۲، ۵۹۸
 ۶۳۲، ۷۱۵، ۷۵۰، ۷۵۸، ۹۶۹، ۹۹۰
 ۱۱۲۳، ۱۱۱۹، ۱۰۷۷
 حدیقه السداء: ۶۷۶
 حدیقه الشیخه اردستانی: ۲۷۴، ۱۸۷
- حدیقه الشیخه (مقدس اردبیلی): ۲۱۸، ۲۱۹
 ۲۲۰، ۱۴۷۵
 حدیقه المتقین: ۲۵۶، ۲۶۹، ۱۴۷۴
 حدیقه هلالیه: ۳۳۷
 حرز النجات: ۶۲۴
 حسانت العارفین: ۲۲۸، ۱۵۸۵، ۱۷۶۸
 حسن گلدوسور: ۶۱۳
 حشمت کشمیر: ۱۵۷۵
 حظیرة قالانس: ۲۷۷، ۱۴۶۱
 حق‌الیقین: ۱۴۵۸، ۱۴۷۸، ۱۶۰۴
 حقایق (ملاحس): ۳۲۹
 حقایق المعارف: ۶۱۳
 حقایق قدسیه: ۲۴۸
 حکایت الفارخان و سه درویش: ۱۵۴۹
 حکایت بهرام گور: ۱۵۳۱
 حکایت جولاه و درودگر: ۱۵۳۲
 حکایت زن بنا و وزیران پادشاه کرمان:
 ۱۵۳۲
 حکایت زن زرگر: ۱۵۳۱
 حکایت سیمرخ: ۱۵۳۰
 حکایت شاهزاده ایران و جوهر: ۱۵۲۶، ۱۵۳۲
 حکایت شاهنشاه و فخر النساء: ۱۵۳۲
 حکایت طوطی نامه: ۱۵۲۹
 حکایت محمد حنفیه: ۱۵۱۳
 حکمه الاشراف: ۳۲۴
 حکمه العارفین: ۲۸۲
 حکمه العین: ۳۰۴
 حلال مطرزه: ۳۹۸، ۴۰۰

خزائن الجواهر: ۱۴۶۸	حل مالینحل: ۳۰۴
خزائن الفتوح: ۱۶۸۷	حلیة الحلل: ۴۰۰
خزائن الملوك (عبدی بیگ شیرازی): ۰۵۹۵	حلیة سید المرسلین: ۱۷۰۳
۷۵۳ ۰۷۵۰ ۰۷۴۹	حلیة المظنن: ۱۷۸۴ ۰۱۴۹۶ ۰۱۴۷۱
خزینة گنج: ۱۱۸۶	حماسه سرایی در ایران: ۰۷ ۰۵۴ ۰۱۵۲ ۰۵۷۹
خسرو و شیرین آملی: ۱۰۵۸	۰۵۸۱ ۰۵۸۴ ۰۵۸۶ ۰۵۸۷ ۰۵۸۹ ۰۵۹۰
خسرو و شیرین رفیعی: ۹۳۲	۰۷۱۶ ۰۷۱۷ ۰۸۹۷ ۰۱۱۵۲ ۱۵۱۶
خسرو و شیرین (قاسمی گنابادی): ۰۷۱۹	حملة حیدری: ۰۵۸۴ ۰۵۸۹ ۰۵۹۰ ۰۵۹۱
۷۲۷ ۰۷۲۰	۵۹۳
خسرو و شیرین کوثری: ۸۷۸	حواشی بر شرح تجرید (صدرالدین دشتکی):
خسرو و شیرین نظامی: ۰۵۹۵ ۰۵۹۶ ۰۵۹۷	۳۰۲
۰۵۹۸ ۰۵۹۹ ۰۷۴۹ ۰۸۵۰ ۰۸۷۴ ۰۹۲۰	حواشی بر شرح مطالع (صدرالدین دشتکی):
۰۹۲۳ ۰۹۲۴ ۰۹۲۵ ۰۹۷۰ ۰۱۱۹۵ ۰۱۱۹۷	۳۰۲
۱۳۱۴ ۱۳۲۲	حواشی بر تہافت خواجہ زادہ: ۱۶۴۴
خلاصہ الاخبار: ۱۵۵۳ ۰۱۵۶۲ ۱۶۲۰	حواشی بر شرح عضدی (صدرالدین دشتکی): ۳۰۳
خلاصہ الاذکار: ۱۴۶۶	حیوة الانسان: ۱۶۴۴ ۰۱۶۴۳ ۰۱۴۹۹
خلاصہ الافکار: ۰۷۲۹ ۰۷۶۳ ۰۷۹۴ ۰۹۶۷	حیوة الحيوان: ۱۶۴۴ ۰۱۶۴۳ ۰۱۴۹۹
۰۹۷۳ ۰۱۰۵۶ ۱۱۰۱	حیوة القلوب: ۱۴۵۸ ۰۱۵۸۰
خلاصہ التواریخ: ۱۰ ۰۱۵۶۱ ۰۱۵۹۰	
۱۶۶۵ ۱۶۱۹	
خلاصہ التواریخ منشی سنجان رای: ۱۵۷۱	
خلاصہ التلخیص فی المعانی والبیان: ۳۰۳	
خلاصہ الحساب (شیخ بہایی): ۳۵۰ ۰۳۵۲	خاوران نامہ: ۶۲۳
۱۰۴۲	خجستہ فال: ۶۹۶
خلاصہ السیر: ۱۵۶۷	خردافزا: ۱۵۳۹
خلاصہ الاشعار و زبدة الافکار: ۰۴۰۲ ۰۵۰۴	خزان و بہار: ۱۷۶۴ ۰۱۷۶۳ ۰۱۵۴۸
۰۶۷۹ ۰۷۳۰ ۰۷۳۱ ۰۷۳۵ ۰۷۳۶ ۰۷۳۸	خزائن الاسرار: ۱۴۶۳
۰۷۷۷ ۰۷۸۱ ۰۷۹۲ ۰۷۹۹ ۰۸۱۸ ۰۸۲۷	خزائنہ عامرہ: ۰۳۸۸ ۰۱۰۰۸ ۰۱۰۰۹
۰۸۳۲ ۰۸۴۴ ۰۸۶۹ ۰۸۷۶ ۰۸۹۷ ۰۸۹۸	۰۱۰۵۶ ۰۱۰۵۸ ۰۱۱۷۱ ۰۱۱۹۳ ۰۱۲۲۳
۰۹۰۴ ۰۹۳۷ ۰۹۴۰ ۰۹۵۰ ۰۹۵۲ ۰۹۵۸	۰۱۲۷۶ ۰۱۵۸۶ ۱۷۹۹

خ

۵	۰۱۰۰۹، ۰۱۰۰۷، ۰۹۸۲، ۰۹۸۰، ۰۹۷۷، ۰۹۶۰
	۰۱۰۱۷، ۰۱۰۱۹، ۰۱۰۴۸، ۰۱۰۷۵، ۰۱۰۷۷
دائرة المعارف اسلامی: ۰۱۲۱، ۰۱۴۳، ۰۱۸۸	۰۱۱۹۳، ۰۱۵۹۲، ۰۱۷۱۳، ۰۱۷۱۴، ۰۱۷۱۵
۱۰۴۰	۰۱۷۲۴، ۰۱۷۳۹، ۱۷۴۰
دارابنامه: ۱۹۲	خلاصة القراءة: ۲۴۶
دارابنامه بیفمی: ۱۵۰۴	خلاصة المجمع: ۳۸۳، ۳۸۲
دارابنامه طرسوسی: ۱۵۰۳، ۱۵۰۴	خلاصة المعارف: ۱۴۶۰
دارالسلام و مدارالاسلام: ۲۵۵	خلاصة تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ایران
داستان بزرگمهر و بخت جمال: ۱۵۳۳	(از آغاز تا پایان صفوی): ۰۷، ۵۴
داستان بوستان خیال: ۱۵۱۹	خلاصة عباسی: ۰۳۹۴، ۰۱۵۶۷، ۱۸۱۰
داستان بهرام گور و دختر شاه پریان: ۱۵۲۹	خلاصة المفاخر: ۱۵۸۳
داستان عشق بلبل: ۱۵۲۱	خلاصة المقال: ۱۵۶۸
داستان حمزه: ۰۱۵۱۲، ۰۱۵۱۳، ۱۷۳۶	خلاصة المنهج: ۱۶۷۶
داستان یوسف و زلیخا: ۰۱۵۱۸، ۰۱۵۱۹	خلد برین: ۰۱۵۶۰، ۰۱۷۷۵، ۱۷۴۴
داستان کوه قاف: ۱۵۱۳	خلد برین (قزوینی): ۰۴۳۶، ۱۳۴۸
دانستن: رش به التحفة الهادیة	خلد برین وحشی: ۰۶۱۳، ۷۶۱
دانشنامه ایران و اسلام: ۱۸۸	خلسة الملوک: ۳۰۶
دانشنامه علایی: ۲۳۶	خلق الاعمال: ۳۰۶
دانشمندان آذربایجان: ۰۳۸۵، ۰۴۰۲، ۰۴۹۰	خمسہ اسیری: ۵۸۸
۰۵۰۰، ۰۶۷۱، ۰۱۲۷۱، ۰۱۳۱۶، ۰۱۳۱۷	خمسہ حسن بن فتح... هندی: ۶۱۳
۱۶۷۸، ۱۶۶۰	خمسہ (ربیع انجیب دهلوی): ۶۰۰
دبستان خرد: ۰۱۵۴۹، ۱۵۵۰	خمسہ نظامی: ۰۳۷۴، ۰۵۴۹، ۰۵۹۴، ۵۹۶
دبستان مذاهب: ۰۱۲۸۶، ۰۱۴۷۹، ۰۱۴۸۰	خمکده: ۶۲۱
۱۴۸۳، ۱۴۸۱	خواص اعداد لاهوری: ۳۵۳
دخلیه: ۴۷۰	خوان خلیل: ۰۹۵۲، ۰۹۷۸، ۰۹۷۹، ۱۷۱۷
در احکام دانستن انشاء و املائی که ضرورست:	خوان نعمت: ۱۷۹۰
۴۰۵	خیرالبیان: ۰۱۷۲۲، ۰۱۷۲۳، ۱۷۲۴
درج الدرر: ۱۶۰۶	خیرالمجالس: ۱۵۸۵
درر البحار: ۲۶۰	خیل نامه: ۳۶۵
دره نادره: ۰۶، ۰۱۵۷۰، ۰۱۸۰۷، ۱۸۰۸	

- درمان بواسیر: ۳۶۴
 درر مثال: ۶۹۶
 در بیتیم (خواجه دهدار): ۲۲۶
 در مکتون: ۱۷۶۳
 درالمجالس: ۱۵۸۱
 دساتیر: ۳۷۲
 دستورالسلطنه: ۱۴۸۷، ۱۶۱۱، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷
 دستورالشعراء (مازندرانی): ۴۰۴
 دستورالعقاف (نراب): ۶۲۵
 دستورالعلاج (فتح خانی): ۳۵۶
 دستورالعلاج (گونابادی): ۳۵۵، ۳۵۶
 دستورالعمل و تصحیح الجدول: ۳۳۴
 دستورالاطباء: ۱۷۱۰
 دستورالفصحا: ۱۵۰۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷
 دستورالوزارة: ۱۴۸۷، ۱۵۶۲، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱
 دستور دیری: ۳۹۶
 دستور شهریاران: ۱۵۶۹، ۱۷۸۷
 دستور مسیحی: ۳۶۳
 دستورنامه کسروی: ۱۴۹۱، ۱۷۶۱
 دستورهای سه گانه جامی: ۳۹۸
 دستور همت: ۱۶۰۰، ۱۵۴۱
 دفتر درد: ۷۴۸، ۷۴۹
 دوحهالازهار: ۷۴۹، ۷۵۳
 دولت نادرشاه: ۱۸۰۵، ۱۸۰۶
 دقائق الحقایق: ۳۹۲، ۳۹۶، ۱۶۱۷
 دلائل البول: ۳۵۷
 دلائل النبض: ۳۵۷
 دلگشنامه: ۱۵۶۵
 دلیران جانباز: ۵۸۵، ۷
 دلیل الهدی در علم کلام: ۳۰۳
 دوارده بند محتشم کاشانی: ۶۲۴
 دو حاشیه انوارالتنزیل (شیخ بهایی): ۲۴۷
 دو حاشیه بر کتاب شفا (خوانساری): ۳۱۵
 دو حاشیه شمس (الیاس رومی): ۲۹۰
 دولت بیدار: ۶۱۵
 دیباجه تاج المروسی: ۴۰۹
 دیباجه دیوان ابوطالب کلیم: ۱۷۶۱
 دیباجه دیوان قدسی: ۱۷۶۱
 دیباجه نورسی: ۱۷۱۷، ۱۷۶۹
 دیده بیدار: ۱۰۷۹، ۶۱۳
 دیوان احسن تربتی: ۱۲۴۵
 دیوان اسیر: ۱۲۱۴
 دیوان اظهري: ۱۱۸۱، ۱۱۸۲
 دیوان ابن حسام خوانمی: ۶۲۳
 دیوان الهی: ۱۱۸۵
 دیوان الادب: ۴۱۱
 دیوان امیر خسرو دهلوی: ۵۱۶، ۸۰۱
 دیوان انوری: ۳۷۴
 دیوان اهللی شیرازی: ۶۳۸
 دیوان برهن لاهوری: ۱۲۳۸
 دیوان ترکی شاه اسمعیل: ۴۲۴
 دیوان ثابت: ۱۳۹۸، ۱۳۹۹
 دیوان جعفرخان آصفخان: ۹۲۴
 دیوان حافظ: ۲۱۴، ۳۹۳، ۵۰۱، ۵۴۹، ۱۷۹۲
 دیوان حسنخان شاملو: ۴۰۵
 دیوان حکیم حاذق: ۱۲۰۵
 دیوان حکیم شفایی: ۱۶۴۰، ۱۶۴۱

- دیوان حیاتی گیلانی: ۱۰۰۸
 دیوان خاقانی: ۳۷۴
 دیوان رافع شهدی: ۱۳۲۷
 دیوان رضی آرتیمانی: ۱۰۷۰
 دیوان سالک قزوینی: ۱۲۹۳، ۱۲۹۴
 دیوان سالک یزدی: ۱۲۱۰
 دیوان سعدی: ۳۷۴
 دیوان سلمان ساوجی: ۳۷۴
 دیوان سلیم: ۱۱۶۱
 دیوان سنجری: ۴۹۰
 دیوان شاه طاهر دکنی: ۶۶۶
 دیوان شرف جهان قزوینی: ۵۴۹
 دیوان شهرت: ۱۳۹۴
 دیوان شیدا فتحپوری: ۱۲۶۴
 دیوان صائب تبریزی: ۱۲۷۷
 دیوان صوفی: ۱۰۵۲
 دیوان صیدی تهرانی: ۱۲۲۴
 دیوان طالب آملی: ۱۰۶۱، ۱۰۶۲
 دیوان ظهیر فاریابی: ۳۷۴، ۳۹۰
 دیوان عارف: ۹۹۵
 دیوان عرفی شیرازی: ۵۲۴
 دیوان عنصری: ۳۷۴
 دیوان عالی: ۱۳۶۴
 دیوان عرشی: ۱۳۱۳
 دیوان عزنی شیرازی: ۱۲۸۹
 دیوان عظیمای نیشابوری: ۱۳۵۲
 دیوان علی نقی کمره‌یی: ۱۰۱۹، ۱۰۲۰
 دیوان غنی کشمیری: ۱۲۵۵
 دیوان فانی کشمیری: ۱۲۸۶
 دیوان فخری هروی: ۱۶۵۳
 دیوان فرقتی جوشقانی: ۹۶۰، ۹۶۱
 دیوان فصیحی هروی: ۱۱۲۷
 دیوان فغفور گیلانی: ۱۰۲۶
 دیوان فیضی فیاضی: ۸۴۹
 دیوان قاسم انوار: ۳۸۶
 دیوان قدسی مشهدی: ۱۱۴۸
 دیوان کلیم کاشانی: ۱۱۷۱
 دیوان گرامی کشمیری: ۱۰۰۹
 دیوان مجذوب تبریزی: ۱۳۱۸، ۱۳۲۰
 دیوان محتشم: ۱۷۱۵
 دیوان مسعود سعد سلمان: ۶۳۲
 دیوان مشرقی مشهدی: ۱۱۳۶، ۱۱۳۷
 دیوان مفید: ۱۷۸۳
 دیوان نصیرای همدانی: ۱۰۳۳
 دیوان نظیری نیشابوری: ۸۹۸، ۹۰۷
 دیوان نظام دستغیب: ۱۰۱۳
 دیوان نورس دماوندی: ۱۳۳۰، ۱۳۳۱
 دیوان واعظ قزوینی: ۱۳۰۲
 دیوان وحشی: ۶۲۹، ۷۶۲
- ذ**
-
- ذخیره: ۳۲۶
 ذخیره‌الخوانین: ۴۶۹، ۸۹۹
 ذخیره‌المعاد فی شرح‌الارشاد: ۱۸۶
 ذره و خورشید: ۶۱۳
 ذکرالملوک فی اخبارالسلطین هند: ۱۷۰۴
 ذکرالمهدی: ۱۴۱
- ر**
-
- راحةالقلوب: ۱۴۹۰، ۱۵۸۵، ۱۷۹۰

- رافع هذبان: ۳۸۵
 رامابانا: ۱۵۷۱، ۱۴۵۳، ۸۴۹، ۵۵۹
 رام و سیتا: ۱۱۹۷
 ربط السور والایات: ۱۶۴۵
 ربع المقنطرات (جلیبی): ۳۴۴
 ربع مجیب (جلیبی): ۳۴۴
 ربیع الاسایع: ۱۴۶۶
 رجال صمیر: ۲۶۵، ۲۵۰
 رجال طوسی: ۴۱۷
 رجال کبیر: ۲۶۵، ۲۵۰
 رجال کشی: ۴۱۷
 رجال نحاشی: ۴۱۷
 رجال وسطی: ۲۶۵، ۲۵۰
 رجاء الحق: ۱۴۷۴
 رزم نامه رامابانا: ۱۵۴۶
 رزم نامه شاه اسمعیل: ۵۸۳
 رساله الاباء عن مواقع الوباء وجواز الفرار عنه:
 ۱۶۰۴
 رساله آشوب نامه: ۱۷۷۲
 رساله ارشاد: ۱۴۷۳
 رساله اصطلاحات صوفیان: ۲۲۷
 رساله امان الله: ۱۵۹۸
 رساله افیونیہ: ۳۶۲
 رساله الزوراء: ۳۰۲
 رساله ہیئت: ۱۶۶۷
 رساله انسانیه: ۱۵۱۴
 رساله انوار المشارق: ۱۷۷۲
 رساله بدا: ۲۷۵
 رساله تاریخ شعر در لاهور: ۱۲۳۷
 رساله تجوید: ۲۴۶
 رساله تجلیات: ۱۷۷۲
 رساله تحریم غنا: ۲۱۸
 رساله تشریح در پرگار: ۳۴۷
 رساله تصور و تصدیق (ملاصدرا): ۳۲۱
 رساله نمره طبی: ۱۷۷۲
 رساله تعداد النواذر: ۱۷۷۲
 رساله یرخاه: ۱۷۷۲
 رساله توحید: ۲۲۶
 رساله جعفریہ: ۲۶۸
 رساله جوش بلبل: ۱۷۷۲
 رساله حرمة صلاه الحمعه: ۱۷۳
 رساله توحید و نبوت و امامت (شروانی):
 ۳۱۷
 رساله حق و عشق: ۱۷۹۰
 رساله حق نما: ۱۷۶۷، ۲۲۸
 رساله حج: ۱۴۷۳
 رساله حرز الامان من فتن آحر الزمان:
 ۱۶۲۷، ۱۶۲۶
 رساله حسینیه: ۱۴۷۴
 رساله الاعضالات فی فنون العلوم والصناعات:
 ۲۸۷
 رساله تجلیات: ۱۷۷۲
 رساله تاج المدایح: ۱۷۷۲
 رساله تحقیقات: ۱۷۷۲
 رساله تذکره الانقیاب: ۱۷۷۲
 رساله تعریفات (عمید زاکانی): ۶۳۱
 رساله جلوسیه: ۱۷۷۲
 رساله چشمه فیض: ۱۷۷۲
 رساله جوب جینی: ۳۶۴
 رساله خمسہ ناقصه: ۱۷۷۲

- رساله خودکاسته: ۱۷۷۲
- رساله در ابعاد و اجرام: ۳۴۷
- رساله در بیان الفاظی که در ترسلات بکار آید: ۴۰۵
- رساله در تقویم: ۳۴۷
- رساله در خواص الحیوان: ۳۶۶
- رساله در شبهات: ۳۱۵
- رساله در عروض: ۴۵۱
- رساله در فقه حنفی: ۴۵۱
- رساله در کائنات جو (شروانی): ۳۱۷
- رساله در معنی اختیار (شروانی): ۳۱۷
- رساله در معنی بداء (شروانی): ۳۱۷
- رساله در منع نماز جمعه در غیبت امام (تجلی): ۳۱۸
- رساله در وجوب عیننی نماز جمعه (خراسانی): ۳۱۸
- رساله در هندسه (شروانی): ۳۱۷
- رساله ذوقیه (خواجه دهدار): ۲۲۷
- رساله رجعت: ۱۴۷۱
- رساله رضاعیه: ۲۵۶
- رساله رفعات: ۱۷۷۲
- رساله رند و زهد: ۶۷۶
- رساله شعرای فارسی زبان کشمیر: ۱۲۵۶
- رساله شهر آشوب در شعر فارسی: ۶۳۸
- رساله صاحبیه: ۲۲۸
- رساله صلوة و صوم: ۱۴۷۳
- رساله صنایعیه: ۲۸۷
- رساله ضیافت معنوی: ۱۷۷۲
- رساله الهیه: ۱۷۷۲
- رساله طهماسبیه (عزالدین عاملی): ۲۶۸
- ۱۰۴۰
- رساله عروۃ الوثقی: ۸۵۰
- رساله عبرنامه: ۱۷۷۲
- رساله فارسی در احوال معاد: ۱۶۲۹
- رساله فارسی در مسائل مختلف فیه حکمت: ۱۴۷۹
- رساله فراست: ۱۶۰۸، ۱۴۸۵
- رساله فرنامه: ۳۶۵
- رساله فردوسی: ۱۷۷۲
- رساله فی التوحید: ۲۲۴
- رساله فی الربیع المجیب: ۳۴۴
- رساله فی الکمالات الالیه: ۳۰۳
- رساله فی علم... (ملاشمس): ۳۲۵
- رساله فی علم الهیة (مصلح الدین لاری): ۳۰۵
- رساله لطائف المعارف (سفرنامه روح): ۶۷۶
- رساله گریه قلم: ۱۷۷۲
- رساله کارنامه: ۱۶۳۸
- رساله کنز المعانی: ۱۷۷۲
- رساله کسروی در باب زبان آذری: ۴۳
- رساله مجمع الفرائب: ۱۷۷۲
- رساله مرآت الصفا: ۱۶۲۵
- رساله کلمه الحق: ۱۷۷۲
- رساله محمد سعید: ۱۴۹۱
- رساله مختصر در عقاید: ۱۶۲۶
- رساله مزارات هرات: ۱۶۰۶
- رساله مرتفعات: ۱۷۷۲
- رساله مرآت الفتوح: ۱۷۷۲

- رسالة مشواق: ۲۲۷
- رساله مشابهات ریمی: ۱۷۷۲
- رساله مقادیر: ۲۵۶
- رساله معراج الفصاحة: ۱۷۷۲
- رساله نمونه عشق: ۱۷۷۲
- رساله نفيه عرفی: ۸۰۹
- رساله وجوب عینی نماز جمعه (عبدالدين عاملی): ۲۶۸
- رساله وسواسیه: رش به العقدالطهباسی
- رساله وجدیه: ۱۷۷۲
- رساله هجو حکما: ۱۳۶۴
- رساله‌بی در اخلاق همایون: ۱۶۱۰
- رساله‌بی در فقه: ۱۶۱۰
- رساله یائیه: ۳۹۶
- رساله‌بی در علم انشاء: ۱۶۲۹
- رساله‌بی در قافیه: ۴۰۱
- رساله‌بی در معما: ۱۶۲۹
- رستم التواریخ: ۰۶، ۰۲۷، ۰۳۱، ۰۳۷، ۰۸۱، ۰۸۲
- ۰۹۱، ۰۱۱۲، ۰۱۹۵، ۰۲۶
- رشته گوهر: ۱۳۲۲
- رشحات الحیات: ۷۰۷
- رقعات: ۱۷۱۷، ۰۱۳۶۴
- رقعات بیدل: ۱۷۹۴
- رقعات جللا: ۱۷۶۱
- رقعات طمرا: ۱۷۷۱
- رقعات حکیم ابوالفتح: ۱۵۹۶
- رقعات امان‌الله: ۱۵۹۸
- رمزالحقایق (رمزی): ۱۳۰۸
- رمزالریاحین (رمزی): ۱۳۰۸، ۰۱۳۰۷
- رموز حمزه: ۱۵۱۰، ۱۵۱۱
- رنگین بهار: ۱۵۴۳
- روح افزا: ۱۵۲۱
- روز روشن: ۰۶۲۷، ۰۶۴۲، ۰۶۴۴، ۰۶۵۴
- ۰۶۷۵، ۰۷۱۷، ۰۷۳۶، ۰۷۴۱، ۰۷۴۶، ۰۷۴۷
- ۰۷۶۱، ۰۷۶۳، ۰۸۰۹، ۰۸۱۸، ۰۸۲۷، ۰۸۶۵
- ۰۸۶۹، ۰۸۸۳، ۰۸۹۷، ۰۹۰۲، ۰۹۵۸، ۰۱۰۰۴
- ۰۱۰۱۲، ۰۱۰۱۳، ۰۱۰۱۴، ۰۱۰۳۱، ۰۱۰۴۷
- ۰۱۰۸۳، ۰۱۱۱۸، ۰۱۱۲۶، ۰۱۱۲۹، ۰۱۲۰۹
- ۰۱۲۱۰، ۰۱۲۳۴، ۰۱۲۳۷، ۰۱۲۸۸، ۰۱۲۸۹
- ۰۱۳۱۲، ۰۱۳۳۰، ۰۱۳۴۷، ۰۱۳۴۸، ۰۱۳۶۷
- ۰۱۳۷۳، ۰۱۳۸۹، ۰۱۳۹۸، ۱۴۱۱
- روح الصلوة: ۳۳۹
- روضه‌الابرار: ۱۶۲۵
- روضه‌الاحباب فی سیرةالنبی والاکوالاصحاب:
- ۱۵۷۸، ۱۶۶۷
- روضه‌الشهدا: ۱۷۸۴، ۰۱۶۵۵
- روضه‌الاصحاب: ۱۱۲۷
- روضه‌الطاهرین: ۱۵۵۶، ۱۷۰۲
- روضه‌الافراح: ۱۵۰۱، ۰۱۵۸۶، ۱۵۸۷
- روضات الجنات فی احوال‌العلماء والسادات: ۰۷
- ۰۰۳۱، ۰۰۸۹، ۰۱۰۶، ۰۱۱۸، ۰۱۱۹، ۰۱۲۴، ۰۱۴۱
- ۰۱۴۹، ۰۱۶۷، ۰۱۶۸، ۰۱۶۹، ۰۱۷۳، ۰۱۷۵
- ۰۱۷۶، ۰۱۷۷، ۰۱۷۸، ۰۱۷۹، ۰۱۸۰، ۰۱۸۱
- ۰۱۸۲، ۰۱۸۴، ۰۱۸۵، ۰۱۸۶، ۰۱۸۸، ۰۱۸۹
- ۰۱۹۴، ۰۱۹۶، ۰۲۰۵، ۰۲۰۶، ۰۲۰۷، ۰۲۰۸
- ۰۲۰۹، ۰۲۱۰، ۰۲۱۵، ۰۲۱۶، ۰۲۱۷، ۰۲۱۸
- ۰۲۳۴، ۰۲۴۲، ۰۲۴۳، ۰۲۵۱، ۰۲۵۲، ۰۲۵۶
- ۰۲۶۳، ۰۲۶۵، ۰۲۷۵، ۰۲۸۰، ۰۲۸۱، ۰۲۸۲
- ۰۲۹۷، ۰۲۹۹، ۰۳۰۰، ۰۳۰۲، ۰۳۰۳، ۰۳۰۴
- ۰۳۰۵، ۰۳۰۷، ۰۳۱۰، ۰۳۱۵، ۰۳۱۶، ۰۳۱۷

۷۰۰	۷۱۷	۷۳۰	۷۳۵	۷۴۱	۷۴۶	۳۲۹	۳۲۸	۳۲۷	۳۲۶	۳۲۵	۳۱۹
۷۶۱	۷۶۳	۸۱۸	۸۵۸	۸۶۹	۸۷۷	۳۳۶	۳۳۴	۳۳۳	۳۳۲	۳۳۱	۳۳۰
۸۸۳	۹۲۰	۹۳۱	۹۳۷	۹۴۴	۹۵۲	۳۵۸	۳۵۴	۳۵۳	۳۵۲	۳۴۷	۳۴۱
۹۵۸	۹۶۶	۱۰۱۲	۱۰۱۷	۱۰۲۴	۱۰۲۴	۱۰۲۰	۱۰۱۸	۱۰۱۷	۹۶۲	۴۱۴	۴۱۴
۱۰۳۱	۱۰۳۵	۱۰۵۱	۱۰۷۵	۱۰۸۳	۱۰۸۳	۱۰۴۰	۱۰۴۲	۱۰۴۱	۱۰۴۱	۱۰۴۰	۱۰۴۰
۱۰۸۸	۱۰۹۷	۱۰۹۹	۱۱۳۵	۱۱۴۴	۱۱۴۴	۱۱۷۵	۱۱۷۲	۱۱۷۰	۱۱۶۸	۱۱۶۵	۱۱۶۵
۱۱۴۷	۱۱۵۸	۱۱۶۷	۱۱۷۱	۱۲۱۲	۱۲۱۲	۱۱۵۱۶	۱۱۵۰۶	۱۱۴۹۶	۱۱۴۷۹	۱۱۴۷۷	۱۱۴۷۷
۱۲۳۴	۱۲۳۷	۱۲۴۷	۱۲۵۵	۱۲۶۶	۱۲۶۶	۱۷۰۵	۱۶۷۵	۱۶۲۳	۱۶۰۶	۱۵۱۸	۱۵۱۸
۱۲۷۱	۱۳۰۲	۱۳۲۱	۱۳۲۶	۱۳۳۰	۱۳۳۰	۱۷۰۶	۱۷۹۱				
۱۳۴۰	۱۳۵۲	۱۳۵۴	۱۳۵۸	۱۳۶۳	۱۳۶۳					روضه‌الاولیا: ۱۵۸۶	
۱۳۶۷	۱۳۷۶	۱۳۸۶	۱۳۹۸	۱۴۰۴	۱۴۰۴					روضه‌الانتها: ۱۵۸۵	
۱۴۱۱	۱۴۹۳	۱۵۴۳	۱۶۱۲	۱۶۳۳	۱۶۳۳					روضه‌الجمال: ۷۱۵	
۱۷۰۵	۱۷۹۷	۱۷۹۸	۱۷۹۹							روضه‌الریاحین: ۱۵۸۳	
رياض‌العارفین: ۲۱۴	۳۱۰	۳۱۵	۳۲۶							روضه‌السلطین: ۵۱۰	۵۱۰
۳۲۸	۳۴۲	۳۴۲	۳۵۴	۳۵۵	۳۵۶					۱۶۵۱	۱۵۹۰
۳۵۹	۳۶۲	۳۵۵	۳۵۸	۳۹۷	۴۰۳۹					روضه‌الشهداء: ۸۷	۶۷۶
۱۰۴۱	۱۰۶۹	۱۰۷۵	۱۱۹۳	۱۲۳۸	۱۲۳۸					روضه‌الصفا: ۱۳۴	۱۵۶۲
۱۲۳۴	۱۲۳۵	۱۳۰۲	۱۳۱۱	۱۳۱۲	۱۳۱۲					۱۶۳۷	۱۶۳۷
۱۶۱۸	۱۶۱۹	۱۷۰۵	۱۷۶۵	۱۷۷۳	۱۷۷۳					روضه‌الصافات: ۷۴۹	۷۵۴
۱۸۰۶										۱۷۲۸	۱۷۲۶
رياض‌العلماء: ۱۸۴	۳۴۱	۴۱۸	۴۶۶							روضه‌الصغویه: ۱۵۶۷	
۱۴۷۲	۱۴۷۹	۱۴۸۷	۱۶۰۶	۱۶۲۳	۱۶۲۳					روضه‌المضین: ۲۵۶	
۱۶۷۵	۱۷۰۵	۱۷۰۶	۱۷۰۶	۱۷۹۲	۱۷۹۲					ریاحین‌البساتین: ۲۲۴	
رياض‌الافکار: ۱۰۵۶										رياض‌الابرار: ۱۸۳	۳۸۶
رياض‌المؤمنین و حدائق‌المضین: ۲۱۷										۴۹۲	
رياض‌المذاهب: ۱۴۸۳										رياض‌الادویه: ۳۶۱	۳۵۷
ریحانه‌الادب: ۲۹۷	۲۹۹	۳۰۶	۳۱۰							رياض‌التواریخ: ۱۵۶۸	
۳۱۵	۳۲۶	۳۲۸	۳۴۱	۳۵۴	۳۷۵					رياض‌الشمراء: ۳۰۶	۳۸۱
۶۸۰	۷۰۰	۸۵۸	۹۵۰	۹۵۸	۱۰۱۷					۵۹۰	۵۹۰
۱۰۱۹	۱۰۴۰	۱۰۷۵	۱۱۶۲	۱۱۶۲	۱۱۶۲					۶۵۴	۶۵۴

- ۱۷۰۵ زیج شاهجهانی (دملوی): ۳۵۳
 زین الاخبار گردیزی: ۱۶۸۶
 زین القصص: ۷۱۶
 زینة المجالس: ۱۵۴۸، ۱۷۲۸، ۱۷۲۸
 ۱۷۲۹
 رینة الاوراق: ۷۴۹
- ز
- زاد السالك: ۱۴۶۱
 زاد العقبی: ۱۴۶۶
 زاد المعاد: ۱۴۶۶
 زبدة الاخبار: ۱۵۵۸
 زبدة الاشعار: ۶۱۳
 زبدة الافكار: رش به خلاصة الافكار
 زبدة الاصول: ۲۵۰، ۲۶۶
 زبدة البيان في براهين احكام القرآن: ۲۴۹
 زبدة الصانيف: ۱۴۷۵، ۱۴۷۶
 زبدة الخاير: ۱۶۷۶، ۱۶۷۷
 زبدة النواريح: ۱۵۵۶، ۱۵۶۰، ۱۵۶۶
 ۱۷۰۴، ۱۶۶۷، ۱۵۷۱
 زبدة الرجال: ۴۱۸
 زبدة العلوم: ۱۵۷۹
 زکات (ملاصدرا): ۳۲۰
 زمزم: ۱۴۷۷
 زند: ۳۷۹، ۳۸۰
 زندگانی شاه عباس اول: ۷، ۷۹، ۱۰۳
 ۱۱۸
 زواهر الحکم: ۲۷۵، ۱۴۷۹
 زیا و نگار (محمد رضانی): ۶۰۱
 زیج جدید سلطانی (زیج الخ بیگی): ۳۴۴
 ۳۵۳
 زیج جدید محمد شاه: ۳۵۳
- س
- ساطع برهان: ۳۸۵
 ساقی نامه ابونراب بیک فرقتی (ترجیع بند):
 ۶۲۰
 ساقی نامه افدسی: ۶۱۷
 ساقی نامه افدسی (مشهدی): ۸۳۵، ۸۳۶
 ۸۳۸
 ساقی نامه اوحی کشمیری: ۶۱۷
 ساقی نامه ترجیع بند کامل جهرمی: ۶۲۰
 ۱۰۰۲
 ساقی نامه حکیم پرتوی: ۶۱۶
 ساقی نامه پرتوی شیرازی: ۶۵۰، ۶۵۲
 ساقی نامه ثانی مشهدی: ۷۷۸
 ساقی نامه حیاتی: ۱۰۰۹
 ساقی نامه رضی آرمینانی: ۱۰۶۹، ۱۰۷۰
 ساقی نامه حکیم رکننا مسیح (ترکیب بند):
 ۱۱۹۷، ۶۲۱
 ساقی نامه حکیم شفاپی (ترکیب بند): ۶۲۱
 ساقی نامه خرده کاشی: ۶۱۷
 ساقی نامه سالک فروزینی: ۱۲۹۵، ۱۲۹۸
 ساقی نامه سرخوش کشمیری: ۱۳۷۴
 ساقی نامه سنجر کاشانی: ۹۳۲

سافی نامه نوعی: ۶۱۷، ۶۱۸، ۸۸۵	سافی نامه شرف جهان: ۶۱۷، ۶۸۷، ۶۸۹
سافی نامه وحشی بافقی (ترجیع بند): ۶۲۰	سافی نامه شکیبی: ۶۱۷، ۹۴۰
۷۶۵	سافی نامه صحیفی: ۶۱۷
سافی نامه هفت جام: ۶۷۶	سافی نامه صوفی: ۱۰۵۲، ۱۰۵۳
سالنامه شرق: ۲۳۷	سافی نامه ظهوری: ۶۱۸
سالهوتر: ۳۶۵	سافی نامه عراقی (ترجیع بند): ۶۱۹، ۶۲۰
سالهوتر: رش به سالهوتر	سافی نامه عنابی نکلو: ۹۹۰، ۹۹۱
سالنامه (خواجو): ۵۹۳	سافی نامه غیاثی منصف: ۶۱۷
صبحالابرار جامی: ۵۹۷، ۶۱۲، ۶۱۳، ۷۱۵	سافی نامه غیاثی شیرازی: ۱۰۸۸
۹۷۰	سافی نامه فخرالزمانی: ۱۷۳۶، ۱۷۳۷
سببه زلالی: ۹۶۸، ۹۶۹	سافی نامه فصیحی: ۶۲۱
سبک شناسی بهار: ۱۶۲۴، ۱۶۹۸	سافی نامه فغفور لاهیجانی (ترجیع بند):
ست سنایی: ۳۷۴	۶۲۰
سحاب جلال: ۶۹۶	سافی نامه قاسمی گنابادی: ۶۱۷، ۷۲۴
سحر حلال: ۶۹۶	سافی نامه فرقی جوشقانی: ۹۶۱
سراج اللفه: ۳۸۸	سافی نامه کوتری همدانی: ۸۷۷
سراج الصالحین: ۷۱۵	سافی نامه لسانی شیرازی: ۶۳۸
سراج منیر کاشف: ۱۷۴۸، ۱۷۶۳	سافی نامه محمد جان قدسی (ترجیع بند):
سراج المنیر: ۱۴۹۷، ۱۵۴۸، ۱۷۶۳	۶۲۰
سیرالاولیاء: ۸۴۵	سافی نامه مجذوب: ۱۳۱۸
سراکیر: ۲۲۸، ۱۴۸۲، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹	سافی نامه مرشد بروجردی: ۱۰۳۶
سراالسرار: رش به سراکیر	سافی نامه ملک قمی: ۹۵۳
سرگذشت مانی: ۱۵۳۳	سافی نامه ملهم کاشی: ۶۱۷
سرمه سلیمانی: ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۸۴، ۱۷۳۱	سافی نامه (میرسنجر کاشانی): ۴۹۲، ۶۱۸
سرمایه ایمان (فیاض): ۲۷۵، ۳۲۷، ۱۴۷۷	سافی نامه میرعسکری: ۶۱۷
سرو آزاد: ۳۱۷، ۴۷۸، ۵۶۶، ۵۶۸	سافی نامه میرک نقاش (ترجیع بند): ۶۲۰
۵۹۰، ۵۹۱، ۶۰۲، ۶۳۰، ۸۳۹، ۸۵۸	سافی نامه نظام دستیب: ۶۱۷، ۱۰۱۳
۸۷۲، ۸۷۳، ۸۸۴، ۸۹۷، ۹۱۷، ۹۳۱	سافی نامه نغمی (ترجیع بند): ۶۲۰
۹۳۷، ۹۴۴، ۹۵۰، ۹۵۲، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸	سافی نامه نظیری نیشابوری (ترکیب بند):
۱۰۲۴، ۱۰۳۵، ۱۰۶۹، ۱۰۹۷، ۱۱۲۶	۶۲۱

- سفینه النجات (کاشانی): ۲۶۵، ۳۳۲
 سفینه العارفين: ۱۵۸۴
 سکنه الاولیاء: ۱۹۹، ۲۲۷، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۷۶۶، ۱۵۸۵
 سلافة المصر: ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۹
 سلطنة الذهب: ۷۵۲
 سلطنة الصادقين: ۱۷۴۶
 سلم الانبياء: ۱۵۸۱
 سلم السماء (فوشجی): ۳۴۴
 سلم السموات: ۳۰۰، ۱۵۹۲
 سلوک الملوک: ۵۱، ۱۴۸۵، ۱۴۹۶
 سليمان نامه (زلالی خوانساری): ۵۹۷
 سليمان و بلقيس (زلالی خوانساری): رش به
 سليمان نامه
 سليمان و بلقيس فيضی: ۸۵۰
 سليم نامه: ۱۶۵، ۱۵۷۶، ۱۶۰۴
 سليم نامه بدلیسی: ۱۶۰۵
 سليم واسطی و حجاج: ۱۵۳۳
 سواد العين: ۳۰۴
 سواطع الکهام: ۸۴۹
 سنگلاخ: ۱۸۰۷، ۱۸۱۰
 سوانع شاهجهانی: ۱۷۶۰
 سوانع العشاق: ۱۷۶۸
 سوانع الحجاز: ۱۰۴۲
 سواطع الانوار: ۱۵۸۵
 سداب نامه: ۱۴۸۶
 سنت الشعراء: ۷۰۶
 سنگهاس بیسی: ۱۵۳۹
 سیاحت آدم: ۱۵۱۱
 سیاست نامه: ۱۴۸۴، ۱۵۳۳
- ۱۱۳۵، ۱۱۴۴، ۱۱۴۷، ۱۱۴۹، ۱۱۶۲
 ۱۱۶۷، ۱۱۷۱، ۱۱۸۴، ۱۱۹۳، ۱۲۰۴
 ۱۲۰۹، ۱۲۱۲، ۱۲۱۸، ۱۲۲۳، ۱۲۳۱
 ۱۲۴۱، ۱۲۶۰، ۱۲۶۴، ۱۲۶۶، ۱۲۷۱
 ۱۲۷۸، ۱۳۰۱، ۱۳۲۶، ۱۳۴۰، ۱۳۴۶
 ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۳، ۱۳۷۶، ۱۳۸۶
 ۱۳۸۹، ۱۳۹۴، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹
 ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۹، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵
 ۱۵۸۶، ۱۷۴۷، ۱۷۷۰
 سفر فرخنده اثر حضرت پادشاه عالم نصر...
 تعالی علی اعدائه بجانب بغداد خجسته بنیاد علی
 طریق الاجمال: رش به سفرنامه بغداد
 سفرنامه تاورنیه: ۱۱۷
 سفرنامه آرتیبولو: ۱۵۸
 سفرنامه بغداد: ۵۷۷
 سفرنامه توماس هربرت انگلیسی: ۸۵، ۱۱۱
 ۱۱۶
 سفرنامه جهانگردان ایتالیائی: ۱۵۸
 سفرنامه شاردن: ۱۴۹
 سفرنامه مارکوپولو: ۱۲۲
 سفینه اقبال: ۶۹۶
 سفینه الاولیاء : ۲۲۴، ۲۲۷
 ۱۲۳۴، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷
 سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار: ۲۶۰
 سفینه خوشگوار: ۳۸۱، ۴۷۶، ۹۶۷، ۱۰۱۷
 ۱۲۰۷، ۱۱۱۸، ۱۳۰۶، ۱۳۷۲، ۱۳۷۶
 ۱۶۹۸
 سفینه النجات (تجلی): ۳۱۸
 سفینه النجات اصغر فروزینی: رش به مقالات
 خمس

- سیرالانطاب: ۱۵۸۴
 سیرالاولیاء: ۱۵۸۵
 سیرالعارفین: ۱۵۸۲، ۱۵۸۵، ۱۶۲۰
 سیف الملوک و بدمع الجمال: ۱۵۳۳
 سیف المؤمنین فی قتال المشرکین: ۲۷۷
 سیر النبی معارج النبوة فی مدارج الفتوة:
 ۱۷۹۵
 سه نثر جلالا: ۱۷۶۱
 سه نثر ظهوری: ۱۷۱۷، ۱۷۴۸، ۱۷۶۱
- ش
- شاخه طویبی: ۱۶۸
 شارستان: ۳۷۲
 شانی: ۲۲۹، ۲۵۷
 شافیه ابن حاجب: ۴۱۳
 شافیه: ۳۵۸
 شافیه در علاج: ۳۵۸
 شامل اللغة: ۳۹۱، ۳۸۲
 شاه اسمعیل خطایی اثر لرزی: ۴۲۴
 شاه اسمعیل صفوی: ۶
 شاه جهان نامه (کلیم): ۰۶، ۰۴۹، ۰۱۹۹
 ۵۷۸، ۵۷۷، ۴۶۱
 شامد صادق: ۱۴۹۱، ۱۵۴۸، ۱۵۵۸
 ۱۷۵۵، ۱۷۵۴، ۱۷۵۳، ۱۷۵۱، ۱۵۹۳
 شاهجهان نامه (طباطبائی): ۴۶۱، ۱۷۶۱
 شاهجهان نامه (قدسی): ۵۹۳
 شاهجهان نامه محمد صالح کنبوی لاهوری:
 ۱۴۴۹، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۵۷۴، ۱۵۹۸
 ۱۷۵۶، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۵
 ۱۷۶۶
 شاهراه نجات: ۶۲۵
- شاهرخانه: ۵۹۳، ۷۲۰
 شاهنامه بهادرشاه: ۱۷۹۰
 شاهنامه حیدری: ۵۸۶
 شاهنامه حیرنی: ۶۲۳
 شاهنامه عباسی: ۵۸۲
 شاهنامه ماضی (فاسمی گنابادی): ۷۱۸،
 ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۳
 شاهنامه نواب عالی: ۵۷۵، ۷۱۸، ۷۲۰،
 ۷۲۱
 شاهنشاه نامه: ۵۷۸، ۱۱۷۵
 شاه طهماسب صفوی: ۷
 شاهنامه بهشتی: ۵۷۶
 شاهنامه صادقی: رش به فتحنامه عباس نامدار
 شاهنامه فردوسی: ۳۷۴، ۶۱۵، ۱۴۹۳،
 ۱۵۱۹، ۱۵۵۲، ۱۶۶۶، ۱۷۰۲
 شاهنامه (محمود بیگ سالم): ۶۱۵
 شاهنامه نواب عالی: ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۲۱
 شبایه محتشم: ۷۹۵
 شبانکارگان: رش به ملوک شبانکاره فارسی
 شجره البیه: ۱۴۷۶
 شرائط الایمان: ۱۴۹۵
 شرایع الاسلام (علامه حلی): ۲۶۷
 شرح عین العلم: ۱۲۸۶
 شرح الفوائد السبائیة فی الحساب (بیرجندی):
 ۳۴۶
 شرح فصاید عرفی: ۱۷۴۸
 شرح آداب البحث (ملا عبدالعلی بیرجندی):
 ۲۹۱
 شرح اثبات الواجب (صدرالدین محمد
 دشتکی): ۳۰۱

- شرح دیوان عنلی بن اسی طالب (میبیدی):
۲۹۸
- شرح رساله جمعیه در فقه: ۱۶۲۹
- شرح رساله زوزاء جلال‌الدین دوانی
(مصلح‌الدین لاری): ۳۰۵
- شرح «روح‌البیان»: ۲۲۳
- شرح زیج جدید سلطانی: ۳۴۶
- شرح شافیه ایر حاجب از اسفراینی: ۴۱۳
- شرح شافیه (مازندرانی): ۴۱۳، ۴۱۴
- شرح شمسه (قاضی میبیدی): ۲۹۸، ۲۹۰
- شرح صحیفه سجاده (آقاهادی): ۴۱۴
- شرح صمیر: ۴۱۴
- شرح طوائف الانوار (فاضل بیضاوی) از
میبیدی: ۲۹۸
- شرح عربی صحیفه سجاده (ابن بابویه):
۲۵۶
- شرح فارسی صحیفه سجاده (ابن بابویه):
۲۵۶
- شرح فصوص الحکم ابن عربی: ۱۶۰۴
- شرح قاموس المحيط (شروانی): ۴۰۹
- شرح قدیم (شمس‌الدین محمود): ۲۷۱
- شرح قواعد در فقه (یزدی): ۳۴۹
- شرح کافی قزوینی: ۱۸۰
- شرح کافیه (آقاهادی): ۴۱۴
- شرح کافیه (ابن حاجب) از میبیدی: ۲۹۸
- شرح کافیه (ابن حاجب مصلح‌الدین لاری):
۳۰۵
- شرح کبیر: ۴۱۴
- شرح گلشن راز: ۱۶۰۴، ۱۴۷۲
- شرح لنتهای قرآن: ۲۴۶
- شرح اسباب و علامات: ۳۶۰
- شرح اسکدرنامه: ۳۸۹
- شرح اشارات: ۱۶۳۳، ۳۲۴
- شرح اصول کافی (ملاصدرا): ۲۸۱
- شرح ايساعوجی ابهری: ۱۶۴۴
- شرح الاربعین نوری: ۱۶۶۸
- شرح الفوائد العیانیه (مازندرانی): ۴۱۳
- شرح باب حادی عشر در کلام: ۱۶۲۹
- شرح بر قسمت طبیبی و الهی هدایه ابهری
(ملاصدرا): ۳۲۱
- شرح بیست باب در معرفت اسطرلاب: ۳۴۶
- شرح تجرید: ۲۴۸، ۲۸۲
- شرح تجرید الکلام (خضری): ۳۰۴
- شرح تحریر مجسطی: ۳۴۶
- شرح تذکره التعریریه فی البیئة (سرحندی):
۳۴۶
- شرح تذکره البیئة خواجه نصیر (از خضری):
۳۱۴
- شرح تهذیب اصول: ۱۶۲۹
- شرح تهذیب المنطق و الکلام (حلّال‌الدین
دوانی): ۲۹۱
- شرح جدید (علاء‌الدین قوشچی): ۲۷۱
- شرح جواهر اسرار: ۲۲۵
- شرح حال غیات‌الدین خواندمیر: ۱۴۸
- شرح حال رجال ایران: ۱۸۰۵
- شرح حق‌الیقین: ۱۶۰۴
- شرح حکمة العین (میبیدی): ۲۹۸، ۱۶۱
- ۳۴۵
- شرح دفتر اول مشنوی (رئیس‌الکتاب
عثمانی): ۲۲۲

- شرح لمعة دمشقیه: ۲۶۷
- شرح مثنوی (درویش علی): ۲۲۲
- شرح مثنوی (سودی): ۲۲۲
- شرح مثنوی (شعبان سروری): ۳۲۲
- شرح مثنوی (شمعی): ۲۲۲
- شرح مثنوی (شیخ سیواسی): ۲۲۳
- شرح مثنوی (قره طوی رومی): ۲۲۳
- شرح مثنوی (محمد رضا): ۲۲۳
- شرح مثنوی (نقشبندی حنفی): ۲۲۴
- شرح شیخه «من لایحضره الفقیه» (ابن بابویه قمی): ۲۵۶
- شرح مطالع: ۲۸۲
- شرح مطول فتازانی (لاری): ۴۱۵
- شرح معالم (آقاهادی): ۴۱۴
- شرح معنیات اسماء حسنی: ۳۹۹
- شرح معنیات جامی: ۳۹۹
- شرح معنیات علی اکبر: ۳۹۹
- شرح معنیات معنایی (اردوبادی): ۴۰۰
- شرح معنیات معنایی (نونداکی): ۴۰۰
- شرح من لایحضره الفقیه (مجلسی): ۱۸۰
- شرح میرک بخاری (بر حکمه العین): ۳۰۴
- شرح نصاب الصیان: ۴۱۲
- شرح نهج البلاغه ملا فتح... کاشانی: ۱۶۷۶
- شرح هدایه (میبدی): ۳۳۷، ۲۹۸، ۱۶۱
- شرح هدایه الحکمة اثرالدین ابهری: ۲۹۸
- شرح هیاکل النور (دشتکی): ۳۰۱، ۱۸۶
- ۳۰۲
- شرح الهیاکل فی حکمة الاشراف: ۳۲۷
- شرحهای بر الفیه (شید تانی): ۲۶۷
- شرحی بر هیئت فارسی فوشجی: ۳۱۵
- شرحی در نقض متصرفه (مجلسی): ۲۱۸
- شرفنامه (بدلیسی): ۷۹
- شرفنامه: ۰۵۹۵، ۰۱۵۷۶، ۰۱۶۹۱، ۰۱۶۹۲
- ۰۱۶۹۳، ۰۱۶۹۴
- شرفنامه شاهی: ۱۵۷۷
- شرفنامه محمدشاه: ۵۸۳
- شرفنامه منیری: ۰۳۷۵، ۰۳۷۶
- شعرالمجم: ۰۱۱۴، ۰۷۹۹، ۰۸۰۶، ۰۸۳۹
- ۰۸۴۲، ۰۸۴۶، ۰۸۵۶
- شعله دیدار: ۶۱۳
- شفا: ۰۲۸۲، ۰۳۰۳، ۰۳۲۴
- شقائک: ۲۸۷
- شکرستان: ۰۱۵۵۰، ۰۱۷۷۹
- شمیه: ۲۹۰
- شمه و فقیهه: ۰۱۸۰۲، ۰۱۸۰۳، ۰۱۸۰۴
- شمع انجمن: ۰۶۴۵، ۰۷۳۵، ۰۷۳۷، ۰۷۴۱
- ۰۷۸۹، ۰۹۶۶، ۰۹۶۷، ۰۱۰۵۸، ۰۱۱۴۷
- ۰۱۱۵۸، ۰۱۲۰۴، ۰۱۲۴۱، ۰۱۳۰۲، ۰۱۳۲۶
- ۱۳۴۷
- شمع و پروانه (عاطلخان رازی): ۰۶۰۱
- ۱۲۷۷
- شمع الیقین فی معرفة الحق والیقین: ۰۲۷۵
- ۰۱۴۶۵، ۰۱۴۷۸
- شور خیال: ۰۱۳۲۲، ۰۱۳۲۳
- شوارق الالهام در حکمت: ۳۲۷
- شواهد النبوه جامی: ۲۲۴
- شواکل العور: ۳۰۲
- شهاب ثاقب: ۰۱۳۹۹، ۰۱۴۷۳
- شهرانگیز (وحیدی قمی): ۶۳۲

۰۹۸۹	۰۹۷۷	۰۹۶۶	۰۹۵۸	۰۹۵۰	۰۹۴۴	شبهانه (قاسمی): ۵۹۳
۰۱۰۰۰	۰۱۰۰۳	۰۱۰۰۴	۰۱۰۱۲	۰۱۰۲۴	شبهانه نادری: ۵۸۴	
۰۱۰۳۱	۰۱۰۳۵	۰۱۰۴۸	۰۱۰۵۶	۰۱۰۶۲	شیر و شکر: ۱۰۴۲	
۰۱۰۷۱	۰۱۰۷۵	۰۱۰۸۳	۰۱۰۸۸	۰۱۱۱۱	شیرین و خسرو مشرقی: ۱۱۳۷	
۰۱۱۳۵	۰۱۱۴۴	۰۱۱۴۷	۰۱۱۵۸	۰۱۱۵۹	شیرین و خسرو روح الامین اصفهانی: ۱۱۲۲	
۰۱۱۶۷	۰۱۱۷۱	۰۱۱۸۴	۰۱۱۹۳	۰۱۲۰۹	۱۱۲۳	
۰۱۲۱۲	۰۱۲۲۳	۰۱۲۲۸	۰۱۲۳۴	۰۱۲۳۷	شیه محتشم: ۷۹۵	
۰۱۲۴۴	۰۱۲۴۷	۰۱۲۵۵	۰۱۲۶۷	۰۱۲۷۱	شیخ صفی و تبارش: ۶	
۰۱۲۷۲	۰۱۲۸۵	۰۱۳۰۶	۰۱۳۲۱	۰۱۳۲۶		
۰۱۳۴۷	۰۱۳۵۸	۰۱۳۶۷	۰۱۳۷۲	۰۱۳۷۶		
۰۱۳۸۶	۰۱۳۸۹	۰۱۳۹۸	۰۱۴۰۴	۰۱۴۰۹		
۰۱۴۱۱	۰۱۵۲۴	۰۱۵۸۹	۰۱۶۱۹	۰۱۶۲۱		
۰۱۶۴۵	۰۱۷۳۰	۰۱۷۹۱	۰۱۷۹۲			
						صاحبقران نامه: ۵۸۶، ۵۸۴
						صاحبه: ۱۲۳۴
						صبايه محتشم: ۷۹۵
						صافی: ۱۴۷۰
						صبح صادق: ۱۷۵۵، ۱۷۵۲
						صبح گلشن: ۳۸۱، ۰۹۵۸، ۰۱۰۶۹، ۰۱۰۷۰
						۱۸۰۵، ۱۳۵۴
						صحاح الادویه: ۳۸۴
						صحاح: ۴۱۱
						صحاح اللغة: ۴۰۸
						صحائف (حسینی سمرقندی): ۲۹۱
						صحایف الاعمال: ۶۹۶
						صحف ابراهیم: ۰۵۲۷، ۰۴۶۵، ۰۵۹۰، ۰۶۳۷
						۰۶۴۲، ۰۶۴۵، ۰۶۴۸، ۰۶۸۰، ۰۶۹۴، ۰۷۰۰
						۰۷۱۷، ۰۷۱۹، ۰۷۳۵، ۰۷۴۱، ۰۷۴۶، ۰۷۵۵
						۰۷۶۱، ۰۷۷۷، ۰۷۹۲، ۰۷۹۹، ۰۸۱۵، ۰۸۳۳
						۰۸۳۹، ۰۸۵۸، ۰۸۶۵، ۰۸۶۹، ۰۸۷۳، ۰۸۷۷
						۰۸۸۳، ۰۸۹۲، ۰۸۹۷، ۰۹۱۷، ۰۹۳۱، ۰۹۳۷
						صحيفة الاخلاق: ۷۴۹
						صحيفة الاخلاص: ۴۰۶
						صحيفة الارقام: ۱۶۳۷
						صحيفة سجادية: ۲۵۳، ۲۵۲
						صحيفة كاملة سجادية: ۲۵۳
						صحيفة لاريب: ۷۵۲، ۷۵۰، ۷۴۹
						صحيفة ملكوتيه: ۳۰۶
						صحيفة ناقصه سجادية: ۲۵۳
						صراح اللغة: ۴۱۱
						صراط التجاة: ۲۶۰
						صريح الملك: ۷۵۱
						صفوة الصفاء: ۱۴۰
						صناعة: ۳۳۷، ۳۱۱
						صنایع: ۶۹۶
						صنایع الحسن: ۱۶۵۲
						صمدیه: رش به فوائد الصمدیه
						صوارم المهرقة: ۱۷۰۶

طبقات شافعیه: ۱۶۶۶
 طبقات شافعیه سبکی: ۱۶۶۶
 طبقات شامجهانی: ۱۷۴۶
 طبقات فقهای شیعه: ۱۶۶۶
 طبقات صدریه: ۲۷۱
 طبقات محمود شاهی مندونی: ۱۶۸۷
 طبقات ناصری: ۱۶۶۷، ۱۶۸۷
 طرازاللفظ: ۴۱۰، ۳۰۴
 طراوه الطائف فی ترجمه الكتاب الطرایف :
 ۱۶۲۶
 طرائق الحقایق: ۱۳۹، ۱۷۹، ۲۰۵، ۲۰۷،
 ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۸،
 ۲۱۹، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۰،
 ۳۰۴، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۹، ۳۳۶،
 ۳۴۲، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۶۳۷، ۶۴۱،
 ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۶۲، ۶۶۴، ۱۰۳۹،
 ۱۳۱۱، ۱۶۱۶، ۱۶۸۸، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶
 طرح الکتونین: ۳۲۱
 طوابع الانوار بیضاوی: ۱۶۶۸
 طوطی نامه: ۱۰۴۲، ۱۵۴۸

ظ

ظفرنامه: ۱۱۵، ۱۴۴۷، ۱۶۰۵، ۱۶۵۵،
 ۱۷۶۱
 ظفرنامه شامجهانی: ۵۷۸، ۱۱۷۵
 ظفرنامه عالمگیری: ۱۵۴۳
 ظفرنامه فتح کانگره: ۱۷۶۱

صواعق المحرقة: ۱۷۰۶
 صور اقلیم: ۱۷۸۴
 صورت حال: ۶۹۶
 صیقل ملال: ۶۹۶

ض

ضابطه حل معما: ۴۰۰
 ضروریات محتشم: ۷۹۵
 ضمیمه یا تنه تعلق نامه امیر خسرو: ۱۰۰۷،
 ۱۰۰۹
 ضمیمه فهرست ریو: ۵۹۹
 ضمیمه فهرست نسخه‌های فارسی در موزه
 بریتانیا: ۵۹۱، ۶۳۱
 ضوابط الانشاء: ۴۰۷
 ضیاء القلب: ۱۴۹۵
 ضیاء القلوب: ۱۴۷۹، ۱۶۲۶

ط

طاهرات: ۶۹۶
 طباشیر الصبح فیضی: ۸۵۰
 طب الاکبر: ۳۶۰
 طب شفایی: ۳۶۰، ۱۶۳۹
 طب یوسفی: ۱۴۸۶
 طبقات اکبری: ۶، ۱۴، ۷۵۵، ۷۰۰،
 ۱۵۷۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶
 طبقات جلالیه: ۲۷۱
 طبقات سلاطین اسلام: ۷، ۱۴، ۴۷، ۵۰

ع

- عرصات المارفين: ۱۵۹۳، ۱۷۳۲
- عرفات الماشقين: ۱۱۲۴، ۳۸۱، ۴۵۵، ۴۵۶
- ۴۷۱، ۴۷۶، ۴۷۸، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۶
- ۶۱۶، ۶۲۹، ۶۴۲، ۶۴۵، ۶۴۸، ۶۵۴
- ۶۶۲، ۶۷۱، ۶۷۴، ۶۸۰، ۶۹۴، ۷۴۱
- ۷۴۲، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۵، ۸۱۸، ۸۲۰
- ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۵۸، ۸۶۰
- ۸۶۱، ۸۶۵، ۹۸۷۷، ۸۸۳، ۸۸۵، ۸۹۷
- ۹۰۴، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۸، ۹۳۷، ۹۳۸
- ۹۴۰، ۹۵۸، ۹۶۰، ۹۶۶، ۹۶۹، ۹۸۹
- ۹۹۲، ۹۹۵، ۱۰۰۰، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵
- ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۷، ۱۰۲۴، ۱۰۳۵
- ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۰۵۲، ۱۰۵۶، ۱۰۷۵
- ۱۰۹۷، ۱۱۲۶، ۱۱۳۱، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶
- ۱۱۴۷، ۱۱۸۴، ۱۱۹۳، ۱۱۹۳، ۱۱۹۳
- ۱۶۲۱، ۱۶۴۵، ۱۶۵۳، ۱۶۶۴، ۱۶۸۹
- ۱۷۱۳، ۱۷۱۵، ۱۷۲۲، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵
- ۱۷۳۰، ۱۷۳۲، ۱۷۳۹، ۱۷۹۹
- عروة الوثقى: ۳۲۰
- عروض و فائیه وحیدی تبریزی: رش به جمع
مختصر
- عشره کامله: ۲۲۵، ۱۷۰۶
- عشق بی زوال: ۶۹۶
- عصمت نامه (ملاحمید): ۶۰۲
- عقد الدرر فی بقریطن عمر: ۱۶۸
- عقاید و عملیات دین عیسویان: ۲۷۶
- عقاید نفسی: ۱۶۴۲، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵
- علاجات داراشکوهی: ۳۵۸
- علاج الامراض: ۳۵۷، ۳۶۴، ۱۴۸۶
- عالم آرا: ۳۷۶
- عالم آرای اسکندری: ۴۲۶
- عالم آرای امینی: ۱۴۶، ۵۱
- عالم آرای شاه اسمعیل: رش به عالم آرای
صفوی
- عالم آرای صفوی: ۶، ۷، ۶۶، ۶۷، ۹۷
- ۹۸، ۹۹، ۱۳۹، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲
- ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۰۲، ۴۱۶
- عالم آرای عباسی: ۵، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۷
- ۵۷۶، ۵۸۴، ۵۹۶، ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۳۰
- ۱۳۹، ۱۹۴، ۳۰۶، ۳۷۶، ۴۰۲، ۴۲۳
- ۴۳۴، ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۴
- ۵۰۵، ۵۸۰، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۸۳
- ۱۴۸۶، ۱۵۰۳، ۱۵۶۶، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰
- ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۴، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳
- ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۷۶، ۱۷۸۴
- عالمگیر نامه حاتم خان: ۱۵۷۵
- عباسنامه: ۱۸۰، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۵۶۸
- ۱۵۹۸، ۱۷۶۳، ۱۷۶۹، ۱۳۴۹
- عجائب البلدان: ۱۵۰۲، ۱۷۸۴
- عجائب بلاد: رش به مسالک و ممالک
- عجائب القصص: ۱۵۷۸
- عجائب المخلوقات: ۱۷۲۸، ۱۷۸۴
- عجیب القصص: ۱۵۲۲
- عده الداعی: ۱۴۶۵
- عذاب النواصب علی الجاحد الناصب: ۲۷۳
- عذر مقال: ۶۹۶
- عرش القديس: ۳۰۶

ف

- علاقة التجريد: ۱۴۷۶
 علم اليقين: ۲۷۵، ۳۳۳
 علم واجب: ۳۰۶
 عمدة الطالب: ۱۶۵۵
 عمل صالح: رش به شاه جهان نامه
 عوالم العلوم: ۲۶۰
 عوالم الكبير: رش به عوالم العلوم
 عهد عتيق: ۲۷۵
 عيار دانش: ۱۴۹۷، ۱۵۴۹، ۱۶۹۸، ۱۷۰۰
 عين الحكمة: ۳۴۱
 عين الحيوۃ: ۲۱۸، ۳۶۳، ۱۴۷۲، ۱۴۹۶، ۱۷۸۴
 عيون التواريخ: ۱۶۵۵
 عيون اخبار الرضا: ۱۴۶۹
 عيون الحساب: ۳۴۹
 عيون الزلال: ۶۹۶
 عيون المسائل (ميرداماد): ۳۰۶
 عين اليقين: ۳۳۳، ۳۳۴
- فاتح الايات: ۲۲۳
 فارسنامه ناصري: ۱۰، ۲۳۸، ۲۹۹، ۳۷۶، ۳۷۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹
 فارسی گویان پاکستان: ۴۶۳
 فتحنامه عباس نامدار: ۵۷۷
 فتحنامه نورجهان بیگم: رش به وقایع الزمان
 فتوح السلاطين: ۱۶۸۷
 فتوح المعجم: ۵۷۷، ۱۵۳۴، ۱۵۴۸
 فتوحات شاهجهانی: ۱۱۷۳، ۱۱۷۵
 فتوحات عادلشاهی: ۱۵۷۶
 فتوحات غیبیه (یزدی): ۳۵۰
 فتوحات فیروزشاهی: ۱۶۸۷
 فتوحات مکیه: ۱۷۶۸
 فتوحات میرانشاهی: ۱۶۱۴
 فردوس التواريخ: ۱۶۱۴
 فرائض سجاوندی: ۱۶۶۸
 فرائض لاری: ۱۶۶۸
 فردوس العارفين (عبدی بیگ): ۵۹۵، ۷۴۹
 فراست نامه: ۱۶۲۶، ۱۶۲۷
 فراغ بال: ۶۹۶
 فرامین و احکام دوران صفوی: ۷
 فرج بعد از شدت: ۱۵۴۸، ۱۷۲۸
 فرخ نامه (ساقی نامه): ۹۳۲
 فرس نامه: ۳۶۵
 فرسنامه (فیروز جنگ): ۳۶۵
 فرمان شاه طهماسب صفوی در استقبال و پذیرائی نصرالدین محمد همایون: ۱۴، ۸۴

غ

- غایق المأمول: ۲۵۰
 غایق المرام: ۲۶۱
 غرائب انشاء: ۱۶۲۶
 غزوة المجاهدين: ۱۵۱۳
 غزای سلیمانی: ۵۷۶
 غزوه نامه اسیری: ۵۸۸، ۵۸۹
 غیاث اللغات: ۳۷۱

- فوائد الصمدیه: ۱۰۴۲، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲
- فوائد الفوائد: ۱۵۸۵
- فوز عظیم (عظیمای نیشابوری): ۶۱۳
- ۱۳۵۲، ۱۳۴۶
- فهرست دانشگاه تهران: ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۱
- ۳۵۲، ۳۰۲، ۲۵۳
- فهرست برلین: ۱۵۷۹
- فهرست بلوشه: ۳۶۳، ۳۸۶، ۳۹۱، ۳۹۴
- ۴۰۷، ۶۱۴، ۹۵۸، ۱۰۷۵، ۱۱۷۱
- ۱۲۱۲، ۱۲۴۱، ۱۲۵۷، ۱۲۶۶، ۱۲۸۸
- ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۹
- ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶
- ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰
- ۱۵۵۶، ۱۵۶۱، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳
- ۱۵۷۴، ۱۵۷۷، ۱۶۰۵، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱
- ۱۷۱۱، ۱۷۱۹، ۱۷۲۲، ۱۷۳۴، ۱۷۷۸
- فهرست ریو: ۳۶۲، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۱
- ۳۹۲، ۴۰۰، ۴۰۸، ۶۱۳، ۸۶۶، ۸۶۹
- ۹۲۸، ۹۳۱، ۹۵۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۷
- ۱۰۳۱، ۱۰۳۳، ۱۰۸۳، ۱۰۸۸، ۱۱۰۰
- ۱۱۴۷، ۱۱۷۱، ۱۲۱۲، ۱۲۴۷، ۱۲۵۵
- ۱۲۶۰، ۱۲۶۶، ۱۳۰۲، ۱۳۲۱، ۱۳۳۰
- ۱۳۵۸، ۱۳۷۶، ۱۴۶۷، ۱۴۷۴، ۱۴۸۳
- ۱۴۸۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۹، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲
- ۱۵۱۴، ۱۵۱۹، ۱۵۲۲، ۱۵۲۶، ۱۵۲۸
- ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴
- ۱۵۴۷، ۱۵۵۴، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸
- ۱۵۶۳، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۷۱
- ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۷، ۱۵۸۱
- ۱۵۹۵، ۱۵۹۸، ۱۶۰۵، ۱۶۰۸، ۱۶۳۳
- فرهاد و شیرین کوثری: ۸۷۷، ۸۷۸
- فرهاد و شیرین عرفی: ۸۰۸
- فرهاد و شیرین وحشی: ۷۶۱، ۹۲۹
- فصل الدواوین: ۶۹۷
- فرخ سیرنامه: ۱۵۷۵
- فرنودسار: ۱۲۳، ۱۴۴، ۴۱۱
- فرهنگ (ابوحفص سفدی): ۳۶۸، ۳۷۸
- فرهنگ ایران باستان: ۱۴۸۱
- فرهنگ ایران زمین: ۴۲۹، ۴۳۰
- فرهنگ جهانگیری: ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱
- ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۲
- ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۶۷
- فرهنگ رشیدی: ۳۷۱، ۳۸۷، ۴۱۰
- فرهنگ دساتیر: ۳۷۰
- فرهنگ سخنوران: ۱۵۲۱
- فرهنگ سروری: ۳۷۱، ۳۷۴، ۳۷۸، ۳۸۰
- ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۸، ۱۶۱۸
- فرهنگ سکندری: رش به تحفه السعاده
- فرهنگ سهل و مختصر (سروری): ۳۸۲
- فرهنگ (قطران تبریزی): ۳۶۸
- فرهنگ میرزا: رش به نسخه میرزا
- فرهنگ ناصری: ۳۸۰
- فصوص الحکم: ۳۴۳، ۱۷۶۸
- فصول المختاره: ۱۴۷۷
- فصوص المهمه: ۱۶۵۵
- فضائل النوروز: ۱۸۹
- فلک اعظم: ۶۰۰، ۱۵۴۱
- فلک البروج: رش به آسمان هشتم
- فوائد البیان: ۱۰۴۲
- فوائد الاخيار: ۳۵۷، ۱۴۸۶

- ۱۵۷۷، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۷۴۵، ۱۷۳۳، ۱۷۲۲، ۱۷۱۱، ۱۶۴۸
- ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۹۵، ۱۵۹۸، ۱۷۸۷، ۱۷۷۸، ۱۷۷۶، ۱۷۷۲، ۱۷۶۵
- ۱۶۱۲، ۱۶۱۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۷۹۰
- ۱۶۴۸، ۱۶۵۱، ۱۶۶۴، ۱۶۸۲، ۱۶۹۶، فهرست کتابخانه آستانه قدس رضوی: ۲۴۸
- ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۲۰، ۱۷۳۱، ۱۷۴۵، ۱۴۹۷، ۴۰۴، ۳۶۲، ۳۵۲، ۳۴۲، ۲۵۴
- ۱۷۴۹، ۱۷۵۶، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۷۷، فهرست کتابخانه اود: ۱۱۸۶، ۷۰۶، ۶۷۵
- ۱۷۷۹، ۱۷۸۰، ۱۲۱۴، ۱۲۶۶، ۱۳۲۶، ۱۱۳۴، ۱۴۰۴
- ۱۴۱۱، ۱۴۱۳
- فهرست ایندیا آفیس: ۱۵۱۲، ۱۵۳۰
- ۱۵۳۴، ۱۵۴۴، ۱۵۷۰، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹
- ۱۶۱۶، ۱۶۵۱، ۱۷۷۹، ۱۸۰۲
- فهرست کتابخانه بودلین: ۵۹۱، ۱۵۱۸
- ۱۵۲۳، ۱۵۳۰، ۱۷۲۰
- فهرست کتابخانه دیوان هند: ۱۴۸۹، ۱۴۹۰
- ۱۴۹۴
- فهرست کتابخانه سپهسالار: ۲۴۶، ۲۴۸
- ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴
- ۲۵۵، ۲۶۰، ۲۶۱، ۳۱۱، ۳۲۸، ۳۲۹
- ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۱، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۸
- ۴۰۹، ۴۱۶، ۶۳۷، ۶۷۲، ۶۷۵، ۷۷۸
- ۷۸۲، ۸۲۸، ۸۲۹، ۷۳۹، ۸۹۷، ۹۵۰
- ۹۵۲، ۹۷۷، ۱۰۱۷، ۱۰۱۹، ۱۰۴۰
- ۱۱۸۱، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۳۴۷، ۱۳۷۶
- ۱۴۶۵، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۹۵، ۱۶۲۴
- ۱۶۶۰، ۱۶۷۵
- فهرست کتابخانه دیوان هند: ۱۴۹۸، ۱۴۹۹
- ۱۵۰۱، ۱۵۰۷، ۱۵۱۲، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳
- ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۴
- ۱۵۳۵، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۴۰، ۱۵۴۴
- ۱۵۴۵، ۱۵۴۷، ۱۵۵۴، ۱۵۵۶، ۱۵۷۵
- ۲۹۷، فهرست کتابخانه تهران:
- ۱۴۲، ۱۶۸، ۲۰۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۶
- ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۲
- ۲۵۴، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۲
- ۲۸۳، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۱۱، ۳۱۲
- ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۳۷، ۳۴۰
- ۳۴۳، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۶، ۳۶۲، ۳۶۴
- ۳۸۱، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۱۶، ۶۲۶
- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران:
- ۲۰۷، ۲۴۸، ۱۰۴۰، ۱۰۴۲، ۱۳۱۶
- ۱۴۶۵، ۱۴۷۱، ۱۴۷۵، ۱۴۷۷، ۱۴۷۹
- ۱۴۸۶، ۱۴۹۲، ۱۴۹۵، ۱۵۴۰، ۱۵۱۵
- ۱۵۱۶، ۱۵۵۶، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۹۲
- ۱۶۰۶، ۱۶۱۶، ۱۶۴۸، ۱۶۵۱، ۱۶۹۸
- ۱۷۰۵، ۱۷۱۸، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۵۰
- ۱۷۵۵، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۸۰، ۱۷۸۶
- ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۱۸۰۸، ۱۸۱۰
- فهرست کتابخانه ملی پاریس: ۳۹۷، ۴۰۵
- ۵۷۷، ۶۴۲، ۶۴۵، ۶۶۶، ۷۰۱، ۷۰۵
- ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۶
- ۷۴۹، ۷۵۱، ۸۷۸، ۸۸۶، ۸۹۸، ۹۵۸
- ۹۶۰، ۹۶۶، ۹۷۷، ۱۰۷۹، ۱۰۹۰

۱۷۷۱	۱۱۷۵	۱۱۱۵	۱۱۱۲	۱۱۰۲	۱۰۹۸
فهرست کتابخانه موزه بریتانیا: ۳۷۳، ۳۷۴	۱۲۵۷	۱۲۴۴	۱۲۳۱	۱۲۱۴	۱۱۹۷
۴۰۰، ۴۰۹، ۵۱۸، ۶۰۱، ۶۳۷، ۶۳۸	۱۳۱۴	۱۳۰۹	۱۲۸۹	۱۲۷۱	۱۲۶۸
۶۷۵، ۶۹۱، ۷۰۱، ۷۰۵، ۷۱۷، ۷۲۱	۱۴۰۹	۱۳۹۴	۱۳۷۶	۱۳۶۰	۱۳۳۶
۷۳۰، ۷۴۹، ۷۵۸، ۷۸۲، ۷۹۲، ۸۱۸	۱۵۰۲	۱۵۰۰	۱۴۸۱	۱۴۷۵	۱۴۱۴
۸۲۰، ۸۳۹، ۸۵۸، ۸۶۶، ۸۶۹، ۸۷۱	۱۵۱۹	۱۵۱۴	۱۵۱۳	۱۵۱۲	۱۵۰۷
۸۷۴، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۸۱، ۸۸۰، ۸۹۰، ۹۲۴	۱۵۲۹	۱۵۳۵	۱۵۲۴	۱۵۲۳	۱۵۲۲
۹۲۸، ۹۳۲، ۹۳۶، ۹۳۶، ۹۴۵، ۹۶۰، ۹۶۶، ۹۷۷	۱۵۵۴	۱۵۴۲	۱۵۴۱	۱۵۳۴	۱۵۳۳
۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۸، ۱۰۲۰، ۱۰۲۷	۱۵۷۰	۱۵۶۷	۱۵۶۷	۱۵۶۵	۱۵۶۱
۱۰۳۳، ۱۰۴۰، ۱۰۸۳، ۱۰۸۸، ۱۰۹۸	۱۶۰۳	۱۵۸۲	۱۵۷۷	۱۵۷۶	۱۵۷۵
۱۱۰۲، ۱۱۱۸، ۱۱۲۳، ۱۱۳۵، ۱۱۴۴	۱۶۱۹	۱۶۱۶	۱۶۱۲	۱۶۱۰	۱۶۰۹
۱۱۵۱، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۸۵، ۱۱۹۳	۱۶۴۴	۱۶۴۳	۱۶۳۴	۱۶۲۹	۱۶۲۶
۱۱۹۷، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱	۱۶۷۴	۱۶۷۳	۱۶۶۹	۱۶۶۴	۱۶۵۹
۱۲۱۴، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۳۸، ۱۲۴۷	۱۷۱۲	۱۷۰۹	۱۶۹۸	۱۶۸۸	۱۶۸۵
۱۲۵۲، ۱۲۶۴، ۱۲۶۸، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲	۱۷۲۲	۱۷۲۰	۱۷۱۹	۱۷۱۸	۱۷۱۳
۱۳۰۲، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۲۲	۱۷۴۸	۱۷۴۲	۱۷۳۴	۱۷۲۶	۱۷۲۵
۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۴۰	۱۷۸۰	۱۷۷۶	۱۷۶۳	۱۷۵۶	۱۷۴۹
۱۳۵۲، ۱۳۵۹، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۷	۱۸۰۸	۱۸۰۶	۱۸۰۴	۱۸۰۲	۱۷۸۴
۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۸۶	فهرست کتابهای چاپی فارسی: ۱۸۰۵				
۱۳۸۷، ۱۳۹۰، ۱۳۹۸، ۱۴۰۴، ۱۴۱۱	فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی: ۲۱۷				
۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۷۵، ۱۴۷۷، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱	۲۴۹	۳۱۸	۲۷۷	۲۵۴	۲۴۶
۱۴۸۸، ۱۴۹۷، ۱۴۹۹، ۱۵۰۲، ۱۵۰۷	۳۹۹	۳۹۸	۳۹۴	۳۸۷	۳۵۲
۱۵۱۲، ۱۵۱۵، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۷	۴۰۰	۴۰۴	۴۰۲	۴۰۲	۴۱۲
۱۵۳۷، ۱۵۴۱، ۱۵۴۳، ۱۵۴۵، ۱۵۴۷	۶۲۴	۶۱۲	۶۰۲	۵۰۹	۴۰۴
۱۵۵۴، ۱۵۵۹، ۱۵۶۳، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹	۸۳۱	۸۵۸	۸۹۷	۸۶۶	۹۶۷
۱۵۹۹، ۱۶۰۳، ۱۶۰۵، ۱۶۰۸، ۱۶۱۲	۱۱۰۲	۱۰۵۱	۱۰۵۰	۱۰۹۷	۱۰۱۱
۱۶۱۴، ۱۶۱۴، ۱۶۱۹، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴	۱۱۱۸	۱۱۲۳	۱۱۴۴	۱۱۴۱	۱۱۵۸
۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۴، ۱۶۵۴، ۱۶۵۹	۱۲۴۱	۱۲۴۴	۱۲۷۱	۱۲۷۱	۱۳۰۷
۱۶۶۴، ۱۶۶۹، ۱۶۸۵، ۱۶۸۸، ۱۶۹۱	۱۳۰۸	۱۳۱۶	۱۳۱۷	۱۳۱۷	۱۳۵۸
۱۶۹۱، ۱۶۹۸، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴	۱۳۵۹	۱۳۶۵	۱۴۷۱	۱۴۷۱	۱۴۸۹
	۱۴۱۰	۱۴۱۰	۱۶۰۸	۱۵۱۹	۱۷۳۸

- ۱۷۰۵، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۶، ۱۷۱۸، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۸، ۱۷۳۵، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۲، ۱۷۵۱، ۱۷۵۳، ۱۷۵۹، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۷۰، ۱۷۷۲، ۱۷۷۴، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۷۸۰، ۱۷۸۳، ۱۷۹۵، ۱۸۰۲، ۱۸۰۵
- فهرست الموم: ۲۸۷
- فهرست کتابخانه معارف: ۳۷۳، ۳۵۲، ۲۴۹
- فهرست کتابخانه ملی ایران: ریش به فهرست کتابخانه معارف
- فهرست مدرسه عالی سپهسالار: ۲۴۸، ۲۴۲
- ۳۹۴، ۳۸۷، ۳۸۳
- فهرست نسخ خطی فارسی دیوان هند: ۱۴۹۱، ۱۴۸۸، ۱۴۶۱
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه موزه بریتانیا: ۳۲۶، ۳۱۸، ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۱، ۳۸۹، ۳۹۷، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۰، ۴۱۰، ۴۰۹، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۰، ۱۱۰۰، ۱۵۱۷، ۶۲۴، ۶۰۲
- فهرست نسخ خطی انجمن آسیایی بنگال: ۱۷۸۳
- فهرست نسخ خطی کتابخانه پنجاب لاهور گنجینه آذر: ۱۵۷۵
- فهرست نسخه خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس: ۳۲۶، ۳۰۵، ۲۹۷، ۲۷۷، ۲۲۵، ۳۳۴، ۳۴۷، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۷، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۲

ق

- قاطع برهان: ۳۸۵
- قابوس نامه: ۴۰۹، ۱۴۸۴
- قاموس: ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۰، ۱۱۰۰، ۱۵۱۷
- قاموس المحيط: ۴۰۹
- قانون نامه چین: ۱۵۷۶
- قباد و دلارام: ۱۵۳۳
- قبسات (میرداماد): ۲۷۴، ۳۰۶، ۳۰۷
- قدرت آثار: ۷۰۶
- قدس نحصال: ۶۹۶
- قزبادین شقایب: ۳۶۱
- قزبادین قادری: ۳۶۰، ۳۶۱
- قرآن: ۱۴۶۳، ۱۴۹۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۶۲۴، ۱۶۶۲، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷
- قسمه لطفعلی بیگ انشار: ۱۲۵

- قصه ذوالقرنین: ۷۱۶، ۷۱۴، ۵۹۵
 قصه گل و سنوبر: ۱۵۲۷
 قصص انبیای کریم: ۱۶۵۵، ۱۵۷۸
 قصص التنزیل: ۷۱۶
 قصص الحکماء: ۲۳۵
 قصص العلماء: ۳۱۵، ۳۰۶، ۲۴۲، ۲۰۶
 قصص الخاقانی: ۱۲۴۷، ۱۲۴۶، ۱۲۰۲
 ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۳۰۶
 ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۴۷۶، ۱۵۶۷، ۱۷۷۸
 قصص اللطائف: ۷۱۶
 قضا و قدر مسیح کاشانی: ۱۱۹۷، ۱۲۰۳
 قواعد (علامه): ۲۶۸
 قواعد اسلام: ۱۷۱
 قواعد الاحکام (محقق کرکی): ۱۷۱، ۲۶۷
 قول الحکماء: ۱۵۸۶
 قهرمان نامه: ۱۹۲
 قصه آزاد سرو: ۱۵۲۹
 قصه ارشد و رشید: ۱۵۲۸
 قصه امیرالمؤمنین حسن: ۱۵۱۳
 قصه امیرالمؤمنین حسن و حسین: ۱۵۱۳
 قصه بکاولی: ۱۵۳۸
 قصه بهرام گور و بانوی حسن: ۱۵۲۸
 قصه بهروز بازرگان: ۱۵۲۸
 قصه الجواهر: ۱۵۲۶
 قصه چهاردریش: ۱۵۴۹
 قصه حسن آرا: ۱۵۳۷، ۱۵۲۸
 قصه خاقان شاه: ۱۵۲۸
 قصه دختر فغفور چین
 قصه دختر شاه بمن و وزیران او آصف
 و کامکار و آثار عصمت: ۱۵۳۰
 قصه درد و قاضی: ۱۵۳۰
 قصه شاهزاده جوانبخت: ۱۵۲۶
 قصه شاهزاده ملک جمشید و ماه: ۱۵۲۸
 قصه شاه مردان علی: ۱۵۱۱، ۱۵۱۲
 قصه شاه همایون فال و دل آرام: ۱۵۲۹
 قصه شمله و آه: ۱۵۲۶
 قصه طالب و مطلوب: ۱۵۲۸
 قصه فرخشاه: ۱۵۲۸، ۱۵۳۰
 قصه فیروز شاه: ۱۵۳۷
 قصه مدهومات: ۱۵۳۷، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴
 قصه مظفرشاه: ۱۵۲۸
 قصه ملک علی: ۱۵۲۸
 قصه ملکه روم: ۱۵۲۹
- ک**
- کارستان: ۴۳۵، ۱۵۲۱، ۱۷۴۸
 کارنامه بلخ: ۶۳۲، ۱۷۷۷
 کارنامه (عرفان): ۵۷۷
 کارنامه قاسمی گنابادی: ۴۲۵
 کاشف اسرار (حسن جلی): ۲۲۲
 کاشف الحق: ۱۸۷، ۲۲۰، ۱۴۷۵
 کافی: ۱۸۰، ۲۵۶، ۲۵۷، ۱۴۷۰
 کافیه این حاجب: ۱۶۴۲، ۱۶۶۸
 کافیه فی نحو: ۱۶۴۵
 کامل ابن اثیر: ۱۶۶۶
 کامل علایی: ۳۵۸
 کبار الامم: ۱۶۶۶
 کبری (شریف گرگانی): ۲۹۲
 کتاب الاشکال الکریه: ۳۵۰
 کتاب التوحید: ۲۵۷، ۲۶۱

- کتاب المعابد: ۱۶۴۴
 کتاب العقل: ۲۵۷
 کتاب العلم: ۲۵۷
 کتاب الفتن: ۲۵۷
 کتاب المعاد: ۲۵۷
 کتاب النبوة والامامة: ۲۵۷
 کتاب انباء القائم: ۲۵۷
 کتاب انتخاب دین الهی: ۲۷۶
 کتب اربعة المتاخرة: ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹
 ۳۳۲، ۳۲۸
 کتب اربعة مقدمة: ۱۸۰، ۲۵۶، ۲۵۶
 کتاب معجزات: رش به شاهنامه حیرتی
 کتابخانه آستانه رضوی: ۱۵۳۳
 کتابخانه انجمن آسیایی: ۷۱۷، ۷۲۰، ۱۱۳۱
 ۷۱۷، ۷۲۰، ۱۱۳۱
 کتابخانه امیرالمؤمنین نجف: ۱۱۸۷
 کتابخانه ایسالا: ۱۵۰۶
 کتابخانه بانکی پور: ۱۱۳۱
 کتابخانه حضرت عبدالعظیم: ۱۴۹۷
 کتابخانه عمومی پنجاب: ۱۵۴۳
 کتابخانه کمبریج: ۱۵۷۰
 کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ۱۴۶۳، ۱۴۷۴
 کتابخانه ملی پاریس: رش به فهرست کتابخانه ملی پاریس
 کتابخانه ملی ملک: ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۶۵۰
 ۱۱۰۱، ۱۲۶۸، ۱۳۰۷، ۱۵۱۶، ۱۵۲۱
 ۱۷۸۶
 کتابخانه موزه ایران باستان: ۷۲۱
 کتابخانه موزه بریتانیا: رش به فهرست
 کتابخانه موزه بریتانیا
 کتابخانه موقوفات اود: ۱۵۷۵
 کسر الاصنام الجاهلیة فی کفر جماعة الصوفیة:
 ۲۱۵، ۳۲۱، ۳۳۳
 کشف زمخشری: ۱۴۷۵
 کشف الآیات (نصیری طوسی): ۳۴۶
 کشف الآیات (هزاره‌نی): ۲۴۶
 کشف الاحتجاج: ۱۴۶۸، ۱۶۲۵، ۱۶۷۷
 کشف الحقایق: ۱۶۴۵
 کشف الانوار: ۲۲۵
 کشف الاسرار: ۲۶۱
 کشف الظنون: ۴۶، ۲۱۴، ۲۲۳، ۲۲۵
 ۲۴۷، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۷۲، ۲۸۵، ۲۸۸
 ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۷، ۳۰۲
 ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۶، ۳۸۱، ۳۸۶، ۳۹۳
 ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۹، ۴۱۳، ۴۱۵
 ۵۹۰، ۶۳۳، ۶۵۴، ۶۷۵، ۷۰۰، ۷۹۹
 ۱۵۰۰، ۱۵۷۶، ۱۵۸۶، ۱۶۰۳، ۱۶۰۵
 ۱۶۰۶، ۱۶۰۸، ۱۶۱۰، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳
 ۱۶۱۴، ۱۶۱۶، ۱۶۱۹، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷
 ۱۶۳۴، ۱۶۴۱، ۱۶۴۳، ۱۶۴۵، ۱۶۶۷
 ۱۶۶۸، ۱۶۸۸
 کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون: رش به
 کشف الظنون
 کشف القمه (اربلی): ۲۶۱، ۱۴۶۸، ۱۷۲۸
 کشف اللام: ۲۶۸
 کشف اللغات والاصطلاحات: ۳۷۰، ۳۷۱
 ۳۸۶
 کشف المحجوب: ۲۲۴، ۱۵۸۵

- کشف العوار: ۱۷۰۶
 کشف الکون بهائی: ۱۰۴۲
 کشن بلاس: ۱۵۳۹
 کعبه عرفان: ۱۵۹۳
 کفایة الالباب فی شرح مشکلات عیون الحساب:
 ۳۴۹
 کفایة المتهدی فی معرفة المهدی: ۰۲۱۶، ۰۱۹۱،
 ۱۴۷۱
 کلید عرفان: ۱۷۳۱
 کلمات الشمراء: ۰۱۱۴۷، ۰۹۰۲، ۰۵۹۰،
 ۰۱۱۷۱، ۰۱۳۲۱، ۰۱۳۲۲، ۰۱۳۴۳، ۰۱۳۶۳،
 ۱۳۷۴
 کلمات الصادقین: ۱۷۴۶
 کلمات الطریفه: ۲۰۷
 کلمات نوره: ۲۴۸
 کلیات بیدل دهلوی: ۱۳۷۸، ۱۳۷۷
 کلیات ینش کشمیری: ۱۳۲۳
 کلیات جويا: ۱۳۵۴
 کلیات دیوان شفایی: ۱۰۷۸
 کلیات سحابی استرآبادی: ۸۶۰
 کلیات شریف تبریزی: ۶۷۵
 کلیات شیخ بهائی: ۱۰۴۰
 کلیات صائب تبریزی: ۱۲۷۷، ۱۲۷۲
 کلیات طالب آملی: ۱۰۵۶
 کلیات طغرا: ۱۷۷۱
 کلیات قدسی مشهدی: ۱۱۵۱
 کلیات کلیم کاشانی: ۱۱۷۵
 کلیات محمد افضل سرخوش: ۱۳۷۴
 کلیات ملا شاه بدخشانی: ۱۲۳۴
 کلیات نظیری نیشابوری: ۹۰۸
 کلیات نوعی خبوشانی: ۸۸۵
 کلید بهنت (فاضی قمی): ۰۳۳۷، ۰۳۴۲
 کلید و دمه: ۰۱۵۴۸، ۰۱۵۴۹،
 ۱۷۰۰
 کمال نامه: ۷۵۲
 کنزالاقوال: ۶۹۶
 کنز الحساب: ۳۵۱
 کنز الدقائق: ۲۴۸
 کوبرهای ایران: ۶۳
 کیمیای سعادت: ۰۲۲۴، ۱۴۸۴
 کیهان اندیشه: ۱۵۱۱
- گی**
- گاناما: ۱۴۷۷
 گگل افشان: ۷۵۸
 گگل و بلبل: رش به آذر و سمندر
 گگل بکاولی: ۱۵۳۸
 گگل و ریحان: ۷۵۰
 گگاه شماری و جشنهای ملی ایرانیان: ۸۶
 گاهنامه: ۳۴۹
 گرشاسب نامه: ۵۹۳
 گشایش نامه: ۱۵۴۴
 گلدسته: ۱۷۷۷، ۱۳۲۲
 گلزار ابرار: ۰۹۰۰، ۰۹۳۷
 گلزار ابراهیم: ۰۹۵۱، ۰۹۵۲، ۰۹۷۸، ۰۹۷۹،
 ۱۷۱۷
 گلزار ایران: ۱۰۹۸
 گلزار جاویدان: ۰۷۰۰، ۱۲۳۶

- گنزار عباسی: ۱۳۴۹، ۱۳۵۱
گنزار نسیم: ۱۵۳۸
گلستان سعدی: ۳۸۱، ۱۰۹۳، ۱۴۶۲، ۱۴۸۴، ۱۵۵۰، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۷۷۹
گلستان هنر: ۵۰۱، ۶۸۴، ۶۸۵، ۱۵۹۰
گلستان ناز: ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۷۴۳
گلشن ابراهیمی: ۳۷۲، ۱۵۷۱
گلشن خیالات: ۱۵۲۱، ۱۷۸۶، ۱۷۸۷
گلشن راز: ۶۴۲
گلشن صبح: ۱۸۰۵، ۱۸۰۶
گلشن عشق: ۶۰۰، ۱۵۴۱
گلشن فطرت: ۱۳۷۴
گوهر مراد: ۱۴۷۶، ۱۴۷۷
گنج بادآورد: ۳۸۹
گنج روان: ۱۳۲۲
گنجینه سخن: ۱۴۶، ۱۵۹۶، ۱۶۹۸
گنج سخن: ۷۶۱، ۷۹۲، ۸۳۹، ۸۹۷، ۹۰۵، ۹۶۶، ۹۷۷، ۱۰۵۶، ۱۱۷۱
گوهر شهوار (عبدی گونابادی): ۶۱۴، ۱۲۵۵، ۱۲۷۱، ۱۳۷۷
گوهر عالم: ۱۵۷۵
گوهر مراد (فیاض): ۲۷۵، ۳۲۷
گوی و چوگان: رش به کارنامه قاسمی گنابادی
- لب التاریخ: ۱۵۶۶
لب السوارسرخ: ۱۵۴۶، ۱۵۶۰، ۱۶۳۴
لب الحسنات: ۱۴۶۶
لسان الخواص: ۲۶۶
لطائف الانشاء: ۴۰۶
لطائف الخیال: ۴۹۰، ۱۰۴۸، ۱۰۵۶
لطائف الطوائف: ۱۵۵۰، ۱۷۲۸، ۱۷۹۵
لطائف اللغات: ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۸۷
لطائف الممتوی: ۳۸۶
لطائف غیبی: ۲۷۷
لطائف نامه: ۱۵۹۰، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷
لطیفه غیبی: ۸۴۹، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۷۹۲
لطائف غیبی و عواطف لاریبی: ۲۵۲، ۱۴۶۴
لطائف نامه: ۱۶۴۳
لعل قطبی: ۴۰۳
لغات جوک: ۳۷۰
لفت سنگلاخ: ۳۹۴
لفت فرس سروری: رش به فرهنگ سروری
لفت مثلث: ۳۹۳
لفت نامه اسدی: ۳۶۸، ۳۶۹
لفت نامه اقنوم عجم: ۳۹۲
لفت نامه دهخدا: ۴۱۱
لفت نعمه...: ۳۹۲
لمعات: ۱۷۶۸
لوامع: ۱۷۶۸
لوامع الاسرار: ۱۶۲۵
لوامع الانوار: ۱۶۲۴، ۱۶۲۵
لوامع خیال: ۶۹۶
- ل
- لباب الالباب: ۱۴۵۰
لب لباب: ۱۵۶۰

- ۱۷۲۷، ۱۷۲۶
 مآثر الخصریه: ۱۷۱۵
- مآثر رحیمی: ۴۶۹، ۴۷۱، ۵۰۳، ۵۲۴،
 ۵۳۱، ۷۳۰، ۷۷۷، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۹۹
 ۸۰۹، ۸۳۹، ۸۷۳، ۸۸۳، ۸۸۵، ۸۹۷
 ۹۰۱، ۹۰۴، ۹۲۸، ۹۳۱، ۹۳۷، ۹۳۸
 ۹۵۰، ۹۵۲، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۸۰، ۹۸۲
 ۱۰۰۰، ۱۰۰۳، ۱۰۰۵، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸
 ۱۰۰۹، ۱۰۲۴، ۱۰۲۶، ۱۰۶۹، ۱۱۸۵
 ۱۵۸۷، ۱۶۸۱، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱
- ۱۷۵۱
 مآثر عالمگیری: ۱۵۷۵
 مآثر محمود شاه گجراتی: ۱۶۸۷
 ماکول و مشروب: ۳۵۷
 مبادئ اللغة: رش به مبادئ اللغة
 مبادئ اللغة: ۳۹۴، ۱۸۰۷، ۱۸۱۰
 مشاهه القرآن: ۲۵۱
 متمم تحفه القراء: ۲۴۵
 مثنوی آب و رنگ: ۱۷۴۸
 مثنوی آذر و سندر (زلالی خواناساری):
 ۵۹۷، ۹۶۸، ۹۷۰
 مثنوی آلات جنگ: ۱۳۴۹
 مثنوی انبان معرفت: ۱۴۰۴
 مثنوی ابرج و گیتی عطایی: ۹۸۹، ۹۹۰
 مثنوی بحر الاوزان: ۷۱۵
 مثنوی بنگ و بادیه: ۴۲۵
 مثنوی بینش ابصار (بینش): ۵۹۸
 مثنوی تأییدات: ۱۳۱۷
 مثنوی تیه الموسین: ۱۳۷۸
 مثنوی پیر و جوان (کره جاری): ۶۲۹
- لوامع شاه علی اکبر: ۱۴۶۱
 لوامع صاحبقرانی: ۲۶۹، ۱۴۶۹
 لوابع جامی: ۱۴۶۱
 لوح المظور: ۷۵۰
 لؤلؤة البحرین: ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۵
 ۲۴۲، ۳۲۰، ۳۳۱، ۳۳۳
 لیلوتی: ۳۵۲، ۸۴۹
 لیلی و مجنون (عبدی): ۷۴۹
 لیلی و مجنون (فاسمی گنابادی): ۷۱۹،
 ۷۲۰، ۷۲۳
 لیلی و مجنون کاشف: ۱۷۶۳
 لیلی و مجنون (نظامی): ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷،
 ۶۲۰، ۶۹۶، ۷۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۹۱۷
 ۱۳۲۲، ۱۳۴۱
 لیلی و مجنون (هاتفی): ۷۱۵
- م
- مآثر الامراء: ۵، ۴۹، ۳۸۹، ۴۵۲، ۴۶۲،
 ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۱،
 ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸
 ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱
 ۷۰۲، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۳۹، ۸۴۰
 ۸۴۲، ۸۴۴، ۸۴۶، ۸۴۹، ۸۵۰، ۹۲۰
 ۹۲۳، ۱۰۴۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰
 ۱۱۵۰، ۱۱۶۰، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۶
 ۱۲۰۹، ۱۲۳۷، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳
 ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۳۲۱، ۱۳۶۳
 ۱۳۶۴، ۱۳۹۸، ۱۵۴۳، ۱۵۸۸، ۱۶۳۴
 ۱۶۸۴، ۱۶۸۷، ۱۶۸۹، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹

- مثنوی حور و عدن: ۱۶۱۰
 مثنوی خسرو و شیرین (آقا شاپور): ۱۱۰۲
 مثنوی خسرو و شیرین (دهلوی): ۷۱۵
 مثنوی خسرو و شیرین روح الامین اصفهانی:
 ۱۱۲۰، ۱۱۱۹
 مثنوی خلوت راز قزوینی: ۱۳۴۹
 مثنوی جهانگیرنامه: ۱۰۶۲
 مثنوی حسن گلوسوز زلالی: ۹۶۸، ۹۶۹
 مثنوی حانیه: ۱۳۳۰
 مثنوی داستان رزم نواب حاکان گیتی ستان
 شاه اسمعیل جنت مکان با شیبک خان
 شیانی: ۱۳۰۳
 مثنوی درد و الم: ۱۶۴۸
 مثنوی در صفت ندیمان سلطان عضدالدوله
 شیراز: ۶۳۲
 مثنوی دولت بیدار شیدا: ۱۲۶۴
 مثنوی ذره و خورشید زلالی (خوانساری):
 ۹۷۰، ۹۶۸، ۵۹۷
 مثنوی رشته گوهر (بینش): ۵۹۸
 مثنوی زبده الافکار: ۷۲۴، ۷۲۰
 مثنوی زهره و خورشید: ۷۱۵
 مثنوی ساز و برگ: ۱۶۴۸
 مثنوی سام و پری: ۹۹۰
 مثنوی سخن عالی: ۱۳۶۴
 مثنوی سلیمان نامه زلالی: ۹۶۸، ۹۷۰
 مثنوی سلیمان و بلقیس حیاتی: ۱۰۰۸،
 ۱۰۰۹
 مثنوی سوز و گداز (نوعی خیوشانی): ۶۰۰
 مثنوی شاه و گدا: ۴۲۵
 مثنوی شاهراه نجات: ۱۳۱۷، ۱۳۱۸
 مثنوی شهرخنامه: ۷۲۰، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۷
 مثنوی شعله دیدار زلالی: ۹۶۸، ۹۶۹
 مثنوی شمع دل افروز: ۷۱۴، ۷۱۵
 مثنوی شور خیال (بیس کشمیری): ۵۹۸
 مثنوی شیرین و خسرو (رازی): ۵۹۷
 مثنوی شیرین و خسرو (قاسمی گنابادی):
 ۷۲۰، ۷۲۷
 مثنوی گل و بلبل: رش به آذر و سمندر
 مثنوی شهر آشوب فغفور: ۱۰۲۷
 مثنوی طلسم حیرت: ۱۳۷۸
 مثنوی طور معرفت: ۱۳۷۸
 مثنوی ظفرنامه (قدسی): ۱۱۵۱، ۱۱۷۵
 مثنوی عاشق و معشوق: ۷۲۰، ۷۲۴، ۱۳۴۹
 مثنوی عرفات: ۱۳۷۸
 مثنوی عشق نامه: ۸۸۷
 مثنوی عمارت شاهی: ۱۳۴۹
 مثنوی فتح نامه: ۱۳۴۹
 مثنوی فرهاد و شیرین عتابی: ۹۹۰
 مثنوی قضا و قدر (سلیم): ۱۱۶۱
 مثنوی قضا و قدر (طالب آملی): ۱۰۶۲
 مثنوی قضا و قدر (ضیاء اصفهانی): ۱۰۸۳،
 ۱۰۸۵، ۱۰۸۶
 مثنوی قضا و قدر (نورس): ۱۳۳۰
 مثنوی کارنامه یا جوگان نامه: ۷۲۰، ۷۲۳،
 ۷۲۵
 مثنوی گل کشتی: ۱۳۶۸، ۱۳۶۹،
 ۱۳۷۰

- مثنوی لیلی و مجنون (بدری): ۷۱۵
 مثنوی لیلی و مجنون (روح الامین اصفهانی):
 ۱۱۲۲
 مثنوی مانم سرا: ۷۱۵
 مثنوی ماه و مهر: ۱۲۸۶
 مثنوی محیط اعظم: ۱۳۷۸
 مثنوی محیط کونین: ۱۲۹۳، ۱۲۹۴
 ۱۲۹۵، ۱۲۹۷
 مثنوی مجذوب تبریزی: ۶۲۵
 مثنوی محمود و اباز (زلاکی خوانساری):
 ۵۹۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱
 مثنوی مرآة الصفات: ۷۰۶
 مثنوی مطلع الفجر: ۷۱۵
 مثنوی مصدر الآثار فانی: ۱۲۸۶
 مثنوی محمود و اباز (انیسی شاملو): ۸۷۴
 ۹۶۶، ۹۶۷
 مثنوی محمود و اباز (جهرمی): ۱۰۰۱
 مثنوی معشوق لایزال: ۶۹۶
 مثنوی مولوی: ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۲۸، ۶۷۰
 ۱۴۶۰
 مثنوی مهر و ماه جمالی کنبوه: ۱۶۲۰
 مثنوی میخانه زلاکی: ۹۶۸، ۹۶۹
 مثنوی ناصر علی سهرندی: ۶۲۴
 مثنوی نور و صفا: ۱۶۴۸
 مثنوی لیلی و مجنون: ۴۲۵
 مثنویهای سوز و گداز: ۵۹۴
 مثنویهای قضا و قدر: ۵۹۴
 مثنوی منبع الاشعار: ۷۱۵
 مثنوی میخانه فانی: ۱۲۸۷
 مثنوی ناز و نیاز فانی: ۱۲۸۶
 مثنوی ناز و نیاز قزوینی: ۱۳۴۹
 مثنوی ترگسدان: ۱۲۵۲، ۱۲۵۴
 مثنوی نمکدان حقیقت: ۱۰۸۲
 مثنوی بورنامه قزوینی: ۹۲۰، ۹۲۳
 مثنوی نور علی نور: ۱۳۷۴
 مثنوی بیرنگ عشق: ۱۴۱۲، ۱۴۱۳
 مثنوی واله و سلطان: ۱۴۱۸
 مثنوی وصف طنپوره: ۱۳۴۹
 مثنوی وصف کشمیر: ۱۱۶۱، ۱۱۶۴
 ۱۲۴۴
 مثنوی وصف همایون نپه اشرف: ۱۳۴۹
 مثنوی هدیه الاحیاب: ۱۲۵۲، ۱۲۵۳
 ۱۲۵۵
 مثنوی هفت اختر فانی: ۱۲۸۶
 ملخص: ۱۲۴۵
 مجالس الملوک: ۱۵۶۱، ۱۷۸۴
 مجالس المومنین: ۱۶۲، ۱۶۶، ۲۷۲، ۲۸۰
 ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۴، ۴۱۷، ۶۳۷، ۶۶۲
 ۷۷۹، ۱۴۷۹، ۱۵۱۶، ۱۵۷۹، ۱۵۹۳
 ۱۷۰۷، ۱۷۸۴
 مجالس النفائس: ۳۹۹، ۶۲۶، ۶۴۸، ۶۴۹
 ۷۷۹، ۱۵۹۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۵
 ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۴۵۱
 مجامع الاخبار: ۱۶۸۴
 مجربات اکبری: ۳۶۰، ۳۶۱
 محسطنی: ۳۴۸
 مجلس حکما: ۳۰۴
 مجله آریانا: ۱۵۵۳
 مجله آسیایی Journal Asiatique: ۱۶۹۵

- مجله ارمنان: ۸۵۸
 مجله ایران دیروز: ۳۱
 مجله ایران نامه: ۱۴۵۹، ۱۵۰۹، ۱۵۱۴، ۱۵۲۰، ۱۵۷۷
 مجله اوریتل کالج: ۱۶۴۷
 مجله بررسیهای تاریخی: ۱۵۶۷
 مجله پر: ۱۴۵۹
 مجله دانشکده ادبیات مشهد: ۱۰۱۷
 مجله روزگار نو: ۱۶۷۷
 مجله شرقی و آمریکایی: ۱۵۲۸
 مجله نقش و نگار: ۱۶۷۷
 مجله هنر و مردم: ۱۴
 مجله یادگار: ۰۶، ۱۴، ۲۱۴، ۳۱۵، ۴۳۰، ۱۵۵۸، ۱۷۵۵، ۱۷۵۱
 مجمع الابدکار: ۸۰۸، ۶۱۳
 مجمع الاخبار: ۱۵۵۸
 مجمع الاصناف: ۶۳۲
 مجمع الاصناف: رش به رساله شهر آشوب
 مجمع البحرین: ۰۲۲۸، ۰۴۱۰، ۰۱۰۷۹، ۱۷۶۸، ۱۷۶۶
 مجمع بیان طبرسی: ۰۲۴۸، ۱۴۷۵
 مجمع التواریخ: ۱۷۲۵
 مجمع الخواص: ۰۵۰۰، ۰۷۳۰، ۰۷۳۷، ۰۸۱۸، ۱۰۱۷، ۰۸۳۳، ۰۸۲۸
 مجمع الخيار: ۱۵۹۰
 مجمع الرجال: ۴۱۷
 مجمع الروایات: ۱۶۵۵
 مجمع الثمرات: ۱۵۹۰، ۱۶۸۱
 مجمع الترائب: ۱۵۰۰
 مجمع الفائدة: ۲۶۷
- مجمع الفرس: رش به فرهنگ سروری
 مجمع الفصحاء: ۰۳۰۶، ۰۳۱۲، ۰۳۲۶، ۰۳۲۸، ۰۴۷۱، ۰۴۹۸، ۰۴۹۹، ۰۵۰۴، ۰۵۰۸، ۰۵۱۰، ۰۵۱۱، ۰۶۵۴، ۰۶۸۰، ۰۶۹۴، ۰۷۰۰، ۰۷۳۰، ۰۷۳۲، ۰۷۶۱، ۰۷۹۲، ۰۷۹۹، ۰۸۰۸، ۰۸۱۹، ۰۸۲۸، ۰۸۳۹، ۰۸۴۴، ۰۸۵۸، ۰۸۶۰، ۰۸۹۸، ۰۱۰۱۷، ۰۱۰۳۹، ۰۱۰۷۵، ۰۱۰۷۷، ۰۱۰۸۳، ۰۱۰۸۴، ۰۱۰۸۷، ۰۱۰۹۷، ۰۱۱۷۱، ۰۱۲۲۸، ۰۱۲۷۱، ۰۱۳۱۱، ۰۱۳۴۷، ۰۱۵۸۹، ۰۱۶۵۹، ۰۱۶۶۰، ۰۱۶۶۱، ۱۸۰۶
 مجمع الفقراء: ۱۷۷۷
 مجمع النفاث: ۰۳۸۸، ۰۱۱۴۴، ۱۴۱۸
 مجمع القصائد: ۱۷۱۵
 مجمع الهدی: ۱۶۲۵
 مجمل التواریخ: ۱۵۶۶
 مجموعه اجلال: ۶۹۶
 مجموعه خیال مسیح کاشانی: ۰۱۱۹۵، ۱۲۰۲، ۱۱۹۷
 مجموعه منشآت: ۱۶۲۹
 محاسن الادب: ۱۴۸۷
 محبوب القلوب: ۰۳۳۷، ۰۴۳۴، ۱۴۴۷، ۱۴۵۱، ۱۴۹۷، ۱۵۴۹، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۰۴، ۱۸۰۴
 محیط اللغة: ۱۶۱۸
 محفل آرا: ۱۵۴۹، ۱۸۰۴
 محفل الاصفیاء و مجمع الاولیاء: ۱۵۸۳، ۱۷۴۶
 محبة الیضاء: ۰۲۰۷، ۳۳۴
 مختارنامه میرزا ارجمند: ۱۵۱۵
 مختار الاختیار: ۱۶۱۰

- مختار الانوار: ۱۶۰۹
 مختار نامه: ۱۵۱۰-۱۵۱۱
 مختار نامه عبدالرزاق بیگ: ۱۵۱۵
 مختار نامه نائینی: ۱۵۱۵
 مختار الصحاح: ۴۰۸
 مختصر بیضاوی: ۱۶۵۵
 مختصر مفید: ۱۵۰۱، ۱۷۸۳، ۱۸۰۳
 مختصر وحیدی: رش به جمع مختصر
 مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی: ۴۳۰
 مخروطات: ۳۵۰
 مخزن افغانی: ۱۷۱۲
 مخزن الاسرار: ۳۰۶، ۳۹۱، ۵۹۶، ۵۹۸
 ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۲۵، ۶۵۵، ۶۵۸
 ۷۰۴، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۱۵، ۷۴۹، ۸۵۰
 ۸۵۱، ۹۴۵، ۹۵۲، ۹۶۰، ۹۶۹، ۹۸۹
 ۹۹۰، ۱۰۷۹، ۱۱۵۲، ۱۱۶۱، ۱۱۹۷
 ۱۲۰۵، ۱۲۶۴، ۱۳۲۲
 مخزن الانشاء: ۱۸۱۰
 مخزن الغرائب: ۵۳۳، ۸۹۸، ۹۰۱، ۹۵۰
 ۹۶۶، ۱۰۵۶، ۱۱۵۸، ۱۲۰۴، ۱۲۱۲
 ۱۵۲۴، ۱۵۸۹
 مخزن گوهر: ۶۲۶
 مدار الافاضل: ۳۷۱، ۳۷۴
 مدارج الفتوة: ۵۹۰، ۱۷۰۳
 مدارک الاحکام (علی عاملی): ۱۸۶، ۲۶۷
 مدهومات و منوهر: ۶۰۰، ۶۰۱
 مدینه العلم: ۳۴۰
 مذکر الاحباب: ۵۱۰، ۵۱۱
 مذهب عشق: ۱۵۳۸
 مرآت احمدی: ۱۵۷۵
 مرآة الحقائق: ۳۰۱
 مرآة الخيال: ۹۶۶، ۹۸۲، ۹۸۵، ۱۱۴۷
 ۱۱۴۹، ۱۱۷۱، ۱۲۱۲، ۱۲۳۴، ۱۲۵۵
 ۱۲۷۱، ۱۲۷۷، ۱۲۸۵، ۱۳۷۶، ۱۷۴۷
 مرآة الجمال (صائب): ۱۲۷۷، ۱۳۳۰
 ۱۶۰۴
 مرآت سکندری: ۱۵۷۵
 مرآت الادوار و مرقات الاخبار: ۱۵۵۵
 ۱۶۶۵، ۱۶۶۷
 مرآة الرجال: ۱۶۲۶
 مرآة الزمان: ۳۰۷
 مرآة الاسرار: ۱۵۸۶
 مرآة العالم: ۱۵۵۷، ۱۷۷۰
 مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول: ۲۶۰
 مرآة الافلاک (ایبوردی): ۳۴۸
 مرآة اقدس: ۲۷۶، ۲۷۷، ۱۵۸۲
 مرآة الکائنات: ۷۰۷
 مرآة المشوی: ۳۸۶
 مرآة الانسان: ۱۴۸۶، ۱۶۰۸
 مرآت واردات: ۱۵۷۵
 مرزبان نامه: ۱۴۸۴، ۱۵۴۸
 مرکز ادوار (فیض فیاضی): ۵۹۶، ۶۱۳
 ۸۵۰، ۸۵۱، ۱۵۹۷
 مرقات الاسرار: ۳۴۰
 مروج الاسواق: ۷۵۰، ۷۵۳
 مزینة اللسان الفارسی: ۱۶۱۸
 مسار الشیخ: ۱۴۶۹
 مسافرتهای جهانگردان ونیزی: ۱۴۷
 مسالک الافهام (شید ثانی): ۲۶۷

- مسالك الافهام الى آيات الاحكام (كاظميني): ٢٥٠
 مظهر الآثار: ٦١٢، ٦٥٥، ٦٥٦، ٦٥٧
 مسالك اليقين: ٣٢٥
 مظهر الاسرار: ٦١٣، ٧٤٩
 مسالك و ممالك: ١٧٨٤، ١٦١٤، ٣٤٧
 مظهر الانوار: ٦٥٧
 مستدرک الوسائل: ٢٢٠، ٢٥٨
 معارج النبوة: ٥٩٠
 مسلك المتقين: ٦١٣
 معارف منصورى: ٣٠١
 مشارق (صدرالدين محمد): ٣٠١
 معارف ابن تيبه: ١٦٦٦
 مشارق (ايبوردى): ٣٤٨
 معالم الدين: ٢٦٦
 مشارق الالهام فى شرح تجريد الكلام (فياض): ٣٢٧
 معالم الشفاء: ٣٠٣، ٣٥٨
 معاهد التنصيص: ٤١٥
 مشرق الانوار: ٣٠٦
 معجم البلدان: ١٥١٧، ١٦٠٤، ١٧٨٤
 مشرق الشمسين: ٢٥٦، ١٠٤٢
 معدن الاخبار احمدى: ١٥٥٧
 مشرق الشمسين و اكسير السمادتين: ٢٦٨
 معجم فى الاخبار: ١٦٥٥
 مشمشيان: ٦
 معدن الجواهر: ٤٣٥، ١٤٩٧، ١٥٥٠
 مشكوة: ١٦٢
 مشهده الانوار: ٧٠٦
 معصبيع الهدى و مفاتيح المنى: ٣٢٧، ١٤٧٩
 معصائب النواصب: ١٩٤، ٢٧٣، ١٧٠٦
 مصباح الخزان و مفتاح الدقائق: ٣٦٣
 مصطلحات الشعراء: ٣٧١
 مصفاة الاشباح: ٣٢٩
 مصقل صفا: ٢٧٧
 مضمار دانش: ٣٦٦
 مطالب السؤل فى مناقب آل الرسول: ١٤١
 مطالب العشاق: ١٤٨٩
 مطالع الانوار: ٣٤٩، ١٥٨٠
 مطالب المجرىميه: ١٥٠٧، ١٥٠٨
 مطلوب الطالبين: ١٥٨٥
 مطلع: ٤٠٤، ٤٠٥
 مطمع الانظار: ٦١٣، ١١٢٢

- مقاله البدایع: ۴۰۲
 مفتاح السعادة: ۲۸۸، ۰۴۶
 مفتاح السعادة و مصباح الیادة: ۲۸۷
 مفتاح العلوم سکاکی: ۴۱۵
 مفتاح الفلاح: ۱۴۶۷
 مفتاح المعضلات: ۳۸۷، ۳۷۱، ۰۳۷۰
 مفتاح النجات: ۱۴۶۵
 مفتاح النجاح: ۱۶۲۵
 مفرح القلوب: ۳۶۱
 مفرح یاقونی: ۳۶۲
 مقالات خمس: ۱۴۶۵
 مقالات الشمر: ۱۵۴۱، ۰۱۵۰۳
 مقالات نقطویان: ۱۴۸۳
 مقیاس المصایح: ۱۴۶۶
 مقاله ابو مسلم خراسانی: ۱۹۱
 مقاله اقبال آشتیانی با عنوان زبان ترکی در آذربایجان: ۴۳۰
 مقاله حبشی: ۱۲۱
 مقاله زبان کنونی آذربایجان (مجموعه مقالات دکتر نوایی): ۴۳۱
 مقاله زبان مردم تبریز در پایان سده دهم و آغاز سده یازدهم هجری از مجموعه مقالات دکتر نوایی: ۴۳۰
 مقاله عبس اقبال آشتیانی: ۴۳۰
 مقاله لیت مان: ۱۲۱
 مقاله فضولی (محیط زندگانی شخصیت او): ۶۷۵
 مقاله سوم (احوال نظامشاه بحری): ۶۶۲
 مقامات: ۲۱۵، ۰۱۷۸
 مقامات یبینی: ۱۶۶۶
 مقالید ترکیه: ۳۹۴
 مقدمه الادب زمخشری: ۳۹۰
 مقدمه النحو: ۴۱۳
 مقدمه احیاء الملوک: ۱۷۲۲
 مقدمه ابوج افشار: ۷۶۱
 مقدمه دارابنامه طرسوسی: ۱۹۲
 مقدمه دستورنامه کسروی: ۱۷۵۹
 مقدمه دستورالملاج: ۳۵۵
 مقدمه دکتر حسین نخعی (بر دیوان وحشی): ۷۶۱
 مقدمه دیوان بیرام خان: ۴۶۹
 مقدمه دیوان غزالی مشدی: ۵۵۲
 مقدمه دیوان کاهی: ۷۵۵
 مقدمه دیوان نظام دستغیب: ۱۰۱۴، ۰۱۰۱۴
 مقدمه رحیموف بر جاب آثار عدی شیرازی: ۷۵۱، ۰۷۴۶
 مقدمه رشید یاسمی: ۷۶۱
 مقدمه رساله روحی انارجانی: ۰۴۳۰، ۰۴۲۹
 ۴۳۱
 مقدمه قانونی همایونی: ۱۵۶۲، ۰۱۵۵۳
 مقدمه الحركة والتحقیق فیها: ۳۱۲، ۰۳۱۱
 مقدمه کلیات فیضی: ۸۳۹
 مکاتبات علامی: ۱۷۰۰، ۰۱۵۹۷
 مکاتیب: ۱۴۶۱
 مکاتیب قطب الدین محیی: ۱۶۱۱
 مکارم الاخلاق وغرایب الاسرار: ۱۵۶۲، ۰۱۴۸۷
 مکارم الکرام: ۱۶۲۵
 مکاشفات رضوی (محمدرضا): ۲۲۳
 ملاذ الاخیار: ۲۱۶
 ملاذ المجتهدین: ۲۶۶

منشآت برهمن: ۱۷۷۸، ۱۵۹۸	ملحقات برهان قاطع: ۳۸۵
منشآت السلاطین: ۱۵۹۵، ۱۶۳، ۷۱	ملحق تحفة القراء: ۲۴۵
منشآت شاه طاهر: رش به انشاء روح افزا	ملوک شبانکاره فارس: ۵۰۳
منشور شاهی: ۷۴۵	مناجات درویشانه: ۷۵۲
منشآت عبدالملی عزیزی: ۱۵۹۸	مناقب الفلاکی: ۱۵۸۲
منشآت فیضی: ۱۵۹۷، ۱۵۹۶	مناقب نامه مرتضوی: ۱۳۱۲، ۱۳۱۳
منشآت فروزینی: ۱۳۴۹	۱۵۸۱
منشآت نعمت خان عالی: ۱۷۹۰	مناقب الحضرات: ۱۵۸۵
منشآت نمکین: ۱۶۹۶، ۱۵۹۷	منیع الانهار: رش به نورس نامه: ۶۱۵
منطق الطیر: ۷۱۵	
منظور انظار: ۶۱۴	منتخب تاریخ و مصنف: ۱۵۶۲
منظومه رامایانا: ۱۵۴۷، ۱۵۴۶	منتخب التواریخ: ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۶، ۷۰۳
منظومه تول سی داس: ۱۵۴۷	۷۲۹، ۷۵۵، ۷۸۹، ۸۰۴، ۸۴۲، ۸۴۴
منظومه استقامت نامه وحشی: ۷۶۶	۸۴۵، ۸۴۶، ۸۸۳، ۹۲۰، ۹۲۸، ۹۵۰
منظومه اکبرنامه (فیضی): ۵۹۶	۹۵۱، ۹۷۹، ۱۵۳۹، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶
منظومه (الکامل فی الصناعه): ۲۴۶	۱۵۵۷، ۱۵۷۱، ۱۶۱۴، ۱۶۳۴، ۱۶۳۷
منظومه انیسی: ۵۹۷	۱۶۵۴، ۱۶۸۴، ۱۷۰۵، ۱۷۱۶، ۱۷۵۰
منظومه ابرج و گیتی: ۱۸۹	منتخب اللباب: ۱۱۹، ۳۸۷، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۵۷۲
منظومه بهار و خزان (ضمیری): ۵۹۵	منتخب اللغات شاهجهانی: ۴۱۰، ۴۱۱
منظومه پری صورت (میرمعصوم نامی): ۵۹۶	منتخب حلال مطرزه: ۴۰۰
منظومه پوران: ۱۵۴۴	منظم ناصری: ۹۹۴، ۱۰۷۰
منظومه حسن و عشق: ۱۳۷۴	منتهی الادراک فی مدارک الافلاک: ۳۴۷
منظومه حسن و ناز (نامی صفوی): ۵۹۶	منتهی الارب: ۴۱۰، ۴۱۱
منظومه خسرو و شیرین (ابراهیم ادهم): ۵۹۷	منتهی الارب فی لغات العرب: رش به
منظومه خسرو و شیرین (شاپور نهرانی):	منتهی الارب
۵۹۷	
منظومه خسرو و شیرین (کاشی): ۵۹۷	منشآت اسکندریک: ۱۷۴۳
منظومه خسرو و شیرین (ملک مشرقی):	منشآت جلالا: ۱۷۶۱
۵۹۷	منشآت (حسین خوانساری): ۳۱۵
منظومه خسرو و شیرین (وصلی نهرانی):	منشآت استرآبادی: ۴۳۵

- ۵۹۷ منظومه زلالی: ۵۹۷
 منظومه سلیمان و بلقیس: ۵۹۴
 منظومه سلیمان و بلقیس (حیاتی): ۵۹۸
 منظومه سلیمان و بلقیس (فیضی فیاض): ۵۹۶
 منظومه سوز و گداز (طالب آملی): ۱۰۶۲
 منظومه سوز و گداز (طالب آملی): ۱۰۶۲
 منظومه شاهد و مشهود (اکسیر): ۵۹۸
 منظومه شاهنامه ماضی: ۵۷۵
 منظومه شیرین و خسرو (آصفهان): ۵۱۵
 منظومه شیرین و خسرو (میرجمله): ۵۹۶
 منظومه شیرین و خسرو (نظامی): ۵۱۵
 منظومه فرهاد و شیرین (عرفی): ۵۹۶
 منظومه فرهاد و شیرین (کونری): ۵۹۳
 ۵۹۷
 منظومه فرهاد و شیرین (وحشی بافقی): ۵۹۵
 منظومه قضا و قدر (رکنا مسیح): ۵۹۸
 منظومه قضا و قدر (سلیم تهرانی): ۵۹۸
 ۵۹۹
 منظومه قضا و قدر (سلیم یزدی): ۵۹۸
 منظومه قضا و قدر (طالب آملی): ۵۹۸
 ۵۹۹
 منظومه قضا و قدر (میریحیی کاشی): ۵۹۹
 منظومه قضا و قدر (نورا... اصفهانی): ۵۹۹
 منظومه (قصه رام و سیتا) مسیحا پانی پتی:
 ۵۹۹
 منظومه لیلی و مجنون (رهایی خوانی): ۵۹۵
 منظومه لیلی و مجنون (ضمیری): ۵۹۵
 منظومه لیلی و مجنون (قاسم خان موجی):
- ۵۹۵
 منظومه لیلی و مجنون (محمود بیگ): ۵۹۵
 منظومه لیلی و مجنون (میرجمله): ۵۹۶
 منظومه «محمود و اباز»: ۵۹۴
 منظومه مدهومات و منوهر (ناصرعلی
 سپرندی): ۶۰۱
 منظومه مرکز ادوار: ۵۴۴
 منظومه مهر و محبت (حکیم شهابی): ۵۹۶
 منظومه مهر و وفا: ۱۷۷۹
 مونس الارواح: ۱۵۸۳، ۱۵۸۵
 منظومه مهر و وفا عرشی: ۵۶۸، ۱۳۱۰
 ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴
 منظومه مهر و وفا (محمودبیگ): ۵۹۵
 ۶۱۴
 منظومه مهابهارت: ۱۵۴۱، ۱۵۴۴
 منظومه نادری: ۵۸۳
 منظومه ناز و نیاز (شاه فقیرا... آفرین):
 ۶۰۱، ۶۰۲، ۱۴۰۴
 منظومه ناز و نیاز (ضمیری اصفهانی): ۵۹۵
 ۵۹۸
 منظومه ناظر و منظور (جامی ابرقوهی): ۶۰۲
 منظومه ناظر و منظور (وحشی بافقی): ۵۹۵
 ۶۲۸
 منظومه نرگسدان: ۵۷
 منظومه نل و دمن (فیض فیاض): ۵۹۶
 ۸۵۷، ۸۵۲، ۸۵۱، ۸۵۰، ۵۹۹
 منظومه نان و حلوا: ۱۰۴۲
 منظومه ناز و نیاز (کشمیری): ۵۹۷
 منظومه هفت کشور (فیض فیاض): ۵۹۶
 منظومه وامق و عذرا: ۶۹۶، ۵۹۵

- منظومه واله و سلطان (فقیر دهلوی): ۶۰۲
 منظومه ویس و رامین: ۷۶۸
 منظومه یوسف و زلیخا (جامی): ۵۹۶
 ۱۲۶۸
 منظومه یوسف و زلیخا (قاسم خان موجی):
 ۵۹۵
 منظومه یوسف و زلیخا (محمدیگ ترکمان):
 ۶۱۴
 منظومه یوسف و زلیخا (محمودیگ): ۵۹۵
 منظومه یوسف و زلیخا (ناظم هروی): ۵۹۶
 ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹
 میخانه فانی: ۶۱۳، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷
 میخانه صائب: ۱۲۷۷
 میکده: ۹۹۲، ۱۰۰۸
 مینا بازار: ۱۷۱۸

ن

- من لایحضره الامام: ۲۵۸
 من لایحضره الفقیه: ۱۸۰، ۲۰۵، ۲۵۶
 ۱۴۶۹، ۲۶۵، ۲۵۷
 منہج الصادقین: ۱۶۷۵، ۱۵۷۶
 منہج الفاضلین فی معرفۃ الائمة الکاملین: ۱۶۱۶
 منہج المقال: ۴۱۸
 منہج النجات: ۱۶۱۶
 منیة الممارسین: ۲۶۳، ۲۶۵
 موارد الکم: ۸۴۹
 مواهب السی: ۱۴۴۷، ۱۶۰۵، ۱۶۶۷
 موش و گریه بهائی: ۱۰۴۲
 موضع الرشاد: ۴۱۴
 موعظه جهانگیری: ۱۴۸۹
 مونس ابرار (قصیده): ۲۱۳، ۲۸۲
 مؤید الفضلاء: ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۸
 مہابارانہ: ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۰، ۱۴۵۳
 ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۵۷۱، ۸۵۱
 نادرشاه: ۶، ۱۸۰۶
 ناز و نیاز (نجاتی گیلانی): ۶۱۵، ۶۹۶
 نامه عالم آرای صفوی: ۱۵۶۹
 نامه عالم آرای نادری: ۶، ۱۸۰۶
 نامه نامی: ۱۵۹۴، ۱۵۹۵
 نان و پنیر: ۱۰۴۲
 نبراس الضیاء فی شرح باب البداء: ۲۷۵
 ۳۰۶
 نتایج الافکار: ۱۲۴، ۳۱۵، ۳۲۶، ۳۲۸
 ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۵۶، ۴۶۱، ۴۷۱، ۴۷۶
 ۴۷۸، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۸۵، ۵۰۴، ۵۱۲
 ۵۷۱، ۵۷۸، ۵۸۷، ۵۹۰، ۶۲۴، ۶۳۷
 ۶۴۲، ۶۶۲، ۶۷۱، ۶۹۱، ۶۹۴، ۷۰۰
 ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۵۵، ۷۶۱، ۷۷۷
 ۷۸۰، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۹، ۸۱۸

نسخه ناسخه: ۳۸۶	۰۸۲۷ ، ۰۸۳۹ ، ۰۸۵۸ ، ۰۸۶۱ ، ۰۸۷۳ ، ۰۸۸۳
نشأة بی حمار (بلیانی): ۶۱۶	۰۸۹۲ ، ۰۸۹۷ ، ۰۹۱۷ ، ۰۹۲۰ ، ۰۹۲۸ ، ۰۹۳۸
نشر عشق: ۱۲۸۹	۰۹۴۴ ، ۰۹۵۰ ، ۰۹۵۸ ، ۰۹۶۶ ، ۰۹۶۸ ، ۰۹۷۳
نشریه دانشکده ادبیات تبریز: ۰۶۷۵ ، ۰۱۵۱۶	۰۹۷۷ ، ۰۹۷۸ ، ۰۹۸۹ ، ۱۰۰۱۲ ، ۱۰۰۱۳
۱۶۳۳	۱۰۰۱۸ ، ۱۰۰۳۹ ، ۱۰۰۵۶ ، ۱۰۰۶۹ ، ۱۰۰۷۵
نصاب الصیان: ۰۳۵۷ ، ۰۴۱۲	۱۰۰۹۷ ، ۱۰۱۱۱ ، ۱۰۱۲۶ ، ۱۰۱۲۸ ، ۱۰۱۴۷
نصاب نزهة الصیان: ۰۴۱۲	۱۰۱۵۸ ، ۱۰۱۶۷ ، ۱۰۱۶۸ ، ۱۰۱۷۱ ، ۱۰۱۸۴
نصایح یوسفی: ۱۴۸۶	۱۰۱۹۳ ، ۱۰۲۰۴ ، ۱۰۲۱۲ ، ۱۰۲۲۳ ، ۱۰۲۲۸
نصیحت نامه: ۱۶۴۵	۱۰۲۳۱ ، ۱۰۲۳۶ ، ۱۰۲۴۱ ، ۱۰۲۵۵ ، ۱۰۲۶۰
نصیحة الملوك: ۱۴۸۴	۱۰۲۶۱ ، ۱۰۲۶۶ ، ۱۰۲۷۱ ، ۱۰۲۸۵ ، ۱۰۳۰۱
نظام التواريخ: ۱۶۶۷	۱۰۳۲۱ ، ۱۰۳۲۴ ، ۱۰۳۳۳ ، ۱۰۳۴۰ ، ۱۰۳۴۱
نممة... فی لغة الفرس: ۳۹۳	۱۰۳۴۲ ، ۱۰۳۴۷ ، ۱۰۳۴۸ ، ۱۰۳۵۲ ، ۱۰۳۵۴
نفائس الانفاس: ۱۴۶۱	۱۰۳۵۸ ، ۱۰۳۵۹ ، ۱۰۳۶۳ ، ۱۰۳۷۲ ، ۱۰۳۷۴
نفائس المآثر: ۰۷۱۹ ، ۰۷۳۱ ، ۰۸۰۳ ، ۰۱۵۹۱	۱۰۳۷۶ ، ۱۰۳۸۶ ، ۱۰۳۹۴ ، ۱۰۳۹۸ ، ۱۰۴۰۴
۱۶۳۷ ، ۱۶۳۵ ، ۱۶۱۲	۱۰۴۰۹ ، ۱۰۴۱۱ ، ۱۰۴۱۴ ، ۱۰۴۸۰ ، ۱۰۶۱۹
نفعات الانس: ۰۲۲۴ ، ۱۵۸۵	۱۰۶۶۰ ، ۱۰۷۳۰ ، ۱۰۷۴۷ ، ۱۰۷۷۰ ، ۱۷۹۹
نفعات الیه: ۳۳۹	نجات المؤمنین: ۱۲۸۶
نقاوة الادوار: ۳۵۴	نزهة العیون التواظر و تحفة القلوب والخواطر:
نقاوة الآثار فی ذکر الاخيار: ۰۱۵۶۵ ، ۱۶۹۷	۱۵۸۳
نقد الرجال: ۰۴۱۸	نزهة القلوب: ۰۱۴۰ ، ۰۱۷۲۸ ، ۱۷۸۴
نقش بدیع: ۰۶۱۳ ، ۰۷۰۲ ، ۰۷۰۵ ، ۰۷۰۶	نزیل التنزیل: ۳۹۳
۷۰۹	نسب نامه شهریاری: ۵۷۶
نقش پارسى برا حجار هند: ۱۱۵۱	نسخ جهان آرا: ۰۱۵۵۵ ، ۰۱۶۵۵ ، ۰۱۶۸۰
نقش عشاق محتشم: ۷۹۵	۱۷۱۶
نکات یدل: ۱۷۹۴	نسخه دانشگاه تهران: ۲۰۹
نگارستان سخن غفاری: ۰۱۵۵۵ ، ۰۱۵۵۰	نسخه خطی موسی ابرار در کتابخانه ملی
۱۶۱۴ ، ۱۶۱۵ ، ۱۷۲۸	پاریس: ۲۱۳
نگارستان سخن جوینی: ۰۳۹۱ ، ۰۳۹۶ ، ۰۴۳۵	نسخه کلیات قدسی در کتابخانه موزه بریتانیا:
۰۷۳۷ ، ۰۱۰۳۳ ، ۰۱۲۸۹ ، ۰۱۴۹۷ ، ۰۱۶۱۵	۵۷۸
۱۶۱۷	نسخه میرزا: ۰۳۷۱ ، ۰۳۷۵ ، ۳۷۶

- نگارستان کمال پاشا: ۱۶۱۵، ۱۶۱۸
 نگارستان منیر: ۱۵۹۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹
 نگارستان نوبلوه: ۱۵۹۷، ۱۷۴۹
 نمکدان حقیقت: ۶۱۳
 نوادر الاخبار: ۲۵۷، ۳۲۹، ۱۵۷۵
 نواقب المناقب: ۱۵۸۲
 نواقض الروافض: ۱۹۴، ۲۷۳
 نوادر الحکایات: ۱۵۴۹
 نوادر النقول فی مآثر المقول: ۱۷۹۵
 نوادر النقول: ۱۵۵۰، ۱۷۹۵
 نورس نامه فرشته: ۱۷۱۰
 نورس نامه ملک فسی: ۹۵۲
 نورنامه (آصفخان): ۵۹۶
 موش آفرین نامه: ۱۵۲۳، ۱۵۲۴
 نهاية الاعجاز: ۷۵۰
 نهاية السحر: ۶۹۶
 نهج البلاغه: ۲۹۸، ۱۴۷۲، ۱۴۷۴، ۱۶۲۵
 نهج الحق و کشف الصدق: ۲۷۲

نهج الفصاحة: ۱۴۷۲

نهج المتقين فی اخلاق سيد المرسلين: ۱۴۸۷،

۱۶۲۶

و

- هدایة الابرار فی اصول الدین: ۲۶۶
 هداية الحکما: ۱۶۶۷
 هدية الاشراف: ۳۳۵
 هدية العارفين: ۴۶، ۷۰۰، ۷۰۶، ۱۵۸۳
 ۱۶۰۳، ۱۶۰۶، ۱۶۰۹، ۱۶۱۱، ۱۶۱۶
 ۱۶۱۷، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۵۹، ۱۷۴۷
 هديه يا هاديه قطبناهي: ۱۴۶۳
 هشت بهشت: ۷۵۲
 هشت کتاب: ۱۵۷۶، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵
- واجب الحفظ: ۱۲۷۷
 وانى: ۲۵۷، ۲۷۵، ۳۲۹
 واقعات بسابری: ۴۵۱، ۱۵۷۲، ۱۶۰۹
 ۱۶۱۰، ۱۶۸۷
 واقعات درانی: ۵

هفت بند حسن کاشی: ۶۲۴	هفت آسمان: ۵۱۹، ۵۲۰، ۶۱۳، ۶۱۴
هفت پیکر: رش به هفت گنبد نظامی	۶۵۳، ۶۵۹، ۷۰۰، ۷۰۶، ۷۱۷، ۷۱۹
هفت پیکر کاشف: ۱۷۶۳	۷۲۱، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۶۱، ۷۶۳، ۷۹۹
هفت نماشا: ۱۴۸۳	۸۳۹، ۸۵۱، ۹۳۱، ۹۴۴، ۹۵۰، ۹۶۶
هفت سیاره زلای: ۹۶۸	۱۰۴۰، ۱۰۷۵، ۱۱۲۶، ۱۱۳۱، ۱۱۴۷
هفت شکر: ۱۵۱۹	۱۱۵۲، ۱۱۵۸، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۱۴
هفت کشور فخری هروی: ۱۶۴۸، ۱۴۸۸	۱۳۴۲، ۱۳۶۰
هفت کشور فیضی: ۸۵۰	هفت آشوب: ۹۶۸
هفت گنبد نظامی: ۵۹۸، ۵۹۶، ۵۹۵	هفت اختر (عدی بیگ): ۵۹۵، ۷۴۹
هفت گنج زالی: ۹۶۸، ۹۶۹	۷۵۴
همایون نامه: ۱۶، ۱۴، ۵۷۶	هفت اقلیم: ۱۲۵، ۳۷۶، ۴۰۲، ۴۵۱
همم الثواقب: ۱۴۶۶	۴۵۲، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۷۱
هنجار: ۱۶۰۵	۴۷۳، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۶
هنگامه عشق: ۱۵۴۳	۵۸۱، ۵۸۳، ۵۸۷، ۶۰۸، ۶۲۹، ۶۳۰
هیاکل النور: ۳۰۲	۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۷، ۶۴۲، ۶۴۵، ۶۴۸
همیشه سهار: ۱۳۸۹	۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۸، ۶۷۱، ۶۷۴، ۶۷۹
	۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۴، ۷۰۱، ۷۰۷
	۷۱۹، ۷۳۵، ۷۳۷، ۷۴۱، ۷۴۶، ۷۵۵
	۷۵۷، ۷۶۱، ۷۷۸، ۷۸۲، ۷۸۸، ۷۹۲
بادی ار عظمت ایران در مجله بادنگار: ۱۴	۷۹۹، ۸۱۵، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۳۳، ۸۳۹
بنوع: ۳۶۲	۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۵، ۸۸۳، ۸۹۲، ۸۹۷
	۹۱۷، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۸، ۹۳۱، ۹۳۷
	۹۴۰، ۹۵۰، ۹۵۲، ۹۶۵، ۹۷۳، ۹۹۲
	۹۹۵، ۱۰۰۳، ۱۰۰۵، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸
	۱۰۰۹، ۱۰۱۷، ۱۰۴۷، ۱۰۵۲، ۱۰۷۵
	۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۱۹۳، ۱۱۹۵، ۱۱۹۷
	۱۲۰۱، ۱۲۰۹، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴
	۱۲۳۴، ۱۲۶۴، ۱۲۸۱، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹
	۱۲۹۰، ۱۲۹۷، ۱۲۸۴
	هفت اورنگ جامی: ۵۹۴، ۹۶۸

۳- فهرست اماکن و اعلام جغرافیایی

آلمان غربی: ۱۶۹۸	آ
آگر: ۲۷۶، ۳۷۹	
آگره: ۱۱۳، ۳۵۳، ۳۷۷، ۴۶۰، ۴۷۲	آبعلی: ۱۵۱۵
۰۸۴۸، ۰۸۴۵، ۰۸۴۰، ۰۷۵۶، ۰۴۸۸، ۰۴۸۴	آب کورنگ: ۵۸۰
۰۸۹۸، ۰۹۳۱، ۰۹۳۲، ۰۹۹۳، ۱۰۰۰۱، ۱۰۰۰۴	آب هلمند: ۱۶۷۰
۱۰۰۰۸، ۱۰۰۲۵، ۱۰۰۲۶، ۱۰۰۵۸، ۱۰۰۵۹	آذربایجان: ۰۱۲، ۰۱۹، ۰۲۴، ۰۳۸، ۰۳۹، ۰۶۵
۱۰۰۶۰، ۱۰۱۳۰، ۱۰۱۶۰، ۱۰۱۷۲، ۱۰۱۸۵	۰۶۸، ۰۷۸، ۰۹۲، ۰۱۳۰، ۰۱۳۳، ۰۱۵۱، ۰۱۵۷
۱۰۱۹۵، ۱۰۲۷۵، ۱۰۵۰۵، ۱۰۶۸۵، ۱۰۶۹۸	۰۱۶۱، ۰۲۲۹، ۰۳۸۵، ۰۴۰۲، ۰۴۲۴، ۰۴۲۸
۱۰۷۰۶، ۱۰۷۳۱، ۱۰۷۳۲، ۱۰۷۳۵، ۱۰۷۶۶	۰۴۲۹، ۰۴۳۰، ۰۴۳۱، ۰۴۳۲، ۰۴۶۳، ۰۶۷۵
آمریکای شمالی: ۱۴۵۹	۰۸۹۸، ۰۹۳۸، ۰۱۰۲۵، ۰۱۵۶۹، ۰۱۶۰۴
آمل: ۱۰۵۷، ۱۰۴۸، ۰۵۴۷	۰۱۶۲۰، ۰۱۶۳۵، ۰۱۶۸۱، ۱۷۹۱
آمویه دریا: ۰۴۲، ۰۱۵۲، ۰۱۵۳، ۰۲۸۰، ۰۴۲۱	آذربایجان شوروی: ۰۱۳۰، ۰۲۴
۱۶۴۵	آرتیمان: ۱۰۶۹، ۱۰۷۰
آناتولی: ۰۷۲، ۰۹۴، ۰۱۳۰، ۰۱۳۹، ۰۲۷۹	آستانه حضرت عبدالعظیم: ۱۶۷۸
۰۴۲۴	استرازبورگ: ۱۴۸۲
	آسیا: ۰۴۵، ۰۱۲۲، ۰۴۲۱، ۰۴۲۲، ۰۴۲۸
	۱۴۴۳
	آسیای صغیر: ۰۴۲، ۰۴۳، ۰۹۲، ۰۱۱۴، ۰۱۲۳
ایرقوه: ۰۶۵، ۰۷۹	۰۱۲۸، ۰۱۴۰، ۰۲۲۲، ۰۲۸۷، ۰۳۴۳، ۰۳۹۰
ایهر: ۱۶۳۴	۰۱۴۸۳، ۰۱۷۱۶، ۱۷۲۵
ایضی: ۱۵۲۵	آسیای مرکزی: ۰۵۰، ۰۶۳، ۰۶۶، ۰۱۲۸
ایبورد خراسان: ۰۳۹، ۰۱۵۶۹، ۱۶۹۱	۰۲۲۲، ۰۳۶۸، ۰۳۹۴، ۰۴۲۲، ۰۴۲۸، ۰۵۰۹
احمدآباد: ۰۵۸۲، ۰۱۶۸۵، ۱۶۹۱	۰۱۵۵۰، ۱۶۵۲
احمدآباد گجرات: ۰۴۹۴، ۰۷۰۳، ۰۸۹۹	آصفیه: ۱۵۲۱
۰۹۰۰، ۰۹۰۱، ۰۹۰۲، ۰۹۰۷، ۰۹۳۲، ۱۰۰۴۹	آفریقا: ۴۵
۰۱۱۵۰، ۰۱۲۸۵، ۱۷۳۳	آلمان: ۰۵۶، ۰۷۵، ۱۷۶۹

الف

احمدنگر: ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۶۴، ۴۶۵	اندانان: ۸۱۸
۱۸۱۵، ۱۸۴۳، ۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۲، ۱۹۷۸	انارجان: ۴۲۹
۱۶۵۴، ۱۶۵۹، ۱۶۹۱، ۱۷۰۱	انجدان: ۹۵۸
۱۸۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۸، ۱۶۰۰	اندلس: ۱۵۱۷
۱۹، ۱۶۰۴، ۱۶۹۲	اجمیر: ۸۹۳، ۹۹۰، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹
۷۳، ۹۲، ۱۴۰، ۱۷۰، ۲۴۳	۱۱۹۶، ۱۵۸۷، ۱۶۳۷
۳۴۸، ۴۳۱، ۴۳۲، ۶۷۲، ۷۴۸، ۱۳۰۷	ادرنه: ۱۶۱۷، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶
۱۴۷۲، ۱۶۶۱، ۱۶۹۱	اریسا: ۱۶۹۱
۱۶۰۴	استانبول: ۶۹، ۷۱، ۷۵، ۲۱۴، ۲۲۵
۷۴۲	۲۵۵، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۵
اردکان فارس: ۳۱۷	۳۴۴، ۳۵۶، ۳۸۱، ۴۶۵، ۶۷۵، ۶۸۰
ارزنه الروم: ۱۳	۷۰۰، ۷۲۹، ۷۷۷، ۷۹۹، ۸۱۵، ۸۲۷
ارگ: ۱۲۳۴	۹۳۷، ۹۵۰، ۹۶۶، ۱۰۹۰، ۱۳۱۳
ارلات: ۱۳۷۷	۱۵۰۰، ۱۵۲۷، ۱۵۸۶، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴
ارمنستان: ۱۳، ۲۹، ۴۰، ۱۳۳، ۱۶۰۴	۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴
۱۶۹۲	۱۶۳۴، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴
اروند رود: ۱۵۱	۱۶۵۹، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۸۸
استرآباد: ۲۵، ۳۸، ۱۰۲، ۱۰۲، ۴۳۰	اسپانیا: ۱۶۶
۸۵۸، ۱۶۹۱، ۱۷۹۲، ۱۸۰۶	استرازبورگ: ۱۷۶۹
استرازبورگ: ۱۷۶۹	اسکوب: ۱۶۱۷
اشرف البلاد: رش به بهنر	اسکندریه: ۳۳۸
افغانستان: ۲۷، ۴۷، ۵۹، ۵۸۴، ۵۸۵	اسلام آباد: ۱۵۶۳
۱۲۷۸، ۱۵۷۶، ۱۷۱۳	استابروک: ۱۶۹۸
اکبرآباد هند: ۳۸۸، ۴۸۱، ۵۹۰، ۱۲۰۴	اصفهان: ۱۲، ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱
۱۳۱۳، ۱۳۷۳، ۱۳۹۸، ۱۴۱۸، ۱۴۵۶	۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۴، ۵۵
۱۷۰۶، ۱۴۸۰	۵۶، ۶۹، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۸۲
الاحساء: ۱۰۴۰، ۲۸۰	۸۳، ۸۴، ۹۱، ۹۷، ۹۸، ۱۰۴، ۱۰۶
الشر: رش به علیشکر	۱۱۲، ۱۱۷، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۶۹، ۱۸۲
الشر: رش به علیشکر	۱۸۳، ۱۹۵، ۲۱۷، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹
امین آباد: ۷۳۱	۲۴۳، ۲۴۴، ۲۸۵، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۴

ارومیه: ۱۰۱۸	۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۵
اوبه: ۳۷۴	۳۳۰، ۳۳۵، ۳۴۱، ۳۶۲، ۳۶۷، ۳۸۱
اود: ۱۵۸۷، ۱۵۸۴، ۱۵۴۰	۴۲۸، ۴۷۹، ۴۸۶، ۴۹۷، ۵۰۱، ۵۱۲
اورسیه: ۱۲۴۷	۵۱۶، ۵۱۷، ۵۳۷، ۷۴۲، ۸۱۸، ۸۳۳
اورشلیم: ۱۷۱۲، ۱۵۰۲	۸۶۵، ۹۱۷، ۹۳۸، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۷۲
اورینتل کالج: ۱۴۴۶	۹۸۹، ۱۰۱۸، ۱۰۲۰، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶
اورنگ آباد: ۱۴۱۷، ۱۱۶۰، ۵۹۱	۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۵۷
اورگنج: ۱۵۲۰	۱۰۷۰، ۱۰۷۶، ۱۰۷۸، ۱۰۸۳، ۱۰۸۸
ازبک: ۹۴۵	۱۰۹۹، ۱۱۱۸، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۳۵
اهواز: ۱۷۸۰، ۱۵۰۲	۱۱۳۶، ۱۱۵۹، ۱۱۶۷، ۱۱۸۴، ۱۱۹۶
	۱۲۱۳، ۱۲۲۴، ۱۲۴۷، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳
	۱۲۷۵، ۱۲۸۹، ۱۳۰۷، ۱۳۲۲، ۱۳۳۰
	۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۵۹، ۱۴۱۵، ۱۵۲۶
	۱۵۶۸، ۱۶۰۷، ۱۶۹۱، ۱۷۲۳، ۱۷۳۱
	۱۷۴۲، ۱۷۶۳، ۱۷۸۰، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵
	۱۷۹۱، ۱۷۹۲، ۱۷۹۸، ۱۸۰۲، ۱۸۰۷
	افانوس هند: ۵۲
	اله آباد: ۱۲۸۵، ۱۱۹۵، ۱۰۲۶، ۹۹۳
	۱۳۴۰، ۱۳۹۸، ۱۷۵۲
	امامزاده سهل: ۱۰۳۱
	انگلیس: ۷۴، ۶۳، ۵۵، ۵۴، ۳۵
	انیران: ۴۱۳، ۴۱۲
	ایروان: ۱۸۰۷، ۱۷۹۸، ۲۴
	ایچ: رش به ایک
	ایک: ۹۹۳، ۹۹۲
	ابتدیا آفیس: ۵۹۷، ۵۷۶
	اوجین: ۱۷۸۶
	ارویا: ۷۸، ۷۴، ۶۹، ۶۸، ۵۷، ۵۲، ۴۵
	۱۲۲، ۳۷۱، ۴۲۱، ۵۱۶، ۵۴۱، ۱۵۶۹
	۱۵۳، ۱۷۴، ۲۹۹، ۳۵۱، ۴۹۸، ۱۵۶۵
	۱۵۷۵

ب

بابل: ۱۶۱۶	
باقق: ۷۶۴، ۷۶۶	
بخارا: ۲۸۰، ۲۲۴، ۱۶۱، ۱۳۱، ۱۲	
۴۰۶، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۷۵۵، ۱۱۲۷	
۱۳۳۴، ۱۵۲۸، ۱۵۷۷، ۱۶۹۱، ۱۷۳۳	
باکو: ۷	
باکویه: ۱۷۰، ۷۹، ۲۵	
بحران، الاحساء: رش به بحرین	
بحرین: ۲۲، ۱۷۰، ۱۸۷، ۲۴۱، ۲۴۳	
۲۸۰، ۳۶۷، ۱۰۴۰	
بدخشان: ۴۵۱، ۴۶۹، ۵۶۶، ۷۵۷	
۱۲۳۴، ۱۵۲۴، ۱۵۲۸، ۱۵۳۷	
بدلیس: ۱۶۹۳، ۱۶۰۴	
برار: ۱۶۵۹، ۸۷۱، ۴۴۶	
برهان: ۸۱۸	
برلین: ۱۰۱، ۹۳، ۷۵، ۱۷، ۱۵، ۱۱، ۶	
۱۵۳، ۱۷۴، ۲۹۹، ۳۵۱، ۴۹۸، ۱۵۶۵	

۰۹۳۷	۰۹۴۴	۰۹۶۶	۰۱۰۱۲	۰۱۰۱۳	۱۶۶۰
۰۱۰۳۱	۰۱۰۳۵	۰۱۰۳۹	۰۱۰۶۹	۰۱۰۸۷	بروجرد: ۰۱۰۳۱، ۰۱۰۳۵
۰۱۰۹۷	۰۱۱۴۷	۰۱۳۰۶	۰۱۱۷۱	۰۱۲۰۴	برهانپور: ۰۴۸۸، ۰۵۹۰، ۰۵۹۱، ۰۸۴۳، ۰۸۶۵
۰۱۲۰۹	۰۱۲۱۲	۰۱۲۳۴	۰۱۲۵۵	۰۱۲۷۱	۰۸۷۱، ۰۸۷۴، ۰۸۸۵، ۰۹۲۲، ۰۹۳۹، ۰۹۹۳
۰۱۲۸۵	۰۱۳۰۶	۰۱۳۱۴	۰۱۳۲۱	۰۱۴۷۰	۰۱۰۰۸، ۰۱۲۷۴، ۰۱۲۷۵، ۰۱۷۰۲، ۰۱۷۵۶
۰۱۴۸۰	۰۱۵۱۱	۰۱۶۱۴	۰۱۷۱۰	۰۱۷۴۷	۱۷۸۰
۰۱۷۵۸	۰۱۸۰۷	۰۱۸۰۸	۰۱۸۱۰		بظام: ۰۵۰، ۰۶۸۵
					بصره: ۰۳۲۰، ۰۳۲۱، ۰۴۱۸، ۰۱۵۳۵
					۰۱۵۳۷، ۰۱۵۹۳، ۰۱۶۹۱، ۰۱۷۸۰، ۰۱۷۸۲
					بعلبک: ۰۱۰۴۰، ۰۱۰۴۱
					بفداد: ۰۱۲، ۰۲۴، ۰۲۶، ۰۶۴، ۰۶۶، ۰۸۷، ۰۱۲۶
					۰۱۳۵، ۰۱۳۸، ۰۱۴۲، ۰۱۶۶، ۰۱۷۰، ۰۱۹۴
					۰۲۷۴، ۰۳۰۶، ۰۳۲۶، ۰۵۷۷، ۰۶۳۷، ۰۶۷۵
					۰۸۳۳، ۰۱۰۳۹، ۰۱۳۰۲، ۰۱۵۲۲، ۰۱۵۲۵
					۰۱۵۳۰، ۰۱۵۳۵، ۰۱۶۶۵، ۰۱۶۹۱، ۰۱۶۹۲
					بلخ: ۰۱۲، ۰۶۵، ۰۲۲۴، ۰۱۲۸۵، ۰۱۲۸۶
					۰۱۵۰۰، ۰۱۶۹۱
					بلاد الزنج: ۰۱۶۹۱
					بلغار: ۰۱۶۹۱
					بلوچستان: ۰۲۷، ۰۴۰
					بلوچ: ۰۱۶۶۰
					بم: ۰۱۵۳۲
					بمبئی: ۰۶، ۰۱۲۴، ۰۲۳۸، ۰۲۳۹، ۰۲۵۹، ۰۲۸۷
					۰۳۹۹، ۰۳۱۷، ۰۳۲۶، ۰۳۲۸، ۰۳۵۲، ۰۳۶۰
					۰۳۶۱، ۰۳۸۸، ۰۳۸۹، ۰۴۵۱، ۰۴۵۶، ۰۴۶۱
					۰۴۷۱، ۰۴۸۴، ۰۵۷۸، ۰۵۹۰، ۰۶۳۷، ۰۶۴۲
					۰۶۵۶، ۰۶۶۲، ۰۶۷۱، ۰۶۹۱، ۰۶۹۴، ۰۷۰۰
					۰۷۲۱، ۰۷۲۹، ۰۷۴۶، ۰۷۵۵، ۰۷۶۱، ۰۷۷۷
					۰۷۹۲، ۰۷۹۹، ۰۸۱۸، ۰۸۲۷، ۰۸۳۹، ۰۸۵۸
					۰۸۷۷، ۰۸۹۲، ۰۹۱۷، ۰۹۲۸، ۰۹۳۰، ۰۹۳۷
					بهار: ۰۳۷۷، ۰۳۸۶، ۰۴۷۶، ۰۱۷۳۶
					بهشت آباد: ۰۱۴۵۶
					بشهر: ۰۷۷، ۰۳۲۹
					بهوپال: ۰۴۵۶، ۰۱۳۰۲

<u>ت</u>	بیابانک: ۴۷۹
	بیجاپور: ۰۴۴۵، ۰۴۴۶، ۰۴۴۹، ۰۴۸۸، ۰۵۷۹
تاجپورہ: ۹۳۸	۰۶۶۴، ۰۸۴۲، ۰۹۰۲، ۰۹۳۲، ۰۹۵۱، ۰۹۵۲
تاجیکستان: ۱۶۰۹	۰۹۷۸، ۰۹۷۹، ۰۱۰۰۰، ۰۱۱۲۰، ۰۱۱۷۱
تارند: ۹۸۹	۰۱۱۷۲، ۰۱۱۹۶، ۰۱۵۷۶، ۰۱۶۱۴، ۰۱۶۵۹
تاشکند: ۱۲۶۸، ۰۱۶۲۱، ۰۱۶۲۲، ۱۶۴۷	۱۷۱۰، ۱۷۱۷
تبت: ۱۲۴۲، ۰۵۷۸	بیدار: ۱۶۵۹، ۰۴۴۶
تسریر: ۰۷، ۰۱۰، ۰۱۲، ۰۱۹، ۰۲۰، ۰۲۱، ۰۲۴	بیروت: ۱۵۱۷، ۰۴۰۹
۰۳۱، ۰۳۵، ۰۳۸، ۰۴۰، ۰۶۴، ۰۶۹، ۰۷۳، ۰۷۴	یہس: ۵۰۴
۰۷۸، ۰۷۹، ۰۸۷، ۰۹۲، ۰۹۷، ۰۱۰۲، ۰۱۰۳	یہیش: ۵۰۴، ۰۴۶۶
۰۱۱۲، ۰۱۱۴، ۰۱۴۷، ۰۱۵۰، ۰۱۵۷، ۰۱۶۱، ۰۱۷۰	یہیق: ۱۳۲
۰۱۹۳، ۰۲۳۹، ۰۲۵۸، ۰۲۶۰، ۰۲۹۳، ۰۳۵۸	
۰۳۶۷، ۰۴۰۲، ۰۴۲۹، ۰۴۳۰، ۰۴۳۱، ۰۴۳۲	
۰۴۳۴، ۰۴۸۶، ۰۵۰۰، ۰۵۰۴، ۰۵۷۷، ۰۶۱۴	
۰۶۳۲، ۰۶۳۷، ۰۶۳۸، ۰۶۴۵، ۰۶۴۹، ۰۶۷۱	
۰۶۷۵، ۰۷۰۱، ۰۷۷۷، ۰۷۷۸، ۰۸۳۳، ۰۹۴۴	
۰۱۰۱۷، ۰۱۰۲۴، ۰۱۰۹۷، ۰۱۲۷۲، ۰۱۳۱۶	
۰۱۳۱۷، ۰۱۳۵۳، ۰۱۵۷۹، ۰۱۶۰۴، ۰۱۶۴۱	
۰۱۶۴۶، ۰۱۶۵۲، ۰۱۶۹۱، ۰۱۷۰۷، ۰۱۷۱۶	
۰۱۷۵۹، ۰۱۸۰۷، ۰۱۸۰۸	
تتہ (تتہ): ۰۳۸۷، ۰۶۵۸، ۰۱۰۳۶، ۰۱۱۹۶	
۰۱۲۳۰، ۰۱۵۰۳، ۰۱۵۰۴، ۰۱۵۲۴، ۰۱۵۵۵	
۰۱۵۷۵، ۰۱۶۱۴، ۰۱۶۱۶، ۰۱۶۱۷، ۰۱۶۵۲	
۰۱۶۵۳، ۰۱۶۶۴، ۰۱۶۸۶، ۰۱۶۸۷، ۰۱۶۹۱	
۱۷۰۲	
تقرش: ۷۳۷	
ترشیز: ۹۷۷	
ترکستان: ۰۵۰، ۰۶۶، ۰۶۷، ۰۱۳۱، ۰۱۵۲۹	
۰۱۵۶۴، ۰۱۵۷۶، ۰۱۶۹۱، ۱۷۱۶	
ترکیہ: ۰۴۳، ۰۴۵، ۰۲۲۱، ۰۲۴۷، ۱۵۷۶	
	<u>پ</u>
	پاریس: ۰۲۱۴، ۰۲۹۸، ۰۳۶۱، ۰۵۰۷، ۱۶۳۸
	پاکستان: ۰۳۸۷، ۰۸۳۹، ۰۸۸۶، ۰۱۵۱۴
	۰۱۵۶۳، ۰۱۵۹۱، ۰۱۶۴۷، ۰۱۷۰۵، ۰۱۷۱۸
	۱۷۳۰، ۱۷۷۴
	پانی پت: ۱۵۸۴، ۰۵۹۹
	پتتا: ۰۳۸۱، ۰۱۴۸۰، ۰۱۶۹۸، ۱۷۱۶
	پتہ: ۱۷۳۶، ۱۷۵۲
	پراشگفت: ۱۳۵۹
	پرتقال: ۰۵۲، ۰۵۳، ۰۵۷، ۰۲۷۶، ۰۵۸۰
	پکن: ۱۵۷۶
	پنجاب: ۰۵، ۰۴۶۹، ۰۸۳۹، ۰۱۲۳۷، ۰۱۳۴۱
	۰۱۳۵۵، ۰۱۴۱۲، ۰۱۵۲۸، ۰۱۵۴۳، ۱۵۴۷
	پونا: ۱۷۱۰

۵۹۹	۶۱۱	۶۱۲	۶۲۳	۶۲۵	۶۲۹	تکه ایلی: ۱۶۵
۶۳۰	۶۳۳	۶۳۷	۶۳۸	۶۴۲	۶۴۴	تکجه: ۱۲۷۵
۶۴۸	۶۵۳	۶۵۴	۶۵۷	۶۵۸	۶۶۲	تنگه جبل الطارق: ۱۵۱۷، ۴۵
۶۷۱	۶۷۶	۶۷۹	۶۸۰	۶۸۳	۶۹۴	نوران: ۷۹، ۵۲۵، ۱۶۵۷، ۱۶۹۵
۷۰۰	۷۱۷	۷۲۲	۷۲۲	۷۳۵	۷۳۶	نونوز: ۳۶۱
۷۴۶	۷۵۵	۷۷۷	۷۸۲	۷۹۲	۷۹۹	نون: ۲۹، ۵۸۷، ۶۱۴
۸۰۲	۸۰۹	۸۱۸	۸۱۹	۸۲۴	۸۲۷	نوی: ۱۰۶۹
۸۲۸	۸۳۲	۸۳۳	۸۳۹	۸۵۸	۸۶۵	نوسرکان: ۱۰۷۰
۸۷۳	۸۸۳	۸۸۴	۸۹۲	۸۹۷	۹۱۷	نهانیر: ۲۲۵
۹۲۰	۹۲۸	۹۳۷	۹۴۴	۹۵۰	۹۶۶	نهران: ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۲۷
۹۶۷	۹۷۰	۹۷۷	۹۸۹	۱۰۰۷	۱۰۱۲	۵۰، ۵۴، ۶۳، ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۶، ۷۹
۱۰۱۷	۱۰۲۴	۱۰۳۹	۱۰۴۰	۱۰۴۷	۱۰۵۶	۸۱، ۸۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳
۱۰۵۶	۱۰۶۹	۱۰۷۵	۱۰۷۸	۱۰۹۷	۱۱۱۱	۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۴، ۱۴۱
۱۰۶۸	۱۰۹۶	۱۱۰۰	۱۱۰۲	۱۱۱۱	۱۱۱۱	۱۲۴، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۵۲
۱۱۲۶	۱۱۳۵	۱۱۴۷	۱۱۵۸	۱۱۷۱	۱۱۷۱	۱۶۶، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۹، ۱۹۰
۱۲۰۴	۱۲۱۲	۱۲۴۱	۱۲۴۷	۱۲۷۱	۱۲۷۱	۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۳
۱۳۰۲	۱۳۳۳	۱۳۴۷	۱۳۷۴	۱۳۸۶	۱۳۸۶	۲۱۴، ۲۱۵، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۱
۱۴۴۵	۱۴۵۰	۱۴۵۱	۱۴۵۸	۱۴۶۶	۱۴۶۶	۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸
۱۴۶۹	۱۴۷۱	۱۴۷۲	۱۴۷۳	۱۴۷۸	۱۴۷۸	۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۷، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۷
۱۴۷۹	۱۴۸۰	۱۴۸۱	۱۴۸۲	۱۴۸۵	۱۴۸۵	۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۰
۱۴۸۷	۱۴۹۴	۱۴۹۶	۱۴۹۸	۱۵۰۳	۱۵۰۳	۳۱۷، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۵۱
۱۵۰۵	۱۵۰۷	۱۵۱۴	۱۵۳۲	۱۵۴۱	۱۵۴۱	۳۵۲، ۳۵۶، ۳۶۰، ۳۷۵، ۳۸۱، ۳۸۲
۱۵۴۷	۱۵۶۱	۱۵۶۳	۱۵۶۵	۱۵۶۸	۱۵۶۸	۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۲
۱۵۷۹	۱۵۸۰	۱۵۸۶	۱۵۹۰	۱۵۹۱	۱۵۹۱	۴۰۳، ۴۰۴، ۴۱۴، ۴۱۸، ۴۲۴، ۴۳۰
۱۵۹۱	۱۵۹۲	۱۵۹۴	۱۵۹۵	۱۵۹۷	۱۵۹۷	۴۵۱، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۶۴، ۴۶۵
۱۶۰۳	۱۶۰۶	۱۶۰۸	۱۶۰۹	۱۶۱۲	۱۶۱۲	۴۶۶، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۸، ۴۸۶، ۴۹۰
۱۶۱۳	۱۶۱۶	۱۶۳۴	۱۶۴۱	۱۶۴۳	۱۶۴۳	۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۰۴
۱۶۲۶	۱۶۵۲	۱۶۶۰	۱۶۶۳	۱۶۶۴	۱۶۶۴	۵۰۵، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۲۵
۱۶۶۹	۱۶۷۴	۱۶۸۱	۱۶۸۵	۱۶۸۸	۱۶۸۸	۵۶۰، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰
۱۶۸۹	۱۶۹۰	۱۶۹۱	۱۶۹۴	۱۶۹۵	۱۶۹۵	۵۸۱، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۷، ۵۹۰، ۵۹۳

چ

۱۷۳۰	۱۷۰۹	۱۷۰۷	۱۷۰۵	۱۶۹۷
۱۷۶۷	۱۷۴۷	۱۷۴۴	۱۷۳۹	۱۷۴۵
۱۷۸۲	۱۷۷۶	۱۷۷۰	۱۷۶۹	۱۷۶۸
۱۸۰۷	۱۸۰۵	۱۸۰۳	۱۸۰۲	۱۷۸۴
۱۷۸۳	۱۶۹۱	۱۶۶۷		۱۸۱۰
چولک: ۱۷۴۰				تیسفون: ۳۸۰۲۸

ح

حافظیه شیراز: ۱۰۱۴
حیشه: ۱۵۳۵، ۵۱۶
حجاز: ۱۵۳۵، ۱۰۲۶، ۹۷۸، ۳۲۵، ۱۰۱۵
۱۶۱۴
حلب: ۱۵۳۴، ۲۷۷، ۷۵
حله: ۶۷۵، ۱۷۰، ۱۳۶
حویزه: ۱۷۸۰، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶
حیدرآباد: ۴۹۹، ۲۸۷، ۲۲۰، ۵۱، ۶
۵۱۰، ۱۳۶۴، ۱۴۷۵، ۱۵۸۸، ۱۷۸۰
۱۷۹۰

خ

خاتون آباد: ۱۹۶
خاندیش: ۱۰۲۶، ۴۴۹، ۴۲۱
خاقان قریم: ۱۷۲۵
خانقاه نوریه: ۶۴۲
خبوشان: ۱۸۰۳، ۸۸۴
ختا: ۱۵۷۶، ۱۵۳۵، ۱۵۲۸
ختن: ۱۵۲۴
ختلان: ۱۳۶

ج

جاسک: ۵۲
حام: ۱۶۹۱، ۱۴۴۸
جبل عامل: ۲۴۳، ۲۴۱، ۲۱۷، ۱۷۰
۱۰۴۲، ۱۰۴۰، ۵۱۸، ۳۶۷
جبل لبنان: ۱۷۸
جرون: ۵۸۱، ۵۷۹
جزیره: ۱۶۹۵، ۱۶۹۴
جزیره ام حکیم: ۱۵۱۷
جزیره الخضراء: ۱۵۱۸، ۱۵۱۷، ۱۵۱۶
جزیره دوال: ۱۵۲۳
جزیره جرون: رش به هرموز
جزیره زنگیان: ۱۵۲۰
جمنا: ۱۳۴۰
جمند: ۹۷۷
جوشقان: ۹۵۸
جونپور: ۱۶۸۶، ۱۵۰۲، ۱۷۵۶، ۷۰۲
۱۷۵۲، ۱۷۴۸
جهانگیرنگر: ۱۷۵۲
جهرم: ۱۰۰۰

<u>د</u>	خراسان: ۰۲۹، ۰۲۲، ۰۲۱، ۰۲۰، ۰۱۲، ۰۱۱
	۰۱۳۶، ۰۹۹، ۰۹۸، ۰۹۵، ۰۹۴، ۰۴۵، ۰۴۲، ۰۳۹
دارابگرد فارس: ۰۹۹۲، ۱۰۳۶	۰۳۷۴، ۰۳۵۵، ۰۲۴۳، ۰۲۲۹، ۰۱۶۴، ۰۱۵۳
دائرسی: ۸۷۱	۰۴۷۹، ۰۴۶۸، ۰۴۶۶، ۰۴۲۸، ۰۴۲۵، ۰۴۲۳
داردائل: ۱۴۴۳	۰۶۰۸، ۰۶۰۶، ۰۵۸۵، ۰۵۵۱، ۰۵۲۵، ۰۴۹۹
داغستان: ۰۴۱، ۰۲۷، ۱۷۹۸	۰۷۸۹، ۰۷۸۰، ۰۷۳۰، ۰۷۰۰، ۰۶۸۵، ۰۶۸۴
دامغان: ۰۲۱، ۰۵۰	۰۸۸۴، ۰۸۶۵، ۰۸۴۳، ۰۸۲۸، ۰۸۲۵، ۰۸۱۵
دانمارک: ۷۵	۰۹۹۵، ۰۹۹۳، ۰۹۷۷، ۰۹۳۷، ۰۹۰۲، ۰۸۹۸
دانوب: ۴۵	۰۱۱۱۲، ۰۱۱۱۱، ۰۱۰۵۷، ۰۱۰۲۶، ۰۹۹۶
دایرة میرمؤمن: ۱۳۶۴	۰۱۱۴۴، ۰۱۱۳۵، ۰۱۱۲۹، ۰۱۱۲۸، ۰۱۱۲۷
دجله: ۰۱۵۰۹، ۰۱۶۹۴، ۱۶۹۵	۰۱۳۲۷، ۰۱۳۲۶، ۰۱۲۵۶، ۰۱۲۴۷، ۰۱۱۵۱
دریند: ۲۵	۰۱۵۶۸، ۰۱۵۰۹، ۰۱۳۵۲، ۰۱۳۳۵، ۰۱۳۳۴
دریند قفقاز: ۳۸	۰۱۶۲۲، ۰۱۶۲۱، ۰۱۶۲۰، ۰۱۶۰۹، ۰۱۵۷۷
دره گز خراسان: ۳۹	۰۱۶۴۸، ۰۱۶۴۷، ۰۱۶۴۶، ۰۱۶۳۳، ۰۱۶۲۵
درون: ۱۸۰۳	۰۱۶۷۹، ۰۱۶۷۲، ۰۱۶۷۰، ۰۱۶۶۱، ۰۱۶۶۰
دریاچه وان: ۱۵۱۳	۰۱۷۹۲، ۰۱۷۸۶، ۰۱۷۲۴، ۰۱۶۹۱، ۰۱۶۸۲
دریای سرخ: ۴۵	۱۸۰۶
دریای سیاه: ۴۲۴	خرم آباد: ۱۰۳۵
دریای عمان: ۵۲	خواند: ۶۶۳
دریای مازندران: ۰۲۹، ۰۲۸، ۰۲۷، ۰۲۵، ۰۲۴	خلخال: ۴۳۲
۰۴۲، ۰۳۸، ۰۷۴، ۰۹۲، ۰۱۳۰، ۰۱۳۹، ۰۴۲۴	خلیج فارس: ۰۲۲، ۰۲۳، ۰۴۲، ۰۴۳، ۰۵۲، ۰۵۳، ۰۵۴
دریای هند: ۱۵۱۷	۷۸، ۰۷۴
دره جز: ۱۶۹۱، ۰۱۵۶۹	خوار: ۶۵
دره قهقهه: ۵۰۶	خوارزم: ۱۶۹۱، ۰۵۰
دزفول: ۱۶۷۲، ۰۱۵۰۲	خواف: ۳۵۶
دستگرد: ۳۹	خوزستان: ۰۲۲۹، ۰۱۳۸، ۰۱۳۷، ۰۱۳۶، ۰۱۰۷
دشت بیاض: ۸۲۸	۱۷۰۷، ۰۱۶۸۱، ۰۱۶۷۲، ۰۱۵۰۲
دشت زرقان: ۴۰	خوی: ۷۳
دشت موقان: ۱۹۷، ۰۴۰	خیبر: ۱۵۱۳
دکن: ۰۴۰۳، ۰۴۰۲، ۰۳۷۷، ۰۲۸۷، ۰۱۳۳	خیوه: ۱۳۱

۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۹۰، ۱۷۹۸	۰۴۵۷، ۰۴۴۸، ۰۴۴۷، ۰۴۴۶، ۰۴۴۵، ۰۴۲۱
دیار بکر: ۰۶۵، ۰۹۲، ۰۱۲۹، ۰۱۳۰، ۰۱۳۹	۰۴۸۴، ۰۴۸۱، ۰۴۷۵، ۰۴۷۲، ۰۴۶۲، ۰۴۵۹
۰۷۱۸، ۰۱۶۶۵، ۰۱۶۶۶	۰۶۶۴، ۰۶۰۳، ۰۵۷۹، ۰۵۲۲، ۰۵۱۲، ۰۴۹۷
دیار خاور: ۱۵۲۷	۰۸۱۵، ۰۸۰۳، ۰۸۰۲، ۰۷۹۳، ۰۷۰۱، ۰۶۶۵
دیلم: ۱۰	۰۸۲۵، ۰۸۴۳، ۰۸۶۵، ۰۸۶۶، ۰۸۷۱، ۰۹۰۲
دینور: ۰۴۶۹، ۰۱۶۹۴	۰۹۰۷، ۰۹۳۲، ۰۹۳۸، ۰۹۵۰، ۰۹۵۱، ۰۹۷۸
	۰۹۹۳، ۱۰۰۰۰، ۱۰۰۰۸، ۱۱۱۵، ۱۱۱۸
	۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۶۰، ۱۱۷۱، ۱۱۹۶
	۱۲۰۹، ۱۲۲۸، ۱۲۴۲، ۱۲۷۴، ۱۳۱۱
رادولی: ۱۵۸۴	۰۱۳۴۱، ۰۱۴۱۷، ۰۱۴۱۸، ۰۱۴۴۳، ۰۱۴۵۴
راولپنڈی: ۴۶۳	۰۱۵۰۱، ۰۱۵۰۲، ۰۱۵۵۱، ۰۱۵۷۰، ۰۱۵۷۵
رستمدار: ۰۲۱، ۶۸۱	۰۱۵۷۶، ۰۱۵۸۶، ۰۱۶۲۹، ۰۱۶۵۴، ۰۱۶۵۶
رشت: ۷۳۷	۰۱۶۸۷، ۰۱۶۹۱، ۰۱۶۹۹، ۰۱۷۰۲، ۰۱۷۱۲
رود ارس: ۰۴۰، ۱۱۲۱	۰۱۷۵۲، ۰۱۷۵۵، ۰۱۷۵۷، ۱۷۷۰
رودبار: ۶۶۳	دماغہ امید: ۵۲
رود وادی السمل: ۱۵۱۷	دماوند: ۰۱۳۳۵، ۱۶۹۱
روسبہ: ۰۲۴، ۰۲۵، ۰۲۷، ۰۳۸، ۰۵۴، ۰۵۶، ۰۶۳	دمشق: ۰۲۹۰، ۰۲۹۱، ۰۱۴۷۴، ۰۱۵۲۱، ۱۲۱۱
۰۷۴، ۰۷۵، ۰۱۶۸۱، ۱۶۹۱	۱۵۱۲، ۱۵۲۴
روم: ۰۴۶، ۰۶۸، ۰۷۲، ۰۸۴، ۰۹۹، ۰۱۳۰	دولت آباد: ۰۴۷۷، ۰۱۶۹۱، ۰۱۷۵۴، ۱۷۵۵
۰۱۶۱، ۰۱۶۵، ۰۱۶۶، ۰۱۶۷، ۰۱۶۷، ۰۲۷۳، ۰۲۸۰	دہلی: ۰۱۳، ۰۴۰، ۰۴۱، ۰۵۹، ۰۸۳، ۰۱۰۷
۰۲۹۰، ۰۳۴۳، ۰۳۵۴، ۰۳۶۷، ۰۳۶۸، ۰۳۷۰	۰۱۱۳، ۰۳۶۰، ۰۳۶۱، ۰۳۶۶، ۰۳۸۸، ۰۴۲۱
۰۳۸۵، ۰۳۹۱، ۰۴۰۵، ۰۴۰۶، ۰۴۱۳، ۰۴۱۵	۰۴۲۲، ۰۴۴۸، ۰۴۷۰، ۰۴۷۲، ۰۴۸۴، ۰۴۸۵
۰۴۲۰، ۰۴۲۴، ۰۴۳۴، ۰۴۳۷، ۰۴۴۴، ۰۵۰۸	۰۵۸۱، ۰۵۹۱، ۰۶۰۰، ۰۶۰۱، ۰۶۵۵، ۰۶۵۶
۰۵۰۹، ۰۵۲۲، ۰۵۷۵، ۰۵۷۶، ۰۶۷۵، ۰۶۴۵	۰۶۹۴، ۰۷۵۶، ۰۹۳۹، ۱۰۰۰۷، ۱۰۰۵۸
۰۱۰۲۵، ۰۱۰۹۲، ۰۱۰۹۳، ۰۱۲۷۶، ۰۱۴۴۱	۰۱۱۱۲، ۰۱۱۶۸، ۰۱۲۲۴، ۰۱۲۳۰، ۰۱۲۷۴
۰۱۴۵۸، ۰۱۴۸۷، ۰۱۴۹۳، ۰۱۵۲۷، ۰۱۵۲۹	۰۱۳۱۱، ۰۱۳۴۲، ۰۱۳۶۴، ۰۱۳۷۴، ۰۱۳۹۸
۰۱۵۵۰، ۰۱۵۵۲، ۰۱۵۶۰، ۰۱۵۷۶، ۰۱۶۰۴	۰۱۴۰۹، ۰۱۴۱۷، ۰۱۴۵۴، ۰۱۵۰۲، ۰۱۵۷۱
۰۱۶۱۱، ۰۱۶۲۶، ۰۱۶۲۷، ۰۱۶۵۱، ۰۱۶۵۸	۰۱۶۲۰، ۰۱۶۵۸، ۰۱۶۸۷، ۰۱۶۹۱، ۰۱۷۰۲
۰۱۶۶۵، ۰۱۶۷۵، ۰۱۶۹۲، ۰۱۷۰۲، ۰۱۷۳۴	۰۱۷۰۳، ۰۱۷۰۴، ۰۱۷۱۸، ۰۱۷۳۱، ۰۱۷۳۴
۰۱۷۸۳، ۱۷۹۲	۰۱۷۴۶، ۰۱۷۵۶، ۰۱۷۵۸، ۰۱۷۶۰

ر

روم شرقی: ۶۸
 رومیه مداین: ۱۵۰۹
 ری: ۱۴۴۵، ۱۲۸۵، ۸۸۹، ۵۸۸، ۱۳۲، ۱۴۹۷، ۱۵۱۵، ۱۶۵۵، ۱۶۷۸، ۱۶۹۱، ۱۷۶۳، ۱۷۶۲
 سلیم آباد بنگاله: ۱۷۵۲
 سمرقند: ۰۷۵۵، ۰۳۵۵، ۰۳۴۴، ۰۳۴۳، ۰۲۸۰، ۱۵۳۷، ۱۵۷۷، ۱۶۴۵، ۱۶۵۱، ۱۶۹۱
 سنان: ۶۸، ۰۶۵
 سن پترزبورگ: ۱۷۰۹، ۱۶۹۵

سند: ۰۴۶۵، ۰۴۶۴، ۰۴۵۷، ۰۳۸۷، ۰۴۷، ۰۴۳، ۰۴۷۲، ۰۴۹۹، ۰۴۹۷، ۰۴۸۵، ۰۴۸۴، ۰۴۸۳، ۰۵۱۰، ۰۵۱۸، ۰۵۸۵، ۰۶۰۱، ۰۶۰۳، ۰۶۵۵، ۰۶۵۸، ۰۱۰۳۶، ۰۱۰۰۴، ۰۹۳۸، ۰۸۴۰
 سورات: ۱۶۹۱
 سورگ: ۱۵۴۵
 سوریه: ۰۱۵۰۲، ۰۶۶۵، ۰۶۶۳، ۰۱۲۲، ۰۱۲۱، ۱۶۸۴، ۱۶۹۱
 سوماترا: ۱۲۲
 سوئد: ۷۵
 سیالکوت: ۱۵۴۳

سیر دریا: ۴۲
 سیستان: ۰۱۵۷۸، ۰۱۵۰۲، ۰۵۸۵، ۰۳۰، ۰۲۹، ۱۶۶۰، ۱۶۹۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۷۸
 سوماترا: ۱۲۲
 سوئد: ۷۵
 سیالکوت: ۱۵۴۳

سیر دریا: ۴۲
 سیستان: ۰۱۵۷۸، ۰۱۵۰۲، ۰۵۸۵، ۰۳۰، ۰۲۹، ۱۶۶۰، ۱۶۹۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۷۸
 سلوه: ۱۶۹۱
 سیزوار: ۱۶۹۱، ۰۸۸۳، ۰۱۳۵، ۰۱۳۲
 سرسکندر: ۱۵۱۳
 سراندیب: ۱۵۴۰، ۱۵۲۳
 سرکان: ۱۰۶۹
 سرگنج: ۷۰۳
 سرهند (سهند): ۱۴۶۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۰
 سرنگر کشمیر: ۱۲۵۶
 سکندر: رش به بهشت آباد
 سلطانیه: ۹۲، ۰۱۲

ز

زابلستان: ۱۷۷۸
 زابنده رود: ۵۸۰، ۰۵۳
 زردکوه بختیاری: ۵۸۰، ۰۵۳
 زیرباد (زیرآباد): ۹۹۷
 زنجان: ۱۶۳۴
 زور (حسویه): ۱۶۹۴

س

ساری: ۱۳۲۲
 سامانه: ۱۷۱۲
 سلوجلاغ: ۱۶۷۰، ۱۶۶۹
 سلوه: ۱۶۹۱
 سیزوار: ۱۶۹۱، ۰۸۸۳، ۰۱۳۵، ۰۱۳۲
 سرسکندر: ۱۵۱۳
 سراندیب: ۱۵۴۰، ۱۵۲۳
 سرکان: ۱۰۶۹
 سرگنج: ۷۰۳
 سرهند (سهند): ۱۴۶۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۰
 سرنگر کشمیر: ۱۲۵۶
 سکندر: رش به بهشت آباد
 سلطانیه: ۹۲، ۰۱۲

ش

شام: ۰۲۴۲، ۰۱۸۷، ۰۱۳۹، ۰۱۳۰، ۰۹۲، ۰۴۵، ۱۴۱۲، ۰۲۸۰
 شاهجهان آباد: ۰۱۱۶۸، ۰۵۹۱، ۰۵۷۷، ۰۱۳۴۲، ۰۱۳۴۱، ۰۱۳۲۱، ۰۱۲۲۹، ۰۱۲۰۹، ۰۱۳۷۴، ۰۱۳۹۸، ۰۱۳۹۴، ۰۱۴۰۹، ۰۱۴۷۲
 شام: ۰۲۴۲، ۰۱۸۷، ۰۱۳۹، ۰۱۳۰، ۰۹۲، ۰۴۵، ۱۴۱۲، ۰۲۸۰
 شاهجهان آباد: ۰۱۱۶۸، ۰۵۹۱، ۰۵۷۷، ۰۱۳۴۲، ۰۱۳۴۱، ۰۱۳۲۱، ۰۱۲۲۹، ۰۱۲۰۹، ۰۱۳۷۴، ۰۱۳۹۸، ۰۱۳۹۴، ۰۱۴۰۹، ۰۱۴۷۲
 سلطانیه: ۹۲، ۰۱۲

ص

شبانکاره: ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۶، ۱۰۳۶

شبه جزیره بالکان: ۴۲۱

شبه جزیره دکس: ۴۷

شبه جزیره میانکاله: ۲۵

شبه قاره هند: ۴۳، ۴۷، ۴۸، ۱۱۴، ۱۲۰، ۵۱۱

شروان: ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۲۱، ۳۰، ۶۴، ۷۹، ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۷۰، ۳۶۲، ۴۹۸

۱۶۵۸، ۱۶۹۱، ۱۶۹۳

شروز: ۱۵۷

شماخی: ۱۵۷، ۷۹

شمشیربند: ۱۵۳۵

شوستر: ۴۱، ۲۴۴، ۸۵۸، ۱۵۰۲، ۱۷۰۵

۱۷۹۲

شهرسبز: رش به تاجیکستان

شهروان: ۱۶۵۵

شیراز: ۲۰، ۳۵، ۴۰، ۴۱، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۸۳، ۲۲۶، ۲۳۵، ۲۳۷

۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۸۵، ۲۹۲، ۲۹۳

۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۸، ۳۲۰

۳۲۱، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۶۰، ۳۶۷، ۳۷۷

۴۱۰، ۴۳۰، ۴۶۵، ۴۸۶، ۵۱۲، ۵۱۶

۵۱۷، ۵۵۷، ۶۱۴، ۶۳۷، ۶۴۲، ۶۸۲

۷۰۱، ۷۳۰، ۷۴۷، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲

۸۰۵، ۸۰۶، ۸۳۳، ۸۶۵، ۹۳۸، ۹۵۹

۹۷۸، ۱۰۰۰، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۲۰

۱۰۳۶، ۱۰۴۸، ۱۰۸۸، ۱۰۹۳، ۱۱۵۹

۱۱۷۱، ۱۱۸۴، ۱۱۹۶، ۱۲۰۹، ۱۳۷۳

۱۴۶۸، ۱۵۳۰، ۱۵۵۶، ۱۶۶۰، ۱۶۶۴

۱۷۳۱، ۱۷۹۳، ۱۸۰۶

صحرای مرقان: ۱۹۷

صفاهان: ۱۶۳۹

صقلاب: ۱۶۹۱

ط

طاشکوپرو نزدیک قسطنطنیه: ۲۸۷

طارم: ۱۳۰، ۱۷۰

طالش: ۱۷۰۹

طارم سفلی: ۱۶۳۴

طارم علیا: ۱۶۳۴

طبرستان: ۱۰۴۸، ۱۵۳۵، ۱۶۵۸، ۱۶۹۱

طیس: ۹۸، ۸۲۸

طراز ترکستان: ۱۷۱۹

طرشت: ۱۱۵۸

طوس: ۱۰، ۵۷۵، ۵۷۶، ۷۸۹

ع

عامره: ۸۰۳

عباس آباد: ۱۲۷۲

عشمانی: ۳۵۰، ۵۱۶

عسراق: ۱۲، ۲۰، ۲۱، ۴۰، ۹۲، ۱۶۰

۱۷۰، ۱۷۱، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۳۹، ۲۴۱

۲۴۳، ۲۷۳، ۲۸۰، ۳۷۶، ۴۰۲، ۴۲۸

۴۶۶، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۸۸، ۴۹۲، ۵۲۵

۶۶۳، ۶۷۵، ۷۳۰، ۸۲۰، ۸۲۵، ۸۲۸

۸۳۴، ۸۷۱، ۸۸۴، ۸۹۸، ۹۳۸، ۹۹۳

۱۷۹۸، ۱۶۹۱، ۱۶۲۰، ۱۵۳۶، ۱۴۸۵	۱۱۵۹، ۱۱۲۸، ۱۱۱۹، ۱۰۹۹، ۱۰۲۷
فاراب: ۱۶۹۱	۱۱۷۲، ۱۱۸۴، ۱۲۱۳، ۱۲۶۳، ۱۳۳۴
فارقلیا: ۱۵۲۷	۱۴۸۵، ۱۵۳۷، ۱۶۳۶، ۱۶۵۱، ۱۶۵۴
فارباب: ۱۵۲۵	۱۶۶۵، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۸۱، ۱۶۹۱
فتحپور سیگری: ۱۱۳، ۳۷۹، ۴۵۵، ۴۸۰	۱۷۳۱، ۱۷۴۲، ۱۷۵۹، ۱۷۸۰، ۱۷۸۶
۸۰۲، ۸۰۵، ۸۱۵، ۸۴۵، ۹۹۰، ۱۲۰۴	عراق عجم: ۱۹۶، ۴۸۹، ۱۶۵۴، ۱۶۸۴
۱۶۳۶، ۱۲۶۱	عراق عرب: ۲۲، ۲۶، ۶۵، ۱۲۷، ۱۲۸
فتح آباد خیوشان: ۴۱	۱۷۰، ۱۷۷، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۴۲، ۳۶۷
فوات: ۱۴۵۰	عربستان: ۴۵، ۲۲۹، ۵۱۶، ۸۴۰، ۱۰۴۴
فرارود: رش به ماوراءالنهر	۱۶۸۱
فرانسه: ۳۵، ۵۵، ۵۶، ۳۲۱	عسکر مکرم: ۱۵۰۲
فراه: ۱۵۰۲، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳	علی شکر: ۴۶۹
فرح آباد: ۲۵	علیگیره: ۶۴۵، ۶۶۲، ۷۷۷، ۸۲۷، ۹۲۸
فرغانه: ۱۶۹۱	۹۶۶، ۱۰۱۷، ۱۰۲۴، ۱۰۵۶، ۱۱۴۷
فضلویه: ۱۶۹۴	۱۲۱۲، ۱۲۴۷، ۱۵۷۳، ۱۷۰۴
فرنگستان: ۱۵۲۸	
فیروز کوه: ۶۵، ۹۷، ۱۶۵۵	

غ

ق

قاهره: ۱۳۵، ۱۱۹۸، ۷۰۲	غز: ۵۸۵
قائن: ۸۲۸	غزنین: ۱۵۰۲، ۱۶۹۱
قائنات: ۴۰	غور: ۱۰۲
قراچه داغ: ۴۳۲	
قراداغ: ۱۹۳	
قریشیان: ۵۸۹	
قریم: ۴۹۵، ۱۰۹۲	
قزوین: ۱۰، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۲، ۳۲، ۳۸	فارس: ۱۸، ۲۲، ۲۹، ۳۰، ۴۱، ۵۳، ۷۱
۵۴، ۶۹، ۷۴، ۸۰، ۸۴، ۹۴، ۹۵، ۱۰۸	۷۲، ۹۰، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۵۵
۱۰۹، ۱۱۲، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۷۷، ۱۸۳	۱۶۰، ۱۶۲، ۲۲۹، ۲۳۸، ۳۰۰، ۳۱۶
	۳۹۵، ۴۶۹، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۶۸۲
	۸۸۳، ۸۳۴، ۹۷۸، ۱۰۲۰، ۱۰۳۶
	۱۰۴۸، ۱۱۲۹، ۱۱۵۹، ۱۱۸۴، ۱۲۸۹

ف

۰۱۶۷۵، ۰۱۶۶۹، ۰۱۶۳۳، ۰۱۶۰۶، ۰۱۴۷۸	۰۲۸۵، ۰۲۸۰، ۰۲۶۸، ۰۲۴۲، ۰۲۴۲، ۰۲۳۹
۰۱۷۳۱، ۰۱۷۰۵، ۰۱۶۹۲، ۰۱۶۹۱، ۰۱۶۷۸	۰۶۱۴، ۰۵۸۷، ۰۵۰۴، ۰۵۰۲، ۰۳۶۷، ۰۲۹۳
۱۷۹۱	۰۶۸۴، ۰۶۸۲، ۰۶۸۱، ۰۶۴۲، ۰۶۳۲، ۰۶۳۱
قندھار: ۰۱۲، ۰۱۳، ۰۲۵، ۰۲۸، ۰۲۹، ۰۳۰، ۰۳۰	۰۸۲۹، ۰۸۱۹، ۰۸۱۸، ۰۷۶۲، ۰۶۸۶، ۰۶۸۵
۰۴۶۵، ۰۴۵۷، ۰۴۵۲، ۰۴۵۱، ۰۱۰۵، ۰۶۵، ۰۵۹	۰۹۵۸، ۰۹۵۰، ۰۹۳۹، ۰۹۲۰، ۰۸۳۴، ۰۸۳۳
۰۹۹۰، ۰۸۶۵، ۰۸۳۴، ۰۶۹۱، ۰۵۱۸، ۰۴۸۰	۰۱۱۲۷، ۰۱۰۹۷، ۰۱۰۴۰، ۰۹۸۹، ۰۹۶۶
۰۱۱۸۴، ۰۱۱۲۸، ۰۱۰۵۸، ۰۱۰۵۰، ۰۹۹۳	۰۱۵۵۶، ۰۱۵۰۵، ۰۱۳۰۲، ۰۱۱۹۴، ۰۱۱۳۵
۰۱۵۰۳، ۰۱۵۰۲، ۰۱۳۵۲، ۰۱۲۷۷، ۰۱۱۸۵	۰۱۶۷۰، ۰۱۶۶۹، ۰۱۶۵۵، ۰۱۶۳۶، ۰۱۶۳۴
۰۱۷۳۵، ۰۱۶۹۱، ۰۱۶۷۰، ۰۱۶۶۱، ۰۱۵۰۴	۰۱۶۹۳، ۰۱۶۹۲، ۰۱۶۹۱، ۰۱۶۷۹، ۰۱۶۷۸
۱۷۹۲، ۰۱۶۷۸	۱۷۳۴، ۰۱۷۳۶، ۰۱۷۳۱، ۰۱۷۲۴
قنوج: ۰۱۵۳۹، ۰۱۵۳۵	نسطمونی: ۲۸۷
قوجان: ۸۸۴	نسططنیه: ۰۲۱۴، ۰۱۵۲۹، ۱۶۹۱
قونیه: ۲۲۱	نشم: ۰۵۳، ۰۲۲، ۰۵۷۹
قیصریه: ۱۰۸۸	قققاز: ۰۲۴، ۰۳۸، ۱۲۸

ک

کابل: ۰۴۷، ۰۳۸۹، ۰۴۵۱، ۰۴۵۷، ۰۴۶۷	قلعه الموت: ۵۰۵
۰۱۰۰۵، ۰۸۴۰، ۰۸۰۲، ۰۵۸۱، ۰۴۷۶، ۰۴۷۵	قلعه بربر: ۱۵۱۳
۰۱۲۴۳، ۰۱۲۴۲، ۰۱۱۸۵، ۰۱۱۸۴، ۰۱۰۹۹	قلعه سلاسل: ۱۵۱۳
۱۴۸۸، ۰۱۴۱۲، ۰۱۲۷۴، ۰۱۲۷۳	قلعه طیس: ۱۶۷۰، ۰۱۶۶۱
کارون: ۰۵۸۰، ۰۵۳	قلعه تهبه: ۱۶۶۱
کازرون: ۰۱۰۴۸، ۰۱۵۳۴	قلعه گوالیار: ۸۱۵
کاشان: ۰۶۵، ۰۷۸، ۰۱۳۲، ۰۳۰۴، ۰۳۲۹	قلعه بندو: ۰۹۹۳، ۰۹۹۴
۰۵۷۷، ۰۵۱۷، ۰۵۰۳، ۰۴۹۷، ۰۴۸۶، ۰۳۴۸	قلعه منیر: ۱۵۱۳
۰۷۳۸، ۰۷۳۷، ۰۷۳۶، ۰۶۶۴، ۰۶۶۳، ۰۵۸۷	قم: ۰۲۳۹، ۰۲۵۸، ۰۲۹۷، ۰۲۵۹
۰۷۶۲، ۰۷۶۴، ۰۷۹۳، ۰۷۹۵، ۰۸۳۳، ۰۸۸۴	۰۳۱۹، ۰۳۲۱، ۰۳۲۶، ۰۳۲۸، ۰۳۳۱، ۰۳۳۶
۰۹۶۰، ۰۹۵۹، ۰۹۵۰، ۰۹۳۱، ۰۹۳۰، ۰۹۲۹	۰۳۴۷، ۰۳۶۷، ۰۴۰۲، ۰۶۶۲، ۰۷۳۶، ۰۷۳۷
۰۱۰۰۷، ۰۱۰۰۸، ۰۱۰۱۸، ۰۱۰۳۲، ۰۱۰۵۷	۰۹۵۰، ۰۱۱۱۱، ۰۱۳۰۱، ۰۱۴۶۶، ۰۱۴۶۸
۰۱۰۶۰، ۰۱۰۷۷، ۰۱۱۷۱، ۰۱۱۹۵، ۰۱۱۹۶	

۱۷۷۲، ۱۷۷۰	۱۷۲۷، ۱۷۱۵، ۱۷۱۴، ۱۷۱۳، ۱۶۹۱
کلکته: ۰۳۶۰، ۰۳۵۲، ۰۱۷، ۰۱۴، ۰۰۶، ۰۰۵	۱۷۹۲، ۱۷۴۰، ۱۷۳۱
۰۴۵۷، ۰۴۵۶، ۰۴۵۲، ۰۴۴۹، ۰۴۱۱، ۰۴۰۷	کاشغر: ۹۷۷
۰۴۶۱، ۰۴۶۲، ۰۴۶۴، ۰۴۶۶، ۰۴۶۹، ۰۴۷۱	کاشغر: ۱۵۱۳
۰۴۷۸، ۰۴۸۳، ۰۵۹۰، ۰۶۱۳، ۰۶۳۷، ۰۶۵۳	کانپور: ۰۳۶۰، ۰۱۳۴۲، ۰۱۷۱۸، ۱۷۶۷
۰۶۹۴، ۰۷۰۰، ۰۷۰۱، ۰۷۱۸، ۰۷۲۰، ۰۷۵۵	کیجان: ۷۰۱
۰۷۷۷، ۰۷۸۹، ۰۷۹۹، ۰۸۲۴، ۰۸۳۸، ۰۸۳۹	کجور: ۲۱
۰۸۵۲، ۰۸۸۳، ۰۹۲۰، ۰۹۲۲، ۰۹۲۸، ۰۹۵۰	کراچی: ۱۶۵۱، ۰۴۷۰، ۰۴۶۹
۰۹۷۷، ۱۰۰۰۷، ۱۰۰۲۴، ۱۰۰۴۷، ۱۰۰۴۹	کرانه: ۵۹۹
۱۰۰۷۵، ۱۰۱۱۸، ۱۰۱۳۱، ۱۰۱۴۷، ۱۰۱۷۱	کرلا: ۰۸۷، ۰۸۸، ۰۸۹، ۰۲۳۹، ۰۵۴۶، ۰۶۶۵
۱۰۱۹۴، ۱۰۲۰۳، ۱۰۲۰۴، ۱۰۲۰۹، ۱۰۲۳۴	۰۶۷۵، ۰۶۸۲، ۰۷۹۶، ۰۸۳۳، ۰۱۲۴۷، ۰۱۳۱۸
۱۰۲۳۷، ۱۰۲۴۱، ۱۰۲۷۱، ۱۰۳۲۱، ۱۰۳۴۹	۰۱۳۹۸، ۰۱۳۹۹، ۱۰۵۱۰، ۱۰۷۰۷، ۱۰۷۳۱
۱۰۴۸۰، ۱۰۵۲۸، ۱۰۵۶۵، ۱۰۵۷۴، ۱۰۵۸۸	۱۷۹۲، ۱۷۶۳
۱۰۵۹۹، ۱۰۶۳۴، ۱۰۶۶۰، ۱۰۶۶۳، ۱۰۶۶۹	کردستان: ۰۱۲، ۰۱۳، ۰۴۲۹، ۰۴۶۹، ۰۵۷۶
۱۰۶۷۴، ۱۰۶۸۱، ۱۰۶۸۲، ۱۰۶۸۴، ۱۰۶۸۵	۱۶۹۵، ۱۶۹۴
۱۰۶۸۷، ۱۰۶۹۸، ۱۰۶۹۹، ۱۰۷۰۱، ۱۰۷۲۶	کرمان: ۰۲۱، ۰۲۸، ۰۲۹، ۰۳۰، ۰۴۱، ۰۶۵
۱۰۷۳۹، ۱۰۷۴۱، ۱۰۷۴۷، ۱۰۷۵۷، ۱۰۷۵۸	۰۱۰۷، ۰۲۲۹، ۰۳۸۰، ۰۵۰۳، ۰۵۸۵، ۰۶۵۶
۱۰۷۶۵، ۱۸۰۰۸	۰۷۶۲، ۰۷۶۴، ۰۷۶۵، ۰۹۹۳، ۱۰۰۱۸، ۱۰۳۱۴
کمره: ۱۰۰۱۸، ۱۰۰۱۹	۱۵۰۲، ۱۵۳۲، ۱۷۹۲، ۱۷۹۸
کنجاہ: ۱۴۱۲	کرمانشاهان: ۰۳۸، ۰۴۰
کوالیار: ۵۹۱	کرناتک: ۱۳۴۱
کوچ: ۱۰۶۶۰، ۱۰۶۹۱	کشمیر: ۰۴۲۱، ۰۴۲۲، ۰۴۴۹، ۰۴۶۷، ۰۴۸۳
کوفه: ۱۰۳۶، ۱۰۵۱۰، ۱۰۵۳۵، ۱۰۶۹۱	۰۴۸۴، ۰۴۸۵، ۰۴۸۸، ۰۴۹۱، ۰۵۷۰، ۰۵۷۱
کوه سلیمان: ۱۷۱۲	۰۵۹۸، ۰۸۷۱، ۰۹۶۸، ۱۰۰۰۱، ۱۰۰۰۴
کوه غور: ۱۷۱۲	۰۱۱۶۱، ۰۱۱۷۳، ۰۱۱۸۵، ۰۱۲۳۴، ۰۱۲۴۲
کوی سربرج یزد: ۷۶۳	۰۱۲۴۴، ۰۱۲۴۵، ۰۱۲۵۵، ۰۱۲۵۶، ۰۱۲۵۷
کوه بی بی شهربانو: ۱۵۱۵	۰۱۲۶۱، ۰۱۲۶۲، ۰۱۲۷۵، ۰۱۳۲۱، ۰۱۳۲۲
کوه مره شیراز: ۱۳۵۹	۰۱۳۴۰، ۰۱۳۵۴، ۰۱۳۷۲، ۰۱۳۵۸، ۰۱۴۶۱
کوه صفه: ۸۱	۰۱۵۲۵، ۰۱۵۲۸، ۰۱۵۳۵، ۰۱۵۳۶، ۰۱۵۷۵
کوه قلف: ۱۵۱۳، ۱۵۳۱	۰۱۶۸۷، ۰۱۷۰۲، ۰۱۷۲۷، ۰۱۷۳۶، ۰۱۷۶۶

ل

کهک: ۳۲۱

کیج: ۶۵۴، ۶۵۸

کبورا: ۱۷۱۰

لارا: ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۸، ۵۸، ۷۳

۱۳۵۹

لارستان: ۱۶۶۴

لاهور: ۳۵۵، ۳۸۱، ۴۰۷، ۴۲۲، ۴۷۲

۴۷۸، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۸، ۴۹۱

۵۶۶، ۵۹۰، ۵۹۸، ۶۰۲، ۷۸۰، ۷۸۹

۸۲۵، ۸۳۹، ۸۶۶، ۸۸۱، ۸۸۴، ۹۰۵

۹۳۷، ۹۴۴، ۹۵۰، ۹۹۰، ۱۰۱۷، ۱۰۲۵

۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۹۹، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳

۱۱۶۰، ۱۲۲۸، ۱۲۳۴، ۱۲۳۷، ۱۲۴۲

۱۲۷۱، ۱۳۲۲، ۱۳۵۲، ۱۳۷۴، ۱۴۰۴

۱۴۱۲، ۱۴۱۸، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۵۰۱

۱۵۰۲، ۱۵۰۵، ۱۵۲۱، ۱۵۲۸، ۱۵۷۰

۱۵۸۷، ۱۵۹۱، ۱۵۹۶، ۱۶۷۰، ۱۶۸۱

۱۶۸۲، ۱۶۸۵، ۱۶۹۱، ۱۶۹۸، ۱۷۰۳

۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۱۰، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴

۱۷۳۶، ۱۷۳۹، ۱۷۴۸، ۱۷۵۹، ۱۷۸۱

۱۸۰۸

لامپجان: ۱۳۰، ۲۲۶، ۳۲۶، ۶۴۸، ۸۲۵

۱۱۵۹، ۱۱۶۱

لاپیزیک: ۱۵۶۵

لسان: ۱۷۰، ۱۸۷، ۱۲۴، ۳۰۶، ۴۰۴

۱۷۳۰، ۱۷۸۵

لرستان: ۲۱

لر کوچک: ۲۱، ۱۶۹۳

لکنه: ۲۵۸، ۳۶۰، ۳۸۸، ۴۵۹، ۷۸۹

۸۵۲، ۸۸۶، ۹۷۰، ۱۰۵۶، ۱۲۱۴

۱۲۳۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۷، ۱۲۶۸، ۱۳۰۱

گ

گجرات: ۲۲۵، ۳۷۷، ۴۲۱، ۴۴۹، ۴۷۰

۴۷۲، ۷۵۶، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۸۴

۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۳۲، ۹۳۸

۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۱۶۰، ۱۲۸۵

۱۵۷۰، ۱۵۷۵، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷

۱۷۱۶، ۱۷۳۱

گرجستان: ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸

۲۹، ۳۰، ۳۷، ۴۰، ۹۹، ۱۰۰، ۱۳۳

۷۴۹، ۱۰۲۵، ۱۱۲۱، ۱۶۵۵

گلستان: ۱۷۰، ۱۲۵۱، ۱۵۲۲

گگند: ۳۶۴، ۴۴۵، ۵۹۷، ۷۴۳، ۱۴۹۲

۱۴۹۷، ۱۵۴۰، ۱۵۵۶، ۱۶۵۹، ۱۶۹۱

گنجه: ۱۰۲۵، ۱۶۱۲

گنگ: ۱۳۴۰، ۱۴۴۳

گوآ: ۲۷۶

گیلان: ۱۲، ۲۱، ۷۸، ۱۳۳، ۴۰۲، ۵۰۴

۵۰۵، ۵۸۷، ۶۴۵، ۶۶۳، ۶۷۵، ۶۸۱

۸۲۴، ۸۰۷، ۸۰۸، ۱۰۲۵، ۱۰۲۷

۱۱۵۹، ۱۱۶۳۶، ۱۶۵۵، ۱۶۵۸، ۱۶۶۰

۱۶۷۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۷۰۹، ۱۷۲۱

۱۷۹۲

ماهان: ۱۳۶۱	۱۳۴۲، ۱۳۴۹، ۱۳۶۹، ۱۳۷۸، ۱۴۱۲
مبارک آباد مازندران: ۱۵۱۵	۱۴۷۳، ۱۴۹۹، ۱۵۴۷، ۱۵۹۸، ۱۶۵۲
مجال حسنو: ۴۳۲	۱۶۸۷، ۱۷۰۱، ۱۷۱۰، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸
مجال هرزن: ۴۳۲	۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۶۷، ۱۷۹۰، ۱۸۰۶
مجال همدان: ۱۰۳۱	لندن: ۶، ۷، ۱۴، ۱۴، ۱۴۷، ۱۵۸، ۳۱۰
محلہ ایوب: ۱۶۰۴	۳۱۱، ۳۵۲، ۳۷۸، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۰
مدراس: ۱۲۵، ۳۸۹، ۴۶۱، ۴۷۱، ۵۲۷	۱۵۴۱، ۱۷۱۳، ۱۸۰۷
۵۹۰، ۶۳۷، ۶۶۲، ۶۶۵، ۷۰۰، ۷۱۷	لنین گراد: ۱۷۰۹
۷۶۱، ۷۷۷، ۷۹۹، ۸۲۴، ۸۳۹، ۸۵۸	لوسون: ۲۷۶
۹۶۶، ۹۷۷، ۱۲۰۴، ۱۲۱۲، ۱۲۵۷	لوهور: رش به لاهور
۱۲۸۵، ۱۳۳۳، ۱۳۷۴، ۱۶۹۸، ۱۷۷۰	لپستان: ۷۵

مدرسه خسروپاشا: ۱۶۶۵

مدیترانه: ۴۵، ۵۲

مدینه: ۳۹۳، ۴۱۰، ۶۵۷، ۶۳۹، ۱۰۴۸

۱۶۹۱، ۱۷۰۳، ۱۷۳۹، ۱۷۹۱

مرادآباد: ۱۳۲۹

مراغه: ۳۰۰، ۱۶۶۰، ۱۶۹۱

مرمره: ۵۹، ۵۸۷، ۸۶، ۱۰۸۶، ۱۸۰۲

مرو شاه جهان: ۵۶۹

مسجد زینب خاتون: ۱۶۰۴

مسجد گوهرشاد: ۱۴۹۶

مکوه: ۶، ۷۴۹، ۱۶۲۲، ۱۸۰۶

مشکین شهر: ۴۲۹

مشهد: ۲۰، ۲۹، ۳۵، ۳۹، ۴۱، ۷۸

۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۸، ۲۱۸، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۳

۲۶۸، ۲۹۲، ۳۲۵، ۳۶۲، ۳۶۷، ۳۷۷

۴۰۱، ۴۱۰، ۴۷۰، ۴۸۶، ۵۱۷، ۵۹۰

۶۳۷، ۷۰۱، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۸۰، ۷۸۱

۸۲۵، ۸۳۳، ۸۷۷، ۸۸۴، ۹۳۸، ۹۴۵

۹۶۰، ۱۰۱۷، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۱۴۸

۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۶۷، ۱۱۹۶، ۱۲۶۰

م

ماجین: ۱۵۲۰، ۱۵۵۲، ۱۷۸۳

مازندران: ۷۶، ۷۸، ۹۹، ۱۳۳، ۱۳۶

۱۶۸، ۶۸۱، ۱۰۲۵، ۱۰۲۷، ۱۰۴۸

۱۰۵۸، ۱۱۲۱، ۱۱۲۸، ۱۳۲۲، ۱۴۷۴

۱۵۱۵، ۱۵۶۸، ۱۶۲۰، ۱۶۵۵، ۱۶۹۱

۱۷۰۹، ۱۷۹۲، ۱۸۰۶

مالموه: ۳۵۳، ۴۴۹، ۵۹۰، ۷۳۱، ۱۶۸۶

۱۶۸۷، ۱۷۳۴

ماندوه: ۱۷۳۶

ماوراءالنهر: ۱۲، ۴۲، ۴۶، ۵۰، ۵۱، ۵۹

۶۶، ۱۳۱، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳

۱۷۵، ۲۲۹، ۳۵۵، ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۱۳

۴۲۰، ۴۲۶، ۴۴۴، ۶۶۳، ۷۸۹، ۸۷۴

۱۱۲۷، ۱۱۴۱، ۱۱۵۱، ۱۱۵۱، ۱۵۵۱، ۱۵۵۴

۱۵۶۴، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۶۰۹، ۱۶۲۱

۱۶۷۰، ۱۶۹۱، ۱۷۳۴، ۱۷۸۶، ۱۷۹۲

۱۷۹۲، ۱۶۹۱، ۱۵۱۳	۰۱۴۴۸، ۰۱۳۸۹، ۰۱۲۸۹، ۰۱۲۸۵، ۰۱۲۷۳
نخجوان: ۱۶۹۲	۰۱۶۷۹، ۰۱۶۷۸، ۰۱۶۶۰، ۰۱۵۵۶، ۰۱۴۸۰
نراق: ۷۹۲	۰۱۷۴۷، ۰۱۷۶۳، ۰۱۷۳۵، ۰۱۷۰۵، ۰۱۶۹۱
نساء: ۱۶۷۰	۰۱۸۰۳، ۰۱۷۸۵، ۰۱۷۷۰
نصیرآباد: ۱۷۸۵، ۱۷۸۴، ۱۷۸۲	مصر: ۰۱۹۸، ۰۱۳۵، ۰۱۱۵، ۰۱۱۴، ۰۰۴۵
نویا: ۱۶۹۱	۰۵۱۶، ۰۴۱۸، ۰۴۰۹، ۰۳۰۶، ۰۲۴۸، ۰۲۴۸
نهاوند: ۱۷۴۰، ۱۰۶۹	۰۶۶۳، ۰۴۱۰، ۰۳۱۶، ۰۱۴۹۳، ۰۱۵۲۲، ۰۱۵۲۷
نیشابور: ۰۱۲۴۶، ۰۸۹۲، ۰۷۴۷، ۰۴۰۶	۰۱۵۳۵، ۰۱۵۸۳، ۰۱۶۱۷، ۰۱۶۹۱، ۰۱۶۹۴
۱۶۹۱، ۰۱۶۸۸، ۰۱۵۳۴، ۰۱۵۰۹، ۰۱۲۴۷	۱۷۱۶
نیل: ۱۴۵۰	مغولستان: ۱۷۱۷
نیمروز: ۱۷۲۵	مکه: ۰۹۰۲، ۰۳۲۵، ۰۳۱۹، ۰۲۷۳، ۰۱۹۴
	۰۹۳۹، ۰۹۵۱، ۰۹۷۸، ۰۱۰۴۸، ۰۱۰۴۹
	۰۱۱۰۰، ۰۱۱۴۸، ۰۱۱۹۶، ۰۱۲۴۷، ۰۱۲۷۳
	۰۱۷۳۴، ۰۱۷۲۵، ۰۱۷۰۴، ۰۱۷۰۳، ۰۱۶۹۱
	۱۷۹۱
واسط: ۱۳۷، ۱۳۶	مکران: ۶۵۸، ۶۵۴
ورامین: ۹۸۹، ۱۰۰۹	مورچه خورت: ۴۰
وسعت آباد هندوستان: ۱۰۰۴	موصل: ۱۶۹۴، ۱۵۳۷
ونیز: ۱۵۲، ۶۹، ۶۸	مولتان: ۰۱۰۰۴، ۰۹۳۸، ۰۹۳۳، ۰۸۴۰، ۰۶۵۸
ویسادن: ۱۷۸۴، ۱۷۸۰	۰۱۰۳۶، ۰۱۰۵۰، ۰۱۰۵۸، ۰۱۲۴۷، ۰۱۳۴۲
وین: ۱۵۷۰، ۰۴۵	۰۱۵۹۳، ۰۱۶۸۷، ۰۱۷۰۲، ۰۱۷۸۱، ۱۷۸۲
	میسور: ۱۷۵۷، ۰۴۴۵

و

ه

هال: ۱۶۳۸

هرات: ۰۳۴، ۰۲۹، ۰۲۲، ۰۲۱، ۰۲۰، ۰۱۸، ۰۱۲

۰۱۴۷، ۰۱۰۷، ۰۹۴، ۰۷۴، ۰۷۳، ۰۴۰، ۰۳۵

۰۱۹۹، ۰۱۶۴، ۰۱۶۱، ۰۱۵۹، ۰۱۵۸، ۰۱۵۳

۰۳۷۴، ۰۳۵۶، ۰۳۴۶، ۰۳۴۵، ۰۲۶۸، ۰۲۴۳

۰۵۰۳، ۰۴۵۷، ۰۴۵۱، ۰۴۰۶، ۰۴۰۱، ۰۳۹۹

۰۸۷۳، ۰۸۱۹، ۰۷۵۵، ۰۷۳۰، ۰۵۶۹، ۰۵۲۲

ن

نطیان: ۱۶۱۶

نجف: ۰۲۳۹، ۰۲۱۸، ۰۱۹۷، ۰۱۷۹، ۰۱۳۶

۰۲۵۸، ۰۲۵۹، ۰۲۶۰، ۰۳۱۹، ۰۳۲۸، ۰۸۰۳

۰۸۳۳، ۰۸۵۸، ۰۸۵۹، ۰۱۲۴۷، ۰۱۳۱۸

۴۸۷	۴۸۶	۴۸۵	۴۸۴	۴۸۳	۴۸۲	۱۰۴۱	۱۰۴۰	۱۹۸۹	۱۹۶۰	۱۹۳۸
۴۹۴	۴۹۳	۴۹۲	۴۹۱	۴۹۰	۴۸۸	۱۱۲۸	۱۱۲۷	۱۱۲۶	۱۱۱۲	۱۰۴۲
۵۱۲	۵۰۸	۵۰۵	۵۰۲	۴۹۷	۴۹۶	۱۳۳۷	۱۲۶۷	۱۲۶۶	۱۲۱۳	۱۱۳۵
۵۵۷	۵۳۴	۵۳۲	۵۲۵	۵۲۴	۵۲۳	۱۶۰۶	۱۵۶۳	۱۵۶۲	۱۵۵۳	۱۴۸۷
۵۸۴	۵۸۲	۵۷۶	۵۷۵	۵۶۷	۵۵۹	۱۶۴۸	۱۶۴۶	۱۶۳۳	۱۶۲۱	۱۶۰۹
۵۹۸	۵۹۳	۵۹۱	۵۹۰	۵۸۸	۵۸۵	۱۸۰۹	۱۸۰۳	۱۷۷۸	۱۶۹۱	۱۶۶۰
۶۶۴	۶۴۵	۶۰۸	۶۰۷	۶۰۳	۶۰۰	هایدلیرگ: ۱۷۸۴				
۷۳۱	۷۰۶	۷۰۳	۷۰۱	۶۹۱	۶۶۵	هرمسوز: ۲۲، ۲۶، ۳۶، ۵۲، ۵۳، ۵۴				
۸۰۱	۷۹۳	۷۸۹	۷۸۰	۷۵۶	۷۵۴	۱۵۲۱	۱۰۰۰	۹۹۳	۵۸۱	۵۷۹
۸۴۰	۸۲۵	۸۱۵	۸۰۹	۸۰۵	۸۰۲	۱۷۴۸، ۱۶۹۲، ۱۶۹۱				
۸۷۱	۸۶۹	۸۶۵	۸۵۲	۸۴۵	۸۴۳	هرآباد: ۴۳۹				
۸۹۸	۸۹۳	۸۸۶	۸۸۴	۸۷۸	۸۷۴	همدان: ۱۲، ۳۸، ۴۰، ۴۰، ۲، ۴۶، ۴۸، ۴۹				
۹۲۸	۹۲۱	۹۰۸	۹۰۷	۹۰۲	۹۰۰	۱۴۱۴	۱۰۶۹	۱۰۳۵	۹۴۴	۶۶۴
۹۳۹	۹۳۸	۹۳۳	۹۳۱	۹۳۰	۹۲۹	۱۷۴۰، ۱۶۹۱				
۹۹۲	۹۹۰	۹۷۸	۹۷۷	۹۶۶	۹۵۰	هند: ۶، ۱۳، ۱۴، ۲۵، ۳۳، ۴۰، ۴۲				
۱۰۰۸	۱۰۰۵	۱۰۰۴	۱۰۰۱	۱۰۰۱	۹۹۳	۱۱۴	۱۰۵	۸۳	۵۹	۴۳
۱۰۴۸	۱۰۴۴	۱۰۳۵	۱۰۳۳	۱۰۲۵	۱۰۲۵	۱۱۷	۱۱۰	۱۱۲۳	۱۱۲۰	۱۱۱۷
۱۰۶۰	۱۰۵۹	۱۰۵۸	۱۰۵۶	۱۰۴۹	۱۰۴۹	۱۲۰	۱۲۱	۱۲۲۹	۱۲۲۶	۱۲۲۰
۱۰۹۳	۱۰۹۲	۱۰۹۱	۱۰۷۷	۱۰۷۱	۱۰۷۱	۱۲۵	۱۲۳	۱۲۲۹	۱۲۲۶	۱۲۲۰
۱۱۱۵	۱۱۱۲	۱۱۱۰	۱۱۰۹	۱۱۰۹	۱۱۰۸	۱۳۰	۱۲۸	۱۲۸۰	۱۲۷۹	۱۲۷۵
۱۱۲۸	۱۱۲۱	۱۱۲۰	۱۱۱۹	۱۱۱۸	۱۱۱۸	۱۳۵	۱۳۲	۱۳۵۰	۱۳۴۴	۱۳۱۰
۱۱۷۲	۱۱۶۷	۱۱۶۰	۱۱۵۰	۱۱۳۱	۱۱۳۱	۱۳۵	۱۳۶	۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۵
۱۱۸۶	۱۱۸۵	۱۱۸۴	۱۱۷۵	۱۱۷۳	۱۱۷۳	۱۳۶	۱۳۸	۱۳۶۷	۱۳۶۵	۱۳۶۲
۱۲۱۲	۱۲۰۶	۱۱۹۸	۱۱۹۶	۱۱۹۴	۱۱۹۴	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۸۰	۱۳۷۷	۱۳۷۰
۱۲۴۰	۱۲۳۸	۱۲۲۴	۱۲۱۴	۱۲۱۳	۱۲۱۳	۱۳۸	۱۳۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۳
۱۲۵۷	۱۲۴۷	۱۲۴۶	۱۲۴۳	۱۲۴۲	۱۲۴۲	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۰۶	۱۴۰۵	۱۳۹۷
۱۲۷۶	۱۲۷۵	۱۲۷۴	۱۲۷۳	۱۲۶۱	۱۲۶۱	۱۴۰	۱۴۰	۱۴۱۶	۱۴۱۱	۱۴۰۹
۱۳۱۱	۱۳۱۰	۱۲۸۵	۱۲۷۸	۱۲۷۷	۱۲۷۷	۱۴۱	۱۴۱	۱۴۳۷	۱۴۳۶	۱۴۲۲
۱۳۶۳	۱۳۶۰	۱۳۵۳	۱۳۵۲	۱۳۲۶	۱۳۲۶	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۳۸	۱۴۳۷	۱۴۳۳
۱۳۷۴	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۶۹	۱۳۶۴	۱۳۶۴	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۷۶	۱۴۷۴	۱۴۷۲

ی

	۱۳۷۸، ۱۳۹۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۲، ۱۴۱۵
	۱۴۱۸، ۱۴۴۱، ۱۴۴۶، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰
پارکند: ۱۶۹۱	۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۸، ۱۴۶۱
یزد: ۲۱، ۳۰، ۳۵، ۶۷، ۹۸، ۱۱۷، ۱۴۷۹	۱۴۶۷، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۳، ۱۴۸۰
۵۰۳، ۵۱۷، ۵۳۰، ۷۳۰، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴	۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۶، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲
۷۶۵، ۷۶۷، ۷۶۷، ۹۹۳، ۱۳۱۴، ۱۵۵۶	۱۴۹۳، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۵
۱۵۷۸، ۱۶۹۱، ۱۷۳۱، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱	۱۵۰۶، ۱۵۱۰، ۱۵۱۲، ۱۵۱۴، ۱۵۱۶
۱۷۹۲	۱۵۲۰، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۸
یمانه: ۱۶۹۱	۱۵۳۳، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۳، ۱۵۴۸
یمن: ۸۴۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۸، ۱۵۳۲	۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۶
۱۵۳۵، ۱۵۵۲، ۱۶۱۶، ۱۶۸۴، ۱۶۹۱	۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۳، ۱۵۶۹
۱۶۹۳، ۱۷۱۶، ۱۷۳۴	۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۵، ۱۵۷۷
یوگواسلاوی: ۴۶، ۲۲۱، ۷۵۰، ۱۳۷۷	۱۵۸۲، ۱۵۸۴، ۱۵۸۶، ۱۵۸۹، ۱۵۹۱
یونان: ۳۳۷، ۱۵۲۴، ۱۵۵۲، ۱۶۱۶	۱۵۹۷، ۱۶۰۲، ۱۶۱۲، ۱۶۲۹، ۱۶۳۳
۱۷۳۴	۱۶۳۴، ۱۶۳۷، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۵۱
	۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۸
	۱۶۶۸، ۱۶۸۲، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۹
	۱۶۹۱، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۲
	۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۹، ۱۷۱۳، ۱۷۱۷
	۱۷۱۸، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۳۰
	۱۷۳۱، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱
	۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲
	۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۹
	۱۷۷۰، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۷، ۱۷۸۰
	۱۷۸۶، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲، ۱۷۹۸
	هند شرقی انگلستان: ۲۲، ۴۸، ۵۶، ۷۴
	۵۷۹
	هند شرقی فرانسه: ۷۴، ۵۵
	هند شرقی هلند: ۳۵، ۵۴، ۵۶، ۷۴

۴- فهرست نام قبایل، طوایف، فرقه و سلسله‌ها

الف	آ
ايمه اطهار: ۱۶۸۴، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۴۱، ۱۷۴۷	آماء يوعی: ۲۷، ۱۰۴، ۲۷۶
اتابکان آذربايجان: ۴۲۸	آتش پرستان: رش به گبران
اتابکان يزد: ۱۶۳۹، ۱۶۵۷، ۱۶۸۴	آتشیان: ۲۳۷
۱۷۸۱	آذربايجانیان: ۴۲۸
اخباریان: ۲۵۴، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵	آشوریان: ۱۱۹
۲۶۶	آق قویونلو: ۴۴، ۵۱، ۹۲، ۱۲۹، ۱۴۰
اخباریان شیعه: ۲۴۹	۴۲۳، ۱۵۵۹، ۱۶۱۶، ۱۶۳۹، ۱۶۵۲
ادریسه: ۱۵۸۴	۱۶۵۸، ۱۶۶۷، ۱۶۸۴، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷
ارغونیان: ۱۵۰۴، ۱۵۴۶	۱۷۲۹، ۱۷۳۴، ۱۷۷۵
ارمنیان: ۷۸، ۹۵، ۱۶۹۳	آکادیان: ۱۱۹
اشعریان: ۱۸۲، ۲۸۴، ۲۹۶، ۳۰۷	آل ابوب: ۱۶۹۴
اشکانیان: ۶۸	آل بویه: ۸۷، ۱۵۸۷، ۱۶۱۶، ۱۶۵۷
اشوریان: ۱۵۱	آل زیار: ۱۶۱۶
افشاریان: ۳۸، ۳۹، ۴۲، ۸۱، ۹۲، ۹۳	آل سامان: ۱۵۸۷
۹۵، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۳، ۴۲۳	آل کاکویه: ۱۶۱۶
۴۲۷، ۱۵۶۹	آل علی: ۱۹۱۰
افغانان: ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱	آل کرت: ۱۷۳۴، ۱۷۲۹، ۱۵۵۹
۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۵۵	آل لیث: ۱۶۵۷
۸۲، ۸۷، ۹۶، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۳۲	آل مصطفی: ۲۸۳
۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۴۱۴، ۴۲۷	آل مظفر: ۱۵۵۹، ۱۵۸۷، ۱۶۵۲، ۱۶۶۷
۱۴۱۸، ۱۵۵۱، ۱۵۷۸، ۱۶۵۸، ۱۷۱۲	۱۶۸۴، ۱۷۲۹، ۱۷۳۴، ۱۷۸۱

۵۸۰، ۵۷۹، ۵۷۶	۱۷۹۸، ۱۷۳۴، ۱۷۱۳
ایرانیان: ۰۱۳، ۰۱۴، ۰۲۸، ۰۳۵، ۰۳۷، ۰۳۸، ۰۴۱	افغانان ابدالی: ۰۲۴، ۰۲۵، ۰۴۰
۰۴۲، ۰۴۳، ۰۴۵، ۰۴۶، ۰۴۷، ۰۴۸، ۰۴۹، ۰۵۰	افغانان غلجایی: ۰۲۴، ۰۲۹، ۱۹۵
۰۵۳، ۰۵۶، ۰۵۷، ۰۶۱، ۰۶۲، ۰۶۳، ۰۶۴، ۰۶۵	افغانان غلزایی: رش به افغانان غلجایی
۰۶۶، ۰۶۷، ۰۶۸، ۰۷۰، ۰۷۲، ۰۷۴، ۰۷۷، ۰۸۵	امیران جزء دکن: ۰۴۴۴، ۰۴۴۵، ۰۴۴۸
۰۸۶، ۰۹۵، ۰۹۸، ۰۱۰، ۰۱۱۱، ۰۱۱۸، ۰۱۲۱	۵۳۳، ۰۴۸۶
۰۱۲۲، ۰۱۲۶، ۰۱۲۷، ۰۱۲۸، ۰۱۳۰، ۰۱۳۱	انیرانیان: ۷۲
۰۱۵۶، ۰۱۸۱، ۰۱۸۸، ۰۱۸۹، ۰۱۹۱، ۰۱۹۷	اهل بیت: ۰۸۷، ۰۸۸، ۰۶۰۷، ۰۶۱۴، ۰۶۲۲
۰۲۰۱، ۰۲۰۳، ۰۲۰۸، ۰۲۲۹، ۰۲۳۱، ۰۲۳۳	۶۲۴
۰۲۴۱، ۰۲۴۳، ۰۲۴۴، ۰۲۴۸، ۰۲۸۰، ۰۲۹۲	اهل سنت: رش به سنیان
۰۲۹۳، ۰۳۰۸، ۰۳۵۵، ۰۳۶۹، ۰۳۷۱، ۰۳۷۹	اهل ملط: رش به یونانیان
۰۳۸۰، ۰۳۹۶، ۰۴۰۹، ۰۴۱۵، ۰۴۲۰، ۰۴۲۱	اتحادیه (صوفیه): ۲۱۹
۰۴۸۶، ۰۴۸۷، ۰۴۸۸، ۰۴۹۱، ۰۶۰۳، ۰۶۰۷	اجتهادیان: رش به اصولیان
۰۶۲۳، ۰۱۴۵۲، ۰۱۵۰۶، ۰۱۵۰۷، ۰۱۵۰۹	استاجلو: ۰۲۰، ۰۲۱، ۰۹۲، ۰۹۳، ۰۹۴، ۰۹۵
۰۱۵۱۲، ۰۱۵۴۸، ۰۱۵۶۴، ۰۱۶۰۲، ۰۱۶۶۷	۰۱۳۰، ۰۱۴۳، ۰۴۲۳، ۰۴۲۴، ۰۶۸۱، ۱۱۱۱
۱۷۲۵	استدالیان: ۲۹۶
ایرانیان هندشین: ۰۳۷۱، ۰۳۷۲	اسپانیولیان: ۵۲
ایلخانان مغول: ۰۶۸۰، ۰۱۶۸۴، ۱۷۲۹	اسماعیلیه مونیه: ۰۶۶۳، ۰۶۶۴
ایلکانیان: ۰۱۵۵۹، ۰۱۷۲۹، ۱۷۳۴	اسماعیلیان: ۰۶۶۲، ۰۶۶۴، ۰۶۶۵، ۰۶۶۶
اروپاییان: ۰۵۷، ۰۶۹، ۰۷۵، ۰۷۸، ۰۸۰، ۰۸۲	۰۱۶۳۹، ۰۱۶۸۴
۰۱۵۲، ۰۳۶۹، ۰۴۹۱	اشرافیان: ۰۲۹۵، ۰۲۹۶، ۰۳۰۱، ۰۳۱۲
ازبکان: ۰۱۱، ۰۱۸، ۰۲۱، ۰۲۲، ۰۲۶، ۰۳۳، ۰۳۹	اشکانیان: ۱۶۵۶
۰۴۶، ۰۴۷، ۰۵۰، ۰۵۱، ۰۵۹، ۰۶۵، ۰۶۶، ۰۶۷	الموتیان: ۱۶۱۶
۰۶۸، ۰۷۰، ۰۹۵، ۰۹۸، ۰۹۹، ۰۱۳۱، ۰۱۵۳	الیه: ۱۴۸۰
۰۱۵۴، ۰۱۶۳، ۰۱۶۴، ۰۱۶۵، ۰۱۹۹، ۰۲۸۰	امامان شیعه: ۰۱۵۷، ۰۱۹۱، ۰۶۰۷، ۰۶۱۷
۰۳۵۵، ۰۴۲۱، ۰۴۵۱، ۰۴۸۳، ۰۵۹۵، ۰۸۲۸	۰۶۲۲، ۰۶۲۳، ۰۶۲۵
۰۸۷۳، ۰۱۳۳۴، ۰۱۴۴۵، ۰۱۴۴۸، ۰۱۶۵۴	امامیان: ۰۹، ۱۴۷۸
۰۱۶۲۱، ۰۱۶۲۲، ۰۱۶۲۵، ۰۱۶۳۳، ۰۱۶۶۲	امویان: ۰۶۹، ۰۱۹۱، ۱۷۲۹
۰۱۶۷۰، ۰۱۶۸۴، ۱۷۲۹	انصاریه: ۱۵۸۴
ازبکان ماوراءالنهر: ۱۶۳۹	انگلیسیان: ۰۲۲، ۰۳۵، ۰۴۸، ۰۵۲، ۰۵۳، ۰۵۴

بنی مروان: ۱۵۱۴، ۱۵۱۵	ازبکان خراسان: ۱۶۳۹
بهمنیان دکن: ۴۲۱، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۶	اصولیان: ۲۱۸، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴
۱۵۷۵، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹	اویغور: ۱۲۸
بریبیان: ۱۶۳۹	
بیات: ۹۳، ۶۷۵	

ب

پ

	بابلیان: ۱۱۹
	بای برتلو: ۱۳۰، ۱۴۳
پادشاهان آق قویونلو: ۱۷۱۷	بایندریان: ۷۳، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۲۹، ۲۳۲
پادشاهان بنگاله: ۴۴۹	۲۵۲، ۲۹۳، ۴۲۹، ۴۴۳، ۴۹۷، ۵۱۱
پادشاهان خوزستان: ۱۷۱۷	۶۲۲، ۶۳۶، ۱۵۹۱، ۱۶۶۳
پادشاهان دکن: ۴۷، ۳۷۷، ۶۰۳	بحرانی: ۱۹۲
پادشاهان دهلی: ۴۴۹	براهمه: ۱۴۷۷
پادشاهان ذوالقدر: ۱۷۱۷	برمکیان: ۱۵۲۴
پادشاهان شیروان: ۱۷۱۷	برید شاهیان: ۴۴۶، ۱۶۵۹، ۱۷۱۱
پادشاهان قراقویونلو: ۱۷۱۷	یکناشیان شیعی: ۲۲۱، ۵۰۸
پادشاهان قرمان: ۱۷۱۷	یکناشیه: ۲۲۱
پادشاهان گیلان: ۱۷۱۷	بلوچان: ۲۸، ۱۳۲
پادشاهان لار: ۱۷۱۷	بنی اسرائیل: ۱۵۵۹، ۱۵۷۹، ۱۷۱۲
پادشاهان مازندران: ۱۷۱۷	۱۷۳۴
پاریان: ۱۹۰، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰	بنی امیه: ۱۹۱، ۱۵۱۰، ۱۵۱۵، ۱۵۵۴
پاندو: ۱۵۴۴، ۱۵۴۵	۱۵۵۹، ۱۵۶۱، ۱۵۸۷، ۱۶۳۹، ۱۶۵۶
پرتغالیان: ۲۲، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۵۷۹	۱۶۵۷، ۱۶۸۴، ۱۷۲۹، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴
۵۸۰، ۵۸۱	۱۷۷۵، ۱۷۸۱
پسخانیه: ۱۴۳، ۱۴۸۳	بنی عباس: ۱۵۱۴، ۱۵۵۲، ۱۵۵۴
پهلوی: ۲۳۸	۱۵۵۹، ۱۵۶۱، ۱۵۸۷، ۱۶۳۹، ۱۶۵۶
پیشدادیان: ۱۵۵۷، ۱۵۶۱، ۱۶۱۶	۱۶۵۷، ۱۶۶۷، ۱۶۸۴، ۱۷۱۶، ۱۷۲۹
۱۶۳۹، ۱۶۵۶، ۱۶۶۷	۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۷۵
	بنی فاطمه: ۱۶۸۴
	بنی لخم: ۱۵۵۲، ۱۷۳۴

ت

ترکمانان آق قویونلو: رش به آق قویونلو	
ترکمانان سپیدگوسفند: ۰۶۴، ۰۱۲۹، ۰۴۲۹	
ترکمانان سیاه گوسفند: ۰۶۴، ۰۴۲۹	
ترکمانان سلجوقی: ۰۶۴، ۰۱۲۸، ۰۱۴۰	
ترکمانان عثمانی: ۰۹۲	
ترکمانان قراقویونلو: رش به قراقویونلو	
تغلقیه: ۰۳۸۴، ۰۱۷۳۴	
تکلو: ۰۹۲، ۰۹۳، ۰۱۳۰، ۰۱۴۳، ۰۶۸۱، ۰۷۳۰	
۰۸۱۹، ۰۱۲۶۰	
تناسخیه: ۰۱۴۸۳	
توخشی: ۰۱۲۸	
تورانیا: ۰۱۵۲	
تومان: ۰۱۳۰، ۰۱۴۳	
تیموریان ایران: ۰۱۶۸۴، ۰۱۷۱۷، ۰۱۷۲۹	
تیموری: رش به تیموریان	
تیموریان هند: ۰۱۱، ۰۱۳، ۰۴۴، ۰۴۶، ۰۵۰، ۰۵۱	
۰۵۴، ۰۶۲، ۰۶۳، ۰۶۴، ۰۶۷، ۰۷۳، ۰۹۸، ۰۱۰۸	
۰۱۲۶، ۰۱۲۹، ۰۱۳۲، ۰۱۳۹، ۰۱۶۰، ۰۱۶۳	
۰۱۷۰، ۰۱۷۲، ۰۱۹۹، ۰۲۲۰، ۰۲۲۹، ۰۲۳۲	
۰۲۳۶، ۰۲۴۴، ۰۲۵۲، ۰۳۱۱، ۰۳۴۳، ۰۳۵۴	
۰۳۵۶، ۰۳۶۶، ۰۳۶۷، ۰۳۶۸، ۰۳۷۴، ۰۳۹۸	
۰۴۱۵، ۰۴۲۶، ۰۴۴۲، ۰۴۴۳، ۰۴۵۱، ۰۴۵۷	
۰۴۸۳، ۰۴۹۷، ۰۵۰۲، ۰۵۱۱، ۰۵۴۴، ۰۵۷۵	
۰۶۲۲، ۰۶۳۶، ۰۶۸۷، ۰۷۱۸، ۰۷۲۱، ۰۷۴۷	
۰۱۲۴۲، ۰۱۳۱۱، ۰۱۴۴۱، ۰۱۴۴۷، ۰۱۴۴۹	
۰۱۴۵۲، ۰۱۴۸۳، ۰۱۴۸۴، ۰۱۴۹۲، ۰۱۵۰۴	
۰۱۵۲۰، ۰۱۵۲۴، ۰۱۵۵۰، ۰۱۵۵۱، ۰۱۵۵۳	
۰۱۵۵۴، ۰۱۵۴۴، ۰۱۵۷۰، ۰۱۵۷۳، ۰۱۵۷۴	
۰۱۵۷۵، ۰۱۵۸۷، ۰۱۵۸۸، ۰۱۵۹۰، ۰۱۵۹۱	
۰۱۶۲۱، ۰۱۶۳۷، ۰۱۶۳۹، ۰۱۶۴۱، ۰۱۶۶۲	
تاتاران: ۰۶۴، ۰۶۷، ۰۹۵، ۰۱۲۸	
تاجیکان: رش به ایرانیان	
تازسان: ۰۰۶، ۰۱۶، ۰۲۸، ۰۳۱، ۰۴۵، ۰۶۴، ۰۹۸	
۰۱۱۸، ۰۱۲۷، ۰۱۳۷، ۰۱۳۸، ۰۱۶۱، ۰۱۸۴	
۰۱۸۸، ۰۲۰۳، ۰۲۴۲، ۰۳۷۸، ۰۴۳۲، ۰۴۳۶	
۰۶۱۱	
تبیان: ۰۱۴۸۰	
تبریزیان: ۰۱۹، ۰۹۷، ۰۱۵۷، ۰۱۵۸، ۰۴۳۰	
ترخانیا: ۰۱۰۳۶	
ترسائیان: رش به مسیحیان	
ترکان: ۰۱۹، ۰۲۴، ۰۴۳، ۰۵۰، ۰۶۶، ۰۷۲، ۰۹۲	
۰۹۳، ۰۱۰۵، ۰۱۱۱، ۰۱۲۶، ۰۱۲۸، ۰۱۲۹	
۰۱۳۰، ۰۱۳۱، ۰۱۴۰، ۰۱۴۳، ۰۲۰۱، ۰۴۲۰	
۰۴۲۲، ۰۴۲۳، ۰۴۲۸، ۰۴۳۱، ۰۴۳۶، ۰۴۳۷	
۰۴۵۰، ۰۴۹۵، ۰۵۰۹، ۱۶۰۲	
ترکان جغتایی: ۰۴۷، ۰۶۴، ۰۶۷، ۰۱۲۹، ۰۱۳۱	
۰۱۳۲، ۰۱۳۶، ۰۴۲۳، ۰۴۲۵، ۱۳۷۷	
ترکان خطایی: ۰۱۲۸	
ترکان خراسان: ۰۴۲۵	
ترکان عثمانی: ۰۶۳، ۰۳۹۶	
ترکان غز: ۰۴۲۸	
ترکان قراخانی: ۰۱۲۸	
ترکمانان: ۰۱۱، ۰۳۹، ۰۵۴، ۰۶۲، ۰۶۳، ۰۹۲	
۰۹۵، ۰۱۲۶، ۰۱۲۸، ۰۱۲۹، ۰۱۳۰، ۰۱۳۹	
۰۱۴۰، ۰۱۴۳، ۰۱۴۷، ۰۱۷۰، ۰۲۷۵، ۰۴۲۳	
۰۴۲۴، ۰۴۲۶، ۰۴۶۹، ۰۴۹۱، ۰۴۹۵، ۰۱۴۱۴	
۰۱۴۸۳	

حکام حکاری: ۱۶۹۵
 حکام حصن کیفا: ۱۶۹۵

حکام عمادیه: ۱۶۹۵

حکام کردستان: ۱۶۹۵

حلویه: ۲۱۹، ۱۴۶

حمیدلی: ۱۴۳، ۱۳۰

حنفیان: ۱۴۸۵

۱۶۶۳، ۱۶۶۶، ۱۶۸۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱

۱۷۱۷، ۱۷۳۴، ۱۷۷۵، ۱۷۸۱، ۱۷۹۸

ج

جفتانیان: ۱۵۷۹، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲

جلابریان: ۱۵۵۴، ۱۶۵۲، ۱۶۸۴

جتیدیان: ۲۲۶، ۱۷۶۷

خ

خانات بخارا: ۵۰

خانات خیوه خوارزم: ۵۰

خانان ازبکیه: ۱۶۷۵

خانان فرارود: ۲۹۳

خانان قریم: ۱۰۹۲، ۱۷۲۵

خانان لار: ۲۲

خاندان ارغونیان: ۴۶۴، ۴۷۲

خاندان اینجو: ۳۷۷

خاندان بابری: ۴۹۵

خاندان بابتدیری: ۵۱

خاندان خواجه ارجاسب امیری رازی: ۴۶۰،

۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۸

خاندان خجندیان: ۸۱۸

خاندان دشتکی شیرازی: ۱۶۲، ۳۰۳

خاندان رسالت: ۱۵۵۳

خاندان رومی: ۱۰۹۴

خاندان شیان: ۵۰

خاندان شیخ مبارک: ۸۴۵

خاندان صفاری: ۱۷۲۵

خاندان قیصره روم: ۱۲۵۲

چ

چاوه‌یی: ۱۵۱۲

چرکس: ۹۵، ۹۶، ۱۰۹

چشتیان: ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۸۴۵

۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۶۲۰

۱۷۶۷

چگل: ۱۲۸

چوپانیان: ۴۲۹، ۱۵۵۹، ۱۶۸۴، ۱۷۲۹

۱۷۳۴

چنگیزیان: ۱۰۱، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۸۷

۱۶۳۹، ۱۶۶۷، ۱۶۸۴، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷

ح

حروفیه: ۱۴۳، ۲۲۶

حشاشین (حشیشیه): رش به شیعیان اسماعیلیه

حکام اردلان: ۱۶۹۵

حکام جزیره: ۱۶۹۵

حکام گجرات: ۱۶۵۸

ر

- خانندان حکام بدلیس: ۱۶۹۲، ۱۶۹۵
 خانندان میرزا جانی بیگ: ۴۶۴
 خانندان مشتمی: ۱۳۹
 خانندان لودی: ۳۷۲
 خانندان هیستاپور: ۱۵۴۴
 خواندیه: ۶۶۳
 خانقاهیان: ۵۲۰
 خوارزمشاهیان آل اتمز: ۱۰۱، ۱۵۸۷،
 ۱۶۳۹، ۱۶۵۷، ۱۶۸۴
 خوارج سیستان: ۵۸۶
 خوارجیان: ۱۵۷، ۵۸۶
 خواندگار (عنوان سلاطین عثمانی): ۱۹،
 ۴۴، ۵۷، ۶۸، ۷۴، ۵۰۶، ۵۰۹
 خوانین جغتای: ۱۶۷۵
 خلوتیه: ۲۲۱
 خلفای راشدین: ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۹،
 ۱۵۸۵، ۱۶۳۹، ۱۶۸۴، ۱۷۲۹، ۱۷۳۳،
 ۱۷۳۴، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷
 خراسانیان: ۱۵۰۹
 رافضیان: رش به شمیمان
 روشیان: ۱۴۸۰
 رفاعیه: ۲۲۱
 روادیان: ۴۲۸
 روس‌ها: ۲۴، ۲۵، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۵۶،
 ۱۰۷
 روملو: ۹۲، ۹۳، ۱۳۰، ۱۴۳، ۴۲۳
 رومیان: ۱۶۵، ۴۲۰

ز

- زرامیه (صوفیه): ۲۱۹
 زردپوستان: ۶۳، ۶۸
 زرتشتیان: ۱۳۳، ۱۸۹، ۳۱۱، ۳۷۹،
 ۳۸۰، ۱۴۷۷
 زرتشتیان کرمان: ۳۰، ۸۷
 زرتشتیان یزد: ۳۰، ۸۷
 زروانیان: ۲۱۹
 زندیان: ۶۸، ۸۱، ۱۳۸، ۲۳۷، ۱۵۱۲
 زندیق: رش به سرخ کلاهان

س

- سادات ادرسیان: ۱۶۱۶
 سادات اردستان: ۷۴۲، ۱۷۵۹
 سادات اسدآباد همدان: ۸۹۲
 سادات اصفهان: ۱۱۱۸
 سادات اسحق: ۱۶۸۱
 سادات اسماعیلیه: ۱۶۵۷

د

- داغستانیان: ۳۰
 درویشان: ۲۱۱
 دهریه: ۲۱۹
 دیلمیان: ۱۶۸۴

ذ

- ذوالقدر: ۱۳۰، ۱۴۳، ۴۲۳

۰۷۱، ۰۷۲، ۰۷۳، ۰۹۰، ۰۹۲، ۰۹۳، ۰۹۴، ۰۹۵	سادات تهران: ۱۲۲۳
۰۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۰۸	سادات حسنی: ۳۷۷
۰۱۰۹، ۰۱۳۰، ۰۱۳۱، ۰۱۳۵، ۰۱۴۳، ۰۱۴۵	سادات خواندیه: ۶۶۳
۰۱۴۹، ۰۱۵۰، ۰۱۵۱، ۰۱۵۲، ۰۱۵۴، ۰۱۵۵	سادات دستغیبیه: ۱۰۱۳
۰۱۵۶، ۰۱۵۸، ۰۱۵۹، ۰۱۶۰، ۰۱۶۳، ۰۱۶۴	سادات دشتکی شیرازی: ۱۶۰۶
۰۱۶۷، ۰۱۷۰، ۰۱۷۴، ۰۱۹۵، ۰۲۰۲، ۰۲۲۱	سادات رضویه: ۴۷۵
۰۲۲۹، ۰۲۷۹، ۰۲۷۹، ۰۲۸۰، ۰۲۹۷، ۰۳۵۶	سادات سیفی: ۱۶۳۴، ۰۶۸۰
۰۴۲۳، ۰۴۲۴، ۰۴۲۵، ۰۴۲۶، ۰۴۳۱، ۰۴۵۰	سادات طباطبایی قهپایه: ۱۷۶۰، ۰۱۷۵۹
۰۴۹۵، ۰۵۰۸، ۰۵۰۹، ۰۵۲۱	سادات طباطبایی قم: ۶۹۱
سلاطین ازبکیه: ۱۴۴۵	سادات طبرستان: ۰۱۵۱۴، ۱۶۱۶
سلاطین بهمنی: ۰۹۰۳، ۱۶۵۸	سادات کوه کیلویه فارس: ۱۳۶۷
سلاطین عادلشاهی: ۰۴۴۵، ۰۴۴۶، ۰۴۴۷	سادات گناباد: ۷۱۸
۰۴۴۸، ۰۴۹۱، ۰۵۷۹	سادات گیلان: ۱۶۱۶
سلاطین آل عثمان: ۰۱۶۹۳، ۰۱۶۹۵، ۰۱۷۲۹	سادات میانکال: ۷۵۵
۱۷۳۴	سادات ممشع خوزستان: ۱۷۰۷
سلاطین احمدنگر: ۱۷۱۱	سادات موسوی قم: ۱۳۷۳
سلاطین اوزبیک: ۰۱۵۵۴، ۰۱۵۷۷، ۱۶۰۶	سادات همدان: ۸۷۶
سلاطین نگال: ۰۱۷۰۴، ۰۱۷۱۱، ۱۷۴۱	ساسانی: ۰۲۸، ۰۳۷، ۰۳۸، ۰۶۴، ۰۶۵، ۰۶۸
سلاطین بیجاپور: ۱۷۱۱	۰۱۵۵، ۰۲۳۰، ۰۱۵۵۱، ۰۱۶۱۹، ۰۱۶۶۷، ۰۷۰
سلاطین ترکستان: ۱۶۵۶	۱۷۸۱
سلاطین تنه: ۱۷۱۱	سامانیان: ۰۶۴، ۰۵۸۶، ۰۱۵۵۴، ۰۱۵۶۱
سلاطین جونپور: ۰۱۷۰۴، ۰۱۷۱۱، ۱۷۴۱	۰۱۶۱۹، ۰۱۶۳۹، ۰۱۶۵۷، ۰۱۶۶۷، ۰۱۶۸۷
سلاطین خاندیس: ۱۷۴۱	۱۷۸۱
سلاطین خلجی: ۰۱۶۵۸، ۱۷۳۴	سران روملو: ۱۶۶۹
سلاطین دکن: ۰۱۷۱۱، ۱۷۳۳	سران غورغرجستان: ۱۶۵۷
سلاطین دعلی: ۰۱۶۵۸، ۰۱۷۱۱، ۱۷۳۳	سربداران: ۰۱۵۵۹، ۰۱۶۸۴، ۱۷۳۹
سلاطین رومیه: ۱۶۷۵	سرخ کلامان: ۰۰۷، ۰۱۱، ۰۱۲، ۰۱۳، ۰۱۵، ۰۱۶
سلاطین سند: ۱۷۱۱	۰۱۷، ۰۱۸، ۰۱۹، ۰۲۰، ۰۲۲، ۰۳۰، ۰۳۴، ۰۳۵
سلاطین عادلخانی: ۱۷۱۱	۰۴۳، ۰۴۴، ۰۵۰، ۰۶۰، ۰۶۱، ۰۶۴، ۰۶۶، ۰۶۷
سلاطین فاروقی برهانپور: ۱۷۱۱	

سلاطین قطب‌الملکی: ۱۷۱۱
 سلاطین کشمیر: ۱۷۱۱، ۱۷۴۱
 سلاطین گجرات: ۱۷۱۱، ۱۷۴۱
 سلاطین گلگنده: ۱۵۷۶
 سلاطین لاهور: ۱۷۱۱
 سلاطین مالابار: ۱۷۱۱
 سلاطین مالوه: ۱۷۱۱، ۱۷۴۱
 سلاطین مولتان: ۱۷۱۱، ۱۷۴۱
 سلاطین مندو: ۱۷۱۱
 سلاطین هندوستان: ۱۵۵۱، ۱۶۵۸، ۱۷۱۰
 سلجوقیان: ۷۷، ۱۴۱، ۱۷۴، ۱۹۹۵،
 ۱۴۵۸، ۱۵۵۴، ۱۵۸۱، ۱۶۱۹، ۱۶۳۹،
 ۱۶۵۷، ۱۶۸۴، ۱۶۸۴، ۱۷۳۳
 سلسه شاه نستاقللی: ۱۳۱۱
 سلسه قادریان: ۱۲۴۸، ۱۲۳۴، ۱۲۸۶،
 ۱۳۱۳، ۱۴۰۹، ۱۴۱۳
 سلسه لودی: ۱۵۷۲، ۱۷۱۲
 سلسه محلی هند: ۱۷۱۷، ۱۷۳۳
 سلسه نقشبندیه: ۱۳۴۱
 سنیان: ۹، ۲۷، ۲۸، ۳۹، ۴۳، ۴۴، ۵۰،
 ۵۱، ۶۵، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۱۰۲، ۱۳۲،
 ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴،
 ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳،
 ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹،
 ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳،
 ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۲۱،
 ۲۲۴، ۲۳۹، ۲۴۷، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۹،
 ۲۸۰، ۳۰۴، ۳۵۵، ۳۹۶، ۵۰۸، ۵۰۹،
 ۱۵۸۰، ۱۵۸۵

ش

شاعران پارسی‌گوی: ۴۶
 شاعران ذواللسانین: ۴۲۵
 شافعیان: ۱۱۹، ۱۳۲، ۱۴۱، ۳۰۴، ۱۴۸۵
 شاملو: ۲۰، ۲۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۱۰۱،
 ۱۳۰، ۱۴۳، ۴۲۳، ۵۰۳، ۸۲۸، ۱۱۱۱
 شریفیان مکه: ۱۶۱۶
 شروانشاهان: ۶۴
 شیرشاهیان دهلی: ۴۲۱، ۴۴۹
 شیانیان: ۱۵۷۷، ۱۷۳۴
 شیعه دوازده امامی: ۴۴، ۶۲، ۶۶، ۷۰،
 ۸۵، ۸۶، ۹۷، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۳،
 ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۵۰، ۱۵۸، ۱۶۸،
 ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰،
 ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۱۷، ۲۲۹،
 ۲۴۰، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۲،
 ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۴، ۳۷۴، ۳۸۴، ۳۸۶،
 ۳۹۳، ۳۹۵، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۲۹، ۳۳۹،
 ۳۵۴، ۳۷۳، ۳۷۷، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۷۰،
 ۴۷۳، ۴۷۶، ۴۷۷، ۶۲۲، ۶۲۴
 شیعه زیدیه: ۲۵۲، ۲۵۳
 سنیان ازبک: ۱۶۳

۰۱۶۲ ۰۱۵۶ ۰۱۵۵ ۰۱۵۴ ۰۱۵۰ ۰۱۴۹
 ۰۱۷۱ ۰۱۷۰ ۰۱۶۸ ۰۱۶۶ ۰۱۶۴ ۰۱۶۳
 ۰۱۷۸ ۰۱۷۷ ۰۱۷۶ ۰۱۷۵ ۰۱۷۴ ۰۱۷۲
 ۰۱۹۸ ۰۱۹۰ ۰۱۸۷ ۰۱۸۶ ۰۱۸۵ ۰۱۸۳
 ۰۲۰۰ ۰۲۰۸ ۰۲۰۵ ۰۲۰۴ ۰۲۰۲ ۰۲۰۱
 ۰۲۳۶ ۰۲۳۴ ۰۲۳۳ ۰۲۳۲ ۰۲۳۰ ۰۲۲۹
 ۰۲۴۳ ۰۲۴۲ ۰۲۴۱ ۰۲۳۹ ۰۲۳۸ ۰۲۳۷
 ۰۲۶۱ ۰۲۵۷ ۰۲۵۶ ۰۲۵۳ ۰۲۵۲ ۰۲۴۴
 ۰۲۷۸ ۰۲۷۴ ۰۲۶۹ ۰۲۶۷ ۰۲۶۶ ۰۲۶۲
 ۰۲۹۳ ۰۲۹۰ ۰۲۸۳ ۰۲۸۱ ۰۲۸۰ ۰۲۷۹
 ۰۳۶۳ ۰۳۵۵ ۰۳۵۴ ۰۳۴۳ ۰۲۹۷ ۰۲۹۵
 ۰۴۲۲ ۰۴۲۱ ۰۴۱۸ ۰۳۹۸ ۰۳۹۱ ۰۳۶۷
 ۰۴۳۱ ۰۴۲۹ ۰۴۲۷ ۰۴۲۶ ۰۴۲۵ ۰۴۲۳
 ۰۴۴۳ ۰۴۳۷ ۰۴۳۶ ۰۴۳۴ ۰۴۳۳ ۰۴۳۲
 ۰۴۹۵ ۰۴۹۳ ۰۴۹۱ ۰۴۵۷ ۰۴۵۰ ۰۴۴۴
 ۰۵۰۷ ۰۵۰۳ ۰۵۰۲ ۰۴۹۹ ۰۴۹۷ ۰۴۹۶
 ۰۵۱۸ ۰۵۱۶ ۰۵۱۲ ۰۵۱۱ ۰۵۰۹ ۰۵۰۸
 ۰۵۵۱ ۰۵۵۰ ۰۵۴۹ ۰۵۲۹ ۰۵۲۳ ۰۵۲۲
 ۰۵۷۱ ۰۵۶۹ ۰۵۶۸ ۰۵۵۹ ۰۵۵۴ ۰۵۵۲
 ۰۶۰۴ ۰۵۹۸ ۰۵۹۷ ۰۵۹۵ ۰۵۸۴ ۰۵۷۵
 ۰۶۱۱ ۰۶۱۰ ۰۶۰۹ ۰۶۰۸ ۰۶۰۷ ۰۶۰۶
 ۰۶۲۷ ۰۶۲۶ ۰۶۲۵ ۰۶۲۳ ۰۶۲۲ ۰۶۲۱
 ۰۶۳۸ ۰۶۳۷ ۰۶۳۶ ۰۶۳۱ ۰۶۳۰ ۰۶۲۸
 ۰۶۹۶ ۰۶۹۵ ۰۶۸۶ ۰۶۸۵ ۰۶۸۱ ۰۶۷۵
 ۰۷۶۷ ۰۷۶۵ ۰۷۴۷ ۰۷۴۲ ۰۷۱۸ ۰۷۰۴
 ۰۹۸۹ ۰۹۷۰ ۰۹۶۲ ۰۹۵۰ ۰۷۷۹ ۰۷۷۷
 ۰۱۰۷۱ ۰۱۰۷۰ ۰۱۰۶۲ ۰۱۰۴۸ ۰۱۰۴۳
 ۰۱۲۷۲ ۰۱۲۱۳ ۰۱۱۵۹ ۰۱۰۹۸ ۰۱۰۷۷
 ۰۱۳۶۹ ۰۱۳۴۷ ۰۱۲۷۹ ۰۱۲۷۸ ۰۱۲۷۶
 ۰۱۴۴۶ ۰۱۴۴۴ ۰۱۴۴۱ ۰۱۴۱۹ ۰۱۴۱۸

شیمه غالیه: ۱۳۳

شیمیان: ۰۴۴ ۰۸۷ ۰۸۸ ۰۸۹ ۰۹۲ ۰۱۳۲
 ۰۱۳۴ ۰۱۳۶ ۰۱۴۰ ۰۱۴۱ ۰۱۵۹ ۰۱۶۰
 ۰۱۶۴ ۰۱۶۵ ۰۱۶۶ ۰۱۶۷ ۰۱۶۸ ۰۱۶۹
 ۰۱۹۵ ۰۱۹۷ ۰۲۰۳ ۰۲۰۴ ۰۲۳۶ ۰۲۴۰
 ۰۲۴۱ ۰۲۴۷ ۰۲۵۳ ۰۲۵۴ ۰۲۵۸ ۰۲۵۹
 ۰۲۶۱ ۰۲۶۳ ۰۲۶۷ ۰۲۷۰ ۰۲۷۴ ۰۲۸۰
 ۰۲۹۵ ۰۳۲۴ ۰۳۳۹ ۰۵۸۴ ۰۵۸۶ ۰۵۸۹
 شیمیان اسماعیلیه: ۰۱۲۱ ۰۱۲۲ ۰۱۳۳ ۰۲۴۹
 ۰۲۷۴ ۰۲۸۴ ۰۳۳۷ ۰۴۴۸

ص

صادقیان: ۱۴۸۰

صغاریان: ۰۲۹ ۰۶۴ ۰۵۸۶ ۰۱۵۵۴ ۰۱۵۶۰
 ۰۱۶۳۹ ۰۱۶۸۴
 صفوی: رش به صفویان
 صفویان: ۰۷ ۰۸ ۰۹ ۰۱۰ ۰۱۹ ۰۲۰ ۰۲۱
 ۰۲۲ ۰۲۳ ۰۲۴ ۰۲۵ ۰۲۸ ۰۲۹ ۰۳۰ ۰۳۱
 ۰۳۲ ۰۳۳ ۰۳۴ ۰۳۵ ۰۳۶ ۰۳۷ ۰۳۸ ۰۳۹
 ۰۴۰ ۰۴۱ ۰۴۲ ۰۴۳ ۰۴۴ ۰۴۵ ۰۴۶ ۰۴۹
 ۰۵۰ ۰۵۱ ۰۵۲ ۰۵۳ ۰۵۴ ۰۵۶ ۰۵۷ ۰۵۹
 ۰۶۱ ۰۶۲ ۰۶۳ ۰۶۵ ۰۶۷ ۰۶۸ ۰۶۹ ۰۷۰
 ۰۷۲ ۰۷۳ ۰۷۴ ۰۷۵ ۰۷۶ ۰۷۷ ۰۷۹ ۰۸۰
 ۰۸۱ ۰۸۲ ۰۸۳ ۰۸۴ ۰۸۵ ۰۸۶ ۰۸۷ ۰۸۸
 ۰۸۹ ۰۹۰ ۰۹۱ ۰۹۲ ۰۹۴ ۰۹۵ ۰۹۶ ۰۹۸
 ۰۱۰۰ ۰۱۰۱ ۰۱۰۳ ۰۱۰۴ ۰۱۰۵ ۰۱۰۷
 ۰۱۰۸ ۰۱۰۹ ۰۱۱۰ ۰۱۱۱ ۰۱۱۵ ۰۱۱۷
 ۰۱۱۸ ۰۱۲۲ ۰۱۲۳ ۰۱۲۶ ۰۱۲۷ ۰۱۳۰
 ۰۱۳۱ ۰۱۳۱ ۰۱۳۲ ۰۱۳۳ ۰۱۳۶ ۰۱۳۸
 ۰۱۳۹ ۰۱۴۰ ۰۱۴۲ ۰۱۴۳ ۰۱۴۷ ۰۱۴۸

صوفیان قادری هند: ۳۶۰	۰۱۴۶۲ ۰۱۴۶۰ ۰۱۴۵۸ ۰۱۴۵۲ ۰۱۴۴۹
صوفیان قراچه داغ: ۱۳۰	۰۱۴۷۶ ۰۱۴۷۱ ۰۱۴۶۸ ۰۱۴۵۶ ۰۱۴۶۴
صوفیان کرد: ۹۴	۰۱۵۱۰ ۰۱۵۰۹ ۰۱۵۰۴ ۰۱۴۸۲ ۰۱۴۸۳
صوفیان مولویه: رش به مولویان	۰۱۵۱۸ ۰۱۵۱۶ ۰۱۵۱۴ ۰۱۵۱۲ ۰۱۵۱۱
صوفیان نقشبندیه: ۶۵۷، ۷۱۴، ۷۵۶	۰۱۵۳۰ ۰۱۵۲۲ ۰۱۵۲۱ ۰۱۵۲۰ ۰۱۵۱۹
صوفیان نوربخشی: ۶۸۱	۰۱۵۶۱ ۰۱۵۵۴ ۰۱۵۵۱ ۰۱۵۵۰ ۰۱۵۳۳
صوفیان هندی: ۸۴۲	۰۱۵۶۶ ۰۱۵۶۵ ۰۱۵۶۴ ۰۱۵۶۳ ۰۱۵۶۲
صوفیه: ۳۱، ۷۳، ۹۴، ۱۸۱، ۱۹۰، ۱۹۲	۰۱۵۹۱ ۰۱۵۸۴ ۰۱۵۸۰ ۰۱۵۶۹ ۰۱۵۶۷
۰۱۹۳ ۰۲۰۱ ۰۲۰۳ ۰۲۰۴ ۰۲۰۵ ۰۲۰۶	۰۱۶۰۹ ۰۱۶۰۶ ۰۱۵۹۹ ۰۱۵۹۴ ۰۱۵۹۲
۰۲۰۷ ۰۲۰۸ ۰۲۰۹ ۰۲۱۱ ۰۲۱۲ ۰۲۱۳	۰۱۶۳۹ ۰۱۶۳۳ ۰۱۶۲۵ ۰۱۶۲۵ ۰۱۶۱۶
۰۲۱۴ ۰۲۱۵ ۰۲۱۸ ۰۲۱۹ ۰۲۲۱ ۰۲۲۵	۰۱۶۶۲ ۰۱۶۵۲ ۰۱۶۴۶ ۰۱۶۴۱ ۰۱۶۴۰
۰۲۲۷ ۰۲۸۳ ۰۳۵۴ ۰۳۹۰ ۰۵۲۰	۰۱۶۷۹ ۰۱۶۷۵ ۰۱۶۶۹ ۰۱۶۶۷ ۰۱۶۶۳
صوفیه بکتاشی: رش به بکتاشیان	۰۱۷۰۱ ۰۱۶۹۹ ۰۱۶۹۲ ۰۱۶۸۴ ۰۱۶۸۰
صوفیه حروفیه: ۱۳۹	۰۱۷۲۹ ۰۱۷۱۷ ۰۱۷۱۴ ۰۱۷۱۳ ۰۱۷۰۹
	۰۱۷۷۵ ۰۱۷۷۴ ۰۱۷۴۳ ۰۱۷۳۴ ۰۱۷۳۳
	۰۱۷۸۶ ۰۱۷۸۵ ۰۱۷۸۳ ۰۱۷۸۲ ۰۱۷۸۱
	۱۷۸۹ ۰۱۷۸۷

ط

صوفیان: رش به صوفیه

صوفیان تکه ایلی: ۱۶۵

صوفیان دوازده امامی: ۲۱۰

صوفیان مرشدیه: ۱۰۴۸

صوفیان روم: ۱۳۰، ۱۶۵

صوفیان سبزواری: ۱۳۵

صوفیان سرخ کلاه: ۲۲۱، ۲۰۲

صوفیان سنی: ۲۲۱

صوفیان شام: ۱۳۰

صوفیان شیعی: ۱۶۵، ۲۲۰، ۲۳۱

صوفیان صفوی: ۶۵، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۹

۰۱۴۳ ۰۱۴۴ ۰۱۴۵ ۰۱۴۶ ۰۱۵۴ ۰۲۰۱

۲۰۲

طاهریان: ۱۵۵۹، ۱۶۳۹، ۱۶۸۴، ۱۷۱۹

ع

عادلشاهیان: ۶۶۴، ۹۰۲، ۹۳۲، ۹۵۱

۰۹۷۸ ۰۱۱۲۰ ۰۱۱۷۱ ۰۱۱۹۶ ۰۱۵۷۶

۰۱۶۵۹ ۰۱۷۱۰ ۰۱۷۱۱

عالمان اخباری: ۲۲۰

عالمان اصولی: ۲۲۰

عالمان ایرانی: ۴۶۰

عالمان جبل عامل: ۲۴۳

عالمان دوازده امامی: ۲۲۰

۱۵۷۶، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۱۷، ۱۶۶۷،

۱۶۷۵، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۷۱۷، ۱۸۰۷

عربان: رش به تازیان

عشیره روجکی: ۱۶۹۲

عمادشاهیان: ۴۴۶، ۱۶۵۹، ۱۷۱۱

عمالقه: ۱۵۵۲، ۱۷۳۴

عیسویان: ۵۲، ۱۰۰

عالمان سنی: ۵۰، ۸۹، ۱۶۵، ۱۷۶، ۱۹۴

۲۴۷، ۲۵۵، ۲۶۰، ۴۱۸

عالمان شرعی: رش به عالمان مذهبی

عالمان شیعه: ۲۰۵، ۲۱۷، ۲۴۱، ۲۴۲

۲۴۳، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۹

۲۶۰، ۲۷۲، ۲۸۰، ۲۸۶، ۳۳۱، ۳۳۴

۳۳۷، ۳۳۹، ۳۶۷، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸

عالمان مذهبی: ۱۰، ۱۶، ۲۳، ۲۶، ۲۸

۸۹، ۱۲۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱

۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸

۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴

۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲

۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۳

۲۰۴، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۹

۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۰

۲۴۱، ۲۴۳، ۲۵۳، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۷

۲۶۸، ۲۷۵، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۹۳، ۲۹۶

۳۲۰، ۳۳۲، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۵۳

۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۶۲

۴۹۲، ۴۹۵، ۵۲۱، ۶۲۲

عالمیان: ۱۹۲، ۲۴۳

عثمانیها: ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۸

۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۳، ۳۸

۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۲

۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۵، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱

۷۲، ۷۴، ۷۵، ۹۰، ۹۱، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۷

۱۰۸، ۱۱۷، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۵۴، ۱۶۱

۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۹۳، ۱۹۸

۱۹۹، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۳۱، ۲۳۳، ۴۴۳

۵۰۴، ۵۰۸، ۱۵۵۱، ۱۵۵۵، ۱۵۶۴

غ

غاویه: ۲۱۹

غز: ۴۶، ۱۲۸

غزنویان: ۱۷۴، ۱۹۵، ۱۴۵۸، ۱۵۵۴

۱۵۵۸، ۱۵۸۷، ۱۶۱۹، ۱۶۳۹، ۱۶۸۴

۱۷۱۱، ۱۷۴۲، ۱۷۳۳

غزالیان قندهار: ۲۹

غوریان: ۱۴۵۸، ۱۵۵۸، ۱۵۷۱، ۱۵۸۷

۱۶۳۹، ۱۶۸۴، ۱۷۳۴

ف

فارسی دالان هند: ۳۷۱

فرانسویان: ۳۵، ۴۷، ۵۵، ۶۵، ۷۹

فرقه مومنیه: ۶۶۳

فرقه نزاریه: رش به نزاریان

فرنگیان: ۱۵۷، ۱۷۴، ۲۷۵، ۱۵۵۲، ۱۵۶۰

۱۷۳۴

فدائیان: رش به شیعیان اسمعیلی

فغفوران چین: ۱۷۲۴

ق

۰۹۹۳، ۰۱۰۳۳، ۰۱۱۱۹، ۰۱۴۹۲، ۰۱۴۹۷،
 ۰۱۵۵۶، ۰۱۵۸۳، ۰۱۵۵۸، ۰۱۶۳۰، ۰۱۶۵۵،
 ۱۶۵۹

قلندریه: ۰۱۹۴، ۰۲۱۱، ۰۲۱۲
 قورجیان: ۰۶۶۴، ۰۱۴۴۸، ۱۶۲۹
 قیصره روم: ۰۱۵۶۰، ۱۶۵۵

ک

کبرویه: ۰۲۲۷، ۱۷۶۷
 کرائیت: ۱۲۸
 کردان: ۲۲
 کردان سنی: ۰۷۲، ۱۶۵
 کلدانیان: ۰۱۵۵۲، ۱۷۳۴
 کیانیان: ۰۱۶۳۹، ۰۱۶۵۶، ۱۶۶۷
 گیاهای مازندران: ۱۵۱۴
 کیماک: ۰۶۴، ۱۲۸
 کورو: ۰۱۵۴۴، ۱۵۴۵

گ

گبران: ۰۸۶، ۰۱۰۰، ۰۱۹۰، ۰۸۴۶، ۰۸۴۷
 گرجیان: ۰۲۶، ۰۲۸، ۰۹۵، ۰۱۰۰، ۱۰۰۴
 گورکانیان هند: ۰۱۳، ۰۱۴، ۰۲۵، ۰۳۳، ۰۴۳،
 ۰۴۶، ۰۴۷، ۰۴۸، ۰۴۹، ۰۵۹، ۰۶۳، ۰۸۳، ۰۱۳۱،
 ۰۱۹۲، ۰۱۹۹، ۰۲۰۰، ۰۲۷۶، ۰۲۷۹، ۰۳۵۲،
 ۰۳۵۳، ۰۳۵۹، ۰۳۶۷، ۰۳۹۷، ۰۴۰۹، ۰۴۲۱،
 ۰۴۴۳، ۰۴۴۴، ۰۴۴۵، ۰۴۴۹، ۰۴۵۰، ۰۴۵۶،
 ۰۴۵۷، ۰۴۵۸، ۰۴۶۲، ۰۴۶۳، ۰۴۶۴، ۰۴۶۹

قاجاریه: ۰۴۲، ۰۶۲، ۰۶۸، ۰۷۷، ۰۸۱، ۰۸۹، ۰۹۲،
 ۰۹۳، ۰۱۳۰، ۰۱۳۱، ۰۱۳۸، ۰۱۴۳، ۰۲۳۸،
 ۰۲۹۳، ۰۳۷۲، ۰۴۲۳، ۰۶۲۴، ۰۱۵۱۱، ۰۱۵۱۲،
 ۱۸۰۸
 قادریه: ۰۱۹۲، ۰۲۱۴، ۰۲۲۱، ۰۲۲۷، ۰۲۳۸،
 ۰۳۶۰، ۰۳۶۶، ۰۱۵۸۲، ۰۱۵۸۴، ۰۱۵۸۵،
 ۱۷۶۶، ۱۷۶۷
 قاسمیه: ۶۶۳

قبیله افشار: ۷۳۶
 قبیله ترکمانان: ۷۳۰
 قپچاقیان: ۰۶۴، ۰۱۲۸، ۰۱۳۰، ۱۴۳
 قراجه داغیان: ۱۴۳
 قراختانیان: ۰۶۴، ۰۱۵۵۹، ۰۱۶۳۹، ۰۱۶۵۷،
 ۱۶۸۴، ۱۶۶۷
 قراغز: ۱۲۸
 قراقویونلو: ۰۴۴، ۰۵۱، ۰۹۲، ۰۴۲۳، ۰۴۶۹،
 ۰۱۵۵۹، ۰۱۶۱۶، ۰۱۶۳۹، ۰۱۶۵۲، ۰۱۶۵۸،
 ۰۱۶۸۴، ۰۱۷۱۷، ۰۱۷۲۹، ۰۱۷۳۴، ۰۱۷۴۱،
 ۱۷۷۵

قرامانلو: ۰۱۳۰، ۱۴۳
 قرخلو: ۳۹
 قرشی: ۱۵۹
 قرقیز: ۱۲۸
 قرمطیان: ۰۱۳۵، ۲۷۴
 قزل برک: رش به سرخ کلاهان
 قزلباش: رش به سرخ کلاهان
 قطب شاهیان: ۰۲۲۰، ۰۳۶۴، ۰۳۸۴، ۰۴۰۳،
 ۰۴۵۵، ۰۴۴۶، ۰۴۹۱، ۰۵۷۶، ۰۵۹۶، ۰۵۹۷

۱۵۴۵
 مسیحیان: ۱۳۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۳۶۱
 ۱۶۱۷، ۱۴۸۰، ۸۴۶
 مسیحیان گرجستان: ۱۰۰، ۱۶۷۲
 مشائیان: ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۱۲
 ۳۳۵

مشایخ دهلی: ۱۷۴۷
 مشایخ صوفیه: ۱۵۵۱، ۱۵۸۴
 مشایخ گجرات: ۱۷۴۷
 مشایخ صفوی: رش به صوفیان صفوی
 مشمشیان: ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۳
 مشکین: ۱۳۰، ۱۴۳
 مصریان: ۱۱۹

معتزلیان: ۱۸۲، ۲۲۴، ۲۸۴، ۲۹۶، ۳۰۷
 ۱۴۷۸، ۳۲۴
 معماگویان: ۳۹۸
 منولان: ۶، ۳۹، ۵۰، ۶۴، ۶۷، ۱۱۵
 ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۵
 ۱۹۰، ۲۹۲، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۹، ۴۴۳
 ۱۷۹۸، ۱۴۴۴، ۵۰۹

منول کبیر هند: رش به گورکانیان هند
 منول هند: رش به گورکانیان هند
 ملایان: ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۱۸۱، ۴۵۰

ملوک کرت: ۱۶۳۰
 ملوک عجم: ۱۶۵۶
 موصلوی ترکمانان: ۴۹۵
 مولویان: ۲۲۱، ۲۲۳، ۵۰۸
 مولویان سنی: ۲۲۱

ل

لزگی: ۳۷
 لزگیان داغستان: ۴۱
 لودیان: ۴۲۱، ۴۴۹

م

مأجوج: ۱۶۴۹، ۱۶۹۱
 مالابایی: ۱۵۱۲
 مبتدعه (صوفیه): ۲۱۹
 متکلمان معتزلی: ۲۸۴
 مجوسیان: رش به زردتشتیان
 مرتضویه: ۱۶۸۰
 مرشدان: ۲۲۱

مرشد کامل (سلاطین صوفیه): ۱۶، ۱۹، ۳۳، ۳۴، ۵۴، ۸۷، ۹۲، ۹۳، ۹۶، ۱۲۹
 ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹
 ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷
 ۲۰۲، ۱۵۸

مرشدیه کازرونیه: ۲۲۱
 مزدپرستان: ۸۶

مسلمانان: ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۶۸
 ۱۸۲، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۴۷، ۲۷۹، ۴۶۲
 ۶۰۳، ۱۴۵۳، ۱۴۸۰، ۱۴۹۳، ۱۵۱۷

ن

هندوان: ۱۴، ۱۸۲، ۲۲۸، ۲۷۹، ۳۱۱،
 ۳۹۴، ۳۹۶، ۴۲۱، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۶۲،
 ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۹۰، ۶۰۰، ۸۴۷ و ۸۴۷،
 ۸۸۴، ۱۲۳۸، ۱۲۶۲، ۱۴۵۳، ۱۴۷۹،
 ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷،
 ۱۵۱۲، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۸،
 ۱۵۷۲، ۱۵۷۵، ۱۶۰۲، ۱۶۹۸
 هندوان مسلمان: ۴۸
 هندوان نامسلمان: ۴۸
 هندوکیش: ۱۲۳۷
 هندو نژاد: ۱۲۳۷

نادرمان: ۴۹۷
 ناصیان: رش به سنیان
 نایمان: ۱۲۸
 نزاریان: ۶۶۳، ۶۶۲
 نزاریه صوفیه: ۶۶۵
 نصارا: ۱۴۷۷، ۱۵۶۰
 نظام شاهیان احمدنگر: ۳۷۷، ۴۴۵، ۴۴۶،
 ۴۴۸، ۶۶۴، ۸۱۵، ۹۵۰، ۹۷۸، ۱۶۳۰،
 ۱۶۵۹
 نظام شاهیان دکن: ۱۵۷۵، ۱۵۶۸، ۱۶۵۰،
 نعمة اللیبیان: ۲۲۱

ی

یاجوج: ۱۶۴۹، ۱۶۹۱
 یسما: ۱۲۸
 یزمانیان: ۱۲۳۸
 یونانیان: ۲۸۳، ۱۴۷۷
 یهودیان: ۱۳۳، ۳۴۰، ۸۴۶، ۱۷۱۲

نقشبندیه: ۲۲۱، ۲۲۷، ۱۴۶۰، ۱۵۸۴،
 ۱۷۶۷
 نقطویان: ۲۲۶
 نوربخشیه: ۱۳۹، ۱۴۳، ۶۵۲

و

واحدیه: ۱۴۸۰، ۱۴۸۳
 وحدتیه: ۲۱۹
 ورساق: ۱۳۰، ۱۴۳

ه

هاشمشاهی: ۶۵۴
 هرویان: ۱۵۹
 هلندیان: ۴۸، ۵۲، ۷۹

منتشر کرده‌ایم:

- تاریخ ادبیات در ایران (جلد اول)
تالیف دکتر ذبیح‌الله صفا / ۷۲۶ صفحه / ۳۰۰۰ ریال
- تاریخ ادبیات در ایران (جلد دوم)
تالیف دکتر ذبیح‌الله صفا / ۱۱۴۴ صفحه / ۴۰۰۰ ریال
- تاریخ ادبیات در ایران (جلد سوم - بخش اول و دوم)
تالیف دکتر ذبیح‌الله صفا / ۱۴۸۶ صفحه / ۳۷۰۰ ریال
- تاریخ ادبیات در ایران (جلد چهارم)
تالیف دکتر ذبیح‌الله صفا / ۶۲۴ صفحه / ۲۲۰۰ ریال
- تاریخ ادبیات در ایران (جلد پنجم - بخش اول)
تالیف دکتر ذبیح‌الله صفا / ۶۵۶ صفحه / ۲۷۰۰ ریال
- تاریخ ادبیات در ایران (جلد پنجم - بخش دوم)
تالیف دکتر ذبیح‌الله صفا / ۷۸۶ صفحه / ۲۷۰۰ ریال
- تاریخ ادبیات در ایران (جلد پنجم - بخش سوم)
تالیف دکتر ذبیح‌الله صفا
- تاریخ ادبیات ایران
خلاصه دو بخش جلد سوم از کتاب (تاریخ ادبیات در ایران)
تالیف دکتر ذبیح‌الله صفا / ۳۲۲ صفحه / ۷۵۰ ریال
- گنج و گنجینه
برگزیده دوره گنج سخن و گنجینه سخن
تالیف دکتر ذبیح‌الله صفا / ۷۲۰ صفحه / ۲۲۰۰ ریال
- فرهنگ تلمیحات
(اشارات اساطیری، داستانی، تاریخی و مذهبی در ادبیات فارسی)
تالیف دکتر سیروس شمیسا / ۶۵۲ صفحه / ۲۲۵۰ ریال
- سیر غزل در شعر فارسی
تالیف دکتر سیروس شمیسا / ۳۲۰ صفحه / ۱۲۰۰ ریال
- آشنایی با عروض و قافیه
تالیف دکتر سیروس شمیسا / ۱۲۸ صفحه / ۴۵۰ ریال
- نگاهی تازه به بدیع
تالیف دکتر سیروس شمیسا / ۱۵۲ صفحه / ۸۰۰ ریال
- معانی بیان
تالیف دکتر سیروس شمیسا / زیر چاپ
- آئینه در شعر فرخی، سعلنی و حافظ
ریکارددو زیپولی / ۷۲ صفحه / ۱۵۰
- دیوان سیف فرغانی
با تصحیح و مقدمه دکتر ذبیح‌الله صفا / ۹۱۲ صفحه / ۱۸۵۰ ریال
- ورقه و گلشاه عیوقی
به کوشش دکتر ذبیح‌الله صفا / ۱۷۶ صفحه / ۲۴۰ ریال
- زخمه جنون (مجموعه شعر)
رحمانیان حقیقی / ۱۴۴ صفحه / ۸۰۰ ریال

”

بزرگترین علت گم نام ماندن این صوفی عالیقدر پاکباز زاهد متقی و این شاعر فصیح
 زبان آور در تاریخ ادب فارسی و نزد کسانی که بعد از سده هشتم هجری بغاوتش احوال شاعران
 و عالمان و عارفان ایرانی پرداخته اند، آنست که سیف فرغانی پس از مهاجرت از ایران
 و اقامت در بلاد روم دیگر ب وطن باز گشت و درست در ایام درگذشت که آسیای صغیر در
 زیر سیطرهٔ المغان و بیداد مغولان جولانگاه فقر و پریشانی و بی سامانی گردیده و ارتباط
 بلاد آن با ایران که در قرن هفتم قوت بسیار داشت، بضعف گراییده بود، خاقانکده
 سیف فرغانی همچنانکه گفته ام در شهری کوچک چون آق سرا که بعد از و نیز مرکزیت همین نیا
 زیست و همانجا جهان را بدرود گفت.

“

دیوان سیف فرغانی

تصحیح و تفسیر

دکتر ذبیح الله صفی

**A HISTORY OF
IRANIAN LITERATURE**

VOL. V

**FROM THE BEGINING OF THE 10th
CENTURY TO THE MIDDLE OF THE 12th
CENTURY A.H.**

PART III

BY

**ZABIHOLLAH SAFA LIT. D.
PROFESSOR EMERITUS OF THE
UNIVERSITY OF TEHRAN**



